دورهٔ ششم — آذر ماه ۱۳۵۲ — شمارهٔ صد و سوم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام کنگرهٔ جهانی نیروهای صلح

ما شرکت کنندگان در کنگره جهانی نیرو-های صلح گرد آمده در مسکو ، کلیه مردان و زنان را به متحد ساختن کوششهای خویش بخاطر تأمین صلح عادلانه و پایدار در روی زمین فرامیخوانیم . پیام ما نتیجه بحث و تعمق در باره راهی است که ما را به یك صلح پایدار میرساند . ممکن است نظریات ما از جهات بسیاری با یکدیگر اختلاف داشته باشد . ولی ما همگی در این مسائل اساسی با یکدیگر متفقیم : ضرورت حذف جنگ از جامعه بشری ، تأمین حق کاملا مستقلانه هر ملت در انتخاب راه خویش و استفاده از دست آورد های علم و تکنیك در خدمت پیشرفت اجتماعی .

افق سیاسی بین المللی در پرتو پیروزیهای بدست آمده بوسیله نیرو های صلح در این اواخر روشن شده است . سیاست پر خرج و گرانبار جنگ سرد شروع به عقب نشینی کرده است . بطور واقع بینانه میتوان امید وار بود که نسلهای حال و آینده از کابوس یك فاجعه هسته ای آزاد خواهند شد . جبهه بندی واخلال در روابط بین المللی بتدریج جای خود را بیك همکاری مسالمت جویانه ثمر بخش برای همه و بیك اعتماد روز افزون میان کشور ها خواهد داد .

تاکنون کار های بسیاری انجام شده است ، اما کارهای بسیاری باقی مانده است که باید انجام گیرد. هنوز مناطقی در جهان وجود دارند که در آنها وخامت اوضاع مانند گذشته شدید است ، مناطقی که در آنها کانونهای تجاوز که برای همه بشریت خطرناك اند ، هنوز از میان نرفته اند . گرچه پایه روابط همزیستی مسالمت آمیز در میان کشور های دارای سیستم های اجتماعی مختلف گذاشته شده ، با اینحال کسانی که میخواهند آنچه را که تاکنون بدست آمده نابود سازند و جهان را به دوران جنگ سرد برگردانند هنوز دست اندر کارند . مسابقه تسلیحاتی هنوز پایان نیافته است ، سلاحهای اتمی هنوز نابود نشده اند . هزینه های نظامی

دنباله در صفحه ۲

اعلامیهٔ مشترك در بارهٔ دیدار نمایندگان حزب تودهٔ ایران و حزب کمونیست عراق

دراوائل نوامبرسال ۱۹۷۳ میان هیئت نمایندگی حزب‌توده‌ایران برهبری دبیر اول‌آن رفیق‌ایرج اسکندری و هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق برهبری دبیر اول آن رفیق عزیز محمد ، دیداری صورت گرفت .

هر دو هیئت در محیط دوستانه پیرامون وضع بین المللی ، اوضاع خاور میانه و مناسبات میان دو حزب بر ، مذاکراتی انجام دادند .

هر دو حزب تجاوز وتوسعه طلبی اسرائیل را علیه کشورهای عربی که با حمایت امپریالیسم امریکا همچنان ادامه دارد و صلح را در خاور میانه و در سراسر جهان تهدید میکند محکوم میکنند .

هر دو حزب پشتیبانی خود را از قطعنامه شماره ۳۳۸ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره خروج کامل و بی قید و شرط نیرو های نظامی اسرائیل از تمام نواحی اشغالی عربی ونیز پشتیبانی خود را از مبارزه خلق عرب فلسطین برای باز گشت به میهن و تأمین حق تعیین سر نوشت در سرزمین خویش اعلام میدارند .

هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق مراتب همبستگی خود را با مبارزه خلق ایران و حزب برادر توده ایران علیه رژیم مستبد و ضد دمکراتیك ایران و در راه استقرار یك حکومت ملی و دمکراتیك که بطور فعال علیه امپریالیسم و در راه آزادی ، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه کند و مناسبات با جمهوری عراق را بر بنیاد سیاست حسن همجواری و تأمین منافع هر دو خلق و پیوندهای تاریخی ومبارزه مشترك استوار سازد ابراز میدارد .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران پیشرفتهایی را که در عراق صورت میگیرد و بویژه ملی کردن شرکت نفت عراق ونیز شرکت نفت امریکایی وهلندی در منطقه بصره وهمچنین انعقاد پیمان دوستی وهمکاری میان عراق و اتحاد شوروی و اعلامیه مورخ ۱۱ مارس سال ۱۹۷۰ را در باره حل مسئله کرد با ارزش تلقی میکند . هیئت نمایندگی حزب توده ایران تشکیل جبهه ملی متشکل از حزب کمونیست عراق و حزب سوسیالیست بعث را گام تاریخی مهمی میداند و آنرا نقطه عطفی در راه ترقی جمهوری عراق میشمارد . هیئت نمایندگی حزب توده ایران امید وار است که حزب دمکرات کردستان نیز به جبهه ملی بپیوندد .

هر دو حزب به کامیابیهایی که در تحقق سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشور های دارای نظامهای اجتماعی گوناگون بدست آمده ارج مینهند . تجلی این کامیابیها را میتوان در اقداماتی که در پرتو ابتکارات اتحاد شوروی و تحقق برنامه صلح کنگره ۲٤ حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه کاهش وخامت اوضاع بین المللی ، صورت گرفته است و نیز در دستاوردهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تقویت

دنباله در صفحه ۳

کنگرهٔ عظیم جهانی نیروهای صلح در مسکو

روز ۲۵ اکتبر کنگره جهانی نیرو های صلح با شرکت بیش از سه هزارو پانصد نفر نماینده ، ناظر و میهمان از ٤٤ کشور در کاخ کنگره ها در مسکو گشایش یافت . نمایندگان نه سازمان وابسته بسازمان ملل متحد و ۱۱۷ سازمان بین المللی و منطقه ای از جمله سازمانهای جنبشهای آزادی بخش جهان در این کنگره شرکت کردند . رفیق برژنف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، رفیق پادگورنی صدر شورای عالی‌اتحاد جماهیر شوروی ورفیق کاسیگین نخست وزیر اتحاد شوروی و عده‌ای از شخصیتهای درجه یك کشور شوروی هنگام افتتاح کنگره حضور یافتند .

بدون اغراق تا کنون کنگره ای باین عظمت که در آن نیروهای گوناگون و مختلف العقیده بخاطر امر صلح گرد آمده باشند وجود نداشته است . رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره ترکیب و جامعیت این کنگره در سخنرانی روز ۲٦ اکتبر خود در مقابل کنگره چنین گفت : «تاریخ جنبش اجتماعی بخاطر صلح نمونه های تشویق آمیز بسیاری دارد . اما من باید در اینجا باین عقیده اظهار شده بپیوندم که یك مجمع بین المللی باین وسعت اجتماعی و تا این حد نمایشگر نیرو های گوناگون چون کنگره جهانی حاضر نیروهای صلح ، هیچوقت وجود نداشته است . »

در این کنگره نمایندگان احزاب و جنبشهای اجتماعی با خط مشی های گوناگون سیاسی و عقاید مختلف مذهبی حتی نمایندگان آن محافل تجاری کشورهای سرمایه داری که جانبدار همکاری سودبخش بین تمام کشور های روی زمین هستند ، نیز حضور داشتند . این نیروهای مختلف را یك امر که سرنوشت تمام بشریت بدان بستگی دارد بهم پیوند داده و در مسکو پایتخت کشور صلحدوست اتحاد جماهیرشوروی جمع کرده بود . این امر مشترك و حیاتی نفرت از جنگ و علاقه بصلحی عادلانه و پایدار است که بر اساس امنیت ، آزادی و استقلال ملل استوار باشد . صلحی که جامعه بشری را از خطر نابود کننده‌ووحشت‌زای سلاحهای هسته‌ای برهاند ، صلحی که به کشور های در حال رشد امکان تکامل سریع‌اقتصادی واجتماعی را برای رفع عقب ماندگی وتعیین سرنوشت خودبدست خویش ، ارزانی دارد . برای همکاری و مبارزه مشترك در راه چنین صلحی ، چنین کنگره بیمانندی بوجودآمد که در تدارك آن نمایندگان بیش از پنجاه کشور در مدتی نزدیك بدو سال کوشش‌مجدانه بعمل آورده بودند.

ضمن صدها پیام تبریك که از رؤسای کشورها ، از سازمانهای بین المللی وشخصیتهای بر جسته از هر گوشه جهان به کنگره رسید از جمله پیام گرم «کورت والت هایم» دبیر کل سازمان ملل متحد بود که ازطرف نماینده شخصی‌او در کنگره قرائت گردید. این پیام چنین آغاز میشود : «با شادمانی فراوان سلام گرم وبهترین آرزوهای‌خود را بکنگره جهانی نیروهای صلح که شرکت کنندگان در آن از تمام مناطق‌روی زمین گرد آمده و نماینده طیف وسیعی از سازمانهای بین‌المللی و ملی هستند و فعالیت خود را در خدمت بصلح و رفاه تمام جامعه بشری گذارده اند ، تقدیم میدارم . »

جلسه پیش از ظهر روز ۲٦ اکتبر کنگره بابراز همدردی با نیرو های دموکراتیك شیلی در مبارزه علیه فاشیزم برای‌آزادی ورشد اجتماعی وصلح اختصاص یافت . در این جلسه همسر و همرزم سالوادر آلینده ، بانو هورتنسیا آلینده ، سخنرانی شور انگیزی‌ایراد کرد. هنگامیکه او آخرین گفته های سالوادور آلینده راکه گفت «ما پیروز خواهیم‌شد» برزبان راندجلسه بپاخاست و یکصدا با هیجان و شور بسیار کلمه « آلینده » ، « آلینده » را تکرار و وفاداری و همدردی خود را به خلق مبارز شیلی ابراز نمود. بعد از ظهر این روز رفیق

دنباله در صفحه ۳

در هشتمین کنگرهٔ سندیکائی جهانی

هشتمین کنگره سندیکائی جهانی که روز ۱۵ اکتبر ۱۹۷۳ در شهر وارنا (بلغارستان) تشکیل شده بود ، روز ۲۲ اکتبر پایان یافت . در این کنگره ۵۷٤ نماینده ، ناظر و میهمان از ۹۳ کشور متعلق به قاره‌های مختلف جهان بنمایندگی از طرف ۲۰۸ میلیون نفر کارگر ، اعضاء سازمانهای ملی وابسته یا غیر وابسته به فدراسیون سندیکائی جهانی ، شرکت کردند . نمایندگان بسیاری ازفدراسیونها و سازمانهای بین‌المللی مانند کارگران‌علمی ، اتحادیه سندیکائی «پان‌آفریکن» ، دفتر بین المللی کار ، یونسکو ، کنفدراسیون سندیکا های مسیحی امریکای لاتین و سازمانهای دمکراتیك بین المللی نیز در کنگره حضور داشتند . در ترکیب کنگره نیرو های تازه ای وارد شده بود ، که از بسط دامنه فعالیت فدراسیون سندیکائی جهانی و کامیابیهای آن در راه وحدت تعداد بیشتری از سندیکا ها حکایت میکرد .

پیر ژانسوس دبیر کل فدراسیون در سخنرانی خود در جلسه اختتامی ، ضمن تراز بندی کار کنگره خط مشی فدراسیون سندیکائی جهانی را در لزوم بسط مداوم دموکراسی ، تعقیب سیاست وسعت نظر و تفاهم متقابل ، احترام به عقاید یکدیگر و تصمیم به توسعه پایگاه فدراسیون سندیکائی جهانی ، بیان کرد .

کنگره اسناد مهمی را بتصویب رساند که از جمله آنها پیام کنگره خطاب بزحمتکشان و سندیکا های جهان میباشد . در آغاز این پیام گفته میشود که: «ما ، شرکت کنندگان در هشتمین کنگرهٔ سندیکائی جهانی که در «وارنا» از ۱۵ تا ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ گرد آمده و نماینده دویست میلیون کارگر از تمام قاره ها هستیم ، سندیکاها و زحمتکشان جهان را بتوسعهٔ وحدت عمل سندیکائی برای دفاع از منافع طبقاتی و وصول به خواستها و هدفهای مشترکمان فرامیخوانیم .» سپس در این پیام بمسائلی که در مقابل زحمتکشان جهان ناشی از تمرکز انحصاری بیسابقهٔ سرمایه که منجر به بستن کارخانه ها ، اخراج دستجمعی کارگران و بهم خوردن تعادل اقتصادی میگردد ، اشاره شده و چنین گفته میشود : «شرکتهای چند ملتی سلطه خود را در بسیاری از کشور های قاره های مختلف جهان بسط میدهند ، سیاست تشدید استثمار را بمقیاس جهانی بکار می بندند و خطری واقعی برای حاکمیت کشور هائی هستند که عرصه های حیاتی اقتصادی آنها در دست این شرکتهاست.» در این پیام پس از اشاره بتحولاتی که در جهان سرمایه داری بوجود آمده تصریح میشود که : «این تحولات که در چهارجوب عمیق تر شدن بحران عمومی سیستم سرمایه داری درزمینه های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی رخ میدهد ، اثر منفی خود را در شرایط زندگی ، در تزلزل مسئله اشتغال بکار ، در بیکاری ، در تزلزل قدرت خرید مزد ها و در تجاوز به آزادی ها و حقوق سندیکائی ودموکراتیك زحمتکشان ، نشان میدهند » . هشتمین کنگره سندیکائی جهانی از تمام جنبشهای سندیکائی و مراکز سندیکائی بین المللی میطلبد که برای برقراری همکاری بین تمام سندیکاها

دنباله در صفحه ٤

یادی از جنبش ۲۱ آذر

فرقه دمکرات آذربایجان و حکومت ملی آذربایجان

— در اواسط سال ۱۳۲٤ ارتجاع علیه نهضت کار گری ودمکراتیك دست به هجوم زد و حملات‌غدارانهٔ خود را متوجه حزب توده ایران و شورای متحدهٔ مرکزی نمود و باشگاههای حزب و شورا در تهران و مازندران و اصفهان مورد تعرض و تاراج قرار گرفت . عدهٔ کثیری از فعالین حزب توقیف شدند و تصفیه ارتجاعی ارتش آغاز گردید و عده‌ای از افسران مترقی بازداشت شدند و مطبوعات مترقی توقیف گردیدند . طبقه حاکمه از اجرای بموقع انتخابات پانزدهمین دورهٔ تقنینیه سر باز زد . در اینموقع مردم ایران بر سر دو راهی قرار گرفتند : تسلیم مجدد به دیکتاتوری یا مقاومت جدی در قبال آن . سازمانهای مترقی راه دوم را برگزیدند . در این ایام فرقه دمکرات آذربایجان خواستار شد که انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی بیدرنگ آغاز شود . سازمان فرقه بسرعت در آذربایجان بسط یافت و قشر های وسیع مردم شهر و ده را فرا گرفت . طبق تصمیم فرقه دمکرات آذربایجان دسته های فدائی از میان دهقانان تشکیل شد و به "خلع سلاح ژاندارمها دست زد .

— جنبش دمکراتیك آذربایجان در اوایل خواستی جز تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی نداشت ؛ ولی وقتی دولت مرکزی نسبت به تمام خواستهای نهضت بی اعتنا ماند ، کنگرهٔ خلق آذربایجان (۲۹- ۳۰آبان ۱۳۲٤) در تبریز خود را مجلس مؤسسان اعلام داشت و تصمیم گرفت مجلس ملی آذربایجان را تأسیس نماید. انتخابات دمکراتیك انجام گرفت و مجلس ملی در ۲۱ آذر ۱۳۲٤ افتتاح یافت و رفیق پیشه وری صدر فرقه دمکرات آذربایجان را مأمور تشکیل حکومت نمود . رؤسای پادگان نظامی دولت مرکزی در تبریز تسلیم و

دنباله در صفحه ۳

بیانات خنده آور

دو شنبه اول اکتبر ۱۹۷۳ رادیوی لندن در یك برنامه خود موسوم به « پانوراما » مصاحبه ای را که مخبر « بی بی سی » باشاه انجام داده بود پخش کرد. این برنامه روز ۵ شنبه چهاوم اکتبر در بخش فارسی تکرار شد . در این مصاحبه بار دیگر شاه از حزب توده ایران سخن بمیان آورد و در این زمینه اظهاراتی کرد که پیش از آنکه جدی‌باشد ، باید آنرا باخصیصه «مضحك و خنده آور » توصیف نمود .

مخبر بی بی سی از شاه پرسید که چرا وی اجازه نمیدهد احزابی که در حال حاضر فعالیت آنهاممنوع است ، بار دیگرعلنی شوند . شاه در پاسخ گفت : « بجز حزب توده ، یعنی حزب کمونیست ، هیچ حزبی غیر قانونی اعلام نشده است . »

در همین جمله شاه بدروغ ممنوعیت عملی کلیه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون را با توسل به عناوین صوری (اعلام شدن یا نشدن) منکر شده است. شاه در دنبال سخن خود میگوید : « در این مورد (یعنی در مورد حزب توده ایران) دو « مکتب فکری » وجود دارد . یکی آنست که باید باین حزب اجازه فعالیت داد ، زیرا این موجب خواهد شد که حزب علنی باشد ودست به فعالیت مخفی وزیر زمینی نزند . »

ما.میدانیم طرفداران این‌باصطلاح‌مکتب‌فکری چه کسانی هستند ، ولی اشاره شاه نشان میدهد که گویا افرادی در هیئت حاکمه اینطور فکر می‌کنند و بنظر ما اینها را باید بورژوا های عاقل نامید که از تاریخ و بویژه تاریخ معاصر چیزهائی فهمیده‌اند و درك میکنند که رژیمهای قلدری و فعال من یشائی بیمورد به «پیروزی» و «ثبات» موقت خود دلخوش کرده‌اند، زیرا چنین رژیمهائی از دیدگاه تاریخی مانند دیوارهائی برشن ساخته و غولهائی برپایه گلینند .

سپس شاه در ادامه سخن‌خود میگوید : «ولی طرز تفکر دیگر آنست که در موقعیت جغرافیائی ما این مسئله بسیار حساس است . علت اینکه میگوییم درموقعیت‌جغرافیائی‌ما ، آنست که گاهی اوقات‌میشنویم(!) که این احزاب کمونیست نسبت بیکدیگر نوعی همدردی دارند (ایشان گاهی اوقات میشنوند !) بنا بر این خواه نا خواه‌یکدیگر را یاری خواهند داد . »

اگر بخواهیم این بیانات پیچ و خم دار را پوست کنده بیان کنیم، مقصد شاه آنست که چون ایران درمجاورت‌شوروی است وچون احزاب‌کمونیست نیزاحزاب‌انترناسیونالیست هستندونسبت بیکدیگرروش یاری و همبستگی دارند لذا این وضع برای آن رژیم سیاسی که شاه خود را مظهر آن معرفی کرده است ، مفید نیست . بنا بر این مقدمه چینی ، تا زمانی که ایران در موقعیت جغرافیائی کنونی است وتاوقتیکه احزاب کمونیست انترناسیونالیست هستند (یعنی‌تا ابد) در ایران حزب تودهٔ ایران نباید فعالیت قانونی داشته باشد ! شاه نیت و خواست واقعی خود را در توضیح « مکتب دوم فکری » که ، نا گفته پیداست خود او از هواداران پروپا قرص‌آنست ، برملا میسازد . جز این هم از شاه نباید انتظار داشت .

اما شاه یکمرتبه باین فکر میافتد که شایداز نظر دیپلوماتیك خیلی محتا طانه نبوده که از موقعیت جغرافیائی ایران و از پیوند انترناسیونالیستی احزاب کمونیستی‌صحبت کرده ومبادا این طرز سخن بسیاست بند بازی سالوسانه‌خارجی او صدمه‌ای بزند، لذا باعجله می‌افزاید : «البته‌در مورد ما به حزب کمونیست هرگز در واقع کمکی از خارج بعمل نیامده است و هرگاه این حزب از حدود خود پافراتر نهاده (!) پشتبانان خارجیش دست از پشتیبانی برداشته‌اند . »

چه نقیض گوئیهای عوامفریبانه ای ! در ابتدا میگوید هرگز از خارج کمکی بعمل نیامده ، ولی بلا فاصله از « پشتیبانان خارجی » صحبت میکنند که البته‌کمك میکنند ولی‌گویا تا وقتی پشتیبانی میکنند که حزب توده ایران « از حدودخود پا فراتر ننهاده » . تازه این حکم شاهانه مانع ترهات دائمی رادیو ایران نیست که از نیروهای متحد استعمار و از ارتجاع سرخ و استعمار سرخ سخن گفته و بار ها حزب توده ایران را افزار این استعمار من درآوردی نامیده است . سراپا نقیض گوئی و آنهم ریاکارانه .

مخبر انگلیسی‌برنامه «پانوراما» سپس میگوید: شاه قبول کرد که تا چند سال دیگر ممکن است‌این موضوع را در مد نظر وتحت مطالعه قرار دهدکه باین اشخاص اجازه داده شود ، افکارشان را بیان دارند ، » دقت بفرمائید : تا چند سال دیگر وآنهم ممکن است که اعلیحضرت مطالعه کنند که به اشخاصی اجازه بفرمایند که افکارشان را بیان دارند ! ! واقعاً نمونه درخشانی ازتفکر دمکراتیك ودورنمای خیره کننده‌ای است برای آزادی در ایران ! ولی روشن است که مردم ایران و حزب توده ایران برای بیان افکارخویش و مبارزه برای نیل بآزادی در انتظار الطاف و عطایای ملوکانه نخواهند ماند .

سپس شاه استدلال میکندکه چرا ممکن است که تا چند سال دیگر این مطلب را مورد مطالعه قرار دهد : « زیرا ، آنزمان افکار آنها چنان ابلهانه خواهد بود که موجب تفریح و خنده خواهد شد . »

اینجاست که شاه رکورد فکاهی گوئی را میشکنند و باوج بیانات خنده آور خود میرسد . معلوم میشود یکی از شرایط « قانونی شدن » در دارالسلطنه اعلیحضرت همایونی داشتن افکار ابلهانه و تفریح آور و خنده دار است. حتماً بهمین علت دررژیم‌اعلیحضرت احزاب ساخته ایشان صد در صد قانونی است هستند. و نیز معلوم میشود که در شرایط کنونی سخنان حزب توده ایران برای مردم ابلهانه وخنده‌آور نیست‌بلکه عاقلانه وجدی است پس « گناه » توده ایها که آنها را سزاوار شکنجه و اعدام کرده این نیست که گویا آنها مشتی عناصر «بیوطن» هستند ، بلکه برای آنست که حرفهایشان حرفهای‌جدی است و مردم تحت تاثیر این سخنان میروند و فعالیت علنی این حزب مشکلات فراوانی برای چپاولگران و زور گویان فراهم خواهد آورد . آیا شاه با همه زیرکی موذیانه خود را قدم بقدم لو نداده است ؟

حال این سئوال پیش میاید : سالیان درازی است که شاه مدعی است که « انقلاب زبر و رو کننده » او مورد حمایت «قاطبه» مردم کشور است و توده‌ها « با صفوف فشرده » پشت سرآن ایستاده‌اند اینها عین بیانات اوست . زمانی در ارزیابی گفتارهای پیك ایران گفت که هر کس این گفتار ها را بشنود بآسانی میفهمدکه این « حرفها مسخره است » . حال چه شده که‌هنوز سالها وقت لازم است که اعلیحضرت مطالعه کنندکه آیاحرفهای حزب توده ایران «ابلهانه» شده است یا نه ! چرا این « مظهر نبوغ ایرانی » آنقدر دقت ندارد که حرفهای دیروز و امروزش چنین متناقض نباشد ؟

حقیقت قضیه اینست که رژیمهائی از قبیل‌رژیم ایران و شیلی و ویتنام جنوبی و کره جنوبی و یونان و اندونزی وامثال آن باتکاء « سیا » و « پنتاگن » که از آنها اوباشانه حمایت میکنند ، بخودشان نه فقط اجازه جنایت بلکه وقاحت نیز میدهند ولی سیر زمانه بلا انحراف بجانب پایان یافتن دوران خود سری اربابان و چاکران آنهاست . حزب توده ایران مانند آفتاب روشن می‌بیند که علی رغم هرگونه تقلائی که بکار رود ، آینده در کشور ما از آن حزب طرازنوین طبقه کارگر ایران است .

ا . سپهر



عباس شهریاری یا

« مرد هزار چهره »

مرد هزار چهره نامی است که ثابتی ، افسر سازمان امنیت، در اظهارات تلویزیونی خویش به عباس شهریاری، یکی از مأموران زیر دست خود داد . عباس شهریاری از اعضاء سابق حزب توده ایران است که در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد در جریان یك دستگیری به حزب خیانت و خود را تسلیم ساواك کرده است . او چندین سال زیر نقاب « فعالیت انقلابی » برای اجرای نقشه های پلید ساواك علیه گروههای ضد رژیم و عناصر مترقی کوشش فراوانی بکار برد . او علاوه بر کشف و لو دادن چندین گروه، که عده ای از افراد آنها اعدام یا سر به نیست شدند ، از هرگوشه و کنار افراد پیشرو و مخالف رژیم را با حقه بازی و پشت هم اندازی شناخت و بدام ساواك انداخت . این عنصر پلید، باوسائلی که ساواك دراختیارش میگذاشت، توانست مدتها نقش و چهره واقعی خویش را با انواع حیل پنهان کند . هنگامیکه چهره واقعی او شناخته شد ، ساواك آخرین کوشش خود را بکار برد ، تامگر با ساختن داستان «مرد هزار چهره» و ماجرای ساختگی قصد فرار و دستگیری و وعده محاکمه او در تلویزیون برایش تجدید حیثیت کند . چون این کوشش بیهوده بود ، پس ازچند روز، علیرغم انواع گناهان نابخشودنی که ساواك برایش برشمرده بود ، در خانه خود آفتابی شد و کمی بعد با"ماشین شخصی اش در خیابانهای تهران براه افتاد . اینك خبر یافته‌ایم که این عنصر جنایتکار بفعالیت های تازه ای بدستور ساواك پرداخته و با آشنائی زیادی که با افراد در جنوب ایران ، در کویت و سایر کشور های ساحلی خلیج فارس دارد ، بخوزستان‌وکویت و منطقه خلیج‌آمده است . ماعکس او را در بالا چاپ کردیم تا هر جا چهره این مردهزار چهره پدیدار شد از نزدیکی باو پرهیز و ازافتادن بدام این عامل شناخته شده ساواك خودداری شود .

دنبالـه از صفحه ۱

پیـام کنگرهٔ نیروهای صلح

کشور های بسیاری هنوز افزایش مییابد و بلوکـهای نظامی هنوز منحل نشده اند .

نیروهای تجاوز ، امپریالیسم و ارتجاع آخرین پایگاههـای استعماری را هنوز در اشغال خود دارند . آنها کودتا های فاشیستی را سازمان میدهند . آنهابذر دشمنی را بین خلقها میپاشند و میان ایشان تصادم‌ایجاد میکنند . تا زمانی کـه حتی یك وجب زمین وجـود دارد که در آنجا بخاطر تجاوز خون ریخته میشود ، تا زمانی که خلقی از سرنوشت خود بدست خویش‌محروم است ، و تا زمانی که رژیم های فاشیستی و نژادپرستی وجود دارد که ارادهٔ دموکراتیك خلق را خرد میکنند وجدان انسانیت آرام نمییابد وساختمان‌صلح‌پایه‌محکمی نمییابد . خلقهای جهان نمیتوانند وضعی را قبول کنند که در آن قسمت اعظم منابع روی زمین صرف تدارك جنگ میشود . آنها نمی توانند تهدید دائمی نابودی بوسیلـهٔ جنگ را بپذیرند . جـنگ غیر قابـل اجتناب نیست اما تا زمانی که به رفع بی عدالتی که چهل در صد از مردم جهان را بزندگی در گرسنگی و عقب ماندگی اقتصادی محکوم میکنند موفق نشویم ، صلح همواره مورد تهدید قرار خواهـد داشت . هزینه های نظامی در تمام جهان دوبرابر و نیم هزینه های بهداشت عمومی و یك برابر ونیم اعتباراتی هستند که به‌آموزش و پرورش تخصیص یافته اند . تبعیض نژادی ، استعمار و استعمار نو انسانهـا را در منـاطق وسیعی از افریقا و سایر نقاط جهان بحد بردگان تنزل میدهد . حکومت هائی که بصورت دموکـراتیك انتخاب شده اند ، یا ساقط و یا تهدید بسقوط میشوند . شرکت های چند ملتی استقلال اقتصادی کشور هـای ضعیف را تهـدید میکنند و تکامل آنها را خفه میسازند .

حقوق بشر دربسیاری از کشورها پامال میشود و حقوق سیاسی ، مدنی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی آنها سلب میگردد . با آنکه از تساوی حقوق زنان بسیار گفتگو میشود ، غالباً زنان مشاهده میکنند که امکان برابری با مردان از ایشان سلب میگردد . در مقیاس ملی زحمتکشان غالبا از حمایت کامل برخوردار نیستند . باید در مقیاس بین المللی مکانیسم مؤثری برای حمـایت بیشتر از حقوق بشر بوجـود آورد . باید برای تأمین تصویب و اجرای قرارهای مربوط به حقوق بشر کوششهای بسیاری مبذول داشت . در سالهای‌اخیر و حتی در جریان هفته هـای اخیر جنایاتی نسبت به بشریت صورت گرفته است که چون بار گرانی بردوش وجدان بشریت سنگینی‌میکند تجاوزات وقتل عامهای وحشتناکی بوقوع پیوسته و تاهمین لحظه نیز نوع کشی ادامه دارد . نابودی محیط زیست ، شکنجه زندانیان و استفاده از سلاحهائی مانند ناپالم و وسائل ضد فـرد متأسفانه در قسمتهائی از جهان ما رایج است . هیچ کس نیست که از نمونه های بسیار بارز این جریانات اطلاع نداشته باشد . ما نباید هیچگاه اجازه دهیم این واقعیت که اینگونه جنایات رواج دارد موجب کم شدن نفرت و خشم ناشی از آنها گردد . جنایات ضد بشری باید مورد تحقیق قرار گیرند و جنایتکاران بر حسب جرم خویش مجازات گردند .

کنگره جهانی نیروهای صلح در مقابل این خطرات و بی عـدالتی ها نمایندهٔ مردم سادهٔ جهان است. کنگره کوشش تازه‌ای را بخاطر اینکه دانشها، ثروت هـا و کار بشری ، نه در خدمت نابودی برده کردن انسانها، بلکه در خدمت خلقها قرار گیرند، خواستار است .

ما خلقهای روی زمین مجتمعاً خواستار آنیم که:

— اصول همزیستی مسالمت آمیز بر پایه امنیت بین المللی و همکاری ثمر بخش متقابل میان کشورها و در کلیه زمینه ها، بر اساس تمامیت ارضی ، استقلال ملی ، حق حاکمیت ، برابری کلیه کشور ها درحقوق و عدم‌دخالت درامور داخلی‌یکدیگر و اجتناب از بکار بردن زور یا تهدید مورد قبول و اجرا قرار گیرد ؛

— از بین بردن نژاد پرستی ، استعمار و استعمار نو در کلیه اشکال آنها ؛

— خلع سلاح عمومی و کامل ؛

— برچیدن پایگاههای نظامی و فراخواندن نیرو های نظامی از کشور هـای بیگانه و انحلال پیمانهـای نظامی ؛

— تصویب یك قرارداد بین المللی که استفاده تولید ، انبار کردن و آزمایشات سلاحهای اتمی را ممنوع گرداند ؛

— جلوگیری از کلیه اشکال تجاوز و هـر نوع اقدامی که بمنظور تصرف زمینهای متعلق به کشورهای دیگر بوسیله اعمال زور انجام گیرد ؛

— استفاده از منابعی کـه در حـال حـاضر برای هدف‌های جنگی بکار میروند ، به منظور از میان‌بردن فقر ، جهل و بیماری و برای تأمین وسایل بهداشتی ، آموزشی و اجتماعی بهتر ؛

— از بین بردن بی عدالتی و حمایت مؤثر از حقوق بشر ؛

— تأمین حقوق کلیه خلق‌ها برای تسلط برمنابع طبیعی خود و استفاده از آنها برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی که برای این خلقها مناسب باشد ؛

— اجرای تصمیمات سازمان ملل بمنظور تأمین صلح ، امنیت و عدالت .

این خواستها با اصول منشور ملل متحد بااصول مصوبه در کنفرانس باندونگ ، با مصوبات کنفرانس کشورهای غیر متعهد و نیز با اصولی که در موافقتنامه ها و اعلامیه‌های گوناگون که اخیراً امضاءشده‌واز طرف رؤسای کشور های دارای سیستمهای مختلف اجتمـاعی بمنظور تأمین صلح اعلام شده تطبیق میکند .

برای پیشبرد این هدفها ، سازمانهای ملی و بین المللی باید کوششهای خود را برای بسیج افکار عمومی جهان هماهنگ سازند تا افکار عمومی بتواند بطور مؤثری بخاطر صلح بکار افتد .

سیاست آموزشی بویژه باید متوجه تحقق این هدف ها گردد .

ما اجتماع بین المللی را به مخالفت با شیوه‌های جنگ سرد و براساس متن منشور ملل متحد به «اعمال رأفت ، بزندگی صلح آمیز با یکدیگر با روح حسن همجواری» فرا میخوانیم .

ما با تصمیم به نجات نسل حاضر و نسل های آینده از آفت جنگ ، یکبار دیگر اعتقاد خود را به حقوق بشر و پیشرفت همه جانبهٔ وی تأ کید میکنیم ، بر این پایه است که کوششهای کلیهٔ مردان و زنان میتواند بنای صلح را بسازد . ما بتمام کسانی که صلح را عزیز میدارند خطاب میکنیم : عقل واعتماد میتوانند در روی زمین برتری یابند ! این کار ممکن است ، این کار ضروري است . این امر بهر یك از ما بستگي دارد .

دنباله از صفحه ۱

کنگرهٔ عظیم جهانی نیرو هـای صلح در مسکو

برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی برحسب دعوتیکه رومش شاندرا دبیر کل شورای جهانی صلح که بنام کنگره از وی بعمل آورده بود، سخنرانی مبسوطی که محور اصلی آن اهمیت حفظ و تحکیم مبانی صلح جهانی و نقش سیاست مسالمت آمیز در سر نوشت جامعه بشری است، ایراد کرد. رفیق برژنف سیاست خارجی صلح اتحاد شوروی که لنین بزرگ از روز پیروزی انقلاب کبیر اکتبر اعلام داشته ضمن تحلیل جامعی از وضع بین المللی، تشریح و از فعالیت تمام نیرو های صلحدوست و تأثیر آن در تخفیف وخامت اوضاع بین المللی و پیدایش محیط تفاهم در روابط بین‌المللی یاد کرد و همچنین کوشش محافل طرفدار بازگشت بدوران جنگ‌سرد یعنی محافلی که سعی میکنند در هر جا که ممکن باشد آتشی بر افروزند و مشکلاتی بوجود آورند و لزوم هشیاری و مبارزه علیه این محافل را گوشزد و نقش تخریبی چین را در امر صلح و تخفیف وخامت اوضاع بین المللی افشاء کرد و بعنوان شخصیت درجه اول کشورمهماندار برای کنگره آرزوی موفقیت نمود. سخنرانی رفیق برژنف مکرر با کف‌زدنهای پر شور وقیام جلسه‌همراه، و الهام بخش شرکت کنندگان در کنگره در فعالیت ثمر بخ[illegible]ود گردید.

در روز ۲۶ و ۲۷ اکتبر ۱۴ مسئله مهم جهانی از طرف نمایندگان سازمانهای بین المللی و ملی در سخنرانیهای کوتاه طرح گردید که هر یك برنامه کار یکی از کمیسیونهای چهار گانه کنگره شد. بعد از ظهر روز ۲۷ اکتبر کمسیونها بدین شرح کار خود را آغاز کرد:

۱ — همزیستی مسالمت آمیز و امنیت بین‌المللی ۲ — هندوچین ۳ — خاور میانه ٤ امنیت و همکاری در اروپا ٥ — صلح و امنیت در آسیا ٦ — خلع سلاح ۷ — جنبش آزادیبخش، مبارزه‌علیه کولو نیالیسم و راسیسم ۸ — رشد واستقلال اقتصادی ۹ — حمایت ازمحیط زیست ۱۰ — همکاری در زمینه فرهنگ و آموزش و پرورش ۱۱ — همکاری اقتصادی علمی و فنی ۱۲ — مسائل اجتماعی و حقوق بشر و صلح ۱۳ — همکاری‌بین سازمانهای بین‌المللی دولتی وسازمان های غیر دولتی ۱٤ — شیلی.

هر یك از شرکت کنندگان در کنگره اعم از نماینده، ناظر ومهمان حق داشت در تمام کمسیونها شرکت و آزادانه نظر خود را ابراز کند. در روزهای ۲۷ و ۲۸ اکتبر تا نیمه‌های شب وقت کمسیونهاصرف بحث در[illegible] مسائل چهارده گانه فوق‌شد. در کمسیون خاور میانه بیش از هزار نفر، در مسائل اجتماعی‌وحقوق بشر و صلح، هزارو چهل نفر، در هندوچین هفتصد نفر و همچنین در کمسیونهای دیگر صدها نفر شرکت و بیش از نهصد نفر نماینده در بحث ها برآمد کردند. روز سی‌ام اکتبر کمسیونها قطعنامه ها و اسناد لازم را برای تقدیم بجلسه عمومی کنگره تصویب کردند.

روز سی‌ویکم اکتبر جلسه نهائی کنگره تشکیل وپس از استماع گزارش کار کمسیونها چند سند بسیار مهم ذیل را باتفاق تصویب کرد: ۱ — پیام کنگره جهانی نیروهای صلح خطاب بزنان و مردان جهان ۲ — اعلامیه برای اجرای قطعنامه های شورای امنیت (۲۲ و ۲۳ اکتبر ۲۷۹۳) در مورد آتش بس در خاور میانه ۳ — ادامه کاری در اقدام و مبارزه.

در پیام کنگره پس از اشاره به موفقیتهائی که سیاست همزیستی مسالمت آمیز بدست‌آورده و همچنین تغییراتی که در جهت تفاهم در روابط بین المللی‌بوجود آمده، مشکلاتیکه هنوز در راه وصول به یك صلح عادلانه و پایدار وجود دارد تشریح و لزوم همکاری و مبارزه برای رفع آنها تصریح و از تمام مردم جهان خواسته شده که در این مبارزه شرافتمندانه شرکت کنند. در اعلامیه مربوط به خاور میانه لزوم اجرای قطعنامه های ۲۲ و ۲۳ اکتبر ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و لزوم تجهیز افکار عمومی بوسیله نیروهای صلح‌برای وصول باین هدف، از طرف کنگره اعلام شده است. در سند مربوط به «ادامه کاری» ضمن بیان اهمیت این کنگره گفته شده که گر چه چنین کنگره‌ای از نظر وسعت وشمول بیسابقه بوده ولی این تازه اول‌کار است. باید در اجرای تصمیمات کنگره تمام سازمانها و نیروهائی که در آن شرکت کرده‌اند، فعالانه اقدام نمایند.

روز ۳۱ اکتبر ساعت ۹٫٥ بعد از ظهر رومش شاندرا رئیس جلسه پس از قرائت پیامهای نوئی که از رؤسای چند کشور رسیده بود پایان کنگره را که در مدت هفت روز کار مجدانه خود، مهمترین مسائل روز جامعه بشری را مورد بحث و بررسی قرار داده و راه های مشخصی برای حل آنها بمنظور وصول بیك صلح عادلانه و پایدار و امنیت بین‌المللی، نشان داده است، اعلام داشت. در تمام سخنرانیها چه در کنگره و چه در کمسیونها شرکت کنندگان از اتحاد جماهیر شوروی که سخاوتمندانه وسائل کار و آسایش آنها را به بهترین وجهی تأمین کرده بود، تشکر کردند. با جرئت میتوان گفت که تشکیل کنگره نیروهای صلح در مسکو یك حادثه تاریخی و جهانی است که مظهر علاقه جامعه انسانی بصلح، آزادی و استقلال و رفاه و آسایش است.

کمیته تدارك صلح ایران یك هیئت به کنگره اعزام داشت. اعضای این‌هیئت در کمسیونهای خاور میانه، حقوق بشر و مسائل اجتماعی وامنیت جمعی در آسیا شرکت نمودند. نماینده ایران در کمسیون خاور میانه اعلام داشت که باید بین دولت ایران و مردم ایران فرق گذاشت. او گفت که مردم‌ایران با تمام نیرو پشتیبان برادران عرب خود هستند و در کنار آنها قرار دارند. مردم ایران برای قطع همکاری حکومت ایران با اسرائیل، قطع ارسال نفت ایران برای ماشین جنگی اسرائیل، کسب آزادی برای ابراز همدردی با خلقهای عرب و پشتیبانی از آنها در مبارزه علیه اسرائیل تجاوز کار وتوسعه طلب، آزادی مطبوعات برای منعکس کردن افکار عمومی مردم‌ایران و برای اینکه حکومت ایران نه تنها در حرف بلکه در عمل صداقت خود را نشان دهد، مبارزه میکنند. نماینده ایران ضمن سخنان خود پیشنهاد های مشخصی برای وادار کردن حکومت اسرائیل و پشتیبان او امپریالیسم امریکا باجرای قطعنامه های شورای امنیت سازمان‌ملل متحد که اهم آنها قرارهای ۲۱ و۲۳ اکتبر ۱۹۷۳ در باره آتش بس و قرار شماره ۲٤۲ این شورا در سال ۱۹۷۸ مبنی بر لزوم تخلیه زمینهای اشغالی کشور های عربی از طرف اسرائیل و تأمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین میباشد، تقدیم داشت.

نماینده ایران در کمسیون حقوق بشر و مسائل اجتماعی اسناد رسوا کننده ای دائر بنقض حقوق بشر و وجود بیعدالتی اجتماعی مخصوصاً استثمار بیرحمانه زحمتکشان در ایران وسختی معیشت آنان همراه بامتن سخنرانی خود برئیس کمسیون تسلیم نمود در این‌اسناد گزارش نمایندگان سازمانهای بین المللی در باره شکنجه‌ها، اعدامها، محاکم در بسته نظامی، سر به نیست کردنها و نقض ابتدائی‌ترین حقوق انسانی‌منعکس شده است.

نماینده دیگر ایران در کمسیون امنیت‌آسیائی ضمن نطق خود پیشنهاد های مشخصی برای هموار کردن راه وصول به امنیت آسیائی ارائه کرد که از جمله آنها لزوم‌برچیدن پایگاههای‌نظامی امپریالیستها در آسیا، ولغو قراردادهای نظامی سنتو و سیاتووخروج ناوگان جنگی امریکا از اقیانوس هند و منع آزمایشهای اتمی از طرف کشورهای آسیائی در فضا، بود.

ا. گویا

دنباله ازصفحه ۱

یـادی از جنبش ۲۱ آذر

طبق موافقتنامه خلع سلاح شدند و قدرت دولت‌مرکزی در آذربایجان بر چیده شد.

نیروی محرك عمده جنبش ۲۱ آذر عبارت بودند از کارگران و دهقانان، روشنفکران مترقی و محافل وسیعی از پیشه وران نیز در این جنبش شرکت مؤثر داشتند. جنبش نسبت به جلب بورژوازی ملی وملا کان کوچك و متوسط نیز توجه لازم را نمود و همه این نیرو ها را علیه بورژوازی بزرگ مرتجع و فئودالهاتجهیز کرد.

— حکومت ملی آذربایجان بر پایه تشکیلاتی و پشتیبانی قشرهای دمکراتیك خلق پدید شد و در دستگاه ارتجاعی دولتی از جهت سازمان و قوانین و مقررات تحولات عمیق بسود مردم ایجاد کرد. مبارزه در راه دمکراسی و علیه امپریالیسم و ارتجاع، تأمین حق تعیین سرنوشت مردم آذربایجان در عین حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تابع ساختن جنبش دمکراتیك آذربایجان به منافع انقلاب ایران و تبدیل آذربایجان به تکیه گاه برای جنبش سراسر ایران — چنین بود وظائف عمده ای که حکومت دمکراتیك آذربایجان در برابر خود قرار داده بود.

— دولت مرکزی در نتیجهٔ پیروزی جنبش ۲۱آذر و بسط مبارزات انقلابی در سراسر ایران که در زیر رهبری حزب توده ایران انجام میگرفت مجبور به عقب نشینی شد و با اجراء مذاکرات مسالمت آمیز موافقت کرد. مذاکرات در خرداد ماه و شهریور۱۳۲٥ انجام گرفت. موافقتنامه رسمی در ۲۳ خرداد ۱۳۲٥ بین دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان امضاء گردید.

دولت مرکزی در تصویبنامه دولتی مورخ ۳ اردیبهشت ۱۳۲٥ و نیز موافقتنامه مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۲٥ خود خصلت دمکراتیك جنبش ۲۱ آذر را تأیید کرد و آنرا برسمیت شناخت و اشاعه اصول دمکراسی را در سراسر ایران متعهد گردید، حکومت ملی آذر بایجان نیز موافقت کرد که مجلس ملی در سطح انجمن ایالتی و حکومت ملی در سطح استانداری قرار گیرد. حکومت ملی آذربایجان اقدامات لازم را بعمل آورد تا ارتش خلقی تحت اختیار وزارت جنگ قرار گیرد و سازمان فدائی تابع ادارهٔ نگهبانی (ژاندارمری) شود و خلق آذربایجان در برابر نیرو های مسلحی که تحت عنوان «نظارت بر جریان انتخابات دورهٔ پانزدهم مجلس» از طرف دولت مرکزی به آذربایجان اعزام گردید، مقاومتی نکرد.

طبق موافقتنامه رسمی دولت مرکزی میبایست تعهدات خود را اجرا کند و از آنجمله ۷٥ در صد درآمد آذربایجان را به وی اختصاص دهد و زبان آذر بایجانی را همراه زبان فارسی در آذربایجان برسمیت بشناسد و فعالیت قانونی فرقه دمکرات آذربایجان را تأمین نماید و اصلاحات دمکراتیك آذربایجان را در ایران تعمیم دهد. ولی دولت مرکزی پس از قبول این تعهدات نیرو های مسلحی بنام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل داشت. فرقه دمکرات آذربایجان با اطمینان به موافقتنامهٔ دولت مرکزی و برای میدان ندادن به توطئه امپریالیستها در مورد تجزیه ایران و بخاطر حفظ صلح و با محاسبه شرایط آنروزی ایران و جهان مقاومت مسلحانه را مصلحت نشمرد. ولی دولت مرکزی، برعکس، موافقتنامه رسمی با آذربایجان را غدارانه زیر پا گذاشت و بوسیله نیروهای مسلح‌اعزامی به آذربایجان جنبش خلق را با آتش و آهن مختنق ساخت.

مناسبات با حزب توده ایران و کردستان

— حزب توده ایران از همان آغاز نهضت دمکراتیك آذربایجان نزدیکترین همکاری رزمی و انقلابی را با وی برقرار ساخت. خود این نهضت بنوبهٔ خود برای جلوگیری از هجوم ارتجاع و بسط فعالیت حزب تودهٔ ایران و بالا رفتن قدرت و نفوذ آن شرایط مساعد ایجاد کرد. زحمتکشان ایران برای نخستین بار در تاریخ مبارزات خود اول ماه مه۱۹٤٦ (۱۳۲٥) را با شکوه فراوانی جشن گرفتند. زمینه برای پیدایش وحدت‌عمل بین احزاب و جمعیتهای ملی و دمکراتیك مساعد شد و مذاکرات اولیه بین احزاب توده ایران، دمکرات آذربایجان، دمکرات کردستان، ایران، جنگل شورای متحدهٔ مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت کشان ایران و عده ای از جرائد و عناصر آزادیخواه آغاز گردید و با موفقیت پیشرفت کرد.

— الحاق سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذر بایجان به فرقه دمکرات آذربایجان فرقه را از حیث کادر های ورزیده و صادق به منافع خلق غنی‌ترساخت. حزب توده ایران برای معرفی نهضت دمکراتیك آذر بایجان و اقدامات حکومت ملی آذربایجان و دفاع از آنان در برابر جامعه کشور، کمکهای مهمی مبذول داشت.

دفاع شجاعانه از جنبش ۲۱ آذر ازطرف نمایندگان حزب توده ایران در مجلس چهاردهم، پشتیبانی دیگر سازمانهای توده ای و از آنجمله شورای متحده از این جنبش، دفاع سرسخت حزب و افراد حزب‌توده ایران از این جنبش پس از سرکوب خونین آن، همه نشانه برخورد و روش اصولی حزب در این زمینه است. کادر های ورزیده نظامی که حزب توده ایران به آذربایجان اعزام داشت در قیام مسلحانه آذربایجان، در فعالیت ساختمانی حکومت ملی و در مبارزه علیه فتنه گریهای مسلحانه ارتجاع علیه جنبش شرکت فعال و مجدانه داشتند.

پس از ناکامی جنبش ۲۱ آذر حزب تودهٔایران برای رهائی کادر های فرقه دمکرات آذربایجان از قصاص وحشیانه ارتجاع ایران ازهرگونه امکانی استفاده کرد.

— جنبش دمکراتیك آذربایجان برای تحکیم‌روابط دوستی و برادری بین خلقهای آذربایجان و کرد، بین فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان راه را از هرباره هموار ساخت. همکاری بین حکومت های ملی در آذربایجان و کردستان در جهت منافع جنبش انقلابی و سعادت تمام خلقهای ایران بود. این همکاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی، آموزش انجام‌گرفت. دوستی بین نهضت آذربایجان و کردستان با امضاء موافقتنامه ای درباره دوستی و همکاری مورخ سوم اردیبهشت ۱۳۲٥ رسمیت یافت. این دوستی که برپایه ایجاد نظام دمکراتیك و خلقی پدید شده بود یکی از دستاورد های مهم جنبش دمکراتیك در آذر بایجان و کردستان ایران است.

مستخرج از تز های مصوب هیئت اجرائیه مندرج در مجله دنیا شماره ۱ سال چهاردهم.

دنباله از صفحه ۱

اعلامیهٔ مشترك درباره دیدار نمایندگان حزب توده‌ایران و حزب کمونیست‌عراق

نیرو و نقش آنها در سیر تکامل جهانی مشاهده کرد.

هر دو حزب کودتای نظامی فاشیستی را در شیلی که توسط ارتجاع داخلی و امپریالیسم امریکا سازمان داده شد و در نتیجه آن دولت قانونی جبهه یگانگی خلق برهبری رئیس جمهور دلیر آن سالوادر آلینده سقوط کرد، محکوم میکنند.

هر دو حزب آزادی رفیق لوئیس کوروالان دبیر کل حزب کمونیست شیلی و سایر میهن پرستان زندانی را خواستارند و همبستگی کامل خود را با مبارزه خلق شیلی اعلام میدارند.

هر دو حزب عزم راسخ خود را برای ادامه مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی بر بنیاد مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ابراز میدارند وسیاست ضد شوروی رهبری چین را که‌هدف آن ایجاد تفرقه در جنبش جهانی کمونیستی و تضعیف جنبش آزادیبخش ملی و عقیم گذاشتن مجاهدات کشور های سوسیالیستی در راه کاهش وخامت است محکوم میکنند.

هر دو حزب تصمیم خود را برای تحکیم مناسبات فیما بین و انجام اقدامات لازم برای تشیید مبانی اتحاد برادرانه میان دو حزب تأکید کردند.

مغازلهٔ پکن و تهران

از مدتهاست که مغازله گونه ای بین پکن و تهران آغاز شده است واین جریان اندك اندك بالا میگیرد . هم اکنون جزوه ای تحت عنوان « دوستی دیرینه چین و ایران » که بفارسی در سال ۱۹۷۳ از طرف « اداره نشریات زبانهای خارجی » در پکن در ۲۷ صفحه چاپ شده در برابر ماست . این جزوه متضمن دو بخش است . بخش اول تحت عنوان « دوستی دیرینه چین و ایران » بقلم «جوئی لیان» و بخش دوم « راه باستان ودوستی جدید » بقلم خبرنگار خبر گزاری سین هوآ نوشته شده است .

در صفحه ١٤ این جزوه چنین میخوانیم : « ما با خرسندی تمام مشاهده میکنیم که طی سالهای اخیر دولت ایران و خلق آن ، زیر رهبری اعلیحضرت شاهنشاه کشور محمد رضا پهلوی ، در حفظ استقلال و حاکمیت ملی خود ، و در حراست از منابع ملی و آبادانی میهن خود ، پیوسته به موفقیت های جدیدی نائل آمده اند. ایران چه در رشته‌های صنعتی و کشاورزی چه در رشته های آموزش و پرورش ، کامیابی هائی بدست آورده است » . با این یك جمله پکن «رهبری خلق ایران » را یکجا به «اعلیحضرت شاهنشاه» میسپرد و وجود وابستگی‌های نو استعماری رژیم را یك قلم منکر میشود و آنرا مستقل و دارای حاکمیت ملی و پاسدار منابع ملی می‌خواند !

نظیر این تعریف و توصیف را در تهران نیز میشنویم . عباس‌مسعودی مدیر اطلاعات پس از بازگشت از سفر چین سلسله مقالاتی‌تحت عنوان « چین سرزمین شگفتیها » نوشته است که کماکان ادامه دارد . این سلسله مقالات به مدیحه سرائی از چین مائوئیست نگاشته شده واز همان نخستین‌مقاله این نیت آشکارا بیان گردیده است . مسعودی از جمله مینویسد :

« ملت ایران مانند بسیاری از ملل جهان تحت تأثیر‌تبلیغات شدید غربی‌ها علیه ملت‌چین بود ، افکار عمومی تا آنجا مسموم شده بود که کسی حاضر نبود از چین صحبت کند چه رسد باین کشور سفر نماید ، تصور دور درازی نسبت باین ملت و زمامدارانش داشتیم که پس از تماس از نزدیك خلاف آن روشن شد . » (اطلاعات هوائی ـ ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۲)

بگذریم از این ادعای بی معنی که گویا ملت ایران زمانی حاضر نبود حتی از چین صحبتی کند . این حکم البته در حق قشرهای ممتاز جامعه و کسانی مانند مسعودی صادق است ولی در مورد مردم ایران که پیوسته به خلق چین وانقلابش با نظر احترام می‌نگریستند صادق نیست . ولی نکته عمده در اظهارات مسعودی آنست که حالا قصد دارد « خلاف » آنچه را که قبلا می گفته نشان بدهد و بهمین جهت منظره ای آراسته و پیراسته از چین مائوئیست و حتی از «انقلاب فرهنگی» آن ترسیم کرده وتصویر پر جلوه ای از مائوتسه‌دون منتشر مینماید و در باره خود او چنین مینویسد :

«مائو ملت‌چین را از پریشانی و فلاکت ناشی‌از تسلط بیگانه و استیلاء اجانب نجات داد و این ملت‌را از تمام قیود استعماری آزاد ساخته ، حاکمیت ملی را در سراسر چین استوار ساخته و کشور را بسوی شاهراه ترقی‌سوق داده . . . بر مبنای خدمات‌ارزنده‌ای که مائو، پیشوای چین انجام داده یك اجتماع هشتصد میلیونی مؤمن و معتقد بوجود آمد که همه گوش بزنگ ندای او هستند تا هر دستوری از جانب وی صادر شود با جان و دل انجام دهند . » (اطلاعات هوائی ۳ آبان ۱۳۵۲)

اطلاعات در همین سلسله مقالات هم چنین از ملاقات مسعودی با چوئن لای صحبت میکند . چوئن لای بمسعودی میگوید که خلق چین با شوق منتظر آنست که شاهنشاه را در میان خود ببیند و همان مطالب جزوه ای را که در آغاز این مقال یاد کردیم در بارهٔ «رهبری» و «سیاست مستقل» شاه تکرار مینماید.

در پس این مغازله ها ، بند و بست نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی از سوئی ورهبری مائوئیست‌چین از سوی دیگر برای حفظ وخامت وضع بین المللی جلوگیری از پیروزی سیاست صلح و همزیستی و اجراء بست و بندهای معینی درمنطقه خاور میانه وجود دارد . آن سازش غیر اصولی که بدروغ رهبران‌مائوئیست در موردشوروی وامریکامدعی میشده‌اند ، اینك براستی در مورد چین وامریکا تحقق یافته و می‌یابد . اظهارات چندی پیش وزیر امور خارجه چین در تهران و تأیید سیاست تسلیحاتی رژیم، اظهارات چوئن‌لای به کیسینجر (درسفراخیر وزیر خارجه امریکا به‌پکن) دائر به‌ضرورت حفظ سنتو و سیتو و تقویت ناتو ، همه و همه مظاهر مشخص این بند و بست است که ما از همان آغاز نزدیکی ایران و چین به بروز آنها و دامنه آنها اشاره کرده‌ایم .

در این میانه رفتار نشریات مائوئیست‌های ایرانی مضحك است . این مطبوعات در باره سازش دروغین شوروی با رژیم شاه الوندی کاغذ سیاه کرده اند، ولی در قبال کوه واقعیت بند و بست تهران و پکن که بعیان در برابر آنهاست « حب سکوت » خورده اند . ابتدا نسبت به‌سفر اشرف پهلوی به پکن لند لندهائی شد ولی بعد ها در این زمینه خموشی را « اصلح » و « احوط » دانستند و حتی آهسته آهسته بنوعی تأیید البته احتیاط آمیز با چم و خم نیز پرداختند . مثلا روزنامه « طوفان » در سر مقاله شماره ۷٤ خود تحت عنوان « بریده باد پای امریکا وشوروی از خلیج‌فارس» برای اثبات « سوسیال امپریالیسم » اتحاد شوروی از « مرجع معتبری » مانند شاه نقل قول میاورد یعنی پس ازذکر پاسخ شاه به خبر نگار فرانسوی راجع به روابط وی با شوروی و مسئله خلیج فارس ، چنین می افزاید: « این پاسخ شاه ، اشاره است به تهاجم سوسیال امپریالیسم شوروی به اقیانوس هند و خلیج فارس. »

در جائیکه شوروی و حزب توده ایران به سوسیال امپریالیسم و رویزیونیسم متهم میشوند ، ناچار باید شاه حافظ منافع ملی و مجاهد راه استقلال ایران بشود : دو طرف یك مدال است.

رهبری مائوئیست چین در سراشیب ناسیونالیسم دمبدم به مقامات نازلتر و نازلتری سقوط میکند و مائوئیستهای ایرانی را نیزکه بگردونه‌اش بسته شده‌اند با خود همراه‌میبرد . البته تبلیغات عوامفریبانه‌مائوئیست های ایرانی هنوز سعی دارد واقعیت‌را نفی کند وباجارو جنجالهای جنبی خود را « انقلابی سازش ناپذیر » جا بزنند ، ولی‌منطق حوادث منطق بی‌امانی است وزبرکانه ترین و ظریفترین سفسطه هارا طی زمان چنان افشاء و بی اعتبار میکند که واقعاً عبرت انگیز است .

سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی

لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن سخنرانی عمیق و بسیار پر مضمونی که روز ۲۶ اکتبر۱۹۷۳ درکنگره جهانی نیروهای صلحدوست ایرادکرد بار دیگر محتوی‌سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی را تشریح کرد و گفت :

« وقتی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و همکاری صلح آمیز میان کشورها صرفنظر ازچگونگی نظام اجتماعی آنان سخن بمیان میآید ، غالباً از ما کمونیست ها میپرسند : آیااین سیاست با بینش های انقلابی‌همسازاست ؟

یاد آور میشوم که – لنین این بزرگترین مرد انقلابی — میگفت : انقلابها طبق سفارش یا موافقتنامه انجام نمیگیرند . میتوان افزودکه انقلاب و مبارزه طبقاتی وجنبش های آزادیبخش را طبق‌سفارش یا موافقتنامه ملغی هم نمیتوان کرد . هیچ نیرویی در جهان قادر نیست سیر توقف ناپذیر نو سازی حیات اجتماعی را به قهقرا باز گرداند . هر جا استعمار وجود وجود دارد ، مبارزه در راه رهایی ملی نیز وجود خواهد داشت . هر جا تجاوز صورت میگیرد برای دفع آن مقابله نیز انجام خواهد گرفت .

توده‌های مردم برای‌دگرگونی‌جهان‌میکوشندو آنرا دگرگون هم خواهند ساخت . در مورد اتحاد شوروی میتوان گفت که این کشور همواره در کنار نیرو های هوادار پیشرفت اجتماعی قرار خواهدداشت . ما مخالف « صدور انقلاب » هستیم ، درعین حال حزب کمونیست اتحاد شوروی ، دولت ما وتمام مردم شوروی بابرادران طبقاتی خود که در کشور های خارجی مبارزه میکنند و نیز با جنبشهای آزادیبخش وضد امپریالیستی آشکارا و بدون هیچ ابهام ابراز همبستگی میکنند و این همبستگی هیچگونه تضادی با مبارزه در راه صلح و همکاری صلح آمیز میان کشورها ندارد .

ما ضمن دفاع از اصول همزیستی مسالمت آمیز در راه تحقق آرمانی که برای میلیاردها انسان‌درسراسر گیتی از هر چیزگرانبهاتر است‌یعنی در راه حق‌زندگی و نجات آن از خطر نابودی درلهیب سوزان جنگ مجاهدت میورزیم . همزمان با آن ما در راه تأمین شرایط بین المللی مساعد برای پیشرفت اجتماعی تمام کشور ها و تمام ملل مبارزه میکنیم . سخن بر سر شناسائی حق هر ملتی برای انتخاب نظام اجتماعی دلخواه خود و نیز بر سر ضوابط وموازین ساده و روشن تماس میان کشورهاست . نقض این موازین علاوه بر آنکه برابری حقوق را در مناسبات میان کشورها از بین میبرد موجب تصادمات مسلحانه نیز میگردد ، زیرا در دوران ماملل با زورگوئی وتحکم سازگار نیستند و سازگار هم نخواهند شد و این حق کامل آنهاست که در برابر تجاوز بمقابله بر خیزند . در جهان منقسم به‌دو سیستم، حفظ امنیت بین‌المللی‌فقط از طریق مراعات بی خدشه اصول همزیستی مسالمت آمیز و از جمله عدم مداخله در امور داخلی کشور ها میسر خواهد بود .

شرکت « ماهنامه مردم » در جشن « اونیتا »

برای نخستین بار « مردم» در جشن «اونیتا» ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا شرکت نمود ، که از ۱ تا ۹ سپتامبر در میلان و از ۱۵ تا ۲۳سپتامبر در فلورانس برگزار شد . غرفه مردم با عکسها وطرحها و شعار های مختلف زینت شده بود . بر سر غرفه این شعار جاب نظر میکرد : حزب توده ایران همراه با خلق برای استقلال ملی و دموکراسی مبارزه میکند . در طرحها و شعار های مختلف سیاست ترور و اختناق رژیم ، استثمار زحمتکشان و استفاده از کار کودکان، غارت منابع ملی ایران بویژه نفت از سوی امپریالیستها، سیاست نظامیگری دولت ایران و نقش وی بعنوان ژاندارم منطقه افشا شده بود . برای بزرگداشت خاطرهٔ قهرمان شهید هوشنگ تیزابی تصویر او در غرفه نصب شده و زیر آن نوشته شده بود : تیزابی مبارز توده ای در زیر شکنجه جلادان ساواك شهید شد ، ولی تسلیم نگردید .

در غرفه مردم در پای نوشته ای که میگفت : ما به کشتار و جنایات رژیم ایران شدیداً اعتراض میکنیم و خواستار احترام به حقوق دموکراتیك و آزادی زندانیان سیاسی ایران هستیم، امضاء جمع‌میشد. بیش از ۲۰ هزار نفر این نوشته را امضا کردند که در میان آنان شخصیتهای سیاسی و علمی و هنری‌ایتالیا دیده میشدند . از جمله انریکو برلینگوئر ، دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا و همراهانش این نوشته را امضا کردند . نمایندگان احزاب کمونیست پرتقال و یونان و اسپانیا نیز از جمله امضا کنندگان این نوشته‌بودند. امضاهای جمع آوری شده برای سازمان ملل متحد و سفارت ایران در ایتالیا ارسال شد . نشریات حزب‌توده ایران، که درغرفه بفروش میرفت، مورد استقبال بازدید کنندگان ایرانی قرار گرفت . تماشاگران غرفه درعین حال برای زندانیان سیاسی ایران کمك مالی‌میکردند.

عین همین غرفه در شهر فلورانس وجود داشت که چون پس از وقایع شیلی برگزار میشد، یك شعار بشرح زیر اضافه شد : ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی ـ ۱۹ اوت ۱۹۵۳ در ایران ـ هر دو کار « سیا » .

جریان تفصیلی غرفه مردم بموقع خود وسیلهٔ رادیو پیك ایران پخش شده است .

دنباله از صفحه ۱

در هشتمین کنگره سندیکائی جهانی

بمنظور مبارزه مشترك در مسائل ذیل وارد مذاکره شوند:

— علیه سیاست استثمار انحصارات ملی وشرکت های چند ملتی و امپریالیسم ؛

— علیه نتائج زیانبخش بحران سیستم‌پولی‌سرمایه داری برای زحمتکشان ؛

— برای بهبود شرایط کار وحمایت از محیط زیست؛

— برای دفاع و بسط آزادیها و حقوق سندیکائی و دموکراتیك ؛

— برای صلح جهانی ، علیه جنگ ، خلع سلاح و منع استفاده از سلاحهای هسته ای ؛

— برای پایان دادن به تجاوز اسرائیل و دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین ؛

— برای برقراری صلح پایدار در هندوچین ، برای پشتیبانی از جمهوری مستقل گینه بیسائو در راه آزاد کردن تمام کشور ، علیه دیکتاتوری فاشیستی نظامی درشیلی، برای محو نهائی کولونیالیسم در تمام کشورها برای محو رژیم فاشیستی «آپارتائید» در افریقای جنوبی و در کشور های دیگر، علیه رژیمهائی چون ... یونان ، اسپانیا ، پرتقال ، برزیل ، پاراگوا ، هائیتی ، برای وحدت کره از راه مسالمت‌آمیز و علیه استعمارنو.

در پایان پیام خطاب به کارگران اعلام میشود که : « ما عمیقاً معتقد هستیم که وحدت عمل درسطح ملی ، بین المللی ، منطقه ای و جهانی امکان خواهد داد که دفاع از منافع طبقه کارگر و تمام قشر های زحمتکش مردم تحقق یابد . نیرومند و فزاینده باد جبهه متحد سندیکائی و وحدت و همبستگی برای آیندهٔ مترقی ، آزادی و صلح !» کنگره پیام گرم و صمیمانه ای به رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی فرستاد .

*

هیئت نمایندگی ایران از طرف کمیسیون روابط سندیکائی ایران ، ادامه دهنده سنتهای شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران درکنگره سندیکائی جهانی شرکت کرد . نمایندهٔ ایران ضمن سخنرانی خود تحولات اخیر ایران را که هدف آن بسط مناسبات سرمایه داری در وابستگی با سرمایه‌داری جهانی است و همچنین محیط اختناق و تروری را حکومت دیکتاتوری در ایران برقرار کرده و وضع دشوار طبقه کارگر ایران را چه از نظر معیشت و چه از نظر نداشتن حقوق و آزادی سندیکائی و آزادیهای دموکراتیك ، تشریح نمود و از مبارزه خلقهای عرب، خلق عرب فلسطین ، خلقهای هندوچین، مردم شیلی و سایر مبارزات ضد امپریالیستی جهان بنام زحمتکشان ایران پشتیبانی کرد . در پایان کنگره مانند گذشته ایران بعضویت شورای فدراسیون سندیکائی جهانی انتخاب گردید . ا. گویا

سران کشور های عرب سپاسگزاری عمیق خود را از اتحاد شوروی ابراز میدارند

محمد انور السادات رئیس جمهور مصر در نامه خود بمناسبت پنجاه و ششمین سال انقلاب اکتبر می نویسد :

«خرسندم حق شناسی کامل خود و خلق مصر را بخاطر پشتیبانی و کمك شما در روز های دشواری که نصیب ملت عرب شده ابراز دارم . ما برای مبارزهٔ شما در دفاع از آزادی ، برای نقش قاطع و پشتیبانی دائم شما از مبارزه ملت عرب در راه سرنوشت خود و علیه تجاوز اسرائیل که از جانب نیرو های امپریالیستی پشتیبانی میشود ، ارزش فراوان قائل هستیم . ما از علاقه دوستانه شما نسبت به ملت عرب ، از پشتیبانی شما از مواضع ما مبنی بر اینکه بدون رعایت عدالت و بدون خروج کامل نیرو های متجاوز از اراضی اشغال شده عربی و بدون احیاء حقوق قانونی خلق فلسطین ، صلح پایدار در خاور نزدیك میسر نیست ، بسیار سپاس گزاریم . برای من مایه خرسندی است که عمق دوستی خلقهای عرب وشوروی را که عامل مهم در مبارزه با امپریالیسم و نقشه های تجاوز کارانه آن است ، خاطر نشان سازم . ما در راه گسترش این دوستی صمیمانه میکوشیم و تردید نداریم که مبارزه قهرمانانه خلق عرب در راه باز گرداندن اراضی غصب شده خود ونیز صلح مبتنی بر عدالت با همکاری ثمربخش و عملی و پشتیبانه صمیمانه خلق شوروی پیروز خواهد شد».

ژنرال حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه در نامه خود بمناسبت پنجاه و ششمین سال انقلاب اکتبر می نویسد :

«دوستی میان کشورهای ما و احزاب ما وخلق های ما طی سالها همکاری در تمام عرصه ها ، طی‌سالها مبارزه مشترك خلق های ما علیه صهیونیسم و استعمار و امپریالیسم در تمام اشکال آن و علیه تجاوز و استثمار تحکیم یافته است . سیر حوادث ثابت کرد که این دوستی شالوده مناسبات سوریه و شوروی را تشکیل میدهد . این دوستی به چنان سطحی رسیده است که هیچگونه دسیسهٔ دشمنان ما قادر نیست آنرا برهم زند. با استفاده از این فرصت سپاس عظیم خود را بخاطر پشتیبانی صمیمانه اتحاد شوروی از مبارزهٔ عادلانه خلق عرب برای دفع تجاوز و آزاد کردن اراضی اشغال شده عرب ودفاع از حقوق خلق عرب فلسطین ابراز میدارم.»

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

تابناک باد خاطرهٔ شهیدان حزب و جنبش

تحلیلی از وضع کنونی جهان

نبرد در راه کاهش تشنج جهانی

یکی ازگرایشهای برجسته دوران کنونیعبارت است از افزایش روز افزون نقش سیاست خارجی کشور های سوسیالیستی در سیر حوادث تاریخ معاصر. سوسیالیسم واقعی که در اتحاد شوروی و دیگر کشور های متعلق به جامعه سوسیالیستی تحقق یافته است، قوه سیاسی، اقتصادی و دفاعی عظیمی بوجود آورده و این بنیه و قوه عظیم به کشورهای سوسیالیستی امکان میدهد تا در عرصه سیاست خارجی وظائف دمبدم‌مهمتر و بغرنجتری را طرح و با موفقیت حل کنند.

در سالهای اخیر این سیاست خارجی به کامیابی های نظرگیری دست یافته است: کشور های سوسیالیستی و احزاب کمونیست این کشور ها در اثر هماهنگ کردن هدفها و روشهای عمل خود در عرصه سیاست جهانی و فعالیت مداوم و مؤثر خویش، موفق شدند بسود صلح و کاهش تشنج بین المللی، بسود سوسیالیسم، بسود همه نیرو های ضد امپریالیستی و مترقی جهان تغییرات مهمی در وضع بین المللی ایجاد کنند. ما اکنون در آغاز دورانی هستیم که طی‌آن‌جنگ سرد خاتمه می یابد و اصول همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی راه خویش را به پیش می گشاید.

با همه اهمیتی که برخی موفقیت های حاصله در زمینه تأمین صلح دارد، با اینحال نباید ذره ای از نظر دور داشت که متجاوز ترین و ستیزه جو ترین محافل امپریالیستی با تحولاتی که در وضع بین المللی روی داده و میدهد بهیچوجه سر سازگاری ندارند. این محافل میکوشند تا دست به حملات متقابله بزنند و جریان تأمین صلح و کاهش تشنج را عقیم گذارند و این روند را با توسل به انواع وسائل متوقف سازند.

بعلاوه امپریالیسم مسابقه تسلیحاتی را، که در واقع چیزی جز تدارک مادی جنگ نیست و سایه ای شوم بر مناسبات بین المللی می افکند، نه فقط ادامه میدهد، بلکه تشدید نیز کرده، بودجه های نظامی را افزایش میدهد و بر مجموعه فعالیت نظامی خویش می افزاید.

باین جهت کشور های سوسیالیستی و همه نیرو های صلح طلب جهان وظیفه خود میشمرند که در مقابل این گرایشهای منفی و ارتجاعی در صحنه جهانی، بشکل مؤثر و قاطع ایستادگی کنند، و علیه تحریکات رنگارنگ ارتجاع و تجاوز گری امپریالیستی با سرسختی و بشکلی فعال مبارزه نمایند و کاری کنند که جریان کاهش تشنج بین المللی خصلتی بازگشت ناپذیر کسب کند و این روند که تأثیرات عمیق و مثبت در تکامل تاریخی دارد، نه تنها متوقف نگردد بلکه راه خود را دمبدم بیشتر بسوی پیش باز نماید.

در سالهای اخیر جنبش کمونیستی با نیروی خصمانه تازه ای روبرو شده است. این نیروی مخالف عبارتست از سیاست رهبری حزب کمونیست چین. رهبران چین در همه بخشهای جهان با لجاج تمام مشی خود را علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و رهائی بخش ملی تعقیب میکنند. این رهبران خود مردم چین را نیز با اتخاذ این روش دچار زحمات‌فراوان ساخته اند و آنانرا به هرج و مرج باصطلاح انقلاب فرهنگی و عواقب اقتصادی و اجتماعی فراوان آن دچار و در جهان سوسیالیستی منفرد کرده اند. رهبران چین بشکل عیان در سیاست جهان با کاهش تشنج و سیر امور بسوی صلح مخالفت میورزند، آشکارا از سیاستمداران جهان سرمایه داری دعوت میکنند که پیمان اتلانتیک شمالی را تحکیم و وحدت امپریالیستی خود را حفظ نمایند، آشکارا به سیاستمداران امپریالیستی ژاپن توصیه میکنند که از بهبود روابط خود با اتحاد شوروی خود داری ورزند، آشکارا به امپریالیست های امریکائی میفهمانند که قدرت نظامی خود را در اقیانوس کبیر تقویت کنند. رهبران چین درمذاکرات بین المللی که هدف آن کاستن از خطر مقابله نظامی است شرکت نمیکنند و در این نوع مذاکرات کار شکنی میکنند. سیاست رهبران چین در مورد بنگلا دش و شیلی، نمونه های زشت رفتار آنها با جنبش رهائی‌بخش‌است. ما درکشور خود ایران شاهد سیاست تشنج آفرینی رهبران چین که از روش ارتجاعی شاه حمایت‌می کنند هستیم. اینهاچندنمونه واقعی‌وانکارناپذیر



دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران
(بمناسبت روز ۱۴ بهمن - روز شهیدان)

است و بهمین جهت مقابله و مبارزه با این مشی ضد لنینی و ضد صلح از وظائف مهم احزاب انقلابی و نیرو های مترقی است.

مشخصات بحران کنونی سرمایه داری

وقتی به کشور های رشد یافته سرمایه داری نظر می افکنیم و میخواهیم وضع آنها را مورد تحلیل قرار دهیم، یکبار دیگر این واقعیت روشن میشود که آموزش لنین در باره امپریالیسم کماکان صحت و فعلیت خود را حفظ کرده است و کلیدی برای درک شرایط کنونی است. لنین از پوسیدگی سرمایه داری در دوران امپریالیسم سخن گفته و متذکر شده است که مقصود از پوسیدگی سرمایه داری آنست که بورژوازی بیش از پیش قابلیت خود را برای استفادهٔ عقلائی از نیرو های مولده از دست میدهد و ناموزونی رشد بین رشته های مختلف اقتصاد سرمایه داری و مظاهر طفیلی گری و تزلزل دائمی در اقتصاد، بیکاری، گرانی و عدم اطمینان نسبت به فردا تشدید میشود.

علل واقعی تضاد حاد و شدید سرمایه داری انحصاری دولتی معاصر را نیز باید در آموزش لنین جست. این علل عبارتست از اجتماع عوامل متضاد، مانند: انحصار ازطرفی و رقابت از سوی دیگر، نقشه بندی دولتی از طرفی و سیر خود بخودی بازار از سوی دیگر، سازماندهی سرمایه داری اقتصاد از طرفی و بی نظمی در تولید کالا ها از سوی دیگر. سرمایه داری قادر نیست بر این تضاد ها غلبه کند و آنها را حل نماید و یك سیستم اقتصادی موزون و متناسب بوجود آورد. سرمایه داری تاکنون تنها بوسیله اقدامات فرعی که مهمترین آنها توسل به نظامیگری است توانسته است برای برخی مشکلات خود چاره اندیشی کند، ولی این مسکن ها نیز بیش از پیش تأثیرخود را از دست میدهند.

در دوران کنونی جامعه سرمایه داری در مقابل آن چنان حدتی از تضادهای یاد شده قرار گرفته‌است که میتوان از نوعی تحول کیفی در بحران عمومی سرمایه داری سخن گفت یعنی میتوان گفت که این بحران عمومی در جهات مختلف تعمیق شده است. این بحران، بحران بنیاد اقتصادی نظام سرمایه داری است، یعنی دیگر از حدود بحرانهای ادواری اقتصادی فراتر رفته و از جمله بصورت بحران مزمن مالی وپولی درآمده است. این بحرانی است در مناسبات بین امپریالیسم از سوئی و کشور هائی که از قید ستم استعماری رهائی یافته اند از سوی دیگر. این بحرانی است در مناسبات بین مراکز قدرت در اردوگاه امپریا لیستی یعنی بین امریکا و کشور های اروپای غربی و ژاپن. این بحران، بحران انرژی است که بصورت یك بلیه واقعی برای‌اقتصاد سرمایه داری در آمده‌است. این بحران، بحران آلودگی شدید فضای حیاتی است (که آنرا اصطلاحاً بحران اکولوژیك میگویند) و خود یك مسئله بسیار بغرنج برای کشور های سرمایه

دنباله در صفحه ۲

سیاست نظامیگری و تجاوز رژیم ایران

هنوز بحران خاور میانه که نتیجه تجاوزاسرائیل به کشور های عربی است پایان نیافته، که کانون تازه ای از تجاوز و تعرض در این منطقه در حال رشد و توسعه است. سیاست نظامیگری و تجاوز کاری و توسعه طلبی حکومت ایران، کشور ما را به کانون خطر نوی برای صلح و آرامش خاور میانه تبدیل کرده است.

شاه با اختصاص بخش مهمی از درآمد نفت به خرید سلاحهای مدرن و صرف قسمت گزافی از بودجه کشور برای ایجاد پایگاههای نظامی، هوائی و دریائی، توسعه صنایع جنگی، بسط سازمان ارتش و سازمانهای نیمه نظامی زیر نظر مستشاران نظامی امریکا و کارشناسان رنگارنگ کشورهای ناتو از آنجمله آلمان فدرال چنان وضعی در منطقه بوجود آورده که بحق موجب نگرانی کشور های خاور میانه گردیده است.

بودجه نظامی‌ایران که درسال ۱۳٤۰ ده میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۱ به بیش از صد میلیارد ریال رسید، یعنی تا ده برابر افزایش یافت. بموازات بالا رفتن تولید و درآمد نفت خریدهای کلانی از سلاحهای مدرن در دو سال اخیر انجام گرفت که حتی درمقیاس جهانی برای کشور های در حال صلح بیسابقه بوده است. خرید دو میلیارد دلار اسلحه از امریکا در سال ۱۳۵۲، خرید یکصد و پنجاه میلیون لیره استرلینگ تانک «چیفتن» از انگلستان، خرید سی هواپیمای نوع «آ ۱٤ — اف» بنام «تمکات» به بهای نهصد میلیون دلار از امریکا در ۷ ژانویه ۱۹۷٤ (هرالد تریبون شماره ۱۲ـ۱۳ ژانویه ۱۹۷٤ و روزنامه لوموند [illegible]ی در همین تاریخ)، خرید یکصد و پنجاه هواپیـ ـ (ا ـ ۵ ـ اف) بنام «ببر ـ ۲» و سفارش پنجاه و سه فروند هواپیمای «۱۵ ـ اف» به بهای یك میلیارد دلار (لوموند ۲ فوریه ۱۹۷٤)، خرید هشتصد میلیون فرانك وسائل دفاع هوائی از انگلستان در ژانویه۱۹۷٤ (لوموند ۲٤ ژانویه ۱۹۷٤) همه و همه جزئی ازمیلیارد ها دلار از درآمد کشور ماست که بجای صرف در راه بهبود زندگی مردم، به جیب صاحبان کارخانه های اسلحه سازی کشور های امپریالیستی ریخته شده واین اقدامات زیانبخش باوسعت و شدت بیشتری ادامه دارد! هم اکنون شاه در اروپا در «سن موریتس» محل بازی های زمستانی اسکی برای خرید اسلحه و فروش نفت با سه کشور آلمان غربی، انگلستان و فرانسه مشغول معامله و مذاکره است و در عین حال ببازی اسکی و شرکت در مجالس شبانه رقص سرگرم است!

شاه ونخست وزیر او هویدا مکرر اظهارداشته اند که ارتش شاهنشاهی باید چنان تقویت یابد که نه فقط بمقیاس منطقه بلکه بمقیاس جهانی بحساب آید. برای حصول باین هدف است که دولت ایران دو اسبه در راه تسلیحات و توسعه ارتش و پایگاههای نظامی خود میتازد. رادیو لندن در ٦ نوامبر ۱۹۷۲ اظهارات شاه را در باره هزینه های نظامی ایران چنین انتشار داد: «در سالهای آینده مبلغ بیشتری خرج‌قدرت دفاعی کشور خواهد شد، در برنامه پنجم مبلغی که برای خرید اسلحه و لوازم دفاعی منظور شده است از جمع کلیه مبلغی که در چهار برنامه بمصرف رسیده نیز بیشتر میباشد». هم اکنون هزینه های نظامی از آنچه در طرح برنامه پنجم پیش بینی شده تجاوز کرده و شاه در تخیلات خود از حدود فوق بسیار دورتر رفته و صحبت از خرید کشتیهای هواپیما بر و ساختمان نیروگاههای هسته ای و استفاده از ماهواره ها برای نیازمندیهای نظامی میکند!

هدفهای سیاست نظامیگری شاه

سیاست نظامیگری ایران پیوند عمیقی با سیاست امپریالیستها، بخصوص امریکا در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند دارد که هدفهای آنرا بطور کلی میتوان چنین خلاصه کرد:

۱ — سرکوب هرگونه جنبش ضد استعماری در منطقه و در درجه اول جنبش ضد استعماری و ضد دیکتاتوری مردم ایران؛

۲ — حفظ منافع اقتصادی و استراتژیك امپریالیستها در این ناحیه؛

۳ — پشتیبانی از حکومتهای ارتجاعی منطقه و کمك مستقیم بدانها؛

٤ — تهیه بازار فروش برای سلاحهای مرگ زای امپریالیستها بحساب خلقهای محروم منطقه؛

۵ — توطئه علیه حکومت های مترقی برای سقوط آنها؛

٦ — ارضای تمایلات عظمت طلبانه شاه و هیئت حاکمه ایران؛

۷ — بسط نفوذ اقتصادی، مالی، سیاسی و نظامی ایران در امیر نشینهای خلیج بسود مشترك بورژوازی بزرگ ایران و سرمایه های امپریالیستی درایران.

تردیدی نیست که تجهیز ارتش ایران بخاطر هدفهای فوق، بر اساس نقشه مشترك امپریالیستها و همکار حرف شنوی آنها، شاه انجام گرفته است. روزنامه نیویورك تایمز در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۱ در باره ارتش ایران چنین نوشت: «امریکا و انگلیس مشترکا و بطور مخفیانه مشغول توسعه و ساختمان ارتش ایران هستند». نیویورك تایمز افزود که: «مقامات امریکائی معتقدند که با اتمام این پروژه در سال ۱۹۷۵ ایران قدرت مهمی در خاور میانه و عامل ثبات در منطقه بحرانی خلیج فارس خواهد شد.» گرچه هنوز سال ۱۹۷۵ فرانرسیده ولی هم اکنون ارتش ایران بعنوان عامل «ثبات» و «امنیت» دست به تجاوز و تعرض زده درعمان و بلوچستان پاکستان بایفای نقش ژاندارم‌منطقه مشغول است.

دخالت ارتش ایران دربلوچستان وعمان

پیش از آنکه به دخالت ایران در بلوچستان پاکستان بپردازیم بطور خلاصه یادآور میشویم که جنبش ملی خلق بلوچ و پشتو در پاکستان سابقه طولانی دارد. در انتخابات سال ۱۹۷۰ حزب ملی‌خلق که خواستار خود مختاری کامل بلوچستان و پشتونستان بود پیروز شد و در مجلس ایالتی بلوچستان ۱۲ کرسی از ۱۸ کرسی را بدست آورد. هنگام جنگ رهائی بخش بنگلا دش در پاکستان غربی، این حزب ممنوع شد. پس از سقوط یحیی خان و آزادی بنگلا دش در ماه مه ۱۹۷۲ دولت مرکزی موافقت کرد که استانداران بلوچستان و دیگر نقاط مرزی از جانب حزب‌خلق تعیین و گمارده شوند، ولی در سال ۱۹۷۳ بتحریك حکومت مرکزی حوادثی در بلوچستان بوجود آمد که وزیر کشور پاکستان آنها را وسیله ای برای برکناری دولتهای حزب خلق در بلوچستان و مناطق مرزی قرار داد. نتیجه این اقدام چنین شد که رهبران حزب‌ملی

دنباله در صفحه ۲

سیاست نظامیگری و تجاوز رژیم ایران

خلق بکمك خلق بلوچ علیه دولت مرکزی قیام کردند. دولت مرکزی حکومت نظامی اعلام کرد و «بهوتو» برای گرفتن کمك از شاه بایران آمد. یادآوری کنیم که در جریان این حوادث شاه ایران بی پروا اعلام داشت که نخواهد گذاشت بلوچستان پاکستان خود مختار شود و در صورت لزوم بلوچستان پاکستان را اشغال خواهد کرد. شاه در آخرین مسافرت خود به امریکا گفت:

« اگر پاکستان از هم بپاشد ویتنام جدیدی پیش خواهد آمد. ما باید کاری کنیم که پاکستان قطعه قطعه نشود این واقعه میتواند یك بلیه وحشتناك و موجد اوضاعی مشابه هندوچین درمقیاس جدید ووسیع باشد. من حتی‌از تصور آن بلرزه‌در میآیم. بهر حال اگر این حادثه بروز کند کمترین کاری که ما میتوانیم برای حفظ منافع ملی خود بکنیم، عبارت است از اتخاذ تدابیر در جهت دفاع بلوچستان. » هنگام بازدید رسمی بهوتو از ایران (۱۰ تا ۱٤ مه ۱۹۷۳) شاه ایران گفت: « همه آنچه در پاکستان همسایه شرقی ما روی‌میدهد اهمیت حیاتی برای مادارد، ما نمیتوانیم بعنوان ناظر حوادث جدید باقی بمانیم. » هنگامیکه حزب ملی خلق در بلوچستان بر سر کار بود، بارها بتمرکز نظامی ایران در سر حد پاکستان اعتراض کرد. جلسه سنتو در ژوئن ۱۹۷۳ در تهران در باره جنبش خلقهای بلوچ و پشتو در پاکستان و همچنین جنبش ظفار در عمان بمذاکره پرداخت و نماینده ایران تعهداتی را برای سرکوب این جنبشها بعهده گرفت که هم اکنون ارتش ایران مشغول انجام آنهاست. آقای «ژان پیر ونو» استاد انستیتوی زبانهای شرقی در فرانسه که از مسافرت ببلوچستان پاکستان بازگشته طی مصاحبه‌ای مشاهدات واطلاعات خود را در «لوموند دیپلماتیك» شماره نوامبر ۱۹۷۳ تحت عنوان: « آیا بلوچستان بنگلادش جدید خواهد شد؟ » منتشر کرده که پرده از روی دخالتهای نظامی‌ایران در پاکستان بر میدارد. وی در باره دخالتهای ایران چنین مینویسد: « ارسال هلیکوپتر، اعزام‌مشاورین نظامی و کارشناسان جنگهای پارتیزانی و اعضای سازمان امنیت ایران. نماینده مجلس پاکستان عبدالحیه بلوچ چندی قبل از وزیر خارجه خواست تا در باره حضور نظامی ایران در بلوچستان پاکستان توضیحاتی به‌مجلس بدهد او گفت « مردم بلوچ تا آن درجه نادان نیستند که نظامیان ایرانی ملبس‌بلباس‌شخصی را که در خیابانهای « کویته» در گردش اند از توریستهای عادی تشخیص ندهند و یا اینکه هلیکوپترهای نظامی سفید رنگی را که هرروز در آسمان مناطق آنها در پروازند بجای هواپیماهائی که هدف صلح آمیز دارند، قبول کنند. در « کویته» همه میدانند که هدف میسیون سازمان امنیت ایران (ساواك) در بلوچستان پاکستان هماهنگ ساختن فعالیت با سازمانهای جاسوسی پاکستان است. این میسیون بطور دائم در پالاس هتل « کویته » در محل سابق حزب ملی خلق جا دارد » ساختن پایگاه نظامی ششصد میلون دلاری در چاه بهار نزدیك مرز بلوچستان پاکستان نیز برای سرکوب خود مختاری بلوچ و پشتیبانی از ارتجاع پاکستان و همکاری در اجرای نقشه‌های امپریالیستها در این ناحیه است.

در عمان و مسقط همانطور که در شماره گذشته مردم نوشتیم و بهمین جهت دیگر در اینجا به تفصیل نمیپردازیم، ارتش ایران، بجنگی تهاجمی علیه خلق عمان که منطقه ظفار را آزاد کرده دست زده و همراه با نیروهای سلطان قابوس و ارتش انگلستان بسرکوب جنبش نجات بخش مردم عمان و بتجاوز بخاك جمهوری دموکراتیك یمن مشغول است.

تحریکات علیه جمهوری عراق

علاوه بر تجاوزعلنی بکشورهای پاکستان وعمان وجمهوری دموکراتیك یمن، حکومت ایران با تمرکز مکرر نیروهای ارتشی درمرزهای عراق، اعزام کارشناسان و جاسوسان سازمان امنیت بکردستان عراق و تحریکات در منطقه کردستان عراق برای جلوگیری از حل‌مسئله کرد در عراق، بارها بتوطئه و تحریك بمنظور ساقط کردن‌حکومت جمهوری مترقی عراق دست زده است.

بدین ترتیب معلوم میشود که برخلاف ادعاهای شاه هدف توسعه و تجهیز ارتش‌ایران نه برای « دفاع »، « ثبات » و « امنیت » بلکه برای شرکت در توطئه های امپریالیستی، تجاوز بخاك دیگران و تبدیل ایران بکانون خطرناکی است که صلح وامنیت را در این منطقه تهدید میکند. سیاست نظامیگری و تجاوزایران موجب شده که کشورهای همجوار ما نیز متقابلاً بتقویت نیروهای نظامی‌خود پردازند ویکنوع مسابقه تسلیحاتی در این منطقه از جهان بوجود آید که ازیکسوباعث عقب ماندگی هر چه بیشتر سطح زندگی خلقهای این ناحیه و از سوی دیگر متضمن خطر برخوردهای نظامی در خاورمیانه است. بدیهی است که مردم صلحدوست ایران که در عین حال مدافع سر سخت استقلال و تمامیت کشور خود باتمام نیرو هستند، مداخله‌حکومت ایران را در امور کشورهای دیگر بهر عنوان که باشد بشدت محکوم‌میکنند. مردم ایران سیاست‌نظامیگری رژیم را که بخاطر بلند پروازیهای شاه و شرکت در توطئه های امپریالیستی اتخاذ شده، خیانت به منافع ملی خود تلقی کرده و علیه آن مبارزه میکنند. مردم عمان و یمن دموکراتیك، خلق بلوچستان و مردم عراق بخوبی آگاهند که سیاست تجاوزکارانه دولت ایران بر خلاف تمایلات‌مردم ایران است ونیك میدانند که‌ابتدائی ترین حقوق خلقهای ایران سالهاست که مورد تجاوز و تعرض این سیاست قرار گرفته است.

اما تردیدی نیست که در جهان امروز بعلت تغییر تناسب قوا بسود صلح و سوسیالیسم و مبارزه بی امان خلقها در راه استقلال وآزادی اینگونه سیاستها دارای دور نمائی نیست.

۱. گویا

تحلیلی از وضع کنونی جهان

داری است. این بحران، بحران مشی سیاست بین المللی امپریالیستی است که همه جا به بن بست‌رسیده و با معضلات لاینحل روبرو شده است. دکترین های رنگارنگ نظامی و سیاسی که هدف آن سرکوب نظامی کشور های سوسیالیستی، جنبشهای رهائی بخش و حفظ و تقویت سیطره امپریالیستی بر جهان بود، از دکترین ترومن‌گرفته تا دکترین نیکسون، همگی عقیم ماند و بی‌ثمر از کار درآمد و یا هرگونه دورنمائی را از دست داده است. این بحران، بحران اجتماعی است و منجر بدان شده که مبارزه طبقاتی و بویژه مبارزات طبقه کارگر حدتی بیسابقه یافته و نوعی «جبههٔ داخلی» در کشور های رشد یافته سرمایه داری ایجاد کرده است. این بحران، بحران ایده‌ئولوژیك است که آنرا خود صاحب نظران بورژوائی «بحران اعتماد» به نظام موجود سرمایه داری می نامند و حتی در کشور های سرمایه داری از نوع امریکا و انگلستان، که به پایداری سیاسی و اجتماعی خود مغرور بوده اند، عمیق ترین تزلزلهارا نسبت به‌صحت نهاد ها و مقررات‌موجود در افکار عمومی ایجاد کرده است.

بدینسان میتوان گفت که حسابهای محافل حاکمه سرمایه داری در باره ایجاد یك ثبات اجتماعی و سیاسی محکم و طولانی، آشکارا با شکست روبرو میشود. در بطن جامعه سرمایه داری معاصر نیرو هائی در حال رشد و گسترش هستند که علیه این نظام وارد میدان میگردند: پیکار طبقه کارگر شدت میبابد، مبارزات اعتصابی‌گسترشی فراوان یافته است، اعتصابات از حدود صرفاً اقتصادی خارج شده و بصورت نمایشها و میتینگها، تصرف مؤسسات صنعتی، تصادم شدید بین اتحادیه ها ودولت، برخورد با پلیس و طرح‌مطالبات اجتماعی و سیاسی در آمده است. مبارزات دهقانی نیز دمبدم در کار گسترش است. دانشجویان و دیگر گردانهای نسل جوان با فعالیت روز افزون علیه نظام موجود مبارزه میکنند. شیوه تفکر روشنفکران بیش از پیش بجانب رادیکالیسم، یعنی طرح و درك ریشه‌ای مسائل اجتماعی و مطالبه تحولات بنیادی سیر میکند. اینها و واقعیات متعدد دیگر حاکی از افزایش جنبش انقلابی در جوامع سرمایه داری است.

نتیجه ای که میتوانیم از این بررسی بگیریم آنست که در مضمون مبارزهٔ طبقاتی زحمتکشان نیز تحولات کیفی مهمی رخ میدهد، یعنی مبارزات بیش از پیش علیه خود سیستم متوجه میگردد و از بمیان کشیدن توقعات و مطالبات جزئی و فرعی، بسوی طرح مطالبات بنیادی و اصولی سیر میکند.

محافل امپریالیستی و بورژوازی بزرگ از سیر عمومی وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان که در جهت تمایل و پیش بینی و توقع آنها نیست، سخت نگران و هراس زده اند. این محافل مبارزات ایده ئولوژیك ضد کمونیستی و ضد شوروی را در بسته بندی های رنگارنگ چپ و راست بنحو بیسابقه ای تشدید کرده اند، تا بتوانند از رخنه نیرومند حقایق انقلابی جلوگیری کنند. مرتجع‌ترین محافل سرمایه‌داری امپریالیستی علاوه بر تکیه روز افزون به نظامیگری و تسلیحات، در آرزوی احیاء رژیمهای زور گویانه نظامی و در مواردی که بتوانند، نظامات فاشیستی ونئوفاشیستی هستند تا خود را نه تنها از دست احزاب کمونیستی بلکه از دست اتحادیه های کارگری و دیگر محافل دمکراتیك و صلح طلب خرده بورژوائی که بیش از پیش رادیکالیزه میشوند، خلاص کنند. در مصاحبه اخیر شاه ایران با مصاحبه‌گر ایتالیائی «اریانا فالاچی» این تمایل سوزان به استقرار رژیمهای استبدادی در سراسر جهان بعیان بروز کرده است. شاه ایران با زهرخند کینه جویانه ای از دمکراسی سخن میگوید و رژیمهائی از نوع رژیم ایران و شیلی و امثال آنرا بسبب داشتن «قاطعیت» آنها در سرکوب ضد انقلابی می ستاید.

امپریالیستها و محافل تبلیغاتی وابسته بانها سعی دارند بین اتحاد شوروی ودیگر بخشهای جنبش انقلابی جهان، بین احزاب کمونیستی و دیگر احزاب و سازمانهای دمکراتیك « گوه بزنند » و هر جا که بتوانند با استقرار رژیمهای استبدادی نظامی و فاشیستی جنبشهای رشد یافته انقلابی و دمکراتیك را در خون غرق نمایند تا شاید خود را از بحران عمیق همه جانبه رهائی بخشند. خطر فاشیسم باخطر جنگ جهانی همزاد است و لذا توده‌های جهان باید با هشیاری‌گوش بزنگ حوادث باشند. ما هم اکنون در ایران با چنین رژیمی که مایل است به‌جهان « سر مشق » بدهد روبروهستیم و خوب درك میکنیم که تمایلات واقعی امپریالیسم و ارتجاع چیست و چگونه نباید در باره این نیات شوم غفلت داشت و بدانها کم بها داد.

دو گرایش متضاد در « جهان سوم »

سر مشق و نمونه ساختمان اجتماع در کشورهای سوسیالیستی و کمك کشور های سوسیالیستی، برای رهائی ملی خلقهائی که از امپریالیسم ستم میبینندورشد و تکامل کشورهای نو استقلال در مسیر غیر سرمایه‌داری، امکانات واقعی ایجاد کرده است. شدید تر و عمیقتر شدن تناقضات بین کشور های امپریالیستی از سوئی و کشورهای رشد یابنده از سوئی دیگر پایه اعتلاء بیش از پیش جنبش ضد امپریالیستی شده است. این عوامل جنبش رهائی بخش را در «جهان سوم» وارد مرحله ای تازه میکند.

در این مناسبات ما بین امپریالیسم و « جهان سوم » دوگرایش متضاد در مقابل یکدیگر قرارگرفته است: از طرفی اشکال مختلف نو استعماری از طرف محافل امپریالیستی بمیان میآید واز آنجمله است‌پیدایش کورپوراسیونها یا شرکتهای باصطلاح « ماوراء ملی » (سوپرانا‌سیونال) که نه فقط دولتهای امپریالیستی را در بر میگیرد، بلکه قصد دارد کشورهای «جهان‌سوم» را نیز باخود پیوند دهدونوعی هم‌پیوندی (انتگراسیون) امپریالیستی با « جهان سوم » بر قرار سازد و تحت عنوان مشارکت (پارتنریسم) سیاست غارتگری ادامه یابد. اینکه زمامداران کشور ما و بویژه شاه از مشارکت با کارتل بین المللی نفت « تا پمپ بنزین » صحبت میکنند و رادیو دولتی ایران مسئله « سرمایه گذاری دو سویه» را بمیان میآورد، خود نمونه ای است از قبول این آخرین شیوه نو استعماری. در بخشهای دیگر سیاست اقتصادی رژیم ایران نیز میتوان خطوط این روش نواستعماری جدید و سیر بطرف هم پیوندی با امپریالیستها را با روشنی مشاهده کرد.

از طرف دیگر گرایش محدود کردن وحتی از میان بردن مواضع اقتصادی انحصار های امپریالیستی در کشورهای « جهان سوم » تشدید میشود و این کشورها برای کسب استقلال اقتصادی خود دست به اقدامات مشخص زده‌اند. حتی‌کشورهائی که هیئتهای حاکمه آن روابط و بستگی‌های آشکار ونزدیك بامحافل امپریالیستی و از آنجمله و بویژه با امپریالیسم امریکا دارند، مجبورند، بدنبال سیر پرتوان حوادث، در یك سلسله از این نوع اقدامات شرکت جویند. بدینسان حتی در سیاست اینقبیل کشور ها نیز مقابلهٔ این دو گرایش متضاد بعیان دیده میشود. بشکل فشرده میتوان گفت که « جهان سوم » اکنون وارد مرحله مهم مبارزه برای نیل به استقلال اقتصادی، که بدون آن استقلال سیاسی جنبه صوری پیدا میکند، شده است. تنها استقلال اقتصادی است که محملها وشرایط واقعی رفع عقب ماندگی دیرینه و نیل به ترقی واقعی مادی و معنوی را برای جوامع « جهان سوم » میتواند فراهم سازد. پس از فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی (که مضمون مرحله سوم بحران عمومی سرمایه داری بود) این پدیده، پدیده ایست دارای اهمیت ویژه تاریخی شگرف و عواقب مثبت دور و دراز.

افزایش نقش عامل ذهنی در جنبش

حدت تضاد های طبقاتی در مجموعه سیستم سرمایه داری، نا پایداری وضع و نا رضائی توده ها در بسیاری از کشور های بورژوائی بحدی رسیده است که درهر لحظه‌ای، دراین یا آن حلقهٔ این سیستم میتواند وضعی پدید آید که راه را برای تحولات انقلابی‌بنیادی بگشاید. البته در یك سلسله ازکشورهای سرمایه‌داری و از آنجمله درکشور ما، هیئت های حاکمه با توسل به اسلوبهای فاشیستی و پلیسی و سرکوب خونین و خشن باصطلاح « ثبات » را نگاه میدارند و خودنیز واقفندکه بدون آن قادر به‌ادامه حکومت نخواهند بود.

در این شرایط که وضع مساعد برای دگرگونی های انقلابی میتواند هر لحظه ای فرا رسد، نقش عامل ذهنی جنبش انقلابی، یعنی سیاست صحیح و مؤثر حزب مارکسیستی ـ لنینیستی در هر کشور، بحد فراوانی افزایش مییابد. صحت مشی سیاسی وسازمانی، قاطعیت و آمادگی انقلابی و فعالیت پی‌گیر پیشاهنگ طبقه‌کارگر و وفاداریش به‌اصول استراتژیك وتاکتیکی لنینی، مقدم‌ترین شرط‌استفاده درست از امکانات‌موجود است. روشن است که در این شرایط شیوه ها و اشکالی که حزب طبقه کارگر بمنظور تأمین رهبری سیاسی از آنها استفاده میکند بسیار متنوع است مانند: تنظیم یك سیاست انقلابی طبقاتی که مبتنی [illegible] تحلیل علمی وضع جهان باشد؛ درك عمیق حزب طبقه کارگر از مسئولیت های خود در برابر خلق خویش و در برابر جنبش انقلابی جهانی و تحکیم وحدت با دیگر احزاب مارکسیستی ـ لنینیسی؛ بررسی همه جانبه تجارب تاریخی انقلابها وساختمان سوسیالیسم درکشورهای‌دیگر بسط خلاق تئوری انقلابی در شرایط مشخص و مبارزهٔ قاطع برای حفظ پاکیزگی تئوری انقلابی از انحرافات راست و « چپ »؛ مراعات پی‌گیر وبی خدشه‌موازین حیات حزبی برپایهٔ مرکزیت دمکراتیك؛ تأمین وحدت ایدئولوژیك و سیاسی صفوف حزب و نیروی پیکارجوئی و رزم آوری آن با نتیجه گیری از کامیابیها و عبرت اندوزی از اشتباهات وشکستها. همه این اقدامات در مجموع خود برای حزب طبقه کارگر اهمیت حیاتی‌دارد تا بتواند در اوج اجراء وظایف سنگین تاریخی خود قرار گیرد.

اگر حزب طبقه کارگر نتواند در زمینه های یاد شده در سطح لازم باشد بناچار نخواهد توانست از امکانات مساعدی که تاریخ میتواند در برابر وی قرار دهد بدرستی و سرعت استفاده کند.

برخی مشخصات وضع ایران

در پرتو این تحلیل

درکشور ما هیئت حاکمه و بر رأس آن شاه، هم در زمینه بحران سرمایه داری، هم در زمینه مسئله تشنج بین المللی، با تمام قوا همبستگی خود را با امپریالیسم حفظ میکند. در زمینه بحران، سیاست‌اعلام شده از طرف شاه در موارد متعدد عبارتست از کوشش برای یاری رساندن به امپریالیسم بحران زده و حفظ و تقویت مواضع غارتگرانه امپریالیستها بزیان استقلال اقتصادی کشور ما، بزیان ترقی و رفاه عمومی مردم. در زمینه کاهش تشنج بین المللی، شاه در کنار متجاوزترین محافل نظامی و سیاسی امپریالیستی، سیاست تشدید مسابقه تسلیحاتی و مداخله نظامی در امورکشورهای دیگررا باشدت بیسابقه‌ای دنبال میکند و اعلامهای لفظی شاه ودیگر سخنگویان هیئت‌حاکمه در مورد مسائل حاد بین‌المللی مانندمسئله ویتنام، مسئله خاور میانه و غیره سالوسانه و فاقد محتوی جدی است.

اگر به این گرایشهای منفی، روش تشدیدفشار در داخل را نیز بیافزائیم بیش از پیش نقش نا میمونی که رژیم در وضع کنونی بین المللی ایفاء میکند، روشن میگردد. این دروضعی است که «جهان‌سوم» که کشور ما متعلق بدانست امکانات عینی واقعی برای رهائی قطعی اقتصادی وسیاسی خود بدست آورده‌است. این‌امکانات عینی نیرومند حتی در سیاست هیئت‌حاکمه ایران با تمام تمایلات ارتجاعیش مهر ونشان‌خود را باقی می‌گذارد ولی‌رژیم این سیر را بنا بخصلت ارتجاعی خود ترمز میکند.

تردیدی نیست که‌این سیاست ارتجاعی نمیتواند در مقابل سیر پر توان حوادث زمان ما تادیری تاب بیاورد و محکوم به شکست است.

۱ : سیتو

روز هشتم مارس، روز بین‌المللی زنان‌را بهمهٔ زنان ایرانی شادباش میگوئیم و پیروزی آنها را درنبرد بخاطراحقاق حقوق اجتماعی وصنفی‌خود خواستاریم !

دورهٔ ششم | بیست و نهم اسفند ۱۳۵۲ | شمارهٔ صد و هفتم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام برای رفیق مازیار و دوستانش

دوستان گرامی !

تصادفی بما امکان دادکه گفتگوئی را برادرانه و جدی با شما و دوستانتان آغاز کنیم . روی سخن ما در عین حال با همه گروههائی نظیر شما ست که صادقانه برای یك هدف عالی ، یعنی آزاد کردن میهن عزیزمان از زیر سلطه غارتگرانه امپریالیستها و ارتجاع داخلی ، گام در راه دشوار نبرد اجتماعی گذاشته‌اند.

ما صادقانه‌به مبارزه شمابدیدهٔ تحسین مینگریم در عین اینکه با برخی شیوه هائی که شما برای‌رسیدن به این هدف انتخاب کرده اید موافق نیستیم و بعضی از ارزیابیهائی را که شما در باره نیروهای داخلی طرفدار آزادی و استقلال و پیشرفت داشته و شایدهنوز دارید درست نمیدانیم و بر آنیم که شناخت شما در باره دوستان و هواداران واقعی جنبش نجاتبخش ملی ایران در صحنه سیاست بین المللی طی یك دوران

دنباله در صفحه ۲

با سیاست اختناق آور رژیم مبارزه کنیم !

رژیم کنونی ایران که مدتهاست ترور و اختناق عمومی و سرکوب هرگونه نیروی مخالفی را به اسلوب اساسی کشور داری بدل کرده است ، هر روز در این زمینه دست به تبه کاری تازه بتازه‌ای میزند.

یکی از نمونه های اخیر این روش ، باصطلاح دادرسی ننگین و سرا پا مسخره جمعی از جوانان روشنفکر است که باتهام توطئه علیه جان شاه و ولیعهد محاکمه شده اند .

شرح ناقص وسانسور شده این باصطلاح‌دادرسی در روزنامه ها درج شد و هر خواننده عاقلی میتوانست قضاوت کند که این جریان جز پرونده سازی فتنه انگیز [illegible] طرف مأموران ساواك برای بسراه انداختن یك [illegible] جدید خونریزی چیز دیگری نبوده است .

احکام این دادرسی ساواك فرموده بهترین دلیل محکومیت آن است : بحکم این بیدادگاه های ننگین و بفرمان شاه ، جوانان دلاوری مانند خسرو – گلسرخی و کرامت دانشیان تیر باران شدند وفردای آن بحکم باصطلاح دادگاههائی که معلوم نبودکجا و کی تشکیل شده، شش تن دیگر در خاك وخون غلطیدند.

بسیار طبیعی است که پس از این پدیده تازه از بیدادگری رژیم و دادگاههای نظامی و سازمان دوزخی ساواك ، بار دیگر کوره خشم عمومی شعله‌زند. حوادث اخیر در دانشگاه تهران مظهر دیگری‌است از این شعله مقدس . رژیم بجای آنکه در باره علل این واکنشهای بحق بیاندیشد تنها فکرش دست زدن به خشونتهای تازه است تا قدرت مطلقه شاه وحکومت فردی را بهر بهائی است محفوظ دارد .

حکومت مطلقه نخستین شرط تأمین محیط امن برای غارتگران داخلی و خارجی است . نخستین شرط تأمین‌آن باصطلاح « ثباتی » است که معنای دیگری جز ثبات یك نظام سرا پا ضد خلقی وضد دمکراتیك ندارد .

مردم ایران !

با رژیمی رو برو هستیم که با تکیه بوحشیانه ترین و [illegible] ل، با تکیه به مرتجعترین محافل امپریالیستی میخواهد اراده شوم خود را تحمیل کند . دهها سال است که رژیم خفقان و اختناق در کشور مابرقرار است و هزار ها تن مبارزان آزادی پرست ایرانی را در گور خونین خوابانده است .

اگر قشر های وسیع مردم شهر و ده وارد پیکار جمعی و پیگیرانه شوند میتوانند بساط دد منشی وخود سری این رژیم را برچینند . در عصر ما دیگر دوران آنکه بیداد گریها وغارتگریها بی کیفر بماند گذشته است . در سراسر جهان مردم بجوش‌وخروش آمده اند. تختهای ستم لرزان است ودژهای غارتگران فرومیریزد. امپریالیسم بسرعت رو به ضعف میرود وگردانهای‌انقلابی در کشورهای صنعتی ودر «جهان سوم» با فعالیت‌بیش از پیش وارد میدان میشوند .

مردم ایران که‌طی‌صد سال اخیرهمیشه از پویا ترین وپیکار جوترین خلقهای « جهان سوم » بوده‌اند، در این موقع میتوانند بار دیگر چهره درخشان انقلابی خود را نشان دهند ودست‌جلادان وغارتگران وچاکران امپریالیسم را کوتاه کنند .

مبارزه جمعی و توده‌ای تحت شعار های صحیح برای طرد سیاست نظامیگری وتجاوز ومسابقه تسلیحاتی برای تأمین آزادیهای دمکراتیك و استقلال کشور ، برای تأمین رفاه مردم ، برای اجراء یك سیاست واقعاً ملی در زمینه نفت و استفاده از عواید سرشار آن در راه ترقی کشور ما ، میتواند ثمر بخش شود و بازیهای خائنانه و روشهای خیانت بار را عقیم کند وراه سعادت مردم ایران را بگشاید .

حزب توده ایران با بانگ رسا وباخشم‌وبرخاش به دادرسی ننگین جمعی جوانان روشنفکر ومحکومیت غیر قانونی آنها و به اعدام خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان و سایر مبارزان انقلابی اعتراض میکند و از همه مردم ایران دعوت میکند که به اعتراض‌برخیزند.

حزب توده ایران نسبت بهمه آن مبارزان‌صدیق ایرانی‌که علیه رژیم استبدادی و حامیان امپریالیستی آن پیکار میکنند ابراز همبستگی میکند .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۲

ایمان راسخ دارم که از این دالان تاریك راه به بیرون خواهیم برد

(اظهارات دبیر کل حزب کمونیست شیلی در زندان «دائوسن»)



« اید ئولوژی کمونیستی را نمیتوان نابود ساخت . هر بار که دشمنان زحمتکشان و خائنان بخلق این امر را مورد آزمایش قرار داده اند ، ثابت شد که از عهده شان بر نمی آید . من از بابت جان خود بیمی‌به خاطر راه‌نمیدهم . البته‌زندگی را دوست میدارم، ولی از مرگ نمی ترسم و هرگاه‌که ضروری‌باشدآماده‌ام که در راه امر مشترك بمیرم . من اکنون اطلاع ندارم با احزاب و سازمانهای سیاسی چه کرده‌اند زیرا از جهان خارج تماماً رابطه ام قطع است . این آقایان بغلط تصور می کنند که میتوانند مارکسیسم را با این شیوه ها نابود کنند . وضع کنونی در شیلی بعقیده من خصلت موقت دارد آنهائی‌که تصورمیکنند این وضع میتواند تا ابد دوام آورد در جاده باطلند . من ایمان راسخ دارم که ما از این دالان تاریك راه به بیرون خواهیم برد و آرمان آزادی بار دیگر پیروز خواهد شد و زحمتکشان مقامی را که در خورد آنهاست در تاریخ احراز خواهند کرد . البته نادرست است که از هم اکنون پیشگوئی کنیم ولی غاصبان قدرت در هر کشوری که باشند بدانند که زندگی طرق مختلفی را برای تکامل عرضه میکند .»

(از اظهارات لوئیس کوروالان ، دبیر کل حزب کمونیست شیلی به خبر نگار مجله برزیلی «ویزائو» که با وی در اردوگاه زندانیان واقع در جزیره « دائوسن » در جنوب شیلی در فوریه ۱۹۷٤ ملاقات کرد .)

و اختران پاك بر شیلی خواهند تافت

(شعر از شاعر بلغار : ونکو مارکوسکی)

جهان وحشت زده است ، خاموش است و محزون
و طاعون دیوانه ای سر گرم رقص خون
شعلهٔ دوزخی میسوزد در آسمان شیلی
در پیچ و تاب است پرچم سیاه عزای همگانی
غروب ، درفش خویش فرود آورده
پیش از موقع در سوزش است
و زمین بی خواب فرسوده است از اشکباری بسیار
ددی از کنام بیرون می خزد
در خاکها چنگ زنان ،
در راه دروغ ، در راه ستم و ننگ پیش تازان ،
دشمنانی بی اعتنا بقانون ، بوجدان ، بدادرسی
پوست زندهٔ کشور را از هم میدرند
کین‌وپلیدی‌آنهاخواستاراست که« کوروالان»رانابود کند
ولی حافظه . . .
ولی حافظه که مانند ناله ای تلخ است
خشم آن بیرق های رام نشده
طغیان آن طوفان فرا رسنده را در خاطر دارد .

☆

این زبانه‌های خون آلود زمین را شعله‌ور ساخته
و مردم در رنجی فرساینده بسر میبرند ،
کشور گوئی جنازه ایست بر تختهٔ مرگ
و دستهای آخته ، کرخت مانده .
آه ! ای ظلمتی که خزان و زوال با خویش داری !
ای شیلی ! تو اینك به تل صلیب همانندی .
ای ترانه های خشماگین غران شوید !
زیرا پولاد آسمان را از خون رنگامیزی کرده‌اند .

☆

و این دوران آشفته خواهد گذشت
و خاربن این کابوس تا آخر خواهد سوخت
و اختران پاك بر شیلی خواهند تافت
ولی جراحتها تا دیری خواهد پائید
و اندوه، چون شب تاب ، در تیرگی رنگ‌خواهدداد
و علف ها از وزش باد خش خش کنان .
زیرا زمین بی برگ است و روح ناکشتنی
گلوله ای نیست و نیروئی نیست
که بی چندش بازو تواند کشت
روح یك انسان را ، یك برادر را ، یك رزمنده را .
و تو ای لوئیس کوروالان ، پرچم ظفر
آیت آزادی و درخش آذرخش هستی .
پس‌ای دژخیمان بلرزید که روز قصاص خواهد رسید .

ترجمه : ا. س .

دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرستی است !

همراه با گسترش اقدامات ضد ملی رژیم ، فشار بر مردم تشدید مییابد و فضای تنگ و نفس‌گیر میهن ما ، باز هم تنگتر و نفس گیر تر میشود . شاه در مصاحبه اخیر خود با ساندی تایمز صریحاً گفت : « ما اکنون سختگیر شده ایم» .

رژیم ایران که در جاده نا صواب اقدامات ضد ملی و ماجراجویانه خود چهار اسبه به پیش میتازد ، تحمل کمترین انتقادی را ندارد و از گسترش مبارزات مردم شدیداً بیمناك است و بهمین جهت بر دامنه اقدامات تضییقی و تشدید ترور بسی افزوده‌است. رژیم مستبد وقرون وسطائی برخی روشهای نادرست مبارزه را بهانه قرار داده و مبارزان ضد رژیم را گروه گروه تیر باران میکند تا از مردم زهر چشم بگیرد ، علیه روشنفکران که در اکثریت خود حاضر نیستند قلم و استعداد خود را درخدمت‌رژیم قرار دهندتوطئه می‌چیند، آنها را بگناه استوار ماندن در عقاید خود تیر باران میکند ویا به حبسهای طولانی محکوم میسازد تا بخیال خود روشنفکران را مرعوب کند و به تسلیم وا دارد . هر چند گاه کتابفروشیها مورد حمله مأموران ساواك قرار میگیرند و کتابهای مترقی چه تألیف وچه‌ترجمه به یغما برده میشوند تادر دسترس مشتاقان قرار نگیرند. نویسندگان وناشران مترقی بازداشت و زندانی میشوند، به‌دانشگاهها یورش میبرند وکلاسها را تعطیل میکنند. کارگران و دهقانان و دانشجویان و روشنفکران‌حق طلب بیش از پیش مورد فشار قرار گرفته و زندانها انباشته تر میشوند . همراه با بسط ترور و فشار در سراسر کشور ، در داخل زندانها نیز بر درجه وحشیگری رژیم افزوده شده‌است . نه تنها زندانیان سیاسی جدید مورد انواع شکنجه‌های بر بر منشانه‌هستند ، بلکه ازنو بسراغ زندانیان سیاسی قدیمی رفته‌اند . کاستن ازجیره زندانیان ، جلوگیری از ملاقات با خانواده ها ، توهین و تهدید و ضرب و شتم زندانیان ، امتناع از معالجه زندانیان‌بیمار، انتقال زندانیان‌مقاوم به زندانهای‌انفرادی، تبعید زندانیان به مناطق بد آب وهوا وامتناع ازآزادی زندانیان حتی پس از گذراندن دوره زندان ازاشکال ایراد فشار بر زندانیان سیاسی است . کار ایراد فشار بر زندانیان سیاسی‌بجائی رسیده که چندی‌پیش زندانیان بند ٤ زندان قصر تهران و زندانیان شیراز را مورد شدید ترین حملات قرار دادند ، پولهای آنانرا بسرقت بردند ، کتابهاشان را پاره کردند ، رادیوشان‌راشکستند و اموال شخصی آنانرا غارت نمودند . اعتصاب غذای

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران مئلطه تاریخی رژیم را که روز انعقاد قرارداد نواستعماری جدید با کنسرسیوم را میخواهد جانشین روز ۹ اسفند (روزملی‌شدن‌صنایع نفت) کند و هدف آن انکارمبارزه رهائی‌بخش مردم و بفراموشی سپردن عمل‌تاریخی دولت دکترمصدق‌است باخشم‌تمام محکوم میکنند و این‌روز را روزجشن‌خود میدانند وپیوسته آنرا بااحترام‌تمام‌بر گزارخواهند کرد.

دورهٔ ششم — شمارهٔ ۱۰۷ ـ مارس ۱۹۷٤ — صفحه ۲ ـ تك شماره ۱۰ ریال

دنباله از صفحه ۱

پیام برای رفیق مازیار و دوستانش

طولانی نادرست بوده و هنوز هم کاملا درست نیست.

ولی ما عمیقاً به این اصل معتقد بوده و هستیم که اگر نیرو های اجتماعی گوناگون صادقانه ـ تکیه میکنیم صادقانه ـ در جهت هدف مشترکی قدم‌بردارند، در جریان مبارزات مشترك گاه زودتر و گاه دیر تر ، گاه آسانتر و گاه دشوارتر، از شدت اختلاف نظرهای آنها در مورد انتخاب راه و ارزیابیهای مختلف دیگر کاسته خواهد شد ، اختلافات اساسی بتدریج ازبین خواهد رفت و سرانجام جای خود را به یگانگی در هدف و راه خواهد داد .

ما به این اصل هم معتقد بوده و هستیم که پیروزی جنبش نجاتبخش ملی میهن ما تنها در صورت گرد آمدن همه نیرو های خواستار استقلال و آزادی و پیشرفت درجبهه واحد ملی و پیروزی نهائی این جنبش در راه ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم ، نئوکولونیالیسم و حرکت به سوی سوسیالیسم تنها زیر رهبری طبقه کارگر ـ پیشگام تمام مبارزات مترقی خلق ـ امکان پذیر است .

این دو اعتقاد ما را بر این میدارد که همواره خواستار نزدیکی و همکاری و یگانه شدن آن نیرو هائی باشیم که خود را پیرو پیگیر راه طبقه کارگر میدانند . زیرا بدون این یگانگی درصفوف طرفداران واقعی راه طبقه کارگر وحدت طبقه کارگر و بدون وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر وحدت در صفوف همه نیرو های ملی میسر نخواهد شد .

ما بحق بخود اجازه میدهیم ادعا کنیم که همواره در این راه قدم برداشته و هرگز در را بروی آن نیرو های انقلابی صادقی که بخواهند حتی از مواضعی بکلی متفاوت با مواضع ما با مـا بحث کنند و راه و شیوه ما را مورد انتقاد قرار دهند نبسته ایم .

یك نکته دیگر را هم باید درآغاز این گفتگو روشن بیان کنیم . اگر ما راه‌وروش گروههای انقلابی دیگر را انتقاد کنیم ، این دلیل بر آن نیست که گویا ما بـرای کار خود در گذشته نقصی و اشتباهی نمیدانیم . بر همه روشن است که حزب ما تنها سازمان سیاسی در ایران است که در موارد عدیده کار خود را مورد بررسی انتقادی قرار داده و اشتباهات خود را تصحیح کرده است . اکنون هم ما همواره و براستی آماده هستیم که انتقاداتی را که دوستان بکار ما وارد میدانند بشنویم و روی آن بیندیشیم و در صورتیکه قانع شویم آنرا مورد توجه قرار دهیم . ما همین شیوه را از سایر پیروان راه لنین خواستاریم .

ریشه‌های عمده اختلاف نظرهای ما از کجاست؟

پیش از همه باید این واقعیت را در نظر داشت که تبلیغات زهر آگین دشمن داخلی و خارجی تأثیر زیادی در ایجاد نفاق میان نیرو های ملی و ضد امپریالیستی داشته است . آنها با وسائل نیرومندی که در اختیار دارند بطور پیگیر برای ایجاد شکاف میان نیرو های مترقی و عمیق تر کردن آن ، در جهت بد نام ساختن و جدا کردن پیگیر ترین سازمان سیاسی مخالف خود در داخل کشور یعنی حزب توده ایران و بزرگترین یار و پشتیبان جنبشهای نجاتبخش ملی در سراسر جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی عمل کرده و میکنند . در دوران اخیر هم آوازی مائوئیست ها به سرکردگی گروه مائو در حزب کمونیست چین باین آسیای شیطانی امپریالیستها آبهای تازه ای سرازیر کرده و میکنند .

بموازات این عامل مهم دو ارزیابی گوناگون پایه اساسی جدائی بین راه ما و راه بسیاری از گروه های انقلابی در ایران بوده و هست : یکی ارزیابی در بارهٔ تاکتیك جنبش انقلابی سوسیالیستی در صحنه جهانی و در درجه اول در میدان نبرد عمومی پرولتاریای جهانی علیه امپریالیسم و دیگری ارزیابی در باره انتخاب تاکتیك جنبش انقلابی در کشور های استعمار زده یعنی کشور هائی نظیر ایران .

هنگامیکه در آغاز سال چهل این دو ارزیابی در مقابل هم قرار گرفتند ، اختلاف دو طرف آنقدر زیاد بود که با وجود کوششهای پی در پی از سوی ما ، امکان یك گفت و شنود باروری بوجود نیامد . تجربه های انقلابی پر ارزشی که در تاریخ مبارزات پرولتاریا و سایر جنبشهای مترقی در سراسر جهان و در خود میهن ما وجود داشت اکثراً آنقدر از دسترس مبارزان انقلابی جوان ایرانی دور بود که آنها نتوانستند از آن بهره برداری کنند ، حزب ما هم نتوانست چنانکه شاید و باید این تجربیات را بطور روشن در اختیار نسل جوان قرار دهد . این یکی از آن مواردی است که ما بکار خود انتقاد داریم . ولی اکنون پس از گذشت دورانی بیش از ۱۰ سال، تجربه های انقلابی بسیار گرانبهائی در سراسر جهان و در کشور خودمان از نو انباشته شده و برای مبارزان جوان ایرانی قابل دسترسی و بررسی است . باید با برخورد علمی و خالی از پیشداوریهای نادرست از این گنجینه سرشار بسود جنبش نجاتبخش ملی میهن عزیزمان بهره برداری کنیم .

ما در این گفتگو با شما دو تا از این تجربه ها را یاد آوری میکنیم .

چند سال پیش برای بسیاری از مبارزان جوان چه در ایران و چه در برخی کشورهای دیگر بخصوص در صفوف جنبشهای جوان نجاتبخش ملی در کشورهائی نظیرما، پکن بصورت کعبه آمال درآمده بود ونظرات انحرافی و ضد مارکسیستی گروه مائو بصورت آیات قرآن تلقی میشد . هرگونه موضعگیری انتقادی نسبت به روش ضد مارکسیستی ، ضد شوروی گروه مائو و هرگونه دفاع‌ازحقانیت و درستی سیاست‌حزب کمونیست اتحاد شوروی درنظر این مبارزان جوان گناه نابخشودنی بود و انتقاد کننده آماج ناشایست ترین بدگوئیها قرار میگرفت . ولی همانطور که رفیق فیدل کاسترو در نطق تاریخی خود در هاوانا هنگام دیدار رفیق برژنف بیان داشت هیچ اتهام زنی دغل تر و ماهر تر از دار و دسته هیتلر نمیتواند باشد . ولی تاریخ از هیتلر و اتهام زنندگان نظیر او نیرومندتر است . تاریخ اتهامات رذیلانه نازیها را علیه کمونیسم بر باد داد و چهرهٔ درخشان انقلاب سوسیالیستی را از لابلای دود و غبار دروغ و اتهام و تزویر بیرون کشید .

تاریخ باز هم از لابلای پرده های دود و غباری که مائوئیستها علیه واقعیت جنبش کمونیستی جهان و راه لنینی کشیده بودند چهره زشت واقعی اتهام زنندگان را آشکار کرد و به مبارزان سراسر گیتی نشان داد چه نیروئی دوست واقعی آنهاست وچه نیروئی نا آگاهی آنها را برای رسیدن به هدفهای خودپرستانه خود به بازی گرفته است . سیاست گروه مائو نه تنها در جنبش جهانی کمونیستی ، بلکه در جنبش مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای «دنیای سوم» نیز هم اکنون منفرد شده و هر روز بیشتر بطرف انزوای کامل میرود. حتی در داخل چین هم هر روز با مشکلات عظیم روبرو میشود .

امروز هیچ جنبش مترقی ضد امپریالیستی در آسیا و افریقا و امریکای لاتین نیست که از پشتیبانی بیدریغ جنبش عظیم کمونیستی جهانی و خانواده کشور های سوسیالیستی که اتحاد شوروی در مرکز آن جا دارد برخوردار نباشد و به این پشتیبانی و ارزش عظیم آن با شهامت اعتراف نکند : در ویت نام ، درظفار ، در فلسطین ، درآنگولا، در گینه بیسائو ، در موزامبیك، در کوبا ، در یمن جنوبی ، در بنگلا دش ، در الجزیره و در سراسر جنبش های دیگر خلقهای عرب و در هر میدان دیگری که خلقها درمقابل ارتجاع و امپریالیسم بمبارزه برخیزند ، این واقعیت بطور چشمگیری هر روز بیشتر جلوه میکند .

در مقابل این روند تاریخی ، سیاست سازش کارانه رهبران چین در هر جریان جهانی چهره خائنانه و ضد کمونیستی خود را آشکار تر میسازد : دفاع از نمیری جلاد کمونیستهای سودان ، دفاع از رژیم‌دیکتاتوری نظامی یحیی خان و دشمنی با جنبش خلق بنگلا دش ، دفاع از شاه ایران در سیاست تجاوزکارانه اش علیه خلق های عرب ، دفاع از دژخیمان شیلی ، دفاع پیگیر از نگهداری تسلط امپریالیسم امریکا در آسیا و اروپا و امریکای لاتین ، کوشش سرسختانه برای جلوگیری از پیشرفت روند کاهش وخامت اوضاع بین المللی کار این سیاست را بجائی رسانده که روز نامه اطلاعات سخنگوی عمده استعمار و ارتجاع در ایران در بیش از ۵۰ شماره و در هر شماره بیش از یك صفحه از آن ستایش میکند و مائوئیسم را «داروی درد» خلق های عقب افتاده معرفی مینماید .

ما میدانیم که این واقعیات مدتهاست شما و بسیاری از دوستان شما را به اندیشیدن واداشته است. بدون تردید ما بر آن نیستیم که برای جوانان انقلابی که با دل و جان درمیدان نبرد پهناور و پر پیچ وخم ملی گام نهاده اند اشتباه را گناه نابخشودنی بدانیم . گناه بزرگ در این خواهد بود که هنگامیکه دلائل کافی برای شناخت درست از نادرست جلوی چشم‌است باز هم در راه برگزیدن راه درست لنگان لنگان گام برداریم و یا در راه نادرست پافشاری کنیم .

تجربه دیگری که برای مـا بسیار آموزنده است درمیدان نبرد میهن ما بدست‌آمده است . ازچند سال پیش به این سو بسیاری از مبارزان جوان انقلابی در ایران بر پایه شناخت نادرست و نارسا از ویژگیهای جامعه کشور ما در مرحله مشخص کنونی از یکسو و بر پایه شبیه سازی امکانات کشور ما با برخی از کشور های دیگر ، راه مبارزات چریکی را نخست در روستا و پس از ناکامی در شهر ها برگزیدند .

آیا اکنون گاه آن فرا نرسیده است که بهره و بهای این نبرد تن به تن را بر رسی کنیم و از آن برای آینده پند بگیریم ؟

آنروز که مبارزان جوان در این نبرد تن به تن گام نهادند انتقاد از آن در چشم آنان گناه بزرگی بود و آنانکه این شیوه را نادرست میدانستند آماج بدگوئیهای ناجوانمردانه میشدند و سازشکار و سر فرود آور نام میگرفتند .

جوانان انقلابی ما در این راهی که در پیش گرفتند چه از دست دادند و چه بدست آوردند ؟ تا کنون صد ها کشته و تیر باران شده و هزاران‌زندانی در سیاه چالهای ساواك ـ بجای دو دژخیم پست مانند فرسیو و طاهری، دهها دژخیم دیگر که در رذالت و آدمکشی با هم مسابقه گذاشته اند آمادگی خود را برای خدمت به رژیم جنایت پیشه نشان داده اند . سازمان جهنمی ساواك بخود اجازه میدهد هر کس را در کوچه و خیابان تیرباران کند و زیر شکنجه نابود سازد و هر اعتصاب ساده کارگری را بخون بکشد !؟

ولی همه این جنایات جلو روند پیش آمد ها را نمیتواند بگیرد . زندگی روز بروز دشوار تر میشود و همگام با آن ناخشنودی مردم افزایش مییابد . تنها راه درست اینست که این جویبار هـای جداگانه ناخشنودی را با روشنگری هرچه پهناور تر و سازماندهی آشکار و نا آشکار هر چه بیشتر به سیل نیرومندی مبدل سازیم .

ما هرگز منکر آن نبوده و امروز هم نیستیم که ممکن است روزی فرا رسد که بر پایهٔ رشدبقایای تناقضات کهنه و تناقضات جدید در روستای ایران چنان وضعی پیدا شود که زحمتکشان روستا آماده برای شرکت در یك نبرد مسلحانه علیه رژیم ارتجاعی گردند . در آنصورت وظیفه مبارزان راه طبقه کارگر اینست که در این نبرد شرکت کنند و آنرا رهبری نمایند . آنچه ما میگوئیم اینست که در لحظه کنونی چنین شرایطی نرسیده و پیشگوئی در باره آنکه کی چنین لحظه ای فرا خواهد رسید کاری نادرست است.

همین طور ما هرگز منکر آن نبوده و نیستیم که ممکن است اوضاع ایران بطوری تغییر کند که رشد عدم رضایت عمومی زحمتکشان شهر آنها را برای عصیان مسلح برای سرنگون ساختن رژیم آماده سازد . در صورت پیدایش چنین شرایطی باید پیشاهنگان جنبش انقلابی در صفوف پیشین این نبرد قرار گیرند .

آنچه ما میگوئیم اینست که در لحظه کنونی این شرایط آماده نیست و پیشگوئی اینکه چه وقت چنین شرایطی آماده شود نادرست است .

ولی در عین اینکه ما منکر دو امکان بالا نیستیم به این واقعیت هم کاملا عقیده داریم که در شرایط کنونی و بویژه آینده تغییر روز افزون تناسب نیرو ها در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و جنبشهای نجاتبخش ملی و دموکراتیك و به زیان امپریالیسم امکانات گوناگون دیگری هم ممکن است پیداشود که با استفاده از آن نیرو های دموکراتیك میتوانند رژیم اجتماعی کنونی را برکنار سازند و بجای آن یك دولت دموکراتیك ملی بروی کار آورند. تجربیات مبارزات درخشان نیرو های مترقی میهن ما در سالهای ۱۳۳۲ ـ ۱۳۲٦ که در جریان آن حکومت دکتر مصدق بر سر کار آمد و در مبارزه ضد امپریالیستی پیروزیهای درخشانی بدست آمد ، نمونه ای از این امکانات است .

اگر نیرو های مترقی کشور ما تحت تأثیر یك رشته عوامل عینی و ذهنی نتوانستند پیروزیهای بدست آمده را نگهدارند و اگر در برخی کشور های دیگر نیرو های پیروزی یافته دموکراتیك و ملی به چنین سر نوشتی دچار شدند بهیچوجه دلیل بر این نیست که از این راه هیچگونه امکانی برای پیروزی موجود نیست . در تاریخ نمونه های بسیاری هست ، که قیام های وسیع و مبارزات مسلحانه خلق ها پس از پیروزی نخست ، در نبرد های بعدی از طرف نیرو های متحد ارتجاع داخلی و خارجی سرکوب شده اند ، آیا باین دلیل میشد ادعا کرد که پس از این شکستها مبارزات مسلحانه دیگر امکان پیروزی نخواهد داشت ؟ شکل مبارزه همیشه تابع شرایط مشخص روز است و این شرایط بخصوص در دوران ما تحت تأثیر تحول بسیار تند در اوضاع جهان در حال تحول دائمی است .

در لحظه کنونی عمده وظیفه انقلابیون ایران اینست که با روشنگری هر چه وسیعتر و سازماندهی درست ، جنبش خلق را بسوی هدف سرنگون ساختن رژیم ارتجاعی موجود تجهیز کنیم و متشکل سازیم . هر راهی که در لحظه معین تاریخی امید پیروزی‌داشته باشد جائز است .

دوستان گرامی ،

نظریات خود را در باره مسائل عم[illegible]ن و ایران و وظائف مبرم مبارزان انقلابی ایران بصورت طرح جدید برنامه حزب توده ایران و در سند نکاتی چند در مورد وظائف مبرم مبارزان انقلابی تنظیم کرده و برای اظهار نظر تمام مبارزان پخش کرده ایم . اگر تاکنون بدست شما نرسیده است از شما خواهش میکنیم از راههائی که دارید بما کمك کنید که هر چه زود تر این اسناد و اسناد دیگر را به شما برسانیم. ما در انتظار نظریات شما و گروههای دیگر مبارزان ایرانی هستیم و مسلم بدانید که با دقت و علاقه این نظریات را مورد بررسی و بهره برداری قرار خواهیم‌داد.

ما به استوار کردن پیوند با شما و گروههای انقلابی دیگر بیش‌از اندازه علاقمندیم و اطمینان داریم که در اولین ارتباط مستقیم شما را قانع خواهیم‌ساخت که از جانب ما همه گونه امکانات مورد توجه و تدارك قرار گرفته است تا از این ارتباط به سازمان ما و گروه شما کوچکترین گزندی نرسد . امیدواریم این پیام بخوبی به شما برسد .

دست شما را میفشاریم

دنباله از صفحه ۱

با سیاست اختناق آور رژیم مبارزه کنیم !

زندانیان در قبال این درنده خوئی مأمور[illegible] ساواك و شهربانی موجب شد که بار دیگر بر سر اعتصاب کنندگان بریزند وزندانیان بیمار و مدهوش را بزور وا دار به خوردن غذا کنند . در این جریان دهان رفیق عباس حجری افسر عضو حزب توده ایران را که ۲۰ سال است زندانی است وحشیانه از هم دریدند . اکنون مدتی است که رفیق صابرمحمدزاده کارگرعضو حزب توده ایران دوره شش ساله زندانش را با مقاومت شایان تحسین بپایان رسانده است . جلادان سازمان امنیت نه تنها از آزاد ساختن او امتناع میکنند ، بلکه حتی‌ملاقات اورا با مادر سالخورده‌اش مانع‌میشوند. رفیق پرویز حکمت‌جو افسر عضو حزب توده ایران اکنون مدتی است که در اثر شرایط نا مساعد زندان بیمار و بستری است . مأموران زندان با وجود مراجعه مکرر وی از معالجه او خود داری میکنند . رفیق حکمت جو نا گزیر اعتصاب غذا اعلام میکند، ولی جلادان هنگامی بسراغ او میروند که پس از ٦ روز اعتصاب‌غذا درحال‌اغماء‌درآستانه مرگ‌قراروداشته‌است .

شك نیست که مردم دربرابراین جلادی ودرنده خوئی رژیم نه تنها عرصه مبارزه را خالی نخواهند کرد بلکه آنرا گسترش خواهند داد . ابراز همبستگی‌مؤثر با زندانیان سیاسی ، با همه قربانیان رژیم و بسط مبارزه علیه استبداد رژیم و اقدامات ضد ملی آن ، هرچه همگام تر و متحد تر انجام شود ، امید پیروزی بیشتر خواهد بود . کارگران ودهقانان و دانشجویان و روشنفکران انقلابی در این میان بیش از پیش وظیفه سازماندهی و پیوستگی این مبارزات را بر عهده دارند . باید به این استبداد قرون وسطائی پایان داده شود .

مینو

مبارزه برای پایان دادن به حکومت مطلقه شاه و سیطره دوزخی ساواک خواست مبرم مردم ایران است !

دورهٔ ششم | پانزدهم فروردین ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و هشتم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوم آوریل ، روز مبارزه علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند

روز دوم آوریل ۱۹۷٤ برابر با ۱۳ فروردین ۱۳۵۳ از طرف شورای جهانی صلح روز مبارزه علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند اعلام شده است . اعلامیه شورای جهانی صلح از ملل همه کشورها دعوت میکند به توطئه نظامی امپریالیسم در این منطقه داغ ننگ بزنند و همصدا با کلیه ملل و دولی که خواستارند اقیانوس هند منطقه صلح و بدور از تدارکات نظامی باشد ، از تجاوز جدید محافل وخامت طلب امپریالیستی نسبت به امر صلح جهانی و بویژه نسبت به جنبش استقلال طلبانه خلقها ، جلوگیری بعمل آورند .

علیرغم تحریکات گوناگون دول امپریالیستی ، اقیانوس هند تا کنون از درگیری کامل در جنگ سرد و قرار گرفتن در زیر چتر « حمایتی » پیمانهای نظامی

دنباله در صفحه ۲

در بارهٔ تحولات اوضاع بین المللی و لزوم تشکیل کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بر پایهٔ بررسی های خود در مورد دگرگونیها و گرایش های نوینی که بویژه طی چند سال اخیر در اوضاع بین المللی پدید آمده است ، چنین تشخیص میدهد که مجموعه سیر حوادث در دوران پس از کنفرانس جهانی سال ۱۹٦۹ احزاب کمونیستی و کارگری صحت احکام و اثر بخشی نتیجه گیریهای جمعی این کنفرانس را بنحو بارزی تأیید نموده است . مجاهدات احزاب برادر در زمینه تحقق این احکام واسناد مصوبه ان در تحکیم جنبش[illegible]ی کمونیستی و کارگری و جنبش رهائی بخش ملی خلقها ، تقویت وحدت عمل و تعمیق پیوند های انترناسیونالیستی میان آنان و منفرد تر شدن بیش از پیش مواضع اپورتونیستی «چپ» و « راست » نقش مؤثری ایفا نموده است .

رویداد های بین‌المللی پنج سال اخیر درمجموع خود بیانگر این واقعیت عیان جهان معاصر هستند که تناسب نیرو ها باز هم بیشتر بسود سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم تغییر یافته است . از سوئی سیستم جهانی سوسیالیستی که در پیشاپیش آن اتحاد شوروی قرار دارد با گامهای بیش از پیش سریع تری در عرصه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، علمی و فنی به کامیابیهای بزرگتری نائل میشود و در تمام پروسهٔ انقلابی جهان بنحو بارزی تأثیر میکند و از سوی دیگرسیستم جهانی سرمایه داری با مرحله نوینی از بحران عمومی و بنیادی خود دست بگریبان‌است که بحران اقتصادی و مالی ، تشدید تضاد های درون اردوگاه امپریالیستی ، گروهبندی بین انحصارات و کشمکش میان دولتهای بزرگ سرمایه داری و همچنین تشدید تناقضات میان مجموعهٔ اردوگاه امپریالیستی و کشور های جهان سوم نمودار آشکاری از آن بشمار میآید .

[illegible]رسی تحولات اوضاع سیاسی جهان درسالهای اخی[illegible] دیگر بنحو بارزی مؤید این ارزیابی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹٦۹ است که : «شاخص مرحله کنونی عبارتست از افزایش امکانات برای پیشرفت نوین نیروهای انقلابی و مترقی» و «در حال حاضر شرایط واقعی برای حل مهمترین‌مسائل عصر ما بسود صلح ، دمکراسی و سوسیالیسم و ایراد ضربات تازه بر امپریالیسم وجود دارد » و «امپریالیسم قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود بازگرداند و تکامل جهان کنونی را بسیر قهقرائی وادارد . شاهراه تکامل انسانیت را سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی و همه نیرو های انقلابی معین میکنند » .

جنگ سرد رفته رفته زمینه خود را بمثابهٔ روش مسلط سیاست امپریالیستی در مقیاس جهانی از دست میدهد ، سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز تدریجاً بصورت گرایشی که باید در مناسبات بین المللی‌حاکم باشد به امپریالیسم تحمیل میگردد و جریان کاهش وخامت در عرصهٔ بین المللی بتدریج در جهت مثبت سیر میکند .

عامل اساسی پیدایش و بسط این گرایش مثبت در اوضاع بین المللی سیستم جهانی سوسیالیسم و در رأس آن دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌است که با اجراء پیگیر سیاست لنینی صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و با تحقق بخشیدن به برنامه صلح کنگرهٔ تاریخی بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی موجبات پیشرفت تعرض صلح را در مقیاس جهانی‌فراهم ساخته است .

دامنهٔ مبارزه کشور های سوسیالیستی ، جنبش جهانی کارگری ، جنبش رهائی ملی و بطور کلی مبارزه نیروهای صلح ، دمکراسی و ترقی علیه امپریالیسم و ارتجاع پیوسته گسترده تر میشود . پیکار آزادیبخش خلقها در مناطق مختلفه جهان و از جمله در جنوب شرقی آسیا ، افریقا و امریکای لاتین ، خاور نزدیک و میانه ، در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس به کامیابی های تازه ای دست یافته است .

تغییر تناسب نیرو ها بسود سوسیالیسم ، کاهش وخامت در اوضاع بین المللی و گذار تدریجی از محیط جنگ سرد به سیاست همزیستی مسالمت آمیز ، از هم اکنون امکانات و دورنمای تازه ای برای گسترش باز هم بیشتر مبارزه توده های زحمتکش در راه خواستهای حیاتی و دگرگونی جامعهٔ کهنه و نیز برای مبارزات استقلال طلبانه خلقها علیه امپریالیسم و پی ریزی اتحاد های ضد امپریالیستی و تأمین وحدت عمل طبقه کارگر با دیگر نیرو های صلح طلب و ترقیخواه در مقیاس داخلی و بین المللی بوجود آورده است . همراه بااین

دنباله در صفحه ۲

پیام هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمردم ایران

در باره جنگ تجاوزگرانه رژیم ایران علیه مبارزین ظفار

مردم ایران !

بیش از یکسال است ارتش ایران بالهام امپریالیسم و بدستور شاه وارد جنگ پلید و بی افتخار و تجاوزگرانه‌ای علیه مردم دلیر سرزمین ظفار شده است و در زیر فرماندهی افسران انگلیسی و دوشادوش مزدوران دیگر میکوشد تخت و تاج یك سلطان قرون وسطائی وارتجاعی ، ستمگری مانند سلطان‌قابوس را حفظ کند و سلطه استعمار را در جنوب شبه جزیرهٔ عربستان نگاه دارد و برای محو جنبش رهائی بخش و مترقی عرب در این ناحیه زمینه سازی کند . برخلاف دعاوی پرطمطراق و میان تهی شاه که از « پیروزی های پر افتخار » سپاهیان گسیل شده ایرانی وباصطلاح «پاکسازی» جاده صلاله دم میزند ، مبارزان دلاور ظفار که برای استقلال و خوشبختی وطن خویش میجنگند ، بر ارتش مداخله جو ضربات سنگین وارد میکنند . جنگی که در این ناحیه درگرفته جنگی است طولانی و فرساینده که تنها نتیجه اش برای ایران عزا دار کردن صد ها و هزار ها خانواده ، مخارج سنگین نظامی و دیگر خسارات وصدمات مادی و معنوی‌است.

شاه باین جنگ بقصد یاری رساندن به استعمار طلبان انگلستان و موافق دکترین نیکسون (که میخواهد امر دفاع از غارتگری استعماری را بدست ژاندارمهای منطقه بسپارد) دست زده است . ثروت ملی ما بصورت تسلیحات و ارتش در بیابانهای عربستان جنوبی صرف نابود کردن زندگی‌ساده مردمی زحمتکش میشود که حرف دیگری ندارند جز آنکه میخواهند در سرزمین خویش آزاد و سربلند زیست کنند و از قید استعمار و فئودالیسم و استبداد سلطنتی رها گردند. برخلاف دعاوی دروغین شاه این مردم امنیت خلیج‌فارس را تهدید نمیکنند و بهانه جوئیهای مضحك شاه که گویا آنها با غرق یك نفتکش میتوانند آب خلیج‌فارس را آلوده کنند و یا با یك کشتی‌توپدار قادرند تنگهٔ هرمز را بخطر اندازند، از نوع بهانه های گرگ برای دریدن گوسفند است . خلق های سواحل خلیج فارس خود به امنیت آن و به پاکیزگی محیط آن بمراتب بیش از شاه ایران ذیعلاقه اند . پیروزی خلق ظفار تنها منافع استبدادی قابوس و استعماری امپریالیسم و محافل‌ارتجاعی

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران تحریکات دولت را در مورد کردستان عراق محکوم میکنند

یکی از مشخصات کنونی سیاست خارجی و داخلی رژیم ، تشدید باز هم بیشتر خصلت ارتجاعی اختناق آور وتجاوز کارانه آنست. رژیم باتکیه به‌مرتجع ترین محافل امپریالیستی که دشمن صلح و تشنج زدائی هستند ، سیاست نظامیگری ، تجاوز وتضییق و و فشار را دمبدم تقویت میکند . شاه خود سازنده و الهامگر این مشی ماوراء ارتجاعی و ضد میهنی است . این سیاست نتیجه و دنباله منطقی آن مشی سراپا ضد ملی و ضد دموکراتیکی است که رژیم ایران طی سالهای دراز دنبال کرده و برای وی چنان تعهداتی ایجاد کرده است که برای‌خود جزسیر بیشتر درسراشیب ، راه دیگری نمی بیند . یکی از مظاهر این مشی ، روش مداخله جویانه وتجاوزگرانه نسبت به همسایگان و از آنجمله در مورد جمهوری عراق است . مداخلات و تحریکات دائمی ایران در مورد کردستان عراق نمونه مشخص چنین مشی مداخله جویانه ایست .

همه میدانیم که بین کرد های عراق و دولت مرکزی اختلافاتی در مورد حل مسئله ملی وجود داشته است . این اختلافات طولانی که‌گاه منجر به‌جنگهای خونین شده از زمان استقرار رژیم کنونی عراق وارد مرحله حل اصولی و منطقی خود شده است . دولت مرکزی از طریق مذاکره مستقیم با رهبران جنبش‌ملی کردستان عراق کوشیده است مسئله را بنحو مسالمت آمیز و عادلانه ای حل کند . اعطاء حق خود مختاری به کردستان عراق که اخیراً از طرف دولت عراق‌اعلام شده است از نتایج این سیاست صحیح جمهوری عراق است و اقدامی است مثبت و مترقی .

ولی امپریالیستهای امریکا وانگلیس و نیروهای ارتجاعی منطقه و از آنجمله شاه ایران دشمن قطعی هرگونه حل مسالمت آمیز اصولی اختلاف کرد وعرب هستند .

مدتهاست که شاه ایران کوشیده است در کردستان عراق به بهانه حمایت ودلسوزی از کردهای عراق رخنه کند . مأموران ساواك ، مبلغان حزب فاشیستی‌پان‌ایرانیست درواقع فعالیت وسیعی‌در کردستان عراق دارند . این نیروهای ارتجاعی میکوشند بدست جناح راست حزب دموکرات کردستان سیاست این این حزب را از مجرای درست خارج کنند و حزب دموکرات کردستان را به رد راه مسالمت آمیز ، عدم قبول پیشنهاد خود مختاری و سیر بطرف خونریزی و برادر کشی وادارند .

رادیوی دولتی ایران با حرارت تمام هر روزه گفتارهای تحریك آمیزی منتشر میکند و با راست و ریس کردن اخبار دروغ در راه گل آلود کردن آب و تیره کردن فضای سیاسی در عراق میکوشد .

دولت ایران عملا در مرز ایران و کردستان عراق خود را موظف بمراعات احترام به مرز کشورهای همسایه نمی بیند . دولت ایران با تبلیغات شوینیستی در باره باصطلاح « هم نژادان آنسوی مرز » درواقع شعارهای الحاق طلبانه را در مورد کردستان عراق بمیان میکشد و تمایلات تجزیه طلبانه را در میان کرد های عراق تقویت مینماید .

رژیم ایران ، درحالیکه خود مخالف سرسخت حل اصولی مسئله ملی در کشور ماست و جنبش رهائی بخش کردهای ایران را بارها با خشونت و بربریت سرکوب کرده و میکند ، برای « هم نژادان آنسوی مرز » دلسوزی نشان میدهد . شاه ایران که خود قاتل قاضی محمد ، صدر قاضی ، سلیمان معینی و دیگر مجاهدان کرد ایرانی است ، میخواهد خویش را « حامی کرد » جا بزند .

در کشور ما خلق کرد از کلیه حقوق حقه‌ملی خود محروم است و محروم کنندگان این خلق ، یعنی سردمداران رژیم ، اکنون وقاحت را بجائی‌رسانده اند که تحت عنوان دروغین دلسوزی برای کرد های عراق عملا با خود مختاری کردستان عراق‌مخالفت میکنند و با این عمل خود در واقع با یك تیر دونشان میزنند : هم در روابط بین کرد های عراق و حکومت مرکزی فتنه انگیزی میکنند و هم میخواهند از یك نمونه و سرمشق مشخص خود مختاری کرد که درعراق در حال پیدایش است ، جلوگیری بعمل آورند .

دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

روزنامه « اطلاعات » چنانکه معمول روزنامه های وابسته به دولت است ، خبر مخابره تلگراف رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به‌رئیس جمهور عراق احمد حسن البکر دبیر کل‌حزب بعث عربی سوسیالیست را بنحو مغرضانه و تحریف شده‌ای در شماره ۲۵ بهمن ماه۱۳۵۲ خود منعکس کرده است .

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام میدارد :

اولا : عبارت دوم متن تلگراف که درآن پیشرفت کشور و خلق عراق و هم چنین تحکیم پیوند نا گسستنی بین خلقهای دوکشور ایران وعراق آرزو گردیده ، متعمداً در خبر اطلاعات درج نشده است ؛

ثانیاً : برخلاف نوشته روزنامه «اطلاعات» که از هر باره کوشیده است از اهمیت‌اقدام حزب بکاهد ، شایان ذکر است که متن کامل تلگراف دبیر اول کمیته مرکزی‌حزب توده ایران به رئیس جمهورعراق در سرستون صفحات اول روزنامه های « الثوره » ارگان مرکزی حزب‌بعث عربی‌سوسیالیست و«طریق‌الشعب»ارگان کمیته مرکزی‌حزب کمونیست عراق منتشر شده است. ما تردید نداریم که مخابره تلگراف مشروح در فوق که هدف آن بهبود روابط دو کشور وملت همسایه است ، علیرغم نظر نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی در محافل اجتماعی کشور ما ایران حسن اثر می بخشد .

دبیر خانه کمیته مرکزی‌حزب توده‌ایران .

۱۸ اسفند ۱۳۵۲

وحدت عمل نیرو های ضد رژیم شرط مهم کامیابی در مبارزه است !

دنباله از صفحه ۱

درباره تحولات اوضاع بین المللی و . . .

امکانات ، اشکال و اسلوبهای مبارزات طبقاتی توده‌های زحمتکش علیه انحصارهای امپریالیستی و نظام سرمایه داری بیش از پیش تنوع میبابد . در جنبش رهائی‌بخش ملی گرایش بسوی اتخاذ راه و روش درست مبارزه علیه امپریالیسم ، تشخیص دقیقتر دوستان و دشمنان نهضت استقلال و ترقی بیش از پیش مشهود میگردد .

ولی تحول مثبت اوضاع جهان در درون پروسهٔ پر تضاد و بغرنجی انجام میگیرد و لذا در عین آنکه خط سیر عمومی روشن و امید بخشی را طی میکند ، هنوز در راه پیشرفت و تحکیم خود با دشواریها و مخاطرات گوناگونی مواجه است . در واقع امپریالیسم با اینکه بعقب نشینی‌هائی تن داده است هنوز تیرهای زهر آلود بسیاری در ترکش دارد . مرتجعترین محافل جنگ طلب امپریالیستی که کاهش وخامت وضع بین المللی را بزیان مطامع غارتگرانه خویش میدانند با تمام قوا میکوشند تا دستاورد های تعرض صلح را یکبار دیگر از بین ببرند و محیط جنگ سرد را از نو برقرار سازند ، کانونهای جدید جنگ در نقاط مختلفه جهان بیافرینند و با تکیه بمرتجعترین قشر های طبقات حاکمه کشور های جهان سرمایه داری و توسل به کودتا ها و توطئه های نظامی ، فروش تسلیحات و تشویق سیاست نظامیگری و بکار بردن انواع وسائل محیلانه نواستعماری ، جنبشهای انقلابی خلقها راسرکوب نموده ، از مسیر درست خود منحرف سازند و بالنتیجه تسلط خود را بر منابع مواد خام و بازار کشور های جهان سوم حفظ نمایند .

با اینکه جنگ جهانی در نتیجه تغییر فزاینده تناسب نیروها قهراً بعقب رانده شده معذالك کماکان امپریالیسم دشمنی جدی و خطرناك است و لذا هنوز کوششهای فراوانی از جانب تمام نیرو های صلح‌طلب و ضد امپریالیستی جهان لازم است تا تغییرات حاصله در جهت صلح و همزیستی مسالمت آمیز خصلت پایدار و بازگشت ناپذیری بدست آورد .

مجموعه این اوضاع و احوال یکسلسله مسائل تازه در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و ایدئولوژیك در برابر احزاب کمونیستی و کارگری مطرح میسازد . تحلیل جمعی و همه جانبهٔ این مسائل بررسی جوانب گوناگون تجارب انقلابی احزاب برادر تبادل نظر و تنظیم مشی مشترك ناشی از آن برای تحکیم باز هم بیشتر وحدت جنبش‌جهانی کمونیستی ، فشردگی صفوف و تقویت وحدت عمل واحد های جدا گانه آن به نیاز حیاتی بدل میگردد .

تجربه دوران پس از کنفرانس جهانی ۱۹۶۹ گواهی میدهد که کنفرانسهای احزاب کمونیستی و کارگری اثربخش ترین شکل تبادل نظر ، بهترین وسیله تحلیل عمیق پدیده ها و مسائل بغرنج بین‌المللی جمع بست تجارب حاصله ، تعیین وظائف مبرم و خط مشی مشترك جنبش در عرصهٔ نبرد جهانی است .

نظر بجهات فوق هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش و پیشنهاد هیئت دبیران را دائر به ضرورت مبرم تشکیل کنفرانس جدیدی ازهمهٔ احزاب کمونیستی و کارگری تأیید میکند و به هیئت دبیران مأموریت میدهد که در تماس و همکاری‌نزدیك با احزاب برادر ، در حدود امکانات و مقدورات حزب ما کلیهٔ مساعی لازم را برای کمك به تدارك وتشکیل کنفرانس جدید احزاب کمونیستی و کارگری بکاربرد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
چهارم فروردین ۱۳۵۳

دنباله از صفحه ۱

دوم آوریل ، روز مبارزه علیه . . .

نظیر ناتو و سنتو بر کنار مانده است . این امرمرهون مبارزات همه ملل ودول کشورهای مترقی و صلحدوست و در نوبه اول اتحاد شوروی و هندوستان است که با مبارزه فعال و مؤثر بخاطر حفظ صلح جهانی و دفاع از سیاست عدم تعهد در منطقه ، نقشه های امپریالیسم را در مورد اقیانوس هند خنثی ساخته اند .

توطئه‌ای که‌دردوران جنگ سردعقیم‌مانده‌اکنون که جهانیان درانتظارپیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و پایان دادن به سیطره پیمانهای نظامی هستند از جانب متجاوزترین محافل امپریالیستی بویژه از جانب محافل وخامت طلب امپریالیسم امریکا مجدداً از سر گرفته شده است . پنتاگون در صدد برآمده با تبدیل جزیره مرجانی دیاگو - گارسیا در اقیانوس هند به پایگاه بزرگ نظامی دریائی وهوائی اتمی امریکا در این منطقه خطر جدی برای‌صلح جهانی ، بویژه برای امنیت ملل و دول آسیائی بوجود آورد .

وخامت‌طلبان‌امپریالیستی‌وابسته به‌مجتمع‌نظامی - صنعتی بجای‌آنکه به‌خواست‌ملل‌درتحقق‌سیاست‌همزیستی مسالمت آمیز ووخامت زدائی تسلیم‌گردند ، به اقدامی دست زده اند که از هدفهای عمده بحرانی‌ترین دوران جنگ سرد است . نگفته پیداست که حمایت پنهان و آشکار پکن در شرایط کنونی از عوامل عمده ایست که به امپریالیسم امریکا اجازه میدهد اعتراض جدی نیروهای صلحدوست و محافل مترقی جهان ، منجمله اعتراض تقریباً کلیه کشورهای ساحلی اقیانوس هندرا ندیده گرفته و بکار پیاده کردن نقشه استراتژیك خطرناك خود اقدام کند .

تبدیل دیاگو - گارسیا به پایگاه عمده نظامی چنانکه پنتاگون و محافل وابسته به آن ادعا میکنند اقدامی نیست که هدف آن تأمین سلامت راه بازرگانی دریائی اقیانوس هند به نقاط دیگر جهان باشد . گر چه حتی تعقیب چنین هدفی نیز به دولت امریکا ، که از مرزهای آن هزاران کیلومتر دور از این منطقه است ، اجازه نمیدهد قیمومیت اقیانوس هند را بعهده بگیرد . اقیانوس‌هند خلیج مکزیك‌نیست . بعلاوه کشور های منطقه خود بخوبی قادرند از امنیت آن تمام و کامل دفاع بعمل آورند .

تبدیل‌دیاگو-گارسیابه پایگاه‌عمده نظامی دراقیانوس‌هند اجرای نقشه استراتژیك امپریالیستی است که : اولا هدف مرتبط ساختن‌ناوگانهای‌نظامی ششم‌وهفتم‌امریکا در مدیترانه و خاور دور و بسط سلطه نظامی امریکا براین منطقه را تعقیب میکند . ثانیاً این اقدام بمنظور قرار دادن راه آبی استراتژیك عبور نفت از خلیج فارس به اروپا زیر چتر حمایتی ناتو بویژه ناوگان نظامی‌خود امریکا صورت میگیرد. ثالثاً هدف محافل جنگ‌طلب امریکا ازتبدیل دیاگو - گارسیا به پایگاه عمده نظامی اتمی ، تهدید امنیت کلیه کشور های آسیائی است . امپریالیستهای امریکا از این وضع که دولی نظیر هندوستان و بنگلادش که نه فقط تسلیم تمایلات تجاوزکارانه آنها نشده بلکه در اجرای سیاست عدم تعهد و بسط تحولات مترقی اجتماعی درکشورهای خود با پیگیری بیشتری عمل میکنند خشمگین هستند .

بالاخره و از نظر زمانی مهمتر آنکه با استقرار پایگاه عمده نظامی در اقیانوس هند ، امپریالیسم امریکا میخواهد بویژه سلطه سیاسی ونظامی خودرا برحوزه‌خلیج فارس یعنی غنی ترین مرکز ذخائر نفتی جهان تقویت نماید و تا دیر نشده به کمك ژاندارمهای محلی ، آفریده امپریالیسم نظیر رژیم شاه درکشور ما ورژیمهای دست نشانده دربرخی‌از کشورهای نفتخیزعربی بشتابد .

- چنانکه دیده میشود محافل وخامت طلب امپریالیستی که بویژه ازچند ماه به اینطرف توجه‌خاصی به‌اقیانوس هند معطوف میدارند و برای تبدیل دیاگو - گارسیا به پایگاه نظامی اعتبارات ده و صد میلیون دلاری تخصیص میدهند ، اجرای نقشه استراتژیك دور و درازی را در سر می پرورانند . تحقق این نقشه برای صلح جهانی ، امنیت ملل و دول ، خاصه امنیت کشورهای آسیائی و جنبش های ملی و استقلال طلبانه در این قاره خطر بسیارجدی در بر دارد . شورای جهانی صلح با درك همین خطر است که بدرستی همه ملل و دول جهان را به مبارزه علیه توطئه جدید امپریالیسم در اقیانوس هند فرا میخواند .

به ندای شورای جهانی صلح ، همه مردم مترقی ونیروهای صلحدوست ، ازجمله مردم ایران‌پاسخ مثبت‌میدهند. مردم ایران بخوبی‌آگاهند‌که نقشه های نظامی امپریالیسم امریکا در اقیانوس هند بیش از همه بزیان کشور ما ایران است که در نتیجه خیانت زمامداران بیش از پیش به ماجرا های امپریالیستی کشانده میشود . شایان دقت است که با وجودی که کلیه دولی که در اقیانوس هند دارای منافع هستند به اقدام امپریالیستهای امریکا وانگلیس در تبدیل دیاگو-گارسیا به‌پایگاه نظامی اعتراض کرده‌اند رژیم سلطنت مطلقه که اقیانوس هند را در قلمرو منافع ایران اعلام نموده کوچکترین مطلبی دراین باره بیان نداشته‌است .

از این گذشته بنا به اعترافی که توسط‌سناتور امریکائی وایس درکمیسیون امورخارجی سنای آنکشور انجام گرفته دولت ایران از جمله دولی است که « بطور خصوصی » نظر موافق خود را با اجرای نقشه پنتاگون در مورد تبدیل دیاگو - گارسیا به پایگاه عمده نظامی دریائی و هوائی بدولت امریکا اعلام داشته است . سران رژیم در باره این خیانت کوچکترین اطلاعی به مردم ایران نداده اند .

در روز مبارزه جهانی علیه توطئه های محافل جنگ طلب امپریالیستی در اقیانوس هند ، حزب توده ایران از همه مردم‌کشور ما و کلیه نیروهای مترقی و ملی دعوت میکنند :

— به اقدام امپریالیستهای امریکا در تبدیل جزایر مرجانی دیاگو - گارسیا به پایگاه نظامی شدیدا اعتراض کنند ؛ — سکوت دولت ایران را در برابر تحریکات دول‌امپریالیستی دراین منطقه محکوم نمایند؛

— با قاطعیت تمام از دولت ایران بخواهند میهن ما ایران از هر نوع شرکت در توطئه های نظامی امپریالیسم بر کنار نگاه داشته شود .

دنباله ازصفحه ۱

پیام‌هیئت‌اجرائیه کمیته‌مرکزی‌حزب‌توده‌ایران

منطقه را بخطر می اندازد و درست بهمین علل شاه ایران بدست و پا افتاده است .

مسئله اعزام سپاه به عمان که موافق الهام امپریالیسم و تقاضای قابوس انجام گرفته ناشی از آن است که این سلطان جبار در داخل خاك خود پشتیبانی ندارد و مجبور است که بزور سرنیزه مزدوران و بیگانگان ، تخت پلید و لرزان خویش را حفظ کند . پیشنهاد قابوس را برای اعزام نیرو به عمان، عده ای از کشور های عربی با نفرت و کراهت رد کرده اند ، ولی شاه ایران آنرا با شادی و رضایت پذیرفت ! اعزام چهار هزار تن نیرو با تجهیزات و مهمات وسیع به عمان در سال گذشته اشتهای فزاینده قابوس را که در زیر ضربات نابود کننده مبارزان ظفار قرار دارد تأمین نکرد اخیراً این سلطان مرتجع به تهران آمده وموفق شده است که از شاه ایران باز هم کمك های نظامی وسیعتری دریافت دارد . این مطلبی است که اعلامیه اخیر ایران و عمان فاش کرده است .

معنای این سخن چیست ؟ معنای این سخن آنست که ما در مرداب پلید جنگی تجاوز گرانه و غیر عادلانه باز هم عمیقتر فرو میرویم ، باز هم قربانیان بیشتری میدهیم ، باز هم ثروت ملی ما در این راه غلط و ظالمانه بیشتر نابود میشود . انعکاس این جنگ پلید و دیگر روشهای تجاوز کارانه ، درسیاست داخلی کشور ما تشدید فشار و اختناق است . بیهوده نیست که شاه در مصاحبه اخیر خود با روزنامه انگلیسی «سندی تایمس» آشکارا میگوید : «. . . ما اکنون سختگیر تر شده ایم »!

هموطنان عزیز !

تجربه ویتنام نشان داده است که شرکت در جنگها و تجاوزات پلید و ظالمانه علیه خلقی که برای رهائی خود برخاسته است ، نه فقط افتخاری ببار نمیآورد بلکه عواقب فلا کتباری برای متجاوز در بر دارد . مردم ایران از این روش تبهکارانه رژیم از جان و دل بیزارند. باید با تمام قوا این سیاست ضد صلح و ضد انسانی ، جنایتکارانه و اسارتگرانه رژیم را افشا کرد و بدان از هر راه که ممکن باشد اعتراض نمود . باید باتمام قوا با مردم ظفار و جنبش رهائی بخش بحق و عادلانه آنها ابراز همبستگی کرد .

حساب مردم ایران در این تجاوز پلید ، از حساب شاه و چاکرانش جداست . حزب توده ایران به پیروی از همین معنویات پاك و روشن مردم عدالت دوست کشور ما که خود زهر تلخ ستم و غارت وفشار را هر روزه و هر ساعت می‌چشند و سینه ای سوزان برای عدالت و حقیقت دارند ، از همان آغاز تجاوز ایران ، بدفاع از مردم ظفار برخاست . اعلامیه حزب خطاب به سربازان ایرانی که در ظفار می [illegible] هم اکنون بین انها پخش شده است . رهبران [illegible] رهائی بخش خلیج در اسناد رسمی خود برای این مبارزات روشنگرانه و عادلانهٔ حزب ما ارزش و اهمیت عالی قائل شده اند . سلطان قابوس نیز مجبور شد به تأثیر این‌مبارزات اعتراض کند .

اگر تمام نیرو های مترقی کشور ما ، تمام دوستداران عدالت و حقیقت ، تمام دوستداران‌خلقهائی که در راه رهائی خود پیکار میکنند ، تمام‌دوستداران صلح و امنیت منطقه با شجاعت و ابتکار با جنگ پلید رژیم علیه مبارزان ظفار وارد پیکار شوند ، میتوان دست تبه کار را قطع کرد و به میهن پرستان ظفار کمك مؤثری نمود . هر ضربتی باین جنگ پلید ، ضربتی است بر رژیم استبدادی . لازم است در این زمینه اقدامات سریع و جدی بعمل آید .

ما درآینده نیزبا تمام قوا در همین راه خواهیم کوشید و بیاری و همبستگی مردم ایران در کوشش خود مطمئنیم .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۸ اسفند ۱۳۵۲

دنبالــه از صفحه ۱

مردم ایران تحریکات دولت را . . .

عناصر آگاه و مترقی کردستان‌عراق شاه‌ایران و رژیم او را که مرتکب انواع خیانت ها و جنایت‌ها نسبت به‌خلقهای ایران ودیگر خلقهای همسایه‌شده‌است ، خوب میشناسند و فریب این ژاندارم منطقه و دستیار شناخته شده امپریالیسم را نخواهند خورد .

مردم ایران باید با سیاست فتنه انگیزانه رژیم ایران در مورد کردستان عراق مبارزه کنند و این سیاست عمیقاً ارتجاعی را با مبارزه خویش عقیم گذارند. بویژه خلق کرد در کشور ما بیشك متوجه مقاصد شوم سیاست کنونی رژیم که دارای ماهیت ضد کردی است ، هست و این سیاست دشمنان سنتی ودیرینه خلق کرد را افشاء و با آن مبارزه خواهد کرد و روا نخواهد شمرد که خاك کردستان ایران تکیه گاه اقدامات نفاق افکن دولت علیه خلقهای برادر کرد و عرب کشور همسایه ما قرار گیرد .

حزب توده ایران که خود طرفدار حل اصولی مسئله ملی و تأمین حقوق خلقهای ایران است‌به خود مختاری کردستان عراق و حل مسالمت آمیز اختلافات موجود بین حزب دموکرات کردستان عراق و دولت مرکزی عراق با نظر مثبت [illegible] کرد و مایل است که توافق بین عرب و کرد برپایه‌خودمختاری هر چه زودتر تأمین شود . مسئله ملی در بسیاری از کشورهای خاور میانه یك‌مسئله حاد اجتماعی است که دیری است حل آن به ضرورت مبرم مبدل شده است. از جمله این مسئله در کشور ما ایران مطرح است . ما بر آنیم که حل مسئله ملی در کردستان عراق‌دارای اهمیت تاریخی برای حل این مسئله در منطقه است.

حزب توده ایران بنمایندگی از طرف مردم ایران شدیداً مشی فتنه انگیزانه شاه و رژیمش را در مورد کردستان عراق محکوم میکند .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۸ اسفند ۱۳۵۲

☆ ☆ ☆

علاوه بر سند فوق ، در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۲ اظهاریهٔ دیگری از طرف هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران در باره روابط ایران و عراق بمناسبت حوادث متعدد سرحدی بین دو کشور صادر گردید که در موقع خود رادیوی پیك ایران آنرا پخش کرده است .

«مردم»

ادامه انتشار ترجمه کاپیتال (مارکس)

طی مراجعات‌مکرر خوانندگان ، از ما خواسته شده است که در ترجمه و انتشار جلد دوم سرمایه (کاپیتال) تسریع بعمل آید . ترجمه جلد دوم‌سرمایه در جریان است و امید واریم که هر چه زودتر جزوه اول جلد دوم را منتشر سازیم .

با این آدرس با رادیو پیك ایران ، با روزنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید !

P. B. 49034
10028 Stockholm 49 Sweden

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیـــام به همراهان حزب توده ایران

ما میدانیم که شما که راه حزب ما را درست میدانید ، بسیارید . برخی از شما در میدان رزمهای سیاسی و اندیشه ای ، بطور جداگـانه و پراکنده تنها و یا گروهی گاه با شور و فداکاری بسیار در نبردید و گاهی کم و بیش کوششهائی میکنید و برخی دیگر تنها راه حزب توده ایران را میپذیرید ولی با انگیزه های گوناگون در کنار میدان نبرد ایستاده اید .

روی سخن ما با شماست .

اکنون میهن ما دوران بسیار پیچیده ، بسیار دشوار ولی بسیار امید بخشی از تاریخ خودرا میگذراند. جهان امروز ما با شتاب روز افزون در حال دگرگونی است . ویژگی سترگ این دگرگونی در آنست که شرایط برای گسترش بیش از پیش جنبشهای نجاتبخش ملی ، توده ای و مترقی هر روز آماده تر میگردد .

از یکسو در کشور های سوسیالیستی و باکمك آنها در کشور هائی که راه ضد امپریالیستی و دمو کراسی را برگزیده اند با وجود برخی دشواریها و شکست و پس نشینی‌های گذرا پایه‌های نظام اجتماعی اقتصادی و فرهنگی روز بروز نیرومند تر میگردد و از سوی دیگر در جهان سرمایه داری چهار ستون نظام ددمنشانه امپریالیستی و ارتجاعی بلرزه افتاده و هر روز گوشه ای از کاخ پر نخوت جور و ستم غارتگـران فرو میریزد ، تضاد های درونی دنیای سرمایه داری هر روز شدید تر میشود . هم اکنون غارتگران امپریالیست و نوچه هایشان در همه جا بجان هم افتاده اند و همه با هم با بحرانهای درمان ناپذیر دست بگریبانند .

در گذشته انحصار های چپاولگـر برای نجات خود از این گونه بحرانها دو «دارو» در اختیار داشتند: بدین معنی که در درون کشور خود ، با روی کارآوردن رژیمهای فاشیستی و شبه فاشیستی همگی بار سنگین بحران را بدوش زحمتکشان میانداختند و در برون کشور با روشن کردن آتش جنگ خلقها را به جهنمی می کشاندند و درجریان آن هر یکی از آنان میکوشیدند گنجینه های دارائی جهان را بیش از پیش از چنگ رقیبان بربایند و سودهای کلانتر و باز هم کلان تری را برای خود تأمین نمایند .

ولی امروز دیگر در برابر وجود و تأثیر سیاسی جبهه نیرومند کشور های سوسیالیستی ودردرجه نخست در برابر نیروی شگرف اتحاد جماهیر شوروی وهمچنین در برابر ایستادگی نیروی عظیم طبقات زحمتکش که هر روز آگاه تر و مبارز تر میشوند این « دارو های »

دنباله در صفحه ۲

طبقه کارگر ایران باید نقش موثر خـود را در تحـول دمکراتیك جـامعه مـا ایفـا کند !

کارگران و زحمتکشان ایران !

حزب توده ایران ـ حزب طبقه کارگر ایران جشن اول ماه مه ، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را بشما شاد باش میگوید . امسال طبقه کارگرجهانی جشن خود را درشرایط اوج جنبش انقلابی و رهائی‌بخش ، بسط نیرومند نهضت انقلابی و مطالباتی در شرایط تغییر تناسبات نیرو ها در صحنه بین المللی بسود سوسیالیسم ، صلح ، دمو کراسی واستقلال خلقهای اسیر و وابسته ، در شرایط بحران عمیق و همگانی سرمایه داری جهانی بر پا میکند . زحمتکشان جهان حق دارند با امید محکم به آینده بنگرند ، زیرا بیش از پیـ[illegible]ـط تاریخی برچیده شدن بساط استثمار و استعمار نو فراهم شده و نقش دگرگون کننده و نو سازی طبقه کارگر بیش از همیشه تقویت یافته است .

در کشور ما نیز در اثر پیدایش رشته های جدید صنایع و رشد نیروهای مولده در شهر و ده طبقه کارگر ایران از جهت کمی و کیفی رشد مییابد و پرولتاریای صنعتی بشکل قابل توجهی در حال فزونی است . طبقه کارگر به عامل باز هم مؤثر تر و مهمتری در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور ما مبدل شده و این نقش روز بروز تقویت مییابد . سنن طولانی‌مبارزات سیاسی و سندیکائی طبقه کارگر ایران برهبری حزب توده ایران و به رهبری اتحادیه های وابسته به شورای متحده مرکزی در طبقه کارگر کشور ما زنده و پایدار است و این طبقه را برای رزمهای نوین الهام می‌بخشد. طبقه‌کارگر ایران استوار ترین نیروی ترقیخواه جامعه ما، پیگیر ترین و قاطعترین مبارز ضد امپریالیسم و در راه استقلال و دموکراسی در کشور ماست و در پیکارهای استقلال طلبانه مردم کشور و تأمین آزادیها وحقوق دموکراتیك و در رهبری تحولات بنیادی اجتماعی ایران آینده مهمترین نقش بعهده او است .

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی و بر رأس آ[illegible]شاه که قدرت بی پایان یك دیکتاتور خون آشام[illegible]ست خود متمرکز کرده است از طبقه‌کارگر هراس دارد و لذا از یکسو با تشدید فشار پلیسی و با مستقر ساختن ساواك در هر کارخانه از هرگونه تجمع واقعی و دسته جمعی کارگران برای خواستهای مطالباتی شان جلوگیری میکند ومبارزترین کارگران را بازداشت کرده و بزندان می افکند واز سوئی دیگر سعی‌میکند با اقدامات ریاکارانه و افسانه دروغین « آشتی طبقاتی » و با پیش کشیدن سیاستهای شناخته شده ای از قبیل شریك‌کردن کارگران در سهام، مانع آگاهی کارگران گردد و آنها را از مبارزه با رژیم که حامی سر سخت استعمارگران است منحرف سازد. طبقه کارگر ایران فریب افسانه دروغین آشتی طبقاتی ، آشتی بین گرگ و گوسفند ، آشتی بین غارتگر و غارت شده ، بین استثمارگر واستعمار شده را نمیخورد . سیاست کارگری رژیم با همه احزاب و سندیکاهای دولتی و قوانین و مقررات و عوامفریبیهای رنگارنگ نخواهد توانست کارگران ایرانی را در عصر پر شور ما که عصر بیداری جهان ، عصر تحرك توده‌ها ، عصر رهبری طبقه کارگر است از راه بدر کند .

در واقع وضع واقعی طبقه کارگر ایران خود دروغ بودن دعاوی رژیم را نشان میدهد . بجز برخی از امتیازات حساب شده که به افراد معین از کارگران و در نقاط معین از کشور داده میشود ، اکثریت مطلق قریب به تمام کارگران و زحمتکشان شهر و ده در شرایط محرومیت و بی حقی کامل بسر میبرند . درجه استثمار در ایران یکی از شدیدترین درجات استثمار درجهان امروز است . در کشور ثروتمند ما هنوزدسترس داشتن به‌اولیه ترین نیازمندیهای زندگی: هشت ساعت کار، دستمزد کافی، بر خورداری از تعطیلات ، اطاق و اثاث و لباس و غـذای روزانـه و تحصیل و معـالجه و تفریحات عادی و حد اقل فعالیت آزاد سندیکائی برای کارگران ایران یك آرزو است .

راه رهائی طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی راه جسورانه وجانبازانه برای خاتمه دادن به‌حکومت مطلقه شاه و برچیدن بساط رژیم ترور وا ختناق است . تردیدی نیست که کارگران در راه مطالبات اقتصادی و صنفی خود مبارزه میکنند . ولی تنها محدود کردن مبارزه دراین چار چوب نمیتواند علت اصلی تیره روزی کنونی زحمتکشان ایران را از میان بر دارد و باید کـوشید که این مبارزه بهر صورت که ممکن باشد با مبارزه عموم خلق در راه بدست‌آوردن حقوق وآزادی های‌دموکراتیك وکوتاه کردن دست غارتگرامپریالیسم از ثروت های ملی ما و در درجه اول از نفت ، پیوند داده شود .

بر خلاف دعاوی رژیم و اظهارات عناصر شکاك که میخواهند نقش مثبت طبقه کارگر ایران را در جنبش رهائی بخش مردم ایران نا دیده گیرند ، طبقه کارگر ایران با وجود شرایط سخت و نظارت اکید ساواك وعمال سندیکاهای دولتی ، دمی از پای ننشسته است وجانبازانه مبارزه کرده و میکند . موج اعتصابات در ماههای اخیر در کشور بالا گرفته است . کارگران

دنباله در صفحه ۲

شاه از زبان پنتاگون سخن میگوید

در روز هائی که افکار عمومی جهانیان ، منجمله مردم ایران نگران اقدام پنتاگون در تبدیل دیاگو ـ گارسیا به پایگاه نظامی اتمی امریکا در اقیانوس هند است شاه با مصاحبه های دستوری رفته رفته بیشتر خود را بعنوان سخنگوی پنتاگون رسوا میسازد . از جمله این مصاحبه ها ، مصاحبه شاه با مخبر «نیویورك‌تایمس» در جزیره کیش است که مقارن با روز اعتراض جهانی به توطئه جدید امپریالیستی در اقیانوس هند صورت گرفت .

شاه در قبال سؤال «نیویورك تایمس» پیرامون نظر او در باره اقیانوس هند و نگرانیهای دول ساحلی این اقیانوس ، منجمله دولت هندوستان ، از تبدیل دیاگـو ـ گـارسیا به پایگاه نظامی دریائی و هوائی امریکا چنین پاسخ داده است : «آنها اغلب از نفوذ امریکا صحبت میکنند ولی به نفوذ روز افـزون قدرت دریائی شوروی اشاره نمیکنند» .

شاه در مصاحبه های قبلی نیز با استناد به چنین استدلالی ، البته بطور سربسته ، اقدام پنتاگون را در تبدیل دیاگو ـ گارسیا به پایگاه نظامی توجیه کرده بود . ولی از آنجا که شاه این بار آشکارا با عنوان کردن «نفوذ روز افزون قدرت دریائی شوروی» درصدد حمایت علنی تری از نقشه امپریالیسم برآمـده بجاست دروغ او افشا و برملا شود .

افزایش قدرت دریائی اتحاد شوروی واقعیتی‌است انکار ناپذیر . این امر باید بیدار باشی باشد برای آن نیرو های وخامت طلب امپریالیستی که میخواهندصلح جهانی و امنیت ملل را اینجا و آنجا مختل سازند . اما ادعای اینکـه اتحـاد شوروی در اقیـانوس هند دارای پایگاه نظامی است و یا اصولا چنین قصدی دارد دروغ آشکار است .

نسبت ایجاد پایگاه نظامی در اقیانوس هند به اتحاد شوروی که بمنظور رو پوشی وتوجیه توطئه های امپریالیسم امریکا در این منطقه اختراع شده تازگی ندارد . آخرین بار کنث راش معاون وزیر خارجه‌امریکا بهنگام سفر رسمی به اندونزی در اسفند ماه گذشته بمنظور توجیه اقدام پنتاگون «خطر شوروی» را بهانه قرار داد و عیناً چنین گفت : «من فکر نمیکنم‌اقیانوس هند باید فقط اقیانوس یکی از دولتهای بزرگ باشد و در این منطقه تنها روسها حضور داشته باشند» .

جمله اخیر همان جمله ایست که شاه درمصاحبه های بعدی برای اعلام نظر خود بکار برده و چنانکه اشاره شد در مصاحبه با «نیویورك تایمس» نیز آنرا نه سربسته و در لفافه ، بلکه آشکار و بی پرده گفته‌است. اگر شاه در سلسله مراتب خدمتگذاران رسمی پنتاگون سمت خود را اعلام میداشت تکرار یاوه های کنث راش و نظایر او میتوانست یك امر عادی تلقی شود . لیکن شاه خود را رئیس یك کشور اعلام میکند ودر این مورد مجاز نیست بطور علنی از زبان پنتاگون‌سخن بگوید . بعلاوه شاه قطعاً باید بداند که درپاسخ ترهاتی نظیر گفته های کنث راش و دیگر مأموران امریکائی اظهارات رسمی سران دول کشور های آسیا وجود دارد که ادعای حضور نیرو هـای نظامی اتحاد شوروی در اقیانوس هند و دعوی ایجاد پایگاه را رد میکند .

بانو ایندیرا گاندی ، نخست وزیر هـندوستان در یکی از مصاحبه های اخیر خود ضمن افشای تهمت «خطر شوروی» در اقیانوس هند رسماً چنین اظهار داشت : «اتحاد شوروی کشوری نیست که کشتیهای آن مقدم بر دیگران وارداین منطقه شده باشند . بعلاوه آنها جز مقاصد صلح هیچ نیت دیگری ندارند» .

موضع اتحاد شوروی در قبال اقیانوس هند بیش از آن روشن است که بتوان باستناد جعل «خطرشوروی»

دنباله در صفحه ۲

خروج از سنتو خواست مبرم مـردم ایران است

۲۵ ـ مین کمیته نظامی سازمان پیمان‌مرکزی (سنتو) روز های نهم و دهم فروردینماه در تهران‌جلسه داشت . قرار است ۲۱ ـ مین اجلاسیه نوبتی شورای وزیران‌سنتو روز ۳۱ اردیبهشت ماه درواشنگتن برگـزار شود. نصیر عصار دبیرکل ایرانی سنتو سرگرم مسافرت هائی است که بمنظور تدارك و برگزاری این اجلاسیه صورت میگیرد .

سال سومی است کـه شاه روش حساب شدهٔ قـبلی خـود را نسبت به سنتو تغییر داده و در صدد برآمده است پیمانی راکه خود او یك «باشگاه‌حرف» و در حال احتضار معرفی میکرد از نو زنده کـند . چنانکه میدانیم این سالهـا درست مقـارن زمانی است که در زمینه نیل به پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و حصول تفاهم غرب و شرق و بالمآل اثبات عدم ضرورت پیمانهای نظامی ، به ابتکار دول سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی چرخش واقعی و ثمربخشی صورت گرفته است .

دربار ، سیاست خارجی کشور ما ایران را نه بر اساس تأثیر عوامل دراز مدت تأمین منافع ملی ، در انطباق با گرایشهای عمده صلح و همزیستی در سیاست بین المللی ، بلکه به پیروی از تمایلات ضد خلقی و تعهدات خود در برابر مرتجعترین محافل امپریالیستی تعیین میکند . از این جهت بود که اجلاسیه سال گذشته شورای وزیران سنتو در تهـران ، که در یك وضع استثنائی برگزار گردید ، برای زمامداران ایران منشاء امید های فراوانی شد .

چرخش موقت دولت پاکستان در عدول ازروش پیشین در قبال سنتو و اعزام نماینده رسمی به اجلاسیه تهران تحریکات دوگلاس هیوم وزیر خارجه دولت محافظه کار انگلستان و تأیید راجرز وزیر خارجه وقت امریکا از «سیاست و نظر نوطلبی ایران در موردسنتو» عواملی بود که دولت ایران را به احیاء سنتو و قبول تعهدات کمر شکن دیگر در قبال این پیمان تشویق و ترغیب مینمود .

با چنین برداشت غلط که گویا «دوران جدیدی» برای احیاء سنتو آغاز شده دولت ایران طی سال‌گذشته به اقدامات خطرناکی مبادرت ورزید . علنی کردن جنگ در ظفار و شرکت وسیعتر در آن ، تا مرز کشا نیدن کمك نظامی ایران به حبشه بمنظور سرکوب مبارزات رهائی بخش درظفار و اریتره ، اقدام به خرید های غیر عادی و خارق العاده اسلحه و تجهیزات نوین نظامی از امریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان غربی حمایت علنی از محافل دیکتاتوری و نظامی در پاکستان در اوائل و اواسط سال گذشته و بالاخره تحریکات علنی تر پایان سال علیه جمهوری عراق و دامن زدن به اختلاف بین کرد ها و اعراب کـه هم اکنون ادامه دارد نمونه هائی از این اقدامات بشمار میروند .

شاه در رأس رژیم ، خلعت بری (دبیر کل‌پیشین سنتو) در مقام وزارت خارجه و عصار در سمت دبیر کل ایرانی پیمان سنتو در جریان چند سال اخیر ، بویژه سال گذشته ، تلاش‌همه جانبه ای بمنظور احیاء سنتو انجام داده اند . قاعدتاً آنها اکنون باید در انتظار برداشت نتایج لازم از کار خود باشند . اما درست در همین جاست که شاه بار دیگر مشاهده میکند سیاست ضد ملی و ارتجاعی او در دل بستن به پیمانهای امپریالیستی نظامی محکوم به شکست است .

هیچیك از وزرای خارجه ای که در ۲۰ ـ مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو سیاست دولت ایران را در مورد احیاء پیمان تأیید میکردند و در پیام شاه دائر باینکـه «باید نقش مهـم سنتو . . . را ارزیـابی کنیم» و «در پیمان دفاعی سنتو باقی بمانیم» صحه میگذاشتند در ۲۱ ـ مین اجلاسیه شورای وزیران‌سنتو شرکت نخواهند داشت :

ویلیام راجرز جای خود را به هنری کیسینجر داده است . دوگلاس هیوم وزیر خارجه دولت محافظه کار انگلستان جای خـود را به کالاکان وزیر خارجـه دولت کارگری داده‌است . تغییرات سال گذشته‌موجب‌شد خلیق بایبولکن همراه با سیاست ارتجاعی دولت‌ترکیه جای خود را به دولت بولنت اجویت بدهد .

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

پیام به همراهان حزب توده ایران

سنتی دیگر نمیتوانند مانند گذشته مؤثر واقع گردند. زیرا تناسب نیروها در میدان نبرد جهانی هر روز بیشتر بسود نیرو های سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و بزیان امپریالیستها و مرتجعین در تغییر است و دمبدم امکانات تاریخی سرمایه داری امپریالیستی در عرصه های مختلف بیشتر کاهش می یابد.

تنها اگر یك نگاه کوتاه به سیاهه پس نشینی های امپریالیسم در سراسر جهان، که مهمترین آنها را شکست امپریالیستهای امریکائی در ویتنام باید شمرد، بیندازیم و پیروزیهائی را که در پنج سال گذشته نیرو های پیشرو و ضد امپریالیست بدست آورده اند از جلوی چشم بگذرانیم درستی گفته بالا روشن میگردد.

تنها در آن بخش از جهان که دورا دور ایران است ازسال ۱۳٤۸ باینطرف پیش آمدهای چشمگیری رخ داده است. ما در این دوران کوتاه شاهد آن بوده ایم که در عراق، در پاکستان، در افغانستان و در ترکیه دگرگونیهای بیش و کم مهمی بوجود آمده که در نتیجه آن چهره سیاسی این بخش از جهان تغییر پایه ای کرده و رژیم ارتجاعی شاه ایران هر روز بیشتر در باطلاق انفراد فرو میرود.

همگام با این دگرگونی در همه جهان سرمایه داری تناقضات درونی نظام ارتجاعی میهن ما که بر پایهٔ حاکمیت مطلق شاه بر رأس طبقات حاکمه یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمینداران کلان و بوروکراتها و قداره بند های سیاست نو استعماری استوار است هر روز بیشتر شدت پیدا میکند.

شما خود شاهد این تشدید تضاد ها هستید و می بینید که از یکسو غارتگری کلان دزدان جامعه هر روز بی پرواتر میگردد و در برابر آن دشواریهای زندگی مردم هر روز افزایش مییابد. بعضی رفرمهای نیم بند و مردم فریبی های مشعشع کننده رژیم اثر خود را از دست داده و دیگر قادر نیست بر روی این تناقضات سرپوش بگذارد.

شما می بینید که از یکسو نارضائی مردم بطور بیسابقه ای شدت میگیرد و از سوی دیگر رژیم شاه برای نگهداری پایه های غارتگری خود هر روز بفشار و آدمکشی بیشتر دست میزند. دژخیمان شاه بهترین فرزندان میهن‌پرست خلقهای ایران را یا از راه شکنجه در زندانها، یا از راه کشتار بی بند و بار در خیابانها و یا از راه اعدام رسمی گروه گروه درو میکنند.

خود این تشدید ترور و اختناق بهترین دلیل سستی پایه های حاکمیت رژیم کنونی است. فشار و آدمکشی رژیم شاه درست در دورانی هر روز بیشتر بالا میگیرد که در سراسر جهان شرایط عینی برای پاره شدن زنجیر های اسارت امپریالیستی و ارتجاعی هر روز آماده تر میشود و در ایران نارضائی همگانی نه تنها همه مردم‌را فراگرفته بلکه بخش چشمگیری ازطبقات فرمانروای جامعه یعنی دور اندیشان آنها را دچار هراس و تردید کرده است.

رفقای گرامی!

شرایط جهانی و درونی برای گسترش جنبش ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و پیشرو در میهن ما هر روز مساعد تر میگردد. درچنین دورانی بار سنگین ترین وظیفه بر دوش گردان آگاه جنبش است. بدون کوشش و فداکاری آگاه و منظم، بدون انضباط و پیگیری نیروی آگاه نمیتواند از این روند امید بخش بهره گیری کند و این کوشش و فداکاری انقلابی تنها در چهارچوب حزب پیشرو یعنی حزب طبقه کارگر میتواند تا بالا ترین مرز بار آور گردد. بدیگر سخن، گرد آوردن همه مبارزان انقلابی پیشرو جامعه در چهار چوب حزب توده ایران، یگانه سازمان سیاسی واقعی طبقه کارگر ایران، بصورت عمده ترین وظیفه تعویق ناپذیر همه مبارزان انقلابی ایران در هر جا که هستند درآمده است.

واقعیت دردناك جنبش ما اینست که کوشش های بیشتر جداگانه و کمتر با هم دو بخش حزب، یعنی بخشی که بمهاجرت اجباری آمد و بخشی که در ایران ماند در ۱۸ سال گذشته نتوانست به هدف خود که زنده کردن سازمانهای حزب در سراسر کشور است، برسد.

تردیدی نیست که در کنار عوامل گوناگون عینی (مانند فشار و اختناق سیاسی، نا پیگیری وضعف و خیانت عناصر نیمه راه، اثر تبلیغات اتهام آمیز دشمنان و وازدگان، نقش خرابکارانه انحرافات اندیشه‌ای مانند مائوئیسم و سایر نوسانات خرده بورژوائی) عامل ذهنی نیز تأثیر داشته و از این جهت مسئولیت عمده ناکامی در زنده کردن سازمانهای حزب متوجه هر دو بخش حزب است و در این زمینه هیچیك از این دو بخش نمیتوانند شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کنند. ولی در این هم تردیدی نیست که گفتگوهای مکرر و بی حاصل در باره تاریخ گذشته حزب ما و بویژه تاریخ سالهای پرشور مبارزه برای ملی کردن نفت و کشکاش بی سرانجام در باره علل شکست ۲۸ مرداد و ناکامی دوران طولانی در زمینه زنده کردن سازمانهای حزب اکنون به سدی جدی در برابر یگانگی و گسترش جنبش توده ای ما مبدل شده است.

ولی آیا تعیین سهم مسئولیت بخشهای گوناگون حزب، ارگانها و افراد آن در شرایط کنونی امکان پذیر است؟ آیا چانه زدن بر سر اینکه این و یا آن تصمیم حزب در گذشته تا چه حد اشتباه بوده و یا اینکه مسئولیت شکست تا چه اندازه متوجه حزب ما و یا سایر نیرو های سیاسی بوده است در لحظه کنونی ما را بجائی میرساند؟

آیا درست برای همینکه بتوانیم این گذشته را در مجموعه افتخارات و اشتباهاتش بررسی کنیم ضروری نیست که سازمانهای حزب را زنده کنیم و برای آنها پایه های استوار بنا نهیم تا بتواند در کنار انجام وظیفه تاریخی خود در زمینه رهبری جنبش خلق به دشواریهای درونی خود نیز سر انجام دهد؟

رفقای عزیز!

امروز یك وظیفهٔ تعویق ناپذیر تاریخی در برابر شما همراهان حزب است و این فرمان سرپیچی ناپذیر جنبش پیشرو خلقهای میهن ماست:

هر چه زود تر به حزب توده ایران بپیوندید همه نیرو های خود را برای زنده کردن و گسترش سازمانهای آن در سراسر کشور بکار اندازید و بااندیشه و کار خلاقه خود برای بالا بردن کیفیت و نیروی کمی حزب بما کمك رسانید!

این حلقه اساسی تمامی جنبش نجات بخش ملی ما در لحظه تاریخی کنونی است.

این وظیفه فوری امروز ماست و پس انداختن آن به فردا برای جنبش ما بسیار گران خواهد بود. فردا وظایف دشوار تر وسترگ تری دربرابر ما خواهدبود.

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کوشیده‌است با بررسی همگانی در زمینه مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی برای این بهم پیوستگی پی ریزی استواری آماده سازد. ما با آماده ساختن طرح برنامه حزب و سند «نکاتی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران» پایه ای برای یگانگی اندیشه و عمل بوجود آورده ایم و آنرا از راههای گوناگون به بسیاری از شما رسانده ایم.

ما در شیوه کار سازمانی خود تجدید نظر همه جانبه کرده ایم و کوشیده ایم آنرا با شرایط تشدید اختناق منطبق سازیم و برای بر قراری بستگی با شما شیوه هائی را برگزیده‌ایم که با پیروی از آنها گزندی بشما نرسد.

ولی بدون تردید کاری را که حزب بدان دست زده است تنها و تنهـا بکمك همه جانبهٔ با کوشش و فدا کاری بیدریغ همه اعضاء حزب و بویژه همه اعضاء و همراهان حزب که در ایران هستند میتواند بار آور گردد.

این یاری تنها نمیتواند در چهارچوب تأییدشما از پیشنهاد های ما بماند. باید یگانگی در اندیشه را با یگانگی در مبارزه روزانه در کار انقلابی پیوند داد و این پیوند بدون بستگی استوار بین شما و ما امکان پذیر نیست.

پیوند پیگیر و استوار میان شما و ما تنهابرای آن ضروری نیست که ما نظریات خود را به شما برسانیم؛ بلکه بهمان اندازه برای آن ضروری است که ما از نظریات شما که با واقعیت زندگی مردم برخورد نزدیك و هر روزه دارید و هر کدامتان شاهد گوشه ای از آن هستید آگاه شویم. ما از شما میخوا هیم که ما را نه تنها در باره آنچه که در دور و بر شما میگذرد آگاه سازید، بلکه دید خود را نسبت به برنامه های رادیوئی و نشریات حزبی بما برسانید.

تنها با این کمك همگانی شما همراهان حزب ما خواهیم توانست خواستهای روشن گسترده ترین قشر های زحمتکشان و آزادیخواهان میهنمان را در نشریات خود واگردان کنیم. این پیوند برای آن ضروریست که ما بتوانیم با یاری شما راههائی را بیابیم که به پخش هر چه گسترده تر نشریات حزب درمیان مردم بیانجامد.

این پیوند برای آن ضروریست که ما با یاری همه شما گام بگام در راه بهم پیوستگی همه نیروهای پراکنده حزب در سراسر ایران، زنده کردن سازمان های حزب و سرانجام ایجاد آن شرایطی که در آن ستاد رهبری جنبش نجاتبخش ملی ما در درون ایران برپا گردد، به پیش برویم.

رفقای گرامی!

در پایان فهرست وار آنچه را که وظیفه مبرم هر فرد انقلابی همراه حزب میدانیم بازگو میکنیم:

۱ — روشنگری فعال بشکل مستقیم و غیرمستقیم در باره ماهیت ارتجاعی رژیم و فراخواندن مردم بمبارزه سازمان دادن این مبارزات و رهبری ان؛

۲ — شرکت فعال در همه گونه مبارزات روزانه زحمتکشان و آزادیخواهان مانند اعتراضات، نمایشات و اعتصابات و کوشش در رهبری صحیح این مبارزات؛

۳ — تلاش پیگیر در عقیم ساختن اقدامات ساواك و پلیس بر ضد مبارزان راه آزادی، کمك به سایر مبارزان پیگیر، کمك بزندانیان سیاسی از هر دسته و گروه، کمك بخانواده هایشان؛

٤ — بدست آوردن نظریات حزب (رادیو پیك ایران ونشریات مرکزی)، تکثیر اسناد عمده و رساندن آن بمردم ناراضی و بویژه به مبارزان انقلابی؛

٥ — تهیه نشریات روشنگرانه و تجهیزی برای اقدامات‌عملی، براساس‌خطوط اساسی‌اسناد مرکزی‌حزب؛

٦ — رساندن رویداد های چشمگیر از زندگی سیاسی و اجتماعی دورا دور خود به مرکز حزب؛

۷ — گرفتن ارتباط مطمئن با مرکز حزب؛

۸ — کوشش در برگزینی بهترین عناصر انقلابی، وارد کردن آنها به حزب و ایجاد گروه بهم فشرده حزبی با در نظر گرفتن همه اصول کار مخفی.

رفقای گرامی!

ما امید و اطمینان داریم که شما همراهان‌مبارز حزب توده ایران به این ندای ما با توجه بتمام اهمیتی که در آن نهفته است برخورد خواهید کرد.

دنباله از صفحه ۱

خروج از سنتو خواست مبرم ...

دولت پاکستان چنانکه مورد علاقه شاه بود نتوانست در جهت گرایش بیشتر بسمت پیمانهای نظامی حرکت کند، لیکن این دولت با خروج ازسیتوواقدام به بهبود روابط خود باهندوستان و بنگلا دش شرائط مساعد تری برای رهائی خود از قیود پیمان های نظامی ایجاد کرده است.

چنین تغییراتی که در فاصله زمانی کوتاه بین ۲۰ — مین و ۲۱ — مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو تنها در منطقه عمل این پیمان صورت گرفته، علناً از عقیم ماندن کامل امید شاه به احیاء سنتو حکایت میکند. در صورتیکه شکست وارده به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در دیگر نقاط جهان‌از جمله شکست نظامی اسرائیل در جنگ اکتبر گذشته وهم چنین پیروزیهای مهمی راکه از انعقاد قراردادهای اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در جریان سال قبل در اجرای‌سیاست صلح اتحاد شوروی دائر به تحقق سیاست همزیستی مسالمت آمیز، امنیت جمعی دراروپا و آسیا و بازگشت ناپذیرساختن دوران «جنگ سرد» بدست آمده، در نظر بگیریم، خواهیم دید که سیر آتی تحول سیاست بین‌المللی نه فقط آرزوی شاه را در احیاء سنتو بر نمی آورد، بلکه شرائط مساعد تری به منظور پایان دادن به عمر پیمانهای نظامی‌ایجادمیکند.

در این شرایط، اجلاسیه قریب الوقوع شورای وزیران سنتو در واشنگتن نخواهد توانست در جهت آرزوهای شاه‌گام تازه‌ای بردارد ولی با این حال‌نمیتوان از نظردور داشت که تمایل‌مرتجعترین محافل‌امپریالیستی به ادامه دوران جنگ سرد و آمادگی شاه برای قبول تعهدات‌جدید بمنظور حفظ سنتو، بویژه وضع خطرناکی برای امنیت و منافع کشور ما ایران بوجود میاورد. شاه موجودیت رژیم خود را بیش از پیش به پیمانهای نظامی امپریالیستی و قبول تعهدات جدید در برابر این پیمانها وابسته ساخته است. بهمین جهت او لغو وطرد پیمانهای نظامی خاصه سنتو را برای خود فاجعه بشمار میاورد. بدین علت است که شاه برای حفظ سنتوبدون توجه به عاقبت کار به قبول تعهدات بیش از پیش کمر شکن تن در میدهد وعلیرغم منافع ملی کشور ما ومصالح امنیت‌وصلح در منطقه به‌اقدامات خطرناکتری دست میزند.

جریان اخیر متضمن خطرات جدی است و عواقب و نتایج غیر قابل جبرانی را دامنگیر کشورما، و اصولا همه کشورهای منطقه میسازد. مردم ایران و نیروهای مترقی و ملی نمیتوانند نسبت به این جریان خطرناك که زائیده عضویت در سنتو است بی اعتنا باشند. نباید به شاه اجازه داد تا برای حفظ سنتو به قیمت در گیر ساختن ایران و نیرو های مسلح آن در اقدام ماجراجویانه امپریالیستی در مرز ها و یا حتی کشورهای خارج، نظیر آنچه هم اکنون در عمان میگذرد، مشکلات عظیم و خطرناك برای کشور ما پدید آورد. تا چنین خطری علاج ناپذیر نشده باید برای رهائی ایران‌از قیدپیمان نظامی سنتو مبارزه کنیم.

در شرایط کنونی جا دارد خواست خروج‌ایران از سنتو با صدای رساتر از جانب همه مردم ایران مطرح گردد. بجاست که اجلاسیه نوبتی شورای وزیران سنتو با اعتراض آشکار مردم ایران به ادامه عضویت دولت در این پیمان همراه باشد! م. جهان

دنباله از صفحه ۱

طبقه کارگر ایران باید نقش مؤثر ...

ایران جان در کف در این مبارزات اعتصابی شرکت میکنند.

تردیدی نیست که مبارزه در شرایط کنونی ترور و اختناق دشواریها و خطرات اندکی ندارد ولی تنها یك نبرد جسورانه و فداکارانه میتواند باین دوران هراس، باین دوران خیانت و جنایت خاتمه دهد. رژیم ایران اکنون نه فقط سرکوب کننده خلقهای ایران است بلکه به سرکوب جنبش رهائی بخش خلقهای همسایه و از آنجمله جنبش رهائی بخش ظفار پرداخته است، این مسئولیت تاریخی ماست که‌دست های خون آلود و جنایت بار رژیم را باز داریم.

کارگران ایران!

بر دامنه فعالیت مطالباتی و مبارزات سیاسی خود بیافزائید، از سندیکاهای موجود واز قوانین‌موجود برای استیفاء هر چه بیشتر حقوق خود استفاده کنید، در مبارزات عمومی مردم برای‌خاتمه دادن‌به دیکتاتوری و برچیدن بساط رژیم ترور و اختناق نقش شایسته و دلیرانه خود را چنانکه در خورد طبقه کارگر ایران است ایفاء کنید. در این مبارزه طبقه کارگر ایران باید بتواند نقش رهبری کننده را بدست آورد مبارزه را بسوی تحولات بنیادی جامعه، بسوی خاتمه دادن به بهره کشی، بسوی استقرار یك‌نظام عادلانه اجتماعی در کشور ما اوج دهد.

پاینده باد جشن اول ماه مه!

زنده باد طبقه کارگر ایران!

زنده باد حزب توده ایران ـ حزب طبقه کارگر ایران!

(پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه)

دنباله از صفحه ۱

شاه از زبان پنتاگون سخن میگوید

اقدام امپریالیسم امریکا را درایجاد پایگاه نظامی‌دریائی و هوائی دیاگو ـ گارسیا که با تکیه به حمایت پکن صورت میگیرد توجیه کرد. سیاست اتحاد شوروی در مورد اقیانوس هند در نوامبر سال گذشته ضمن انتشار اعلامیه مشترك اتحاد شوروی و هندوستان در پایان‌سفر لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به هندوستان دقیقاً چنین توضیح داده شده است: «طرفین برای آنکه با همه دول ذینفع بطور برابر دریافتن راه حل مناسب مسئله تبدیل‌اقیانوس هند به منطقه صلح شرکت نمایند آمادگی خود را تأیید میکنند».

با چنین سوابقی و با وجودی که همه دول کشور های ساحلی اقیانوس هند عدم رضایت خود را از توطئه امپریالیسم امریکا دراین منطقه اعلام داشته‌اند شایان دقت است که شاه رفته رفته آشکار تر ازنقشه پنتاگون در مورد دیاگو ـ گارسیا جانبداری بعمل‌میاورد. شاه بدون توجه به مسئولیت خود و اهمیتی که روابط کشور ما با همه کشور های منطقه بویژه همسایگان دارد سیاست خارجی ایران را بیش از پیش در جهت تمایلات مرتجعترین محافل امپریالیستی سوق میدهد.

طبیعی است که روش اخیر با منافع ملی کشور ما ایران، امنیت جمعی در آسیا و حفظ صلح جهانی مغایرت آشکار دارد و با اعتراض شدید مردم ایران مواجه است.

م. ج.

با این آدرس با رادیو پیك ایران، با روزنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49 Sweden

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام حزب توده ایران به مجاهدین خلق ایران

دوستان گرامی!

پیش از هر چیز درود های گرم ما را بپذیرید.

مانند شما ما هم بسیار از این شادمانیم که در میان رزمندگان ضد استعمار و ارتجاع در میهن ما یك روند تحکیم و بهم پیوستگی در میدان نبرد هر روز با شتاب بیشتری پیشرفت میکند.

ما مبارزات پر شور و پر از خود گذشتگی و شهامت شمارا با احساس آفرین دنبال میکنیم ونشریات شما را تا آنجا که بدست ما میرسد بررسی مینمائیم. ما به دلیری یاران شما که جان خود را در راه مبارزه برای منافع خلقهای زحمتکش میهن ما فدا میکنند با دیده ستایش مینگریم ویاد آنانرا مانند بهترین‌فرزندان حزب خود گرامی میداریم. صرفنظر از اینکه ما در این و یا آن مورد، لحظه ای را که برخی از این مبارزان برای بکار بستن این و یا آن شیوه مبارزه برگزیده و یا برمیگزینند مناسب ندانیم.

چرا ما به تلاشهای انقلابی شما و یارانتان با دیده ستایش نگاه میکنیم؟ پاسخ این پرسش را به بهترین وجهی خود شما در بیانیه مورخه ۵۲٫۳٫۳۰ خود بنام «پاسخ مجاهدین خلق ایران به اتهامات‌اخیر رژیم» داده اید. برای ما کافی است که بعضی از کلمات آنرا جا بجا کنیم: «شکی نیست که نظریات مارکسیست ها با نظریات مبارزان انقلابی مسلمان در همه زمینه ها با هم یکی نیستند، ولی تردیدی هم نیست که نظریات ما و شما با سیاست ارتجاعی رژیم کنونی شاه هیچ چیز مشترکی ندارند. بنظر ما آن مسلمان انقلابی‌که در برابر بیدادگری رژیم و برای پاره کردن زنجیر های بردگی استعمار نوین قد برافراشته است در همان راهی گام برمیدارد که مارکسیست ـ لنینیست های واقعی پیش گرفته اند.»

ما مانند شما بر آنیم که همه رزمندگان راه خلق اصل آزادی اندیشه را محترم میشمارند واز اینرو یك انقلابی مارکسیست ـ لنینیست هرگز نمیتواندشمن یك مسلمان انقلابی باشد.

آنچه در مرحله کنونی نبرد آزادیبخش ملی‌میهن ما دارای اهمیت تعیین کننده است همانا بهم پیوستگی همه مبارزان ضد رژیم در یك اردو گاه یگانه است. بدیگر سخن جبهه متحد نیرو های ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی میهن ما مهمترین جنگ افزار ما در نبرد دشوار برای سرنگون ساختن دشمن خونخوار است.

آنچه برای بنیادگذاری چنین جبهه متحدی ارزش پایه‌ای دارد این است که در جریان نبرد مشترك در برابر دشمن مشترك، عمده ترین بخش مربوط به تعیین هدفهای مرحله کنونی جنبش انقلابی میهن ما و تشخیص نیروهای دوست و دشمن و موضعگیریهای ما بیش از پیش بهم نزدیك شده اند و در زمینه برگزینی اشکال گوناگون مبارزه و بکار بستن و بهره گیری از این اشکال در موارد گوناگون امکان یك گفتگوی خلاق بین ما باز میشود.

ما مانند شما تأیید میکنیم که نبرد ما یك‌نبرد ماهیتاً طبقاتی است که در آن نیرو های استثمار شده بر ضد نیرو های استثمار کننده در پیکارند.

ما مانند شما بر آنیم که در برابر توده های رنجبر میهن ما غارتگران داخلی و چپاولگران بین المللی ردهٔ متحدی بوجود آورده اند.

ما هم مانند شما در جهان یك استعمار بیشتر نمیشناسیم و بر آنیم که امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی بزرگترین دشمنان خلق ما هستند. ما هم مانند شما یك ارتجاع بیشتر نمی شناسیم و برآنیم که رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه مظهر این ارتجاع‌است.

اینهاست آن‌عمده ترین نکاتی که بنای همکاری همه جانبه شما و ما را در نبرد دشواری که در آن درگیر هستیم، پی ریزی میکند.

اما ما هم مانند شما بر آنیم که در این‌نبرد هر اندازه هم که امروز دشوار باشد پیروزی نهائی با نیرو های خلق است و گرایش همگانی جنبش ... بخش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در سراسر جهان بما نوید میدهد که این پیروزی دیگر زیاد دور نیست.

امروز ما در جهانی زندگی میکنیم که ویژگی عمده آن تغییر روزافزون تناسب نیرو ها بسود نیروهای هوادار استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی و بزیان نیرو های ارتجاعی و امپریالیسم است. تنها رویدادهای مثبت چند سال گذشته در منطقه ای که کشور ما در آن قرار دارد گویا ترین شاهد این تغییرات است.

در کشور همسایه ما عراق نیرو های هوادار

دنباله در صفحه ۲

۲۱ اردیبهشت ــ روز زندانیان سیاسی

روز ۲۱ اردیبهشت از شهادت قهرمان ملی و انقلابی ایران، روزبه «یاد میکنیم که در آستانه مرگ باز هم توانا تر از زندگی بود. در هنگامه شکستها و ضعفها و ارتداد پس از کودتای ۲۸ مرداد، این روح توفنده و آشتی ناپذیر که ۱۳ سال از زندگی خود را در زندانهای شاه و مخفی گاهها گذراند، تصمیم گرفت درسنگر مبارزه استوار بماند، درلحظه سر نوشت بمثابه لحظه‌ای از هستی و پایداری و دلاوری خلق‌خود عمل کند و به بهای نثار جان خود روانهای افسرده و خاموش را زندگی و جنبشی تازه بخشد.

او چند ماه قبل از بازداشت خود نوشت: «.. وظیفه خود میدانم که بقیمت جان خودم این سقوط روحیه را جبران کنم. اگرچنین توفیقی دست دهد.» چنین ... دست داد و روزبه با مقاومت مسلحانه‌خود در برابر ...، با پایداری در قبال شکنجه و ایذاء بادفاع‌پرشور از آرمانهای‌حزب خود، پرچم غرور وسرافرازی خلق خود را رو در روی‌اردوی‌دشمن سیاهکار برافراشت.

«روزبه» با شهادت خود به نسل جوان درس زندگی و پیکار داد. دفاعیه او در دادگاه نظامی که برای‌اولین بار از طرف حزب ما نشر یافت و تاکنون در چندین ده هزار نسخه منتشر شده است، یك نسل جوان‌انقلابی در میهن ما پرورده است که زندگی و مبارزه روزبه را نمونه زندگی و مبارزه خویش قرار داده اند؛ نسلی که علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم حامی او میرزمد و تا محو قطعی آنها از پای نخواهد نشست.

روز شهادت «روزبه»

روز همبستگی با مجاهدان زندانی!

پنجمین سالی است که کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲۱ اردیبهشت روز شهادت «روزبه» را که بحق مورد احترام، ستایش و تجلیل همه نیروهای میهن پرست و مخالف رژیم است روز «دفاع اززندانیان سیاسی» اعلام نموده و از آنان خواسته است که «یاد کرد از شهادت روزبه را به یك عمل رزم آورانه همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند.» حزب ما پیوسته معتقد بوده و هست که منافع مبارزه با امپریالیسم، مبارزه همه جانبه ای را در راه دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی کشور ما ایجاب‌میکند و دفاع از زندانیان سیاسی حلقه مهمی از این مبارزه است. بویژه در شرایط کنونی که زندانهای شاه‌انباشته از دلاوران زندانی است و رفتار جلادان با زندانیان سیاسی بیشتر از هر وقت وحشیانه و دور از موازین قانونی است، فقط مبارزه یگانه و بهم پیوسته همهٔ نیروهای ضد امپریالیست و مخالف رژیم میتواند دیکتاتوری فاشیستی را بیش از پیش رسوا کند و آنرا به عقب نشینی ناگزیر سازد.

سختگیری رژیم تشدید میشود!

رژیم شاه که در عرصه اقدامات ضد ملی، ضد خلقی و ضد دمکراتیك خود با شتاب بیشتری به پیش میتازد، از ناخرسندی همگانی هراس دارد و برای جلوگیری از بروز این نارضائی شدید در چند سال اخیر به بگیر و ببند و کشت وکشتار پردامنه‌ای دست زده‌است. مجله «اکونومیست» سخنگوی‌سرمایه داری امپریالیستی اخیراً فاش کرده است که درزندان های مرکزی و محلی ایران از ۲۵ تا ۴۰ هزار نفر زندانی وجود دارد. این پیکره بهر حال نمودار آنست که تعداد زندانیان سیاسی در سراسر ایران بمراتب از آنچه که رژیم مدعی است یا در ظاهر بنظر میرسد بالاتر و بیشتر است.

در زندانها که مأموران ددمنش ساواك بامقاومت و پرخاش زندانیان سیاسی رو‌برو هستند، فشار و سختگیری بر زندانیان را تشدید کرده اند و برای انتقامجوئی از زندانیان مقاوم، هر عمل و اقدام آنها را بهانه ای برای یورش و هجوم تازه خود قرار میدهند. در غالب زندانها چه در تهران و چه در شهرستانها کماندو ها را مستقر کرده‌اند، به بهانه های گوناگون زندانیان‌سیاسی را از دیدار بستگان خود محروم‌میکنند

دنباله در صفحه ۲

زنده باد جنبش حق طلبانه طبقه کارگر!

بیش ازچهار هزارنفر کارگر ساختمانی‌پالایشگاه جدید تهران از روز سه شنبه بیست و پنجم اسفند ماه یکپارچه و آگاهانه دست به اعتصاب زدند. مبارزه اعتصابی کارگران علیه استثمار بیرحمانه یك شرکت آلمانی ــ امریکائی که شرکت ملی نفت کار توسعه پالایشگاه تهران وساختمان‌پالایشگاههای بوشهر وبندر عباس را بآن واگذار کرده است، صورت گرفت.

این شرکت هزاران نفر کارگر ماهر را بطور روز مزد یا پیمانی بکار گرفته وشدیداً آنها را استثمار میکند. تا کنون گوش شنوائی برای توجه به خواستهای مشروع آنها چه از طرف شرکت ساختمانی و چه از طرف شرکت ملی نفت و مقامات دولتی وجود نداشته است.

کارگران ازوسیله رفت و آمد بشهر محرومند، غذا خوری در محل کارشان وجود ندارد، از پاداش معمول عید واز بیست در صدسود ویژه اینکه بعلت تبلیغات ریاکارانه وبرای فریب کارگران است، خبری نیست. هرگاه کارگری بعلت بیماری و یا نبودن‌وسیله نقلیه غیبت کند مشمول نظامات جابرانه شرکت شده و جریمه سنگینی از حقوق ناچیز او کم میشود.

در چنین وضعی کارگران باتکیه به‌نیروی اتحاد خود دست از کارکشیده، خواستهای خویش را درپنج ماده زیرین تنظیم و اجرای آنها را خواستار شده اند: ۱ ــ پرداخت بیست درصدازسود ویژه ۲ ــ تأمین وسیله رفت و آمد بشهر ۳ ــ پرداخت پاداش عید ۴ ــ ایجاد غذا خوری در محیط‌کار ۵ ــ کم کردن فقط مزد یك روز در مقابل یك روز غیبت وحذف‌جریمه.

این خواستها همه مشروع و منطبق با قوانین موجود است. شرکت نفت و مقامات دولتی بجای توجه باین خواستها مانند همیشه ژاندارمها را بجان کارگران انداختند تا آنها را اجباراً بکار وادارند، عده‌ای ازآنها را بطرزی وحشیانه بازداشت کرده و فهرست سیاهی از مشخصات پانصد نفر کارگر آبادانی که فعلا در تهران کار میکنند، تهیه وبا این ادعا که آنها محرك اعتصاب هستند بمقامات «امنیتی» داده اند.

اما کارگران بااستواری وپا فشاری و با اعتراض جمعی توانستند رفقای خود را آزاد کرده و باعتصاب خود ادامه دهند. پس از چند روز مقامات شرکت با چند خواست کارگران از جمله تهیه وسائل نقلیه ومحل غذا خوری موافقت کردند ولی کارگران خواستار اجرای تمام و کمال تقاضاهای خود و بویژه حق سهم ... در سود ویژه هستند. یکپارچگی کارگران در این مبارزه حق طلبانه، جلوگیری آنها از هرگونه اقدام تحریك آمیز و مهارت آنها در کار که امکان اخراج و تعویض دستجمعی آنها را با کارگران ساده بکار فرما نمیدهد، همه نشان آنست که آنها مبارزه خود را آگاهانه آغاز کرده و پیروزمندانه بپایان خواهند رساند.

این اعتصاب ونظائر آن نشان میدهد که طبقه کارگر ایران علیرغم رژیم ترور و اختناق به نیروی جمعی خود پی میبرد، در برابر سرنیزه و تهدید تسلیم نمیشود و آگاهانه از منافع طبقاتی خود دفاع میکند. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر ایران از یکسو، تشدید استثمار، گرانی زندگی و سلب هرگونه آزادی از زحمتکشان از سوی دیگر زمینه عینی برای تشدید مبارزه و گسترش جنبش کارگری را علیه استثمار گران خارجی وداخلی وحکومت‌مطلقه پشتیبان‌آنها هرچه‌بیشتر فراهم میکند. وظیفه عناصرآگاه طبقه کارگر و مبارزان راه استقلال وآزادی است که با سازمان دادن ورهبری کردن درست این جنبش به گسترش و پیشرفت‌آن یاری رسانند، طبقه کارگراساسی ترین نیروی اجتماعی است که تشکل، تجهیز و آگاهی آن عامل پیروزی همه نیروهای‌ملی‌در راه استقلال، دموکراسی و رهائی از چنگال عفریت استبداد محمد رضا شاهی است. این طبقه زحمتکش دیر یا زود وظیفه تاریخی خود را در تعیین سر نوشت کشور ما ایفاء خواهد کرد.

زنده باد مبارزه طبقه کارگر ایران در راه استقلال، دموکراسی وبهروزی!

ا. گویا

قانون و گارد ضد کارگری

مجلس سنا در جلسه دوم اردیبهشت لایحه «قانون مجازات اخلالگران در صنایع» را بطورنهائی تصویب و بدولت ابلاغ کرد. بموجب اختیاراتی که‌در این قانون بدولت داده شده ده‌گارد محافظ در ده واحد بزرگ صنعتی یعنی واحد های ذوب آهن، پتروشیمی، گاز، فولاد، ماشین سازی اراك و تبریز، آلومینیوم ایران و مس سرچشمه کرمان، شرکت صنایع هلیکوپتر و هواپیمائی ملی ایران تشکیل میشود.

بهانه ظاهری دولت در تنظیم لایحه «قانون مجازات اخلالگران در صنایع» و تشکیل گارد محافظ در واحدهای بزرگ صنعتی گویا جلوگیری از اخلال عمدی و سوء قصد وحفظ اموال وتأسیسات این واحدها است. ولی واقعیت این است که هم تصویب قانون وهم‌تشکیل گارد هدفهای ضد کارگری دور ودرازی را تعقیب میکنند. تصویب کنندگان قانون نیز خود با تمام کوششی که بکار برده‌اند نتوانسته‌اند هدف‌ضد کارگری «قانون مجازات اخلالگران در صنایع» و تشکیل گاردهای محافظ را پوشیده دارند.

مثلا در قانون ضمن آنکه برای انهدام عمدی تأسیسات حبس جنائی درجه یك ازپنج تا ۱۵ سال و حتی اعدام در نظر گرفته شده برای موارد وحالات دیگر «اخلال» و «خرابکاری» چنین مقرر میگردد: عملی که‌به قصد اخلال یاخرابکاری موجب تعطیل و از کار افتادن تمام یا قسمتی از واحدها وتأسیسات صنایع گردد بدون‌آنکه منتهی بانهدام تمام یا قسمتی از آنها گردد مجازات حبس درجه دو از دو تا ۵ سال دارد. هم چنین نه فقط افراد جداگانه بلکه «سر دسته های» جمعیتها نیز میتوانند تحت عنوان اخلال در کار صنایع، واو جرمی واقع نشده‌باشدتحت تعقیب قرار گرفته ومجازات شوند. در ماده دیگر قانون گفته میشود: «در صورتیکه برای ارتکاب این جرائم، دسته یاجمعیتی یا بیشتر تشکیل شده ولی هیچیك از جرائم فوق واقع نشده باشد هر یك از محرکین و سردسته های جمعیت برای همین عمل به شش ماه تا دو سال و هر یك از سایر اعضاء به سه ماه تا یکسال حبس‌جنحه محکوم خواهند شد.»

مثلی است که میگوید. «جوالدوز در جوال پنهان نمی‌ماند». اقدام ضد کارگری دولت درتصویب واجرای «قانون‌مجازات اخلالگران در صنایع» وتشکیل گاردهای محافظ درواحدهای بزرگ صنعتی را تحت‌عنوان جلوگیری از «اخلال عمدی» و «سوء قصد» و یا «حفظ اموال و تأسیسات» این واحدها نمیتوان روپوشی کرد. هدف از تنظیم و تصویب این قانون واقدام به تشکیل‌گارد محافظ در واحدهای بزرگ صنعتی ایران مقابله باجنبش اعتصابی ومبارزات قانونی وبحق کارگران به منظور تأمین خواستهای صنفی و اجتماعی آنان میباشد.

دنباله در صفحه ۲

گوشه هائی از سیاست رژیم

دامنه تجاوزگری بسط مییابد

بنا باطلاع «جبهه آزادیبخش اریتره» (مندرج در «صوت الثوره» ارگان جبهه آزادی خلیج شماره ۹۰) دامنه تجاوزگری ایران تا اریتره و سومالی رسیده‌است. هیلا سلاسی امپراطور حبشه از نیکسون کمك نظامی خواست و نیکسون حواله به ژاندارم منطقه' یعنی شاه ایران کرد و شاه ۱۵ هواپیمای فانتوم و تعدادی کار شناسان نظامی در اختیار امپراطور حبشه گذاشت که در جریان سرکوب جنبش اریتره شرکت جسته اند. بعلاوه ایران کادر خلبان برای امپراطور تربیت میکند و در نقشه های تجاوزگرانه حبشه علیه سومالی شرکت دارد.

پول نفت بکجا میرود ؟

در اولین هفته فروردینماه سال جاری اشرف خواهر توأمان شاه و معروف به «الههٔ فساد» در یك قمارخانه معروف شهر جنوبی فرانسه «کان» تنها در ظرف یك شب ۱۵ میلیون فرانك (بیش از ۲۰ میلیون تومان) باخته است. شاه ایران در دوران انتخابات ریچارد نیکسون ' رئیس جمهوری کنونی امریکابوسیله اردشیر زاهدی مبلغ ۱۵ میلیون دولار بصندوق انتخاباتی جمهو[...]اهان کمك کرده است. در یکجا پول نفت صرف [...]رجی های بی بند و بار اشرف و در جائی دیگر صرف تحکیم مواضع سیاسی انحصار های نفتی میشود.

چرا گوشت نایاب و گران است ؟

در کنار غارتگری راهزنان عمده از قماش شاه و اشرف ' چاکران درباری آنها نیز سرگرم چپاولند. یکی از علل گرانی و نایابی گوشت آنست کهانحصار واردات گوشت در دست امیر اسداله علم وزیر دربار شاهنشاه «عاری از مهر» است. انحصار و احتکار در دست این قره نوکر درباری افزار مؤثری است برای غارت‌مردم زحمتکش ایران.

دنباله از صفحه ۱

قانون و گارد ضد کارگری

این امر که دولت بویژه در مرحله کنونی عمده ترین واحدهای بزرگ صنعتی مانند ذوب آهن ' واحدهای پتروشیمی و کارخانه های ماشین سازی‌را که مراکز تجمع و تمرکز دهها هزار کارگر هستند مورد توج[...] ارداده وتحت عنوان « قانون مجازات اخلالگران در [...]یم » وتشکیل گارد محافظ عملا موجبات محاصره نظامی آنها را فراهم آورده بهیچوجه تصادفی نیست. ایجاد صنایع سنگین مادر نظیر ذوب آهن و ماشین‌سازی که ببرکت همکاریهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی در کشور ما ایران ایجاد شده بهمراه امکاناتی که از نظر عینی برای تأمین استقلال اقتصادی ' بی نیازی کشور بواردات آهن آلات و ساخت ماشین در کشور بوجود آورده ' در عین حال به ایجاد کانونهای عظیم پرولتاریای‌صنعتی انجامیده که در نتیجه نهائی اهرم عمده تحولات انقلابی بشمار میاید.

هم اکنون در ذوب آهن‌ایران متجاوز از هشتاد هزار نفر کارگر مشغول بکار است که هیچ قدرتی نمیتواند اهمیت و موقع اجتماعی این نیرو را در جامعه ایران نادیده انگارد. ذوب آهن ـ کارخانه‌های ماشین سازی و واحدهای بزرگ معدنی که ببرکت پایه‌گذاری صنایع مادر بوجود آمده اند در کنار واحد های بزرگ کارگری قبلی نظیر نفت و راه آهن و صنایع ماشینی نساجی مراکز تجمع پرولتاریای صنعتی به معنی واقعی آن هستند. مبارزات عظیم کارگری بویژه در مراکز صنایع سنگین مادر در کشور ما دیگر یك‌شبح نیست بلکه واقعیت روز است. رژیم ضد کارگری کودتا نمیتواند از پیدایش چنین وضعی در هراس نباشد.

تدابیر احتیاطی‌رژیم که از هم اکنون در صدد بر آمده است با تصویب قوانین‌بظاهر فریبنده به‌مقابله با مبارزات صنفی و سیاسی کارگران ایران برخیزد و بویژه پایگاههای عمده پرولتاریای صنعتی ایران را در محاصره گارد نظامی قرار دهد قادر نیست از اعتلاء جنبش کارگران جلوگیری بعمل آورد. با تصویب قوانینی نظیر « قانون مجازات اخلالگران در صنایع » و بسط تجربه تشکیل گارد محافظ از صنعت نفت وراه آهن به صنایع ذوب آهن و ماشین سازی و دیگرواحد های عظیم صنعتی' دولت ایران فقط ماسك ضدکارگری خود را بیشتر بالا میزند. توسل به این اقدامات نشانه اعتراف زمامداران به شکست برنامه تبلیغی وعوامفریبانه « شرکت کارگران در سود و سهام کارخانه‌ها » است که از اصول معتبر « انقلاب سفید » و پایه تئوری‌پوچ و مبتذل رعایت یکسان منافع کارفرما و کارگر ازجانب رژیم کودتا بشمار میرود.

آن زمان فرا رسیده است که طبقه کارگر ایران با تکیه به هسته مرکزی پرولتاریای متمرکز و پیشرو صنعتی‌در نفت — ذوب آهن — صنایع نساجی و نظایر آنها و با الهام از ره‌آورد های مبارزات انقلابی در جهان و ایران آوای خود را رساتر سازد و به ایفای نقش طبقه برای نوسازی جامعه ایران بر مبانی محو ظلم امپریالیستی — ملی و طبقاتی اقدام کند. از تشکیل گاردهای محافظ و تصویب قوانین ضد کارگری دراین رهگذر همانقدر کار ساخته است که از خس وخاشاك در برابر سیل عظیم و خروشان.

م. جهان

دنباله از صفحه ۱

پیام حزب توده ایران به مجاهدان ...

پیشرفت اجتماعی بر نیرو های ارتجاعی چیره شدند و با این پیروزی ضربه سنگین بر پیکر حاکمیت‌استعمار نوین در این منطقه وارد ساختند. با تشکیل جبهه متحد نیرو های طرفدار حزب بعث و حزب کمونیست درعراق آغاز مرحله نوینی ازنو سازی همه جانبه‌اجتماعی در عراق پایه گذاری شد. در عمان نیرو های انقلابی با دلیری علیه ارتجاع سیاه یعنی جبهه مرتجعین محلی مانند سلطان قابوس و محمد رضا شاه به سرکردگی امپریالیست های امریکائی و انگلیسی قد بر افراشته و پیروزیهای چشمگیری بدست آورده اند و هم اکنون بیش از سه چهارم خاك میهن خودرا آزاد کرده اند.

در پاکستان رژیم سیاه ارتجاع یحیی خان با وجود پشتیبانی همه جانبه امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیم سیاه شاه ایران از یك طرف ورهبران چین که بمنافع خلقها پشت کرده و با استعمارگران و وابستگان انها مانند شاه ایران و جعفر نمیری جبهه متحدی بوجود آورده‌اند مانند سرائی پوشالی فروریخت. در شرق آن جمهوری مترقی ملی بنگلا دش پیدا شد و در بخش غربی هیئت حاکمه ناگزیر گردید در برابر خواستهای مردم و نیرو های هوادار پیشرفت و آزادی سیاست یحیی خانی‌را ترك کند و چه در میدان‌سیاست خارجی و چه در زمینه حل دشواریهای داخلی سیاست روشن بینانه ای در پیش گیرد. چیزی که بهیچوجه با سلیقه شاه ایران و طرفدارانش وفق نمیدهد وموجبات تشنج عصبی او را فراهم آورده است.

در افغانستان رژیم پوسیده سلطنتی بر چیده‌شد و اولین گامها در راه نوسازی ملی برداشته میشود.

در ترکیه مرتجعین نظامی که چند سال قدرت دولتی را مستقیماً در دست خود گرفته و خفقان‌سیاسی را بر کشور فرمانروا ساخته بودند در برابر نا خرسندی شدید مردم و بر اثر ناتوانی در حل دشواریهای درون کشور مجبور شدند از صحنه خارج شوند و جای را به حکومتی واگذار کنند که با پذیرش یکسلسله تعهدات دموکراتیك و ترقیخواهانه موفق شد در انتخابات سال‌گذشته از پشتیبانی اکثریت رأی دهندگان برخوردار گردد.

کمی دور تر از مرز های ما در یکی از کانون های آتشی که بدست امپریالیست ها و تجاوز کاران اسرائیل افروخته شده بود کفه های ترازو بسود نیرو های آزادیبخش ملی عرب جابجا میشوند. با مبارزه دلیرانه مردم این منطقه و با پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی افسانه شکست ناپذیری اسرائیل بر باد رفت و علیرغم سازشکاری برخی از نیرو های لرزان و ناپیگیر در جبهه عرب شرایط روز بروز برای پیروزی خلقهای عرب این منطقه آماده‌تر میگردد ' برای پیروزی‌خلقهائی که سالهاست موردتجاوز فاشیستهای اسرائیلی که از پشتیبانی همه جانبه همهٔ نیرو های سیاه جهان امپریالیستی برخوردار هستند ' قرار دارند.

با این رویدادها هم اکنون میتوان گفت که رژیم سیاه شاه ایران هر روز بیشتر همپالگی های خود را در کشور های همسایه و نزدیك از دست میدهد.

در درون کشور هم این رژیم ارتجاعی هر روز بیشتر تنها میشود. شما هم مانند ما گواه این پدیده بسیار نوید بخش هستید که اکنون در میهن ما نه‌تنها حتی آخرین فریفتگان ازمیان توده زحمتکش بفعالیت ضد ملی این رژیم پی میبرند بلکه بخشهای چشمگیری از طبقاتیکه از این رژیم بهره برده و میبرند بیشتر از ادامه این سیاست تبهکارانه شاه و دژخیمان ساواکیش بهراس‌افتاده و از عواقب دهشتناكآ ن‌برای خود بیمناك میشوند و میکوشند حساب‌خودرا ازحساب‌شاه‌جدا کنند.

این پدیده خود بهترین گواه سستی روزافزون رژیم کنونی است ' تشدید هر چه بیشتر روشهای جنایت آمیز علیه آزادیخواهان و میهن پرستان در داخل و تشدید تجاوز روشن و پوشیده نظامی علیه نیرو های آزادیبخش و ملی در منطقه یعنی تجاوز علنی در عمان علیه نیرو های انقلابیون ظفار ' ایجاد پیگیر حادثه‌های سرحدی علیه جمهوری عراق ' تقویت جناح ارتجاعی جنبش کرد در آن کشور ' تحریکات در بلوچستان پاکستان و شرکت در سرکوب جنبش رهائی بخش خلق اریتره ' همه نشانه همین است که شاه و هوا دارانش سستی پایه‌های فرمانروائی خود را در مییابند و بهر هرزگی و تبهکاری سیاسی دست میبازند تا شاید بتوانند از سرنگونی خود جاوگیری کنند و یا دست کم آنرا دیر تر و دور تر سازند.

بدیگر سخن ' ویژگی دوران کنونی کشور ما در اینست که از یکسو دشمن هر روز سست تر و بهمان اندازه درنده تر میگردد و از سوی دیگر جنبش آزادیبخش ملی ما هر روز گسترش بیشتر پیدا میکند و در گردانهای آن روشن بینی سیاسی ' گرایش به بهم پیوستگی و شناسائی‌دوستان‌راستین‌ودشمنان خوش نقش و نگاربیش‌از پیش‌گسترش مییابد و به‌پیش‌میرود.

در چنین دورانی که هر روز شرایط عینی چه در سراسر جهان و بویژه در منطقه کشور ما و چه در درون کشور برای دگرگونیهای بنیادی درکشور ' که اولین گام آن سرنگونی رژیم کنونی است آماده تر میشود یگانگی و بهم‌پیوستگی گردانهای پراکنده جنبش آزادیبخش میهن ما نقش تعیین کننده پیدا میکند. تا آنهنگام که پراکندگی کنونی درجنبش بدرازا کشد ' شاه و دژخیمانش بر اسب مراد خویش سوارند و آزاد مردان یا در شکنجه گاهها جان میسپارند ویا سینه هایشان را رگبار مسلسل های آدمکشان رژیم چاك چاك میسازد. اختناق سیاه ادامه مییابد و بازار غارت و چپاول دسترنج و دارائی خلقهای میهن ما همچنان گرم خواهد بود.

تنها بهم پیوستگی همه نیرو های مبارز راه استقلال و آزادی و پیشرفت میتواند از این شرایط که هر روز بیشتر مساعد میشود درمناسب ترین لحظه بهره گیری کند و مبارزه خلق را به پیروزی رساند. در این زمینه برای ما روشن است که برای رسیدن به یگانگی و بهم پیوستگی همگانی جنبش ' نزدیکی هرچه بیشتر دونیروی مهم‌این جنبش یعنی شما وما وپی ریزی یك برنامه یگانه و برگزینی درست ترین شیوه ها در مبارزه ضرورت نخستین دارد.

از اینروست که ما برای گفتگو با شما باهدف پی ریزی برنامه همکاری دراز مدت ارزش ویژه‌ای قائل هستیم و هرلحظه برای آغاز این گفتگو آماده میباشیم.

بنظر ما لحظه کنونی برای چنین گفتگوی بار آوری بسیار مناسب است. نا روشنائی هائی که در سالهای دراز در جنبش نجاتبخش ملی میهن ما حاکم بود زیر فرمان سرپیچی ناپذیر تاریخ جای خود را هر روز بیشتر به روشن بینی سیاسی وامیگذارد. عوامل داخلی و خارجی که میکوشیدند سیاست حزب ما را دگرگونه جلوه دهند و با تمام نیرو تخم پراکندگی و دو دستگی را در میان رزمندگان جنبش آزادی بخش می افشاندند رسوا شدند. حزب ماهم توانست بابررسی همه جانبه شرایط کنونی جامعه ایران و شرایط دگر گون شونده جهان برنامه روشن خود را در باره تحول بنیادی جامعه کنونی ایران در جهت ملی و دمکراتیك تدارك و در دسترس همگان بگذارد که بتو[...]ایه‌ای برای همکاری همهٔ گردانهای جنبش نجا[...] میهن مافراو گیرد. این برنامه در عین حال پاسخ دندان شکنی است به بهتانهای رنگارنگی که دشمنان‌آزادی و استقلال ملی علیه حزب ما منتشر کرده و میکنند.

ما در این برنامه گفته‌ایم که بنظر ما سرنگون کردن رژیم کنونی گام ضرور برای حرکت بسوی دگرگونیهای بنیادی درمیهن ماست.

ما در این برنامه با روشنی یاد آور شده ایم که برای سرنگون کردن رژیم کنونی هر شیوه ای راکه‌در لحظه معین امکان‌پیروزی‌داشته باشدیعنی بتواندشمن را ضعیف کند ' آرایش نیرو ها و تفوقش را درهم‌شکند و امکان تظاهر وسیع عدم رضایت توده های مردم را که بدون شك پشتیبان و ضامن تحول بنیادی جامعه هستند بوجود آورد' درست میدانیم.

ما در این برنامه این را هم ناگفته نگذاشته‌ایم که بنظر ما بیهوده تلف کردن نیرو ها را در شرایطی که هنوز شانس کافی برای پیروزی موجود نیست خرد مندانه نمیدانیم.

تمام هنر رهبری انقلابی در اینست که بتواند برای بکار بستن هرسلاح یعنی هرشیوه مبارزه ' مناسب ترین لحظه را برگزیند و هر شیوه مبارزه [...] لحظه ویژه بکار بندد که به دشمن بیشترین [...] را وارد سازد و برای گسترش نیروی خودی راه تازه ای را هر اندازه هم تنگ و کوتاه باشد ' بگشاید.

دوستان گرامی !

ما با خوش بینی زیاد به‌آینده جنبش‌رهائی‌بخش ملی میهن عزیزمان و به دور نمای همکاری دراز مدت بین همه نیرو های واقعاً ضد امپریالیستی و آزادیخواه نگاه میکنیم و امید واریم بتوانیم وظیفه خود را در این همکاری آزادیبخش بطور شایسته ای انجام دهیم.

دنباله از صفحه ۱

۲۱ اردیبهشت ـ روز زندانیان سیاسی

و یا فواصل دیدار را طولانی و مدت آنرا کوتاه میسازند ' از قبول غذا و لباس و هدیه برای زندانیان خود داری میکنند ' هر چند گاه به زندانها یورش میبرند و وسایل مطالعه و تحریر را از آنان میگیرند ' کتابها و لباسهای زندانیان را پاره میکنند ' رادیوشان را می شکنند و پول و اشیاء شخصی شان را میدزدند. زندانیانی که در جریان این یورشهای گاه و بیگاه مقاومت بیشتری نمایند یا به زندانهای عمومی اعزام میشوند و چاقوکشان وآدمکشان را بجای آنان‌میاندازند و یا به زندانهای انفرادی انتقال داده میشوند. شکنجه و ایذاء زندانیان سیاسی حتی پس از صدور حکم محکومیت امری متداول است. در برخی از زندانها مانند زندان قصر ' سرخه حصار' مشهد و شیراز سخت گیری نسبت به زندانیان سیاسی را بحد اعلا رسانده‌اند. در زندان شیراز زندانیان را هر چند نفر در زمینهای نمناك بی هوا و بی روشنائی زندانی کرده اند. غذای زندان کثیف و نامأکول و غیرکافی است. نگهبانان از ورود کتاب و روزنامه به زندان جلوگیری میکنند. دیدار با بستگان دیر بدیر و زیر کنترل شدیدنگهبانان انجام میشود. مأموران بدون هیچ دلیلی هرچند یکبار به سلولها یورش میبرند و وسایل شخصی زندانیان را باز رسی میکنند. بازداشت بستگان زندانی و اعمال فشار برآنها برای درهم شکستن پایداری زندانیان‌سیاسی از روشهای معمول آدمکشان ساواك است. در زندان زنان رفتار مأموران با زنان و دختران زندانی وحشیانه است. هیچ خبری از محاکمه و مدت محکومیت‌شان منتشر نمیشود و مدتی است که حتی حق ملاقات را از آنان سلب کرده اند.

عمل مشترك در برابر دشمن مشترك !

وظیفه همه نیروهای میهن پرست و آزادیخواه است که بمنظور همبستگی با مجاهدان زندانی وکمك به آنان به اقدام و عمل مشترك علیه دشمن مشترك ' دست زنند. آیا اینکه دشمن سالهاست که توده‌ای ومصدقی و روحانی وچریك شهری را در زندان کنار هم نشانده است ' کافی نیست که مبارزه این نیروها لا اقل در عرصه دفاع از زندانیان سیاسی هم آهنگ انجام گیرد ؟ این مبارزه هم آهنگ بدون شك میتواند به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان یاری مؤثر رساند. وظیفه هر فرد میهن پرست و تمام سازمانهای مترقی مخالف رژیم است که با تمام نیرودر راه وحدت عمل‌بکوشند. در روز همبستگی بامجاهدان زندانی' حزب توده‌ایران از همه مردم دعوت میکند تا بانگ خود را علیه رژیم ترور واختناق و برای رهائی زندانیان سیاسی بلند کنند و به خانواده های زندانیان باهر وسیله ای که در اختیار دارند یاری رسانند. درود به فرزندان پیکار جوی خلق که بندی رژیمند !

مینو

بمناسبت روز اول ژوئن ، روز جهانی کودك ، همه پدران و مادران را فرامیخوانیم تا برای تأمین بهروزی کودکان خود مبارزه کنند!

دورهٔ ششم | پانزدهم خرداد ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و دوازدهم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دیکتاتوری فاشیستی ۴۸ سالهٔ پرتقال به‌نیروی خلق سرنگون شد

رژیم فاشیستی خونخوار و حیله بازی که قریب نیم قرن باوحشیانه ترین اسلوبهای ترور سیاسی بکمك دستگاه پلیسی مجهزی بنام پیده (ساواك پرتقالی) و محاکم نظامی فرمایشی همه‌ی آزادیهای دموکراتیك را زیر پا گذاشته ، دسته دسته مخالفان و مجاهدان راه خلق را اعم از کمونیست ، سوسیالیست ، لیبرال یا کاتولیك به شکنجه گاهها ، زندانها و کشتارگاههای کاکسیاس و په نیش میفرستاد و بنام « عظمت واعتلاء پرتقال » دهسال تمام بیرحمانه‌ترین جنگهای مستعمراتی را علیه خلقهای افریقا دنبال مینمود ، در ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۳) بپایمردی جنبش

دنباله در صفحه ۲

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

چندی است که تصادمات جنگی در کردستان عراق از نوتجدید شده است . دستگاه تبلیغاتی دولت ایران و جارچیان تبلیغاتی امپریالیستی با ایجاد هیاهوی زهرآگینی در اطراف این تصادمات جنگی ، میکوشند اختلاف بین کرد و عرب را عمیق کنند و آنرا بوسیله ای برای ایراد ضربت بر حکومت ضد امپریالیستی عراق مبدل سازند .

تصادمات از آنجا آغاز شد که رهبری حزب دموکرات کردستان عراق پیشنهاد دولت عراق را در باره خود مختاری رد کرده و بجای در پیش گرفتن روش[illegible]یه وادامه مذاکره برای حل‌مشکلات موجود ، بسوی [illegible] برادر کشی تازه ای در شمال عراق گام برداشته است .

از مدتها پیش دیده میشد که حزب دموکرات کردستان عملا به دو جناح تقسیم شده است ، تحول دموکراتیك در عراق ، اجراء مشی ضد امپریالیستی در سیاست خارجی و اصلاحات اجتماعی بسود زحمتکشان در داخل کشور ، اصلاحات ارضی ، قانون کار ، ملی کردن‌موسسات نفتی متعلق‌به « ایراك پترولیوم کمپانی » ، بسط صنایع کشور ، نوسازی کشاورزی و غیره ، بمذاق عده‌ای از خانها وفئودالها و رؤسای عشایر که در حزب دموکرات کردستان و رهبری آن نفوذ کامل دارند ، خوشایند نبوده ونیست ، بسط وانطباق این اصلاحات در کردستان عراق که میتواند پایه فئودالیسم ونظامات پدر سالاری را بزیان سیطره سنتی این‌عناصر سست‌سازد ، آن انگیزه واقعی است که آنها را بیش از پیش بسوی راست کشانده و در مذاکره با احزاب بعث وکمونیست دمبدم نا سازگارتر و بهانه گیرتر ساخته است . اگر چنین نبود ، حل اشکالاتی که در زمینه تأمین خود مختاری میتوانست پدید آید از طریق مذاکره با قصد نیل به تفاهم ، حتماً عملی بود . درست همین انگ[illegible]های طبقاتی است که اکثریت رهبری حزب دمو[illegible] کردستان عراق را به مواضع نادرست ستیزه جوئی با احزاب مؤتلفه عراق (حزب کمونیست‌وحزب بعث) و دیگر سازمانهای ملی ومترقی وبه ردپیشنهاد ترقیخواهانه خود مختاری کشاند . این انگیزه آنها را چندان از مواضع درست دور برد که اکنون آنها را درکنارشاه‌ایران ، امپریالیسم وصهیونیسم یعنی‌دشمنان قدیمی و واقعی خلق کرد قرار داده است .

حزب توده ایران که همیشه از خواستهای بحق و مترقی جنبش‌کرد در عراق پشتیبانی کرده‌است با بیان تأسف خود از رویداد های شمال عراق ، با بیان آرزوی آتشین خود در مورد آنکه این بر خوردها هرچه زودتر خاتمه پذیرد و مذاکرات خلاق بین عربها و کردها تجدید شود ، پشتیبانی خود را از مشی مترقی و سازنده نیرو های دموکراتیك و ملی عراق در این مسئله یعنی از مشی حزب بعث عراق حزب کمونیست عراق و دیگر نیروهای کرد و عرب که خواستار حل صحیح مسئله در چارچوب حفظ یگانگی ضدامپریالیستی هستند ابراز میدارد .

پشتیبانی گرم ما نماینده احساس و قضاوت عادلانه مردم ایران است که با سیاست غدارانه و فتنه انگیزانه شاه مخالفند وتبلیغات تحریك آمیز رادیو دولتی ایران را با اشمئزاز رد میکنند . دولت ایران نقش درجه اولی ، با صوابدید امپریالیستها در تقویت عناصر محافظه کار در کردستان عراق ایفاء میکند . هدف رژیم ایران از این سیاست ایجاد تفرقه درجنبش ضد امپریالیستی در عراق ، و جلوگیری از حصول خود مختاری خلق کرد عراق است . رژیم ایران که خود حقوق حقه خلقهای ایران و از آنجمله کرد های ایران را بارها باخشونت پایمال کرده است با سیاست کنونی خود نیز همین هدف ارتجاعی را از آنجمله علیه‌خلق کرد ایران دنبال میکند .

مااطمینان داریم که راه حق نیروهای ملی ودموکراتیك در عراق در مسئله تأمین خود مختاری کردستان عراق ، در مسئله تأمین دوستی عرب و کرد و حفظ یگانگی جمهوری عراق و ادامه سیاست مترقی خارجی و داخلی کنونی دولت عراق ، علیرغم تمام دشواریهائی که‌اکنون برای آن پدید شده سرانجام پیروز خواهد شد . محبت و پشتیبانی تمام نیروهای مترقی‌جهان متوجه این مشی مترقی است . حزب توده ایران سیاست تحریك آمیز و مداخلات رژیم ایران را در مورد کردستان‌عراق بشدت محکوم میکند و همه مردم ایران و بویژه هم میهنان کرد را به مبارزه با این سیاست فرا میخواند .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳

تلگراف شاد باش

کمیته مرکزی حزب توده ایران

برفیق آلوارو کونهال دبیر کل

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال ــ رفیق آلوارو کونهال !

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پیروزی بزرگ مردم‌پرتقال برفاشیسم ، شاد باشهای پر شور خود را تقدیم میدارد .

تشکیل دولت‌موقت پرتقال باشرکت حزب کمونیست نشانه بارزیست ازخصلت‌عمیقاً دموکراتیك این حکومت و نمایانگر نقش برجسته حزب شما در پیکار خلق علیه رژیم دیکتاتوری فاشیستی .

کامیابی های هر چه بیشتر شما را در مبارزه‌ای که باشرکت سایر سازمانهای میهن پرست برای دموکراسی ، ترقی و بهروزی مردم پرتقال انجام میدهید ، آرزومندیم .

بدینوسیله مراتب پشتیبانی و همبستگی کامل خود رابا تمام اعضای حزب‌شما ، باکلیه سازمانهای میهن پرست و همه مردم پرتقال ابراز میداریم .

درودهای گرم وبرادرانه ما را بپذیرید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول ــ ایرج اسکندری

کنگرهٔ دانشجویان عراقی

سیاست تجاوزکارانهٔ ایران را در منطقه محکوم کرد !

از ۵ تا ۷ آوریل ۱۹۷۴ کنگره سالانه‌اتحادیه دانشجویان عراقی در جمهوری فدرال آلمان و برلن غربی در هامبورگ بر گزار گردید .

از جانب « جوانان توده ایران » پیام تهنیتی برای کنگره فرستاده شده بود که با استقبال گرم و پر شور نمایندگان کنگره روبرو شد .

علاوه بر این اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره تحولات اخیر در کنگره قرائت گردید . کنگره ارزیابی حزب توده ایران را از وضع عراق تأیید کرد و موضع مترقی‌حزب توده ایران را ستود .

کنگره در قطعنامه های گوناگون سیاست تحریك آمیز و خصمانه دولت ایران را بر ضد دولت عراق و سیاست تسلیحاتی و تجاوز کارانه ایران را در منطقه محکوم کرد و همبستگی خود را با مردم ایران و زندانیان سیاسی ایران اعلام نمود .

تغییرات در دولت هویدا

اخیراً تغییرات زیادی در ترکیب دولت هویدا داده شده است . سیزده وزیر یا بکلی عوض شده‌اند ویا پست آنها تغییر کرده است . بسه وزیر : آموزگار ، انصاری و مجیدی عنوان وزیر « ارشد » داده اند . یك اداره کل برای تمرکز کلیه امور کارگزینی کشور بوجود آورده و سرپرستی آن را نیز بآموزگار وزیر کشور سپرده اند . امور اداری و اقتصادی و بازرگانی یعنی دو رشته مهم کار های دولتی به این سه وزیر ارشد واگذار شده است . پس از این تغییرات چند تن از افسران ژاندارمری از جمله یك سپهبد را با تنزل درجه ، تقاعد یا اخراج بعنوان «تخلف در اموراداری» کیفر داده اند ! ظاهراً هویدا این اقدامات را بعنوان رئیس دولت انجام داده ولی همه‌کس میداند که‌هویدا چاکری بیش نیست و اینگونه تغییرات بدستور ارباب او شاه پدید آمده است . شاه قوای سه گانه‌مقننه ، قضائیه و اجرائیه را در دست خود گرفته و تا او نخواهد هیچ وزیر و وکیلی تغییرنخواهد کرد. این امر نه رازیست ونه نیازی به اثبات دارد . امریست که جملگی و در درجه اول شخص شاه بر آنند . تردیدی نیست که این تغییرات تغییر در ماهیت و یا سیاست رژیم نیست . اما این سئوال بجاست که پس برای چه شاه آنها را لازم شمرده و از چه رو حتی بر خلاف همین قانون مثله شدهٔ اساسی ، مانند ناصر الدین شاه سه‌نفر را بلقب « ارشد » سر افراز کرده است ؟

صرفنظر از هرگونه انگیزه دیگری یك دلیل آشکار و مهم برای این اقدام قابل لمس‌است : حقیقت این است که فساد و تباهی و فشار دستگاههای پر عرض و طول دولتی بحدی رسیده که مردم را بجان آورده است . زورگوئی ، اختلاس ، رشوه خواری ، قانون شکنی ، غرض ورزی ، ولنگاری ، بی اعتنائی بکار و عدم درك مسئولیت ، پارتی بازی و پرونده‌سازی وانواع زشتکاریها ناخشنودی مردم را باوج خود رسانده است . « انقلاب اداری » نتیجه معکوس داده و شاه و هیئت حاکمه بخوبی از آن آگاهند . در برابر این وضع دیکتاتور ایران برای فریب مردم ریاکارانه دست به بازی « تغییرات » زده و با تنزل درجه چند نفر از نوکران خود میخواهد چنین وانمود کند که گویا این « تحولات » برای اصلاح امورکشوری و در جهت جلب رضایت مردم انجام‌گرفته است. اما نه مردم که بارهاشاهد بی اثر بودن اینگونه بازیها بوده اند ، گول خواهند خورد ونه فساد وتباهی از دستگاه دولتی‌رخت بر خواهد بست . ماهیت‌دستگاه دولتی از ماهیت‌رژیم فاسد محمد رضا شاهی و دربارش جدا نیست . همه سر و ته یك کرباسند . مادام که این رژیم پا برجاست هر دستگاه دولتی که بدست آن بر سر کار آیدمانند خود دیکتاتور جز زور گوئی و بیداد و پایمال کردن حقوق انسانی ، کاری نخواهد کرد. وزیران و نمایندگان همه چاکران درگاه وبطرق گوناگون مانند شاه بجهان سر تا پا فساد سرمایه داری و امپریالیسم وابستگی و تعلق دارند نه به مردم . تغییر و تبدیل واقعی بسود مردم هنگامی انجام پذیر میشود که این رژیم بیداد واژگون و حکومت مردم برقرار شود .

ا . گویا

علل گرانی ونایابی مواد خوراکی در کجاست ؟

در برنامه «دهقان آزاده» که همه روزه عصرها بمنظور تحریف واقعیات و اغفال توده های دهقان از رادیوی‌تهران پخش میشود تنظیم کننده برنامه درپاسخ سئوال یکی از دهقانان که پرسیده است : «چراگوشت گران و نا یاب شده تا جائیکه دیگر دهقانان نیز به آن‌دسترسی‌ندارند» چنین‌پاسخ‌داد : « یکی از علل مهم نایابی و گرانی گوشت آنست که پس از اصلاحات ارضی دهقانان گوشت خوار شده اند و گوسفند ها را خود آنها میخورند . »

در همین مضمون منتها در مقامی بسیار بالاتر یعنی در جریان معرفی وزرای جدید کابینه در هفتم اردیبهشت ماه شاه خود مسئله گوشت را مطرح کرد و از اینکه مردم‌ایران « پرمدعا » شده‌اند ومیخواهند گوشت تازه بخورند ابراز ناخرسندی نمود ... او خطاب

دنباله در صفحه ۲

سنتو و پیمان منطقه ای دو روی یك سکه اند

اقدام کابینه منصور در بهار سال ۱۳۴۳ به شرکت در ایجاد پیمان همکاری منطقه ای برای عمران (آر ــ سی ــ دی) مرکب از سه کشور ترکیه ، ایران و پاکستان در همان آغاز از جانب حزب توده ایران عملی در جهت تقویت پیمان نظامی سنتو و ایفای برخی وظایف استراتژیك آن‌تحت عنوان‌همکاری های اقتصادی ارزیابی شد. لیکن سران رژیم ودستگاه های تبلیغاتی آنان در تمام عمر دهساله آر ــ سی ــ دی ادعا داشته اند که گویا این پیمان با سنتو ارتباطی ندارد و گویا اقدام به ایجاد آن از نیازهای مشترك ملی و منطقه ای سه کشور عضو در زمینه همکاریهای اقتصادی ، عمرانی و بازرگانی سر چشمه گرفته است.

ادعای اخیر بار دیگر در اظهارات زمامداران بمناسبت تشکیل ۱۷ ــ مین اجلاسیه شورای‌وزیران آر ــ سی ــ دی که با دهمین سال موجودیت این پیمان مقارن بوده و در روز های ۱۴ و ۱۵ فروردین ۱۳۵۳ در تخت جمشید بر گزار شد تکرار گردید. شاه درپیام خود به‌اجلاسیه آر ــ سی ــ دی موجودیت این پیمان را برای « شتاب بخشیدن به پیشرفتهای ملی واجتماعی واقتصادی » ضروری قلمداد نمود تا افکار عمومی را از توجه به پیوند سرشتی میان سنتو و آر ــ سی ــ دی باز دارد ، او همچنین ادعامیکند که « جوهر و اساس » آر ــ سی ــ دی گویا در « اشتراك مساعی در بنای آینده ای سعادت بخش برای ملت‌های . . . ایران وپاکستان وترکیه » میباشد و نه انجام وظایفی که امپریالیسم بعهده رژیم های ضد ملی و دست نشانده واگذار نموده است .

بی پایگی ادعا های شاه طی ده ساله عمر

دنباله در صفحه ۲

مبارزه در راه برچیدن بساط حکومت استبدادی شاه و سیطره دوزخی ساواك وظیفه مبرم تمام مردم‌میهن پرست ایران است !

دنباله از صفحه ۱

دیکتاتوری فاشیستی پرتقال . . .

دموکراتیك نیروهای مسلح و پشتیبانی فعال و همگانی توده‌های مردم پرتقال سرنگون شد .

بر افتادن رژیم فاشیستی کائه تانو و دارو دستهٔ وی نه تنها برای مردم پرتقال پیروزی بزرگ تاریخی‌بشمار میرود ، بلکه باید آنرا بمثابه ضربه نیرومندی تلقی‌نمود که بر بنیان فاشیسم اروپا و رژیم های اختناق و ترور پلیسی درسراسر جهان وارد شده است .

در واقع قیام تاریخی ۲۵ آوریل دارای ویژگی هائی است که بر رسی آنهابرای جنبش دموکراتیك همهٔ خلقهائی که مانند مردم کشور ما با رژیم ترور و اختناق پلیسی‌ودیکتاتوری فردی روبرو هستند آموزنده است . برویدادها مراجعه کنیم . روز ۲۵ آوریل هنگامیکه از سوئی یك بخش از نیروهای مسلح ارتش برهبری گروهی از افسران جوان بپا خاسته و سر گرم تصرف رادیو و دیگر مراکز دولتی بودند و از سوی دیگر کائه‌تانو و توماز باتکاء نیروهای تحت‌اختیار خود نقشه سرکوب قیام را میکشیدند ، دهها هزار نفر از مردم زحمتکش لیسبون بیاری سربازان و افسران شتافته مراکز عمده دولتی ، سرباز خانه‌ها و مقر گارد باصطلاح جمهوری یعنی نیروی ضربتی رژیم را محاصره نموده نقشه هجوم نیروی مسلح فاشیستی را فلج ساختند . اتحاد فعال توده‌های مردم با سربازان و افسران تحت شعار واحد « سرنگون باد فاشیسم » چنان محیط شور انگیزی بوجود آورد که نه تنها وسیعترین قشرهای مردم بلکه بخشهای دیگری از نیروهای مسلح به قیام کنندگان پیوستند. بدینسان امکان هرگونه مقاومتی از زمامداران فاشیست سلب شد و عصیان بخشی از نیروهای مسلح تحت فرماندهی افسران جوان یا « گروه سروانان » بقیام همه خلق مبدل گردید .

نمایش بی‌سابقه وتاریخی روزاول ماهمه درسراسر پرتقال بنحو بارزی‌اتحاد تمام نیروهای ملی ودموکراتیك این کشور و اراده بی‌تزلزل خلق را درحفظ دموکراسی و جلوگیری از رجعت دیکتاتوری نشان داد . شعارهای سه‌گانه « پشتیبانی از جنبش ارتش ، اتحاد توده ای و هوشیاری » که آلوارو کونهال دبیرکل حزب کمونیست پرتقال در نخستین روزهای قیام ازجانب حزب کمونیست اعلام نمود، انعکاس روشنی از این واقعیت است .

قیام ۲۵ آوریل بروشنی نشان داد که کهنه کار ترین ارتجاع نظامی و یکی از وحشیانه ترین رژیم های ترور و اختناق در برابر نیروی اتحاد و عزم انقلابی توده های مردم چنان زبون ودرمانده شد که حتی قادر به کوچکترین مقاومتی برای جلوگیری از پیروزی خلق نگردید . حوادث پرتقال یکبار دیگر اهمیت بزرگ نفوذ اندیشه‌های دموکراتیك رادر درون نیروهای مسلح بویژه درکشورهائی که درآنها رژیم ترور واختناق پلیسی و ارتجاع نظامی حاکم است روشن ساخت. بگفتار این سروان ۲۹ ساله پرتقالی گوش فرا دهیم . وی به خبر نگار روزنامه اومانیته در روز اول ماه مه چنین گفت : « ما خود از میان خلق بر خاسته ایم و لذا بآن نزدیکیم وبهمین سبب محققاً بیش ازفرماندهان عالیرتبه‌خواستها ونگرانیهای مردم را احساس میکنیم . ما اکثراً از دانشگاهها بیرون آمده ایم که در آنجا مخالفت با رژیم از ده سال پیش شدید است . هر چه علیه فاشیسم باشد خوب است شما هر طور میخواهید این فلسفه را تلقی کنید ولی همین اندیشه جایگیر شد، تکامل یافت وگاه نیزجنبه‌های جنجالی وآنارشیستی پیدا کرد . ولی سر انجام این شعار نا خرسندیها را حول یك هدف مشخص سیاسی که عبارت ازسرنگون ساختن رژیم فاشیستی است متبلور ساخت . . . »

وقایع پرتقال نشان داد در صورتیکه بخشی از نیروهای مسلح در جهت خواستهای خلق قدم بر دارد بی شك از پشتیبانی بیدریغ توده های مردم بر خوردار است . در روزگار ما که شعار دموکراسی ، ترقی و سوسیالیسم بنحو روز افزونی درمیان قشرهای وسیع‌خلق نفوذ یافته و مییابد نقش توده ها در اقدامات انقلابی بیش از پیش آگاهانه‌تر، متحدتر و فعال تر میگردد .

نمونه پرتقال یکبار دیگر اهمیت عظیم اتحاد نیروهای انقلابی را در پیراموں هدف واحد به ثبوت رساند و نشان داد که اقدامات سازمانی و تبلیغی دراین شرایط نه تنها بیهوده نیست بلکه بعکس میتواندتوده های خلق را از لحاظ آگاهی سیاسی چنان آماده کند که در لحظات حساس ناگهانی حتی خود بخود و بدون رهنمود مشخص وارد میدان انقلابی شوند و متحداً برای هدف مشترك دموکراتیك جانبازی کنند .

اینها عمده ترین نتایجی هستند که میتوان از تحلیل اجمالی قیام ۲۵ آوریل بدست آورد . نظر به شباهت بارزی که میان رژیم کنونی ایران و رژیم سرنگون شده‌ی فاشیستی پرتقال وجود دارد بی‌شك پند آموزی از چگونگی رویداد این قیام و پیروزی آن میتواند در کمك به پیشرفت جنبش رهائی بخش خلقهای کشور ما مؤثر واقع شود .

ا . کیوان

دنباله از صفحه ۱

علل گرانی و نایابی مواد خوراکی در کجاست ؟

بوزرای جدیدگفت « در جامعه‌ای که افراد سوارهواپیما میشوند و تلویزیون نگاه میکنند این جامعه چطور انتظار دارد که برودگوشت گرم بخرد . . . این‌توقعات عجیب و غریب اصلا زیبنده نیست . . . وسائل دسته جمعی و مطبوعاتی ما اصلا چطور میتوانند بخودشان اجازه بدهند که در ستونهایشان یك مطالبی را بنویسند که اصلا قبیح است . »

اگر مسئله تنها بر سر گرانی و نایابی گوشت بود جا داشت که ما با شاه ودستگاههای ارتباطجمعی او تنها در این مورد وارد مباحثه شویم وبیان داریم که علت گرانی و نایابی‌گوشت درگوشتخوار شدن‌دهقانان ایران و پر مدعا شدن جامعه شهری نیست بلکه در فلج ساختن عمدی امر دامداری در کشوری است که نه فقط میتوانست سکنه خود را با گوشت و دیگر مواد دامی تأمین کند بلکه قادر بود به صادرات‌این رقم‌ازکالاها نیز بپردازد . چنانکه ارقام گمرکی نشان میدهد تا قبل از آغاز بحران دهه اخیر در کشاورزی ایران که علت آن خود داری از اصلاحات ارضی بسود توده های دهقان و محدود ساختن آن در چهار چوب تغییر یك‌نوع استثمار بانوع دیگر آن بوده ، کالاهای کشاورزی از جمله گندم و گوسفند از اقلام صادراتی بازرگانی ایران بشمار میرفت .

اما حالا مسئله گرانی و نایابی بمراتب وسیعتر و عمیقتر از مسئله گوشت است که صحبت بر سر منجمد یا گرم آن محدود بماند . مسئله گرانی ونایابی شامل کلیه ارزاق عمومی و در درجه اول شامل موادی است که مورد احتیاج‌عمومی ، بویژه طبقات زحمتکش و کم در آمد جامعه میباشد . مسئله گرانی و نایابی تا حدی است که دیگر توصیه‌های اعلیحضرت بمنظور پنهان داشتن واقعیت نمیتواند مانع از انعکاس آن حتی در مطبوعات وابسته بخود رژیم شود . تصادفی نیست که روزنامه ای چون اطلاعات در همان شماره ای که اظهارات شاه را در توصیه بوزراء برای تحریف واقعیت در امر نایابی و گرانی گوشت درج میکند ، به اجبار مینویسد « هم اکنون مسائلی چون گوشت، لبنیات ، قند و شکر و غیره وضع جالبی ندارد . »

طنز نویس همین روزنامه بدرستی متذکر میشود که‌کار نایابی و گرانی گوشت و روغن و برنج و مرغ و تخم مرغ به آنجا رسیده که حتی اغنیا مجبورند « بر در مطبخ ها قفل بزنند و دیگ و دیگچه را به مرخصی بفرستند و شبها « تلویزیون پلو » بخورند . »

چنانکه می‌بینیم در آنجا که‌مسئله مربوط به « پر مدعا شدن مردم » در طلب گوشت تازه است حتی روزنامه ای نظیر اطلاعات نیز ، البته بر اثر وجود خشم عمومی ناگزیر شده است ادعای شاه را رد کند وتأیید نماید که مسئله بر سر گرم و یا منجمد بودن گوشت نیست بلکه موضوع بر سر نایابی و دقیقتر گفته شود قحطی موادخوراکی است. البته از روزنامه « اطلاعات » و دیگر مطبوعات وابسته رژیم انتظار اینکه از حد « انتقاد » طنز آمیز پا فراتر گذارده و به تشریح علل واقعی گرانی ونایابی خوار بار و ارزاق عمومی بپردازند انتظار عبثی است . ولی حتی « انتقاد » درهمین سطح نیز یکی ازعلائم وجود عدم رضایت شدید در توده‌های مردم ایران از رژیم موجود است که روزنامه هائی‌مانند « اطلاعات » از ابزار تسلط آن بشمار میآیند .

گرانی و نایابی خوار بار و ارزاق عمومی که توده‌های مردم ایران را در شهر و روستا به ستوه آورده علل عمده ای دارد که از ماهیت رژیم و بویژه سیاست ضد خلقی آن در کشاورزی ناشی میشود . اصلاحات ارضی نیم بند و نیمه کاره ای که به آن نام « انقلاب سفید » داده شده ، و هدف عمده آن تأمین منافع طبقات استثمارگر درکشاورزی در تطبیق با شرایط موجود بوده ، جز آنکه ایران را محتاج وارداتگندم — گوشت — روغن — پنیرو کره از خارج نماید نتیجه دیگری نمیتوانست داشته باشد .

سیاست کشاورزی دولت متوجه غصب اراضی مرغوب زراعتی‌بوسیله زمینداران بزرگ ، واگذاری اراضی زیر سدها به امتیاز سرمایه‌های امپریالیستی ، اختصاص اعتبارات دولتی به ایجاد شرکتهای کشت و صنعت و مجتمع های دامداری با شرکت وسیع سرمایه های خارجی است که‌گویا قادر خواهند بود بانادیده گرفتن ویژگی های طبیعی و جغرافیائی ایران در امور زراعی و دامداری و کنار از توده‌های وسیع دهقانان حوائج‌جامعه ایران را بر آورند . ملی‌کردن مراتع نیز که در جهت محروم داشتن توده دامداران منجمله ایلات و عشایر از استفاده از چراگاههای‌طبیعی صورت گرفته وبالاخره اعمال سیاست های خرابکارانه خرید گندم و گوشت و حتی میوه از کشور های غربی که بمنظور بازگشت دادن قسمت فزاینده ای از درآمد نفت به گاو صندوق انحصارات امپریالیستی و کسب منافع عظیم از جانب عوامل ایرانی آنها درمقامات‌حساس (مانندعلم وزیر دربار ونظایر او) بعمد اعمال میشود، علل عمده دیگر پیدایش و گسترش نایابی و کمبود بیسابقه خوار بار عمومی است و بار سهمگین آن بدوش میلیونها خانوار سکنه زحمتکش وطبقات متوسط شهری و روستائی قراردارد .

بحران خوار بار و ارزاق عمومی چنانکه مقامات دولت ادعا میکنند بحران گرانفروشی یااحتکار نیست. گناه این بحران متوجه فلان پیشه‌ور یابازرگان نیست که با راه انداختن جنگ بین خریدار وفروشنده (که دولت از دو سال قبل به اینطرف در مقیاس وسیع به آن دامن میزند تا بشیوه « نفاق بیافکن وحکومت کن » قشرهای مختلف مردم را در برابر هم قرار دهد) حل شود . بحران گوشت و نان بحران نایابی و تقلیل نسبی و حتی مطلق تولید داخلی خوار بار و ارزاق عمومی است که گناه آن مستقیماً متوجه دولت است و رفع آن بمعنای جدی و اساسی این کلمه ، در گرو طرد رژیم ضد خلقی و ضد ملی است .

م. جهان

حضور نظامی ایران در بلوچستان پاکستان

روزنامه «جبهه خلق» ارگان « حزب دموکرات بلوچستان ایران » شماره ۹ ـ ۸ سال ۱۹۷٤ در باره مداخلات نظامی ایران در بلوچستان پاکستان چنین مینویسد :

« حضور (نظامی) ایران در سرزمین‌بلوچستان (پاکستان) مطلبی است آشکارتر از آن که لازم به افشاء باشد . « سردار منگل » ، « احمد نواز بوگتی » و یکی از سخنگویان « مولانا شمس الدین » ، این مطلب را بر ملا ساخته اند و حالا هر کس که به شهر « کویته » می آید میتواند این ایرانیان را در کافه های شهر ببیند . آنها کوششی درتغییر سر ووضع خود ندارند و بهر طرف که بخواهند میروند . شما میتوانید پلاك تهران راروی اتومبیلهای « شهباز » ، آنها مشاهده کنید که با خط جلی فارسی نوشته شده است . هلیکوپتر های ایرانی « مولانا شمس الدین » را از بازداشتگاهش باز گردانده اند و اکنون صحبت این مطلب بر سر زبانهای اهالی شهر « کویته » است . دولت « اسلام آباد » به رابطه خود با نظامیان مزدور ایرانی لاف میزند و میگوید تمام سوختی که برای ارتش اعزامی به بلوچستان لازم است مجاناً از طرف دولت ایران تأمین میگردد . »

درآمد نفت بکجا میرود !

روزنامه « نیویورك هرالد تریبون » در شماره ۲٦ آوریل ۱۹۷٤ تحت عنوان « بخشی از عواید نفت به غرب باز میگردد » مینویسد :

« شاه ایران از طریق « بنیاد پهلوی » در خیابان پنجم‌نیویورك یك‌بنای برجی شکل ۳٤ اشکوبه که موارد استفاده گوناگون دارد ، میسازد که مرکز فرهنگ و بازرگانی ایران خواهد بود . » نیویورك هرالد تریبون ننوشت که چه مبلغی برای ساختن این بنا صرف میشود ولی میتوان حدس زد که ساختن یك آسمانخراش مدرن در خیابان پنجم نیویورك به چه مبلغ گزافی نیازمند است .

دنباله از صفحه ۱

سنتو و پیمان‌منطقه‌ای . . .

آر — سی — دی هم بر اساس تجربه و واقعیت وهم بر پایه افشاآت مکرر از جانب نیروهای مترقی و ملی ایران به‌ثبوت رسیده ومحتاج توضیح اضافی نیست. با این همه شاه میکوشد پیمان همکاری منطقه ای برای عمران را از پیمان نظامی سنتو جدا نشان‌دهد. او چنانکه در مصاحبه‌های اخیرخود متذکر شده میخواهد دام آر — سی — دی را در سر راه کشور های دیگر آسیائی بگشاید و تحت عنوان همکاریهای اقتصادی نفوذ سنتو را حتی تاکلمبو بسط دهد . بدینجهت‌بجاست به تقلب و جعل شاه در این باره از زبان مطبوعات خود رژیم و منجمله اعتراف بسیار آشکار ارگان حزب اکثریت دولتی « ایران نوین » پاسخ دادەشود.

روزنامه « ندای ایران نوین » ضمن اشاره به اجلاسیه اخیر آر — سی — دی که در آن دکتر احمد میناٸی ریاست اداره چهارم سیاسی وزارت خارجه و فارغ التحصیل از دانشگاه واشنگتن بسمت‌دبیر کل ایرانی جدید پیمان منطقه ای معرفی شد و نیز ضمن اعلام نظر تهران در باره اینکه باید « چند کشورتازه در گروه اعضاء آر — سی — دی قرار گیرند » ، مینویسد : « ازمدتی‌قبل محافل‌آگاه پیش بی[illegible]ردند که آر — سی — دی ، باتغییرهدفها درجه[illegible]زه‌ای گام بر میدارد و فعالیت خود را در سطح وسیعتری دنبال خواهد کرد . . . با توجه به تغییرجهت مشخص سنتو و تکیه بیشتر بر هدفهای دفاعی (یعنی تجاوزی م . ج) که یقیناً خطوط‌کلی آن طی اجلاس‌آینده پیمان نظامی سنتو در نیویورك عنوان خواهد شد ، این تغییر روش در آر — سی — دی قابل انتظار است».

اعتراف « ندای ایران‌نوین » به تشدید رابطه آر — سی — دی با سنتو در آینده محدود نیست ، این اعتراف هم‌چنین شامل فعالیت آر — سی — دی در دهه گذشته است که افشاکننده اظهارات شاه در مورد این پیمان میباشد .

« ندای ایران نوین » مینویسد — « با توجه به نحوه فعالیت سنتو طی چند سال گذشته ، اغلب فعالیتهای اقتصادی وعمرانی سنتو و آر — سی — دی با یکدیگر تشابه مییافت و هم چنین حرکت در دو شاخه مشابه شاید راندمان کار را نازل میساخت .

با ترتیبات تازه ، سنتو بیشتر در جهت هدف مشخص دفاعی و آر — سی — دی در خط فعالیتهای عمرانی واقتصادی فعالیت خود را ادامه میدهند و هر دو پیمان از قدرت و فعالیت بیشتری بر خوردار خواهن[illegible] . »

اعترافات « ندای ایران نوین » پیر[illegible]ن امرکه سنتو و آر — سی — دی دو روی یك سکه سیاست تجاوزی امپریالیسم در خاور میانه هستند وهیچ یك از این پیمانها بامنافع ملی ، دفاعی واقتصادی کشور های منطقه کوچکترین رابطه ای ندارند کاملا آشکار است وما را از توضیح بیشتر بی‌نیاز میسازد . تنها باید اضافه کرد که در حال حاضر دبیران هر دو پیمان‌سنتو و آر — سی — دی ، هم نصیر عصار هم‌احمد میناٸی هر دو ایرانی هستند که خود از علاقه مفرط شاه به ابقاء سنتو و حفظ تسلط آن برکشور ما خبر میدهند .

م . ج

با این آدرس با رادیو پیك ایران ، با روزنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید !

P. B. 49034

10028 Stockholm 49 Sweden

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

اطلاعیه مشترك حزب توده ایران و حزب کمونیست ایتالیا

میان هیئتهای نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا و حزب توده ایران در جریان ماه مه ۱۹۷٤ ملاقاتی صورت گرفت. هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا مرکب بود از رفقا داریو والری عضو دفتر سیاسی ، اومبرتو کاردیا عضو کمیته مرکزی ، رمو سالاتی ونادیا اسپانو اعضاء دائره خارجی دبیر خانه حزب . ریاست هیئت نمایندگی حزب تودهایران رارفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی بعهده داشت .

ملاقات ومذاکرات در محیطی صمیمانهوبرادرانه انجام یافت و طی آن هر دو هیئت نمایندگی بهتبادل نظر وسیعی پیرامون مسائل اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی در کشورهای خود پرداختند .

بدواً هر دو هیئت نمایندگی با مسرت این موضوع را خاطر نشان ساختند که وضع بین المللی ، علیرغم دشواریها وموانعی که از جانب نیروهای ارتجاعی وامپریالیستی ایجاد میشود ، نمایشگر پیشرفت سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که اجرای آن از طرف اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی با پیگیری تعقیب میشود ومورد پشتیبانی نیروهای کارگری ، ترقیخواه و صلح طلب است . اجرای این سیاست موجب شده است که جنگ سرد پایان پذیرد و کاهش وخامت در صحنه بین المللی گسترش یابد .

هر دو هیئت نمایندگی تأثیر مثبتی را که این وضع از هم اکنون برای پیشرفت مبارزه ملل بخاطر استقلال ملی ، دموکراسی ، صلح و سوسیالیزم درسراسر جهان ببار آورده خاطر نشان میسازند و از آن ابراز خرسندی مینمایند .

هردوهیئت نمایندگی سرنگونی رژیم فاشیستی پرتقال را حادثه ای دارای اهمیت مهم تاریخی تلقی میکنند و برآنند که این حادثه نه تنها پیروزی درخشان خلق پرتقال است بلکه هم چنین به پیشرفت امر دمکراسی و صلح در افریقا و اروپا کمك میکند .

هر دو هیئت نمایندگی برآنند که با وجود پیشرفتهائی که بنفع استقرار صلح در خاور میانه حاصل شده وضع در این منطقه نگرانی آور است . هر دو هیئت نمایندگی ضمن اعلام پشتیبانی کامل احزاب خود از خواستهای عادلانه خلقهای عرب که قربانی تجاوز اسرائیل هستند خاطر نشان میسازند که نیل به استقرار یك صلح عادلانه و پایدار ، مشروط به خروج کلیه نیروهای اسرائیلی از تمام سر زمینهای اشغالی در جنگ ۱۹٦۷ و شناسائی حقوق مشروع ملی خلق عرب فلسطین ، بر پایه قطعنامه های ۲٤۲ و ۳۳۸ مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متفق است .

هر دو هیئت نمایندگی متفقاً اجرای وظایفی را خاطر نشان ساختند که در قبال تشدید مبارزه به منظور پایان دادن به فشار های وحشیانه وغیر انسانی درشیلی ، آزادی لوئیس کوروالان ، رهائی کلیه زندانیان سیاسی ، و استقرار مجدد آزادیهای دموکراتیك بعهده آنهاست .

مطالعه در وضع ایران که مهمترین موضوع مذاکرات بود نشان داد ، که بموازات تشدید بیسابقه ترور سیاسی در ایران ، گرایشهای تجاوز کارانه وتوسعه طلبانه حکومت شاه بویژه در جریان سه ساله اخیر فزونی یافته است .

در حالیکه هزاران نفر زندانی سیاسی دارای عقاید متفاوت درشکنجه گاههای پلیس مخفی (ساواك) مورد شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی هستند ، در حالیکه اعدامهای دسته جمعی میهن پرستان با آهنگ تقریباً صد نفر در سال ادامه دارد ، شاه به ایفای نقش ژاندارم علیه کلیه جنبشهای آزادیملی در منطقهپرداخته است ، که از سرحدات عراق شروع شده و ضمن در بر گرفتن خلیج فارس ، عمان و یمن تا اریتره ادامه می یابد .

دنباله در صفحه ۲

بیست میلیارد دلار درآمد نفت یعنی چه؟

با این درآمد چه میتوان کرد ؟ شاه درآمد نفت را بباد میدهد !

« جمع کل در آمد نفت ایران در سال جاری به بیست میلیارد دلار میرسد » . (روزنامه اطلاعات ـ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۳)

در آمد نفت ایران چه بر اثر افزایش قیمت وچه ازدیاد صدور نفت به خارج ، طی یکسال ازچهار میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است . در توضیح اهمیت این تغییر عظیم ونتایجی که بر آن مترتب است ، هیچ مطلب قابل ملاحظه ای در صفحات روزنامه های زیر سانسور و وابسته به رژیم دیده نمیشود . یك سیاست دیکته شده نامرئی ، سعی دارد اهمیت تغییر در درآمد نفت را از مردم ایران پوشیده نگاه دارد . هدف اینست که اولا هر چه سریعتر مخازن زیر زمینی ایران از نفت تهی شود و ثانیاً هر چه سهلتر آنچه بنام در آمد نفت به ایران میرسد ، دوباره به غارتگران امپریالیستی باز گردد . این سیاست نامرئی از جانب دول امپریالیستی امریکا و انگلیس و مظهر تسلط مشترك آنان کنسرسیوم بین المللی نفت به کشور ما دیکته میشود و مجری آن در بار پهلوی و شخص شاه است .

* * *

۲۰ میلیارد دلار درآمد نفت طی یکسال یعنی چه ؟ اهمیت این رقم نجومی چیست ؟ باآن چه میتوان کرد ؟ برای پی بردن به خیانتی که در زمینه بهدر دادن در آمد نفت از جانب شاه صورت میگیرد ابتدا باید پاسخ این سئوالات را برای خود روشن سازیم .

برآوردی که از مجموع تولید نا خالص داخلی در کشور ما بعمل آمده نشان میدهد که رقم این تولید در سال ۱۳۵۰ ، منهای بخش نفت ، ۹ر۷۵۷ میلیارد ریال بوده است . بیست میلیارد دلار در آمد نفت که هم ارز ریالی آن ۱۳۵۰ میلیارد ریال میشود ، معنیاش این است که از محل در آمد نفت نزدیك به دو برابر مجموع تولید نا خالص داخلی عایدی نصیب کشور ما میشود .

توضیح دیگر : میدانیم که در حال حاضر ۱۸میلیون نفر ازسکنه کشور ما بهکار زراعت ودامداری اشتغال دارد . مجموعتولید ناخالص داخلی درکشاورزی در سال ۱۳۵۰ مبلغ ۸ ر ۱۷۷ میلیارد ریال بودهاست . ۱۳۵۰ میلیارد ریال در آمد نفت طی یکسال ، یعنی اینکه هفت بار بیشتراز بهای آنچه ۱۸ میلیون نفر سکنه روستائی در یکسال تولید میکنند ، از نفتدر آمد بکشور ما میرسد .

توضیحی ساده تر : جمعیت ایران هم اکنون بیش از سیمیلیون نفر است . تحصیل بیستمیلیارد دلار درآمد سالیانه ازنفت یعنی تحصیل ٦٦٦ دلاردرآمد بحساب هر فرد ازسکنه ایران . تعداد افراد هر خانوار ایرانی بطور متوسطپنج نفرمحاسبه شده است . دریافت ۲۰ میلیارد دلار درآمد سالیانه از نفت ، یعنی دریافت سالیانه ۳۳۳۰ دلار درآمد بحساب هر خانوار .

باز همتوضیحی روشنتر : ۲۰ میلیارد دلاردرآمد سالیانه از نفت یعنی اینکه هرفرد ایرانی اعم ازکوچك و بزرگ صرفنظر از درآمدی که از اقتصاد ملی نصیب او و خانواده اش میشود ، روزانه از محل در آمد نفت نیز دو دلار درآمد دارد . بیست میلیارد دلار درآمدنفت یعنی اینکه کارگر ساده ای که طبق قانون کار نانآور چهار نفر شناخته شده و دستمزد روزانهاش شصت تا هفتاد ریال معین گردیده (حد متوسط دستمزدهائی که وزارت کار در اسفند ۱۳۵۱ تعیین نموده است) در کنار این دستمزدباید روزانه در آمدی معادل هشتدلار یا ۵۳۸ ریال از محل درآمد نفت که یك درآمدعمومی است دریافت نماید .

درآمد روزانه دهقانان بهبیست ریال همنمیرسد . بیست میلیارد دلار در آمد سالیانه از نفت یعنی اینکه هر فرد دهقان حق دارد ، چندین برابر در آمد روزانه خود از محل درآمد نفت انتظار دریافت کمك داشته باشد . مگر نه اینست که نفت ثروتی است ملی و درآمد آن متعلق بهمه افراد و ساکنان کشور ؟ براستی یك خانوار دهقان که مجموع درآمد سالیانهاش بزحمت به ۱۵۰ دلار بالغ میشود اگر سهم متعلق بخود را از درآمد نفت که ۲۲ برابر بیش از در آمد سالیانه آن است دریافت دارد چه نمیتواند بکند ؟ ۳۳۳۰ دلار درآمد سالیانه ای که از درآمد نفت سهم این خانوار میشود ، در صورتیکه برای بهبود واقعی زندگی آن بکار رود ، تنها طی یکسال ۲۲ بار زندگی دهقان وعائله او را بهبود می بخشد . این استمعنی ۲۰ میلیارد دلار در آمد نفت در یکسال .

البته مردم ایران میدانند که درآمد نفت درآمد عمومی است که باید صرفاً در کارهای تولیدی بکاربرده شود ، تابهترین نتیجه از آن بدست آید . بهمینجهت کسی درانتظار تقسیم سرانه درآمد نفت نیست . هدف آنچه دراین باره بآنها اشاره میشودتشریح اهمیتدرآمد نفت ازنظر منافع فرد فرد مردم و تأثیری است کهخرج صحیحاین درآمدمیتواندربهبود زندگیعمومیداشتهباشد.

درآمد نفت را از دید دیگری مورد توجه قرار دهیم : کارخانه عظیم ذوب آهن اصفهان که مظهر همکاریهای ثمر بخش اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی است ، بادریافت اعتباری کمتر از سیصد میلیون دلار ساخته شده است . ببرکت ساختمان این کارخانه هم اکنون در کشور ما سالیانه ششصد هزار تنآهن و فولاد مرغوب تولید میشود. چنانکه مسئولین مربوطه میگویند در مجتمع ذوب آهن ۸۲ هزار کارگر و کارمند بکار گرفته شده است .

۲۰ میلیارد دلار درآمد سالیانه از نفت ، یعنی اینکه ایران اعتبار ایجاد ٦٦ مجتمع عظیم صنعتی نظیر کارخانه ذوب آهن اصفهان و بکار گرفتن ۵٤۱۲ هزار نفر کارگر و کارمند را در اختیار دارد . این رقم درآمد نفت یعنی اینکه تنها با در آمد فعلی یك سال نفت ، میتوان برای اشتغالبیش از پنجمیلیون نفر کارگرو کارمند آنهم در رشته صنایعسنگین مادر ، که پرخرج ترین رشتهها برای اشتغال هرفرد است کار فراهمنمود.

اکثریت عظیم کودکان روستائی از آموزش ابتدائی محرومند . تنها اختصاص ۱۰۰ میلیون دلار از این ۲۰ میلیارد دلار ، یعنی یك دویستم در آمد نفت کافی است تا کودکان بی گناه روستائی راپشت نیمکت دبستانها بنشانیم. بااختصاص یك میلیارد دلار به آموزش و پرورش میتوانیم حوائج آموزشی کشور رادر تمام سطوح آن برآوریم و مشکل محرومیت دهها هزار داوطلبان تحصیلات عالی راکه همه ساله ازدر دانشگاهها ناامید بر میگردند وقربانی سیاست ضد فرهنگی رژیم هستند ، بسهولت حل نمائیم .

۲۰ میلیارد دلار درآمد کشور ما از نفت بیش ازمجموعدرآمدیك کشورپیشرفته اروپایغربی نظیر باژیك است.با این درآمدعظیم چه نمیتوان کرد ، چه تغییر و تحول اساسی در وضع آموزشی ، بهداشتی ورفاه جامعه که نمیتوان داد ؟ !

« تمدن بزرگ » ادعائی شاه وعده ای دروغ و سراب است . مردم ایران اگر در آمد نفت خود را به معنی واقعی کلمه تصاحب کنند و از حیف و میل این درآمد که خود به بهای سنگین از دست رفتن ذخیره گرانبهای نفت بدست میآید ، جلوگیری کنند قادرند در زمان کوتاه تمدن واقعی و اصیلی را که شایسته آنند بوجود آورند. اینست معنی ومفهوم بیست میلیارددلاردرآمدسالیانه نفت که لاشخوارانامپریالیستیو کرکسایرانی آنها شاه بر سرآن افتاده وبتاراجمیبرند.

دنباله در صفحه ۲

دربارهٔ ششمین کنفرانس کار

از ۲۳ تا ۲٦ اردیبهشت سال جاری « کنفرانس ملی کار » در تهران تشکیل بود . این ششمین کنفرانس کار است که از سال ۱۳٤۸ تاکنون تشکیل شده است . کنفرانس طبق روال همیشگی با پیام شاه ، سخنرانی نخست وزیر و وزیر کار آغاز شد و پس از ایراد نطقهائی از جانب نمایندگان کارفرمایان و کار گران قطعنامه کنفرانس بتصویب رسید . جریان کنفرانس و قطعنامه مصوبه چند نکته را بروشنینشان میدهد :

۱) درکنفرانس از طرح ، بحث و تصمیم درباره حادترین مسائل مربوط به کار و زندگی طبقه کارگر بعمد احتراز شده است ؛

۲) مسائل بطور عمده در چارچوب نیازمندیهای سرمایه داری در حال رشد مطرحاست و نه درچارچوب خواستها و مطالبات طبقه کارگر ؛

۳) حتی در این چارچوب هم توصیه ها و تصمیمات کنفرانسهای پیشین اجرا نشده و بهمین دلیل همان مسائل از نو در این کنفرانس طرح شده است . به توضیح بیشتری میپردازیم : هم اکنون مسائل عدیده ای وجود دارد که حل آنها نیاز مبرم طبقه کارگرایران است . مسائلی نظیر تجدید نظر در قانون کار ، کمی دستمزد ، گرانی و کمیابی خواربار ، گرانی مسکن ، بیکاری ، بیمه بیکاری ، اشتغال کودکان خردسال ، عدم برابری دستمزد کارگران زن و مرد ، عدم اجرای قانون هشت ساعت کار روزانه ، ضرورت کاهش سن بازنشستگی ، تعمیم و اجراء بیمه های اجتماعی و غیره و غیره . اما در کنفرانسی که با شرکت باصطلاح نمایندگان کارگران تشکیل شده از این مسائل که مستقیماً با زندگی کارگران ارتباط دارد سخنی نیست . بی توجهی کنفرانس به خواستها و نیازمندیهای فوری کارگران بحدیاست که درخاتمه جلسه و پس از تصویب قطعنامه مربوطه نائب رئیس کارگری جلسه ناگزیر پیشنهاداتی در باره ضرورت اعلام حد اقل دستمزد ها ، تقلیل سنوات خدمت باز نشستگی ، افزایش درصد سود سهام و غیره بهجلسه میدهد تا لااقل در کنفرانس کار سخنی هم ازمطالبات کارگران بمیان آمده باشد . ولی البته این پیشنهاد ها بصورت پیشنهاد باقی ماند و انعکاسی در تصمیمات کنفرانس نیافت .

شاه ضمن پیام خود مسئله اشتغال با تکیه بر کارگران ساختمانی ، آموزش حرفه ای و سیاست درمانی بیمه های اجتماعی را دستور کار کنفرانس قرار داد . وزیر کار نیز در باره همین مسائل صحبت نمود . او در باره فرصتهای اشتغال گفت که در سال گذشته ٦۵ هزار فرصت اشتغال وجود داشته است . روشناست که این رقم با توجه به رقم صد ها هزار بیکار کنونی بسیار ناچیز است ، و اما همین ٦۵ هزار محل را نیز بیکاران نتوانستند اشغال کنند و ۲۱ هزار محل آن بلا استفاده ماند ، زیرا بقول وزیر کار « متقاضیان » دارای تخصص و مهارت نبودند . بدینسان هزار ها روستائی مهاجر و هزارها کارگر شهری که فاقدمهارت و تخصص بوده اند ، بیکار و گرسنه ، جمع گدایان و ولگردان را افزوده اند . خیل عظیم « متقاضیان » بی تخصص که جز دو بازوی کار سرمایه ای ندارند ، نشان میدهد که چه نیاز مبرمی به سرمایه گذاری برای سواد آموزی ، بسط آموزش حرفه ای و توسعه صنایع روستائی وجود دارد که دولت فقط به حرف در باره آنها دل خوش داشته است و بجای سرمایهگذاری مؤثر در این عرصه ها که با زندگی میلیونها زحمتکش این مرز و بوم سر و کار دارد ، بخرید اسلحه ، تدارك بمب اتمی و انتقال ثروت مردم به بانکهای امپریالیستی مشغول است .

کنفرانس پنجم کار در زمینه های بیمه بیکاری ، مسائل اجتماعی زنان کارگر و نیز کارگران ساختمانی توصیه هائی نموده بود ، گزارش وزیر کار نشان میدهد که در فاصله دو کنفرانس در این زمینه ها گام مؤثری بسود کارگران برداشته نشده است . در مورد بیمه بیکاری وزیر کار تازه وعده داد که تا پایان سال ۵۳ طرح مقدماتی بیمه بیکاری را تهیه کند . در مورد زنان کارگر ادعا نمود که : « پیشرفتهای محسوسی حاصل شده . . . » و در توضیح این « پیشرفتهای محسوس » گفت : « در سال گذشته زنان کارگر در سازمانهای کارگری توفیق این را داشته اند که بعضویت هیئت های مدیره سندیکاها در آیند وتعدادی ازاین کارگران افتخار داشتند که روز اول ماه مه با سایر برادران

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

بیست میلیارد دلار در آمد نفت یعنی چه؟

☆ ☆ ☆

اینکه شاه از همین آغاز کار میخواهد همه ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفت ایران را مانند درآمد نفت در گذشته بباد و بتاراج بدهد در نظر اول ممکن است اغراق و مبالغه تلقی شود . اما این عین حقیقت است . به واقعیت ها مراجعه کنیم و از نیروی استدلالی تصمیماتی که در همین چند ماهه اخیر بنا به دستور مستقیم شاه گرفته شده مدد بگیریم .

طی سال جاری ۱۳۵۳ مبلغ ۷ تا ۸ میلیارد دلار از درآمد نفت ایران به چاه ویل هزینه های سنگین نظامی ریخته میشود . این واقعیتی است که خودسران رژیم علناً به آن اعتراف میکنند . به سئوال وجواب کارانجیه سر دبیر مجله بلیتس چاپ دهلی و شاه در فروردین امسال توجه کنیم .

سئوال کارانجیه - «در ضمن بودجه دفاعی شما بیش از ۲ میلیارد دلار از بودجه کل کشور را تشکیل میدهد».

جواب شاه - «بودجه دفاعی ما بسیار بیشتر از این رقم است . بهای سلاحهائی که میخریم بیش ازاین رقم است و بودجه نیروهای مسلح ما هم بمراتب بیشتر از آنست ». (خواندنیها-شماره ۵۸ فروردین ۱۳۵۳)

ملاحظه میکنید ! بتاراج دادن هفت تا هشت میلیارد دلار برای هزینه های تسلیحاتی و نظامی درطی یك سال ادعای ما نیست. این اعتراف آشکار و بی‌پرده خود شاه است . فقط باید اضافه کنیم که پرداخت یکزمان قروض تسلیحاتی درسال جاری که درآخرین فرصت بصورت تبصره ای به قانون بودجه سال ۱۳۵۳ اضافه شد در سئوال و جواب کارانجیه و شاه مورد توجه قرار داده نشده است .

در نظر گرفته شده است که در همین سال جاری پنج تا شش میلیارد دلار درآمد نفت ایران در ازاء واردات کالا از دول امپریالیستی بتاراج داده شود. این یکی از طرقی است که شاه میخواهد بدان‌وسیله زیان دول امپریالیستی را از قبل بحران ارزی و انرژی که بصورت تورم و اختلال در موازنه پرداختها متجلی است جبران نماید . دولت با ایجاد قحطی مصنوعی ، آزاد ساختن واردات کالا های مونتاژ و لوکس ، رفع هر نوع محدودیت ارزی ، الحاق ایران به بازار آزاد مبادله ارز و نظایر این اقدامات خود برای اجبار ایران به واردات هرچه بیشتر کالا از کشور های غربی زمینه سازی میکند . تعیین انصاری در کابینه جدید هویدا به سمت وزیر ارشد ، وزیر دارائی و اقتصاد و سرپرست وزارتخانه های صنایع و بازرگانی بدان منظور است که او تصمیماتی را که در زمان تصدی وزارت اقتصاد در جهت افزایش بیسابقه واردات کالاهای غیر ضروری و سرمایه های امپریالیستی به ایران وخروج آزاد ارز نفت بخارج گرفته درآینده درمقیاس وسیع تری تکمیل نماید .

این فقط ما نیستیم که بحق میگوئیم دولت ایران درآمد نفت کشور ما را وثیقه نجات دول امپریالیستی از بحران مالی و ارزی قرار داده است . این خود شاه است که در مصاحبه های پی در پی در ماههای اخیر منجمله در مصاحبه با پیتر اسنو خبرگزار تلویزیون تجارتی انگلستان رسماً وعلناً این مطلب را اعلام میدارد. به سئوال و جواب پیتر اسنو و شاه به نقل از روزنامه «ندای ایران نوین» ارگان حزب اکثریت دولتی ایران نوین توجه کنیم :

«پیتر اسنو ـ سئوال . آیا ایران معادل پولی که بابت نفت از انگلستان دریافت میکند از این کشور کالا خواهد خرید یا نه ؟

شاه ـ جواب . شاید بیشتر از این مبلغ ، زیرا ما قصد داریم در انگلستان سرمایه گزاری کنیم .

پیتر اسنو ـ سئوال . آیا ایران توانسته است به دولت انگلستان اطمینان بدهد که قسمت اعظم پولی را که بابت نفت به ایران میپردازیم در صنایع انگلستان سرمایه گذاری خواهد کرد ؟

شاه ـ جواب . حتماً . . . تصمیمات ما و اقداماتی که بدنبال این تصمیمات بعمل میاید به میزان قابل ملاحظه ای وضع موازنه پرداختهای شما را بهبود خواهد بخشید». (روزنامه «ندای ایران نوین» ـ ۱۰ بهمن ۱۳۵۲)

بحرانهای پی در پی و گوناگون مانند بحران انرژی ، مالی و ارزی در کشورهای غربی زائیده تناقضات درونی امپریالیسم است و با تعمیق بحران عمومی سرمایه داری رفته رفته شدیدتر میشود . مردم ایران درپیدایش این بحرانها مسئولیتی ندارند که امروز مجبور باشند برای رفع آنها به حساب درآمد نفت خود متحمل زیان و ضرر شوند . اگر شاه چنین مأموریتی برای خود قائل است ، این مأموریت قطعاً ناشی از حساب و کتاب های خصوصی است که او با مرتجع‌ترین محافل امپریالیستی دارد . مردم ایران بحق نام این حساب و کتاب را خیانت گذاشته اند .

بازار کشور های غربی گرفتار تورم بیسابقه و افزایش سرسام آور قیمتهاست . در این شرایط خرید بیش از پیش کالا در این بازار از جانب دولت ایران اقدامی است که بمنظور استرداد درآمد نفت صورت میگیرد . چنین اقدامی اجرای یك سیاست دیکته شده امپریالیستی بازرگانی است و نه ناشی از ضرورت های رشد اقتصاد ایران . تشدید بحران در کشورهای غربی بویژه ایجاب میکند که واردات ایران از آن کشور ها هر چه بیشتر کاهش یابد و در عوض مانند سال های ۱۹۳۲ — ۱۹۲۹ به رونق بیش از پیش بازرگانی ایران با اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی پرداخته شود .

یك میلیارد دلار از درآمد نفت ایران در سال جاری تحت عنوان «طرح پهلوی» بمنظور حفظ موقعیت کارتل بین المللی نفت در صنایع و بازرگانی جهانی اختصاص داده شده است . برای اطلاع بیشتر رجوع شود بمقاله (ابتکار «طرح پهلوی» با کیست و هدف آن چیست ؟) مردم ـ شماره ۱۱۱ .

از طرحهای خلق الساعه دیگری که بمنظور تاراج درآمد بیست میلیارد دلاری نفت ایران" اختراع شده طرح تکیه به تولید انرژی هسته ای در کشوری است که یکی از بزرگترین منابع نفتی و ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد . در زمانیکه کشور های محتاج انرژی با وجود دارا بودن وسائل و امکانات علمی و فنی بعلت گرانی انرژی هسته ای از سرمایه گذاری های بزرگ در این کار اجتناب دارند ، شاه یکباره طرح تأمین ۵۰ در صد احتیاجات ایران به انرژی از راه ایجاد رآکتور های اتمی را عنوان میکند . بدنبال همین دستور است که تنها طی یك هفته طرحهای ساختمانی پنج رآکتور اتمی با ظرفیت پنج هزار مگاوات اختراع میشود و قریب نیم میلیارد دلار از درآمد نفت درسال جاری به اجرای این برنامه مشکوك اختصاص می یابد .

نقشه دیگری که برای تاراج بیست میلیارد دلار درآمد نفت ایران در همین یکی دو ماهه اخیر طرح شده و اکنون تمام فعالیت دیپلماتیك دولت ایران متوجه اجرای آنست ، بذل و بخشش درآمد نفت ایران در میان آن کشور های در حال رشد است ، که امپریالیسم امریکا به حفظ موقعیت خود درآنها ذیعلاقه است .

در تمام دوره زمامداری فقید جمال عبدالناصر ، شاه در مورد جمهوری عربی مصر جز حملات ناجوانمردانه و تحریك وظیفه دیگری برای خود نمی شناخت . اما اکنون که پای کیسینجر به خاور میانه باز شده به امید اینکه امپریالیسم امریکا بتواند دست آورد های انقلابی اعراب را پایمال سازد ، شاه یك قلم یك میلیارد دلار از درآمد نفت را باجرای برنامه های باصطلاح نو سازی در مصر اختصاص میدهد . این اقدام در حالی صورت میگیرد که هیچیك از دول عربی به چنین بذل و بخششی اقدام نکرده اند و سران دول انقلابی و مترقی عربی نسبت به توطئه های امپریالیسم امریکا در این منطقه بحق نگرانند .

سودان جعفر نمیری و چند کشور افریقائی نظیر ، تا وقتی در آنها کودتا های خونین ارتجاعی صورت نگرفته بود مغضوب شاه بودند . اما حالا شاه سنگ حمایت آنها را به سینه میزند و بحساب بذل و بخشش در آمد نفت ایران به توسعه تسلط انحصارات امپریالیستی بر بازار کشور های در حال رشد کمك میکند ، برای امریکا دوست میخرد وبرای خود متحدین مرتجع و وابسته به امپریالیسم دست و پا میکند .

ریخت و پاش دستگاه متورم دولتی با بیش از هفتصد هزار کارمند ، ولخرجیهای دربار در ساختن بنا های سی طبقه در نیویورك و مراکز توریستی نظیر مرکز توریستی صد میلیون دلاری در جزیره کیش ، هزینه های سری سازمان امنیت در داخل و تأمین اعتبار جنگ و خرابکاری در کشور های مجاور که شامل لشکر کشی به عمان ، سرکوب مردم بلوچ پاکستان ، تهدید و تحریك در مرز های جمهوری عراق ، تسلیح مرتجعین کرد و حتی شرکت در اقدامات نظامی علیه میهن پرستان اریتره میشود ، محلهای دیگری هستند که میلیاردها دلار درآمدنفت ایران‌را خواهند بلعیدواز مجموع بیست‌میلیارد دلار‌چیزی باقی‌نخواهند‌گذاشت .

نقشه هائی که برای بباد دادن و تاراج درآمد بیست میلیارد دلاری ایران از نفت در همین چندماهه اخیر طرح شده به اجمال چنین اند . باش تا صبح دولتش بدمد . . .

* * *

در این نوشته ما از ورود در این بحث که آیا اقتصاد ایران در مرحله کنونی قدرت هضم مثمر ثمر بیست میلیارد دلار درآمد نفت را دارد یا نه ؟ و اگر ندارد چرا نباید از وضع موجود بسود ذخیره بیشتر ثروت نفت که رفته رفته ارزش زیادتری پیدا میکند استفاده کنیم اجتناب کردیم . این مطلب خود موضوع بسیار مهمی است که باید مردم از آن آگاهی یابند .

در این نوشته توجه اساسی معطوف به نمایاندن خطری است که درآمد بیست میلیارد دلاری نفت ایران را که یك ثروت عمومی و متعلق به همه مردم ایران است تهدید میکند . حزب توده ایران — پاسدار منافع ملت ایران ـ وظیفه خود میداند در مورد خیانت شاه اعلام خطر کند و ضرورت مبارزه برای حفظ درآمد نفت را با همه مردم ایران ، صرفنظر از تعلق آنان به طبقه و قشر معین در میان بگذارد .

افزایش درآمد نفت که ببرکت پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی همه ملل ، منجمله مردم ایران بدست آمده یك وضع استثنائی برای کشور ما ایجاد کرده است . ما میتوانیم با استقرار یك دولت ملی و مترقی درآمد نفت را وثیقه ایجاد ایرانی آزاد ، آباد و پیشرفته قرار دهیم و نیاز های مادی و معنوی همه افراد جامعه را بطور کامل تأمین کنیم . در صورتیکه رژیم ضد خلقی و ضد ملی موجود به عمر ننگین خود ادامه‌دهد ، درآمد نفت نیز بهمراه ذخیره آن در مدت کوتاه‌بغارت خواهد رفت و جز فقر و عقب ماندگی برای جامعه و کشور ما چیزی باقی نخواهد ماند .

وقتی چاههای نفت لالی در خوزستان از نفت تهی شد در آنجا جز گورستانی خاموش چیزی باقی نماند . بیمناك باشیم از اینکه ادامه سلطنت مطلقه شاه و تسلط کنسرسیوم بین المللی نفت چنین سرنوشت شومی برای همه کشور ما بجا بگذارد .

م . جهان

دنباله از صفحه ۱

در باره ششمین کنفرانس کار

کارگرشان در کاخ سعدآباد افتخار شرفیابی . . . بدست آورند. چه‌مسخره ومضحك است ! گویامشکل کار صدها هزار زن کارگری که پای کارگاههای قالی ، در کارخانه های نخریسی ، پارچه بافی و پنبه پاك کنی نیروی کارشان را اجباراً به ثمن بخس میفروشند تا کنون این بوده که « افتخار شرفیابی » نداشته‌اند واکنون با تحصیل این « افتخار » مطالبات اقتصادی و اجتماعی آنان برآورده شده است ! در فاصله دو کنفرانس صدها هزار کارگر زن دستمزدی معادل نصف و ثلث مردان دریافت کرده اند ، چه بسا از آنان که نخستین آماج اخراج از کارخانه و کارگاه بوده‌اند ، چه تعداد ازآنان که بعلت فقدان شیر خوارگاه و کودکستان در جوار کارخانه‌ها و مؤسسات داغ کودك از دست رفتهٔ خودرا بر دل دارند ، اما وزیر کار چشم بر روی همهٔ خواست های فوری وجدی زنان کارگر بسته و « افتخار شرفیابی» را حل معضل اجتماعی آنان وانمود کرد و قطعنامه کنفرانس در این باره ساکت ماند ، زیرا مسئله را حل شده تلقی نمود ! در مورد کارگران ساختمانی این انبوه ترین و محرومترین قشر کارگران ، وزیر کار باز هم وعده « مطالعه » داد . کارگران ساختمانی سالهاست خواستار تجدید نظر جدی در قانون کارند وضمانت اجرای قوانین کارگری را طلب میکنند . کارگران ساختمانی نه تنها از مزایای اندك سایر اقشار کارگری بی‌بهره‌اند ؛ بلکه بویژه در سالهای اخیر بعلت ندادن جواز ورکود کارهای ساختمانی بیش از سایر اقشار در معرض بیکاری بوده‌اند ، اما وزیر کار اشاره‌ای هم باین مسائل نکردو با این جمله مبهم « . . نظر این است که یك ارتباط بسیارنزدیکی از ابتدا تا انتهای کار های ساختمانی بوجود آید تا از بیکاری غیر معقول و غیر منطقی این گروه از اجتماع جلوگیری شده باشد. » ازروی مهمترین معضل کارگران ساختمانی یعنی مسئله بیکاری وسایر خواستها ومطالبات آنان گذشت .

کنفرانس کار که مجمعی از نمایندگان دولت ، کارفرمایان و مأموران اتحادیه های کارگری دولتی بنام نمایندگان کارگران است ، هدفی جز تأمین نیازمندی های سرمایه‌داری درحال رشد ایران ندارد و به‌مطالبات کارگران بی‌اعتناست . طبقه کارگر ایران ضمن استفاده از هر تریبونی برای اعلام خواستهای اقتصادی وسیاسی خود ، برای ایجاد آن مجامع واقعی کارگری مبارزه میکنند که هدفشان تأمین نیازمندیهای طبقه کارگر و تکامل سالم اقتصاد کشور باشد و این امر با تغییر رژیم استثمارگر شاه و تشکیل یك دولت ملی و مترقی پیوند دارد . کارگران ایران پیشاپیش سایر طبقات وقشرهای زحمتکش تا حصول پیروزی پیکار خواهند کرد .

مینو

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه مشترك حزب توده ایران و حزب کمونیست ایتالیا

مداخله مستقیم ارتش ایران در عمان علیه جنبش آزادیبخش ظفار و تحریکات مداوم در سرحدات عراق ، همراه با ایجاد پایگاههای نظامی ، هوائی و دریائی عظیم در غرب و شرق خلیج فارس ، هم چنین خرید مقادیر زیادی اسلحه و مهمات جنگی که مبلغ آنها به پنج میلیارد دلار افزایش حاصل نموده و ببهانهٔ «تأمین آزادی جریان نفت به کشور های غربی» صورت‌میگیرد این همه شکی باقی نمیگذارد که رژیم استبدادی شاه بمنظور اجرای نقشه های استراتژیك امپریالیستهای امریکا و انگلیس در منطقه نقش خطرناکی بعهده گرفته است .

حزب کمونیست ایتالیا که با خلق ایران همبستگی دارد ، علیه سیاست ترور و فشار وحشیانه‌ای که دولت ایران در داخل کشور اعمال میکند و همچنین علیه سیاست تجاوزکارانه این دولت علیه جنبش های ترقیخواهانه در کشورهای مجاور ، شدیداً اعتراض میکند .

حزب کمونیست ایتالیا ضمن ابراز همبستگی با حزب توده ایران — حزب برادر طبقه کارگر ایران ، سیاست ضد دمکراتیك ، غیر انسانی و خشونت بار حکومت ایران را در برابر افکار عمومی جهان افشا میسازد و خواستار آزادی زندانیان سیاسی و قطع محاکمه و اعدام متهمین سیاسی است . حزب کمونیست ایتالیا با شدت تمام دخالت مسلح علیه میهن پرستان ظفار را محکوم میکند و خواستار بازگشت فوری ارتش مداخله گر ایران از عمان است .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران با اطلاع از گسترش وضع سیاسی در ایتالیا پیروزی بزرگی را که حزب کمونیست ایتالیا در رأس نیرو های دمکراتیك در مبارزه علیه ارتجاع و فاشیسم در جریان همه پرسی ۱۲ مه بدست آورد ، صمیمانه تبریك گفت و صادقانه ترین آرزو های کمیته مرکزی حزب توده ایران را برای پیروزی کامل حزب کمونیست ایتالیا در کاربسیج و سازماندهی مبارزات متحد نیرو های مردم ایتالیا علیه انحصارات و فاشیسم و ارتجاع تقدیم داشت .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مراتب تشکرات عمیق کمیته مرکزی حزب توده ایران را در قبال کمك و پشتیبانی برادرانه ای که حزب کمونیست ایتالیا همواره نسبت به مبارزه قهرمانانه مردم ایران و حزب توده ایران در راه استقرار رژیم دمکراتیك در ایران و بسود صلح وسوسیالیسم مبذول داشته است ابراز نمود .

هر دو هیئت نمایندگی تصمیم خود را دائر به گسترش روابط دوستی بین دو حزب و خلقهای ایران و ایتالیا در مبارزه مشترك بخاطر آزادی ، صلح و سوسیالیسم اعلام نمودند .

با این آدرس با رادیو پیك ایران ، روزنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید !

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

مردم ایران ! بخاطر دفاع از همهٔ زندانیان سیاسی در برابر دژخیمان شاه، مبارزه کنید !

دورهٔ ششم | پانزدهم تیر ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و چهاردهم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

قطعنامه جلسه یاد بود

رفیق شهید قهرمان پرویز حکمت جو

بمناسبت شهادت رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران جلسه یاد بود حزبی تشکیل شد. رفیق ایرج اسکندری جلسه را گشود. رفیق احسان طبری در باره زندگی و شهادت دلیرانه رفیق قهرمان سخن راند. در پایان جلسه یاد بود قطعنامه زیرین باتفاق آراء تصویب شد :

ما شرکت کنندگان در جلسه یاد بود رفیق شهید پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران با خشم فراوان ازجنایت جدید رژیم پلیسی شاه اطلاع یافتیم.

ما اطلاع یافتیم که در آخرین دیدار، رفیق مبارز ما علیرغم تلاش زندانبانان شاه برای از پادرآوردن او، از سلامتی نسبی بر خوردار بوده است. مادر پیر و زجر کشیده رفیق قهرمان ما حکمت جو، درآخرین دیدار در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۳، فرزند برومند خود را مبارز، مقاوم و آماده ادامه پیکار دیده است.

آدمکشان رژیم شاه که نتوانسته اند مقاومت شجاعانه رفیق مبارز ما حکمت جو را حتی پس از شکنجه های مداوم و تبعید های گوناگون در طی ۹ سال زندان در هم شکنند، بدون توجه به کلیه موازین قانونی واخلاقی بهجنایت بی سابقهای دست زدهاند. آنها زندانی اسیری را که فاقد هرگونهوسیله دفاع از خود بوده، تنها بعلت استواری در معتقداتو وفاداری به آرمانهای حزب خود، دفاع از منافع زحمت کشان ایران و جهان به بیشرمانه ترین وضع و در جنایت بارترین شرایط، یعنی هنگامیکه پس از ۹ سال زندان در آرزوی دیدار همسر خود بوده، بقتل رسانیده اند.

ما شرکت کنندگان در جلسه یاد بود به این جنایت ننگین شاه شدیداً اعتراض میکنیم. ما طرح دعاوی حقوقی ازجانب مراجع بین‌المللی را در رسیدگی به این جنایت خواستاریم. ما نظر سازمانهای حقوقی بین المللی و نظر سازمان ملل متفق را به این جنایت نو ظهور رژیم شاه که نمونهای از آدمکشیهای آن در سطح همه کشور است جلب میکنیم. زندانیان سیاسی در زندانهای شاه فاقد مصونیت اند، برای دفاع از جان آنان باید مبارزهٔ وسیعی صورت گیرد.

رژیم خونخوار شاه با قتل عمدی رفیق ما حکمت جو یك قربانی دیگر از حزب ماگرفته است. با شهادت حکمت جو ما یك رفیق مبارز و یك دوست ثابت قدم ازدست دادهایم. رفیق مبارز مایك کمونیست واقعی، یك شوهر و پدر مهربان و یك برادر و فرزند حق شناس بود. همه ما، در اندوه از دست دادن او شریك هستیم واین مصیبت را به کمیته مرکزی حزب توده ایران، بههمهرفقای حزبی وبویژه بهمادر داغدیده، همسر و فرزندان وبه خواهر این دوست قهرمان‌تسلیت می‌گوئیم.

سخن قاطع ما به دشمن اینست که او نمیتواند بر اندوه عمیق ما شادی کند. شاه باید فقط در خشم باشد و از عواقب جنایات خود در کشور ما بهراسد. قتل عمدی رفیق ما حکمت جو افشاگر یکی دیگراز از جنایتهای غیر انسانی و وحشیانه رژیم شاه است. مسئولیت قتل رفیق ما در زندان با رژیم پلیسی است. ما تشدید مبارزات وسیعی را علیه این رژیم دد منش خواستاریم.

شاه از مدتی بهاینطرف با هاری بیشتر بهحزب توده ایران تاخت میبرد. او اکنون با بکار بردن شیوه تازهای در کشتن مبارزین، از حزب ما قربانی میگیرد و به معدوم ساختن زندانیان سیاسی دست زده است. این اقدام تبهکارانه باید با تمام قوا افشاء و دست جلاد از ادامه جنایت کوتاه گردد.

جنایت‌جدید رژیم‌شاه‌قادر به‌تضعیف روحیه‌مبارزین ویا تخفیف مبارزه از جانب هیچیك از اعضاء حزب‌توده ایران نخواهد بود. رفیق مبارز ما حکمت جو با پایداری دربرابر دشمن، بار دیگر حماسه قهرمانی‌اعضاء حزب ما را که درگذشته نیز نمونه های فراوان‌داشته است تکرار کرد. شهادت شجاعانه این رفیق شهید الهام بخش همه ما در ادامه مبارزه پی‌گیر و سر سخت علیه رژیم منفور شاه و دارودسته خائن کودتائی اوست. در راه رهائی ایران از تسلط سلطنت مطلقه و مستبده آلت دست امپریالیزم امریکا وانگلیس وبخاطر استقرار آزادی ودموکراسی در وطن خود، ما با استواری‌بیشتر گام بر خواهیم داشت.

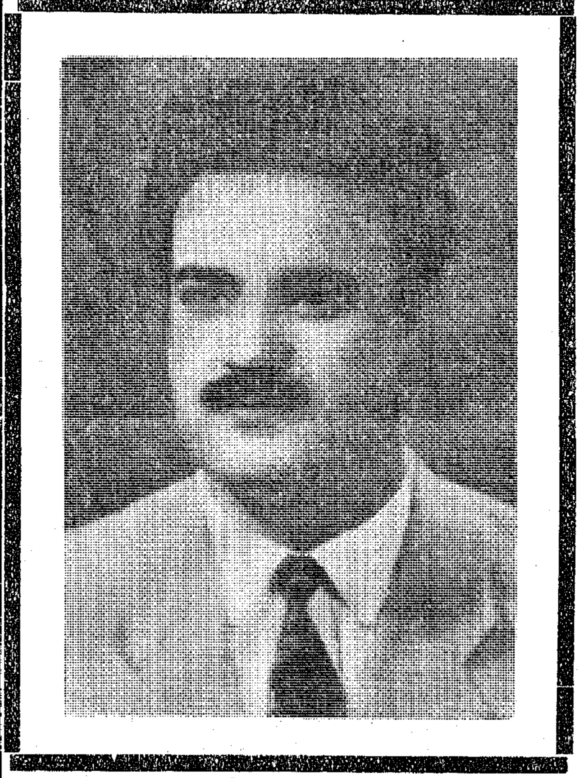
درود به روان تابناك رفیق مبارز و قهرمان — پرویز حکمت‌جو ! افتخار به همه زندانیان سیاسی که با قاطعیت، صداقت وپی‌گیری از راه پر افتخار حزب ما — حزب توده ایران — دفاع میکنند !

۵ تیر ۱۳۵۳

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره

شهادت رفیق قهرمان پرویز حکمت جو

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



در اوایل خرداد ۱۳۵۳ رفیق پرویز حکمت‌جو مبارز دلیر جنبش کارگری و انقلابی و میهن پرست و دمکرات پر شور و پی گیر کشور ما و عضو کمیته مرکزی حزب‌توده ایران در اثر شکنجه وحشیانه در زنجیر اسارت شاه بشهادت رسید.

همان آغاز بازداشت رفیق حکمت جو، سازمان امنیت شاه وی را مورد آزار ها و شکنجه های گوناگون قرار داد ولی به نتیجه ای که‌میخواست نرسید، یعنی نتوانست این روح مقاوم را به تسلیم وا دارد. دادگاه تجدید نظر نظامی رفیق حکمت جو و رفیق علی خاوری را به اعدام و عده دیگری از فعالان حزب ما را که‌با این دو رفیق‌ارجمند زندانی‌شده بودند به حبسهای‌سنگین محکوم کرد.

در نتیجه فشار افکار عمومی جهانی که از این احکام جابرانه به خشم آمده بود احکام اعدام رفقا حکمت جو و خاوری به حبس ابد بدل شد، ولی رژیم استبدادی شاه نقشه تبه کارانه خود را برای محو و نابودی زندانیان تودهای و ازآنجمله رفیق مبارز ما پرویز حکمت جو این [illegible]جوان که ستاره های زرین دو[illegible] رای مبارزه در صفوف خلق بدور افکند، ادامه داد.

طی‌بیش از هشت سال زندان، ساواك نقشه دقیق تنظیم شده ای را برای شکنجه وآزار رفیق حکمت جو با نیت قتل وی تعقیب کرد و دژخیمان این نقشه ابلیسی را برای امحاء کسی که تنها گناهش ایمان و وفاداری بی تزلزل به معتقدات مترقی سیاسی بود بمعرض اجراء گذاشتند. بهمین منظور او را از زندان تهران به زندانهای برازجان و بروجرد بردند و در این زندانها، دور از تهران و مادر سالخورده و خواهرش، آزار های فراوانی بوی رساندند، مانندتازیانه زدن، زنجیر کردن، محروم کردن از غذا، نگاهداشتن در سلولهای انفرادی تاریك و مرطوب برای مدت طولانی، انتقال به بخش بزهکاران عادی، تحریك ودسیسه برای آنکه جاسوسان پلیس در زندان رفیق ما را مورد آزار روحی و اهانت قرار دهند و غیره و غیره.

در این شرایط مادر و خواهر رفیق حکمت جو ناچار بودند گاه تا هزار کیلو متر راه را طی کنند برای آنکه با وی دیدار نمایند. بعلاوه رژیم از دادن اجازه به همسر وفرزندان رفیق حکمت‌جو برای آمدن‌بایران و ملاقات باوی اکیداً خود داری ورزید. این شکنجه های روحی را باید بر شکنجه‌های نامبرده در بالا افزود ولی همه اینها روح شکست ناپذیر ومقاوم حکمت‌جو را نتوانست سست کند و بشکند.

شرایط غیر انسانی باز داشت در نواحی بسیار بد آب و هوای کشور، محرومیتهای منظم از غذا و مداوا و مواظبت پزشکی همراه باشکنجه‌های جسمی وروحی سلامت رفیق پرویز حکمت جو را که مردی قوی و نیرومند بود سرانجام خورد کرد. طی سه سال اخیر وضع تندرستی رفیق ما چنان نگرانی آوربود که مادر وهمسر وی بارها از حقوقدانان خارجی کمك طلبیدند تا اقدامی کنند و از مقامات ایرانی امکان مواظبت و معالجه خارج از زندان را بدست آورند.

ژول شومه وکیل دادگستری از شهر بروکسل (که شخصاً در دادگاه رفیق حکمت جو بعنوان ناظر حضور یافته بود) در نامه ۱۲ مارس ۱۹۷۳ خود خطاب بشاه ونخست وزیرخواستار آزادی مشروطرفیق‌حکمت‌جو برای معالجه درخارج از زندان شد. ویلیام‌کاروشه وکیل دادگستری از شهر نیس در اکتبر ۱۹۷۳ به ایران‌رفت تا امکان معالجه‌پزشکی را برای‌رفیق حکمت‌جو بدست آورد. سازمانهای بین المللی دیگر نیز در این زمینه اقدام کردند ولی نه فقط همه این اقدامات بی نتیجه ماند، بلکه جلادان بر فشار خویش افزودند.

در اردیبهشت ۱۳۵۳ اقدامات خانواده رفیق حکمت‌جو برای‌دریافت اجازه ملاقات‌باوی بکلی بی‌نتیجه ماند. مقامات پلیس به‌مادر رفیق حکمت‌جو گفتند که‌او را به « کمیته » برده اند. کمیته در اصطلاح پلیس اشاره است باجرای شکنجه های جسمی ازطرف ساواك بمنظور در هم شکاندن پایداری زندانیان مقاوم.

باآنکه همسر رفیق‌حکمت جو در اثر اقدامات متعدد ویلیام کاروشه وکیل فرانسوی سر انجام امکان یافت به تهران برود، ولی از دریافت‌اجازه

دنباله در صفحه ۲

سپاس

(به مجاهد قهرمان پرویز حکمت جو)

سپاس بر تو ، که پولاد بی‌خلل بودی
روان چوکورهٔ‌خورشید شعله ورکردی؛
بکار نامهٔ ایام قصه ات باقی است
حدیث عمر اگر چند مختصر کردی.

✡

سپاس برتو ، که در بند های ابلیسی
فرشته بودی و در دام دیو نفتادی ،
به بازجوئی، در دادگاه ، در زندان
الی دقیقهٔ آخر ، چو کوه استادی .

✡

چگونه خائن دژخوی راند در بندت
چگونه دشنه زد ازپشت سر، خبر دارم؛
چگونه دشمن دژخیم ساخت بیمارت
چه رنجها که بجان زد شرر، خبردارم،

✡

درآن دیار که روز است تیره وغمگین
مقام راحتی وجای شادکامی نیست ،
بخون نویسد هر روز شاه نام دگر
سیاهکاری این دیو را تمامی نیست .

✡

حساب خویش نکردی بکارزار بزرگ
تمام عمر چو سرباز جان بکف رفتی،
ولی تو در صف یاران خلق جاویدی
اگرچه با تن رنجور خود ز صف رفتی .

✡

براه حزب چه پیگیر و بی توقع و مرد
بقول خویش چه پا بند بوده ای، پرویز،
نمونه ایست حیات تو بهر نسل جوان
ایا مجاهد بی باك توده ای ، پرویز !

ا. س.

نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری

این نامه سرگشاده را رفقا پرویز حکمت جو و علی خاوری پس از صدور حکم محکومیت، اززندان قصر برای نخست وزیر هویدا فرستادند. طبیعی است که این نامه در ایران انعکاسی نیافت، ولی در همان ایام بارها بوسیله رادیو پیک ایران پخش شد و نیز در ماهنامه مردم ودر جزوه «توده ایها در دادگاه نظامی» منتشرگردید. از آنجا که این سند مهم تاریخی بهتر از هرچیز دیگری درجه شهامت و استواری اصولی رفیق قهرمان ما پرویز حکمت جو و همرزم او را نشان میدهد، ما بار دیگر آنرا بسبب شهادت رفیق پرویز حکمت جو تجدید چاپ میکنیم.

رونوشت به دادستانی ارتش
رونوشت به روزنامه اطلاعات
رونوشت به مجله امید ایران

جناب آقای نخست وزیر!

بنا به تشخیص و رأی دادگاههای تابع دولت شما و اسلاف شما که بهر حال مسئولیت اعمال خلاف رویه و قانون آنها و عواقب آن تا روزیکه برطرف نشود بر عهده شماست، عده ای افراد وطن پرست در چهار دیوار های تنگ زندانها و تبعید گاهها بسرمیبرند. اینها بجرم عدالت خواهی، آزادی دوستی و میهن پرستی و داشتن عقاید مترقی و انساندوستانه دچار بی عدالتی، سلب هرگونه آزادی و محرومیت از خدمت بوطن گردیده‌اند. دولت شما نمیتواند از آن محدودیت هائی که علاوه بر محدودیتهای فوق نسبت بما زندانیان سیاسی اعمال میشود بی اطلاع باشد. امکانات فوق‌العاده محدود معالجه و مداوای بیماران که اغلب بنحو بسیار



زننده و ناشایستی ارائه میشود، محدودیتهای عجیبی در ارسال ودریافت نامه برای زندانیانی که سالها از دیدار فرزندان خود حتی از پشت میله های زندان محروم میباشند، محدودیت در امر کتاب و مطبوعاتی که در داخل کشور اجازه طبع و نشر را پیدا کرده اند، ترتیب دیدار با خویشان که اغلب آنها سالخورده و بیمارند و از پشت دو رشته دیوار از میله های آهنین انجام میگیرد هیچیك از آنها را ما شایسته خود نمیدانیم. هر یك از ما طی جریان محاکمات معموله به اصل غیر قانونی بودن دادگاهها و عدم رعایت عادی ترین موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قوانین موجود کشور معترض بوده ایم. دادگاههای تابع‌دولت شما قضاوت معمول خود را در اعمال و افکار ما قبلا بکار برده‌اند. شاید این نامه هم مانند نامه های متعدد دیگر یکسره راه آرشیو های فراموشی را در پیش بگیرد، ولی این امر نمیتواند مانع آن شود که گفتنی ها ناگفته بمانند. ما بویژه در روزهائیکه سر تاسر تبلیغات دولت را موضوعات کوشش در راه بسط بهداشت، بسط فرهنگ و حمایت از کتاب و دانش به‌پیروی از اصول اعلامیه حقوق بشر و حفظ و رعایت حقوق فردی اشخاص فراگرفته است، این را مینویسیم.

جناب آقای نخست وزیر!

آنچه در قرون وسطی و یا در عقب مانده ترین کشور های جهان نسبت بمخالفان سیاسی دولتهامیشده است، در دوران ما نسبت باینگونه اشخاص اعمال میشود. شما میتوانید مطمئن باشید که هیچ فرد آگاه و انساندوست و میهن پرست واقعی را چه در داخل کشور و چه در خارج از آن نمیتوانید پیدا کنید که باحکام جابرانه و خلاف قانون دادگاههای مورد بحث ما صحه بگذارد. شما میدانید که ما چه خواسته ایم و چه میخواهیم. شما میدانید که جرم عمدهٔ زندانیان سیاسی دولت شما و محکومین بجلای وطن که سالها از منبع امید بازگشت بدامن مام وطن نیروی حیات و حرکت میگیرند، چیست. آیا این دلیل و همین یك دلیل برای اثبات انساندوستی و میهن پرستی زندانیان سیاسی امروز شما کافی نیست که در قبال انتخاب مرگ یا دست کشیدن از عقیده، مرگ را بر ترك‌عقاید میهن پرستانهٔ خود ترجیح داده اند؟ آیا شما نمیدانید که در دولت شما مجازات داشتن «قصد و نیت» برای مخالفان سیاسی اعدام و یا مادام العمر محروم‌ساختن از آزادی آنهم در شرایطی که مختصراً ذکر شده تعیین میکنند. دولت شما ما را مضر بحال منافع کشور و حتی خیانت پیشه معرفی میکند. ما خود را عاشق پروانه صفت وطنمان، زحمتکشان کشورمان و خادم و فداکار در راه تحقق آمال انسانی مردم وطنمان میشماریم. دولت شما ما را ترمز کنندهٔ امر پیشرفت کشور معرفی میکند. ما افکار و نظریات خودمان را در مسائل و مشکلات وطنمان مترقی و انساندوستانه میبینیم. چنانکه ملاحظه میفرمائید ارزیابیهای شما و ما در این مورد درست ۱۸۰ درجه مخالف یکدیگر است. دولت شما این قضاوت ثالث را بوسیله دادگاه های غیرقانونی خودکه تنها مورد قبول دولت شماست، اجرا نموده است. معذورمان بدارید اگر باین ضرب المثل منطقی ولی بظاهر تلخ فارسی اشاره میکنیم که این امر تنها بقاضی رفتن است و نتیجه آن چیزیست که موضوع اعتراض ما را تشکیل داده و میدهد. نظر ما از نوشتن این نامه آن نیست که بیائید بند از دست و پای ما بردارید یا اینکه از آن نسبتهای‌موهن و ننگین که در ابتدا بعنوان اتهام و سپس علیرغم شناسائی واقعی مابعنوان جرم بما داده‌اند پوزش‌بخواهید. در جائیکه وطن ما دچار درد هائی بمراتب بزرگتر و زخمهائی بدرجات عمیقتر است بخود اندیشیدن شرط عشق ورزیدن بوطن و مردم آن نیست. دستگاه‌قضائی دولت شما ما را تا پای چوبه دار برد ولی سخنی جز میهن و ملت از ما نشنید. انگیزه ما در نوشتن این نامه یاد آوری آن مسئولیت خطیری است که درشرایط خاص وکم سابقه میهن ما خواهی نخواهی بعهده دولت شما واگذار شده است. ما بحکم وجدان و معتقدات خود نمیتوانیم در این مورد سکوت کنیم. هر چند که این عدم سکوت بتواند برای ما گرانتر تمام‌شود. تجربه تاریخ بویژه تجارب ملتهائی که در وضع وموقعیت کشور ما بوده اند درسهای روشنی هستند که راه اجرای اصلاحات واقعی ژرف مایی و تحولات عمیق اجتماعی را نشان داده و میدهد. کدام نمونه تاریخی از زندگی گذشته و حال ملتها را میتوانید بیان‌فرمائید که چنین تحولات بدون شرکت صمیمانه و آگاهانهٔ اقشار وسیع مردم و پشتیبانی بیدریغ و فداکارانهٔ آنها صورت گرفته باشد. ما معتقدیم که ثبات و پیشرفت واقعی را همین شرکت آگاهانه و فعال اقشار وسیع مردم و همه میهن پرستان واقعی بر پایه اصول دموکراتیك میتواند بوجود آورد. ما متأسفیم از اینکه هزاران نفر افراد تحصیل کرده و متخصص و میهن پرست که وجودشان در دورانی که کوششهائی برای رفع عقب ماندگی کشور میشود و حکم بزرگترین سرمایه را برای میهن ما دارند باید با شور عشق بوطن و علاقه خدمت به میهن سالهای سال محروم از دیدار وطن و ملت و خویشان خود باشند و نیروی ذیقیمت تخصص و علاقه فطری آنها به آب و خاك آباء و اجدادی در میهن بکار گمارده نشود. اگر افکار وعقاید آنها را دلیل این بیعدالتی بزرگ میدانید، آیا نمونهٔ فدا کاری و میهن پرستی همفکران آنها را در هر گوشه و کنار جهان بشمار نمیآورید؟ آیا بتجربه ثابت نشده است چنین اشخاصی پیگیر ترین و فدا کارترین افراد در راه اعتلای میهن و ملت میباشند.

جناب آقای نخست وزیر!

توجیه این مطلب که هزاران نفر ایرانی مجبور و محکومند که دیگر روی وطن را نبینند با هیچ استدلال و منطقی عملی نیست. شما هم شاید حس کرده باشید که این درد بحدی برای آنها که دور از وطن هستند سنگین و ناگوار است که دیگر علاج سریع و مبرم خود را طلب میکند. کشوری نظیر اسپانیای فاشیست حتی ناچار شد بصدای اعتراض مردم و عدم رضایت آنها گوش فرا دهد و به مهاجرت‌دردناك میهن پرستان اسپانیولی خاتمه بخشد. شما اگر قدری برای شنیدن این اعتراض دقیقتر گوش کنید بخوبی بوجود آن پی خواهید برد. بگذارید که این درد از توانائی و نیروی ضروری مردم کشور ما در لحظات‌حاد تاریخی نکاهد. ما در وضع خاص خود که بر شما پوشیده نیست وظیفه خود دانستیم که نظر شما را به موضوعات مطروحه در فوق که قطعاً در سرنوشت‌آینده میهن ما و چگونگی حل آنها اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت جلب کنیم.

با احترامات فائقه

پرویز حکمت جو - علی خاوری

از آخرین دفاع رفیق پرویز حکمت جو
در دادگاه تجدید نظر نظامی

«افسوس نه ادیبم که با قلم و نه خطیبم که با سخن عشق مقدسم را بوطنم و هم میهنانم بیان دارم. عشق آتشین من بوطنم، به خلقم، به رفقایم، به دوستانم، بتمام آنهائیکه در راه بهروزی افراد شرافتمند و رنجبر در تلاش میباشند و عشق من به زحمتکشان میهنم و سراسر جهان، عشق و احترام یکسانی است که در راه صلح بین کلیه ملل بجهاد برخاسته اند و این عشق بزرگ بسعادت مردم است که باصطلاح صوفیان در مقام فنایم نشانده است. این عشق و احساسات که از خود بیخودم ساخته با زبان الکن من قابل توصیف نیست و این رباعی از شیخ بزرگوار خواجه عبداله انصاری شاید این عشق مقدس و عظیم را که در اعماق وجودم رخنه کرده ترجمان باشد.

عشق آمد وشد چو خونم اندر رگ وپوست		تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت		نامی است ز من باقی و باقی همه اوست.»

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره

رفیق قهرمان پرویز حکمت جو

آخرین دیدار با شوهر خود محروم ماند. مقامات‌ساواك او را با زور از تهران بوسیله هواپیماکه عازم‌پاریس بود اخراج کردند.

این واقعیت که علیرغم تقاضاهای مکرر مادر سالخورده رفیق شهید، جنازه‌وی را تحویل نداده‌اند خود دلیل انکار ناپذیری‌است بر آنکه ساواك میترسیده است بربریت دستگاه جنایتکار رژیم استبدادی شاه که با اسلوبهای فاشیستی برای فرسودن و نابود کردن زندانیان سیاسی و بویژه زندانیان توده‌ای عمل میکند، بر ملا شود،

کمیته مرکزی حزب توده ایران افکار عمومی جهان را از این اقدامات وحشیانه و غیر انسانی که هر روز در زندانهای متعدد رژیم در گوشه و کنار ایران و نیز در مراکز مخصوص ساواك می گذرد، با خبر می کند. هیچ دمکرات، هیچ انسان حق ندارد در قبال این وحشیگریها خموش بماند.

ما از همه احزاب، همه سازمانها و مطبوعات دمکراتیك، از همه دمکراتهای جهان خواستاریم که بانگ پر خاش خود را علیه این اقدامات بر بر منشانه و غیر انسانی ودر دفاع از حقوق اولیه بشری بلند کنند.

پرویز حکمت جو، سر شار از افتخار قهرمانی شهید شد ولی هم اکنون جانهای گرانبهای دیگری در این شرایط مهیب در خطر است بانگ اعتراض کامل دمکراتهای جهان میتواند این جانها را از گزند جلادان مصون دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

☆ ☆ ☆

مردم: علاوه براین‌اطلاعیه که بزبانهای مختلف‌و بشکل وسیعی در جهان پخش شده، بمحض دریافت خبر درگذشت رفیق‌شهید وقهرمان ما پرویز حکمت‌جو کمیته مرکزی اعلامیه‌ای داد که از رادیوی پیك ایران پخش شده است.

رادیو پیك ایران را بشنوید!

رادیو پیك ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزبانهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداًتکرار میگردد.

رادیو پیك ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

قابل توجه خوانندگان گرامی

علاقمندان به کتب «نشریات توده» از این پس تنها در صورت ارسال قبض پرداخت پول بحساب بانکی ما کتب درخواستی خود را دریافت خواهند کرد.

با این آدرس با رادیو پیك ایران، روزنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

حکومت شکنجه گر و آدمکش!

بار دیگر صفحه خونینی بر دفترجنایات شاه و دستگاه «امنیتی» او ساواك افزوده شد. رفیق قهرمان ما پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از سالها مقاومت دلیرانه در بیغوله های زندانها، زیرشکنجه های غیرقابل تصور از پای درآمد. شهادت او نفرت بی پایان مردم و اعتراض آتشین آزادیخواهان ایران و جهان را علیه حکومت جور و ستم محمد رضا شاهی برانگیخت. ادامه و گسترش سیاست ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، شاه ایران را نه تنها در ایران بلکه بمقیاس جهانی بصورت مردی خونخوار و شکنجه گر درآورده که محافل گوناگون اجتماعی بین المللی نسبت باو نفرت دارند و از دیدارش بیزارند! برای نمونه بخشی از نامه ای را که پنج سازمان معروف اجتماعی فرانسه پیش از ورود شاه به پاریس به رئیس جمهور فرانسه نوشته و در آن بانگ اعتراض شدید خود را علیه فشار و تضییقات و ترور و اختناق در ایران بلند و نفرت خود را نسبت بشاه بیان کرده اند، ذکر میکنیم:

روزنامه «لوموند» در ۲۴ ژوئن ۱۹۷٤ مینویسد: «پنج سازمان روز ۲۱ ژوئن بآقای «ژیسکاردستن» نامه‌ای فرستادند و در آن بمناسبت دیدار شاه از پاریس صدای اعتراض خود را علیه سرکوبی، فشار و تضییقاتی که در ایران حکمفرماست، بلند کرده‌اند. این سازمانها عبارتند از شعبه کمیسیون بین المللی عفو در فرانسه، مجمع طرفداران حقوق بشر، جنبش اقدامات قضائی، جنبش داوران کاتولیك و مجمع حقوقدانان دموکرات. امضا کنندگان «نگرانی‌شدید خود را از تضییقات سیستماتیك و ترور و اختناق حاکم در ایران، جائی که شکنجه با شیوه های خیلی تکامل یافته حتی در مورد زنان وکودکان نیز بکار میرود» ابراز داشته اند. «شماره رسمی محکوم شدگان بمرگ در مدت دو سال و نیم یکصد و سی و شش نفر و طبق اطلاعات‌واصله بیش از دویست نفرند.» این پنج سازمان اظهارات «ژیسکاردستن» را درباره (نقش فرانسه در دفاع ازحقوق بشر) باو یاد آور شده اند. در همین شماره لوموند مینویسد که: «اعضاء کمونیست، سوسیالیست و رادیکال سوسیالیست شورای شهر پاریس در اعلامیه مشترکی که روز جمعه ۲۱ ژوئن منتشرکردند، امتناع خود را از شرکت در پذیرائی ای که از شاه ایران در «هتل دوبل» هنگام دیدار او از پاریس بعمل میآید»

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران تبلیغات ضد شوروی را محکوم می کنند!

جار وجنجال علیه اتحاد شوروی، نیروی عمده جهان سوسیالیستی، و متهم کردن این کشور بانواع گناهان و مغلطه دائمی و بی پروا در کلیه اعمال و اقوال این دولت، یکی از پایه‌های مهم تبلیغات امپریالیسم وبورژوازی جهانی است. جز این هم چه انتظار می باید داشت؟ در نبرد دم بدم سخت تری که درهر گستره بین همه نیرو های خواستار صلح و ترقی و دمکراسی و سوسیالیسم و همهٔ نیرو های هوادار جنگ و بهره کشی و سیطره جوئی در جهان ما در گرفته است، اتحاد شوروی را طرف ضربه اصلی قرار دادن از جانب دشمنان کین جوی تحول انقلابی امری عادی است، زیرا اتحاد شوروی آن نیروی مقتدر سیاسی، اقتصادی، نظامی و معنوی است که چون کوهی استوار به پشتیبانی از همه جهات مترقی تاریخی ایستاده است.

هیئت حاکمه ایران و بر رأس آن شاه در سالهای اخیر مشی ارتجاعی خود را ازهر باره تشدید کرده است. رژیم ایران درنقش ژاندارم و دستیار امپریالیستی دست به تجاوز گری نظامی و توسعه‌طلبی اقتصادی درمقیاس وسیع زده و یکی از تکیه گاههای مهم ارتجاعی در منطقه آسیای غربی علیه رژیمها و جنبشهای مترقی و ضد امپریالیستی بدل شده است. رژیم ایران از برخی تحولات مثبت و مترقی که در منطقه روی داده و یا میدهد ناراضی و نگران است. بدیهی است که این رژیم وجارچیان و مبلغانش، در شرایط مشخص کنونی نبرد بین دو سیستم، نبرد بین صلح و جنگ، بین دمکراسی و استبداد بر حدت تبلیغات خود علیه شوروی می افزایند و نقاب سالوس و ریا را که میتوانستند یکچند بر چهرهٔ خود نگاه دارند، بکلی برمیدارند.

در واقع علی رغم این نقاب سالوس و ریا، رژیم هرگز در تمام عمر ناخجستهٔ خود از تبلیغات ضد شوروی باز نایستاده بود. در تبلیغات رژیم جمله «امپریالیسم سرخ» و «نیرو های متحد استعمار» همیشه دارای محتوی آشکار ضد شوروی بود. ضد کمونیسم مضمون عمدهٔ ایدئولوژی رسمی رژیم فاشیست مآب کنونی ایران است و مابین ضد کمونیسم و ضد شوروی بودن عملاً فاصله ای نیست.

ولی در دوران اخیر بجای اشارات و امارات قابل‌تعبیر، بتدریج نام شوروی صریحتر بمیان آمد وتحت عنوان مناظره با گفتارهای رادیوی مسکو، جرایدِ دولتخواه وارد تاخت و تاز علنی علیه شوروی شدند. در این اواخر هیاهوی تبلیغاتی با بهانه کردن مسئله اختلاف در بهای گاز بالا گرفته است. مطبوعات گوش بفرمان، سخنگویان مجلس و سنا، مفسران رادیو و تلویزیون بدستور محافل معین امپریالیستی و ارتجاعی بمیدان آمدند. منابع خارجی الهام این تبلیغات فقط واشنگتن و لندن نیستند، بلکه پکن نیز در این آتش روغن میریزد.

جنجال علیه شوروی با مقاصد و نیتهای حساب شده ای انجام میگیرد و در پس آن توطئه های سیاسی و اقتصادی معینی پنهان است که سیر حوادث بیش از پیش آنها را از پرده بدر خواهد انداخت. این جنجال مباین با اعترافات مکرر در مکرر همه سخن گویان رژیم از شاه گرفته تا گویندگان و مفسران رادیو و تلویزیون دولتی است که بارها نقش بزرگ اتحاد شوروی‌را ازدوران لنین تا امروز در تقویت استقلال و تکامل همه جانبه کشور ما ستوده اند.

مردم ایران که دیدگانی بصیر برای تشخیص دوست ودشمن دارند، هم اتحادشوروی و هم رژیم حاکم برایران را خوب میشناسند و میدانند که انگیزه و هدف جنجال تازه تبلیغاتی علیه شوروی چیست و لذا نه فقط در دام مغلطه ها و سفسطه های رنگارنگ این جنجال نخواهند افتاد، بلکه مچ جنجالگران را در همه جا خواهند گرفت. ما بنوبهٔ خود هیاهوی نوین تبلیغاتی علیه شوروی را محکوم میکنیم و بر آنیم که دوستی با شوروی برای تکامل سالم و مستقل کشور ما اهمیت حیاتی دارد و آسیب زدن بدان یك خیانت بزرگ است. ما بر آنیم که هیچ چیز این روش رژیم را توجیه نمیکند که بجای درپیش گرفتن اسلوب حل و فصل مسائلی که احیاناً مورد اختلاف است، اسلوبی که در گذشته بارها ثمرات نیکو داده است، به پیروی از محافل خواستار جنگ سرد، فضای متشنج مصنوعی بوجود میآورد و سنن وموازین مناسبات حسن همجواری بین ایران وشوروی را زیر پامیگذارد.

س.

قانون تثبیت استثمار کارگران کشاورزی

هفتم خرداد ۱۳۵۳ مجلس لایحه قانون کار کشاورزی را از تصویب نهائی گذرانید و برای اجراء بدولت ابلاغ کرد. این لایحه مدت سه سال تمام در کمیسیونهای مجلسین شورا وسنا معطل ماند وبا تغییرات زیاد در جهت تأمین نظر استثمار کنندگان مواجه گردید. همین اشاره مختصر به سابقه امر نشان میدهد که بجای قانون حمایت ودفاع از منافع زحمتکشان در بخش مهمی از اقتصاد کشور، عملا قانون تثبیت و حتی تشدید استثمار کارگران کشاورزی از تصویب گذشته است.

قانون کار کشاورزی در ده فصل و چهل ماده تنظیم و تصویب شده است. در همه فصول و مواد قانون بی اعتنائی دولت به دفاع از حقوق کارگران کشاورزی و تکیه بر آزاد گذاشتن کار فرمایان دربهره کشی وحشیانه از نیروی کار آنان بوضوح دیده میشود.

قبل از همه فصل و مواد اولیه قانون قابل دقت است. در این فصل بجای آنکه تعریف صـ... ساده و روشنی از کارگر کشاورزی بعمل آید و قانون شامل حال کلیه کسانی شود که در کشاورزی از راه فروش نیروی کار خود ارتزاق میکنند، تعاریف ناقص ونامفهومی از کارگر کشاورزی بعمل آمده و بخش عمده کارگران این رشته از شمول قانون برکنار نگاه داشته شده‌اند.

قانون مصوبه تنها کسانی را کارگر کشاورزی میشناسد که در «واحدهای کشت و صنعت و مزارع دولتی و یا مزارع کشاورزی مکانیزه به کار اشتغال‌داشته باشند». بدیگر سخن از مجموع کارگران کشاورزی شاغل در مزارع کشت غلات و نباتات صنعتی، باغات و دامداریها که اکنون تعداد آنها فزون از نیم میلیون نفر است قانون تنها قشر محدودی را که در زراعت های بزرگ مکانیزه استثمار میشوند کارگر کشاورزی میشناسد. قانون چنانکه در متن آن گفته‌میشود شامل قشری که برزگر نامیده میشود ودراراضی متعلق‌به‌خرده مالکان واقع درمناطق روستائی کشور درمقابل‌دریافت مزد جنسی ونقدی‌یانقدی وجنسی‌توأماً کارمیکنند نمی‌شود.

حتی در مقام مقایسه با لایحه‌ای که بنام‌لایحه کارکشاورزی در مرداد ۱۳۵۰ به مجلس داده شده‌قانون اخیر کشاورزی قدمی است به عقب. در آن لایحه از کارگر کشاورزی تعریفی بعمل آمده که [illegible] حال شامل قشر وسیعتری از زحمتکشان روستا میشو[illegible] نظر لایحه‌کار کشاورزی کارگر کشاورزی کسی شناخته میشد که «برای کارفرمای کشاورزی یا بحساب او در یك یا چند شغل از مشاغل کشاورزی بکار اشتغال‌داشته باشد».

نقص قانون کار کشاورزی رژیم حامی منافع ملاکین و زمینداران بزرگ که اکنون بطرز بیسابقه‌ای ورود سرمایه‌های امپریالیستی را به کشاورزی تشویق میکند تنها در آن نیست که قسمت اعظم کارگران کشاورزی را ندیده میگیرد و محرومترین قشر این کارگران را از حد اقل حمایت قانونی بی بهره نگاه میدارد. در مورد همان قسمت از کارگران کشاورزی که قانون شامل‌آنها میشود نیز دولت دست کارفرمایان را در بهره کشی وحشیانه از نیروی کار کارگران آزاد گذاشته است.

میدانیم که قانون کار هشت ساعته در کشور ما ایران سه دههٔ قبل بتصویب رسیده است. همین طور از مدتها به اینطرف مصوبات سازمان ملل متفق و حتی سازمان بین‌المللی کار تقلیل ساعات کار کارگران را به کمتر از هشت ساعت به دولتها توصیه مینماید. در این شرایط قانون کار کشاورزی دولت ایران‌ساعات کار روزانه کارگران کشاورزی را ده ساعت و ساعات کار هفتگی آنان را ٦۰ ساعت معین نموده است. قانون به کار فرمایان اجازه میدهد طی چهار هفته متوالی ۲٤۰ ساعت از کارگران کار بکشند و در صورتیکه لازم بدانند علاوه بر ده ساعت کار روزانه، کارگر را به کاراضافی وادارنمایند. یك چنین استثمار رسمی وقانونی شاید در کمتر نقطه ای از جهان وجود داشته باشد.

دنباله در صفحه ۲

انعکاس سفر شاه در فرانسه

تبلیغات دولتی بهنگام توصیف سفراخیر شاه وملکه به فرانسه (ژوئن ۱۹۷٤) یك جهت مهم این حادثه را بکلی مسکوت گذاشته است و آنهم برخورد فوق العاده منفی اکثریت شکننده اهالی این کشور نسبت باین مهمانان نافرخنده بود. بجرأت میتوان گفت که در تاریخ روابط سیاسی این کشور ها، هرگز برخورد منفی آشکار اکثریت یك خلق نسبت بمهمانان دولت با چنین دامنه و شدتی بروز نکرده بود. احزاب کمونیست، سوسیالیست، سوسیالیست متحده، اتحادیه های مختلف و نیرومند کارگری فرانسه، سازمانهای کاتولیك وحتی هوا داران دست چپی دوگل، سازمانهای حقوقدانان وطرفداران حقوق بشر، گروهی از روشنفکران سرشناس، همه و همه طی اعلامیه های مختلف نفرت خود را از دیکتاتور خون آشام ایران نشان دادند و از شرکت در مراسم پذیرائی او خود داری ورزیدند. شهر داری شهر «آرل» که یکی از مراکز بازدید شاه و ملکه بود، باتفاق آراء تصمیم گرفت در مراسم پذیرائی شرکت نکند. تملق‌های‌حساب شدهٔ آقای ژیسکار دستن، رئیس جمهور فرانسه و دولت او که بقصد گوشبری ٦ میلیاردی از ایران انجام گرفته و زرق وبرق مهمانیهای «ورسای» و «تریانون» قادر نبود که بر این فضای سنگین ابراز بیزاری از شکنجه گر تاجدار غلبه کند. مردم ایران به مردم فرانسه که با این نمایش معنوی بزرگ بیسابقه همدردی خود را نسبت به نبردش علیه استبداد نشان داده اند درود میفرستند.

درس مهم سی‌ام تیر ۱۳۳۱ وحدت نیروهاست برای نیل به پیروزی

دورهٔ ششم — شمارهٔ ۱۱۵ - ژوئیه ۱۹۷۴

حکومت شکنجه گر و آدمکش !

بعلت فشار و تضییقاتی که در ایران وجود دارد ، اعلام داشتند .»

بیگمان باید گفت حکومت ایران رکورد آدم کشی را در دوران صلح درجهان شکسته است . هر مخالف سیاسی زیر شکنجه ، در کوچه و خیابان و یا در بیداد گاههای دربسته نظامی نا بود میشود ، هر گونه تظاهری واو برای خواستهای صنفی بخاك و خون کشیده میشود ، هرگونه جنبش در مؤسسات آموزشی علاوه بر اخراج و زندان و شکنجه با تیر اندازی و ریختن خون جوانان بیگناه سرکوب میشود . جوانان پاك و میهن پرستی چون هوشنگ تیزابی ، گلسرخی ، دانشیان ، فرزندان مبارز مردم ایران و نظائر آنها را بچه عنوان از پای درآوردند ؟ مگر آنها «قاتل» بودند؟ ابداً ! حتی خود دستگاه هم نتوانست آنها را بچنین جرمی محکوم کند . پس برای چه آنها را شهید کردند ؟ برای اینکه آنها حاضر نشدند وجدان اجتماعی و شرافت انسانی خود را ببهای زنده ماندن لکه دار کنند و در مقابل شاه یعنی سردسته دژخیمان سر فرود آورند . نام آنها زنده باد !

جریده «نیوز ویك تایمز ماگازین» در شماره ۲ ژوئن ۱۹۷٤ خود در باره اینگونه جنایات نوشت که «بازجو اعدام ، گم شدن اسرارآمیز در ایران ادامه دارد دست کم ۷۵ نفر بعنوان باصطلاح فعالیت‌مخرب در ۱۸ ماه گذشته اعدام شده اند .» در همین جریده تعداد زندانیان سیاسی ایران بین ۲۵ تا ٤۰ هزار تخمین شده است !

روزنامه صبح سوئدی بنام «داگنس نیتر» ارگان لیبرالها در دوم فوریه امسال زیر عنوان « ستم » چنین نوشت : «آنگاه که وزرای دارائی و صنایع غرب‌برای بار یافتن بحضور سلطان نفت صف می بندند ، صدای شلیکهای مرگ و فریادهای شکنجه در زندانهای تهران منعکس میشود . هر هفته یك مبارز سیاسی در ایران حلق آویز و یا تیرباران میشود . ۲۵ هزار زندانی سیاسی در زندانها بسر میبرند بجز چند مورد استثنائی اجازه داده نشده که ناظران خارجی از زندانها بازدید کنند و یا در محاکمات حضور یابند ، ولی وقتیکه اتفاق افتاد جزئیات وحشتناکی آشکار شده است . . .» سپس این روزنامه ادامه میدهد : «. . . خون جاری است و همچنین نفت ، نفتی که باید «بهر قیمت» جاری بشود ، اما خون ؟ — قیمت آن چقدر است ؟»

با وجود این بازتابی که حوادث خونین ایران در جرائد گوناگون خارجی دارد ، شرم آور است که اشرف پهلوی خواهر دو قلوی شاه بعنوان «رئیس‌جمعیت طرفداران حقوق بشر» در ایران با مخبر «تایمز» انگلیس مصاحبه میکند و تایمز با دریافت پولی گزاف متن این مصاحبه را بصورت «ضمیمه» در شش صفحه همراه با مقاله ای تحت عنوان « گزارش مخصوص در باره حقوق بشر» منتشر مینماید . اشرف دراین مصاحبه در باره دو مسئله ، یکی «حقوق زنان» و دیگری «مبارزه با بیسوادی» در ایران صحبت کرده و تایمز با الحاق این مطالب به شش صفحه دیگر در باره حقوق بشر که در یك کنفرانس بین المللی در تهران مطرح شده ، چنان وانمود میکند که گویا ایران کشوری است که در آنجا حقوق بشر خوب اجرا میشود !

— در باره این مطالب روزنامه «گاردین» انگلیسی ، در مقاله ای بقلم «جرمی بگلر» بشدت به تایمز میتازد و داستان پول گرفتن از اشرف و وارونه جلوه دادن وضع ایران را که بقول (گاردین) «منظرهٔ آن در زمینه اجرای حقوق بشر منظرهٔ تیره وتاری‌است» برملا میکند . نویسنده مقاله گاردین برای اثبات‌نظریه خود اظهارات «مستر مارتین آنالس» ، دبیر کل‌سازمان بین المللی عفو را که یك عنصر بورژوائی و ضد کمونیست است در باره ایران چنین نقل میکند : «هیچ کشوری در جهان از جهت حقوق بشر منظره‌ای بدتر از ایران ندارد . ایران بالاترین حد اعدامها را دارد . یعنی در دو سال گذشته ۲۲۰ نفر در کشور اعدام شده اند . آنگاه انتشار چنین ضمیمه‌ای درتایمز در باره چنین کشوری کاملا نابخشودنی است . ایران فاقد مبانی اولیه عدالت است . در این کشور از دادگاه علنی خبری نیست بلکه فقط دادرسیهای نظامی انجام میگیرد که هیچگونه سیستم استیناف و فرجام را نمی پذیرد . من فوق العاده از عمل «تایمز» غمگین و متأسف هستم .»

— روزنامه «زمان ماه چاپ آلمان فدرال زیر عنوان «محیط مساعد برای سرمایه گذاری در ایران» هنگام مسافرت فریدریك ، وزیر اقتصاد آن کشور به تهران نوشت : «برابر آماریکه مجله (اشترن) داده در ایران چهل هزار نفر زندانی سیاسی در برابر هشتاد هزار مأمور پلیس مخفی (ساواك) وجود دارد . در دو سال اخیر صد و ده اعدام انجام شده . رژیم ترور شاه بانحصارات کشور ما که پس از بازگشت از تهران میلیارد ها مارك سرمایه در ایران بکار خواهند انداخت تأمین میدهد .»

اینها نمونه هائی از واکنش در برابر ترور و اختناق ایران در خارج است . طشت رسوائی شاه و حکومت او چنان از بام افتاده که دیگر کوشش برای پنهان کردن این جنایتها را بیفایده میدانند . شاه علناً بوجودشکنجه وبیدادگری خود اعتراف‌میکند

مخبر روزنامه لوموند در آستانه مسافرت شاه بفرانسه مصاحبه‌مبسوطی با او بعمل آورده که ترجمه آنرا روزنامه « مردم » ارگان « حزب مردم » در دو شماره ۵ و ٦ تیر ماه ۱۳۵۳ منتشر کرده است . در این مصاحبه خبر نگار لوموند از شاه سئوال میکند : « شما فکر میکنید که همه کسانی که مخالف رژیم هستند آگاهانه بسود نیروها و عوامل خارجی فعالیت میکنند ؟ » شاه جواب میدهد : « بعضی اوقات آنان حتی مخالف‌من نیستند . آنها مارکسیست‌هستند وخودشان این موضوع را اعتراف میکنند . » ـ خبر نگار : «ولی مارکسیست های امروز بخانواده های گوناگونی تعلق دارند. اینان الزاماً بیك نیروی خارجی معین وابسته نیستند . » ـ شاه : « صحیح است . ولی هدف اصلی چیست ؟ مارکسیست ایرانی که پرچم جبهه آزادیبخش عمان ویا فلسطینی‌ها را بلند میکند چه رابطه‌ای باایران دارد؟ » — خبر نگار : « آیا درایران شکنجه وجود ندارد ؟» شاه‌بدست وپا می‌افتد ومیگوید : « شکنجه . . . ولی شما سیستمهای بسیار پیشرفته در کشورتان یا در امریکا دارید . شما خیلی خوب میدانید که مردم را بشیوه روانی شکنجه میکنند .» ـ خبر نگار: « روزنامه‌های ما هر وقت در فرانسه شکنجه باشد علیه آن اعتراض میکنند » ـ ارگان « حزب‌مردم » بجای کلمه‌اعتراض کلمه « نکوهش » را متقلبانه برای سبك کردن معنی بکار برده است !

شاه : «بسیار خوب ما باین شکل یا بآن شکل زندانیان را شکنجه میکنیم ولی شما بشکنجه چه میگوئید ؟ » اعتراف صریح شاه به شکنجه گری ! ـ خبر نگار : « ما نه تنها در فرانسه بلکه در اروپا هنگامیکه شنیدیم اعضای کمیسیونهای بین المللی تحقیق که بایران آمده بودند ، عموماً نتوانستند بجلسات محاکمه زندانیان سیاسی راه یابند و یا موفق بگرفتن تماس با زندانیان شوند بسیار تعجب کردیم و ناراحت شدیم » سر انجام شاه که در برابر پرسش های مستند خبر نگار لوموند کلافه شده میگوید : « آنها (سازمانهای بین المللی) مسئولیتی برای ایران ندارند . این ما هستیم که مسئولیم . . . » مسلم‌است که شاه‌مسئول تمام اعدامها ، شکنجه‌ها ، سر به نیست کردن‌هاوبیدادگریها دربرابر مردم ایران و افکار عمومی جهان است نه سازمانهای بین‌المللی . هفته نامه (نوول ابسرواتور) فرانسوی در شماره (۳۰ — ۲۵ ژوئیه ۱۹۷٤ تحت عنوان « ثروتمندان تازه در تهران » در باره وضع داخلی ایران چنین مینویسد : « این مسئله را در دوکلمه میتوان بیان کرد: فشار ، تضییقات و پلیس سیاسی ، فشار و تضییقات وسیع و بی اندازه خشن است : در دو سال برابر ارقام رسمی ۷۰۰ نفر تیرباران شده‌اند که پانصد تن بخاطر قاچاق تریاك و دزدی مسلحانه بوده و در حدود ۲۰۰ نفر بخاطرجرائم سیاسی . در عین حال شماره زندانیان سیاسی بین ۲۵ تا ٤۰ هزار نفر تخمین زده میشود . گواهان قابل اطمینانی مانند حقوقدانان بین المللی یا عفو بین‌المللی موارد شکنجه را تأیید میکنند . مشهود است که تا چه اندازه علناً مقامات قضائی دادگستری در برابر اختیاراتیکه دادگاههای نظامی دارند (که در بسته و با وکلای تسخیری دادرسی‌میکنند) ناتوان هستند .»

نویسنده مقاله بانو «ژزت آلیاء» این سئوال را طرح میکند که این کار ها برای چیست ؟ اگر مخالفان رژیم بیش از مشتی نیستند چه ترسی ازآنها باید داشت و چه نیازی به اینهمه وسائل نیرومند وجود دارد ؟ نویسنده بدرستی میگوید که : «برای‌تحمل نکردن‌این محیط پلیسی اختناق آور است که نیمی از دانشجویان ایرانی در خارج بایران یعنی جائیکه «ساواك معروف» یعنی پلیس سیاسی ظاهراً در همه جا حاضر است ، باز نمیگردند . نماینده ساواك در تمام مؤسسات بزرگ حضور دارد . مأموران ساواك تمام مقامات عالیه را دو چندان میکنند (در کنار هر مأمور عالیرتبه یك مأمور ساواك هم وجود دارد). داشتن ماشین پلی کپی را ساواك ممنوع کرده است . این ساواك است که عملا تصمیم به بازداشت و آماده کردن اشخاص برای‌تسلیم آنها به دادگاههای نظامی میگیرد . .»

ستمگری وبی‌اعتنائی بارزش انسانی‌این حکومت جبار تا آن‌پایه است که ابراز تأسف از شهادت مردانی را که دژخیمان شاه نابود کرده‌اند گناهی نا بخشودنی تلقی میکند و کسانی را که بنحوی از انحاء از مرگ مبارزان راه استقلال وآزادی ایران سوگوارشده ونفرت خود را نثار آدمکشان کرده اند ، بزندان و شکنجه گاه میکشد ! آخر چگونه میتوان گلهای شکوفانی چون حکمت‌جوها ، تیزابی‌ها ، گلسرخیها و دانشیانها را درو کرد و انتظار داشت که مردم سوگوار نشوند و کینه و نفرت خود را باین رژیم آدمکش وخونخوار در دل نگیرند وبانگ اعتراض از هیچکس بلندنشود؟

طبق اعلامیه ای که « کمیته آزادیهای هنری و فرهنگی ایران » روز ۷ ژوئن ۱۹۷٤ در امریکا منتشر کرده ، پس از اعدام گلسرخی ودانشیان عده‌ای از روشنفکران سرشناس بازداشت شده‌اند که از آنجمله دکتر علی شریعتی ، استاد دانشگاه‌فردوسی مشهد استاد تاریخ اللهیات و مؤلف چندین کتاب مذهبی ، نعمت میرزاده(م.آزرم) شاعر معروف ومؤلف منظومه «سحوری» ، فریدون تنکابنی نویسنده و دبیر و مؤلف چندین کتاب از جمله «یاد داشتهای شهر شلوغ» ، هوشنگ گلشیری نویسنده از اصفهان وفریدون توللی شاعر سر شناس که در رثاء گلسرخی در فوریه ۷٤ شعري سروده ، بعلاوه در هفته‌های اخیررژیم دست به جمع آوری مقدار زیادی کتاب و بستن چندین کتابخانه و بنگاه نشریاتی زده است .

چه باید کرد ؟

در برابر این وضع جهنمی و این حکومت زور و قلدری چه باید کرد ؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و تماشاگر صحنه های خونینی شد که این گرگان آدمخوار باکشتن گروه‌گروه از بهترین فرزندان میهن ما بوجود می آورند ؟ یا آنکه آتش مبارزه را تیز ترکرد نیروها را متحد ومبارزتر نمود ، راه درست مبارزه را یافت ، مردمی را که زیر بار ستمگری این حکومت وحشتناك رنج میبرند آگاه و آماده نبرد کرد و در موقع مناسب ضربت اصلی را وارد و این دستگاه اهریمنی را واژگون کرد ؟ بدیهی است که‌بیدادگران از سکوت ، سکوتیکه یکدنیا خشم و نفرت همراه دارد ، یا از تفرقه و تشتت نیروها ، بسود خود بهره می‌برند وبجنایات خود ادامه میدهند. راه دیگری برای پایان دادن بحکومت شکنجه گر و آدمکش محمد رضا شاهی جزاتحاد ومبارزه نیست . دراین راه‌آگاهانه پیش برویم ، راهی که پایان آن پیروزی مردم ایران و شکست دشمنان است !

ا گویا

با این آدرس با رادیـو پیك ایـران ، روزنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین - المللی مکاتبه کنید !

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

قانون تثبیت استثمار کارگران کشاورزی

قانون کار کشاورزی کار اطفال کمتر از ۱۲ سال را در مزارع ممنوع اعلام و ارجاع کار های سخت و زیان آور کشاورزی به زنان و اطفال کمتر از ۱٤ سال را قدغن نموده است . در اینجا نیز قانون کار کشاورزی نسبت به حقوقی که قوانین بین المللی کار برای حمایت کار اطفال و زنان مقرر داشته قدمی به عقب محسوب میشود . بعلاوه از آنجا که قانون شامل حال کارگرانی نمیشود که در مزارع خرده مالکان کار میکنند و اکثر آنها را اطفال خرد سال و زنان‌تشکیل میدهند مواد مربوط به حمایت کار اطفال و زنان تنها جنبه سمبولیك پیدا میکند و تا زمانیکه اجرای قانون عامیت نیابد اثر عملی بر آن مرتب نخواهد بود .

در قسمت تعطیلات و مرخصیها قانون کار کشاورزی محدودیتها ومحرومیتهائی برای کارگران کشاورزی قائل شده که دلیل آن را فقط در تمایل کارفرمایان به استثمار شدید تر کارگران کشاورزی میتوان یافت . قانون همچنین از تعیین حد اقل دستمزد بر مبنای تأمین زندگی کارگر وخانواده اش امتناع دارد . قانون به کار فرمایان حق میدهد «بنا بر عرف هر محل به‌کارگر ساده در بدو اشتغال دستمزد بپردازند» که بمعنی تعیین دستمزد در حد نازل «بخور و نمیر» است .

در اصول و مواد دیگر قانون کار کشاورزی بجای آنکه از حقوق کارگران دفاع شود حقوق کار فرمایان در ادامه استثمار قرون وسطائی در کشاورزی مورد حمایت قرار گرفته است . مثلا طبق ماده ۲۱ به کارفرما حق داده میشود به انعقاد قرارداد های انفرادی کار بمدت نا محدود که بمعنی قانونی ساختن همان روش معمول اجیر کردن است‌بپردازد. هم چنین به کارفرما حق داده میشود هر وقت خواست قرار داد کار را فسخ و به اخراج کارگر مبادرت ورزد . در فصل ششم قانون کار کشاورزی ، رژیم حل اختلاف کارگر و کارفرما را در «مرحله اول» بمذاکره مستقیم با کار فرما موکول نموده که داستان قاضی قرار دادن گرگ برای گوسفند را بخاطر میآورد .

فصول و موادی از قانون کارکشاورزی بحفاظت فنی و بهداشت کار و بیمه و نظایر آن اختصاص داده شده که همه آنها فاقد ضمانت اجرائی است و فقط وعده است . اجرای این امور به طرح و تصویب آئین نامه های خاصی موکول شده که معلوم نیست در چه زمانی تدوین و باجرا درخواهند آمد ، بویژه اگر در نظر بگیریم که اجرای خود قانون هم تدریجی و در یك دوران سه ساله در نظر گرفته شده‌است . بالاخره فصل نهم قانون از نظر بی اعتنائی به حقوق کارگران جالب دقت است که در آن برای تخلفات کارفرمایان و سر پیچی آنها از اجرای مفاد همین قانون کار ناقص ، ضمانت اجرائی حقوقی لازم پیش بینی نشده و تنها پرداخت جرائم نقدی بسیار ناچیز برای تخلفات کارفرما یان پیش بینی شده است .

معایب و نواقص قانون کار کشاورزی تنها به آنچه‌گفته شد وشامل توضیح مختصری از برخی‌جهات قانون مصوبه است خاتمه نمی یابد . از جمله عیوب عمده و اساسی که از ماهیت استبدادی و پلیسی رژیم کنونی ناشی میشود و در تصویب قانون کار کشاورزی انعکاس کامل پیدا کرده‌است ندیده‌گرفتن‌حقوق‌فعالیت سندیکائی و اتحادیه‌ای برای کارگران کشاورزی‌است .

کارگران کشاورزی برای حفظ ابتدائی ترین حقوق خود و حتی برخورداری از مزایای همین قانون ناقص کار کشاورزی که بنوبه خود محصول مبارزه خود آنان و همه کارگران ایران است مقدم بر همه به تشکل در سازمانهای صنفی و فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه‌ای احتیاج دارند . اگر زمامداران درشناسائی حقوق زحمتکشان روستا ها ولو اندکی جدی میبودند ، باید لااقل حق فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه ای را برای کارگران کشاورزی برسمیت می شناختند .

فراموشی عمدی شناسائی‌حق فعالیت آزاد صنفی در قانون کار کشاورزی نشانه آشکار خصومت ذاتی وطبقاتی سران رژیم با طبقات زحمتکش جامعه ، منجمله با کارگران کشاورزی است. طبیعی است که کارگران کشاورزی به این دشمن با تشدید مبارزات صنفی و سیاسی پاسخ خواهند داد .

م . جهان

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

تجدید نظر در برنامهٔ پنجم است یا تجدید خیانت درمقیاس وسیعتر

گزارش نهائی تجدید نظر در برنامه پنجم، پس از ماهها مطالعه در وزارتخانه ها و ادارات دولتی و نشست و برخاست های چند روزه در هتل دیزین «گاجره» و کاخ سلطنتی رامسر، سرانجام به تصویب شاه رسید. در این گزارش، هدف های عمده برنامه جدید و برخی ارقام کلی مربوط به سرمایه گذاری و رشد اقتصاد کشور ذکر شده است. بر رسی تفصیلی برنامه جدید محتاج در دست داشتن ارقام و اطلاعات بیشتر است. ما این کار را در آینده انجام خواهیم داد. اکنون فقط بذکر چند نکته اکتفا من کنیم.

آنچه در این گزارش پیش از همه جلب نظر میکند، لحن آکنده از تملق و چاپلوسی تنظیم کنندگان آنست. مشتی کارشناس اقتصادی و مالی و فنی که هر یك چندین عنوان علمی یدك میکشند، در این گزارش میگویند که فقط پس از «کسب فیض» از «راهنمائیهای خردمندانه شاه» و «باکسب الهام از ارشادات ملوکانه» در آغاز کنفرانس رامسر توانستند به «سرگردانی» چند ماهه خود در انتخاب بهترین شقوق طرح پایان دهند و گزارش نهائی را تنظیم نمایند. الحق که چنان فرعون خود پسندی را چنین چاکران بی شخصیت سرگردان در خورند است!

راهنمائیهای خردمندانه شاه چه بود؟ پیش از همه تقویت هر چه بیشتر نیروهای نظامی و «واکسینه کردن» رژیم در برابر «برخی ابتلاآت و نقاط ضعف غرب»، یعنی در برابر همان دموکراسی دم بریده بورژوائی که شاه حتی از آن تا حد مرگ وحشت دارد. باینجهت، تنظیم کنندگان گزارش نیز برای تحکیم و تقویت نیرو های نظامی و دستگاههای جاسوسی و آدمکشی نظیر ساواك «اولویت خاص» قائل شدند و دست دولت را برای تأمین نا محدود هزینه های نظامی و جاسوسی و آدمکشی آزاد گذاردند.

راهنمائی خردمندانه‌دیگر شاه که خود باکسب الهام از آنسوی دریا ها طرح میشود، توجه خاص به پیشرفت اقتصادی و کمك به موازنه پرداختهای کشور های امپریالیستی‌بود. باینجهت تنظیم کنندگان گزارش نیز اعلام کردند که واگذاری وام و اعتبار و سرمایه گذاری در این کشور ها و هم پیوندی با امپریالیسم در آینده «بمیزانی بس وسیعتر» انجام خواهدگرفت.

در گزارش، از «دشواریها و تنگناهای» موجود مانند کمبود کادر فنی ونابسامانی درمؤسسات زیر بنائی و گرانی و نایابی کالاهای ضرور نیزسخن میرود، بدون آنکه به‌عامل اصلی آنها اشاره‌ای شود. سیاست ضد خلقی رژیم که هزینه های نظامی و غیر تولیدی دولت و بتاراج دادن منابع و درآمدهای نفتی کشور از مظاهر آنست، عامل عمده تمام این نا هماهنگی ها و نارسائیها در رشد اقتصادی و تکامل اجتماعی میهن ما است. زمانیکه دولت بایجاد سربازخانه و دوستاق خانه و فرودگاهها و بنادر نظامی، بیش از احداث کارخانه و بیمارستان و مدرسه اهمیت قائل است، خرید تانك و هواپیما و کشتی جنگی را بر خرید ماشین آلات صنعتی و تراکتور و کمباین ترجیح میدهد و پرورش کادر نظامی وژاندارم وپلیس ومأمور ساواك را واجب‌تر از تربیت کادر فنی وپزشك ومعلم میشمرد، طبیعی‌است که میهن ما با کمبود کادر و موسسات زیر بنائی و گندم و گوشت و . . . مواجه خواهد شد.

«راهنمائیهای خردمندانه» شاه اکنون نیز هدف دیگری پیش پای تکنو کراتهای سرگردان خود نمیگذارد. این راهنمائیهای ضدخلقی شاه آثارمنفی‌خود را بر مجموع‌اقتصاد کشور طی برنامه پنجم باقی‌خواهد گذارد، با آنکه درآمد نفتی کشور سالانه بیش از ۵۰

دنباله در صفحه ۲

برای ماجرا های تازه ای زمینه چینی میکنند

(در باره جنجال «کشف توطئه» درمطبوعات ایران)

روز پنجشنبه دهم مرداد ماه ۱۳۵۳ شاه در کنفرانس رامسر به وجود دو نقشه اشاره کرد که بقول او از طرف «خارجیها» چاپ و منتشر شده و دریکی از آنها خوزستان بنام عربستان‌خوانده شده و در دیگری سرحد بلوچستان تا سرخس خراسان رسیده است. شاه بلافاصله پس از «افشاء» این نقشه رشته سخن را به ضرورت تشدید بیشتر تسلیحات کشید وگفت که تا پنجسال دیگر ایران آنچنان قوی خواهد بود که احدی قدرت دست درازی بدان نخواهد داشت. روشن است که داستان نقشه های کذائی برای شاه لازم بود که این نتیجه گیری را توجیه کند. از اظهارات شاه در کنفرانس رامسر حتی میشد فهمید که علیرغم دعوی دولت ایران بقبول منطقه غیر اتمی در خاور میانه، شاه دست خود را برای تسلیحات اتمی باز نگاه میدارد.

خیلی زود معلوم شد که این سخنان شاه در رامسر بهیچوجه تصادفی نبوده و مقدمه سازی فکر شده ایست برای ماجرا های تازه. روز سه شنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۵۳ روز نامه‌های وابسته برژیم: اطلاعات، کیهان و پیغام امروز بخشنامه وار مطالبی در باره «کشف یك توطئه عظیم» نوشتند و آنها هم در زیر این عنوان مسئله نقشه‌های کذائی را که گویا محافل بعثی عراق نشر داده‌اند و در آن خلیج فارس را خلیج العربی و دریای عمان را بحرالعربی خوانده اند بمیان کشیدند. کیهان پس از تمهیدات خود نوشت: «درست در همین شرایط است که تقویت نیروی دفاعی ضرور مینماید. . .»

روز های بعد جنجال ادامه یافت. نظر خواهی از استادان دانشگاه مانند آقای محمد جواد مشکور و آقای محیط طباطبائی در باره اصالت خوزستان شروع شد. لحن تهدید آمیز بالا گرفت. کیهان نوشت: «ایران قادر است قدرتهای بزرگ را در مرز های خود میخکوب کند.» و «بمب توطئه گران بعثی، قبل از آنکه بتوانند به قبله اشان روی آورند (؟) در دستشان منفجر خواهد شد» و غیرو و غیره.

دنباله در صفحه ۲

یك دیکتاتوری دیگر سرنگون شد

پایان شوم خونتای یونان

ورشکست ماجرای نیکوس سمپسن، گانگستر فاشیست که در قبرس کودتا کرده بود منجر به تحول در حکومت یونان شد. تسلط هفت ساله «سرهنگان سیاه» خاتمه یافت و حکومت نظامیان دست نشانده امریکا مجبور شد میدان را به حکومت غیر نظامی کارامانلیس بدهد. کارامانلیس از مهاجرت فرانسه به آتن آمد. نخستین اقدامات دولت جدید در سیاست داخلی عبارت بود از تعطیل اردوگاه زندانیان «یاروس» وآزاد کردن صدها زندانی سیاسی و بازگشت گروهی از مهاجران‌واحیاء برخی آزادیها و احیاء قانون اساسی سال ۱۹۵۲ وتشکیل «شورای‌دفاع» برای استقرار نظارت بر ارتش و فرماندهان نظامی. حزب کمونیست یونان این تحول را گامی به پیش خواند.

با آنکه این تحول هنوز در آغازاست و هنوز دست نظامیان کودتاگر از قدرت کوتاه نشده وهنوز عفو عمومی واحیاء حقوق وآزادیهای دمکراتیك بمعنای وسیع آن‌تحقق نیافته است، ولی اظهارات سخنگویان رسمی و وزیران کابینه کارامانلیس حاکی ازآنست که رژیم جدیدقصد دارد در این‌زمینه‌ها اقدام کند. یکی از وزیران ارشد کابینه و از مشاوران کارامانلیس به الوین شوستر مخبر روزنامه امریکائی نیویورك تایمس گفته است که وی، با آنکه همیشه ضد کمونیست بوده ولی اینك به این نتیجه رسیده است که باید به حزب کمونیست آزادی عمل داده‌شود تا در انتخابات آتی آزادانه شرکت جوید و در اداره امور کشور دخالت کند.

مردم یونان تحول رژیم را با شادمانی بی حد وحصری استقبال کردند و شب سقوط حکومت‌نظامی تاصبح بیدار بودند درخیابانها پایکوبی و دست افشانی کردند. حتی محافل ارتجاعی جهان بقصد سالوسی موافقت خودرا با این تحول اعلام داشتند. این نشانه آنست که رژیم فاشیستی‌دیکتاتوری یونان که علیرغم مردم یونان بدست امپریالیسم امریکا بسرکار آمده بود درافکار عمومی جهان ویونان‌منفرد شده و کوچکترین پایه ای نداشت. روشن است، رژیمی که سراپا ساخته دست امپریالیسم و سرویسهای جاسوسی است، جز این نیز سرنوشتی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

خونتای‌یونان جاسوس وحقوق بگیر «سیا»

روزنامه‌مطلع و نیمرسمی «اینترنشنل هرالد تریبون» در شماره ۳. اوت ۱۹۷٤ خود در باره نقش درجه اول «سیا» در ایجاد و حفظ رژیم دیکتاتوری نظامی در یونان پرده دریهای صریح و عبرت انگیزی دارد که اطلاع از آن برای ما ایرانیان لازم است. این روزنامه می نویسد.

«موافق اظهارات محافل عالیه درامریکا و نیز منابع یونانی، تا همین چند هفته اخیر که خونتای نظامی آتن بر سر کار بود، کارمندان امریکائی به مردانی که در آتن قدرت حاکمه را دردست داشتند، سخت نزدیك بودند. یکی از کارشناسان امریکائی امور یونان گفت که «سیا» شصت کارمند در یونان داشت که برخی از آنها پانزده سال بود در این کشور فعالیت داشته اند. این کارشناس گفت

دنباله در صفحه ۲

بزور داغ و درفش نمیتوان با گرانی و کمیابی مبارزه کرد

«مبارزهٔ» یك سال اخیر دولت، با وجود تمام هیاهو ها و کمیته سازیها و تهدید ها، نتوانست از گرانی و کمیابی روز افزون کالا ها، بخصوص کالا های مورد نیاز عمومی جلوگیری کند. و علت آنهم کاملا روشن است: دولت بجای مبارزه با علل اصلی تورم و گرانی و کمیابی که در سیاست ضد خلقی خود رژیم نهفته است، تاکنون فقط بمبارزه بامعلول پرداخته است. ما بار ها گفته ایم که هزینه های نظامی و اداری سرسام آور و سایر هزینه های غیر تولیدی و تورم زای دولت، افزایش مالیاتهای غیر مستقیم وحجم پول، سیاست نا درست بانکی و اعتباری، رشد ناهم آهنگ رشته های تولیدی، بخصوص عقب ماندگی شدید رشته های کشاورزی و خانه سازی، علل اصلی گرانی و کمیابی را تشکیل میدهند و در اینجا کسی جز دولت وچیزی جزسیاست ضدخلقی‌رژیم مقصرنیست.

بعلاوه دولت با وجود تمام معافیت های مالیاتی و انواع امتیازات مالی و فنی که برای تولید کنندگان بزرگ داخلی قائل شده، دست آنان را که آزمندیشان را حد و مرزی نیست، در تعیین بهای کالا هائی که تولید میکنند، بمیزان زیاد آزاد گذارده است. حتی شاه در جریان معرفی کابینه جدید هویدا در هفتم اردیبهشت با اعلام این حکم که «هر تولید کننده‌ای مصرف کننده است، ولی هر مصرف کننده‌ای تولید کننده نیست» و باید در فکر تولید کننده بود و بنا بر این نباید «قیمت های مصنوعی به تولید کننده تحمیل کنیم»، در واقع چراغ سبزی برای بالا بردن قیمت کالا ها بروی آنان روشن کرد. بلا فاصله پس از اعلام این نظر «داهیانه» بود که موج تازه ای از گرانی برخاست و طبق اخبار مطبوعات نیمه رسمی اطلاعات و کیهان عده کثیری از تولید کنندگان و بازرگانان، حتی بدون کسب موافقت مقامات‌مربوطه، بهای کالا های تولیدی و یا وارداتی خود را بمیزان زیاد افزایش دادند.

احتکار بمنظور گرانفروشی، حسابسازی و دغل کاری بمنظور بالا بردن مصنوعی بهای کالاهای تولیدی- پدیده‌هائی که خود ازعوارض تورم وکمیابی هستند- بطور عمده میان بازرگانان و تولید کنندگان بزرگ رواج دارد. روزنامه اطلاعات در ۱۹ اردیبهشت دراین مورد نوشت: «بعضی تولید کنندگان برای آماده کردن زمینهٔ افزایش قیمت، از مقدار تولید و توزیع کالا کاسته و بحران مصنوعی بوجود آورده اند وبعضی دیگر پارا از این فراترگذاشته، قیمت جدید را قبل از طی مراحل نهائی، بموقع اجرا گذاردند». ولی دولت‌را با این‌افراد کاری‌نیست وشاه مملکت حتی مشوق‌آنانست.

حال دولت بجای برانداختن عوامل اصلی‌گرانی و کمیابی و یا مبارزه با محتکرین و حسابسازان کلان، بجان عده ای کسبه و خرده فروش که خود اجناس را ببهای گران میخرند و ناچارند ببهای گران بفروشند، افتاده و آنان را که برای امرار معاش از بام تا شام زحمت میکشند، باتهام گرانفروشی تحت پیگرد قرار میدهد و حتی بمحاکمه در دادگاههای نظامی و تیر باران تهدید میکند.

با اقدامات سطحی و بی نتیجه نظیر کمیته سازی و کمیسیون بازی و ایجاد مرکز بررسی قیمت ها و تشکیل گروههای ضربتی، یا با بکار بردن وسایل مسکن و موقت نظیر واردات و ایجاد صندوق وبطریق اولی با توسل بزور و روشهای داروغه مآبی نمیتوان‌تورم و گرانی را برای همیشه بر انداخت. تا زمانیکه عوامل تورم زا و ناهماهنگی در رشته های تولیدی از میان نرود، گرانی و کمیابی بجای خواهد ماند.

م. ۱۰.

مبارزه با دزدی و فساد را از دربار باید آغاز کرد

کشف شبکه سوء استفاده و اخاذی دراصفهان که یك میلیاردر، یك فرماندار، دو مدیر کل و چند افسر ژاندارمری و کارمند در آن دخالت داشته اند، با سر و صدای خاصی درمطبوعات و رادیو و تلویزیون ایران منعکس شد. خود این حادثه در محیط فساد پرور رژیم کنونی ایران و بطور کلی در شرایط یك جامعه سرمایه داری نمیتوانست حائز اهمیت خاصی‌باشد. آنچه باین حادثه رنگ ویژه ای می بخشد، کیفیت افشاء و سر و صدائی است که در اطراف آن ایجاد شد.

چنانکه از نوشته‌های مطبوعات برمیآید، جریان این سوء استفاده چند ماه پیش کشف و بوسیله وزیر کشاورزی و منابع طبیعی به هیئت دولت گزارش شده بود. ولی هیئت دولت بجای اینکه پرونده امر را بلافاصله بمقامات قضائی ارسال دارد، گزارش را باطلاع شاه میرساند و پس از آنکه گزارش «از شر فعرض ملوکانه گذشت، اوامر ملوکانه با تأکید بر تعقیب قانونی جریان سوء استفاده و جلب متهمان به فساد و دزدی . . . شرفصدور یافت»، پرونده به مقامات‌قضائی ارجاع میشود. همین واقعیت حدود قدرت و ابتکارعمل قوای اجرائی و قضائی را در کشور باصطلاح مشروطه ما بخوبی نشان میدهد و میزان تسلط شاه مستبد را بر تمام شئون کشور آشکار میسازد. این واقعیت در عین حال نشان میدهد که اگر دزدی و فساد در میان مقامات عالیرتبه کشور شیوع یافته و مختلسین و اهل سوء استفاده تعقیب نمیشوند، مقصر اصلی و مستقیم

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

مبارزه با دزی و فساد را از دربار باید آغاز کرد

آن شخص شاه است که «اوامر ملوکانه» ایشان برای مبارزه با آنها «شرف صدور» نمی یابد.

نکته دیگر در اینجا تبلیغاتی بود که پیرامون فرمان شاه در باره انتشار این خبر انجام گرفت. روزنامه ها با آب و تاب تمام نوشتند که این شاه بود که فرمان صادر کرد تا «ماجرای پرونده بطور وسیع و با جزئیات بوسیله رادیو، تلویزیون و مطبوعات منتشر شود». تبلیغاتی که پیرامون این احکام شاه انجام گرفت، دارای این هدف بود که شاه را قهرمان مبارزه با دزدی و سوء استفاده جلوه دهد. و حال آنکه سر پوش گذاشتن بر روی حیف و میل اموال دولتی وفساد دستگاههای دولتی کاری است که خود شاه و رژیم او در آن ذینفع است. شاه و مقامات عالیرتبه در معاملات کلان و ماوراء کلانی که باانحصارها و کشور های امپریالیستی انجام میگیرد، پیمانها و قرار دادهائی که منعقد میشود و امتیازاتی که داده میشود، میلیونها دلار باج سبیل و حق دلالی میگیرند ولی اینها حقایقی است که مردم نباید از آنها مطلع گردند.

چنانکه میدانیم سالهاست که در ایران درباره سوء استفاده و فساد مقامات عالیرتبه دولتی و ثروتمندان خبر ... ی انتشار نمی یابد و کسی تحت پیگرد قرار نمیگیرد. لاکنون روزی نیست که خبرنگاران کنجکاو و گزارشگران موشکاف مطبوعات صفحات روزنامه ها را از شرح و وصف انواع جرایم سیاه نکنند. آفتابه دزدی که به کاهدان زده، برادری که خواهر خود را بقتل رسانده، کامیونی که به تیر چراغ برق کوبیده - تمام این رویداد ها با آب و تاب و گاه با عریانی مشمئز کننده ای تشریح و توصیف میشود ولی همین خبرنگاران تیزبین و گزارشگران نکته سنج در باره دزدیها و اختلاس های کلان و راشیان و مرتشیان چابکدست که در میان مقامات عالیرتبه دولتی وخر پولان بدتر از راهزن وجود دارند، بسکوت میگذرانند.

آیا میدانید که این مهر سکوت از چه زمانی بر زبانها و قلم ها سایه انداخته است؟ اگر روزنامه های پیش از انقلاب شاهانه را، ولو سطحی، از نظر بگذرانید و یا اخبار جنجالی آنروز ها را بخاطر آورید، خواهید دید که این سکوت از زمان این «انقلاب» برقرار شده است. پیش از «انقلاب» روزی نبود که در مطبوعات ایران دزدي و سوء استفاده این یا آن مقام ...به دولتی، این یا آن پیمانکار داخلی وخارجی افشاء ...رد و از دزدی ها و اختلاس هائی که درسازمان برنامه و سایر مؤسسات اقتصادی و مالی دولت انجام میگرفت، از سوء استفاده پیمانکارانی نظیر شرکت جان مولم و شرکت مثلث و از حیف و میل کسانی نظیر ابتهاجها، دولوها، دریانیها، لیلنتیال ها و کلاپ ها که بنا به نوشته روزنامه های آنروز بودجه عمرانی کشور «سفره رنگین و پر نعمتی» برای آنها شده بود، پرده بر ندارند.

آیا این دزدیها و سوء استفاده ها، اکنون در نتیجه انقلاب شاهانه یکسره بر افتاده ویا خواست رژیم و تسلط ساواك و ترور و اختناق است که باعث شده دزدان ومختلسان وعوامل فساد در پناه امنیت شهساخته حتی از گزند زبان و قلم در امان باشند؟

اینکه میگوئیم ازگزند زبان و قلم و نه گزند قضا و کیفر، تصادفی نیست. این واقعیتی است که در گذشته نیز که هر بار بر حسب مصلحتی فرامینی از جانب شاه و یا دستور عملی ازطرف نخست وزیربرای رسیدگی به «ازکجاآوردهای؟» و «محاکمات بزرگ» صادر میشد، این فرامین ودستور عملها همیشه برروی کاغذ میماند. اگر هم که گاه عده ای با سر و صدای زیاد بزندان میافتادند، بعدها بی سرو صدا آزاد میشدند و از این فرامین و دستور عمل ها چیزی جز لطیفه تلخی بجای نمیماند.

آیا دولت ایران اکنون جداً در صدد تعقیب دزدان و متخلسین ورشوه خواران و در فکر برانداختن فساد است؟ اگر چنین بود، کار باید ابتدا از شاه و دربارياش شروع میشد. هنگامیکه شاه خود بزرگترین عامل فساد و دزدی است وبرای دلالی در معاملات نفت و اسلحه دهها میلیون رشوه میدهد و رشوه میستاند، زمانیکه درباریان را بزرگترین قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل میدهند، مبارزه با هر فسادی باید از شاه و اطرافیانش آغاز شود. نخست باید پرسید که شاه، خواهران و برادران و نزدیکانش میلیاردها ثروت را در داخل و خارج کشور از کجا بدست آورده اند؟ مگر زمانیکه رضا شاه به سلطنت رسید چه ثروتی داشت؟ میزان حقوقی که شاه و ولیعهد و درباریان ازبودجه دولت و از کیسه ملت میگیرند، معلوم و مشخص است. آیا با این حقوق، هر قدر هم کلان باشد، بخصوص با آنهمه تجمل و خرج و ریخت و پاش، گرد آوردن چنین ثروتهای افسانه‌ای امکان پذیر بود؟

نکته جالب دیگر در این «مبارزه» شاهانه با دزدی و فساد، نحوه بر خورد با متهمین است، در جائیکه چند متهم درجه سه و چهار از قبیل انباردار و کیسه دوز را که جز اجرای دستور کار فرمایان خود، چاره ای نداشته اند، بزندان می افکنند، سر متهم میلیاردر یعنی همدانیان به بهانه ناراحتی قلبی یك طبقه بیمارستان خصوصی را دربست اجاره میکند و آنجا را «زندان» خود میسازد. رژیمی که زندانیان سیاسی را از دارو و پزشك محروم میکند و آنها را در شکنجه گاهها بقتل میرساند، برای کسی که با مکیدن خون زحمتکشان نام «پر افتخار» میلیاردری را بخود خریده، بعلت همدردی و همپیوستگی طبقاتی چنین گذشت و دلسوزی از خود نشان میدهد.

دستگیری چند نفر دزد ودغل و جاروجنجال تبلیغاتی در باره این حادثه بسود شاه، چیزی نیست جز عوامفریبی، آنهم برای منحرف کردن اذهان عمومی در شرایط دشواری که گرانی و تورم از سوئی و فساد دستگاههای دولتی و ترور و اختناق ساواك از سوی دیگر برای مردم جان بلب رسیده بوجود آورده است.

م.

دنباله از صفحه ۱

تجدید نظر در برنامهٔ پنجم است یا تجدید خیانت در مقیاس وسیعتر

درصدافزایش خواهدیافت وامکانات مالی دولت به چند برابر امکانات پیش بینی شده در برنامه قبلی خواهد رسید، صنایع که کلیداستقلال اقتصادی کشور و یکی از شرایط اساسی پیشرفت اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم است، بجای ۱۵٫۳ در صد فقط ۱۷ در صد در سال رشد خواهد یافت و در طول برنامه بجای ۱٫٤ میلیون فقط ۲ میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد.

شاه در راهنمائیهای خود، مردم ایران را نیز «فراموش» نکرده است. وی بار دیگر از افق درخشان «تمدن بزرگ» که مردم ایران اکنون دیگر در آستانه آن قرار دارند، سخن راند وبا گریزی دیپلوماتیك به سیاست ضد کمونیستی خود، بمردم وعده داد که «ما بهشت را به بعد حواله نمیدهیم» و دروازه‌های آنرا از هم اکنون بروی شما میگشائیم. در اینجا نیز کارشناسان سرگردان ملهم از چشمه فیاض ملوکانه «اعتلای سطح و کیفت زندگی عامه مردم» را «مهمترین هدف» برنامه تجدیدنظر شده‌اعلام کردند. ولی در این گزارش جز این وعده های کلی چیز دیگری بچشم نمیخورد و در آن عدد و رقمی که‌نشان دهد مثلا سطح زندگی مردم زحمتکش در این پنج سال چند در صد افزایش خواهد یافت، وجود ندارد. اما در جائیکه از بخش خصوصی یعنی سرمایه داران و مالکان سخن میرود، سند کاملا گویا است. مثلا بخش خصوصی از این گزارش میفهمد که دولت در برنامه تجدید نظر شده بجای ٦٥ میلیارد ریال پیش بینی شده در برنامه قبلی ۲۳۰ میلیارد به وی کمك خواهد کرد.

از مجموعه گزارش نهائی در باره تجدید نظر در برنامه پنجم چنین بر میاید، که در خطوط اساسی وهدفهای اصلی این برنامه تغییری حاصل نشده و فقط معیارها و مقیاسها بزرگتر و عظیمتر شده است و در مواردی نظیر هزینه های نظامی و یا بتاراج دادن منابع نفتی کشور وضع حتی بدتر شده است. در یك کلام تجدید نظر در برنامه پنجم را میتوان بمثابه تجدید خیانت در مقیاس وسیعتر ارزیابی نمود.

مسعود.

دنباله از صفحه ۱

یك دیکتاتوری دیگر سرنگون شد

که «سیا» نه فقط باسرهنگ پاپادوپولس که در ۱۹٦۷ کودتا کرد در ارتباط نزدیك بود، بلکه با جانشین او سرتیپ دیمیتریوس یوآینیدیس نیز همین ارتباط را حفظ نمود. دو تن از کارمندان «سیا» بر ما فاش کردند که پاپادوپولوس که در ماه نوامبر سال گذشته از کار برکنار شده، مانند بسیاری از سیاستمداران یونانی همانند خود و برخی از رجال نظامی سالیان دراز حقوق بگیر «سیا» بود این سرهنگ از سال ۱۹۵۲ مرتباً از «سیا» حقوق دریافت میداشته است.»

صرف نظر از این افشاآت، در مقاله نامبرده مطالب جالب دیگری در باره طرز عمل «سیا» در یونان ذکر شده است که همه و همه یکبار دیگر نقش این سازمان جهنمی را در ایجاد حکومتهای ضد خلقی نشان میدهد. این افشاگریها بویژه برای ما جالب است زیرا در میهن ما نیز همین نمایش نامه شوم بروی صحنه آمده است که متأسفانه دهها سال است ادامه دارد وهم اکنون ریچارد هلمز رئیس سابق سیا با عنوان ظاهری سفیر و با سمت واقعی مشاور دائمی شاه در تهران رحل اقامت افکنده است. حوادث یونان باید به چاکران ایرانی «سیا» نشان دهد که سر نوشت آنها سر انجام از سر نوشت هم قطاران یونانی اشان بهتر نخواهد بود.

تحولات یونان اکنون در سر آغاز است ولی چنانکه گفتیم میتواند عمیقر شود و هم اکنون برخی از قرائن از این کیفیت خبر میدهد.

در یونان دیگر محلی برای شاه نیست

مثلا کارامانلیس در تاریخ اول اوت ۱۹۷٤ اعلام داشت که قانون اساسی سال ۱۹۵۲ معتبر است ولی در عین حال دولت آتن بجای عنوان «شاه» که در قانون اساسی وجود داشت عنوان «رئیس جمهور» گذاشته و کلیه مواد مربوط به شاه وخانواده سلطنتی معلق اعلام شده است. در باره این اقدام کارامانلیس روزنامه فرانسوی اوموند در سرمقاله سوم اوت ۱۹۷٤ خود تحت‌عنوان «مهارت و شهامت» چنین مینویسد:

«اگر رئیس دولت کارامانلیس، شاه را صاف و ساده به کاخ خود باز میگرداند، این امر، تقریباً بطورمطمئن، در حکم ورشکست حکومت وی بود. زیرا درست است که چند تن سلطنت طلب بویژه در ارتش در آرزوی احیای سلطنت هستند، ولی یك اکثریت روشن و صریح از جامعه یونان با این امر مخالفند.»

چنین است روحیه مردم زمان ما و مطالبات تاریخ. ما بین این واقعیت، این تجربه مشخص از یکطرف و تبلیغات سلطنت طلبانه در ایران (که بویژه شخص شاه علمدار جان سوخته آنست) از طرف دیگر تفاوت بسیاری است. مردم دوران ما از سلطنت و پادشاهان مستبد بیزارند.

سقوط دیکتاتوری یونان بدنبال سقوط دیکتاتوری پرتقال و تحولات مثبت در حبشه صحت این سخن رفیق برژنف را نشان میدهد که گفته است نه حوادث شیلی، بلکه حوادثی نظیر پرتقال برای مسیر امور سیاسی جهان در آینده شاخص خواهد بود.

در واقع با پیشرفت تعرض صلح روز بروز پایه رژیمهای ضد خلقی سست تر میشود و راه پیشرفت دموکراسی هموارتر میگردد. این قانون تکامل تاریخ زمان ماست و جز این نیز نباید انتظاری داشت. ا. سپهر

دنباله از صفحه ۱

برای ماجرا های تازه ای زمینه چینی می کنند

ما نمیدانیم آن عناصری که این نقشه ها را نشر داده‌اند کیانند و فکر نمیکنیم که محافل مسئولیت شناس یك کشور دست بچنین اقدامات بی پایه‌ای زده باشند وبعیدهم نیست که محافل سری «سیا»، «ساواك» و جاسوسی اسرائیل یا نیرو های ارتجاعی ماسکدار کارگردان این فتنه انگیزی باشند، زیرا همه این بازیها برای آنست که برای در آمد نفت ایران که مطبوعات غرب آنرا با نام نوظهور «پترو دلار» تعمید کرده اند خواب تازه ای دیده شود.

یکی از وسائل که برای غارت بیدریغ در آمد نفت ایران که در سال برقم نجومی دهها میلیارد دلار بالغ میشود از طرف چپاولگران بین المللی اندیشیده شده است؛ خرید اسلحه است. برای خرید اسلحه هم باید بهانه تراشید. شاه در این بهانه تراشی ها استاد است. زمانی از آن دم میزند که مبادا یك کشتی توپدار بی مسئولیت آبراهه به خلیج فارس و تنگه هرمز را باغرق کردن یك نفتکش مسدود کند. زمان دیگر در خارك نطقی میکند حاکی از آنکه دریا ها به دریا ها مربوطند و ایران مسئول حفظ امنیت جاده‌های دریائی است. روزی در «پدافند ملی» فریاد میکشد که شاعر گفته است اگر من نباشم ایران هم نباشد (در واقع شاعر که فردوسی بلشد برعکس گفته است «چو ایران نباشد تن من مباد») لذا ما عزم جزم داریم که ایران را به سرزمین سوخته مبدل کنیم و ایران دست یازیدنی نیست یا روز دیگر در کاخ رامسر از نقشه های اسرار آمیز «خارجیها» سخن می گوید. بدنبال این سخنان، کاروان دلالان ملوکانه راه می‌افتند و معاملات چند میلیاردی اسلحه صورت میگیرد. می گویند طی پنجسال آینده سی و دو میلیارد دلار سلاح خریداری خواهد شد! در واقع طی دو سال اخیر خرید اسلحه ایران از پنج میلیارد دلار تجاوز کرده است! حد خیانت از پرواز تخیل آدمی بالاتر است.

ما در بارهٔ این سر و صدا ها راجع به نقشه‌های تجزیه طلبانه سخنی لازم نیست بگوئیم. هیچ ایرانی نیست که در مورد تمامیت ارضی کشور خود حساسیت نداشته باشد ولی صحبت اینجاست که نخستین وجدی ترین توطئه علیه استقلال ایران متعلق بکسانی است که اکنون زمام قدرت را در کشور ما در دست دارند. اگر کسانی بالفرض تنها خیالاتی ناروا کرده اند، اینها با اقدامات کاملا واقعی خود هم نفت ایران و هم درآمد نفت ایران را تحویل بیگانه میدهند و ایران را مدتهاست از جهات سیاسی، نظامی واقتصادی به امپریالیسم وابسته کرده اند.

شاه بار ها در صحبت های خود گفته است که کشور های غربی در حالیکه سالیان دراز هر بشکهٔ نفت ما را کمی بیش از یك دلار خریدند، کالا های صنعتی خود را از ده برابر الی چهل برابر بما گرانتر فروخته و ایران را بتمام معنی چاپیدند. حالا بپاداش همین چپاولهاست که شاه درآمد نفت ایران را درقدم انحصار های غول پیکر امپریالیستی می ریزد و سپس ایرانیان را از اشباح و نقشه های اسرار آمیز میترساند. این شیوه زنیها ترکیبی است از شیادی و خیانت.

ا. س.

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه می کنند

دورهٔ ششم | پانزدهم مرداد ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و شانزدهم

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

غارت نفت، تاراج درآمد نفتی و خیانت های رژیم

نهم مرداد، روزی که قرارداد جدید نفت با کنسرسیوم بامضاء شاه رسید، صفحه تازه ای در کتاب پر ورق خیانت های شاه گشوده شد. تبلیغات پرصدا و بی طنین رژیم در سالگرد این روز ننگین، کوشش عبثی است برای پرده پوشی این خیانت بزرگ. دراینجا بار دیگر از روی سیاست نفتی رژیم پرده برمیداریم.

غارت نفت شاه مدعی بود که بجای نفت خام، فرآورده های نفتی و حتی آسپرین و پروتئین که ارزشی دهها برابر نفت خام دارد، صادر خواهد کرد. کشور های پیشرفته سرمایه داری را به صرفه جوئی درمصرف نفت دعوت میکرد. ولی علیرغم تمام این دعوی ها و دعوتها، خود برای تأمین نیرو گاههای عادی و صنایع و اتومبیلهای سواری کشور های امپریالیستی، بمیزان صادرات نفت خام می افزاید و میخواهد با سرازیر کردن ده ها میلیارد دلار ارز به گاو صندوق های سازندگان نیروگاههای اتمی، گران ترین نیروی برق را بمردم ایران تحمیل کند. رژیم میخواهد منابع نفت کشور را در مدتی کوتاه تر از طول حیات یک نسل بهدر دهد و حال آنکه در صورت بهره برداری معقول و اقتصادی، میتوانست چندین نسل مردم ایران را از لحاظ انرژی، ماده خام پر ارزش و با دورنما و درآمد استوار و هنگفت تأمین کند. این خیانتی استعظیم نسبت به منافع مردم ایران.

تسلط انحصارها انحصار های نفتی بر اکتشاف، استخراج، صدور، حمل نفت خام، پالایشگاههای بزرگ و صنایع پتروشیمی کشور تسلط دارند. کوشش رژیم درجهت مسلط کردن هر چه بیشتر آنان بر منابع و صنایع نفت کشور است. تعداد کمپانیها [illegible]صار های نفتی و کشور های امپریالیستی در کشور ما روز بروز بیشتر میشود و آنها هرکدام بر انبار هائی از نفت ایران چنگ می یازند و با انبانهائی از یغمای منابع ملی رو بزوال میهن ما بر ثروت و قدرت خویش می‌افزایند. امریکا و انگلیس و هلند و فرانسه و آلمان فدرال و ایتالیا و ژاپن - این بزرگترین کشور های امپریالیستی و صاحبان بزرگترین انحصارات جهان بیش از پیش بر منابع و صنایع نفتی کشور ما مسلط میشوند. شاه هر روز راه را برای فعالیت این کشور ها در بخشی ازمنابع نفتی و رشته‌ای از صنایع نفت میهن ما هموارتر میسازد. وی منابع و صنایع نفتی ما را به حراج گذاشته است. این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه مرتکب میشود.

تاراج درآمد نفتی رژیم کنونی درآمد حاصله از منابع نفتی کشور را بصور گوناگون از خرید سلاحهای جنگی گرفته تا اعطای وام و اعتبار، دو باره به کیسه انحصار ها و دول امپریالیستی باز میگرداند. دولت ایران سالانه میلیاردها دلار صرف خرید کالا از کشور های امپریالیستی میکند، میلیارد ها دلار در راه تدارک سلاحهای نظامی بهدر میدهد و بکمک مالی کشورهای امپریالیستی و سازمانهای مالی آنان که دهه[illegible] میهن ما را غارت کرده اند، برمیخیزد. میلیارد ها دلار به انگلیس و فرانسه و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر کشورها وام و اعتبار میدهد. دولتایران بجای سرمایه گذاری در داخل کشور صد ها میلیون دلار صرف تقویت مالی انحصار هائی نظیر کروپ،

دنباله در صفحه ۲

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

(سالروز مشروطیت و کودتای ۲۸ مرداد)

چهاردهم و بیست هشتم مرداد دو سالروز است که حکومت ایران در یک ماه آنها را جشن میگیرد: اولی جشن مشروطیت و دومی جشن کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد. مشروطیت نتیجه جنبش انقلابی بورژوا - دموکراتیک ایران است که هدف آن محو رژیم استبدادی قاجار، طرد استعمار و برقراری آزادیهای دموکراتیک بود. هدف کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زنده کردن رژیم استبدادی، برقراری سلطه امپریالیستی و سرکوب مردم بود که رژیم ناشی از آن در حال حاضر رژیمی است فاشیستی و خود کامه. شاه دررأس آن قرار گرفته و سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه را در دست خود متمرکز کرده است. در واقع ۱۴ مرداد روز زادن مشروطیت و ۲۸ مرداد روز مرگ کامل آن است و این از مختصات حکومت بی آزرم ایراناست که هم برای زادن و هم برای مرگ هر دو جشن‌میگیرد و سرور و شادی میکند!

مشروطیت که خونبهای یک انقلاب خونین بود (در سال های ۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ شمسی) قانون اساسی را که در آن قوای سه گانه قانونگذاری، قضائی و اجرائیه از هم تفکیک و «ناشی شدن آنها از ملت» و همچنین آزادی عقاید، احزاب و اجتماعات ومطبوعات در آن تصریح گردیده، بوجود آورد. بطور کلی این قانون گرچه با مقتضیات زمان حال ما وفق نمیدهد، اما بهر حال تا حد زیادی مظهر تمایلات آزادیخواهانه مردم ایران و نمودار پیروزی آنها بر ارتجاع و استبداد مطلق سلطنتی در دوران خود میباشد. طبق این قانون شاه تنها جنبه تشریفاتی دارد و از هرگونه مسئولیت در کار قوای سه گانه مبراست. اصل ۵۵ قانون اساسی میگوید «کلیه قوانین و دستخط های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد مسئول صحت مدلول فرمان ودستخط همان وزیر است». اصل ۶۰ تأکید میکندکه «وزراء مسئول مجلسین هستند و درهر مورد که از طرفیکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به اموریکه محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را نگهدارند». اصل ۶۴ قانون اساسی میگوید «وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند». اصل ۶۴ تصریح میکند که «مجلس شورا یا سنا میتوانند وزراء را تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند». در اصل ۶۷ گفته میشود که «در صورتیکه مجلس شورای‌ملی یا مجلس سنا باکثریت تامه عدم رعایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار بدارند آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود منعزل میشود». باین ترتیب معلوم است که عزل و نصب وزراء نه با شاه بی مسئولیت بلکه با مجالسی است که نماینده مردم باشند. حال چقدر نفرت انگیز و شرم آور است که حکومت، یا بهتر بگوئیم شاه ایران برای مشروطیت که خود و پدرش آنرا لگد مال کرده اند، جشن بگیرد:

رضا شاه بوسیله «مجلس مؤسسانی» که اعضای آنرا فرماندهان ارتش انتخاب کرده بودند سه اصل ۳۶، ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی را تغییر داد. همچنین اصل مربوط بفرماندهی کل قوا را بنحوی عوض کرد که فرماندهی کل قوا در دست او یعنی شاه باشد! رضا شاه باین دستبرد ها قناعت نکرد بلکه با حفظ صوری مشروطیت تمام قدرت را عملا در دست خود متمرکز ساخت وکلیه آزادیها را از مردم سلب کرد. محمد رضا شاه درکتاب خود «مأموریت من برای‌وطنم» چنین مینویسد: «یکی از نخستین کار های من در آغاز سلطنت این بود که مشروطه و دموکراسی را دوباره احیا کنم». یعنی آنچه را پدرش نابود کرده بود زنده کند! ببینیم این «احیاء کننده مشروطه و دموکراسی» با مشروطه و دموکراسی چه کرد؟

با اعلام حکومت نظامی پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ حزب توده ایران، بزرگترین حزب کشور را غیر قانونی اعلام کرد و تمام سازمان های دموکراتیک را تار و مار و صد ها نفر را زندانی نمود و در چنین شرایطی برای «احیای مشروطیت» مجلس مؤسسانی فرمایشی تشکیل‌داد و درمحیط ترس ووحشت مجلس سنا را که ظرف چهل سال عمر مشروطیت تا آنزمان وجود نداشت چون سنگری در مقابل مجلس

دنباله در صفحه ۲

دیدار کمیته مرکزی حزب‌توده ایران با کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه - دوست صدیق مردم ایران

در ماه ژوئیه ۱۹۷۴ (مرداد ۱۳۵۳) ملاقات رسمی بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه انجام گرفت. طی این دیدار برادرانه هر دو هیئت نمایندگی در باره تحول اوضاع بین المللی ونیز در مورد اوضاع سیاسی ایران و فرانسه مذاکره کرده و تبادل نظرنمودند درپایان این ملاقات‌اطلاعیه مشترکی تنظیم گردید که حاکی از توافق کامل هر دو حزب در باره مسائل مطروحه است. متن کامل اطلاعیه مشترک دو حزب برادر در رادیوی پیک ایران و شماره سوم مجله دنیا منتشر خواهد شد.

هیئت نمایندگی حزب تودهایران مراتب سپاس گزاری‌عمیق حزب ما وتوده‌های مردم ایران رابمناسبت پشتیبانی بیدریغی که از جانب حزب کمونیست فرانسه نسبت بمبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم ورژیم ترور و اختناق شاه، همواره و بویژه بهنگام دیدار اخیر شاه از کشور فرانسه بنحو چشمگیر و همه جانبه‌ای تظاهر نموده است، ابراز داشت.

طی اطلاعیه مشترک، هیئت نمایندگی حزب کمونیست فرانسه سیاست تحریک آمیز و تجاوز کارانه رژیم دیکتاتوری شاه را شدیداً محکوم نمود وضمن تجدید مراتب همبستگی با حزب توده و پشتیبانی‌کامل از مبارزات مردم ایران، اعلام داشت که در آینده نیز برای پایان دادن به شکنجه های غیر انسانی در کشور ما، آزادی همه میهن پرستان در بند وعلیه تحویل اسلحه و مهمات جنگی بدولت ایران با تمام نیروی خود اقدام خواهد نمود.

هر دو هیئت نمایندگی به این نتیجه رسیدند که این دیدار در تحکیم هر چه بیشتر مناسبات و همکاری برادرانه بین دو حزب دارای تأئید بسزائی است.

توطئه ای که شکست خورد

(در باره حوادث قبرس)

توطئه ای که سازمان جاسوسی امریکا بدست عامل خود دیمیتریوس یوآیندیس (رئیس سازمان امنیت یونان) در قبرس تدارک دیده بود وهدف آن قتل‌اسقف ماکاریوس رئیس جمهور قانونی قبرس و استقرار رژیم فاشیستی نیکوس‌سامپسون در این جزیره بود باشکست مواجه شد. دیکتاتوری خونین و ننگین چند روزه سامپسون سقوط کرد. یوآیندیس و دولت فاشیستی نظامی تکیه گاهش درآتن مجبور به کناره گیری‌شدند. شرایط برای اجراء قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که کودتای‌فاشیستی قبرس را محکوم و ضرورت استقرار حکومت مستقل و دمکراتیک آنرا تأیید کرد، در این جزیره آماده تر شده است.

کودتای قبرس که در اصطلاح دستگاههای جاسوسی امپریالیستی «عملیات پرزیدنت» نام گرفته بود در واقع از سال ۱۹۷۱ زمینه چینی شده است. از آن تاریخ ژنرال گریواس و سازمان تروریستی او کوشیدند با ایجاد یک هرج و مرج خونین در جزیره، راه را بروی فاشیسم بگشایند. پس از مرگ گریواس، نیکوس سامپسون که در شهر لندن سابقه حبس پنج ساله بجرم دزدی دارد و بنا به اعتراف خودش دویست زن و کودک را بدست خود کشته است، جانشین وی گردید. نیکوس سامپسون فاشیست، این گانگستر و جنایتکار حرفه ای را حامیان «دمکراسی» و «تمدن مسیحی» برگزیدند تا با کشتن اسقف ماکاریوس رئیس جمهوری قانونی، کرسی او را غصب کند! برای نشان دادن سرشت تبه کارانه امپریالیسم کمتر میتوان نمونه ای از این بلیغ تر ارائه داد: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.»

دنباله در صفحه ۲

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

ارتش ایران بیش از پیش در ورطهٔ جنگ پلید عمان فرو میرود. شاه، که روزی خواب‌پیروزی نزدیک و آسان و بی چون و چرا برای خود و قابوس میدید، جنبش آزادیبخش ظفار را «شورش صد نفر وحشی» نام نهاد. اما اکنون نزدیک به دوسال است که ارتش اعزامی ایران باشاره امپریالیسم امریکا و گوش بفرمان فرمانده انگلیسی ارتش قابوس، درگیر این جنگ است وخبری ازرؤیای طلائی شاه یعنی محو جنبش ظفارنیست. در این دو سال تعداد نیروهای مسلح شاه در عمان از ۶۰۰ نفر به بیش از یازده هزار رسید. سیل اسلحه و مهمات از خاک ایران بسوی عمان جاری است. ارتش قابوس از ۳۰۰۰ نفر در عرض چند سال به ۱۲۰۰۰ هزار نفر افزایش یافته‌ولی آن «صد نفر» ادعائی شاه هنوز در برابر هزاران سرباز و افسرانگلیسی و عمانی و ایرانی و غیره میجنگند و تا بیرون راندن متجاوز از خاک خود و محو رژیم قرون وسطائی عمان همچنان خواهند جنگید.

شاه که با تأخیر دریافته است که‌پیروزی‌برجنبش ظفار آسان نیست، درکنار ادامهٔ این جنگ فرساینده، از یکسو به لاف و گزاف در بارهٔ «جنگجوئی نیرو های اعزامی ارتش ایران پرداخته» و از سوی دیگر فعالیت وسیعی را برای جلب رژیمهای ارتجاعی عرب در پشتیبانی از اقدامات خود در عمان آغاز نموده است. واقعیت آنست که هیچیک از کشورهای عرب که سلطان قابوس از آنان تقاضای کمک کرده، حاضر به اعزام نیرو برای دخالت در جنگ علیه میهن پرستان ظفار نشدند و نه تنها حاضر به اعزام نیرو نشدند، بلکه حتی ارتجاعی‌ترین رژیمهای عربی به اقدامات شاه در عمان با سوء ظن نگریستند، تا آنجا که سلطان قابوس در برابر تیرهای ملامت سران کشورهای عربی به دفاع ازخود پرداخته وگفته است: «... دربرابر

دنباله در صفحه ۲

سرنگونی رژیم موجود شرط مقدم حرکت جامعه به جلو است

دورهٔ ششم — شمارهٔ ۱۱۶ - اوت ۱۹۷۴

دنباله از صفحه ۱

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

شورا برپا کرد ، اصل ۴۸ قانون اساسی را بدینطریق تغییر داد که شاه میتواند هر یك از مجلسین شورا و سنا را جداگانه و یا دو مجلس را در آن واحد منحل سازد » . با این تغییر دو اصل دیگر قانون اساسی (پانزدهم و سی و هشتم) را که برای تأمین آزادی نمایندگان مجلس و مصونیت آنها از ارعاب و تهدید وضع شده عملا نقض کرد ، پس از تأسیس مجلس سنا برخلاف نص صریح قانون اساسی مجموع دو مجلس را بنام کنگره جانشین مجلس مؤسسان نمود .

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد فرصت تازه‌ای بدست او داد تا برخلاف اصل ۴۹ قانون اساسی برای خود حق « وتو » در مورد کلیه قوانین از جمله قوانین مالی که سرنوشت دولتها بدان بسته و از مختصات مجلس است ، بوسیله « کنگره » بدست آورد . چندی نگذشت که یکباره عملا طومار قانون اساسی را درهم پیچید و ادعاکرد که هنگام تعطیل مجلسین فرمانهایش حکم قانون دارد و بدینسان حق وضع قانون را که منحصراً طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی از حقوق [illegible]س است بخود اختصاص داد !

بدین ترتیب شاه با مثله کردن قانون اساسی تمام قدرت را در دست خود قبضه کرد و در یك کلام همه کاره شد . اینك کار بدانجا رسیده که شاه « دموکرات » و کسی که سالها مدعی بود در ایران « دموکراسی » وجود دارد ، بر ملا خود را قادر مطلق اعلام میکند و بی پرده آزادی و دموکراسی را مضر بحال جامعه میداند و آن را بباد مسخره میگیرد !

در اینجا فرصت آن نیست که بذکر تغییرات در قوانین جزائی و تشکیل دادگاههای نظامی بپردازیم. کافی است گفته شود که تنها دردو سال اخیرطبق آمار رسمی بیش از ۶۰ تن از بهترین فرزندان مردم ایران را با این « قوانین » در بیدادگاههای نظامی محکوم باعدام کرده‌اند که بیشتر آنها با اتهام به « قیام علیه‌مشروطه » تیرباران شده‌اند !

امپریالیستها ، شاه و حکومت دست نشانده او میتوانند ۲۸ مرداد را برای خود جشن بگیرند زیرا این کودتا از سوئی بامپریالیستها امکان داد تا بهدفهای پلید خود برسند ، منابع ملی شده نفت را غارت کنند و ایران را به بلوك نظامی « سنتو » کشانده باقرارداد دو جانبه نظامی بامپریالیسم امریکا پیوند دهند ، بر شاهر[illegible] اقتصادی و مالی ایران مسلط گردند ، ایران ر[illegible] به پایگاه تجاوز و تعرض علیه همسایگان تبدیل نمایند ، فرماندهی واقعی ارتش ایران را بدست خود گیرند ، صدای خلقهای ایران را در گلو خفه کنند و از سوئی دیگر شاه و نوکران او و ارتجاع داخلی بر سی‌ودو میلیون نفر مردم ایران فرمانروا و به ارضای هوسهای پلید خود سرگرم باشند . اما برپاکردن جشن مشروطیت از طرف آنها جز دهن کجی بمردم ، توهینی بشهدای راه آزادی واستقلال ایران چیز دیگری نیست.

آنها امروز ۲۸ مرداد را جشن میگیرند و ۱۴ مرداد را هم بصورت مسخره آوری بنام سالروزمشروطیت حفظ میکنند ولی آیا ادامه این وضع برای شاه و یاران امپریالیست او امکان پذیر است ؟ آیا در جهانی که رژیمهای فاشیستی ، دیکتاتوری و پادشاهی مانند پرتقال ، افغانستان ، پاکستان ویونان وامثال آنها فرو میریزند و جنبش خلقها برای آزادی ، استقلال و بهروزی هر روز اوج بیشتری میگیرد ، ایران میتواند یك مورد استثنائی باشد ؟ ابدا ! شرایط جهانی بسود خلقها بطور مداوم درحال دگرگونی است ، جبهه‌صلح وسوسیالیسم وجنبشهای ضدامپریالیستی هرروزنیرومندتر میشوند . نارضائی مردم ایران روز افزون است وعلیرغم شرایط بسیار دشوار داخلی ایران ، آتش مبارزه‌تیزتر میگردد , افق نزدیکی و همکاری نیرو های ملی و دموکراتیك روشن‌تر میشود وسر انجام روزی که در آن رژیم سلطنت استبدادی واژگون گردد دیر یا زود فرا خواهد رسید وظیفه مبارزان دلیر ایران درجشن مشروطیت ویاد بود شوم ۲۸ مردادتشدید مبارزه علیه‌رژیم و افشای آن بنحو ممکن میباشد . ا . گویا

دنباله از صفحه ۱

غارت نفت ، تاراج درآمد نفتی و خیانتهای رژیم

میکند . چنانکه از گفتار روز ۵ مرداد ۱۳۵۴ رادیو تهران برمیآید ، دولت ایران فقط در سال جاری ده میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور را بصورت وام و اعتبار و سرمایه گذاری در کشور های خارجی مصرف خواهد کرد . بازگرداندن درآمد ملی ما و به تاراج دادن منابع ارزی میهن ما خیانت دیگر رژیم حاکم بر سرنوشت مردم ایران است .

این چگونه منطقی‌است؟ رژیم که منابع ثروت و درآمد ملی ما را چنین بی پروا بر باد میدهد ، برای توجیه خیانت های خود « منطق » خاصی بکار میبرد . دولت ایران گاه مدعی میشود که بکار انداختن درآمد هنگفت نفت در داخل کشور ایجاد تورم خواهد کرد ، گاه میگوید که کشور ما بعلت فقدان کارگر ماهر و تأسیسات زیر بنائی قادر بجذب سرمایه های هنگفت نیست . در اینجا این سؤال منطقی پیش میآید : رژیم شاه که مدعی است ایران قادر به جذب درآمد « اضافی » نفت نیست ، چه اصرار در استخراج و صدور آن به کشور های امپریالیستی دارد ، چرا دولت ایران ذخایر نفتی کشور را بمنظور بهره برداری صحیح تر و کسب درآمد بیشتر برای آینده ذخیره نمیکند ؟ بعلاوه رژیم که مدعی است ایران قدرت جذب سرمایه بیشترندارد ، چرا میلیارد ها دلا، از کشور های امپریالیستی امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و آلمان فدرال و ژاپن و غیره برای سرمایه گذاری به ایران جلب میکند ؟ این اقدامات رژیم بر کدام منطق و بر کدام اصول اقتصادی مبتنی است ؟

اینها همه بهانه است. دعاوی رژیم در باره خطر تورم و یا عدم قدرت جذب تمام درآمد های نفتی سفسطه ای بیش نیست . این ادعا که استفاده از تمام درآمد نفت گویا باعث تورم میشود ، ادعائی است بی پایه . بااستفاده صحیح از درآمد نفتی درداخل کشور ، بکار انداختن آن در راه رشد موزون و هماهنگ تمام فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و تمام رشته های تولیدی ، با اتخاذ سیاست مالی و پولی و بانکی و اعتباری صحیح ، یعنی تمام آن چیزهائی که رژیم بعلت هزینه های سرسام آور غیر تولیدی نظیر هزینه های نظامی و اداری و غیره تاکنون نتوانسته است انجام دهد، میتوان از بروز تورم درداخل کشور جلوگیری کرد.

در مورد جذب سرمایه نیز باید گفت که میهن ما برای بهره برداری از منابع متنوع و سرشار طبیعی و استفاده از نیروی کار فراوان که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن در حال بیکاری و نیمه بیکاری است ، برای رشد سریع اقتصاد کشور و بهبود وضع زندگی زحمتکشان و بر انداختن عقب ماندگیها و نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی به ده ها و صد ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد . برخی از دشواریهای موجود نظیر فقدان کارگر ماهر و کادرفنی و تکنیك و تکنولوژی معاصر که خود معلول سیاست ضد خلقی رژیم موجود است ، دشواریهائی است که بخصوص با تکیه به کمکهای بی شائبه کشور های سوسیالیستی و با ایجاد مناسبات سالم و برابر حقوق با کشور های پیشرفته ، در مدتی نه چندان طولانی میتوان بر آنها غلبه کرد .

باری ، اینگونه دعاوی بی پایه سفسطه هائی است برای توجیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم کنونی . شاه میخواهد از راه بازگرداندن درآمد نفت ، به انحصار ها و کشور های امپریالیستی کمك کند و در عین حال برای جلب سرمایه های امپریالیستی به کشور تضمین بوجود آورد و سرانجام با ایجاد پیوند بیشتر و عمیقتر میان منافع رژیم استبدادی و ارتجاع داخلی و انحصار ها و دول امپریالیستی ، پشتیبانی هر چه بیشتر آنان را جلب نماید . این نیز خیانت دیگری است که رژیم شاه نسبت به منافع و مصالح واقعی میهن ما مرتکب میشود .

خیانت به منافع خلق های دیگر دولت ایران با استفاده از درآمد هنگفت نفت نقش پاسدار سلاح بدست منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم را در خلیج فارس و مناطق همجوار آن بعهده گرفته‌است. رژیم شاه با استفاده از قدرت نظامی خود ، ببهای از دست دادن ده ها میلیارد دلار (که میتوانست در راه پیشرفت اقتصادی و بهبود زندگی زحمتکشان ایران مصرف شود) به سرکوب جنبش های آزادیبخش در منطقه خلیج فارس و توطئه و تحریك علیه ملل و خلق های عرب و کرد و بلوچ در کشور های همسایه و علیه کشور های مترقی و ضد امپریالیست در این منطقه پرداخته است .

رژیم شاه با استفاده از درآمد نفت ، علاوه بر نقش ژاندارم منطقه همچنین نقش دستیار امپریالیسم را بمنظور ایجاد رخنه اقتصادی و اعمال نفوذ سیاسی میان کشور های در حال رشد آسیا و افریقا بعهده گرفته است . شاه با بعهده گرفتن این نقشهای خرابکارانه عملا به صورت « نوچه » امپریالیسم در آسیا و افریقا در آمده است . این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه علیه جنبش آزادیبخش خلقها و در آخرین تحلیل علیه منافع ملی مردم ایران مرتکب میشود .

تمام اینها حقایق رسوا کننده ایست که هر کدام به تنهائی محکومیت رژیم را در برابر مردم ایران و خلقهای دیگر نشان میدهد . دعاوی خود ستایانه شاه و تبلیغات سفسطه آمیز چاکران وی نتوانسته و نخواهد توانست مبارزان راه آزادی و استقلال میهن ما را بفریبد . مسعود

دنباله از صفحه ۱

توطئه ای که شکست خورد

مجله « شپیگل » منتشره در آلمان غربی جریان کودتا را چنین شرح میدهد : تنظیم نقشه کودتا چندین هفته طول کشید . دیمیتریوس یوآینیدیس رئیس سازمان جاسوسی « اساء » دستور اجراء آنرا صادر کرد . این اقدام را به ژنرال کندیدیاوس سپردند . وی برای انحراف نظر ، چند روز قبل از کودتا ، بظاهر از کار خود استعفا داد و به آتن آمد . روز ۱۳ ژوئن هدف عمده این توطئه که قتل ماکاریوس بود از طرف دولت فاشیستی آتن رسماً تصویب شد . اما هدف سیاسی کودتا اجراء نقشه « انوزیس » یعنی الحاق قبرس به کشور یونان بود و درست همین هدف دولت ترکیه را که همیشه مخالف این الحاق بود به واکنش نظامی وا داشته است و این چیزی بود که ظاهراً درحساب توطئه گران واشنگتن و آتن وارد نمیشد . واکنش ترکیه ، جناح شرقی پیمان ناتو را دچار بحران و آشفتگی رسوا و مضحکی ساخت و بسیاری از نقشه‌ها را بهم ریخت .

پشتیبانی اصولی ومحکم اتحاد شوروی درشورای امنیت از حقوق حقه مردم قبرس برای استقلال و دموکراسی ، امپریالیستها را که این بار کوشیدند در « جبهه مشترك » عمل نمایند ودر لفافه سالوسیها ومودی گریهای خاص خودشان ، سعی بلیغ بکار بردند تاموضوع را بنحوی ماستمالی‌نمایند ، بعقب زد . در قطعنامه‌شورای امنیت که باتفاق آراء تصویب شد ، حقیقت بسود مصالح خلق قبرس که علیه باند خون آشام سامپسون جلاد مبارزه میکرد و در این مبارزه دو هزار قربانی داد پیروز شد . شکست فاشیستهای آتن و قبرس وارباباب امریکائی و انگلیسی آنها در امر پیش بردن توطئه ، هنوز مرحله ای مقدماتی از یك روند بغرنج است . تحولات اخیر یونان که منجر به سقوط دیکتاتوری فاشیستی ساخت پنتاگون و سیا شد و نیز وضع در جزیره قبرس باید بآن سرانجامی که مطلوب خلق های این سرزمینهاست برسد . این نه فقط آرزو و خواست آنها ، بلکه آرزو وخواست همه مردم جهانست.

حوادث قبرس و یونان و بحران جناح شرقی ناتو در مدیترانه ثمره مستقیم تغییر تناسب نیرو ها در عرصه جهانی بسود صلح و بزیان یاران جنگ و جنگ سرد و مظهر تازه ای از آنست . ما مطمئنیم که همین عامل مهم که تأثیر دائمی دارد در سیر آتی این روند اثرات خود را خواهد گذاشت . آری ، آن دوران بی بازگشت سپری شده است که واشنگتن و لندن و دیگر همدستان امپریالیست آنها میتوانستند بسود راهزنیهای غدارانه خویش در گستره جهان ، هر زوری را که میخواهند بگویند و هر نقشهٔ پست فطرتانه‌ای را که در سر دارند عملی کنند . ضعف و محدودیت امکانات آنها بیش از پیش روی دائره می افتد و برملا میشود .

حوادث قبرس مانند بسیاری حوادث دیگر سال های اخیر در جهان ، درسهای گویا و عبرت انگیزی است که در درجه اول باید چاکران ایرانی امپریالیسم را از مستی بیخردانه اشان بیدار کند .

ا . س .

دنباله از صفحه ۱

دست رژیم تجاوزگر ایران ازظفار کوتاه !

شرکت نیروهای ایران درکنار نیروهای عمان درجنگ منطقه ظفار تبلیغات کمونیستی حقایق را در این زمینه تحریف کرده است . . . عمان حق داشته است که از ایران چنین کمکی دریافت کند ، چون ایران یك کشور اسلامی و علاوه بر این یك کشور دوست و همسایه است . . » . (اطلاعات ۸ خرداد ۱۳۵۳)

بیانات اخیر وزیر اطلاعات عمان در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه « الجمهوریه » چاپ قاهره بروشنی نشان میدهد که رژیم عمان بعلت دخالت دادن ایران در جنگ مورد انتقاد سران کشورهای عربی است . وزیر اطلاعات عمان‌میگوید : « موقعی که سلطان نشین‌عمان . . . از کارشناسان انگلیسی استفاده کرد ، بعضی از پایتختهای‌عربی‌اعتراض کردند وموقعی که‌ازافسران‌اردن استفاده کرد باز هم . . . اعتراض نمودند . اینك سر صدای تازه ای میشنویم دائر بر اینکه . . . عمان از کار شناسان کشور همسایه و اسلامی خود در ایران استفاده میبرد . . . » (اطلاعات ۶ خرداد ۱۳۵۳) »

اما چه کسی نمیداند که این « کار شناسان » همان نیروهای اعزامی ایران هستند که دوش بدوش فرمانده انگلیسی ارتش عمان‌علیه میهن پرستان ظفار میجنگند. علیرغم کوششهای پردامنه شاه تا کنون فقط یکی دو نفر از سران رژیمهای‌ارتجاعی عرب به تأیید دخالت‌شاه در جنگ عمان پرداخته اند که بهیچوجه توفیقی برای رژیم محسوب نمیشود. افکار عمومی‌جهان عرب همچنان با قاطعیت مداخله رژیم شاه را در عمان محکوم و از جنبش دلیران ظفار پشتیبانی میکند .

شاه بدنبال کوششهای خود برای جلب سران مرتجع برخی ازکشورهای عربی ، به دگرگون جلوه‌دادن جنبش میهن‌پرستان ظفار پرداخته وناگهان « خواب‌نما » شده وادعا میکند که کوبائی ها با اونیفورم میهن پرستان ظفار علیه سلطان قابوس میجنگند ! او با این دروغ بیشرمانه میخواهد باصطلاح دخالت پلید خود را در جنگ عمان توجیه کند هر جنبش میهن پرستانه‌ای در گوشه‌ای از جهان بحق و بدون هیچ تردید مورد پشتیبانی جامعه کشور های سوسیالیستی و در درجه اول تکیه گاه نیرومند آن اتحاد شوروی است واتفاقاً همین تکیه‌گاه نیرومند ومطمئن است که شاه و سایر عناصر ارتجاعی‌جهان را بخودمیازارد. اما میان پشتیبانی جامعه کشور های سوسیالیستی از جنبش های آزادیبخش و دروغها و سفسطه های جارچیان تبلیغاتی رژیم ، تفاوت از زمین تا آسمان است . این پشتیبانی نه فقط در مقابل سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم و ارتجاع منطقه قرار دارد ، بلکه در مقابل سیاست خائنانه رهبران مائوئیست چین است که جنبش رهائی بخش‌ظفار را رهاکرده ، بر عکس‌تسلیحات شاه وسیاست تجاوزکارانه او را تقویت وتأیید میکند .

جنگ ویتنام درس آموزنده ای است . عظیم ترین نیروی نظامی امپریالیستی در پیکار با خلق ویتنام که برای آزادی و استقلال خود میجنگید فرو ماند وبا فضیحت تمام نا گزیر به عقب نشینی شد . رژیم ارتجاعی شاه با امکانات محدود نظامی وسیاسی‌ورسوائی معنوی عالمگیر خود حقیرتر از آنست که بتواند بر ارادهٔ خلق ظفار برای آزادی و بهروزی پیروز شود ، رژیمی که خود بحکم تاریخ محکوم به زوال است ، میخواهد رژیم روبزوال دیگری را از سقوط‌نجات دهد . این کوری است که عصا کش کور دگر شده است.

مینو

توجه

آدرس حساب بانکی ما در برلن دموکراتیك برای خوانندگان نشریات توده در جمهوری فدرال آلمان نیست . دریافت کنندگان نشریات در جمهوری فدرال آلمان لطفاً بهای نشریات را بحساب بانکی ما در استکهلم حواله فرمایند .

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

حـراج منابـع نفـتی ایـران

ادامـه دارد

درست همزمان با جشنهای فرمایشی بمناسبت «روز نفت» ، یعنی روزی که بنا به ادعای رژیم «کنترل واقعی و کامل» ایران بر صنعت نفت خویش بر قرار شده ، ولی در واقع روزی که تسلط کنسرسیوم بین المللی نفت بر مهمترین صنایع نفتی ایران برای ۲۰ سال دیگر ، بشکل جدید ، تأمین گردیده است ، روزنامه‌ها خبر دادند که شرکت ملی نفت ایران برای کشف استخراج و تولید نفت در «مناطق آزاد شده» از امتیاز سابق کنسرسیوم ، شش قرار داد جدید با شرکتهای نفت خارجی منعقد خواهد کرد . و طبق خبر روزنامه‌ها تا کنون این قراردادها با شرکت نفتی فرانسوی «س . اف . پ» ، شرکت نفتی امریکائی «اشلند اویل» ، شرکت نفتی امریکائی «الترامار» و شرکت نفتی آلمان غربی «دمینکس» و شرکت نفتی ایتالیائی «آجیپ» امضاء شده است . بدینسان حراج نفتی ایران ـ که علاوه بر منطقه تحت تسلط کنسرسیوم ، از سالهای پیش آغاز شده بود ، همچنان ادامه دارد .

دستگاه تبلیغاتی رژیم هنگام عقد قراردادهای جدید نفتی همیشه از «انقلاب» در قراردادهای نفتی ، از اینکه این یا آن امتیاز «جدید و یا بیسابقه» نصیب ایران شده ، سخن میگوید . معلوم نیست با این «انقلاب» های «جدید» تکلیف «انقلاب» های سابق چه میشود ؟ آیا این حد اقل اعتراف نا خواسته به این واقعیت نیست که قراردادهای گذشته نفتی چیزی کمتر از قرارداد های جدید نفتی دارند و تبلیغات گذشته در باره‌آن قراردادها دروغ بوده است؟ و آیا قراردادهای نفتی آینده ـ که با سیاست حراج رژیم مسلماً منعقد خواهد شد ـ دروغ تبلیغات کنونی‌را ثابت نخواهد کرد ؟ ولی مسئله اصلی این نیست . صحبت بر سر این نیست که در قرار داد های جدید نفتی ، ایران این یا آن امتیاز را بدست آورده است . در واقع هم در شرایط کنونی جهانی ـ چه از نظر سیاست عمومی بین المللی و چه در بازار بین المللی نفت ـ دیگر نمیتوان قرارداد هائی از نوع قرار داد های قبل از جنگ جهانی دوم و یا حتی ۱۰ ـ ۲۰ سال پیش منعقد کرد . نتیجه اینکه محافل حاکمه ایران هم میکوشند با استفاده از این شرایط ، برخی امتیازات مالی و فنی ـ که در گذشته نداشتند ـ از شرکتهای نفتی بدست آورند .

دنباله در صفحه ۲

بـار دیگر در بـارهٔ روابط

ایـران و عـراق

حزب توده ایران در طرح برنامه خود خطوط یك سیاست خارجی ملی و مستقل بمعنای واقعی این کلمات را روشن کرده است : حزب ما برآنست که اتخاذ چنین سیاست خارجی ملی‌ومستقل وسیله‌نیرومندی است برای قطع نفوذامپریالیسم ، تحکیم استقلال‌سیاسی و تضمین ترقی امنیت کشور .

یکی از مبانی اساسی یك چنین سیاستی‌عبارت است از : ال روش همزیستی مسالمت آمیز یعنی : استقرار مناسبات ، دولتهای خارجی بر اساس مراعات اصول حاکمیت و برابری حقوق و تمامیت ارضی هر کشور ، اعم از خرد و کلان و احترام بحق عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و کلیه

دنباله در صفحه

نـامـه مـادر

سلام گرم من مادر ، با قلب پاك به شهیدان راه آزادی ، بخواهران و برادران من . سلام من به شهیدان که جان شیرین خود را در راه انساندوستی ، ودر راه آزادی ملت فدا کردند :

پسرم پرویز حکمت جو ستوان یکم نیروی هوائی ، اردیبهشت سال ۱۳۰۶ متولد شد . در سال ۱۳٤۳ ـ دستگیر شد . اول باعدام بعد بحبس ابد محکوم شد . مدت نه سال من مادر چه شهرها که برای فرزندم دویدم ، چه زجر ها که کشیدم ، چه دشنامها از دشمنان فرزندم شنیدم که در هیچ جا نشنیده بودم ، بعد از ناراحتیهای نه سال زندان وخون جگر خوردنها بدون هیچ تقصیر وگناهی او را ساعت دوازده شب ۲۱ر۲ر۵۳ بیدار کردند به کمیته بردند . من مادر در آن شب تیره وتار دیگر نمیتوانم بگویم که آن جلادان خونخوار با فرزندم چه کردند . پنجشنبه ۱۱ ـ اردیبهشت ۱۳۵۳ به زندان رفتم برای ملاقات فرزندم . او در آمدن به پشت میله کمی تأخیر نمود از یکی از رفقای اوکه برای ملاقات‌مادرش پشت میله آمده بود سئوال کردم که چرا پسرم پرویز دیر کرده است : در جواب گفت : خودش را برای مادرش خوشگل میکند . در همین موقع فرزندم رسید . پس از سلام و احوال پرسی با من بدوستش گفت : رفیق ، پیش مادرم برای من مایه میآئی ، رفیقش جواب داد : پرویز جان ، حمام رفتی ، سرت را روغن زدی ، صورت را اصلاح کردی ، ادکلون که زدی . بعد من گفتم که مادر . حالت خوب‌است ؟ جواب داد : پرویز هیچوقت‌حالش بد نمیشود . هر روز حال‌من‌بهتر از روز دیگر است . گفتم : مادر ، سه‌شنبه چه برایت بیاورم ؟ گفت به اسم من چیزی‌قبول نمیکنند ، برای صفر و دیگران بیاور . فرزندم در آن روز با روح ، خوشحال وخندان وسالم بود . روز سه شنبه که‌زندان باز ملاقات دادند ، در تاریخ ۲۲ر۲ر۵۳ با خوراکهائی که تهیه کرده بودم ، با امید زیادی رفتم در زندان . از پلیس ورقه خواستم که بروم پیش فرزندم . پلیس گفت که پرویز نیست . پرسیدم کجاست ؟ گفت دیشب که‌حاضر وغائب میکردند ، سه‌شب بودبردند کمیته برای باز جوئی . از شخص دیگری پرسیدم بعد از نه سال زندان چرا بردند کمیته ؟ جواب داد یك بازجوئی کوچکی از او بعمل خواهد آمد راجع به دخالتی که نسبت به زندانیها میکند و برای چند روز دیگر میآید . مدت یکماه هر روز ساعت هشت صبح تا دو بعد ازظهر در این اداره های مربوط به کار فرزندم بودم . نامه مینوشتم ، تلفن‌میکردم ، خودم‌میرفتم ولی نه نامه‌ام را قبول میکردند و نه راهم میدادند ونه جواب ولی خبر دارم که تا روز ۱٤ خرداد در کمیته سلامت و خوشحال و با روحیه خوب بوده است . ولی صبح روز ۲۲ خرداد که چند نامه نوشته بودم که برای ملاقات بروم ، در همان ساعت دخترم‌خبر مرگ ناگهانی فرزندم را داد . آنهائی که انساندوستند خواهند فهمید که این مادر که‌سالها شاهد شکنجه‌های فرزندش بوده و حال با مرگ فرزندش روبرو شده ، چه حالی دارد چون پسرم همیشه میگفت مادر ، پنجشنبه‌ها که میآئی امید نداشته باش که من زنده باشم . این گوشه‌ای از زندگی یك مادر پیر وعلیل وستمدیده و زجر کشیده است . درود بی پایان من وهمه مادرها به روح پاك شهیدان راه آزادی !

صدای سازمان امنیت از دهان مائوئیستهـا بیرون میآید

شهادت رفیق پرویز حکمت جو ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، نه فقط موجب تأثر عمیق اعضاء و هواداران حزب توده ایران از این ضایعه جانگداز و اعتراض و خشم و نفرت آنان نسبت به‌این جنایت تازه سازمان امنیت گردید ، بلکه همدردی و همبستگی سایر نیروهای ضد رژیم را نیز برانگیخت . واین طبیعی است . میهن پرستان وانقلابیون واقعی ، صرفنظر از هرگونه اختلاف سیاسی و ایدئولوژیك ، در مبارزه بر ضد رژیم استبداد سلطنتی محمد رضاشاه ، در دفاع از قربانیان این رژیم اهریمنی وحدت نظر دارند . وپرویز حکمت‌جو ، که در برابر دادگاه رژیم با سربلندی از حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، دفاع کرد ، طی سالها شدید ترین فشار های جسمی و روحی دستگاه شکنجه ساواك را تحمل نمود و سرانجام ، وفادار به آرمان انقلابی خود ، به‌حزب خود به خلق خود ، قهرمانانه شربت شهادت نوشید ، شایسته چنین همدردی و همبستگی و دفاع از جانب همه نیروهای ضد رژیم بود .

دراین همبستگی واعتراض همگانی ، «پیمان» ، ارگان دفاعی کنفدراسیون نیز شرکت کرد ، عملی که مورد تأیید و پشتیبانی همه دانشجویان آگاه‌و مترقی ، همه نیروهای واقعی ضد رژیم در کنفدراسیون قرار گرفت . دراین میان‌ناگهان صدای بیگانه‌ازمائوئیستهای «توفان» و«سازمان انقلابی» بود ، علت وچگونگی این «اعتراض» در «جلسه‌بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان» آشکار شد . توضیح آنکه کنگره‌فدراسیون آلمان غربی بعلت خرابکاری مائوئیستهای «توفان» و «سازمان انقلابی» نتوانست تشکیل شود و در نتیجه «کنگره» به «جلسه بحث آزاد» تبدیل‌گردید.

علت چگونگی «اعتراض» مائوئیستهای «توفان» و «سازمان انقلابی» را به عمل هیئت دبیران کنفدراسیون در دفاع از پرویز حکمت جو و اعتراض به جنایت رژیم بهتر است از زبان خود هیئت دبیران بشنویم . هیئت دبیران کنونی کنفدراسیون بدنبال شکست مائوئیستها در پانزدهمین کنگره کنفدراسیون ، از جانب نیرو هائی انتخاب شد که بتدریج به سیاست ضد انقلابی و ضد خلقی و نقش مخرب و تفرقه جویانه مائوئیستها در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیك میهن ما ـ از جمله در جنبش دانشجوئی ـ پی میبرند و بیش از پیش در برابر این عنصر بیگانه در جنبش می ایستند . این هیئت در اطلاعیه‌ای که «درباره برخی نظریات ابراز شده در جلسه بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان» صادر کرده چنین میگوید .

« . . . عده‌ای پیدا شده‌اند که میخواهند با با دخل وتصرف در این اصل و عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود در برنامه دفاعی کنفدراسیون درواقع مبارزات کنفدراسیون جهانی را تعطیل کنند . این دوسه تن بنا به اظهارات صریحشان معتقدند : افرادی که از لحاظ ایدئولوژی وابسته به شوروی و حزب توده اند ، ولو اینکه بر علیه رژیم شاه مبارزه کنند و گرفتار چنگال این رژیم خون آشام شوند نباید از آنان دفاع بعمل آید .

البته این تمام حرف آقایان نیست ، آنها پارا از این هم فراتر نهاده و در بحثهای پس از فدراسیون آلمان علناً مدعی شده اند که این نوع افراد بدلیل وابستگی ایدئولوژیکیشان «عناصر جاسوسند» و خونشان حلال است و بعنوان اقامه دلیل نیز این منطق ارتجاعی را بمیان کشیدند که کنفدراسیون جهانی همانطور که از «هلمز» رئیس سابق سازمان جاسوسی «سیا» در صورت گرفتاری و قربانی بدست رژیم شاه ! ! دفاع نخواهد کرد ، از شهید پرویز حکمت جو نیز نباید دفاع کند . . . »

خوانندگان گرامی ! کمی درباره «استدلالات»

دنباله در صفحه ۲

جنجال بهای گاز

وشکست‌مانورهای رژیم‌وحامیان‌مائوئیست آن

بطوریکه محافل رسمی ایران اطلاع دادند ، ایران و شوروی در باره تعیین بهای جدید گاز صادراتی ایران بشوروی بتوافق رسیدند . کسانیکه به هیستری ضد شوروی گرفتار نیستند واصول سیاست شوروی را تحریف نمیکنند ، حصول چنین توافقی را حتمی میدانستند .

ولی مسئله افزایش بهای گاز دستاویز تازه ای بود که جارچیان رژیم شاه از سوئی ومائوئیستها ازسوی دیگر برای تبلیغات ضد شوروی خود از آن استفاده کردند . این تبلیغات زمانی انجام گرفت که دولت ایران در راه خیانت بمنافع ملی ، یعنی بتاراج دادن منابع و درآمد نفتی میهن ماگامهای تازه تر و بزرگتری برمیداشت . برای افراد بیغرض روشن بود که‌جنجال تبلیغاتی رژیم در باره افزایش بهای گاز و متهم کردن اتحاد شوروی به پیروی از سیاست استعماری و پایمال کردن منافع ایران بمنظور منحرف کردن افکار مردم و سرپوش نهادن بر این خیانتها انجام میگیرد .

برای نشان دادن ماهیت دعاوی رژیم بچند مورد اشاره میکنیم : مطبوعات ایران از قول «کار شناسان مطلع» مدعی میشدند که چون بهای نفت کوره چهاربرابر شده ، لذا بهای گاز صادراتی بشوروی نیز طبق قرارداد میان ایران و شوروی باید ... با آن چهار برابر شود یعنی از ۷ ر۳۰ سنت برای هزار فوت مکعب به ۲ر۱ دلار برسد . این ادعا کاملا بی پایه بود . طبق قرار داد ، افزایش یا کاهش بهای گازصادراتی بشوروی‌فقط در صورتی متناسب با افزایش یا کاهش بهای نفت کوره انجام میگیرد که این تغییرات بین ۱۰ تا ۳۰ در صد باشد . مطابق همین بخش قرارداد بود که بهای گاز یکبار در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ متناسب با افزایش نفت کوره بالا رفت واز ۷ر۱۸ سنت‌به۷۸ر۳۰ سنت رسید . ولی اگر بهای نفت کوره بیش از ۳۰ در صد افزایش یابد ، طبق قرارداد ، بهای گاز صادراتی بشوروی متناسب با آن افزایش نمی‌یابد ، بلکه طرفین‌باید برای تجدید نظر در بهای گاز بمذاکره بپردازند . در قرار داد عیناً چنین گفته میشود : «هر گاه در قیمت اعلان‌شده برای نفت کوره سبك ایران در بندر ماهشهر تغییراتی بین ۱۰ تا ۳۰ در صد ، اعم از افزایش یا کاهش ، حاصل شود ، قیمت متغییر گاز از تاریخ تغییرات مزبور متناسباً افزایش یا کاهش خواهد یافت و چنانچه در قیمت اعلان شده برای نفت کوره سبك ایران بیش از ۳۰ در صد افزایش یا کاهش حاصل شود ، طرفین جهت تعیین قیمت‌جدیدگاز ایران وارد مذاکره خواهند شد » .

چنانکه می‌بینیم‌قرار داد در این مورد صراحت کامل دارد و طرفین را موظف به مذاکره کرده است . طبیعی است که مذاکره در باره اینگونه مسائل که با عوامل مختلف داخلی و خارجی ، اقتصادی و مالی و فنی و غیره ارتباط دارد ، کاری نیست که در یك نشست به نتیجه نهائی برسد و به صرفه طرفین فیصله یابد . جریان سالم اینگونه مذاکرات پیش از همه به حسن نیت و ایجاد محیط آرام ، دوستانه و صادقانه ضرورت دارد ، آن چیزیکه ، دولت ایران با سوء نیت و آگاهانه برخلاف آن عمل نمود . ولادیمیر میروفیف ، سفیرشوروی در تهران ، هنگامیکه تبلیغات ضدشوروی

دنباله در صفحه ۲

بحران مطبوعات است یا بحران اعتماد ؟

در هفته اول خرداد ماه ۱۳۵۳ دو روزنامه مهم عصر یعنی «اطلاعات» و«کیهان» ، (که اینك بهمراه نشریه «خواندنیها» هر یکی بیك «بنیاد» مهم سرمایه داری در ایران بدل شده اند) ناگهان ببهای تکفروشی خود صد در صد افزودند یعنی بهای آنرا از پنج ریال به‌ده ریال رساندند . مطبوعات دیگر ، بدنبال آنها ، یا دست به افزایش بها یا کاهش‌صفحات زدند . علت این عمل در جراید ایران بعنوان «بحران مطبوعات» ذکر شده یعنی گرانی بهای کاغذ وکمبود آن ، گرانی بهای چاپ ، بالا رفتن هزینه کارگران و کارمندان مطبوعات .

این بحران بحث مفصلی را در جراید و مجلات ایران برانگیخت . در جریان این بحث مطالب‌اصلی و جدی کمتر گفته شده ولی گاه باین نکته نیزاشاره گردیده که ریشه بحران عمیقتر ازآنهاست که میگویند و این ریشه در کاهش اعتماد مردم به مطبوعات نهفته است و درست بهمین جهت است که «درد تیراژ»

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

بار دیگر در باره روابط ایران و عراق

خلقها در انتخاب نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود ؛ حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی ازطریق مذاکرات جاری سیاسی واستقرار مناسبات حسن‌همجواری ودوستی و همکاری باهمه همسایگان ایران .

در برنامه حزب ما تصریح شده است که یکی ازاشکال مشخص اعمال این‌سیاست آنست که‌مشکلات موجود در مناسبات باکشورهای عربی (بویژه با دولت های‌ضد امپریالیست عرب) بقصد استقرار روابط دوستانه از طریق مذاکره حل شود و از مبارزه این ملتها علیه امپریالیسم و در راه خواستهای مشروع استقلال طلبانه و اجراء تصمیمات شورای امنیت علیه تجاوز اسرائیل ، پشتیبانی بعمل آید .

بر اساس همین روش ملی ، میهن پرستانه ، و از جهت سیاسی بصیرانه ، سالهاست که ما سیاست تحریک‌آمیز رژیم ایران را در روابط باهمسایه باختری یعنی جمهوری عراق مورد انتقاد قرار داده‌ایم . سیاست رژیم ایران در این زمینه ، محصول سیاست عمومی‌وی در منطقه آسیای باختری است که شاخص آن‌عبارتست از اجراء نقش ژاندارم منطقه، اجراء نقش دستیار ودلال و واسطه امپریالیسم و دست زدن بروشهای وخامت انگیزی و تجاوز گری بسود محافل جنگ سرد .

مثلا موافق تصمیم شورای امنیت و با وساطت سازمان ملل متحد، ایران وعراق میبایست اختلافات خود را طریق مذاکره‌فیصله دهند . این مذاکرات در واقع نیز اخیراً درشهر اسلامبول آغاز شد ولی‌مقارن همین ایام است که ایران بار دیگر به تحریکات مرزی خود ادامه میدهد وآنرا واکنش ضرور به تجاوز طرف مقابل نام میگذارد و یا شاه با سرو صدا کشف «توطئه جدیدی» را اعلام میدارد وجراید در باره نقشه جدید تقسیم ایران که گویا محافل بعث عراق آنرا در سر می پرورانند ، مقالاتی نشر میدهند وسخنگوی دولت ایران ، اعتراضات وانتقادات نماینده دولت‌عراق را در مذاکرات اسلامبول نسبت بروش دولت ایران بعنوان تبلیغات « ضد ایرانی » رد میکنند ! وفریدون هویدا نماینده دائمی ایران درسازمان ملل‌طی یادداشتی به رئیس شورای امنیت مینویسد که : « دولت ایران حق مشروع خود میداند که صداقت عراق را در قبول موافقت‌نامه میان‌دو کشور مورد شك‌وتردید قراردهد» . .

همه این‌واقعیات حاکی‌از آنست که دولت‌ایران خیال ندارد طبق‌قطعنامه مصوبه شورای امنیت‌وبرحسب وساطت‌سازمان‌ملل‌متحددر مورد حل‌مسائل‌متنازع‌بین‌ایران و عراق روش سازنده داشته باشد و باعمال فشار سیاسی و نظامـی خود نسبت به جمهوری عراق خاتمه دهد ، قصد ندارد ازمداخلات خود در کردستان عراق‌دست کشد صدد آن نیست که روابط خود را با عراق عادی . . . چرا؟ زیرا این عمل بخشی است ازسیاست ایران در منطقه بعنوان ژاندارم ، بعنوان مأمور حفظ محیط جنگ سرد ، بعنوان مأمور وخامت انگیزی ، بعنوان نیروئی که باید با رژیمهای ضد امپریالیستی مانند رژیم عراق و یمن جنوبی و با جنبشهای رهائی بخش مانند خلق ظفار مقابله خصمانه کند .

ما در اینجا قصد نداریم در موارد مشخص‌مسائل مورد تنازع بین ایران وعراق وارد شویم زیرا در برخی از این موارد مشخص حزب نظر خود را ضمن اسناد و مدارك‌رسمی‌خویش روشن کرده ونیازی به تکرار نیست . آنچه که مایلیم تصریح کنیم،بویژه دو نکته است :

اول ـ آنکه ایران باید با عزم جزم و صادقانه نیل به تفاهم با همسایه عربی ما عراق عمل کند و برای این‌منظور محیط لازم سیاسی نیل به‌چنین تفاهمی را بوجود آورد و از اقدامات و تحریکات و تجاوزات خود دست بردارد !

دوم آنکه با توسل‌بشیوهٔ مذاکره بعنوان تنها شیوهٔ مجاز برای حل اختلافات موجود، این مذاکرات‌را بر پایه واقع گرائی سیاسی و مراعات حقوق و صرفه متقابل هرچه زودتـر آغاز نمـاید و مناسبات با همسایه غربی را عادی سازد و بدینسان محمل‌های لازم را برای آغاز دوران نوین در روابطایران و عراق که منجر بدوستی و همکاری گردد پدید آورد .

این‌خواست همه مردم‌ایران است . همسایگی و وجوه اشتراك فرهنگـی و معنوی متعدد با جـمهوری عراق ، مصالح صلح جهان و منطقه ، مصالح امنیت جمعی کشورهای آسیائی ، همه و همه ما را به اتخاذ این روش وامیدارد . وقت آنست که رژیم ایران که از همان آغاز تحول ضد امپریالیستی در عراق ، راه خصومت با این کشور را در پیش گرفته و در واقع پیوسته کوشیده است و کماکان میکوشد تا رژیم ارتجاعی دست نشانده امپریالیسم در بغداد احیاء شود ، بخود آید ودرك کند که در جهان امروز این سیاستها بدون دورنماست .

ا . س

دنباله از صفحه ۱

بحران مطبوعات است یا بحران اعتماد

که بقول « خواندنیها » « عقده بزرگ روزنامه نگاران ایرانی » شده است بوجود آمده و حتی یکی از بزرگ ترین روزنامه‌ها از اینکه توانسته است در کشور سی و دو میلیونی ایران در مواردی تیراژ خود را فقط به حدود ۱۸۰ هزار برساند بخود میبالد . تیراژ کثیر الانتشار ترین کتابها در کشور ما به ده هزار نمیرسد و تازه این امر از حوادث نادراست . زیرا مردم بسوی مطبوعات اقبالی ندارند .

خود این پدیده را میتوان‌دو نوع توضیح داد: یك توضیح مجله «نگین» است که مینویسد: « بحران جز باد گرگونی در بینش‌اجتماعی ماچاره پذیر نیست .» یعنی گناه بگردن « بینش‌مردم است » ! مردم هستند که عقب مانده‌اند وبسوی مطبوعات‌روی نمی‌آورند . ولی توضیح دیگر آنست که مطبوعات دولتخواه، ما مبتذل ، گمراه ساز وضد خلقی مورد پسندرژیم مستبده نمیتواند برای مردم ایران که اتفاقاً بینشی روشن دارندجالب باشد . و خود رژیم نیز درماهیت خود دشمن گسترش و نفوذ فرهنگ در جامعه است لذا دشمن واقعی توسعه میدان عمل مطبوعات ایران است .

مطبوعات ایران طی سالهای رژیم کودتا دو نوع تحول ناسالم را گذرانده است : تحول نخستین تبدیل بسیاری از این مطبوعات به مؤسسات سرمایه داری بزرگ و متوسط و پدید شدن انواع پیوند های اقتصادی ما بین آنها و رژیم و طبقات حاکمه است. بعنوان مثال میتوان از نقشی که رکلام و آگهی های بازرگانی در حیات مطبوعات دارند یاد کرد . در سال ۱۳۵۲ مبلغ دویست وسی میلیون تومان صرف‌تبلیغات در مطبوعات شده. بقول خواندنیها « این پول هنگفت را مصرف کنندگان کالا ها روی قیمت کالا ها» پرداخته‌اند . حتی مطبوعات بزرگی مانند « اطلاعات » و « کیهان » مدعی هستند که بر پایه این آگهی‌های تبلیغاتی زندگی میکنند . تحول نا سالم دیگری که مطبوعات گذرانده است قبول سانسورآشکار و مخفی ، مستقیم وغیر مستقیم ایدئولوژیك وسیاسی رژیم است. اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی منتشره در مطبوعات ایران از منابع معین ساواك ، ووزارت اطلاعات وآژانس های دولتی دیگر سازمانهای نظارتی رژیم ، میگذرد . مطبوعات حق کوچکترین « فضولی » در بارهٔ شاه ، خـانواده سلطنتی ، ارتش ، سیاست خارجی ، سازمان امنیت ندارند ودر موارد دیگرکه بآنها اجازه قرقرهای محدود داده میشود ، باید برخی اظهار نظرهای احتیاط آمیز فـرعی را با انـواع تملق گـوئی های تهوع آور همراه کنند .

در سالهای اخیر علاوه بر مطبوعات باصطلاح « مستقل » انبوهی جراید و مجلات دولتی که احزاب دولتی و مؤسسات دولتی چاپ میکنند بوجود آمده که با مخارج سنگین اداره میشوند و خواننده ای هم ندارند و بقول جراید ایران مسیر آنها از مطبعه به مرکز پخش و بار دیگر از مرکز پخش به انبارهاست

در این شرایط‌مشخص‌مطبوعات بناچار بابتذال کشانده میشوند . کار انتشار مطالب بی ارزش و از جهت اخلاقی تباهی آور در مطبوعات ایران بجاهای باریك کشیده است . تا آنجا که حتی شاه (که‌خود سلسله جنبان این ابتذال است) در مراسم سلام در صف مطبوعات چنین گفت : « من هیچ خوشم نمی‌آید اینقدر اخبار جنائی و تصاویر زننده و تحریك آمیز در مطبوعات ببینم » (!)

محتوی ضد خلقی، اخبار و اطلاعات بخشنامه‌وار، تملق‌های تهوع آور ، مطالب‌مبتذل مطبوعات ایران‌را علی رغم زرق‌و برق ظاهری آنها در نزد مردم ازحیثیت انداخته ومدتهاست که این « رکن چهارم‌مشروطیت » فرو ریخته و مردم بآن با نظر سوء ظن و اشمئزاز مینگرند . ریشه اساسی بحران مطبوعات ومحتوی‌واقعی این بحران در همین جاست . دست وپاهای «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات » ، نامـه نگاری به شاه و هویدا ، اعتراضات مشکوك ، به مداخلات دولت که چرا عوارض وحقوق گمرکی و سودبازرگانی از کاغذ میگیرد (!) نوشتن مقالات خاضعانه در « سوگ » مطبوعات چاره کار نیست . مطبوعات ایران ثمره مستقیم یك‌جامعه نواستعماری است که امپریالیسم وی را به کم اندیشیدن و بد اندیشیدن محکوم کرده است .

در مقابل ۱۸ میلیون تن کاغذ مصرفی کشور های سرمایه‌داری غرب د همهٔ کشورهای آسیائی بیش از ۵۸۰ هزار تن (یعنی ۳ در صد) سهم ندارند و بر این اوراق محدود نیز امپریالیسم و عمال محلی او نگاشتن هر چیز دیگری جز دروغ ، ابتذال و سفسطه را مجاز نمی شمرند .

س .

دنباله از صفحه ۱

حراج منابع نفتی ایران

مسئله اصلی‌آنست که در شرایط کنونی جهانی، ایران قادر است حاکمیت واقعی و کامل خود رابر منابع نفت خویش بر قرار کند ولی اتفاقاً درست در همینجاست که رژیم و شرکتهای نفتی امپریالیستی ، با توسل به انواع شیوه‌های نواستعماری ، تسلطشرکت های نفتی امپریالیستی را بر منابع نفت ایران حفظ و تحکیم میکنند و با پیوند سرمایه ایران با سرمایه های امپریالیستی ، وابستگی ایران رابا امپریالیسم‌حفظ و تشدید مینمایند ،

مسئله اصلی آنست که ، علیرغم عوامفریبیهای شاه در باره حفظ این « ماده نجیب » ، با بی‌بند وباری حیرت انگیزی منابع نفتی ایران را با سرعت بسوی ته کشیدن میبرند .

مسئله اصلی آنست که ، درآمد نفت بطور عمده یا صرف خرید اسلحه میشود و یا بنا به « ابتکار شاهنشاه آریا مهر » صرف خرید سهام کنسرنهای‌بزرگ امپریالیستی از قبیل کروپ و بایر و یا دادن وام و اعتبار به دولتهای امپریالیستی از نوع انگلستان‌وفرانسه میگردد . بسخن دیگر درآمد نفت با یکدست گرفته و با دست دیگر پس داده میشود ، و در این معامله‌باز هم وابستگی ایران به امپریالیسم تشدید میگردد .

پایمال کردن حق حاکمیت ایران بر منابع نفت خویش ، بر باد دادن منابع نفت ایران ، بهدر دادن درآمد نفت ایران و تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم ، چنین است ماهیت سیاست نفتی دولت ایران ، که از جمله درقراردادهای جدید نفتی‌منعکس میشود . واین‌سیاست است که‌ما آنرا ضد ملی میدانیم.

مردم میهن ما که شاهد حراج بزرگترین ثروت ملی بنفع یك سیاست ضد ملی هستند ، مبتکران ومجریان این سیاست خائنانه را نخواهند بخشید . مردم ایران مبارزه برای پایان دادن به این سیاست ضد ملی را تشدید خواهند کرد .

م . انوشه

هموطنان عزیز !

به آدرس زیر با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین ـ المللی و نشریه پیکار مکاتبه کنید .

نظریات ، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعـه فعالیت ما ارسال دارید :

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

دنبالـه از صفحه ۱

صدای سازمان امنیت از دهان مائوئیستها

مائوئیستها در لزوم عدم دفاع ازشهید پرویز حکمت‌جو دقت کنید ! آیا این « استدلالات » دفاع صریح از رژیم شاه و سازمان امنیت او نیست ؟ آیا این‌تأیید و توجیه جنایت سازمان امنیت نیست ؟ آیا این صدای سازمان امنیت نیست که از دهان مائوئیستها بیرون میاید ؟ آیا هر ایرانی که کوچکترین احساس انسانی و میهنی داشته باشد ، هرایرانی که کوچکترین اثری از شرافت و وجدان داشته باشد ، هر ایرانی که برای آزادی و استقلال میهن خود مبارزه میکند ، نباید ازاین همه گستاخی ، ازاین همه بیشرمی ازخشم و نفرت بخود بلرزد ؟ وقتی ما میگفتیم مائوئیستها در همکاری با امپریالیسم و رژیم دیکتاتوری شاه هر روز گام جدیدی به پیش برمیدارند ، وقتی ، میگفتیم اپورتونیسم « چپ » سر انجام به اپورتونیسم راست منجر خواهد شد ومائوئیستها جنبش انقلابی را از«چپ» مورد حمله قرار داده‌اند ، سرانجام روزی آشکارا در مقابل جنبش انقلابی خواهند ایستاد به دفاع علنی از امپـریالیسم و رژیـم دیکـتاتوری شاه خـواهند پرداخت ، برخیها باور نمیکردند . « استدلالات » مائوئیستها در لزوم عدم دفاع از رفیق شهید پرویز حکمت جو تازه‌ترین تأیید بر این مدعا است ، ولی حتماً آخرین نیست . سراشیب خیانت پایان ندارد .

آنچه برای گفتن باقی میماند این است که آن نیروهائی در کنفدراسیون که مائوئیستها را دارای « بینش ارتجاعی » و « منطق ارتجاعی » می دانند ، باید بطور قطع بر سینه مائوئیستها ، این عناصر خائن و بیگانه‌در جنبش ضد امپریالیستی ودمکراتیك میهن ما دست رد بگذارند و آنها را یکبار برای همیشه از جنبش دانشجوئی در ایران طرد کنند . فقط درچنین صورتی است که میتوان اتحاد نیروهای ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری را تحقق بخشید و راه پیروزی‌جنبش ضد امپریالیستی ، دمکراتیك و انقلابی میهن ما را هموار ساخت .

م . نوری

دنباله از صفحه ۱

جنجال بهای گاز

در اینمورد‌به‌اوج‌خودرسیده بود، باخونسردی‌اعلام‌داشت : « این موضوع بایستی از طریق دوستانه و دور ازجنجال حل و فصل شود و اطمینان دارد جز این نخواهدشد » .

شرکت‌فعال مائوئیستها دراین کارزار ضدملی‌بار دیگر سیمای واقعی و ماهیت ضد شوروی آنانرا آشکار ساخت مائوئیستهای پکن و ایران و فرانسه و سایر کشورها با پیوستن به جنجال تبلیغاتی رژیم علیه‌شوروی بار دیگر بیاری شاه بر خاستند . مائوئیستها در این کارزار پلید حتی ازدستگاههای تبلیغاتی رژیم نیزپیشتر تاختند و با تحریف واقعیات و جعل اخبار مدعی شدند که اتحاد شوروی گویا گاز ایران را به بهای ارزان میخرد وسپس آنرا به بهای گران به‌کشورهای اروپائی میفروشد . این ادعای مائوئیستها نیز مانند تمام دعاوی دیگر ضدشوروی آنها دروغ وبی پایه بود . زیرا اولا، دولت شوروی گاز خریداری شده از ایران را به جائی صادر نمیکند و آنرا در ماوراء قفقاز بمصرف میرساند ، ثانیاً، اکثر قراردادهای مربوط به‌فروش گاز به کشور های اروپائی، ازجمله قرارداد فروش به آلمان فدرال پیش از امضاء قرارداد ایران وشوروی منعقد شده‌است و گازی که شوروی به این کشورها صادر میکند‌مربوط به منابع خود این‌کشور در نواحی غربی شوروی است. اینها حقایقی است که مائوئیستها در باره آن سخنی نمیگویند .

توافق ایران وشوروی در باره بهای‌گاز ، ضربه تازه ایست بر سیاست ساواکانه رژیم ایران و شکست بزرگی است بر مانورهای رژیم و حامیان مائوئیست آن.

مسعود .

روزنامهٔ دو هفتگی «مردم» و ماهنامهٔ «دنیا» ارگان حزب توده ایران را بخوانید و خواندن آنرا بدوستان توصیه کنید !

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند !

دورهٔ ششم | پانزدهم مهر ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و بیستم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فرخنده باد بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

رفقای عزیز !

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و تمام اعضاء حزب ما بمناسبت بیست وپنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه ترین تبریکات خود را به شما، به تمام اعضای حزب سوسیالیست متحد آلمان و تمام زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم میدارد.

تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان در اکتبر ۱۹۴۹ نقطه چرخشی در تاریخ اروپا بود. توده های زحمتکش به رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست ـ لنینیست آن، بر فراز ویرانه های سیطره فاشیستی، کشوری ترقیخواه و دموکراتیک بنیاد نهادند که راه ساختمان سوسیالیسم را برگزیده و در این راه به پیشرفتهای شایان رسیده است.

طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن در یک پیکار طبقاتی طولانی و دشوار، که در شرایطی بس نامساعد انجام گرفت، توفیق یافتند توطئه های سرمایه انحصاری و ارتجاع مسلط بر جمهوری فدرال آلمان را یکی پس از دیگری درهم شکنند و ساختمان جامعه سوسیالیستی را در جمهوری دموکراتیک آلمان ادامه دهند.

تاریخ بیست و پنج ساله جمهوری دموکراتیک آلمان، تاریخ بیست و پنج سال پیکار طبقاتی آشتی ناپذیر علیه باز مانده های فاشیسم، علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان با اجرای برنامه جامع مصوب کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان، در کلیه عرصه های ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، بکامیابیهای بزرگ نائل آمده اند. این کامیابیها گواه صادقی است بر این واقعیت که چگونه طبقه کارگر، در اتحاد با سایر قشر های زحمتکشان، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان ـ پیشاهنگ آزموده مارکسیست ـ لنینیستی خود ـ میتواند امواج سخت‌ترین آزمون ها را، پیروزمندانه از سر بگذراند.

دنباله در صفحه ۲

واقعیات، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

اخیراً «گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت»، مرکب از ۲۳۸ دانشگاهی، ۳۶ نفر از بخش خصوصی، ۱۲۰ نفر از بخش دولتی و دستگاههای قضائی، ۶۲ تن نماینده مجلس شورا و دو تن نماینده سنا گزارشی در باره مشکلات شهر تهران انتشار داده است. این گزارش که در روزنامه های «اطلاعات» و «کیهان» انتشار یافته وروزنامه «اطلاعات» آنرا «محققانه و مستند» ارزیابی کرده محصول بررسی گروهی است که بنوشته‌روزنامه کیهان دو سوم آنرا هیئت های علمی دانشگاهها و مدارس عالی تشکیل میدهند و مورد تأیید و ارزیابی مثبت محافل منتسب برژیم نیز هست، ولی با تمام این‌احوال چه میتوان کرد که دعاوی شاهنشاه و تبلیغات پر طمطراق رژیم را تکذیب میکند.

شاه کراراً مدعی شده است که «انقلاب سفید» او زندگی مردم را دگرگون کرده، استثمار را از میان برداشته و رفاه و عدالت اجتماعی بارمغان آورده است. اما گزارش گروه بعیان نشان میدهد که حتی در همین شهر تهران، پایتخت کشور که ویترین پر زرق و برق رژیم است، گذران مردم تا چه حد دشوار و اسف بار است. بموجب این گزارش درآمد خانوادههای تهرانی بشرح زیر است: ۴۴ در صد مردم درآمد سالانه ای از ۷۰ تا ۸۰ هزار ریال دارند (ماهانه ۵۸۰ تا ۶۶۰ تومان) و ۴۴ در صد دیگر از ۸۰ هزار ریال تا ۲۴۰ هزار ریال (ماهانه ۶۶۰ تومان تا ۲۰۰۰ تومان). شك نیست که درآمدهای کمتر از ۵۸۰ تومان در همین‌پایتخت فراوان است. چه بسیارند کارگرانی که دستمزد روزانه آنان از ۱۰ تا ۱۲ تومان تجاوز نمیکند. همین اسفند ماه‌گذشته بود که وزارت کار دستمزد روزانه پیشخدمت، کباب پز، حسابگر، و کارگر ظرفشوی را در چلو کبابیها ۱۲۰ ریال تعیین نمود، یعنی درآمد ماهانه‌ای معادل ۳۶۰ تومان که بمراتب از حداقل اعلام شده از سوی «گروه بررسی» کمتر است. با این وجود اگر حد اقل در آمد را در شهر تهران همان میزان اعلام شده گروه فرض کنیم، باز ۸۸ در صد خانوار های تهرانی در آمد ماهانه ای معادل ۵۸۰ تا ۲۰۰۰ تومان دارند، و این در آمد در شهری است که همه چیز از نان و برنج و گوشت و روغن گرفته تا مسواك و خمیر دندان و قرقره و مداد و کاغذ و کتاب، نسبت به همین چند سال پیش دو برابر و سه برابر گرانتر شده است: برای اجاره یك اطاق ۳۰۰ تومان مطالبه میشود، اجاره بهای یك آپارتمان مدرن ۲ تا سه‌اطاقه ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است، بهای یك نان سنگك ۶٫۵ تا ۷ ریال، گوشت اگر پیدا شود کیلوئی ۲۸۰ ریال، شکر کیلوئی ۳۲ ریال، قند کیلوئی ۳۷ ریال و برنج کیلوئی ۷۵ تا ۹۰ ریال است. و بنا بنوشته روزنامه کیهان برای یك دفترچه ۲۰ برگی ۶ ریال وبرای یك دکمه معمولی باید ۳۰ ریال پول پرداخت! روشن است که در این گرانی سرسام آور، حتی خانواده‌ای که ۲۰۰۰ تومان درآمد دارد، باز درمضیقه و تنگناست، تا چه رسد به‌خانواده هائی که بادرآمد ماهیانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان باید زندگی کنند، و البته نه زندگی، بلکه از برکت انقلاب شاهانه بتدریج نابود شوند. و اما در برابر گذران تنگ و فقیرانه ۸۸ در صد خانوارهای تهرانی، تنهایك درصد با درآمد سالانه ای بیش از ۵۰۰ هزار ریال (ماهانه بیش از ۴ هزار تومان) زندگی‌میکنند. شك نیست که در میان این یك در صد، سیمای غارتگر هزار فامیل آگاهانه پنهان شده است. زیرا آنها سالانه نه ۵۰۰ هزار ریال، بلکه میلیونها ریال از ثروت کشور و دسترنج مردم زحمتکش را بتاراج میبرند و درآمد های کلان آنهاست که سطح در آمد متوسط را در تهران به ۱۰۷۵ دلار رسانده است. اگر تهیه چند سیر گوشت برای دهها هزار خانوار در همین تهران نا ممکن است، در عوض آنها انگور نوبرانه کیلوئی صد تومان میخورند، و بنا بنوشته «دنیای جدید» «زندگیشان با زندگی بزرگترین ثروتمندان دنیا برابری میکند، هیچ چیز برای آنها گران نیست وغذایشان را با هواپیما ازخارج می‌آورند». اینها همان کسانی هستند که در برف و یخبندان زمستان، مسیر عروس و داماد خود را با هلیکوپتر گلباران میکنند و از میهمانان خود در کشتی های مجلل و لوکس بر روی اقیانوسها پذیرا میشوند. اینها همه در کشوری میگذرد که دیکتاتورش مدعی است امتیازات طبقاتی را از میان برداشته و عدالت اجتماعی را بر روابط جامعه حاکم ساخته است. اما گزارش در رد این مدعا چنین میگوید: «شهر تهران متأسفانه همه

دنباله در صفحه ۲

شعری رسیده از ایران

جائی که «یك» با «یك» مساوی نیست

معلم پای تخته داد میزد،
چهره اش از خشم گلگون بود و
دستانش بزیر پوششی از گرد گچ پنهان.
ولی، «آخر کلاسی‌ها»، لواشك بین‌هم تقسیم‌میکردند.
یکی دیگر، در این‌گوشه، «جوانان» را ورق‌میزد؛
دلم میسوخت
بحال او
که بیخود های و هو میکرد.
با خطی خوانا، بروی تخته
(کز ظلمت چو قلب ظالمان، یا چهرهٔ زندانیان
تاریك و غمگین بود)
تساوی را نوشت و بانگ زد؛
«اینجاست «یك» با «یك» برابر»
از میان جمع شاگردان یکی بر خاست
(همیشه یکنفر باید بپا خیزد)
بآرامی سخن میگفت:
«آخر، این تساوی اشتباهی فاحش ومحض است.»
نگاه بچه ها تا گه بیکسو خیره شد با بهت.
معلم مات بر جا ماند.
شاگرد «فضول» آن لحظه می پرسید:
«اگر این واحد «یك»، فرد انسان:
آیا باز هم
در این تساوی بود یك با یك برابر ؟»
سکوت مدهشی بود و
سئوالی سخت.
معلم، خشمگین، فریاد زد: «آری»
و او
با پوز خندی گفت:
«اگر این واحد «یك» فرد انسان بود
آنکو زور وزر میداشت» بالا بود، افزون بود،
و آنکس را که دامن پاك و دست از زر تهی
جائی به پائین بود، کمتر بود،
اگر این واحد «یك» فرد انسان بود،
آنکو پوستش روشن و یامویش طلائی بود بالا بود
و آنکس را که رنگین پوست بود البته پائین بود.
اگر یك فرد انسان واحد یك بود
آنگه این تساوی زیر و رو میشد.
اگر یك بود با یك ها برابر
ثروت این مفتخواران از کجا می خاست ؟
یا چه کس این کاخ عالی را بنا میکرد ؟
یا چه کس دیوار چین میساخت ؟
اگر یك بود با یك ها برابر
کی کسی در زیر بار فقر خم میشد ؟
کی کسی با ضرب و چوب تازیانه خورد می گردید؟
چه کس آزادگان را در قفس میکرد ؟»
معلم، ناله آسا، گفت:
«بچه ها در جزوه بنویسید
که یك با یك برابر نیست !»

غرفه مردم در جشن اومانیته

(۷ ـ ۸ سپتامبر ۱۹۷۴)

در همسایگی غرفه های شیلی و اسپانیا، غرفهٔ «روزنامه مردم» برپاست بلندگو اعلام میکند: بیش از ۲۰۰ نفر مبارز سیاسی طی دو سال اخیر تیر باران شده اند، در حدود ۴۰ هزار نفر سیاسی در زندانهای شاه اسیر ند. ما از شرکت کنندگان در جشن میطلبیم که علیه خفقان مرگ آور رژیم استبدادی شاه اعتراض کنند و بیاری زندانیان سیاسی ایران بشتابند.

زن و مرد و کودك و جوان بسوی غرفه مردم میآمدند و با علاقه فراوان ذیل نامهٔ اعتراضیه را امضاء میکردند. از شش نشریه حزب ما بزبان فرانسه بمیزان زیادی استقبال شد و بویژه نشریه های تحت عنوان «با وجود ترور خونین، خلقهای ما می رزمنده» و «ایران ژاندارم خلیج فارس» بیش از همه مورد توجه قرار گرفت. اغلب بازدید کنندگان، در باره وضع کنونی ایران، چگونگی کار سازماندهی برای مبارزه علیه رژیم ترور وسوابق حزب‌توده ایران سئوالاتی‌میکردند.

طرحها و عکسهای غرفه حالت گیرائی داشت که هر بازدیدکننده را به اندیشه وامیداشت. قسمتی از دیوار به تصاویر رفقای شهید ما اختصاص داده شده بود. عکس انوشه در حال تیرباران شدن در وسط،

دنباله در صفحه ۲

نامه رفیق آلوارو کونیال

دبیر کل حزب کمونیست پرتقال

به رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفیق گرامی، پیامی را که بمناسبت رهائی خلق پرتقال از قید استبداد فاشیستی ارسال داشته بودید دریافت داشتیم و از صمیم قلب سپاسگزاریم. علی رغم دشواریهای گوناگونی که در برابر ماست وضع جدید موجود در پرتقال شرایط مساعدی برای‌بسط مناسبات بین نیرو های مترقی پرتقال و ایران ایجاد می کند. ما مطمئنیم که در این شرایط پیوند های بین حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتقال برپایه مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت شده و گسترش خواهد یافت. شرایط بغرنج موجب شد که این نامه با تأخیر فرستاده شود. با معذرت خواهی از آن بهترین درود های کمونیستی را بشما ابلاغ میداریم.

هفتم ژوئیه ۱۹۷۴

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال
آلوارو کونیال

ارتجاع بر دسایس و تاخت و تاز خود میافزاید

بتناسب پیشرفت و نیرو گرفتن مبارزه خلق ها بخاطر صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم ، دسایس و تاخت وتاز امپریالیسم و ارتجاع علیه مبارزان راستین و پیگیر خلق بیشتر شدت‌میگیرد. از آغاز تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی و از آنزمان که تغییر تناسب نیرو ها در عرصه جهانی بارزتر شده و ضعف امپریالیسم و رژیمهای ضد ملی و ضد دمکراتیك آفریده اش بیش از پیش از پرده بدر افتاده ، نیرو های ارتجاعی با سراسیمگی و خشم عجیبی دست به واکنش وسیع درمقیاس جهانی زده اند .

آنتی کمونیسم ، دشمنی عنان گسسته با اتحاد شوروی ، یورش دیوانه وار با حربه مغلطه و دشنام علیه احزاب کمونیستی و دمکراتیك، محتوی اساسی سیاست بورژوازی جهانی است . ارتجاع ایران که بنوبه خود «بوی خیری از اوضاع» نمی شنود ، با ترس و اضطراب در تقلا است، که شاید مواضع لرزان خود را دیر پای تر کند و بر نیرو های مخالف خویش ضربات کوبندهٔ تازه‌ای وارد سازد . سازمان ساواك بدنبال این منظور چنگ افکنده و از میان صفوف مبارزان ، عناصر ضعیف، مردد ، بی ایمان ، حسابگر، سطحی و کوته بین را در میرباید تا از زبان و قلم آنها بسود دستگاه جنایت بار خود «گواهی» و «دلیل» بگیرد و با پرداخت مزد و پاداش خیانت بایشان ، و تحویل گلوله و لعنت به مجاهدان پایدار و پیگیر، عمر تباه یك نظام از لحاظ تاریخی محکوم را طولانی تر سازد .

مبارزه با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا ، مبارزه با ارتجاع ایران و بر رأس آن شاه مستبد ، البته کار ساده ای نیست . سرنگون کردن بساط قدرت این دیوان خون آشام که کوه سلاح و گنج زر و سیم و خیل چاکران حلقه بگوش و چماق بر دوش در اختیار دارند وظیفه ایست هم پر افتخار و تابناك و هم دشوار و خطرناك . چه بسا جانها که در این راه برباد رفت و چه بسا جوانیها که در پیچ و خم این نبرد فرسایند و در سایه زندانها به پیری رسید و چه بسا عمر ها که میتوانست در آسودگی و آرامش بسر رود ولی سرشار از دغدغه و رنج ، دربدری ها و ...ها و جستجو های پر تب و تاب گذشت . کسانی که بخاطر عشق به‌عدالت و حقیقت حاضرند ... امتیازات گوناگون بگذرند و مصائب این راه پر خطر را که نبرد انقلابی نام دارد بجان بخرند ، طلایه داران راستین تاریخ و دوستان امین و صدیق مردم و مجاهدان واقعی اعتلاء و ترقی میهن هستند .

آری ، همه کس را تاب این پیکار جان آزار نیست . همه کس در تند پیچ این نبرد که گاه طی آن منظره دگرگون میشود ، شکست ها و عقب نشینیها پیش میآید ، دشمن اسلوب نیرنگ را با اسلوب زور توأمان میسازد، مشکلات و بغرنجی‌های درونی نهضت بالا میگیرد ، طاقت آنرا ندارد که در سنگر رزم محکم بایستد ، خونسردی و استواری خود را حفظ کند و عمده و غیر عمده را در مسائل مخلوط نسازد و ستارهٔ تابناك اندیشه انقلابی را دمی از نظر فرو نگذارد و مردی صاحب عقیده و آرمان پرست بمعنای واقعی این کلمات باقی بماند . این نبردی است بس طولانی و فرساینده که گاه در پیچ و خم آن منظره آینده پدید نیست ، افق تیره و سنگین است ، نور امید بی رنگ میشود و تردیدها و پستی ها میدان باز میکنند و بنظر میرسد که عرصهٔ تاریخ دیگر عرصه بی‌رقیب جباران و تاراجگران اجتماعی است . درست در این هنگام است که ایمان به شکست ناپذیری و غلبه نهائی حقیقت ، عشق بی کاهش و بی انحراف به عدالت اجتماعی، وفای بی خلل به خلق خود ، باور استوار به تحول و ترقی تاریخ میتواند شخص را بر سر پای نگاه دارد . کم باوران ، آنهائیکه هرگز در اعماق روح خویش پیوند خود را با احساس بهیمی امتیاز طلبی و جستجوی زندگی شیرین و آسان و مقام بالا و عنوان پر طمطراق نگسسته اند ، آنهائیکه هرگز بعمق آموزش مارکسیسم - لنینیسم پی نبرده و واقعیت تاریخی تکامل سوسیالیسم و نهضت انقلابی را با همه مشکلات آن درك نکرده اند ، در این شرایط دشوار نقاب زرنگار را از چهره برمیدارند و معلوم میشود نه آنست که بودند زیرا آنها این راه انقلاب را بر اساس حسابهای زود گذر اشتباهی و عوضی برگزیده اند و با مقاصد دیگری در این جاده قهرمانی و ایثار، در این جاده پر افتخار انسانیت وارد شده اند . نقابهای تزویر را سیر بی امان حوادث از چهره ها میکند و سستی ها ، دو دلی ها ، گمراهی های فکری ، بی ایمانی ها ، حسابگریها ، پستی ها و سر انجام خیانت ها را آشکار میکنند .

نهضت توده بیش از سی سال است در زیر ضربات سهمگین امپریالیسم و ارتجاع ایستادگی میکند ولی در این میانه رفیقان نیمه راه کم نبوده اند که نخواسته اند و یا نتوانسته اند در این مسیر پر فراز ونشیب ، دشواریها را تا «آخر خط» تحمل کنند . رژیم و دستگاههای ابلیسی پلیسی آن توانستند بر روح و منطق متزلزل این افراد غلبه کنند و آنها را بسوی سرابهای «بهشت آریا مهری» بکشانند و این اشخاص که بخشی از زندگی خود را زمانی در جادهٔ مبارزه گذرانده اند در این معامله با ابلیس سرانجام مغبونند زیرا با فروختن روح خود به ضحاکان زمانه ، خود را خواه نا خواه در صف به‌خائنان خلق درآورده اند .

منطق علیل این اشخاص پس از تسلیم و خیانت معمولا چنین است که با پیش کشیدن نقائص کار ها یا افراد ، که وجود آنها طبیعی و ناگزیر است میخواهند عمل خود را نه یك‌ارتداد و رویگردانی از انقلاب برای نیل بمنافع شخصی ، بلکه یکنوع «جهاد اخلاقی» جلوه گر سازند . این سفسطه ها در خورد خنده است و تجربه نشان داده است که طی زمان قادر به کوچکترین تأثیری نیست . ادامه مبارزه در شرایط مهاجرت سیاسی که کسانی ممکن است آنرا به «آب خنك خوردن» تعبیر کنند شکلی است از مبارزه انقلابی با همهٔ بسیار گونگی و فراز و نشیب ها و دشواریهای آن ، ادامه مبارزه در این شرایط ، بویژه در این موقع که رژیم خشن استبدادی و پلیسی در کشور ما مسلط است ، خدمتی است به نهضت ، برای افشاء دسایس امپریالیسم وارتجاع برای نشان دادن راه نبرد به توده ها ، برای روشن نگاهداشتن چراغ و اجاق نهضت. در اینجا نیز سست عهدان دو دل و پیمان شکنان بی باور بخلق ، فرسوده و بی تاب از طول راه و دشواری های گوناگون آن ، به لجن زار دشمن طبقاتی میگریزند و مانند عنایت اله رضا ، حسین جزنی ، عبدالرضا آذر ، محمد زمان پهلوان و عناصر دیگری از این زمره با خفت در آستان شاه مستبد ایران، این ساخته دست امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی او ، این دشمن شماره یك خلق زانو به زمین میزنند ، سر اطاعت وچاپلوسی فرود می آورند و سپس برای این نوع عمل که همیشه درتاریخ مورد لعنت و تقبیح عمومی بوده است، میکوشند تا با دشنام گوئیها و بهتان پراکنیها و واژگون سازیها و مهره بازی با فاکتهای واقعی یا موهوم ، توجیه و تعلیل بتراشند . ولی از بد بختی این اشخاص هیچ تقلائی از این نوع قادر نیست واقعیت زشتی را که خیانت نام دارد بپوشاند .

خیانت و پیمان شکنی حادثه امروزی نیست . علی رغم همهٔ خیانتها و پیمان شکنی ها کاروان پر مهابت انقلاب خلق بر مشکلات غلبه کرده ، راه خود را بهتر شناخته و به پیش رفته و سلطنت های مستبد و رژیمهای ضد ملی و ضد دمکراتیك را از سر راه روفته و تسلیم شدگان به این رژیمها و چاکران نو وکهن آنرا به مزبله ریخته‌است. جنبش با این نوع تصفیه ها تضعیف نمیشود بلکه نیروی معنوی بیشتری کسب میکند افتخار بر کسانی که منطق انقلابی را در آشفته ترین شرایط و روح پایداری را در دشوار ترین لحظات حفظ میکنند و به آرمان خلق تا آخرین دم وفا دارند .

دنباله از صفحه ۱

شادباش کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

جمهوری دموکراتیك آلمان که بخش‌نا گسستنی جامعه کشور های سوسیالیستی است ، در اتحاد استوار با کشور اتحاد شوروی برای تحکیم صلح، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه میکند .

راهی که جمهوری دموکراتیك آلمان پیموده و تجارب و نتایجی که طی‌این راه بدست آورده‌است، با روشنی تمام نشان میدهد که چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی قطعی ترین محك وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتریست . جمهوری دموکراتیك آلمان در تمام مراحل تکامل حیات پر افتخار خود به این راه وفادار بوده است .

ما با خرسندی تمام ناظر اعتبار بین المللی روز افزون و شناسائی جمهوری دموکراتیك آلمان ازجانب تمام ملل جهان هستیم . امروز اکثریت قریب بتمام کشور های جهان، با جمهوری دموکراتیك آلمان روابط سیاسی برقرار کرده اند و این جمهوری بعنوان یك عضو برابر حقوق در سازمان ملل متحد شرکت دارد .

جمهوری دموکراتیك آلمان ، وفادار به پرچم انترناسیونالیسم پرولتری ، از همان آغاز تأسیس خود پیوسته هوادار خلق هائی بوده است که در راه آزادی ملی ، استقلال سیاسی و اقتصادی ، علیه ارتجاع‌داخلی، امپریالیسم ، استعمار کهنه و نو ، علیه فاشیسم و نژاد پرستی مبارزه میکنند .

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت جمهوری دمرکراتیك آلمان میتوانند امروز با سرافرازی تمام بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری خود را جشن بگیرند .

رفقای عزیز ، در روز خجسته بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیك آلمان کامیابیهای هر چه بیشتر شما را در ساختمان جامعه سوسیالیستی رشدیافته، در پیکار به خاطر صلح ، امنیت بین المللی و در راه پیروزی آرمان های انقلابی مشترکمان ، صمیمانه آرزومندیم .

با درود سوسیالیستی - کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

غرفهٔ مردم در جشن اومانیته

دکتر ارانی و روزبه در دو طرف آن ، عکس تیزابی ، معصوم زاده ، رزمی و بالاخره عکس رفیق شهید ما حکمت جو در اطراف آن قرار داشت . در گوشه ای از دیوار طرحی الصاق شده بود که در آن خورشید از پس ابر های سیاه خود نمائی میکرد و بر روی آن نوشته شده بود که «خورشید آزادی بر تیرگی پیروز خواهد شد !»

در بخش دیگر از غرفه طرحی از تاج شاهی دیده میشد که دست توانای مردم آنرا سرنگون میکند . نشریات فارسی حزب هم امسال بیش از سال های گذشته مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت .

در گوشه ای از غرفه کار های دستی و هنری ایران قرار داشت که برای فرانسویان جالب بود . آرم‌های حزب بمیزان زیادی در دسترس بازدید کنندگان بخصوص جوانان قرار گرفت .

در تمام دوران دو روزه جشن ، وضع زندانیان سیاسی و ترور و اختناق از پشت بلندگو بگوش مردم رسانده شد و دهها هزار نفر بازدید کننده اطلاع‌بیشتری از وضع ایران پیدا کردند . ۵۰۰۰ نفر زیر نامهٔ اعتراضیه را امضاء نمودند و همین پیکره بخوبی نشان میدهد که تا چه اندازه کار سیاسی غرفه مردم ثمربخش بوده است .

دنباله از صفحه ۱

واقعیات ، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

نشانه های طبقاتی شدن را درخود می پروراند . . . . و « . . . طبقه بندی از نظردرآمد باعث بوجود آمدن سه منطقه در تهران شده است . از شمال بجنوب این تقسیم بندی شامل منطقه‌اول ، درآمد زیاد ، تحصیلات بالا و روابط اجتماعی گسترده ، منطقه دوم ، در آمد متوسط ، با تحصیلات متوسط ، روابط اجتماعی نیم گسترده ، منطقه سوم ، درآمد کم ، تحصیلات کم و روابط اجتماعی کم دیده میشود . این طبقه بندی بزیان طبقه کم درآمد و در جهت دوام حالت طبقاتی تهران است . » بگذریم از اینکه در گزارش بغلط سطح بالای تحصیلات ، ویژه خانواده های ثروتمند نشان داده شده است ، در حالیکه اکثریت آنها بیسوادانی بیش نیستند ، بااین وجود از گزارش‌بروشنی میتوان دریافت که بر خلاف دعوی شاه در باره محو امتیازات طبقاتی ، اختلاف طبقاتی درجامعه مابزشت‌ترین وجهی فزونی میگیرد وخانواده‌های مستمند و کم‌درآمد بگناه فقر خود ، روز بروز بیشتر بجنوب شهر تهران که فاقد همه‌وسایل رفاه است واز نظر توزیع خدمات، یعنی خانه بهداشتی ومدرسه وکودکستان و بیمارستان در وضع بسیار نا مطلوبی قرار دارد ، رانده میشوند ، اینها در خانه هائی زندگی میکنند که بنا بگزارش گروه ۷۵ در صد آن یك اطاقه است و در هرهکتار از این محله های کثیف ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر زن ومرد و کودك در هم میلولند . اما در واحد های مسکونی شمال شهر اقلیت مرفه و ممتاز ودر رأس آنها خانواده سلطنتی ، در باغهای افسانه ای خود فصل به فصل جابجا میشوند ، تابستان رادر ویلاهای مجلل کناردریای خزر واز آنهم فراتر در ویلاهای شخصی خود درفرانسه و سوئیس واسپانیا وکالیفرنیا بسر میبرند و « خستگی » یکسال غارت وچپاول دسترنج مردم را از تن میگیرند وسر زنده وتازه نفس برای‌ادامه غارتگری باز میگردند.

این منظره زشت و موحش ، این دو قطب فقر و ثروت از آن پایتخت است ، و فراتر از آن ، تا هرچه دورتر رویم منظره زشت تر و موحش‌تر وتفاوت طبقاتی فاحش‌تر . آن دهقان زحمتکش روستاهای دور افتاده حتی همین در آمد ماهانه سیصد تومانی را هم ندارد و در کلبه گلی‌اش با زن و بچه و مرغ وخروس و گوسفند یکجا سر به بالین میگذارد . نه آب آشامیدنی دارد و نه دارو و بیمارستان . و این در کشور ماست که سالانه ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفت دارد . ولی از این ثروت و غنای هنگفت زحمتکشان کشور را سهمی نیست ، زیرا حصه آنها را « رهبر انقلاب » در راه حفظ سلطنت نکبتبار خود ، یا اسلحه میخرد و یا بامپریالیسم وام میدهد و آنچه باقی میماند بطور عمده صرف تجمل زندگی دربار او و هزار فامیل غارتگر میشود . اما این وضع قابل دوام نیست . مردم زحمتکش میهن ما در برابر این بیعدالتیهای فاحش دم فرو نخواهند بست و لعاب تبلیغات دروغین رژیم آنها رانخواهد فریفت. مبارزه مردم علیه جباران وستمگران بدون تردید روزی به ثمر خواهد نشست و شیرینی بی‌بند وباریهای امروز را در کامشان زهر خواهدکرد .

میثو

اطلاعیه

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

اخراج

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خیانت به حزب توده ایران و جنبش دمکراتیك مردم ایران از حزب توده ایران اخراج میشود .

*

نصرت اله جهانشاهلو بمناسبت تسلیم بدشمن از حزب توده ایران اخراج میشود .

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فرخنده باد سی و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ! درود آتشین به همه رزمندگان آزاد و در بند! پیروز باد مبارزه عادلانه حزب توده ایران طلایه دار جنبش انقلابی کشور ما !

سی و سه سال از زندگی سراسر نبرد حزب تودهٔ ایران می گذرد

مهر ماه امسال سی و سه سال از زندگی حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران میگذرد . این زندگی سی و سه ساله ، بزندگی بیست ساله حزب کمونیست ایران که در تابستان ۱۲۹۹ شمسی سازمان یافت ، از هر باره پیوسته است . طی این پنجاه و سه سال کمونیستهای ایرانی در شرایط دشوار و نا مساعد تاریخی ، در نبردی نا برابر با سپاه اهریمنی ارتجاع و استعمار ، پیوسته منادیان عالیترین شعارهای عدالت و حقیقت بوده اند و از اینجهت ، در محیطی که ارتجاع و عقب ماندگی دیرینه بر آن تسلط داشته ، به شهیدان ، قهرمانان و طلایه داران تاریخ مبدل شده‌اند .

حزب تودهٔ ایران طی سی و سه سال زندگی خویش ، همواره در مواضع عمده اصولی چون کوهی استوار بوده است . این مواضع عبارت است از : وفاداری بامر زحمتکشان و دفاع از منافع و مطالبه حقوق حقه ایشان ، مبارزه با بهره کشی وابستعمار ونو استعمار در اشکال مختلف آن ، دفاع از آزادیها و حقوق دمکراتیک ستقلال سیاسی و اقتصادی کشور ، دفاع از حقوق خلقهای ایران ، دفاع از صلح منطقه و جهان ، دفاع از شئون مختلف ترقی مادی و معنوی جامعه ، مبارزه رو در رو وبی‌امان با همهٔ مرتجعان ، جهالت‌پروران ، غارتگران و ستمگران اجتماعی .

حزب در این مواضع عمده اصولی ، در همه مراحل زندگی خود بی تزلزل ، پی‌گیر ، سازش ناپذیر بوده واز برملا ساختن نیرنگ و دروغ دشمنان خلق و اعتلاء کلمهٔ حق پروائی نداشته و لذا مورد کین بی پایان و نفرت سوزان نیرو ها و عناصر تاریکی است که رژیم کنونی ایران و سردمدارش شاه تجسم کامل آنهاست.

تردیدی نیست که در این راه دراز و پر فراز و نشیب ، در این پیکار پیچیده با دشمنان قوی داخلی و خارجی و مخالفان رنگارنگ ، حزب از خطا و شکست مصون نمانده و نمیتوانست هم بماند . ولی حزب در پویه رنجبار ولی پرافتخار خویش ، دمبدم برانضج اندیشه وعمل خود افزود ودمبدم از رفیقان نیمه‌راه ، منحرفان چپ و راست ، جاه طلبان و فرصت طلبان بی ایمان ، کسانی که آنانرا طاقت این پویه دشوار نبود ، زدوده شد . اگر مرتدان و سازشکاران و تسلیم طلبانی بودند که بحزب از پشت دشنه زدند ، مبارزان فراوانی نیز از صفوف حزب برخاستند ، که به سنت مبارزه جانانه ارانی وفادار ماندند و در معبد بزرگ تاریخ از هرگونه فداکاری و گذشت تا ایثار جان پیش رفتند . حزب باین فرزندان وفادار خود ، بهزندانیان خود ، بهمه کسانی که در شب ظلمانی استبداد دمی ازتلاش باز نمی ایستند ، بهمه کسانی که هستی خود را وقف راه او کرده‌اند و جز این از هر سودائی فارغ بوده اند و هستند ، می‌نازد .

حزب توده ایران مکتب بزرگ تربیت فکری و روحی قهرمانی و مبارزه ، نیروی عظیم محرک جامعه ایران و ستاره راهنمای جنبش انقلابی و رهائی بخش خلقهای ایران بوده و هست . نقش وی در گذشته و حال بزرگ و در آینده نیز بی شك در خور د گذشته و حال خود خواهد بود . در تاریخ کهن کشور ما هرگز یك سازمان سیاسی انقلابی باین پایه نفوذ و تأثیر دست نیافته است .

دشمنان و مخالفان حزب ما ، با مهره بازی گاه ماهرانه و گاه ناشیانه با فاکتهای دست چین شده ، از طریق سفسطه های گاه خشن گاه ظریف در واقعیات تاریخی ، سعی بلیغ بکار میبرند تا چهره حزب توده را دگرگونه جلوه گر سازند ، یعنی گوهر واقعی انقلابیش را مستور دارند ، خصلت طبقاتی ، خلقی و میهنی عمیق آنرا انکار کنند ، و این حزب را بانواع اتهامات فجیع که سزنده خود آنهاست ، متهم گردانند .

ولی تجارب گوناگون نشان داده است که ابرهای تیره سفسطه و اتهام میآیند و میگذرند و خورشید حقیقت کماکان گرم تافتن است . حزب در تاریخ سی و سه ساله خود از این مدعیان زیاد دیده و همیشه با اطمینان راسخ به سرشت پاك اصولی و انقلابی خود ، با ایقان کامل به ریشه ژرف تاریخی خود ، باتکاء عمل صمیمانه خود در راه خلق و باور به قضاوت تاریخ ، به این گروه کف بر لب ، یاوه درای ، بهتان باف و دشنام گوی با بی اعتنائی نگریسته است . این مترسکهای رنگارنگ ، یکی پس از دیگری آمده‌اند و از میدان رفته‌اند ولی آوای رسای حزب کماکان در فضای میهن با ندای رزم طنین‌افکن است . مترسکهای دیگری که امروز گاه برتخت طاووس وگاه بر منبر انقلابیگری کاذب می نشینند و با همان حربه های سنتی چماق و بهتان بسراغ حزب ما می‌آیند ، دیر یا زود سرنگون خواهند شد و حزب کماکان با سر افرازی برسالت تاریخی خویش عمل خواهد کرد .

با آنکه بارها این حزب را « منحله » اعلام داشته‌اند وانقلابی مآبان عوامفریب آنرا تاحدیك « کمیته مرکزی از هم پاشیده » تنزل داده‌اند ، ترس واقعی و معنوی دشمنان و مخالفانش ، از شاه گرفته تا سفسطه گران مائوئیست ، فقط و فقط از این حزب است ، ترس بمعنی واقعی این کلمه .

این ترس در تمام زیر وبم سخنان این دشمنان و مخالفان حزب ، گاه عیان گاه نهان ، احساس میشود. قدرت این « حزب منحله » ، این « کمیته مرکزی » « منحط و پاشیده » در چیست که دیکتاتور ایران و چاکرانش ، مدعیان انقلابیت و پیروانشان را این همه به نعره زدن و سفسطه بافتن وامیدارد ؟ پاسخ روشن است ، زیرا حزب توده ایران به حقیقت انقلابی عصر ما ـ مارکسیسم ـ لنینیسم ، ایمان دارد ، در زیر درفش انترناسیونالیسم پرلتری استوار ایستاده و هیچ افسونی در وی مؤثر نیست و بد خواهان حس میکنند که دارندگان این « طلسم » از هفتخوان خون آلود تاریخ پیروز بیرون خواهند آمد .

آری حزب توده ایران پیروزمند فرداست و در این حقیقت کمترین تردیدی روا نیست . حزبی که زمانی روزنامه « اطلاعات » آنرا منشأ همه ناگواریهای رژیم و « شجره خبیثه » نامیده ، در واقع ریشه های عمیق در خاك ایران دوانده است و بیشك روزی شاخسار انبوه آن ، میوههای شاداب ببار خواهد آورد . بگذار دشمنان و مخالفان برخود بلرزند ، از غضب بسرحد جنون برسند ، ولی بگذار بدانند که علی رغم هر چرخشی در حوادث و هر درنگ و شتابی در سیر وقایع ، این حکم تاریخ سر انجام اجرا خواهد شد . همانطور که آدلف هیتلر در آلمان با « گشتاپو» و سالازار در پرتقال با سازمان « پیده » و پوآنیدیس در یونان با سازمان « اسا » نتوانستند ریشه معجز نمون سازمان پیشرو انقلابی طبقه کارگر را خشك کنند ، محمد رضا شاه نیز در ایران با « ساواك » خود ، بدین کار قادر نخواهد بود .

ا . سپهر

بودیم ! هستیم ! خواهیم بود !

روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷٤ یکسال از توطئه فاشیستهای شیلی بسرکردگی ژنرال آوگوستو پینوشه علیه حکومت « ئونیداد پوپولار » (اتحاد خلق) که در جریان آن رفیق سالوادر آلینده ، رئیس جمهور پر افتخار این کشور بشهادت رسید میگذرد .



در این یکسال شیلی که زمانی سرشار از نشاط ونویدآزادی وجولان به سوی آینده بود به سرزمین ماتم زده اعدامها ، شکنجه و تورم و گرانی بدل شده و پیشوایان مردم و در پیشاپیش آنها لوئیس کوروالان دبیر کل حزب کمونیست شیلی در پس میله های زندان اسیر چنگ دژخیمانند .

رئیس جمهور آلینده پس از پیروزی « ئونیداد پوپولار » درپنجم سپتامبر ۱۹۷۰ چنین گفت : « ما پیروزشدیم تا بهره کشی امپریالیستی را بشکل نهائی از میان برچینیم ، انحصارها را لغو کنیم ، یك اصلاح ارضی واقعی و عمیق‌را تحقق بخشیم ، صادرات و واردات را تحت نظارت درآوریم و بانکها را ملی کنیم . پیشرفت شیلی تنها بر این پایه ممکن است . »

و اینها در نظر امپریالیسم جرائم نابخشودنی بود. روزنامه «اینتر نشنل هرالد تریبون» روز نهم‌سپتامبر ۱۹۷٤ مداخله سازمان «سیا» را در سرنگونی حکومت آلینده تصریح کرد و چنین نوشت : « موافق گواهی ویلیام کلبی رئیس آژانس مرکزی جاسوسی (سیا) در کنگره ، دولت نیکسون اجازه داد که طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ هشت میلیون دلار خرج شود تا ادامه حکومت آلینده غیر ممکن گردد . کلبی در یك جلسه سری در کنگره که در آوریل ۱۹۷٤ تشکیل شد گفت که‌هدف ما ناپایدار ساختن حکومت مارکسیستی آلینده بود . . . کلبی گفت که این اقدامات را « کمیته چهل نفری » در واشنگتن که در واقع مقام عالی‌سازمان «سیا» است و بر رأس آن هنری کیسینجر قرار دارد ، تصویب کرده بود . »

آنچه که در یازده سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی با خرج ۸ میلیون دلار علیه آلینده انجام گرفت ، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران با خرج ۱۹ میلیون دلار علیه مصدق انجام گرفته است . نتیجه این دو توطئه سیا یکی جلاد شیلی است بنام اوگوستو پینوشه و دیگری جلاد ایران است بنام محمد رضا شاه پهلوی . ولی خلقها بمبارزه خود ادامه میدهند و در قبال هیچ توطئه ای تسلیم نمیشوند و نخواهند شد .

از منابع نفتی ایران باید استفاده معقول بعمل آید

بحث در باره قیمت نفت — افزایش ، کاهش و یا تثبیت قیمت نفت ـ به بحث در باره افزایش ، کاهش و یا تثبیت تولید نفت در کشور های تولید کننده نفت کشیده است ، بدینمعنی که گروهی از کشور های تولید کننده نفت پیشنهاد میکنند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت ، تولید نفت کاهش یابد . همزمان با این بحث و در چارچوب بحث درباره «بحران انرژی» ، بحثی هم بطور کلی بمیان آمده مبنی بر اینکه چون منابع نفت تمام شدنی است ، میباید تدابیری برای جلوگیری از بهره برداری بیحساب از منابع نفتی اتخاذ گردد .

صرفنظر از اینکه اوپك ـ و از جمله ایران ـ تصمیمی برای کاهش و محدود کردن تولید نفت‌اتخاذ کند یا نه ، و صرفنظر از اینکه تصمیم در باره‌کاهش و محدود کردن تولید نفت بر چه پایه ای مبتنی باشد ـ برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت یا برای جلو گیری از اتلاف منابع نفت ـ ما میل داریم‌بار دیگر موضع اصولی خود را در باره تولید نفت و سیاست دولت ایران در این زمینه بیان داریم .

این نکته روشن است که اولا نفت برای مصرف داخلي و ثانياً نفت براي صدور به خارج وکسب درآمد میباید تولید شود. مسئله اساسی مورد بحث اینست که با توجه به اینکه منابع نفت ازجمله منابع «میرنده» است ، یعنی سرانجام زمانی بپایان میرسد ، چه سیاستی باید اتخاذ گردد که ضمن تأمین مصرف داخلی و تأمین درآمد ارزی خارجی ، مرگ این بزرگ ترین منبع ثروت ملی ، بتعویق افتد ؛ چه سیاستی باید اتخاذ گردد که هنگام پایان یافتن منابع نفت ، به اقتصاد ملی لطمه ای وارد نشود و یا لا اقل لطمه جبران ناپذیر وارد نشود .

بنظر ما میتوان تولید نفت را ، بمنظور طولانی کردن استفاده از منابع نفت ، محدود کرد و در همان حال مصرف داخلی ـ اگرچه روز افزون باشد و هست ـ ودرآمد ارزی خارجی ایران را هم تأمین نمود . ولی شرط نیل به این هدف آنست که اولا ایران حاکمیت خویش را بر منابع نفت خود برقرار کند . برقراری این حاکمیت از جمله بمعنی جلوگیری از غارت کنونی شرکتهای امپریالیستی نفتی ، بمعنی جلوگیری از بازی شرکتهای امپریالیستی نفت با قیمت نفت بزیان کشور های تولید کننده نفت است ، و این هر دو بدینمعنی است که ایران سهم واقعی خود را از درآمد نفت ـ

دنباله در صفحه ۲

بساط سلطنت استبدادی «شاه شاهان» در حبشه برچیده شد

برکناری دولت «آکلیلو آبته وولد» در فوریه ۱۹۷٤ بوسیله نیروهای مسلح حبشه (اتیوپی) نقطه تحولی در زندگی آکنده از درد و ستم مردم این کشور بود. فقر عمومی که در نتیجه خشکسالی چند سال اخیر و استثمار شدید فئودالان وبی توجهی وسوء استفاده مقامات دولتی دزد و فاسد تا حد توانفرسائی شدت یافته بود و باعث مرگ دهها هزار مردم رنجدیده گردید، عناصر مترقی و میهن پرست ارتش و پلیس حبشه‌رابه پشتیبانی ازمردم وقیام‌علیه دولت‌برانگیخت.

در نتیجه این قیام بسیاری از وزراء و مأموران عالیرتبه دولتی، از جمله نخست‌وزیر، بازداشت‌شدند. دولت جدیدی به نخست وزیری «اندل کا چه ئو - ماکونن» برای انجام رفرم در تمام شئون سیاسی و اجتماعی واقتصادی کشور بر سر کار آمد. ولی‌بزودی معلوم شدکه این دولت خود آلت دست ارتجاع‌است. دولت جدید در حالیکه تمام نیروی خود را علیه طبقه کارگر، اتحادیه های کارگری و اعتصابات کارگری و نیزعلیه سایر نیروهای‌مبارز متوجه کرده بود، میکوشید وسایل آزادی خائنین بمردم را فراهم آورد و راه را بر اصلاحات اجتماعی و سیاسی واقتصادی سد کند.

ولی نیرو های مترقی ارتش و پلیس که در «کمیته هماهنگی نیروهای مسلح» متحد شده بودند، پیش‌از آنکه فرصت از دست برود و نیرو های ارتجاع ابتکار عمل را بدست گیرند، در ماه ژوئن دوباره وارد میدان شدند و با اشغال مجدد ایستگاههای رادیو و تلویزیون و فرودگاه و سایر مراکز مهم و حساس، برکنار کردن حکومت خائن و سپردن زمام امور کشور بدست «میکائیل ایمره»، مرحله تازه ای در مبارزه علیه ارتجاع و فساد و تأمین اصلاحات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آغاز نهادند.

درباریان و اطرافیان هایله سلاسی (که خود را «امپراطور» و «شاه شاهان» و «شیر فاتح یهودا» مینامید)، سران فئودالها و مقامات عالیرتبه دولتی باز داشت شدند، شورای سلطنتی و دادگاه استیناف امپراتوری، که دستگاههای اجرائی وقضائی کشور را عملا در دست داشتند، منحل شدند، کاخها و ویلاهای متعدد سلطنتی و بزرگترین شرکت حمل و نقل کشورکه تمام سهام آن به هایله سلاسی ودرباریان و یارانش تعلق داشت، ملی گردید و وزارت دربار منحل شد. دولت طرح قانون اساسی جدیدی رامنتشر کرد. در این قانون اختیارات مطلقه «شاه شاهان» از او سلب شد، برابری مردم در برابر قانون، آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سازمانهای صنفی و سیاسی، تحصیل رایگان و تأمین بیمه‌های اجتماعی اعلام گردید. برای رسیدگی به سوء استفاده وجنایات مقامات‌عالیرتبه دولتی کمیسیون خاصی تشکیل شده است. درنخستین گزارش این کمیسیون گفته میشود که مقامات‌دولتی وفئودالها مسئول اساسی مرگ دهها هزار تن از مردم حبشه در مناطق قحطی زده هستند. بدینجهت نخست وزیر سابق و عده‌ای از وزراء واستانداران کشورتسلیم دادگاه خواهند شد.

دولت جدید برنامه‌های وسیعی برای رفرمهای اجتماعی و اقتصادی تنظیم کرده است، انتخابات عمومی بزودی آغاز خواهد شد. اکنون دورنمای تازه و امید بخشی در برابر مردم ستمدیده حبشه بوجود آمده است.

در تمام ظلم و ستمی که نسبت به مردم‌حبشه انجام گرفته، گناه اصلی متوجه شخص هایله‌سلاسی است. شاه با سلطنت مطلقه خود و غارت مردم کشور را به تباهی و مردم را تا مرز نابودی سوق داده بود. خبرگزاریها خبر دادند که این «شاه شاهان» یازده میلیارد دلار پول نقد و چند تن طلا در بانکهای‌خارجی اندوخته دارد. در بسیاری از نامه هائی که به مطبوعات حبشه میرسد، مردم برانداختن تمام نهادهای کهنه و پایان دادن به نظام فرسوده را طلب میکنند. در تظاهرات وسیعی که دراوایل سپتامبر از طرف‌دانشجویان در آدیس آبابا انجام گرفت، برای نخستین بار شعار برکناری هایله سلاسی مطرح گردید. کمیته‌هماهنگی این خواست مردم حبشه را عملی ساخت. هایله‌سلاسی از سلطنت معزول گردید و بدینسان ارکان یك‌تخت و تاج استبدادی دیگر فرو ریخت و بساط «شیر فاتح یهودا» و «شاه شاهان» برچیده گردید.

حوادث حبشه وتجربه آن برای مردم ستمدیده و نیروهای مترقی ایران، بخصوص برای ارتشیان‌میهن مادارای‌اهمیت فراوان‌است. جائی که نیروی‌های مسلح که خود ازمیان توده مردم برخاسته‌اند، بمبارزه مردم بپیوندند و در راه حفظ منافع آنان‌گام نهند، پیروزی بر نیروهای سیاه ارتجاع امری تحقق پذیر خواهد بود. بعلاوه این حوادث نشان میدهد که برخلاف ادعای شاه ایران و شیپورچیان دربار که گویا کشور بدون شاهنشاه قدرت بقاء ندارد، اتفاقاً رستاخیز واقعی آن کشور زمانی آغاز میگردد که این کابوسهای تاجدار از پیکر میهن و مردمش دورگردند و مردم بقدرت‌دید، تنفس و عمل آزادانه دست یابند.

مسعود.

«قیام» پلیس

از: یوگنی یوتوشنکو، شاعرشوروی

سازمان خون آشام «پیده» که مانند «ساواك» در دوران سالازار و کایتانو در پرتقال گرم شکنجه‌دادن و آدمکشی بود، در اثر تحولات دمکراتیك در این کشور منحل شد و عده ای از کارگردانان آن زندانی گردیدند. این آقایان در زندان دست به «قیام» زدند! شعر زیرین از شاعر معاصر شوروی یوگنی یوتوشنکو در رابطه با این حادثه سروده شده و در «پراودا» نشر یافته است و اینك ترجمه آن بنظر خوانندگان «مردم» میرسد.

پلیس دوران سالازار
«پاسدار امنیت» درعهد کایتانو
اسمش را عرض میکنم، تأمل کنید
تلفظش چندان سخت نیست: پیده

بله پیده، که متصل‌زاغ سیاه مردم‌رابچوب‌میزد
که‌همه‌رادنبال‌میکرد، حبس‌میکرد، زیر‌شکنجه
میکشت

حالا خودش به «هلفدونی» تشریف فرما شده
واقعاً خیلی اسباب دلخوری است
«آه چقدر این سوپ آبکی است!»
«چقدر اوضاع اینجا افتضاح است!»
و راویان گویند که در زندان لیسبون
پیده در هتل ناراحت کنونی خود
کف بر دهان، قیام کرده
پلیس و زندان؟ بیچاره ها!
واقعاً این عجوزه تاریخ چقدر مزاحم است!

پلیس در زندان سر گرم جارو و پارو.
آنهم در این سوراخ کثیف و بی معنی؟!
اوه ببخشید. ولی‌اینرا که خودتان ساخته‌اید.
شما بودید که در این شکنجه خانه‌ها
امریه اجراء میکردید.

ببخشید‌اگر گزش ساسهاقدری‌ناراحتتان کرده.
میل داشتید سینما بروید؟
گردش در خیابان دلتان خواست؟
ولی آخر امروز دیگر کسی احمق نمیشود
واقعاً چقدر خنده دار است
«قیام» جناب پیده‌در زندان.

شرکتهای اسلحه سازی آلمان غربی در ایران رخنه میکنند

رژیم خونخوار شاه ایران به خرید تانك «لئوپارد» آلمان غربی اظهار علاقه می‌کند حد اقل چهار شرکت اسلحه سازی آلمان غربی‌که بزرگترین‌صادر کنندگان اسلحه در دوران پس از جنگ دوم جهانی هستند، راه خویش را بایران باز کرده‌اند. این چهار شرکت بزرگ اسلحه سازی عبارتند از: شرکت اسلحه سازی «فلیك و هانیل» از «باویر»، شرکت «دیل»، شرکت «کرائوس - مافئی» و شرکت «رشاینگ» از «دوسلدورف». این شرکتها اجازه کامل ساختمان زره وزنجیره تانك ودستگاههای مونتاژ و ریختن توپهای تانك را برای‌کشور «تخت‌طاووس» بدست آورده اند. ژنرال طوفانیان رئیس صنایع اسلحه سازی ایران و نخست وزیر هویدا طی مسافرتهای خود به آلمان غربی از مؤسسات اسلحه سازی نامبرده دیدن کرده اند. «زیگفرید مان» معاون «لبر» وزیر دفاع آلمان غربی که از نزدیکان شرکت فلیك وکمپانی است شخصاً به ایران رفته است و در باره ساختمان زرادخانه نظامی مذاکرات مقدماتی را در ایران انجام داده است. (روزنامه «اونزره تسایت» شماره ۱۲ اوت ۱۹۷٤)

دنباله از صفحه ۱

از منابع نفتی ایران باید...

که اکنون بخش قابل ملاحظه آن به جیب شرکتهای نفتی امپریالیستی میرود - دریافت کند. بسخن دیگر اگر حاکمیت ایران بر منابع نفت خویش تأمین شود، میتوان تولید نفت را محدود کرد، ولی همین درآمد را بدست آورد و حتی افزایش داد. ثانیاً میبایددرآمد نفت صرف رشد واقعی و همه جانبه اقتصاد ملی ایران گردد، بطوریکه در آینده اقتصاد ملی ایران بدون نفت هم بتواند نه فقط روی پای خود بایستد، بلکه به رشد و تکامل خود ادامه دهد. ثالثاً بهمان ترتیب که در زمینه تعیین بهای نفت میباید با سایرکشورهای تولید کننده نفت در چارچوب اوپك، مشورت و همکاری کرد و تصمیم مشترك اتخاذ نمود، در زمینه تعیین سطح تولید نفت نیز میباید وحدت نظر و عمل بین کشور های تولید کننده نفت بوجود آید. جبهه متحد در تمام زمینه ها، از جمله در زمینه تولید نفت، مانع آن خواهد شد که شرکتهای امپریالیستی نفت از اختلاف بین کشور های تولید کننده نفت برای اعمال فشار و تحمیل سیاست امپریالیستی خود به آنها استفاده کنند.

سیاست دولت ایران در زمینه تولید نفت چیست؟ برای دولت ایران تا همین اواخر مسئله تولید نفت فقط در ارتباط بادرآمدنفت مطرح بود، یعنی دولت ایران برای افزایش درآمد نفت خود تنها چانه ای که با شرکتهای نفتی میزد، در باره افزایش تولید نفت بود. و این بدترین و زیان بخش ترین راه افزایش درآمد نفت است، زیرا افزایش تولید نفت با حفظ تسلطشرکتهای امپریالیستی نفت، با حفظسودغارتگرانه شرکتهای امپریالیستی نفت، با اینکه بر درآمد نفت ایران می‌افزاید، ولی بطور عمده بمعنی حفظ و تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم، از دست دادن بخش عمده درآمد نفت وبه ته کشاندن‌سریع‌منابع نفت‌است.

در جریان بحث درباره «بحران انرژی» شاه و سایر زمامداران ایران هم به سخن پراکنی‌در باره محدود کردن تولید نفت وصرفه جوئی درسوخت این «ماده نجیب» پرداختند. ولی این سخن‌پراکنیها در همان مرحله سخن‌پراکنی باقیمانده است. چون در عمل نه فقط تولید نفت ایران‌توسط شرکتهای‌موجود نفتی - بدون پیش بینی آینده - افزایش می یابد، بلکه با دادن امتیازات تازه به شرکتهای جدید نفتی، از منابع جدید نفتی‌ایران نیز - باز هم بدون‌پیش‌بینی آینده - بهره برداری میشود. این واقعیت‌هم که درآمد نفت ایران بطور عمده صرف تسلیحات و دستگاه انتظامی و اداری میشود، ودر این اواخر وسیله کمك به نجات سرمایه داری غرب از بحران نیز قرار گرفته است، نیازی به تأکید ندارد. بدینسان آن سیاست ضد ملی که منابع نفت ایران را به حراج گذاشته است، همچنان ادامه دارد.

سیاست نفتی دولت ایران، که اینچنین بی‌پروا بزرگترین ثروت ملی ایران را بر باد میدهد، در عین حال نوید این واقعیت است که شاه‌وگماشتگانش، علیرغم تظاهر و سرو صدا در باره «حکومت ابدی» خاندان پهلوی وسرمایه‌داران ومالکان بزرگ، حکومت خود را موقت و گذرا میدانند. آنها در فکر حال و آینده ایران نیستند. آنها این ثروت ملی را بر باد میدهند تامگر بتوانند دوران حکومت موقت وگذرای خود را طولانی تر کنند.

مردم ایران بر باد دهندگان ثروت ملی‌خود را هرگز نمی‌بخشند. مردم ایران مبارزه خود را برای برچیدن بساط حکومت این خودکامگان وغارتگران، برای استقرار حاکمیت خود برمنابع نفت ایران، برای استفاده معقول از منابع نفت ایران بسود رشد و تکامل اقتصاد ملی ایران و ایجاد یك زندگی آزاد و مرفه تشدیدمیکنند. این‌واقعیت راهم‌باید شاه وگماشتگانش بدانند.

م. انوشه.

دروغی که افشاء شد

اخیراً جرالد فورد رئیس جمهور امریکا ضمن مصاحبه ای بار دیگر مسئله ساختمان پایگاه اتمیك و دریائی امریکادر جزیره مرجانی «دیه گوگارسیا» واقع در اقیانوس هند را بمیان کشیده و گفت که ایالات متحده امریکا قصد دارد به ساختمان این پایگاه ادامه دهد و استدلال کرد که این پایگاه برای آن ضرور است‌که اتحاد شوروی در سه نقطه اقیانوس هند پایگاه نظامی دارد.

این دعوی جرالد فورد نظیر ادعای شاه ایران است که در مورد پایگاه «دیه گو گارسیا» به‌مخبر روزنامه هندی «بلیتس» گفته بودکه وقتی دیگران یعنی (اتحاد شوروی) در اقیانوس هند پایگاه دارند، ما نمیتوانیم امریکا را از ساختن پایگاه منع کنیم!

چنانکه میدانیم بایجاد پایگاه نظامی جدید امریکا در اقیانوس هند همه کشور های آسیائی (حتی اندونزی) اعتراض کردند، بجز چین و ایران.

در نتیجه تکرار این دعوی در اظهارات اخیر جرالد فورد مطبوعات شوروی متذکر شدند که این اظهارات رئیس جمهور امریکا بی پایه است و اتحاد شوروی هیچگونه پایگاهی در اقیانوس هند ندارد.

ولی پنتاگون در تأیید اظهارات رئیس جمهور امریکا بنظرخود «فاکتهائی» رامنتشر کرد حاکی از آنکه گویا اتحاد شوروی در «ام القصر» (عراق) و «بربره» (سومالی) و «عدن» (جمهوری دمکراتیك یمن) پایگاههائی دارد.

بدنبال این ادعای باصطلاح مشخص پنتاگون، خبرگزاری عراق ضمن اطلاعیه‌ای تصریح کرد که وجود پایگاه شوروی در «ام القصر» از اول تا آخر دروغ و جعل است. سفیر جمهوری دمکراتیك سومالی در پاریس و دولت جمهوری دمکراتیك یمن ضمن اظهاریه‌ای وجود چنین پایگاههائی را در کشور خود شدیداً تکذیب کردند.

جالب توجه است که‌در سئوالی که از «مؤسسه بررسیهای استراتژیك بعمل آمده و رادیوی لندن (بی بی سی) آنرا منتشر کرده است سئوال کننده میپرسدکه آیا شوروی در سه محل‌نامبرده دارای‌پایگاه هست یا نه؟ مؤسسه فوق پاسخ میدهد که تا پایگاه را ما به چه معنی درك کنیم. شوروی در این سه‌محل نیروی مسلح ندارد، قرار گاه دائمی ندارد، استحکامات و مؤسسات ساخته شده ندارد، و از اینجهت نمیتوان از پایگاه صحبت کرد.

اینك جرالد فورد، شاه، پنتاگون و تهمت زنندگان‌پکن درمقابل این‌دروغ افشاءشده‌چه‌میگویند؟

تصحیح

در مقاله «صدای سازمان امنیت از دهان مائو ئیستها بیرون میآید» منتشره در شماره ۱۱۸ مردم بعد از - در این میان ناگهان صدای بیگانه - این جمله افزوده شود: «ای بر خاست و به این عمل هیئت دبیران کنفدراسیون «اعتراض» کرد. این صدای بیگانه...

مــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام به افسران میهن‌پرست ارتش ایران!

دوستان عزیز !

ما اطمینان داریم که پرچم پر افتخار میهن پرستی و آزادگی در میان افسران ایران ، که راد مردانی مانند کلنل محمد تقی خان پسیان ، سرهنگ پولادین ، سرهنگ سیامك ، سروان خسرو روزبه ، سرهنگ مبشری ، سرهنگ مرتضوی، سرهنگ قاضی ، سرهنگ نیو ، سرگرد وکیلی ، سرگرد رزمی ، سروان بهزاد ، سروان محقق زاده ، ستوان مختاری ، ستوان پرویز حکمت جو و دهها و دهها افسر میهن پرست دیگر آنرا با خون خود گلگون ساخته اند ، هرگز به زمین گذاشته نشده است .

میدانیم که کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد بدست گروههای ارتجاعی و وابستگان به امپریالیسم در ارتش ایران انجام گرفت . دشمنان داخلی و خارجی خلقهای ایران بوسیله این کودتا حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق را سرنگون ساختند، آخرین آثار دموکراسی را در کشور برچیدند و راه را برای تحمیل نقشه های شوم غارتگرانه و اسارت بار خود هموار ساختند و با پایمال کردن قانون ملی کردن صنایع نفت ، که بزرگترین محصول مبارزات چندین دهساله ملت ایران علیه امپریالیسم بود ، دوباره تسلط چپاولگرانه خود را بر بزرگترین ثروت ملی ما نفت برقرار نمودند .

میدانیم که رژیم ارتجاعی کنونی شاه ، که زاده کودتای ننگین ۲۸ مرداد است ، از همان نخستین لحظه برقراری حاکمیت شوم خود ، کوشیده است همه امکانات سازمانی ، سیاسی ، مالی و جاسوسی خود را بکاربرده تا ارتش ایران را بصورت عامل بدون اراده سیاست تبه کارانه امپریالیسم و ارتجاع در آورد و آنرا برای سرکوب هرگونه جنبش آزادیخواهانه و ضدامپریالیستی نه تنها در درون کشور ، بلکه در آنسوی مرز های میهن ما بکار اندازد .

ما میدانیم که رژیم ارتجاعی ایران تمام کوشش های خود را بکار برده تا ارتش ایران را بصورت زائده ای از ارتش تجاوز کار امپریالیسم امریکا ، بصورت بخشی از نیرو های ژاندارم بین المللی درآورد و برای این منظور هزاران نفر از افسران و گروهبانان امریکائی را بر سراسر ارتش ایران مسلط ساخته است و این ننگ را به افسران میهن‌پرست کشور ما تحمیل کرده که حتی به یك گروهبان امریکائی که خلق قهرمان ویت نام پوزه هزاران تن از آنان را بخاك مالیده احترام نظامی بگذارند .

— باوجود تصفیه دائمی کادر افسری از عناصری که برای رژیم سیاه کنونی نامطلوبند ، یعنی آن افسرانی که نتوانند با خوشخدمتی و چاکری اعتماد کامل رژیم و کارگزار اصلی آن ، دستگاه جنایت پیشه ساواك را جلب کنند ،

— با وجود غربال کردن پیگیر و مکرر در زمینه ارتقاء به درجات بالا تر ،

— با وجود دادن یك رشته امتیازات مالی و اجتماعی بخصوص به افسران بالا رتبه ،

— با وجود تبلیغات پر دامنه علیه مبارزان راه آزادی و استقلال ملی در داخل کشور ، کوشش در ایجاد دشمنی بین این نیروها و افسران جوان وسربازان ،

— با وجود تبلیغات پردامنه علیه جنبش های مترقی ضد امپریالیستی در جهان سوم و علیه کشورهای سوسیالیستی بمنظور دامن زدن بیك روحیه ناسیونالیستی گمراه کننده در میان افسران جوان ،

ما اطمینان داریم که رژیم کنونی موفق نشده است از پیدایش و رشد نطفه های آزادگی در میان افسران جلوگیری کند و نسل آزادگان را در میان افسران ایران ریشه کن سازد .

ما اطمینان داریم که بخش قابل توجهی از کادر افسری ارتش پیوند های خود را با مردم نبریده و اگر امروز در شرایط وحشت‌آور اختناق پلیسی هنوز نمیتوانند به تمایلات درونی خود عمل کنند ، در اولین شرایط مساعد خود را در خدمت خلق قرار خواهد داد .

ما اطمینان داریم که نه تنها در میان افسران جوان بلکه حتی درمیان چندین بار غربال شدگان کادر بالائی ارتش ایران هم افراد میهن پرست وجود دارند که میتوانند با استفاده از موقعیت های بسیار مناسبی که در اختیار دارند نقش مؤثری درکمك به رزمندگان راه خلق ایفا کنند .

تجربه گرانبهای مبارزات اجتماعی در سراسر تاریخ معاصر و خاصه درهمین یکسال اخیر این‌واقعیت را بدرستی نشان داده است :

نمونه های پرتقال و حبشه با روشنی کامل نشان میدهند که در کشور هائی نظیر کشورما ، که ارتجاع سیاه با برقراری شدید ترین رژیم پلیسی نظیر ساواك حکومت میکند ، چگونه بر اثر رشد تناقضات داخلی جامعه قسمت عمده ای از نیرو های بزرگترین پایگاه حاکمیت رژیم ارتجاعی یعنی ارتش ، جبهه عمل خودرا تغییر میدهد و بصورت نیروی تعیین کننده ای علیه ارتجاع کهنه و در جهت پیشرفت و ترقی بمیدان میآید و با این اقدام تاریخی خود موجبات سرنگونی رژیم ارتجاعی را فراهم میسازد و سد های عمده ای را از سر راه تکامل آزاد جامعه بسوی آزادی و دموکراسی برمیدارد .

چه کسی میتوانست یکسال پیش از این پیش گوئی کند که در کشوری مانند پرتقال که نزدیك به ۵۰ سال میدان تاخت و تاز رژیم سیاه فاشیستی بود ، در کشوری که نزدیك به ۵۰ سال یکی از وحشت آور ترین سازمانهای اختناق پلیسی در آن فرمانروائی کامل داشت ، در کشوری که زندانهایش کشتنگاه هزاران آزاده انقلابی و میهن پرست بود ، در کشوری که ارتش آن هنوز آخرین سنگر های استعمار کهن را حفاظت میکرد و در این راه از هیچ تبه کاری فرو گذار نمیکرد ، در چنین کشوری در مدت کوتاهی قسمت عمده ارتش درست صدو هشتاد درجه جبهه‌عمل خود را تغییر دهد ، حکومت فاشیستی را سرنگون سازد ، آزادگان و میهن پرستان را از زندانها بیرون آورد و مأمورین جنایتکار سازمان امنیت را به زندان ها بیفکند ؟

همین چندی پیش بود ، که وقتی امپراطور حبشه با سگ معروفش از پله های هواپیما در تهران بیرون میآمد و عده ای از شما هم اجباراً باحترام او خبردار ایستاده بودید ، در آنموقع کسی تصورنمیکرد که چندی بعد همکاران شما که نسبت به او در کشورش همان مناسبات اطاعت آمیزی را داشتند که شما اکنون نسبت به شاه دارید ، علیه او قیام کنند و او را بعنوان دزد و غارتگر و آدمکش از جایگاه پر نخوتش پائین کشند و بزندان اندازند .

ششماه پیش که دار و دسته نظامی فاشیستهای یونانی بظاهر به اوج قدرت خود رسیده بودند و کرنای تبلیغات آن مانند رادیو تهران از « اتحاد مردم » با رژیم آدمکش دم میزد و جنبش اعتراضی کارگران و دانشجویان آزادیخواه را بخاك و خون میکشید چه کسی میتوانست تصور کند که این کاخ فرمانروائی متکی به سرنیزه مانند خانه مقوائی درهم بریزد ومحافل حاکمه داخلی وخارجی از ترس یك انفجار وناخشنودی همگانی ، خود مجبور شوند گروه نظامی فاشیست را از صحنه بیرون کنند ، حکومت را به عناصر معتدل بسپارند و زیر فشار خواستهای مردم برخی آزادی های دموکراتیك و از آنجمله آزادی حزب کمونیست را که نزدیك به ۳۰ سال بود درشرایط بسیار دشوار برای‌تحقق هدفهای خود مبارزه میکرد ، برسمیت بشناسند ؟ همه میدانند که در تحولات اخیر یونان هم موضعگیری

دنباله در صفحه ۲

بازپسین روزهای مبارز شهید پرویز حکمت جو در زندان

زندگی و مرگ یك قهرمـان در اسارتگاه آریـا مهری !

(نامهٔ رسیده از ایران)

پس از آنکه رفیق قهرمان ما را به بروجرد منتقل میکنند ، دو نفر دیگر که ظاهراً خود را طرفدار « اندیشه‌های مائوتسه دون » معرفی‌میکردند و احتمالا از اعضای سازمان امنیت بودند با اوهم اطاق میشوند . در این اطاق دو نفر نامبرده بشکنجه‌روحی رفیق ما دست میزنند و هرروز و هر شب با حرفها و حرکات خود او را ناراحت میکنند . سر انجام او تصمیم میگیرد از آنها جدا زندگی کند و شب‌ها در آشپزخانه میخوابیده است . در اثر تقاضای او بالاخره رفیق ما را باطاق دیگری منتقل میکنند .

دراین اطاق قبلاپرویزنیکخواه زندگی میکرده و اطاق با عکسهای خانواده سلطنتی « تزئین » شده بود . رفیق ما تمام عکسها را پاره میکند و بزمین میریزد . وقتی زندانبانان آگاه میشوند بدستور رئیس زندان در یك اطاق نمناك و تاریك که بسیار خیس بوده بطور مجرد زندانی میشود . در اثر ماندن در این اطاق دیسك کمر او که مدتها از آن بابت درد میکشیده چرکی‌میشود وپاهایش شدیداً دردناك‌میگردد و بحالت فلج در میآید . چون هر ماه مادر برای‌ملاقات به بروجرد میرفته است ، برای اینکه از نم اطاق در امان باشد ، یك صندلی میخواهد که از تهران برایش فرستاده میشود . آنموقع او در ملاقات گفته‌بود که شب تا صبح نگهبان روی اطاق من قدم میزند و با براه انداختن سر و صدا های گوناگون مرا ناراحت میکنند .

بعلت ابتلاء به بیماری و دردهای ناراحت‌کننده دندان مادر برای معالجه او اقدام میکند که بی‌نتیجه میماند و نیز برای معالجه دیسك او تلاش میکند تا شاید بتواند موافقت مقامات مربوطه را جلب نموده تا شاید او را به اصفهان منتقل کنند ولی یکباره آگاه میشود که او را به تهران منتقل نموده اند . مادر در تهران (در زندان قصر) مرتباً بدیدار او میرود .

یك شب رفیق شهید پرویز متوجه میشود که دو برادر را که گویااهل بروجرد بوده‌اند پس ازبازداشت و کتك زیاد شبانه باطاقیکه‌چند زندانی دیگر در آن زندگی میکردند ، میآورند . یکی از دو برادر در اثر کتك زیاد بحالت تهوع دچار میشود و برای اینکه دیگران ناراحت نشوند سر خود را از در سلول بیرون میآورد ، زندانبان با ضربه ای که باو میزند سرزندانی نامبرده را میشکند . برادرش اعتراض میکند . نگهبانان از زندان خارجش میکنند و در راهرو در مقابل چشمان‌برادر بیمارشروع به‌زدنش میکنند. رفیق ما بکمك او میرود و باتون را از دست نگهبان خارج میکند و میگوید بجای او مرا بزنید . نگهبانان پس از مجروح نمودن رفیق ما او را بزندان مجرد منتقل میکنند و پس از چند روزی که مادر بملاقات میرود ملاقات نمیدهند و چیزهائیرا که مادر برده تحویل میگیرند . مادر مجدداً هفته بعد میرود آگاه میشود که یك هفته است رفیق ما در زندان مجرد در حال اعتصاب است . مسئولین زندان بمادر میگویند شما باید او را وادار کنید که چیزی بخورد و الا خواهد مرد . مادر وقتیکه این وضع را می بیند شروع بفریاد و اعتراض‌میکند و بقدری بهیجان میآید که بالاخره در پشت دیوار درب آهنین روی برف بیهوش بزمین میافتد وقتیکه‌بهوش میآید می‌بیند تعداد زیادی از گارد زندان از افسروپاسبان در اطراف او ایستاده‌اند . بالاخره مادر رابالای سر رفیق ما که درحال اغماء بوده است میبرند. و او مقداری شربت در گلوی او میریزد و او را بهوش میآورد رفیق ما برای شکستن اعتصاب شرائطی قائل میشود بقرار زیرین :

۱ ـ سفره جداگانه برای ۱۸۰ بیمار مبتلا بزخم‌معده؛
۲ ـ حمام (چون درزندان راه حمام دوربوده است)؛
۳ ـ داروخانه در داخل محل (چون دکتر و دارو دور بوده) ؛

و نیز دو شرط دیگر .

سرانجام رئیس زندان شرائط رفیق ما را قبول میکند ورفیق ما نیز باعتصاب پایان میدهد . اما رفیق ما که خود بیمار بوده است از سفره بیماران استفاده نمیکند و رئیس زندان میگوید : « چرا خودت سر سفره بیماران نمی‌نشینی . ؟ » رفیق ما پاسخ میدهد : « چون تعداد بیماران زیاد است ، بجای من زندانی دیگری که حتی بیش از من احتیاج دارد از آن استفاده کند . » رئیس زندان با خشم میگوید : « پس

دنباله در صفحه ۲

غرفهٔ «مــردم»

در جشن روزنامهٔ «اونیتا»

از اول تا ۱۵ سپتامبر جشن « اونیتا » ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا در شهر بولونیا برگزار شد امسال جشن اونیتا ازسالهای پیش باشکوه تر بود و عده بیشتری در آن شرکت کرده بودند . در تظاهرات روز آخر بیش از یك میلیون نفر شرکت داشتند . در جشن ، نمایندگان احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی ، اروپای غربی و جنبش های آزادیبخش افریقا و جنبش فلسطین شرکت داشتند .

در غرفه مردم نمایشگاه جالبی از عکسهائی از وضع مردم ، رژیم ترور و اختناق ، سیاست نظامیگری رژیم ، جنبش ظفار ترتیب داده شده بود . در غرفه شعارهای مختلفی نصب‌شده بود . از جمله : «زندانهای شاه قتلگاه زندانیان سیاسی است» ، «دست تجاوزگر رژیم از ظفار کوتاه» ، «حزب توده ایران خواستار وحدت تمام نیرو های دمکراتیك و ضد فاشیستی علیه رژیم استبدادی شاه است» ، «۴۰۰ هزار نفر زندانی سیاسی» ، «۲۰۰ اعدامی در دو سال اخیر» . در بالای غرفه دو تابلوی نقاشی از ارانی رهبر زحمتکشان ایران و خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و عکس بزرگی از رفیق شهید پرویز حکمت جو نصب شده بود . بالای عکس رفیق حکمت جو نوشته شده بود : « پرویز حکمت جو ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زندگی خود را در راه مبارزه کمونیستی گذاشت . » بدین ترتیب دهها هزار نفر با وضع مردم ایران وسیاست رژیم و حزب توده ایران آشنا شدند .

بعد از انتشار چند مقاله در باره ایران و رفیق شهید حکمت جو در «اونیتا» عده زیادی ازکمونیست های ایتالیائی حکمت جو را می شناختند و در برابر عکس او باحترام می ایستادند . عکس قهرمانان شهید خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان نیز در غرفه دیده میشد . از طرف هنرمندان ایتالیائی و هنرمندان مترقی خارجی که در ایتالیا کار میکنند و شهرت اروپائی دارند پلاکاتهائی در باره ایران تهیه شده بود که مورد توجه وسیع بازدید کنندگان غرفه قرار گرفت . این پلاکاتها همراه با جزوه «حقایقی در باره ایران» بزبان ایتالیائی و جزوهٔ «ظفار میجنگد» بزبان ایتالیائی باضافه ۱۵ هزار نسخه از نوشته های روزنامه مردم بزبان ایتالیائی بین بازدید کنندگان از غرفه پخش شد . نشریات حزب توده ایران که در غرفه وجود داشت مورد استقبال جمع کثیری از ایرانیان قرار گرفت .

عده زیادی از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی از غرفه مردم دیدن کردند ، از جمله رفیق انریکو برلنگوئر دبیر اول حزب کمونیست ایتالیا ، نمایندگان حزب کمونیست یونان ، نمایندگان جمهوری دمکراتیك توده ای کره .

بازدید کنندگان از غرفه مردم برای زندانیان سیاسی کمك مالی میکردند .

۱۵ هزار نسخه تراکت کوچك چاپ و منتشر شد که تماماً پخش‌گردید و مورد استقبال قرارگرفت. مقدار زیادی صفحات سرود های انقلابی بفروش رفت . تمام مدالهای «گل سرخ» (که در فستیوال برلن‌پخش شده بود) همان روز اول بفروش رسید .

«مردم» توانست با شرکت در جشن «اونیتا» بار دیگر آوای خشم و مبارزه خلقهای زحمتکش میهن ما را بگوش جهانیان برساند .

دنباله از صفحه ۱

پیام به افسران میهن پرست ارتش ایران

گروه مهمی از افسران میهن پرست که حاضر نبودند بفرمان جنایتکاران نظامی فاشیست کودتا گردن نهند، نقش بسزائی داشته است.

پاسخ این پرسش دشوار نیست که چرا در بسیاری از کشور های «جهان سوم» در داخل ارتش، که پایگاه عمده ارتجاع حاکم است، چنین پدیده ای میتواند بوجود آید و رشد نماید. ارتش در قسمت بزرگ و عمده خود از افراد خلق تشکیل شده و ازآن جهت که دامنه پهناوری دارد برای این رژیم ها امکان آن موجود نیست که بتوانند مانند ارتشهای مزدور همه افراد آنرا از عناصر فاسد و خود فروخته دستچین کنند. از اینرو تقریباً همه سربازان، بخش عمده ای از درجه داران و افسران پائین رتبه هنوز بستگی های بیش و کم محکمی با توده های مردم دارند، مردمی که خود آنها از میانشان برخاسته اند. لذا در شرایط تشدید ناخشنودی مردم از سیاست رژیم، آن ناخشنودی خواه ناخواه به صفوف ارتش نفوذ میکند و همین ناخشنودی درونی همگانی سرچشمه آن نیروی شگرفی است که با کمك آن گروه کوچکی از افسران جوان میتوانند با عمل بی‌باکانه ولی حساب شده خود تمام سازمان جهنمی رژیم ارتجاعی را فلج کنند، سد های عمده‌ای را که مانع به جنبش درآمدن سیل پرخاش و پیکار همگانی است درهم شکنند و با پشتیبانی نیروی‌عظیم این جنبش سنگپایه تغییرات بنیادی‌را درجامعه‌بگذارند.

اینست راز پیروزی اقدام بی باکانه افسران میهن پرست در مصر، سوریه، عراق، برمه، افغانستان، پرو، پرتقال و یکسلسله از دیگر کشور های جهان: هماهنگی با خواستهای مبرم خلق و استفاده جسورانه از امکانات مساعد.

پس از این بر رسی همگانی بد نیست کمی در باره وضع ویژه میهن عزیزمان با هم فکر کنیم: میهن ما در شرایط تاریخی و جغرافیائی و اقتصادی‌بسیار مساعدی قرار گرفته است و این شرایط امکانات‌بیسابقه ای را برای رشد همه جانبه اقتصاد و فرهنگ و تمدن در مقابل خلقهای میهن ما قرار داده است. ارزش‌ثروت عظیم ملی ما، یعنی مواد نفتی و سایر مواد معدنی که میهن ما سرشار از آنهاست در جهان امروز هر روز بالا تر میرود، پیروزیهای نیرو های مترقی در سراسرجهان که محتوی اساسی آنرا دستاورد ها و پیشرفتهای‌تاریخی کشورهای سوسیالیستی تشکیل میدهد، امکان‌تجاوزات امپریالیستی را به خلقهای کوچك بسیار دشوار ساخته و هر روز دشوار تر میسازد.

دنیای امروز ما نسبت به دنیای ۵۷ سال پیش یعنی روزیکه با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر نخستین دولت اتحاد توده ای مانند جزیره ای تنها در میان اقیانوس دولتهای ارتجاعی‌دشمن پا بعرصه وجودگذاشته بود، دگرگونیهای شگرفی پیدا کرده است. تنها در پیرامون میهن ما، در بیشتر کشور های نظیر کشور ما یکی پس از دیگری بساط فرمانروائی رژیمهای‌سیاه ارتجاعی برچیده شده است: در عراق نیرو های مترقی که در راه خواستهای توده های زحمتکش و منافع ضد امپریالیستی خلقهای عرب و کرد قدم برمیدارند قدرت حکومتی‌را بدست گرفته‌اند، درپاکستان، ترکیه، افغانستان، کویت، بحرین ویمن‌جنوبی حکومتهای سیاه ارتجاعی زیر فشار تناقضات درونی و تأثیر تغییرتناسب نیرو ها در صحنه جهانی بسود نیرو های هوادار آزادی و پیشرفت دستخوش تحولاتی گردیدند و در هر یك از آنها بتفاوت تغییراتی در جهت مثبت دیده میشود. در عمان، آخرین همسایه ما نیرو های مترقی عرصه را به قابوس مزدور امپریالیسم چنان تنگ کرده اند که او تنها باتکاء استعمارانگلیس‌وبا تجاوز علنی‌نظامی رژیم ارتجاعی شاه ایران علیه خلق عمان میتواند خود را روی تخت متزلزل خویش نگهدارد.

ولی در میهن‌ما ایران رژیم سیاه ارتجاع‌سلطنتی محمد رضا شاه توانسته است باتکاء ارتش هنوز تسلط بی چون و چرای خود را نگهدارد و هرگونه جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را در نطفه سرکوب کند و میهن پرستانی نظیر خسرو گلسرخی، هوشنگ تیزابی، کرامت دانشیان، پرویز حکمت جو و صد ها رادمرد دیگر را بخاك و خون کشد و با استفاده از این رژیم اختناق سیاه نه تنها دهها میلیارد دلار درآمد نفت را لوطی خور کند، بلکه با استثمار و چپاول وحشیانه که در هیچیك از کشور های جهان سابقه ندارد، آخرین قطره خون زحمتکشان ایران را زالو وار بمکد و اموال غارتی را به بانکهای کشور های امپریالیستی سرازیر نماید. یك حساب ساده نشان میدهد که چه ثروتی از مردم ایران بغارت میرود. تنها از ۲۵ میلیارد دلار درآمد سالانه امپریالیسم زده نفت میهن ما (که براستی بخشی از آن درآمدی است که یك حکومت ملی میتواند از همین اندازه نفت بدست آورد) به هر خانواده ایرانی ۲۵ — ۳۰ هزار تومان در سال سهم خالص میرسد بدون در نظر گرفتن آن ثروتی که هر خانواده با کار و زحمت خویش ایجاد میکند.

این امکان واقعی و بی چون و چرا را باواقعیت درآمد زندگی زحمتکشان و حتی زندگی خود شما افسران جوان که جزء ممتازترین حقوق بگیران ایران هستید و خویشان و نزدیکان خود مقایسه کنید، با هزینه زندگی و قیمت کالا های مصرف همگانی و کرایه خانه و غیره مقایسه کنید، با درآمد سرسام آور یك قشر کوچك چپاولگر که برای گردش آخر هفته وخرید با هواپیما به اروپا و امریکا میروند و میآیند مقایسه کنید. اگر قبول کنیم که امپراطور حبشه از درآمد کشور فقیری مانند حبشه بیش از ۱۰ میلیارد دلار چپاول کرده و به بانکهای امپریالیستی منتقل ساخته است حساب کنید که شاه و خاندان پهلوی و دستیارانشان تاکنون چه ثروت عظیمی از درآمد سر شار ملی کشور ثروتمندی مانند میهن ما را بغارت برده و هنوز میبرند. این مقایسه ها با توجه به خصوصیات رژیم اختناق پلیسی که در میهن ما حکمفرماست و نقشی که ارتش در حفظ این رژیم بعهده دارد شما را به مسئولیت سنگینی که بر دوش شماست متوجه خواهد ساخت. باتکاء شماست که رژیم سیاه محمد رضا شاه جنایتکارانی نظیر نصیری و سازمان جهنمی ساواك را بر جان و مال ۳۲ میلیون مردم ایران مسلط میسازد و با این تسلط هر سال دهها میلیارد دلار ثروت ملی ما را بغارت میبرد و با این غارت بزرگترین مانع را در سر راه پیشرفت سریع میهن ما بسوی ترقی‌بوجود میآورد.

با اتکاء به ارتش است که امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی به دستیاری رژیم سیاه کنونی میتوانند تسلط غارتگرانه خود را بر یکی از بزرگترین منابع ثروت جهانی یعنی منابع نفت میهن ما همچنان دست نخورده نگهدارند. در دنیائی که حتی کشور های صد بار کوچکتر و ضعیفتر از ایران مانند کویت در گرفتن حقوق ملی خود از چنگال لاشخوران امپریالیستی بمراتب از ایران جلوتر رفته اند، باتکاء فرمان برداری ارتش است که شاه ایران میتواند یکی از بزرگترین خیانتهای بمنافع ملی‌ما یعنی‌تمدید ۲۰ساله بهره برداری ازمنابع نفت ایران را بوسیله امپریالیستهابعنوان «پیروزی» به ملت ایران جا بزند و مردم را علیرغم میل و اعتقاد درونیشان به هورا کشیدن وا دارد!

باتکاء فرمانبرداری ارتش است که ساواك ۲۵ تا ٤۰ هزار نفر از آزادگان کشور ما را در شکنجه گاههای مرگ نگاه داشته و هر سال خون صد ها از بهترین آنها را برای تسکین عطش خونخواری ضحاك ایران میریزد.

افسران میهن پرست!

بدون تردید در پیدایش و ادامه این وضع‌ننگ آور برای ارتش ایران مسئولیت اساسی متوجه شاه و سایر گردانندگان رژیم و آن قسمت از کادر افسری ارتجاعی ایرانست که آگاهانه و داوطلبانه برای‌تأمین منافع فردی خویش طوق نوکری امپریالیستها وفرمانبری از ارتجاع سیاه ایران را بگردن گرفته اند.

ولی این مسئولیت عمده خود فروختگان، از مسئولیت سنگینی که شما افسران میهن پرست به گردن دارید کم نمیکند. شما امکانات زیادی در اختیار دارید.

این پیام گویای انتظار تمام مردم زحمتکش ایران و تمام راد مردان و آزادیخواهان از شماست. آنها از شما میخواهند که به این مسئولیت شگرف خود بیاندیشید، امکانات بزرگی که دردسترس‌شماست بسنجید و تمام نیرو و امکانات خود را، نه در راه کمك به پاسداری از پایه های حاکمیت ضحاك، بلکه درگشودن زنجیرهائی که به دست و پای‌فرزندان کاوه یعنی نیروی عظیم مردم ایران، نیروی زحمتکشان ایران و در پیشاپیش آنها نیروی آزادیخواه و ضدامپریالیست کشیده شده است گام بردارید. باشماست که پرچم پر افتخار میهن پرستی و آزادگی را که پسیانها، سیامکها، روزبه ها و حکمت جو ها نسل به نسل دست بدست داده اند بر افرازید و با آن به خلق بپیوندید.

با شماست که تاریخ آینده ایران و جهان، ارتش ایران را در کنار خلق های میهن ما جائی دهد نه در کنار تبه کاران اندونزی و شیلی و ویتنام‌جنوبی.

دنباله از صفحه ۱

بازپسین روز های مبارز شهید . . .

شما لباس مرا بپوشید و بجای من دستور بدهید». رفیق ما پاسخ میدهد: «پوشیدن این لباس افتخاری ندارد و من سالها پیش آنرا از تن بیرون آورده‌ام.»

اقدامات رفیق ما سبب میشود که محبوبیتش بین زندانیان زیاد تر شود. گروههای مختلف را دور یك سفره جمع میکند و آنها را با مشی حزب بیشتر آشنا میکند، ازآنها میخواهد برای نابودی دشمن‌مشترك اختلافات را کنار بگذارند و برای ادامه مبارزه با هم همبستگی داشته باشند و روحیه زندانیان عملا چنین میشود و آنها در ملاقاتهای خود با خانواده هایشان این مطلب را اعلام میدارند.

پانزده روز بعید مانده‌یك روزصبح که‌زندانیان مشغول استفاده از دستشوئی داخل بند بوده‌اند، رفیق‌ما تصمیم میگیرد که از روشوئی داخل حیاط استفاده کند و بحیاط میرود. هنگام شستن دست و صورت در اثر ناراحتی و درد شدید، ناگهان بر روی زمین، روی برف می‌افتد ولی از استمداد خواستن از مأمورین که از آن حوالی میگذشتند خودداری میکند. مدتی در همان حال در هوای برف آلود باقی میماند و برف زیادی روی او می بارد. یکی از زندانیان که از آن حدود میگذشته است متوجه میشود، دیگران را خبر میکنند، رفیق ما را بسلول میبرند. چون شدیداً دچار کمر درد شده بود یکی از زندانیان از بقیه تقاضای‌دو کیسه آب گرم میکند. چند لحظه نمیگذرد که عدهٔ زیادی زندانی با کیسه های آب گرم بطرف اطاقی‌که رفیق ما در آن بوده است میآیند.

در این هنگام مادر بملاقاتش میآید. رفیق ما را در روی دست پیش مادر میآورند. مادر ناراحت میشود و میگوید او را باید به بیمارستان ببرند و هنگامیکه آمبولانس بطرف بیمارستان حرکت میکند مادر با یك تاکسی آمبولانس را تعقیب میکند. آمبولانس به بیمارستان شهربانی میرود. مادر ازمقامات بیمارستان تقاضای ملاقات با پسرش را مینماید. هنگام ملاقات، مادر متوجه میشود که یك دست و پای‌رفیق ما را با دست بند در حالت بیماری بتخت بسته اند و فقط هنگام غذا خوردن دست او را از تخت بازمیکنند و او با دست بدون هیچ وسیله ای مانند قاشق و چنگال غذا میخورد و در تمام شبانه روز عده ای مأمور ساواکی مسلح از او در داخل و خارج اطاق مراقبت میکنند. هنگامیکه در یکی از ملاقاتها مادر برای او گل سرخ میبرد رفیق ما با لبخند میپرسد: «مادر، مگر چه فصلی است که گل سرخ وجود دارد؟»

سرانجام پس از یك معالجه سطحی او را دوباره بزندان برمیگردانند. آخرین بار در ۱۹ اردیبهشت مادر بدیدار رفیقمان میرود و روز ملاقات بعدی باو اطلاع میدهند که پسرش را به «کمیته» بردند. مادر برای دانستن محل کمیته بتمام مقامات ساواك وشهربانی مراجعه مینماید و مرتباً نامه میدهد. بهیچیك از نامه های او پاسخ داده نمیشود.

بطوریکه بعد ها زندانیان سیاسی بخانواده ها یشان پیغام میدهند و شخصی که از زندان خارج‌شده است اطلاع میدهد در روز ۱٤ خرداد در کمیته او را از سلولش برای بردن به بازجوئی خارج میکنند و او فرصت پیدا میکند به یکی از مبارزان زندانی بگوید که مأمورین مانند همیشه و این بار شدیداً از او سازش میخواهند و او زیر بار نمیرود و بعداً یکی از نویسندگان که آنموقع زندانی بوده اطلاع میدهد که در روز ۱٦ خرداد رفیق ما را دیده است که او را در کمیته برای بازجوئی میبردند. طبق اطلاع دیگر در اثرشکنجه و خونریزی در کمیته امیدی به نجات او باقی نمیماند و چون هنوز جان داشته و مقاومت میکرده است در روز ۱۸ خرداد با شوك برقی بزندگی پر افتخار رفیق ما خاتمه میدهند.

روز یکشنبه یا دوشنبه ۱۹ یا ۲۰ خرداد از طرف ساواك اطلاع میدهند که خبر را بطور خلاصه در گوشه ای از روزنامه که جلب توجه نکند درج کنند. روزنامه «آیندگان» در اولین شماره روز ۲۲ خرداد خبر را بطور خلاصه اعلام میکند. چون معمولا آیندگان را کسی نمیخواند دوستان وقتیکه خبر را میخوانند، منتظر میمانند و برای اینکه بخانواده اش اطلاع دهند چند روز صبر میکنند. در روز اداری‌برخی آشنایان از خواهر رفیق ما دعوت میکنند که باطاق آنها برود، در این مراسم قهوه میگذارند و پس از ذکر زندگی بعضی از شهدا، بطور غیر مستقیم زندگی و مرگ شهیدی را اعلام میکنند. خواهر میگوید: «این درست مثل زندگی برادرم است». در اینموقع آنها باو اطلاع میدهند که چه رخ داده است. او بخانه بمادر رفیق ما تلفن میکند و میپرسد امروز قصد چه کاری دارد. مادر رفیق ما میگوید که میخواهم باز چند نامه بدهم و خود را در جلوی ماشین ثابتی بیاندازم که باو میگوید خانه باش تا با هم برویم. در خانه موضوع را باو اطلاع میدهد. مادر بیهوش میشود او را به بیمارستان میبرند و مدتی در حال اغما میماند. چند روز بعد مراسم یاد بود در خانه بمناسبت سومین روز شهادت رفیق‌ما برگزار میشود که عدهٔ زیادی درآن شرکت میکنند از آنجمله خانواده شهیدان‌غیرتوده‌ای.

همانروز بر اساس خبری که در روزنامه آیندگان بوده خواهر رفیقمان با چند تن از نزدیکان بزندان قصر و برئیس زندان مراجعه میکنند و مقامات زندان پس از بررسی پرونده اطلاع میدهند که در این مورد در پرونده انعکاسی نیست و از روزیکه او را برده اند تاکنون بما اطلاع دیگری نداده اند. با در دست داشتن روزنامه، بدفتر آیندگان مراجعه میشود، آنها اطلاع میدهند که چند روز قبل ساواك بآنها اطلاع‌داده است که در اولین شماره ای که چاپ میشود این‌خبر را در جائی که بچشم نخورد خیلی مختصر درج کنند. پس از مراجعه زیاد از طرف کمیته اطلاع میدهند که مادر یا خواهرش میتوانند جسد او را ببینند. خواهر بکمیته مراجعه میکند و از آنجا به بیمارستان‌شهربانی میرود. کسانیکه حضور داشته اند: سرتیپ زندی پور رئیس کمیته، خطائی، حسین زاده و چندنفردیگر.

هنگامیکه جسد را نشان میدهند در روی او ملافه ای قرار داشته که بنظر میرسیده که بیش از چند لحظه نیست که روی او کشیده اند. چون‌ملافه نسبت به قد رفیق ما کوتاه بوده است سر تاوسط سینه و همچنین پا تا بالای مچ پا بیرون بود و رفیق ما پیراهن بر تن داشت. چهرهٔ رفیق ما طوری بوده که گوئی لبخند میزند. گویا تا آخرین لحظه به شکنجه گران خود پوزخند میزده است. ناخنهای پا یکپارچه سیاه بوده، چهره دارای رنگی بوده است که بنظر میرسید که از خاکستری به تیرگی میگراید.

هنگامیکه خواهر خم میشود که ملافه را بردارد همگی یکباره او را میگیرند و رئیس کمیته میگوید «آیا خودش است؟» و بعداً اضافه میکند: «فردا نگوئید چنین و چنان شد، سالم بود و در اثر بالا رفتن اوره خون مرده است.» خواهرش پاسخ میدهد: «تاریخ باید قضاوت کند.»

در مورد تحویل جنازه میگویند بهیچوجه کسی که در زندان فوت میکند جسدش تحویل نمیشود. از گفتن محل دفن علیرغم مراجعات مکرر تاکنون خود داری کرده اند. خانواده های شهیدان غیر توده ای مدتهاست که لوحی تهیه کرده اند و نام شهدا را با شرحی در این لوح مینویسند. با مرگ رفیق ما این لوح را و باحترام قهرمانی او سرلوحه را عوض میکنند و نام رفیقمان را در رأس لوح مینویسند: در اکثر مکانها برای او مراسم یاد بود برپا میکنند چه در تهران و چه در شهرستانها. برنامه های رادیوی پیك ایران در مورد رفیق ما تکثیر و بین خانوادهٔ زندانیان پخش میگردد.

با این آدرس با رادیو پیك ایران، با روزنامهٔ مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 6 Sweden

MARDOM
Druckerei Salzland
326 Stassfurt

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

دورهٔ ششم | پانزدهم آبان ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و بیست و دوم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

خجسته باد پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران

یاری جنبش آزادی عمان و مردم ظفار بشتابید!

اخبار رسیده از عمان (ظفار) حاکی است که فشار نیرو های مزدور قابوس و نیرو های متجاوز ایران همراه با بمباران های متمرکز و دامنه دار نیروی هوائی انگلیس و ایران علیه جنبش آزادی عمان در منطقه جنوبی ظفار مجاور جمهوری دموکراتیک یمن شدت بیسابقه‌ای یافته و روز افزون است. چنانکه میدانیم ارتش اعزامی ایران علیرغم رجز خوانیهای شاه و دروغ پردازی دستگاه تبلیغاتیش در حمله ایکه آنرا «حمله بزرگ» علیه «نوار سرخ» نامیدند، بهدفهای خود نرسید و حملات وحشیانه هوائی بمردم غیر نظامی دامها ومنابع آب و آتش افروزی در مزارع ظفار روحیه مقاومت مبارزان ظفار را در هم نشکست. متجاوزان تلفات سنگینی دادند و ارتش ایران به بهای تشدید نفرت عمومی خلقهای ایران و عرب نسبت به رژیم ننگین و تجاوز کار محمد رضا شاهی و ضایعات سنگین جانی و مالی توانست چند مرکز دور افتاده از هم که دائماً در معرض دستبرد رزم آوران دلاور عمان است، برای‌حفاظ ت خودبوجود آورد. شکست «حمله‌بزرگ»، افسانه قدرت ارتش شاهنشاهی ایران و دروغ بودن ادعاهای سلطان قابوس نوکر امپریالیسم ودستگاههای تبلیغاتی ایران را دائر به نابودی جنبش آزادی عمان و پایان کار ظفار، فاش کرد. از آن پس برای جبران ننگ و فضاحتی که نصیب حکومت مداخله‌گر ایران شد و همچنین برای اجرای نقشه های پلید خود، شاه ایران و سلطان قابوس بتحکیم وتقویت مراکز نظامی خویش در خط سرخ پرداختند وبر آن شدند که پیش از رسیدن فصل باران هجوم تازه ایرا بابکار بردن نیرو های بیشتری آغاز و کار ظفار را بقول قابوس «تا پایان ماه رمضان» بپایان رسانند. برای اجرای این نقشه نیروهای تازه‌ای باتجهیزات زیاد ازایران بعمان فرستاده شد تعدادی هواپیمای فانتوم ایران به پایگاه هوائی «ثمریت» که تازگی ایران‌ساخته است منتقل گردید پایگاه دریائی «خصیب» نزدیک منطقه کوهستانی ظفار از طرف ایران تقویت شد. ارتش ایران ورود سربازان قابوس‌وفرماندهان آنها را از ترس ارتباط‌بعضی از آنها با جنبش آزادیبخش بمراکز ارتش ایران، ممنوع کرد. بمباران مردم غیر نظامی، آتش زدن‌مراتع و نابود کردن منابع آب در منطقه ظفار بوسیله‌هواپیما های انگلیسی و ایرانی باوج خود رسید. بموازات‌این تمهیدات کمکهای مالی و نظامی ارتجاع عرب و امپریالیستها به سلطان قابوس و رفت و آمد های آنها بمسقط بنحو بیسابقه‌ای فزونی گرفت.

اینک پس از یك دوران فترت حمله و هجوم دامنه داری برای تصرف تمام ظفار و اشغال مناطق‌مرزی عمان با جمهوری دموکراتیك یمن آغاز شده. سه‌نیروی مجهز شیطانی یعنی ارتش هوائی امپریالیسم انگلستان، نیروی هوائی و زمینی حکومت تجاوز کار ایران و ارتش مزدور قابوس که اخیراً از لحاظ کمیت و کیفیت تکامل یافته، با تمام وسائل به نابودی کامل مردمی که در عین تنگدستی از حقوق ملی و میهنی خود دلیرانه دفاع میکنند، بنام سرکوبی «متمردین و کمونیستها» و بعنوان «حفظ امنیت راه دریائی» صدورنفت، پرداخته اند. هدف از این مظلوم کشی تنها نابودی جنبش آزادی عمان و ساکنان فقیر ومحروم ظفار نیست، بلکه اجرای جزئی از مقصد پلید امپریالیستها و ژاندارم آنها شاه ایران است که واژگون کردن حکومت جمهوری دموکراتیك یمن و جمهوری عراق و سرکوبی هرگونه جنبش ملی و ضد امپریالیستی را در بر میگیرد و با استراتژی کلی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در

دنباله در صفحه ۲

کردستان عراق به خودمختاری دست می یابد

اخیراً در شهر اربیل عراق، مرکز بخش خود مختار کردستان عراق، شورای تقنینیه‌ای که دوره‌اش نه ماه بطول خواهد انجامید، تشکیل شد. المعروف معاون کرد حسن البکر از جانب ریاست جمهوری عراق باین شورای تقنینیه کرد تهنیت گفت. هاشم العقراوی ازطرف این شورا بعنوان نخستین رئیس کمیته اجرائی بخش خود مختار کرد در جمهوری عراق درنظر گرفته شد. تشکیل این شورا در اجراء منشور مارس ۱۹۷۰ و بدنبال تصمیم دولت مرکزی عراق دائر به اعطاء حق خود مختاری به بخش کرد نشین عراق است. این حادثه ایست در خاور میانه از هر بابت شایان توجه واهمیت. پس ازجنبش ملی در آذربایجان و کردستان ایران و تشکیل حکومتهای ملی دراین نواحی، این نخستین بار است که یك حکومت خود مختارملی دراین منطقه ازجهان پدید می‌آید. چنانکه میدانیم مسئله‌ملی در کشورهای این‌منطقه مسئله‌ایست حاد وبغرنج وراه حل‌دمکراتیك این‌مسئله تأمین‌حق‌خود سرنوشتی‌خلقهای‌این ناحیه است. تشکیل‌شورای‌تقنینیه در شهر اربیل و ایجاد حکومت خود مختار در بخش کرد نشین عراق که در مطبوعات کشورهای‌سوسیالیستی انعکاس فراوان یافته، گام مشخص مهمی‌است درجهت تأمین این حق، لذا صرفنظر از نقائصی که این کار بناچار در آغاز و در شرایط بغرنج پیدایش خود میتواند داشته باشد، از جهت ماهیت ومضمون خود حادثه ایست بتمام معنی تاریخی و در خورد توجه و تأیید.

روشن است که بعلت مخالفت جناح راست جنبش ملی کردستان عراق و عناصر و نیرو هائی که در این جنبش نماینده سنن قبیله ای و پدر سالاری و فئودالی هستند، تحقق روند خود مختاری با مشکلات و تصادمات متعددی روبروست. جناح راست، بدنبال مقاصد نادرست خود، از توسل به شاه ایران، از توسل علنی و آشکار به امپریالیسم و صهیونیسم برای سرنگون کردن حکومت ضد امپریالیستی عراق، خودداری نورزیده و در نتیجه کار را به زدو خوردهای برادر کشی کشانده است. مجلس اربیل در چنین‌شرایط پیچیده‌ای تشکیل میشود. ولی مواضع جناح راست جنبش کرد عراق نه فقط مخالف منافع خلقهای کرد و عرب، بلکه مباین با واقع گرائی وخردمندی سیاسی است و لذا میتوان ناکامی این تلاشها را، صرف نظر از هر چرخشی که در سیر امور پدید آید، ازهم اکنون پیش بینی کرد.

تشکیل مجلس اربیل و گام مشخص تازه‌ای که در راه تحقق‌حق خود مختاری خلق کرد عراق برداشته شده، مایه شادمانی خلقهای ایران ونمایندگان انقلابی آنهاست ولی این حادثه بار دیگر خشم و غضب رژیم را بر انگیخته است. رژیم ایران اکنون با تمام قوا از جناح راست و ارتجاعی جنبش ملی کرد عراق حمایت میکند. سیاست سالوسانه ومتناقض‌رژیم

دنباله در صفحه ۲

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، رفقای عزیز!

در روز با شکوه پنجاه و هفتمین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، کمیته مرکزی حزب توده



ایران ازجانب تمام اعضای حزب بشما، بتمام کمونیست های شوروی و بتمام خلق سر فراز و قهرمان اتحاد شوروی صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید:

انقلاب اکتبر که با درفش مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تحت رهبری آزموده حزب انقلابی لنین بزرگ به پیروزی رسید، عصر نوین — عصر نوسازی بنیادی گیتی و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم را آغاز نهاد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای پیکار ملل مستعمره و وابسته در راه رهایی از بند اسارت‌امپریالیسم وسیطره ارتجاع منبع سرشاری از الهام پدیدآورد.

کشور شوراها همیشه برای صدها میلیون‌انسان در سراسر پهنه گیتی پرچمدار مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی بوده است.

کامیابیهای جهانی - تاریخی مردم شوروی که در پرتو رهبری حزب لنین بدست میآید در پیشرفت پیکار سترگی که ملل سراسر جهان در راه دگرگونی انقلابی بنیاد زندگی، در راه آزادی و عدالت اجتماعی انجام میدهند، نقش اساسی دارد.

برنامه صلح مصوبه بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و دستاورد های عظیم ناشی از تحقق این برنامه با عظمت، احترام وپشتیبانی تمام جامعه ترقیخواه بشری را بسوی خود جلب کرده است. اتحاد شوروی با وفاداری خدشه ناپذیر خود به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در سراسر دوران حیات خود همواره پشتیبان ال[illegible]خش مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی بوده و از هیچگونه کمکی باین مبارزه دریغ نورزیده است. تمام میهن پرستان

دنباله در صفحه ۲

من با گلسرخی در یك زندان بودم

(نامهٔ یك زندانی)

. . . پس از بازگشت از خارجه مرا باز داشت کردند، در ساواك مرا متهم کردند که به نفع یك دولت سوسیالیستی جاسوسی میکنم! ولی چون برای این ادعای خود دلیلی نداشتند، نتوانستند مرا دادگاهی کنند. بار ها در جریان بازجوئی مرا ترساندند و یا شلاق زدند. تنها چیزی که از من داشتند این بود که من علیه شاه شعار داده ام. من میدانم که [illegible] ها و شکنجه های مهمتری هم در ساواك بود، [illegible] گرفتار آنها نشدم. محل زندانم در «ایوانکی» بود. وقتی مرا به بازجوئی میبردند چشمهایم را می بستند. در اثناء راه کسی را نمیدیدم. ایوانکی زندانی است که در داخل یك بیشه انبوه ساخته شده برای آنکه از دور متوجه نشوند که در اینجا زندان است. در همین زندان تحقیقات از زندانی انجام میگیرد و اطاق شکنجه وجود دارد. در این زندان بود که من با گلسرخی آشنا شدم، در محلی که ما ظرف خوراك خود را می شستیم من او را میدیدم. در این موقع ما امکان گفتگو با هم داشتیم. گلسرخی از من اسم‌مرا و اتهام مرا پرسید، بعد بمن دلداری داد و گفت کار تو درست میشود. خودش گفت: ما را باتهام توطئه علیه جان شاه و خانواده اش گرفته اند. گلسرخی گفت: «بین ما مأمورین ساواك رخنه کرده بودند. متأسفانه از خیلی ها باصطلاح اعترافاتی گرفته اند.» گل سرخی از این افراد بسیار پکر و عصبانی بود و به اعتراف کنندگان و تسلیم شده ها بسختی حمله میکرد. فقط نام کرامت دانشیان را بخوبی یادمیکرد. بارها بمن گفت: «ما را حتماً اعدام میکنند» او باکی از اعدام نداشت. یکروز بمن گفت: «من و دانشیان

دنباله در صفحه ۲

بار گرانی

بیش ازهمه بر دوش طبقه کارگر است

با وجود گرانی وحشتناك، سطح دستمزد زحمت کش ترین طبقات مردم یعنی طبقه کارگر همچنان ناچیز مانده است.

روزنامه های داخلی و مطبوعات خارجی پنهان نمیدارند که بهای مواد عمده مصرفی، منسوجات و کالاهای خانگی نسبت بسال قبل گاه حتی تا صد در صد افزایش یافته است. باید اضافه کنیم که این افزایش در مواردی و از جمله مثلا در مورد نوشت افزار و کتاب از صد درصد هم فزونتر بوده است. باوجود این، سطح دستمزد کارگران همچنان منجمد مانده و بهمین علت مبارزات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستمزد، کاهش ساعات کار، اجراء صحیح بیمه های اجتماعی، برسمیت شناختن روز های تعطیل، پرداخت اضافه کار در برابر ساعات کار اضافی و غیره و غیره هر روز با شدت بیشتری اوج میگیرد.

عدم رضایت طبقه کارگر از کمی دستمزد، هزینه گران زندگی و شرایط دشوار کار بحدی شدید است که علیرغم سانسور شدید مطبوعات این نارضایتی اینجا وآنجا منعکس میشود. ازجمله‌روزنامه کیهان‌نکاتی در باره کنفرانس میز گرد سندیکای کارگران نانوائی انتشار داده است. در این کنفرانس کارگران نانوا شکایت کرده اند که: «از سال ۱۳٤۰ که دستمزد کارگران بترتیب ٦۰ ریال، ۱۰۰ ریال و ۱۸۰ ریال تعیین شد، با وجود گذشت ۱۳ سال . . . هنوز اقدامی در افزایش دستمزد کارگران نشده است.» (کیهان ـ ٤ مهر ۱۳۵۳) یك کارگر نانوا که سر پرست یك خانواده حد اقل ٤ نفری است، با دستمزد روزانه ٦ تومان یعنی ماهانه ۱۸۰ تومان در آمد باید کرایه خانه بپردازد، پوشاك خانواده را تأمین کند، فرزندانش را به مدرسه بفرستد وشکم خانواده را سیر

دنباله در صفحه ۲

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

دورهٔ ششم — شمارهٔ ۱۲۲ ـ نوامبر ۱۹۷۴

دنباله از صفحه ۱

بار گرانی

کند . با چه ؟ با نان کیلوئی ۲۵ ریال ؟ برنج کیلوئی ۷۵ ـ ۹۰ ریال ؟ و گوشت کیلوئی ۲۵ تومان ؟ شرم آور است ! در کشوری کـه زمامدارانش مـدعی هستند که کارگر و دهقان ایرانی دیگر استثمارنمیشوند برخوردار از حاصل کار خود هستند و حتی از برقراری «عدالت اجتماعی» دم میزنند ، یك خانواده ٤ ــ ٥ نفری باید با ماهی ۱۸۰ تومان درآمد زندگی کند ! در حالیکه هزینه یك وعده شام یکنفر از خانواده‌های اعیان و مرفه در رستوران و هتل های لوکس تهران حتی بیش از ۱۸۰ تومان است ! کارگران نانوا درمیز گرد کیهان میگویند در برابر دریافت دستمزد ناچیز باید از ساعت ۳ بامداد تا نزدیك ساعت ۹ صبح و از ساعت ۱۰ الی یك و نیم بعد از ظهـر و از ساعت ٤ تا ۹٫۵ شب بطور مداوم کار کنند . مجموعاً ۱۵ساعت کار در قبال ٦ تا ۱۰ تومان دستمزد ! کارگران نانوا به مخبر روزنامه گفته اند نه تعطیل روز جمعه دارند و نه در برابر کار اضافی دستمزد اضافی بآنان پرداخت میشود ، وضع بیمه شان رضایتبخش نیست و قانون بیمه های اجتماعی با وجود کار طاقت فرسای کارگران در تش تنور بطور کلی اجرا نمیشود . یکی از کارگران میگوید : «مسئله کافی نبودن حقوق کارگران و عائله مندی آنان باید ازنظر افزایش حقوق موردتوجه قرار گیرد .»

اما تنها کارگران نانوا نیستند کـه از برکت «انقلاب سفید» رنج میبرند و گرسنگی میخورند . کار گران شرکت مخابرات نیز اساسی ترین خواست خود را « ترمیم حقوق کارگران بنحوی که هر کارگربتواند با توجه به گرانی روز افزون هزینه زندگی ، از عهده اداره زندگی خانوادگی خود برآید» قرار داده اند ، (مردم ـ ارگان حزب اقلیت مردم ـ ۲۰ تیر ۱۳۵۳). کارگر دیگری بیکی از روزنامه های مجاز مینویسد : «کارگری که در یك کارخانه با حقوق بسیار کمی مثلا ماهی ۳٦۰۰ ریال مشغول کار میباشد ، چگونه میتواند گوشت کیلوئی ۲۰۰ تا ۲۵۰ ریال بخرد و با همان درآمـد ماهانه حـد اقل ۲۰۰۰ ریال بابت اجاره خانه بپردازد و حالا گوشت را مثال زدم ، سایـر مایحتاج زندگی نیز بهمین نسبت قیمت شان بالا رفته است .» (خاك و خون ـ ٥ خـرداد ۱۳۵۳) . نمونه دیگر کار گران سدشاه‌عباس کبیر هستند. ۳۰ نفر از اهـالی قریه آباد چی فریدن در نامه شکـوائیه خود مینویسند : « در اثر احداث سد شاه عباس کبیر دهکده ما در اعماق دریاچه سد فرو رفته وکلیه املاك مزروعی واشیاء و منازل‌مسکونی‌ازبین‌رفته‌است که البته مبلغ ناچیزی‌بابت این امر بعنوان غرامت پرداخت شد که برای ساختن یك اطاق هم کافی نیست . . . در حـال حاضر روزنامه مـا را با ۹۰ ریال در سد استخدام کرده اند .» (روزنامه خاك و خون ، ۳ اردیبهشت ۱۳۵۳) . کارگر سد دز برای هر روز کار ۹ تومان دستمزد میگیرد که باکسر دستمزد روزهای جمعه و تعطیلات متفرقه، درآمدماهانه اش در حدود ۲۳۰ تومان میشود . ۲۳۰ تومان درآمد ماهانه یك کارگر سد دز ، ۱۸۰ تومان درآمد یك کارگر نانوائی ، و نیمی از این دستمزد ناچیز درآمـد ماهانه زنان و کودکان کارگر ! آنوقت رژیم‌شاه پروا ندارد که درآمد سرانه مردم را ۸۰۰ دلار اعلام کندوایران را در آستانه «تمدن بزرگ» معرفی نماید !

چنین است سیمای رقت انگیز زندگی کارگران ایران که با نیروی بازوی خود ثروت ملی می‌آفرینند و این ثروت هنگفت بجای آنکه‌صرف نیکبختی‌آنها وسایر طبقات‌زحمتکش شود ، بدست یك رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك بهدر میرود ؛ یا بمصرف تجمل زندگی یك اقلیت مفتخوار میرسد و یا به کشور های امپریالیستی سرازیر میگـردد . از این ثروت هنگفت نصیب زحمتکشان تنها در آنحدودی است که بمانند تا ثروتهای تازه بیافرینند .

طبقه کارگر ایران با سنتهای درخشان مبارزه علیه ستم و استثمار ، بخوبی میداند که فقط با نیروی تشکل و مبارزه خـود میتواندبر دشمن طبقاتی پیروز شرد و به حقوق حقه خویش دست یابد . از این موضع منطقی است که مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی و ایجاد دگرگونیهای بنیادی ، علیرغم ترور و اختناق ادامـه یافته و ادامـه خواهد یافت .

مینو

در این دو اعلان که در یکی از روزنامه های عصر تهـران درج شده ، حقوق ۳۶۰ تومانی کارگر را باشام ۱۲۰ تومانی در رستوران مقایسه کنید . چنین است گوشه ای از واقعیت امروزی زندگی مردم .

دنباله از صفحه ۱

بیاری جنبش آزادی عمان و . . .

اقیانوس هند و خلیج هماهنگ است .

باین ترتیب مبارزان دلیر عمان در وضع‌دشواری قرار دارند. آنها با شجاعت وفداکاری با نیروی‌اهریمنی دست بگریبانند و در نبردی نا بـرابر درگـیر . نباید آنها را تنها گذاشت ، باید باین جنبش و مردم ظفار که حتی بعلت بمبارانهای مداوم بسختی برای خـود و دامهایشان آب بدست میآورند ، کمك کرد . هم اکنون جنبش آزادی عمان از نیروهای ضد امپریالیستی ، ملی ، صلحدوست و ترقیخواه جهان، بخصوص از نیرو های ملی و مترقی خلیج فارس و جزیره العرب انتظار دارد که در این روز های سخت صدای اعتراض خـود را علیه توطئه امپریالیسم و ارتجاع در عمان بلند و از خلق مظلوم این کشور پشتیبانی کنند .

نیرو های ملی و دموکراتیك ایران از همان آغاز ، لشکر کشی شاه به عمان را بشدت محکوم کرده و در کنار جنبش آزادی و خلق عمان قرارگرفته اند . تظاهر خانواده های افسران اعزامی ایران به عمان در تهران ، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در چند ماه پیش علیه تجاوز به عمان که بهحبس واخراج گروهی از آنها منجر گردید و اخیراً شعار های فراوانی که بر دیوارهای شهر «رامهرمز» نوشته شده و درآنها علیه «اعزام‌فرزندان ما بمیدان مرگ وآدمکشی» وجنگ باکسانیکه «برادر ما هستند» شدیداً اعتراض گردیده ، نمونه هائی از همدردی مردم ایران با خلق‌ظفار است .

حزب توده ایران تا آنجا که توانسته است به افشای سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه شاه بوسیله رادیو ونشریات خود پرداخته و درحد امکانات خویش از پشتیبانی مبارزه حق طلبانه جنبش آزادی عمان‌ذره‌ای فروگذار نخواهد کرد . وظیفه تمام نیرو های صلح و انسانهای شرافتمند است که هر چه در قدرت دارند و بهر شکلی که میتوانند هر چه زود تر به رزمجویان عمان و مردم بی پناه ظفار یاری رسانند ، یاری رسانند تا هجوم وحشیانه جدید امپریالیسم و ارتجاع باناکامی روبرو شود .

ا، گویا

دنباله از صفحه ۱

کردستان‌عراق به‌خودمختاری‌دست‌میابد

دراین زمینه آنست که‌گویا درکشور ما ایران مسئله‌ای بنام مسئاله کرد وجود خارجی ندارد واین مسئله خاص جمهوری عراق است واگر چه‌خود مختاری بطور کلی برای کردهای عراق لازم است ولی باید با آن خود مختاری واقعی و مشخصی که اکنون در دسترس کردهای عراق قرار میگیرد با تمام قوا مخالفت کرد و آنرا بهر نحوی که شده بر هم زد . باتکاء این سیاست سالوسانه و متناقض ، رژیم به‌هدفهای مختلف خود خدمت می‌کند : از طرفی مبارزهٔ ملی کرد ها را در ایران در خون غرق میسازد واز طرف دیگر بعنوان حامی « ایرانیان آنسوی مرز » خود را دلسوز کرد های عراق جلوه میدهد و به تحریك آنها علیه دولت بغداد می‌پردازد و در عین حال در پیشرفت روند تفاهم بین خلقهای کرد و عرب از هر باره خرابکاری‌میکند .

ما نه فقط این سیاست سرا پا سالوسانه و متناقض رژیم را رد میکنیم ، نه فقط خواستار پشتیبانی از تفاهم و دوستی عربها و کردها در کشور همسایه باختری ایران هستیم ، بلکه خواستاریم که حق خود مختاری بشکل‌مشخص و واقعی برای همه‌خلقهای‌ساکن ایران : آذربایجانیها ، کردها ، بلوچها ، ترکمن ها ، عربها شناخته شود . این مطلبی است که در برنامه و اسناد برنامهٔ حزب ما با صراحت تمام ذکرشده است .

رژیم ماوراء ارتجاعی ایران که دشمن شماره‌یك خلقهای ایران است ، باتکاء این سفسطه و عوامفریبی مبتذل که گویا تأمین حقوق خلقها بمعنای تجزیه ایران و انصراف از استقلال و تمامیت آنست ، ستم ملی را باشکال مختلف آن در مورد خلقهای ایران روا میدارد و تجویز و توجیه میکند . ولی ایرانی که‌در آن همهٔ خلقها ، میهنی شایسته و دلسوز و مهربان و عادل داشته باشند ، ایرانی خواهد بود قوی ، سربلند ، مستقل و استوارکه هیچ چیزی نمیتواند موجودیت آنرا به خطر افکند . ولی ایرانی که بزندان خلق بدل شده است ، هر قدر هم بر زراد خانه جنگ افزارهای ماوراء مدرن خود بیافزاید ، سر انجام تنها غولی است برپایه گلین و فاقد قوام درونی . ما با همان قوت و شدت که خواستار پایان دادن به‌ستم طبقاتی‌هستیم ، خواستار پایان دادن به ستم ملی نیز هستیم . هیچ ایرانی‌نباید بخاطر وضع طبقاتی و یاتعلق ملی وفرهنگی خویش تحقیر و به حرمانهای مختلف اقتصادی وسیاسی و اجتماعی محکوم گردد . تنها آن میهن سرزمین مستقل و آزاد است که در آن افراد آزاد و وارسته و خوشبخت زندگی کنند .

سیاست سالوسانه رژیم ایران در مورد کرد های عراق ، مانند نظیر این سیاست در مورد اسرائیل درخدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار دارد وعلیه صلح و امنیت‌منطقه است. مردم ایران وهمه خلقهای سرزمین ما این سیاست شوم‌را محکوم و با آن‌مبارزه میکنند.

دنبالـه ازصفحه ۱

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

راستین و عناصر ترقیخواه ایران ایمان عمیق دارند که اتحاد شوروی وفادار ترین و مطمئن ترین دوست آنان در مبارزه علیه امپریالیسم و دستگاه استثمار است، و بهبود مناسبات و توسعه هرچه بیشتر روابط اقتصادی و فرهنگی و روابط دیگر میان ایران و اتحاد شوروی را عامل‌نیرومندی برای تحقق‌منافع حیاتی‌مردم ایران میدانند.

رفقای عزیز ، ما برای شما ، برای حزب کبیر کمونیست اتحاد شوروی و برای تمـام مـردم شوروی کامیابی های هر چه بیشتری را در عرصه ساختمان کمونیسم، در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت‌اجتماعی در سراسر جهان ، آرزومندیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول — ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

من با گلسرخی در زندان بودم

تقاضای عفو نکرده ایم » وضع روحی گلسرخی واقعاً عالی بود و دائماً مرا به مقاومت تشویق میکرد ومیگفت: « تو روزبه و سالاخیان را بیاد بیاور ! مرد باید مثل‌آنها باشد .» خیلی علاقه داشت بداند مردم در باره گـروه آنها چه قضاوت میکنند . از من هم همین سئوال را کرد . گلسرخی بمن گفت : « در تلویزیون جریان ما را پخش کرده اند . ولی خیلی از حرفهـای مرا نگفته اند . مثلا من از روزبه و سالاخیان صحبت کردم که آنرا نگفته‌اند.» گویا فقط یکبار باخانواده اش ملاقات کرد . در بین سلولهائی کـه بهم نزدیك بود نوعی تماسکی برقرار بود . یکروز بمن گـفت : « برای ما آواز بخوان !» زیرا من صدایم بد نیست و بفارسی و انگلیسی آواز میخوانم . اگـر ایستاده در سلول آواز میخواندم ، صدایم بجائی نمیرسید . من‌روی زمین دراز میکشیدم و دهنم را به درز پائین در نزدیك میکردم و آنوقت آواز میخواندم . در این حالت صدا پخش میشد .

موقع بازجوئی توی بحر مأمورین ساواك میرفتم: جوانهائی بودند اکثراً ۲۵ — ۳۰ ساله با قیافه های بد جنس و جنایتکار . این کارمندان ساواك بهم نان قرض میدادند و همدیگر را مهندس ، دکتر ، دکتر مهندس صدا میکردند . لابد هیچکدام تحصیلات درستی هم نداشتند . اینها در امریکا آموزشگاه پلیس مخفی را طی کرده اند . لباسهایشان از کلاه تا کفش امریکائی ، ژستهایشان امریکائی . اینها هل و گلاب امریکاست که برای مردم ایران تحفه فرستاده اند !

ملاقات با گلسرخی در زندان بزرگترین و عزیزترین خاطره من‌است . من آن قیافه دوست‌داشتنی ، آن اخلاق مردانه، آن کلمات دلنشین را هرگزفراموش نمیکنم . من آنموقـع نتوانستم باو بگویم که مردم درباره او چه قضاوتی میکنند ولی حالا میتوانم بگویم: «گلسرخی ! مردم تو را وارد صف قهرمانان تـاریخی خود کرده اند .»

شعری رسیده از ایران

فدائی خلق

این شعر را یك رفیق کارگـر پس از شهادت خسرو گلسرخی و کـرامت دانشیان سروده و برای ما فرستاده است .

از ماتم شهیدان ، کاینك بخون نشستند
گلهای سرخ پرپر رنگی ز خون گرفته .
از جنبش دلیران روزی اثر ببینم
هر چند دیو خونخوار راه جنون گرفته .

*

باشد شعار یاران : « جانها فدای مردم ! »
ز ینروست کاین دلاور در خاك و خون فتاده
اینك فدائی خلق جان را نهاده در كف
در آستان مردم در خدمت ایستاده .

رادیو پیك ایران

همه روزه از ساعت ٦ تا ۹ و ٤۰ دقیقه بعد ازظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵ ، ۲٦ و ۳۱ متر برنامه پخش میکند .

مــردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

دورهٔ ششم | سی ام آبان ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و بیست و سوم

مــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ساواك هــر روز به درنــدگــی خــود می افــزاید

خبر هائی که از شکنجه گاههای ساواك با وجود دیوار های سانسور هزار میخه رژیم به بیرون درز میکند نشان دهنده آنست که این سازمان نفرت انگیز آدمکش هر روز بر درندگی خویش میفزاید.

شاه وساواکش از یکسو ازافزایش روز افزون ناخشنودی مردم بیش از پیش به وحشت افتاده‌اند از سوی دیگر با پیش آمد های پرتقال، یونان و حبشه هم تصویر هائی‌را از آنچه که ممکن است افزایش این ناخشنودی به دنبال داشته‌باشد، درپیش چشمان خون گرفته اش میآورد.

همانطور که سراسر تاریخ بشر در مورد همه ضحاك ها نشان داده است، وحشت ددمنشی ودرندگی شان را چند برابر میکند و همین خود یکی از گویا ترین نشانه های نا پایداری رژیم است. اگر رژیمی در میان مردم پایگاهی استوار داشت به آنهمه دروغ و گزافه که دستگاههای تبلیغاتی آریا مهری و روزنامه های خودفروخته هر روز پخش میکنند چه نیازی داشت و چه احتیاجی به این همه تبه کاریها بود؟

تعداد بیشماری از آگاه ترین، جسور ترین و پیگیر ترین مبارزان راه خلق در شکنجه گاههای آریا مهری جان میکنند و هرروز ساواك دسته جدیدی را به ساولهای مرگبار زندانها سرازیر میسازد.

در میان این رادمردان، درکنار زحمتکشان مبارز، عده بیشماری ازبرجسته‌ترین نمایندگان فرهنگ ملی جان میکنند و از بسیاری از آنان کوچکترین خبری در دست نیست و معلوم نیست در چه تاریخی زیر شکنجه های غیر انسانی جلادان ساواك جان سپرده‌اند. در کشوری که شاه با گستاخی بینظیری‌از آن دم میزند که گویا انتخابات آزاد خواهد بود حتی ابتدائی ترین حقوق بشری مراعات نمیشود. افراد بازداشت‌وزندانی میشوند، شکنجه می‌بینند، جان‌میدهند، ولی‌هیچکس‌از سرنوشت آنان اطلاعی بدست نمی‌آورد.

دنباله در صفحه ۲

اجراء نقش ضد ملی

در پــردهٔ عوامفریبی هــای ملی

(در باره نقشه های مشترك امپریالیسم و ارتجاع ایران در خلیج فارس)

در اوایل آبانماه سال جاری هنری کیسینجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکاضمن «جهان پیمائی» نوبتی خویش، به تهران آمد و در آنجا در قصر سعد آباد اقامتگاه تابستانی شاه، با وی مدت چهار ساعت مذاکراتی داشت که وی آنرا «مثبت و سازنده» نامیده است. کیسینجر در مصاحبهٔ مطبوعاتی خود در تهران، در مقابل سئوالی که از وی در باره «نقش ایران در اقیانوس هند» شده چنین گفت: «ایران میتواند در این منطقه نقش مؤثری داشته باشد و ما از نظریات ایران در این زمینه پشتیبانی خواهیم کرد.»

پس از عزیمت هنری کیسینجر، انجام مانور دریائی با حضور شاه و وزیر دریاداری ایالات متحده امریکا در خلیج فارس، وتأیید مکرر شاه در بارهٔنقشی که وی برای خود در مورد خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند قائل است، آشکارا نشان داد که آن «نقش مؤثر» ایران که مورد پشتیبانی امریکاست، هم اکنون سخت گرم عمل است.

برای آنکه روشن شودکه در پس پردهٔ سخنان پر طمطراق شاه ایران و باصطلاح نقش مؤثر ایران در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، درواقع چه مقاصد امپریالیستی پنهان است، خوبست بعنوان نمونه، دو فاکت ذکر کنیم:

۱) این‌روز ها قرار است در لندن اجلاسیه باصطلاح «جمعیت آتلانتیك شمالی» دائر شود. پتریك ثوال وکیل پارلمان انگلستان، برای کمیسیون نظامی این جمعیت، گزارشی تهیه کرده است حاکی‌از نقشه هائی که کارشناسان «سازمان آتلانتیك شمالی» هم اکنون برای اقدامات و عملیات پیمانهای تجاوز کار نظامی (از نوع سنتو) در اقیانوس هند تدارك دیده‌اند. مانور دریائی ایران با حضور وزیر دریا داری امریکا نمیتواند باین نوع نقشه ها مربوط نباشد. نظیر این نقشه های عملیاتی قبلا در اقیانوس اطلس جنوبی افشاء شده بود که میتواند نمودار توطئه هائی باشد که علیه تکامل دمکراتیك جامعه پرتقال تدارك می‌شود. نکته جالب اینجاست که سازمان آتلانتیك شمالی بعنوان یك ستاد مرکزی تکلیف پیمانهای دیگر امپریالیستی را نیز معین میکند.

۲) روز ششم‌نوامبر جازف‌آلسوپ مفسرمعروف ارتجاعی امریکا درروزنامه امریکائی «واشنگتن پست» مقاله‌ای نگاشت و ضمن آن چنین نوشت:

«دیگر وقت آن رسیده است که آنچه را که‌یکسال پیش نمیشد نوشت، بنویسیم وآن اینکه ممکن است ایالات متحده‌امریکا برای جلوگیری از یك‌تحریم نفتی جدید در خلیج فارس دست به اقدام نظامی بزند. ایالات متحده نمیتواند متحمل شود که بار دیگر نفت ماهیتاً بعنوان یك سلاح نظامی بکار رود بدون آنکه با یك واکنش نظامی لازم روبرو شود و محل این واکنش نظامی نیز نمیتواند جای دیگری باشد جز در خلیج فارس.»

صرف نظر از اینکه تا چه اندازه امپریالیستها در شرایط کنونی تناسب نیروها در جهان قادر باشند سیاست «کشتی‌توپدار» رامانند «روزگار خوش‌استعماری» بکار برند، و صرف نظر از هارت و پورت بیجائی که بمنظورهای معینی درنوشته‌جازف آلسوپ گنجانده‌شده، فاکتهای یاد شدهٔ در فوق، بهر جهت محتوی مشخص

دنباله در صفحه ۲

شاه از «انتخابات آزاد» سخن میگوید

شاه در برخورد با هیئت رئیسه مجلسین دراواخر مهر ماه سال جاری مسئله «انتخابات آزاد» را بمیان کشید و چنین گفت: «تصمیم بر اینست (؟) که در ایران یك انتخابات کاملا آزاد در آینده انجام شود و نمایندگان دو مجلس از این امر بخصوص اطلاع‌دارند.» وی افزود: «بهمین علت است که ما معتقد به تعدد حزب درمملکت هستیم... اینست که دستگاههای مملکتی و همینطور احزاب باید خود را از هر حیث برای انتخابات آینده آماده کنند و بدانند که این کار امری جدی است.»

روز دیگر روزنامه غیر رسمی اطلاعات در سر مقاله ای که معمولا برای تفسیر بیانات شاه مینویسد، نوشت: «در آینده شاهد انتخاباتی خواهیم بود که هیچ عاملی، جز رأی اکثریت در تعیین سرنوشت آن مؤثر نخواهد بود.»

این نوع جملات شاه و مفسران سخنش را میتوانستیم نادیده بگیریم و آنرا بحساب عوامفریبیهای هر چندی یکبار بگذاریم که ابداً و اصلاً ربطی به واقعیت مخوف ایران: استبداد و مطلقیت کامل شاه، «قدر قدرت» بودن دستگاه دوزخی ساواك، فقدان مطلق هرگونه حقوق و آزادیهای دموکراتیك، ندارد. ولی بنظر ما از سه جهت این اظهارات میتواند جالب نظر و قابل بررسی باشد.

نخست از جهت اعتراف مهمی که در آنست.

شاه میگوید که تصمیم‌براینست (یعنی‌تصمیم اوبراینست) که در ایران انتخابات «کاملا آزاد» در آینده انجام شود. صرفنظر از تناقض منطقی این جمله که بایدشاه «تصمیم» بگیرد، تا انتخابات (که حق اصلی واساسی مردم ایران موافق قانون اساسی است) آزاد باشد، سخن شاه خود یك تصدیق تلویحی بر این واقعیت‌عیان است که تاکنون انتخابات در کشور ما آزاد نبوده است. جمله اطلاعات نیز که میگوید ما در آینده شاهد انتخاباتی خواهیم بود که هیچ عاملی در آن‌مؤثر نخواهد بود، کاملا از نوع همین اعترافات است. روشن است که این اعتراف با آن دعاوی دائمی شاه و دیگر سخنگویان رژیم که گویا در ایران بهترین دموکراسیها و حکومت پارلمانی حکمرواست تباین فاحش دارد. مردم ایران از این اعتراف اتخاذ سند میکنند.

دوم اینکه این اظهارات شاه‌گوشه‌ای بحران سیاسی رژیم سلطنت مطلقه را نشان میدهد. از زمان ترمیم اخیر کابینه هویدا و سر وزیر شدن آموزگار و

دنباله در صفحه ۲

بمناسبت بیستمین سالگرد شهادت افسران توده ای

برای افسران، درجه داران و سربازان ارتش ایران

افتخاری بالا تر از پیوستن به جبهه خــلق نیست

بیست سال پیش نخستین گروههای افسران توده ای بفرمان شاه تیرباران شدند. رژیم کودتا که بزور دلار های امریکائی و توطئه ننگین سازمان کل جاسوسی امریکا (سیا) بر سرکار آمده بود، با گامهای لرزان خود را برای انجام مأموریت ضد ملی خود یعنی تسلیم مجدد منابع نفت ملی شده به انحصارات امپریالیستی آماده میکرد. رژیم که از فوران خشم عمومی بیم داشت، تشدید محیط ترور و ارعاب را شرط مقدماتی تصویب قرارداد خائنانه نفت میدانست و نخستین قربانیان را از میان افسران توده ای انتخاب کرد، تا بخیال خود مخالفت ها را در درون ارتش و خارج از آن سرکوب کند. سه گروه از افسران‌توده ای همراه با شاعر جوان مرتضی کیوان در فاصله یك ماه تیرباران شدند. قرار داد نفت به تصویب رسید ولی رژیم بهدف خود نرسید. مقاومت مردم در درون ارتش و خارج از آن ادامه یافت. وجود ۶۰۰ افسر متشکل توده ای در ارتشی که دوران سیاه دیکتاتوری رضا شاه را درپشت سر داشت برای رژیم کودتا ضربه ای سنگین بود. کشف سازمان افسری حزب تودهٔ ایران بار دیگر پس از قیام افسران خراسان و تهران در سال ۱۳۲٤ و شرکت افسران در نهضت دموکراتیك آذربایجان رژیم را متوجه وجود روحیه دموکراتیك در صفوف ارتش کرد و آنرا به چاره جوئی واداشت. تیرباران ۲۶ افسر توده ای و محکوم ساختن چند صد نفر دیگر به زندانهای ابد یا بسیار دراز مدت، نخستین اعمال فشار رژیم بر ارتش بود که با اقدامات بعدی و از جمله تصفیه های دامنه دار برای طرد افسران‌شریف و میهن پرست، نقل و انتقالات پی در پی برای جلو گیری از همپیوندی میان افسران ترقیخواه، بسط‌شبکه های جاسوسی و خبرچینی، بازداشت و حتی سر به نیست کردن افسران باصطلاح مشکوك تکمیل شد. رژیم درکنار این اقدامات خشن کوشید تا با واگذاری امتیازات ویژه به ارتشیان، تربیت آنان با روح برتری جوئی و تسلط طلبی و تشدید تبلیغ ناسیونالیسم‌ارتجاعی و آنتی کمونیسم، میان آنها و جنبش دموکراتیك مردم مرزهای مصنوعی ایجاد کند و ارتش را صرفاً به وسیله اعمال قهرضد انقلابی بدل سازد. ولی روشن است که در جامعه ای طبقاتی مانند ایران، ارتش یکپارچه نیست. اگر بخشی از آن بعلت پیوند با طبقات‌ارتجاعی در خدمت هیئت حاکمه و وسیله‌ای برای حفظ سلطنت مستبده شاه است، بخش دیگر که خود از میان طبقات زحمتکش و محروم برخاسته، بالقوه در کنار مردم و با مردم است. شاید بتوان با پول و پاداش و درجه و مدال و سردوشی عناصری از این بخش‌را فریفت و به مقابله با جنبش مردم واداشت ولی همه آنان را نمیتوان از جنبش دموکراتیك مردم جدا کرد و اگر جز این میبود پسیان ها، لاهوتی ها، سیامك ها،

دنباله در صفحه ۲

«توفان» به ساواك نزدیك شده است یا ساواك به «توفان»؟

«توفان» در شماره ۲۱ خود مورخ فروردین ماه ۱۳٤۵ تحت عنوان «یورش تازه» نوشت:

«اخیراً دستگاه دژخیمی رژیم شاه یورش تازه ای را بر علیه عده‌ای از مبارزان مترقی و وطن پرست میهن ما آغاز کرده است. پس از دستگیری وتوقیف‌پرویز حکمت‌جو، علی خاوری و شش تن از یاران آنان اکنون مدتی است که محاکمه آنها در شرایط خفقان و کلا سری برگزار میشود. برای پرویز حکمت‌جو و علی خاوری تقاضای اعدام شده است و از آنجا که جلسات دادگاه مخفی است، کسی از چگونگی جریانات و سرنوشت این مبارزه جویان ضد استعمار و استعمار آگاه نیست.

در شرایط ترور و تسلط حکومت سرنیزه و خفقان وظیفه تمام نیروهای ملی و مترقی است که با تمام امکانات تبلیغاتی و سازمانی خود بر علیه این

دنباله در صفحه ۲

سربــازی بــا شرف را زنده بگــور کردند!

خبر رسیده از عمان (ظفار) حاکی است که در روزهای اخیر سربازی باشرف از رفتار ددمنشانه افسر خود نسبت بمردم مظلوم عمان به تنگ آمده، نیروی بردباری خویش را از دست میدهد وبسختی باین افسر پرخاش واو را سرزنش میکند. این افسر که انواع جنایتها را در جلو چشم سربازان مرتکب میشده دست به اسلحه کمری میبرد و بسوی این سرباز که وجدانش او را باعتراض و ادارکرده بود، نشانه میرود. سرباز خود را برابر درنده‌ای بیرحم وبیوجدان می بیند که اگر اندکی دیرکند جانش را باخته و این‌حیوان درنده را زنده گذاشته است. از اینرو پیشدستی کرده بیدرنگ با گلوله‌ای این دژخیم دیو صفت را بجهان نیستی میفرستد و جهانی را از شر او آسوده میکند.

بدستور فرماندهی ارتش مهاجم ومتجاوز ایران پس از آگاهی از این رویداد همه سربازان قسمت

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

«توفان» به ساواك نزديك شده است يا . . .

تجاوز آشكار به آزاديهاى دمكراتيك وحقوق اجتماعى و بخاطر آزادى تمام زندانيان سياسى واحياى آزاديهاى دمكراتيك در ايران مبارزه كنند . ما تمام مبارزان آگاه و هموطنان خود را به ادامه مبارزه سر سخت براى لغو دادگاههاى مخفى نظامى ، بخاطر آزادى زندانيان سياسى و براى نجات جان تمام مبارزانى كه زندگى شان در دادگاههاى نظامى و فرمايشى شاه بخطر افتاده است دعوت ميكنيم . تنها با مبارزه همه جانبه و متحد است كه ميتوان بخواستهاى خود جامه عمل پوشاند . »

« توده » در شماره دوم — سال اول خود مورخ ارديبهشت ۱۳٤۵ تحت عنوان « دست جلاد كوتاه ! » نوشت :

« مبارزه مردم ايران و معاضدت بين المللى نيروها و محافل دمكراتيك جهان باعث شد كه شاه از اعدام بروجردى اين مجاهد راه خلق بناچار چشم بپوشد . ولى عطش خونخوارى محمد رضا شاه فرو ننشسته ودو زندانى ديگر بنام على خاورى و پرويز حكمت جو را همچنان در آستانه اعدام نگهداشته است .

ما خواستار لغو احكام صادره و آزادى كليه زندانيان سياسى رژيم كودتا ، از هر طبقه و هر قشر ، از هر مسلك و مرام ، از هر حزب و جمعيت هستيم . دست جلاد از على خاورى و پرويز حكمت جو كوتاه !

اين ا[illegible]ظار ها در باره پرويز حكمت جو و على خاورى مربوط به زمانى است كه اين دو گروهك مائوئيستى در آغاز فعاليت خود و در همانحال در آغاز جدائى ازهم بودند .

پس از هشت سال كه سرانجام دست جلاد بر پيكر انقلابى پرويز حكمت جو فرود آمد و وى را بشهادت رساند ، اين دو گروهك مائوئيستى نه فقط در باره اين جنايت سازمان امنيت و رژيم ترور و اختناق شاه در روزنامه هاى خود سكوت كرده اند ، بلكه نمايندگان آنها در «جلسه بحث آزاد كنگره فدراسيون آلمان» بنا بر اطلاعيه هيئت دبيران كنفدراسيون چنين گفته اند :

« . . . اين دو سه تن بنا باظهارات صريحشان معتقدند : افرادى كه از لحاظ ايدئولوژى وابسته به شوروى و حزب توده اند ، ولو اينكه بر عليه رژيم شاه مبارزه كنند و گرفتار چنگال اين رژيم خون آشام شوند ، نبايد از آنان دفاع بعمل آيد . .

البته اين تمام حرف آقايان نيست . آنها پا را از اين هم فراتر نهاده و در بحثهاى پس از فدراسيون آلمان مدعى شده اند كه اين نوع افراد بدليل وابستگى ايدئولوژيكشان « عناصر جاسوسند » و [illegible]شان حلال است و بعنوان اقامه دليل نيز اين [illegible] ارتجاعى را بميان كشيدند كه كنفدراسيون جهانى همانطور كه از «هلمز» رئيس سابق سازمان جاسوسى «سيا» درصورت گرفتارى و قربانى بدست رژيم شاه ! دفاع نخواهد كرد ، از شهيد پرويز حكمت جو نيز نبايد دفاع كند . . . »

و اين اظهار نظر ، و بعبارت دقيق تر اين دفاع بيشرمانه از جنايت سازمان امنيت زمانى صورت گرفته است كه دو گروهك مائوئيستى « توفان » و «سازمان انقلابى» دوباره عملا با هم «متحد» شده اند . اگر بياد بياوريم كه «توفان» بار ها «سازمان انقلابى» را «لانه عمال سازمان امنيت» دانسته واز جمله درقطعنامه جداگانه اى متذكر شده است كه :

«بديهى است كه امپرياليسم و سازمان امنيت ايران نيز از اهميت نهضت ماركسيستى ـ لنينيستى نوين غافل نبودند و درصدد برآمدند جاپائى براى خويش در اين نهضت بيابند . «سازمان انقلابى» هم با شيوه ناهنجار خود شرايط مساعدى براى عمال امپرياليسم و سازمان امنيت فراهم آورد . زندگى اين سازمان و بويژه خيانت هاى اخير آشكار ميسازد كه فعاليت خرابكارانه امپرياليسم و سازمان امنيت در «سازمان انقلابى» قرين موفقيت بوده است » .

آنوقت اين سئوال مطرح ميشود كه : آيا « توفان » هم به « لانه عمال سازمان امنيت » مبدل نشده است؟ آيا فعاليت خرابكارانه امپرياليسم وسازمان امنيت در « توفان » هم قرين موفقيت نبوده است ؟ و اينكه كداميك به ديگرى نزديك شده است : « توفان » به ساواك يا ساواك به «توفان» ؟

دنباله از صفحه ۱

ساواك هر روز به درندگی خود می افزايد

ساواك پس از كشتن گلهاى شادابى مانند گلسرخى ، تيزابى ، دانشيان همين چند ماه پيش بود كه نويسندگان نامدارى مانند دكتر ساعدى ، دكتر شريعتى ، فريدون تنكابنى و ديگران را بزندان و شكنجه گاه روانه كرد . در اوايل سال جارى گروه وسيعى از پزشكان و مهندسين و ساير روشنفكران زن و مرد تنها بجرم اينكه فكر ميكردند و اوضاع اجتماعى ايران را از نظر علمى بررسى مينمودند بزندان كشيده شدند وهنوز هم كه نزديك به يكسال از گرفتارى آنها ميگذرد كسى از سرنوشت آينده آنان باخبر نيست . بدنبال اين دسته گروه ديگرى از روشنفكران روانه زندان شده كه اكثرشان از مهندسين درجه اول كشور بوده اند ، كشورى كه براى هر نيمه مهندس خارجى صدها هزار تومان در سال بدور ميريزد . در ميان اين گروه اسامى عده اى از برجسته ترين فارغ التحصيلان دانشكده هاى فنى ايران مانند مهندس حبيب خسرو شاهى ، مهندس صدر زاده ، مهندس زركش ، مهندس اصفهانيان ، مهندس خلف و عده اى از بستگان آنها ديده ميشود . خبرهاى رسيده گوياى آن هستند كه اكثر افراد اين گروه را زير شكنجه هاى غير انسانى جسماً خورد كرده و مهندس حبيب خسرو شاهى را مانند هوشنگ تيزابى وپرويز حكمت جو زير شكنجه كشته اند .

وظيفه همه ميهن پرستان است كه در هرجا كه هستند با استفاده از هر امكانى كه در دست دارند براى رسوا ساختن رژيم جهنمى ساواك ، براى دفاع ازجان اين زندانيان و براى آزادى همه راد مردان ديگرى كه در شكنجه گاههاى مرگ آريا مهرى ايران دست وپا ميزنند با پيگيرى وخستگى ناپذيرى كوشش كنند .

رژيم كنونى ايران هر اندازه بر درندگى خود بيفزايد نميتواند شعله آزادمنشى و ميهن دوستى را در مردم ايران خاموش كند . اين آتش شعله خواهد كشيد وبارگاه سراسرننگ شاه و دستيارانش را تابن خواهد سوزاند ـ اين حكم تاريخ بشرى است و ازآن آريا مهر هم با همه باد و بودش سرپيچى نتواند كرد .

روشن

دنباله از صفحه ۱

براى افسران ، درجه داران و . . .

روزبه ها ، وكيلى ها ، محقق زاده ها ، مبشرى ها ، مدنى ها ، جمشيدى ها ، عطارد ها و كلالى ها ازصف نظاميان پا بعرصه مبارزه مردم نميگذاشتند . افسران ميهن پرست و ترقيخواه ارتش ايران مانند همهٔ انسان هاى شريف ، مفهوم زندگى را چيزى بالا تر از خور و خواب و درجه و مقام و ظواهر فريبنده حيات ميدانند ، تنها بخود نمى انديشند و فقط منافع شخصى خود را در نظر ندارند . تعلق آنها به ارتش چيزى از تعهد ومسئو ليت اخلاقى و اجتماعى شان در برابر زحمتكشان نميكاهد ، بلكه آنرا بيشتر ميكند .

وابستگى فزاينده رژيم به امپرياليسم و توسل روز افزون به شيوه هاى حكومت فردى و استبدادى ، تشديد استثمار زحمتكشان و بيعدالتى اجتماعى ، همان گونه كه مبارزات مردم را عليه امپرياليسم و ديكتا تورى سلطنتى تشديد كرده ، بخش مترقى ارتش ، يعنى افسران و درجه داران مترقى و مردم دوست را نيز كه از اسارت كشور خود در چنگال امپرياليسم و ارتجاع رنج ميبرند ، در پيوستن به صفوف مردم و شركت در مبارزات مردم مصمم تر و فعال تر خواهد كرد . هم اكنون سياست نظاميگرى رژيم ، تسلط مستشاران امريكائى و تبديل ارتش ايران به ارتشى متجاوز و مداخله گر درجه نارضايتى را در بخش مترقى ارتش فزونتر ساخته است . اعزام افسران و سربازان به خارج از مرز هاى ايران و اجبار آنان به ايفاء نقش ژاندارم منطقه هرگز مورد تأييد عناصر مترقى ارتش ايران نيست . عدم رضايت درميان عناصر مترقى ارتش چنانچه با مبارزات مردم پيوند يابد ميتواند نقش ارزنده اى در رهائى مردم از ستم ارتجاع و امپرياليسم ايفا كند .

در صفوف ارتش ايران كه فرزندان رشيد و ميهن پرستى چون پسيانها ، سيامك ها و روزبه ها به خلقهاى ايران تقديم داشته بسيارند افسرانى كه قلبشان آكنده از عشق بمردم است . فضاى خفقان آور كنونى ميتواند مرز هاى موقت ميان عناصر مترقى ارتش ومردم بوجود آورد ، اما قادر نيست ارتش ايران را با آنهمه سنتهاى درخشان انقلابى به ارتش ضد مردمى بدل كند . افسران و سربازان ميهن پرست ارتش از انجام مسئوليت اخلاقى و اجتماعى خود در قبال خلق هاى رنجديده ايران غافل نخواهند ماند وهمهمه خشم كنونى سرانجام تبديل به فرياد شده و به غريو همگانى خلق خواهد پيوست .

ميهنو

دنباله از صفحه ۱

شاه از «انتخابات آزاد» سخن ميگويد

قرار گرفتن وزارت كشور و كليه امور استخدامى تحت نظر او ، تا اجراء انتخابات ميان دوره اى شهسوار بعنوان نمونه «انتخابات آزاد» ، هر ناظر دقيقى متوجه بود كه رژيم مطلقه شاه در اثر تناقضات درونى سيستم سياسى خود قصد دارد دست به تغييراتى در كار خود بزند تا خود را با شرايط بهتر دمساز گرداند .

روشن است كه از نظر خواستهاى مردم ايران كه مايلند رژيم استبدادى كنونى سرنگون شود ، اين مانور ها براى ايجاد مكانيسم قابل انعطاف ترى بسود سلطنت مستبده بكلى بى اهميت و غير قابل اعتناست ، ولى از نظر بررسى مشكلات درونى سياسى رژيم ، نمى توان و نبايد آنها را ناديده گرفت .

سوم اينكه اظهارات شاه واقدامات وتحولاتى كه ميتواند در پى داشته باشد ، نمونه اى از مانورهاى عوامفريبانه رژيم و شخص شاه در مقابل فشار روزافزون افكار عمومى مردم است كه از استبداد خشن و سياه و يك بند و تجاوزات بى بند و بار آن بجان آمده اند . دگرگونيهاى شگرفى كه درجهان رخ ميدهد ، زندگى اين رژيم و ماهيت ارتجاعى سياست داخلى و خارجى آنرا كه بيش از پيش بيك وصله ناجور مبدل ميشود ، حتى براى آن كسانى كه در مقابل آن راه سكوت و تحمل در پيش گرفته بودند ، بيش از پيش روشن ميسازد ورژيم سلطنت مطلقه در درون جامعهٔ ما بيش از پيش منفرد ميشود . لذا در اين جريان بايد كارى كرد! ولى بر همه كس روشن است كه شاه ابداً قصد ندارد در خطوط اساسى سياست داخلى خود يعنى استبداد ، ساواك و آنتى كمونيسم تغييرى دهد . وى اين نظريات ماوراء ارتجاعى خود را بار ها در مصاحبه هاى متعدد خويش اعلام داشته است . لذا عمل او تنها بيك سلسله مانور هاى عوامفريبانه براى تغيير دكوراسيون سياسى منجر ميگردد . مثلا ممكن است در آينده شارح و مفسر جديدى براى «معنويت ملوكانه» از ميان گروه چاكران شناخته و ناشناخته پيدا شود ولى جريان امور در واقع همان است كه بود . اما اشتباه شاه كه در شيادى استاد است درآنست كه تصور ميكند توده هاى مردم را با اين چشم بنديها و تغيير دكور ها ميتوان فريب داد .

مردم ايران مدتهاست كه نظر صريح خويش را در باره سياست داخلى و خارجى ارتجاعى اين رژيم اعلام داشته اند . آنها اين رژيم را سد اساسى تكامل آتى جامعه ميدانند و در راه سرنگونى آن بعنوان محمل و شرط مقدم هرگونه حركتى به پيش مبارزه ميكنند .

ا . س .

دنباله از صفحه ۱

سربازى باشرف را زنده بگور كردند!

را بصف و در برابر چشمان وحشت زده آنها سربازدلير و جان باز را زنده زنده بگور ميكنند ! سپس لاشه افسر نابكار را با تشريفات ارتشى بايران روانه ميدارند .

اين رويداد از سوئى نشانه اى از چگونگى روشهاى پرورشى بيدادگرانه افسران ارتش براهنمائى كارشناسان امريكائى و از سوئى ديگر علامت آنستكه با وجود كوششهاى فراوان در تبديل سربازان بموجوداتى بى روح و بى عاطفه ، بزرگ ارتشتاران فرمانده يعنى شاه نتوانسته است وجدان انسانى را در نهاد سربازان بكشد . زنده بگور كردن سربازى كه در دفاع از جان خود در مقابل خطر مرگ حتمى ، يك حيوان شرور انسان نما را بى خطر كرده ، بيش از آنكه در صفوف ارتش ايجاد ترس و هراسى كند ، آنها را بماهيت سياست نظاميگرى رژيم موجود و هدفهاى آن آگاه ميكند . لشكر كشى شاه بعمان و هجوم بيرحمانه بمردميكه در راه آزادى و استقلال كشورخود عليه امپرياليسم و سلطان قرون وسطائى قابوس مبارزه ميكنند و كمترين سابقه دشمنى با مردم و يا كوچك ترين خطرى براى كشور ما ندارند ، چنان جنايتى است كه بهيچوجه نميتوان آنرا توجيه كرد . باشد كه زنده بگور كردن سربازى با شرف نه تنها وجدان سربازان بلكه وجدان آن گروه از افسرانى را كه هنوز بهره اى از عواطف انسانى دارند بيدار كند و از اينگونه رويدادها و جناياتى كه بدستور رژيم محمد رضا شاهى انجام ميگيرد عبرت گيرند و عليه آنها بمبارزه برخيزند !

ا . گويا

شعر رسيده

ننگ باد بر دزدان كفش ژاله كوچك

ژاله دختر نهساله است
ژاله كفش ندارد
او در كورهٔ تب ميسوزد
پدرش بى پول است ، مادرش گريان
در آتش تب دمبدم حرف ميزند .
هذيان ميگويد ، با كفش رؤيائى خود سخن ميگويد
دنبال اتومبيل صاحب كارخانه پدرش ميدود
داد ميكشد : كفشهاى من بايستيد !
مى بيند كه كفشهايش انگشتر الماس شده
در انگشت بانوى هوسران صاحب كارخانه نشسته ،
مى بيند كه كفشهايش در مونت كارلو روى ميزقمار
دست بدست ميشود
مى بيند كفشهاى كوچكش ويسكى شده در گيلاس
كريستال دختر ميليونر است
مى بيند كفشهايش به جت جنگى بدل شده درآسمان
كبود پرواز ميكند
به توپ و تانك بدل شده ،
به در سنگين آهنى زندان بدل شده .
ژاله در جنگل انبوه بيست ميليارد دلار اسكناس
دنبال كفشهاى كوچك خود ميگردد
پاهاى برهنه خود را بغل كرده به كاخ مرمر شاه
ميگرد
كفش خود را ميبيند مرواريدى شده در تاج آريامهر
جاى گرفته
به لندن ميرود تا از كنسرسيوم كفش خود را پس
بگيرد !
به بن ميرود تا از كروپ كفش خود را پس بگيرد!
بامريكا ميرود تا ازپنتاگون كفش خود را پس بگيرد!
ژاله دختر نهساله است
ژاله كفش ندارد .

مانوش

دنباله از صفحه ۱

اجراء نقش ضد ملى . . .

استنباط امپرياليسم امريكا را از « نقش مؤثر » ايران نشان ميدهد .

موافقت اخير امريكا و انگليس در مورد ايجاد پايگاه اتميك و موشكى در جزيره مرجانى «ديه گو گارسيا» كه عليرغم اعتراض خلقهاى منطقه ، بار ها مورد تقديس و تأييد شاه قرار گرفته ، تلاشهاى شخص شاه براى سرهم بندى كردن بلوك تازه اقتصادى ، سياسى و نظامى از كشور هاى جنوب آسيا ، بانكاه عوايدنفت و بمنظور مقابله با انديشه سالم و صلح آميز «امنيت جمعى در آسيا» ، لحن تهديد آميز جرالد فورد و هنرى كيسينجر در مورد كشور هاى توليد كننده نفت ، همه و همه عناصر بهم مربوطى است كه مرحله كنونى سياستهاى تجاوز كارانه امپرياليسم و دستياران ايرانيش را در خليج فارس ، درياى عمان واقيانوس هند مشخص ميكند .

بهمين جهت اظهارات و نقشهٔ هاى شاه دراين مورد ، بيش از آنكه تنها ناشى از بلند پروازى هاى شوينيستى باشد ، حاكى از هماهنگى سياسى با ياران امپرياليستى است كه شاه پيوسته تعهد و وظيفهٔ خويش را براى كمك بآنها و تأمين غلبه آنها بر مشكلاتشان با صراحت آميخته به بيشرمى تكرار كرده و ميكند .

مردم ايران در دام اين نيرنگ تبليغاتى شاه و جارچيانش نخواهند افتاد كه گويا اقداماتى در جهت «بازگشت به عظمت باستانى ايران در خليج فارس» بدست « شاهنشاه ايران » در دست اجراء است ! مردم ايران ماهيت ضد صلحى و جنگ سردى اين اقدامات را كه براى ايجاد كانون تشنج تازه در خليج فارس ، براى تضعيف جنبش ضد امپرياليستى منطقه ، براى مقابله با نقشه امنيت جمعى آسيائى ، خلاصه براى تأمين آماجهاى ضد مردمى غارتگران امپرياليستى و نيروهاى ارتجاعى محلى است بخوبى مى بينند و با اين نقشه هاى شوم مبارزه كرده اند و ميكنند .

ا . س .

راديو پيك ايران

همه روزه از ساعت ٦ تا ۹ و ٤۰ دقيقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روى امواج كوتاه رديف ۲۵ ، ۲٦ و ۳۱ متر برنامه پخش ميكند .

مـــردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند !

دورهٔ ششم — پانزدهم آذر ۱۳۵۳ — شمارهٔ صد و بیست و چهارم

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

کنفرانس بین المللی دهلی

سیاست تسلیحاتی رژیم ایران رامحکوم کرد

از ۱۴ تا ۱۷ نوامبر یك کنفرانس بین المللی علیه پایگاههای نظامی در اقیانوس هند و برای تبدیل این اقیانوس بمنطقه صلح در دهلی نو (جمهوری هند) با شرکت نمایندگان بیش از سی کشور از جمله نماینده صلح ایران و چهار سازمان غیر دولتی بزرگ بین المللی تشکیل گردید . در این کنفرانس که از طرف یك کمیته تدارك با همکاری شورای جهانی صلح و سازمان

دنباله در صفحه ۲

اعلامیه مشترك جبهه خلقی برای آزادی عمـــان و حـزب تـوده ایـران

درتاریخ ۱۴، ۱۱، ۷۴ (۲۳ آبان ۱۳۵۳) ملاقاتی بین هیئت های نمایندگی جبهه خلقی برای آزادی عمان و حزب توده ایران صورت گرفت .

طرفین درمحیط دوستی وتفاهم پیرامون یکرشته مسائل مربوط به مبارزه خلقهای عمان و ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع تبادل نظر کردند .

هیئت نمایندگی جبهه خلقی برای آزادی عمان در باره مبارزات نیروهای میهن پرست عمان علیه نیروهای ارتجاعی سلطان قابوس که زیر فرماندهی افسران انگلیسی قرار دارد و از طرف واحدهای مجهز ارتش متجاوز شاه ایران پشتیبانی میشود ، اطلاعات همه جانبه ای در اختیار هیئت نمایندگی حزب توده ایران قرار داد .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران همبستگی عمیق و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه آزادیبخش میهن پرستان عمان و جبهه خلقی برای آزادی عمان ابراز داشت و اطمینان داد که در آینده هم مانند گذشته تمام امکانات خود را برای پشتیبانی از مبارزات دلاورانه خلق ظفار بکار خواهد بست .

حزب توده ایران بنوبه خود هیئت نمایندگی جبهه خلقی برای آزادی عمان را از وضع در داخل ایران و مبارزات نیرو های مترقی ایران در داخل و خارج کشور علیه رژیم دیکتاتوری شاه و علیه تجاوز نظامی ایران به خلق ظفار و تحریکات پردامنه رژیم ایران علیه جمهوری عراق مطلع ساخت . هیئت نمایندگی جبهه خلقی برای آزادی عمان همبستگی عمیق و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضد دیکتاتوری حزب توده ایران و جنبش ملی ایران اعلام داشت .

طرفین متذکر شدند که بر اثر پیروزی نیروهای مترقی در عده‌ای از کشورها و در نتیجه تغییر روزافزون تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود جبهه نیرومند کشورهای سوسیالیستی و جنبش های آزادیبخش ملی و جنبش کارگری و دمکراتیك در کشور های سرمایه داری ، امپریالیسم و ارتجاع منطقه به وحشت افتاده و برای سد کردن پیشرفت نیروهای طرفدار خلق فعالتر از گذشته دست بکار شده و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نمیکنند .

در این زمینه طرفین بویژه سیاست تجاوزکارانه شاه ایران را که با موافقت امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی نقش ژاندارم خلیج را بعهده گرفته، محکوم میکنند .

شاه ایران با کمك سازمان جهنمی امنیت ، کشور ایران رابزندان مخوفی درآورده، با خرج میلیاردها دلار از ثروت ملی مردم ایران و با دستیاری همه جانبه مستشاران نظامی امریکائی و اسرائیلی بمنظور سرکوب جنبشهای مترقی نه تنها در داخل کشور بلکه در عمان و در سراسر منطقه خلیج ارتش گسترده ومجهزی بوجود آورده است . وی با موافقت کامل محافل ارتجاعی کشورهای عربی منطقه خلیج برای پشتیبانی از سلطان قابوس دست نشانده امپریالیسم انگلیس چندین هزار سرباز و مقدار عظیمی جنگ افزار های مرگ آور بعمان اعزام داشته است و مردم زحمتکش عمان را که برای آزادی خود مبارزه میکنند بخاك وخون میکشد .

دو هیئت نمایندگی پس از مباحثه پیرامون چنین سیاستی باین نتیجه رسیدند که برای دفع تجاوز مشترك امپریالیسم و ارتجاع ، اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیستی ومترقی خلقهای این منطقه بمنظورهماهنگ ساختن مبارزاتشان دارای ضرورت حیاتی است .

طرفین برآنند که با پیشرفت و تحکیم هرچه بیشتر کاهش وخامت اوضاع بین المللی که محصول مستقیم تغییر روز افزون تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم است آنچنان شرایط مساعدی بوجود آمده است که در آن امکان تجاوزات امپریالیستی و ارتجاعی هر روز محدود تر وراه رسیدن به آزادی ملی خلقها مساعد تر میگردد . شرط اساسی برای استفاده ازچنین امکانات مساعد جهانی

دنباله در صفحه ۲

« در عصر ما ، عصر پیوند های نزدیك جهانی هرکانون وخامت وتشنجی بر مجموع اوضاع بین المللی تأثیر میبخشد . اگر مثلا در منطقه‌ای از آسیا — در جنوب خاوری یا جنوب این قاره ، در خاور نزدیك یا میانه ، در منطقه خلیج فارس یاحوزه اقیانوس هند ، اختلافات میان کشورها بجای خود باقی بماند، این امر ، البته نمیتواند سراسر محیط جهان را مسموم نسازد بهمین جهت ما با صراحت تمام میخواهیم بگوئیم که وخامتی که در روابط ایران و عراق وجود دارد ، پاسخگوی منافع امر صلح نیست و ما پیوسته خواهان آن بوده و هستیم که اختلافات میان ایران و عراق بوسیله خود این کشورها و در پشت میز مذاکره بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز وحسن همجواری حل و فصل شود . »

☆ ☆ ☆

« چنانکه میدانیم کاهش تشنج ووخامت نباید ازامتیازات قاره معین باشد. ماباخرسندی تمام علاقه روز افزونی را که در کشور های آسیائی نسبت به اندیشه ایجاد سیستم امنیت جمعی در این قاره وجود دارد ، خاطر نشان میسازیم و برآنیم که وظیفه تحقق این اندیشه بیش از پیش فعلیت مییابد . با تمام بغرنجی هائی که در این راه وجود دارد ، نباید از نظردور داشت که منافع عمیق خلقهای آسیا ایجاد سیستم امنیت در این قاره را از راه بکار بردن مساعی مشترك بنحوی مبرم ایجاب میکند . بخصوص این راه ونه مسابقه تسلیحاتی ، نه مسابقه بمنظور انباشتن وسایل امحاء و تخریب ، نه نمایش عمدی قدرت ، میتواندصلح وآرامش خلق هاراتأمین کند »...

از سخنرانی پادگورنی در ضیافت ۱۸ نوامبر در کرمل بمناسبت بازدید شاه از شوروی
روزنامه پراودا ـ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۴

مردم ایران پیروزی بزرگ خلق عرب فلسطین را تهنیت میگویند

در ماه گذشته ، نخست در کنفرانس سران کشور های عربی در رباط (مراکش) ، «سازمان آزادی فلسطین» به رهبری یاسر عرفات بعنوان تنها نمایندهٔ خلق عرب فلسطین از جانب تمام دول عربی برسمیت شناخته شد . سپس مجمع‌عمومی سازمان ملل‌متحد، که بحث در باره مسئله فلسطین را در دستور کار خود قرار داده بود ، «سازمان آزادی فلسطین» را بعنوان تنها نماینده خلق عرب فلسطین برسمیت شناخت و به یاسر عرفات رهبر این سازمان امکان داد که در مجمع عمومی خواستهای خلق عرب فلسطین را مطرح کنند . و سر انجام در ۲۲ نوامبر (اول آذر) سازمان ملل متحد به اکثریت مطلق «حق تعیین سرنوشت ، استقلال و حاکمیت ملی» را برای خلق عرب فلسطین برسمیت شناخت و تصویب کرد که «سازمان آزادی فلسطین» بعنوان ناظر در سازمان ملل متحد شرکت کند .

بدینسان خلق عرب فلسطین پس از ۲۵ سال مبارزه دشوار ، بغرنج و خونین برضد امپریالیسم وصهیونیسم و بخاطر احراز حقوق ملی خویش ، نخستین پیروزی بزرگ سیاسی را بدست آورده‌است . این پیروزی سیاسی بزرگی است ، برای آنکه امپریالیستها وصهیونیستها اصولا وجود خلق عرب فلسطین را نفی میکنند، حقوق ملی برای وی قائل نیستند ، «سازمان آزادی فلسطین» را برسمیت نمی شناسند و برای نابودی خلق عرب فلسطین و پیشبرد سیاست توسعه طلبانه و تجاوز کارانه خود دراین منطقه طی ۲۵سال گذشته سه‌جنگ براه انداخته اند ؛ برای آنکه حتی برخی از محافل مرتجع عرب ، و قبل از همه و بیش از همه ملك‌حسین پادشاه اردن ، تا قبل از کنفرانس رباط «سازمان آزادی فلسطین» را بعنوان تنها نماینده خلق عرب فلسطین برسمیت نمی شناختند و برای معامله بر سر حقوق ملی

دنباله در صفحه ۲

سالگرد جنبش ۲۱ آذر

بیست و نه سال است که در نیمه دوم آذرماه زمامداران مرتجع ، نمایندگان تحمیلی مجلس ، جرائد مزدور و دستگاه تبلیغات دولتی دست بدست هم داده بمنظور تحریف سرشت جنبش ۲۱ آذر معرکه بپا میکنند . بعنوان « روز نجات آذربایجان » رژه نظامی برگزار میشود . جهات دائمی این جنجال سالیانه عبارت است از اشاعه آنتی کمونیسم و تبلیغ علیه جنبش دمکراتیك خلقهای ایران . هدف نهائی ارتجاع ادامه حاکمیت خود و اسارت مردم ایران است .

ولی علیرغم این کوششها مردم ایران سال‌بسال روشن تر پی میبرند که تمام هیاهوی رژیم علیه جنبش ۲۱ آذر ناشی از ضربت سنگینی است که این‌جنبش بر پیکر ارتجاع ایران وارد کرده است . روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ در شرایط شکست فاشیسم ، اوج بیسابقه جنبش کمونیستی و کارگری در جهان و اعتلای جنبش آزادی بخش خلقها ، در حالی که ارتجاع ایران برای درهم کوبیدن جنبش دمکراتیك کشور به تهاجم پرداخته بود ، درآذربایجان تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و با شرکت وسیع ترین قشر های خلق آذربایجان جنبش دمکراتیك و انقلابی پیروز گردید . این جنبش تسلط ارتجاع و امپریالیسم را از گوشه ای از خاك میهن ما برچید و حکومتی متکی بخلق پدید آورد . حکومت ملی و دمکراتیك آذربایجان املاك فئودالهای خائن را برایگان در میان دهقانان تقسیم کرد ، در مناسبات تولیدی بسود زحمتکشان تجدید نظر بعمل آورد ، شعار فرهنگ و بهداشت رایگان و عمومی را مطرح کرد و در راه اجرای آن گامهای مهم برداشت ، آزادیهای دمکراتیك را احیا و ستم ملی را از آذربایجان بر کندند ، در راه تأمین رفاه و آسایش مردم و ترقی و آبادی تدابیر مهمی اتخاذ کرد . جنبش ۲۱

دنباله در صفحه ۲

ریخت و پاش رژیم و نیـــازمندی دهقـــانـــان

اخیراً روزنامه ها تحت عنوان : « ایران به افزایش مواد غذائی جهان کمك میکند » از قول انصاری وزیر دارائی و اقتصاد نوشته اند که : «حسب الامر ملوکانه ، ایران آماده است برای کمك مؤثر به افزایش تولید مواد غذائی در حوزه اقیانوس هند با هر کشوری که طرحهای جدی و مفیدی برای تولید کود شیمیائی داشته باشد همکاری کامل نماید . این همکاری ازطریق مشارکت ایران در طرحهای مذکور و یا اهدای وام برای اجرای آنها صورت خواهد گرفت . » (اطلاعات ۱۹ آبان ۱۳۵۳) در شرایطی که کشور ما بیش از هر زمان دیگر با کمبود مواد غذائی مواجه است ، رژیم شاه بدون توجه به نیازمندیهای داخلی در نقش یك نیمچه امپریالیسم خود را آماده برای کمك به افزایش تولید مواد غذائی جهان اعلام نموده است . تولیدات کشاورزی حتی کفاف مصرف مردم را نمیدهد، از گندم و جو و برنج و گوشت گرفته تا کره وتخم مرغ و پنیر و میوه از خارج وارد میشود ، میلیون ها دهقان نیازمند بحال خود رها شده اند ، وام شرکتهای تعاونی سالانه از چندصدتومان تجاوز نمیکند و علیرغم میلیارد ها دلار درآمد نفت دست کمکی بسوی دهقانان دراز نمیشود . شاه میلیارد میلیارد درآمد نفت را بجیب انحصارات اسلحه سازی میریزد ، به کشور های امپریالیستی کمك میکند و یا به حسابهای بانکی خود در خارج منتقل میسازد ، اما چند صد تومان وامی که سالانه به عده ای از دهقانان پرداخت میشود ، بزور ژاندارم بدون یك روز تأخیر از آنان مسترد میگردد . وزیر تعاون و امور روستا ها در گزارش خود بمناسبت سیزدهمین سال اصلاحات ارضی رژیم افتخار میکند که بیش از ۹۰ درصد وامهای دهقانی با وجود درگیری آنان با مشکلات فراوان سر موعد مقرر وصول شده است ، ولی دیگر نمیگوید که استرداد وامها ببهای خانه خرابی و ورشکست هزار ها خانوار روستائی تمام شده است . اخیراً وزارت تعاون و امور روستا ها فاش کرده است که دهقانان مبلغ ۳ میلیارد ریال به رباخواران محلی بدهکارند و این بدهی مربوط به دوران قبل از اصلاحات ارضی است . صدقیانی وزیر تعاون و امور روستا ها میگوید : « متأسفانه میزان بهره این وامها طوری است که هر مبلغ از طرف کشاورزان پرداخت میشود اصل قرض بقوت خود باقی میماند و

دنباله در صفحه ۲

کارگران خواست آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای را باصدای رساتری مطرح میکنند

اوایل تابستان امسال رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تبریزبرای افزایش دستمزدهای خوداعتصاب کردند . این اعتصاب با اجتماع کارگران در محل شرکت آغاز گردید . در این اجتماع چند نفر از نمایندگان کارگران منجمله مجید چرخچی ـ صدر سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی صحبت کردند .

مجید چرخچی ضمن اعلام قانونی بودن اعتصاب رانندگان و این واقعیت که دستمزد های پرداختی با هزینه زندگی هیچ تناسبی ندارد و آنچه بنام دستمزد به رانندگان داده میشود بزحمت هزینه دو هفته از

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

مردم ایران پیروزی بزرگ خلق عرب...

خلق عرب فلسطین با امپریالیستها و صهیونیستها گرایش نشان میدادند و میدهند ؛ برای آنکه عناصر چپ رو ، ماجرا جو و چپ نما در داخل و خارج خلق عرب فلسطین سیاست «سازمان آزادی فلسطین» را تخطئه میکردند و میکنند . و اینك تمام این نیرو های سیاه ، از امپریالیستها و صهیونیستها گرفته تا دستیاران راست و «چپ» آنها ، علیرغم تلاش ۲۵ ساله خود ، که هم جنگ آشکار و هم تخریب پنهانی را در بر داشته است ، در برابر این واقعیت تاریخی قرار گرفته اند که تمام دول عربی ، اکثریت مطلق اعضاء سازمان ملل متحد و مجموعه جنبش عظیم ضد امپریالیستی جهانی از حق تعیین سرنوشت ، استقلال و حاکمیت ملی برای خلق عرب فلسطین پشتیبانی میکنند و «سازمان آزادی فلسطین» را بعنوان تنها نماینده خلق عرب فلسطین برسمیت می شناسند .

پیروزی بزرگ سیاسی خلق عرب فلسطین درعین حال پیروزی همه نیروهای ضد امپریالیستی ، دمکراتیك و ترقیخواه در سراسر جهان است ، زیرا امپریالیسم و صهیونیسم پس از ۲۵ سال تلاش خونین در یکی از مهمترین ، حساس ترین و بحرانی ترین صحنه های سیاست جهانی با شکست روبرو شده اند ، زیرا آن پیروزی و این شکست زمینه را برای رشد و نیرومندی باز هم بیشتر جنبش ضد امپریالیستی در سراسر جهان مساعد تر میکنند .

این پیروزی چرا وچگونه بدست آمده است؟ نخست . اثر پایداری و پیگیری ، فداکاری وقهرمانی خلق عرب فلسطین که متحداً در راه احراز حقوق ملی خویش جنگیده است ؛ سپس بر اثر پشتیبانی قاطع و همه جانبه جبهه عظیم و نیرومند ضد امپریالیستی جهانی و مهمترین و نیرومند ترین بخش آن ، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی از خواست عادلانه و مبارزه بحق خلق عرب فلسطین ؛ و سر انجام بر اثر تغییر تناسب قوا در صحنه سیاست جهانی بسود نیرو های صلح و سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم .

روشن است که تا تحقق واقعی و عملی حق تعیین سرنوشت ، استقلال و حاکمیت ملی برای خلق عرب فلسطین هنوز راه دشوار و بغرنجی باید پیموده شود ، زیرا امپریالیسم و صهیونیسم با وجود شکست سیاسی ، هنوز مقاومت نشان میدهند ، هنوز خرابکاری میکنند و هنوز از تلاش برای عقیم گذاشتن تحقق حقوق ملی خلق عرب فلسطین باز نایستاده اند . بهمین جهت نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی هم باید مبارزه خود را برای تحقق خواست عادلانه و بحق خلق عرب فلسطین تشدید کنند تا دشمن شکست خورده بزانو در آید . ولی در اینهم تردیدی نیست که همان نیروئی که امپریالیسم و صهیونیسم را با چنین شکستی در مسئله فلسطین مواجه ساخته است ، این شکست را بمرحله قطعی و نهائی آن خواهد رساند . خلق عرب فلسطین بر حقوق ملی خود دست خواهد یافت . از این واقعیت گریزی نیست .

پیوند ویژه دوستی و برادری بین خلقهای ایران و عرب و مبارزه مشترك آنها بر ضد امپریالیسم وصهیونیسم انگیزه ای بوده است که مردم ایران و همهٔ نیرو های ضد امپریالیستی ، دمکراتیك و ترقیخواه ایران و در نخستین صفوف آنها حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، از همان آغاز از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و بخاطر احراز حقوق ملی بدون تزلزل ، بدون قید وشرط و قاطعانه پشتیبانی کنند . اینك آنها نخستین پیروزی بزرگ سیاسی خلق عرب فلسطین و تنها نماینده آن «سازمان آزادی فلسطین» را با شادی و از صمیم دل تهنیت میگویند و اطمینان میدهند که برای تحکیم پیوند دوستی و همبستگی بین خلقهای ایران و خلق عرب فلسطین و برای پشتیبانی از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین تا پیروزی نهائی و قطعی از هیچ کوششی دریغ نکنند .

مردم ایران که خود گرم مبارزه با یك رژیم ضد ملی ، ضد دمکراتیك و ضد خلقی هستند درعین حال از تجربه پیکار دشوار ، بغرنج ، طولانی ، خونین ولی پیروزمند خلق عرب فلسطین میآموزند . میآموزند که برای پیروزی در مبارزه ، پایداری ، پیگیری ، فداکاری و اتحاد خلق لازم است . میآموزند که برای پیروزی در مبارزه تکیه به جبهه عظیم و نیرومند ضد امپریالیستی جهانی و مهمترین و نیرومند ترین بخش آن ، جامعه کشور های سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی ضرور است . میآموزند که از تغییر روز افزون تناسب قوا در صحنه جهانی بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم چگونه به بهترین شکل برای پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری استفاده باید کرد .

پیروزی بزرگ سیاسی خلق عرب فلسطین این اعتقاد را در مردم ایران راسخ تر میکند که پیروزی نهائی از آن خلقهاست و خلقهای ایران نیز سهم خود را از این پیروزی دیر یا زود بدست خواهند آورد .

م انوشه

دنباله از صفحه ۱

اعلامیهٔ مشترك

تنها و تنها وحدت عمل کلیه نیرو های مترقی ، ضد امپریالیستی وضد ارتجاعی در داخل هرکشور ، درمجموعه منطقه و در سراسر جهان است .

دنباله از صفحه ۱

کارگران خواست آزادی ...

زندگی آنها را در ماه تأمین میکند درعین حال مطالب دیگری را نیز یادآور شد .

مجید چرخچی بویژه در صحبت خود در اجتماع رانندگان چنین متذکر گردید : شب و روز از جانب دستگاههای تبلیغاتی دولتی ادعا میشود که گویا مقامات عالیه حامی کارگران هستند و از منافع آنها دفاع میکنند . اگر چنین چیزی حقیقت میداشت لا اقل کارگران از حقوق سندیکائی و اتحادیه ای و فعالیت آزاد در سازمانهای مستقل خود محروم نگاه داشته نمی شدند . اگر دفاع شاه از کارگران حقیقت داشت شرایط زندگی و کار کارگران رفته رفته سخت تر وبدتر نمیشد.در سایه این « حمایت بیدریغ » استثمار کارگران بدرجه‌ای رسیده که دیگر طاقت فرساست و نمیتوان آنرا تحمل کرد .

مجید چرخچی در سخنان خود در اجتماع رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز بنمایندگی از جانب کارگران چنین گفت : بیتی است در زبان شیرین فارسی که میگوید ؟

از طلا گشتن پشیمان گشته ایم .
مرحمت فرموده ما را مس کنید .

ما کارگران از الطاف و مراحم ملوکانه که میخواهند از راه تشدید ترور پلیسی ، تسلط سازمان امنیت ، محروم نگاهداشتن کارگران از حقوق وفعالیت سندیکائی و اتحادیه‌ای و نظائر این اقدامات در ایران « بهشت کارگری » دائر نمایند به جان آمده ایم . ما این « بهشت » را به سازندگان آن ارزانی می داریم .ما از مقامات عالیه انتظار مراحم خاصی رانداریم ، فقط میگوئیم اگر آنان با کارگران دشمنی طبقاتی و ذاتی ندارند لااقل بما کارگران اجازه دهند از حقوق قانونی که همین قوانین موجود نظیر قانون کار و بیمه های اجتماعی ، قانون تشکیل و فعالیت سندیکاها واتحادیه های کارگری ، قوانین وآئین نامه‌های حمایت وحفاظت کار و مصوبات بین المللی برای کارگران برسمیت شناخته به آزادی - یعنی از راه اجتماع آزاد درسندیکا ها و اتحادیه های خود استفاده کنیم . در شرایط کنونی کارگران ایران توقع بیشتری از رژیم ندارند .

خوانندگان «مردم» قطعاً انتظار دارند بدانند پاسخ مسئولین امور ورژیمی که شب وروز مدعی دفاع از منافع کارگران است و حتی میگوید: «کارگران ایران از مترقی ترین قوانین کارگری در جهان برخور دارند » و «مساعد ترین شرایط» را برای دفاع از حقوق خود در اختیار دارند چه بوده است ؟

همه مردم تبریز میدانند که ۲۴ ساعت پس از اجتماع رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز مجید چرخچی صدر سندیکای رانندگان بر اثر مسمومیت در بیمارستان درگذشته است . آری! رژیم شاه و سازمان جهنمی امنیت او به خواست کارگران در زمینهٔ آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای بامید اینکه از طرح این خواست از جانب کارگران جلوگیری بعمل آورند چنین پاسخ میدهند . اما چنانکه همگان می بینند رفته رفته خواست آزادی فعالیت سندیکائی واتحادیه ای از جانب کارگران در مقیاس وسیعتر و با صدای رساتری طرح و عنوان میگردد .

نامه وارده

از همین رو است که طرفین :

— پشتیبانی همه جانبه خود را از مبارزه خلقهای عرب علیه تجاوز امپریالیستی اسرائیل اعلام میدارند و عقیده دارند که صلح پایدار در این منطقه تنها با بیرون راندن متجاوزین اسرائیلی از همه زمینهای اشغالی و تأمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین امکان پذیر است.

— طرفین (سازمان آزادی فلسطین) را بعنوان تنها نماینده خلق عرب فلسطین برسمیت میشناسند و پشتیبانی همه جانبه خود را از آن اعلام میدارند و بر همین پایه تصمیمات آخرین نشست سران کشورهای عربی را در مراکش که نشانه تحکیم وحدت خلقها وکشورهای عربی است، مانند گام بزرگی به پیش تهنیت میگویند.

— به ویتنام که با پیروزی تاریخی خود امپریالیستها و امریکائیها را بزانو درآورد ، درود میفرستند .

— همدردی خود را با آزاد مردان شیلی که در زیر چکمه های خون آلود مزدوران امپریالیسم امریکا با قهرمانی برای آزادی ملی خود مبارزه میکنند اعلام میدارند.

— به خلقهای گینه بیسائو ، موزامبیك وآنگولا که پس از سالها نبرد افتخار آمیز پیروز شده و برای ایجاد زندگی آزاد مستقل خوددست بکار شده اند درود میفرستند.

— برای زحمتکشان پرتغال ، نیروهای مترقی یونان و حبشه که در مبارزه برای سرنگون ساختن رژیمهای سیاه فاشیستی و ارتجاعی کشور خود به پیروزیهای عظیمی نائل آمده اند ، در راه تحکیم مبانی دموکراسی و استقلال ملی کامیابیهای روز افزونی خواستارند ،

طرفین اعلام میدارند که در دوران ما ، دورانی که نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در سراسر جهان جبهه متحدی علیه آزادی وپیشرفت خلقها بوجود آورده اند ، پیروزی جنبشهای آزادی ملی تنها درسایه همبستگی و اتحاد این جنبشها با عمده ترین بخش نیرو های ضد امپریالیستی یعنی جبهه نیرومند کشورهای سوسیالیستی و با جبهه عظیم زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری امکان پذیر است برای تحکیم این همبستگی و اتحاد از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

دو هیئت نمایندگی موافقت کردند که برای تحکیم مناسبات دوستانه و هماهنگ ساختن مبارزات ضد امپریالیستی وضد ارتجاعی خود در آینده به مشورت و تبادل افکار منظم بپردازند .

دنباله از صفحه ۱

کنفرانس بین المللی دهلی ...

همبستگی افریقا - آسیا و شرکت مؤثر کمیتهٔ صلح و همبستگی هند تدارك شده بود ، درباره خطر پایگاه های نظامی امپریالیستها ، بخصوص پایگاه بزرگ امریکا در « دیگو گارسیا » واقع در قلب اقیانوس هند و همچنین پایگاههای نظامی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در دهانه خلیج فارس و درون آن ، براساس اسناد و مدارك بحث کافی بعمل آمد . شرکت کنند گان باتفاق آراء وجود این پایگاهها را خطری جدی برای استقلال و امنیت کشور های ساحلی اقیانوس هند و تهدیدی برای صلح جهانی دانسته و خواستار برچیدن آنها و تبدیل اقیانوس هند بمنطقه صلح شدند .

کنفرانس در پایان کار خود پنج قطعنامه تصویب کرد ، یك پیام بمردم جهان و یك تلگراف به مجمع عمومی سازمان ملل متحد فرستاد . در هر دو پیام شرکت کنند گان در کنفرانس اعتراض و نفرت شدید خود را از اقدامات نظامی ایالات متحده امریکا و همدستان او که با اعزام نیرو های دریائی و توسعه پایگاههای نظامی و تجهیز جزیره «دیگو گارسیا» بسلاحهای اتمی امنیت این منطقه مهم و بالنتیجه صلح جهانی را بخطر میاندازد ، ابراز داشته و خواستار انحلال پایگاهها و فراخواندن نیروی دریائی امریکا و متحدان او شده اند.

قطعنامه های پنجگانه درباره خلیج فارس ، پایگاههای نظامی در اقیانوس هند ، استقلال و رشد اقتصادی منطقه ، افریقای جنوبی و وضع حاضر در هندوچین باتفاق آراء تصویب گردید . در باره استراتژی امریکا در خلیج فارس ، «سیاست مسلح کردن حکومتهای ارتجاعی ایران و عربستان سعودی قید و محکوم شده است . همچنین در قطعنامه مربوط به پایگاههای نظامی در اقیانوس هند این مسئله که «حکومت ایران باداشتن ظرفیت مالی و تسلیحاتی بزرگ خود کشور های منطقه اقیانوس هند و مجاور را نگران کرده ، تصریح گردیده است .

در جریان کنفرانس شخصیت های درجه اول هند از قبیل بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر ، رئیس جمهور ، وزرای خارجه و دفاع و همچنین شخصیت های برجسته حزب کمونیست و حزب کنگره هندوستان ، باشرکت در بعضی از جلسات کنفرانس و با پذیرائی های بسیار گرم و مهمان نوازانه ، پشتیبانی خود را از تبدیل اقیانوس هند بمنطقه صلح و همکاری و موافقت خویش را با هدفهای کنفرانس نشان دادند .

دنباله از صفحه ۱

سالگرد جنبش ۲۱ آذر

آذر جزئی از جنبش دمکراتیك و انقلابی سراسر ایران تکیه گاه نیرومند این جنبش و مدافع آزادی ، استقلال و تمامیت میهن ما ایران بود . بهمین جهت محمد رضا شاه و جرج آلن با حربه خدعه واقدام به تهاجم مسلحانه این جنبش را سر کوب کردند .

ولی حسابهای ارتجاع غلط وانتظارش باطل بود. همان عواملی که موجب پیدایش جنبش ۲۱ آذر شده بود ، یعنی تضادهای آشتی ناپذیر جامعهٔ ایران ، پس از مدت کوتاهی جنبش جدیدی پدید آورد ، تا آنجا که خود محمد رضا شاه در قبال اوج جنبش مردم ایران مجبور به فرار شد . پس ازکودتای ۲۸ مرداد ، رژیم از یکسو باتوسل به ترور واز سوئی دیگر باپاره‌ای اصلاحات که در واقعیت امر محصول فرعی جنبش دمکراتیك مردم ایران بود ، کوشید تا از تحقق خواستهای حیاتی مردم ایران جلوگیری کند . ولی این اقدامات که با پیروی از راه رشد سرمایه داری وابسته بامپریالیسم انجام گرفته است ، نا گزیر انبوهی تضاد جدید برجامعهٔ ایران تحمیل کرده است. رژیم در چار چوب این راه رشد از حل این تضادها عاجزمانده و برای حفظ موجودیت خود اقتصاد و سیاست کشور را هرچه بیشتر با امپریالیسم در آمیخته و خود را به ژاندارم امپریالیسم در خاور میانه مبدل کرده است . رژیم با ادامه این سیاست در تضادی هر چه عمیقتر و شدیدتر با مردم ایران و سیر مترقی تاریخ جهان کنونی قرار میگیرد — تضادی که جز با سرنگونی خود رژیم قابل حل نیست .

جنبش ۲۱ آذر در جنبش انقلابی سی سال اخیر مردم ایران نقش ارزنده‌ای داشته ودارد . خاطره تابناك شهیدان این جنبش در قلب همهٔ مردم میهن پرست ایران زنده است .

ع . مبارز

دنباله از صفحه ۱ ریخت وپاش رژیم و ...

در واقع قسمت زیادی از دسترنج کشاورزان عاید عده معدودی مفتخواره و بیکاره میشود . » اکنون رژیم «انقلاب سفید» به کمك همین مفتخواره ها و بیکاره ها شتافته است . وزارت تعاون و امور روستاها اعلام کرده که طی برنامه پنجم مبلغ ۳ میلیارد ریال وام دهقانان پرداخت خواهد شد و سپس ظرف مدت ۱۵ سال از دهقانان مسترد خواهدگردید . این مفتخوارها و بیکاره ها چه کسانی هستند؟ آنها همان تئودالهای پیشین ، مباشران آنها وگاوبندها هستند که رژیم از آنان بنام رباخواران محلی یاد نموده است . دولت بجای آنکه ۳ میلیارد ریال را صرف نیازمندیهای بیشمار دهقانان کند ، بجیب مالکان رباخوار میریزد . شاه که درآمد نفت را برای نجات کشور های امپریالیستی از بحران کنونی خرج میکند ، او که فقط در یکسال در حدود ۲۸۰ میلیارد ریال اسلحه میخرد ، او که به سرمایه‌داران وزمینداران بزرگ داخلی کمك بلاعوض میدهد ، دهقانان را متعهد میسازد وامی را که چند برابر آنرا قبلا بنام بهره پرداخته اند طی ۱۵ سال بصندوق دولت مسترد دارند. البته عجیب هم نیست زیرا شاه خود هنوز پس از ۲۴ سال قسط املاك تقسیم شده خویش را از دهقانان وصول میکند !

۱۸ میلیون خانوار روستائی با فقر ، بیماری ، گرانی ، فقدان راه و معلم و مدرسه و پزشك و دارو روبرو هستند ، میلیارد ها دلار درآمد نفت در صورت وجود یك دولت ملی و دلسوز میبایست در درجه اول صرف رفاه این اکثریت محروم و زحمتکش شود ، اما رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك شاه با این درآمد هنگفت اسلحه میخرد و به امپریالیسم کمك میکند ، تا بخیال خود پایه های لرزان سلطنت خویش را تحکیم بخشد . او فراموش کرده است که دوران شاهان و شاهنشاهان بپایان رسیده است و دیر یا زود نوبت او هم خواهد رسید ، در آنروز انبار ها اسلحه او را نجات نخواهد داد .

مینو

مــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

در راه تحکیـــم صـــلح

علیرغم مقاومت ارتجاعی ترین نیرو های امپریا لیستی، مبارزه در راه تحکیم صلح جهانی پیروزیهای نوینی بدست می‌آورد. مذاکراتی که روز های ۲۳ و ۲٤ نوامبر در منطقهٔ ولادی وستوك میان لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و جـرالد فورد رئیس جمهوری ایالات متحـده امریکا صورت گرفت قدم مهم جدیدی در این زمینه بود. ملاقات ولادی وستوك با نتایج مثبت خود امید خلقهای صلحدوست جهان را برآورد. قبل از هر چیز هر دو طرف در محیط صراحت و تفاهم تصمیم خـود را دائر به ادامه توسعه روابط شوروی و آمریکا درجهت تصمیمات اصولی مشترك و معاهدات و موافقتنامه های اساسی منعقده میان دو کشور در سالهـای اخیر تأیید نمودند. در باره مسئله کلیدی بغرنجی مانند بر طرف نمودن خطر جنـگ هسته ای و پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی نتایج مهمی بدست آمد. طـرح موافقتنامهٔ جدید ده ساله (تا سال ۱۹۸۵) در باره محدود ساختن سلاحهای تهاجمی استراتژیك تنظیم گـردید و توافـق بعمل آمد که حد اکثر تا پایان سال ۱۹۸۱ مذاکرات بعدی در باره محدود ساختن مجدد و تقلیل ممکن سلاح های استراتژیك برای دوران پس از سال ۱۹۸۵ از سر گرفته شود. در مورد مسائل مهم دیـگری ازقبیل روابط بازرگانی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنـگی میان امریکا و شوروی نیز پیشرفتهای جدیدی بدست آمد.

مسائل جهانی و بویژه مذاکرات مختلفی که بمنظور برطرف نمودن کانون تشنج بین‌المللی وتحـکیم صلح و امنیت جریان دارد، از جمله مذاکرات دربارهٔ امنیت و هـمکاری در اروپا، تقلیل متقابل نیرو هـای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی مورد توجه خاص قرار گرفت. هر دوطرف استقلال، حاکمیت وتمامیت ارضی قبرس را تأیید واعلام داشتند که کلیه مجاهدات

دنباله در صفحه ۲

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره مانور دریائی سنتو و ورود ناوگـان امریکا به خـلیج فارس و دریای عمان

مردم ایران به تهدیدات و تحریکات نظامی

امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیم شاه در خلیج فارس و اقیـانوس هـند بشدت اعتراض میکنند

قدرت نمائی شاه در خلیج فارس، که بصورت بازدید اخیر شاه از نیروی دریائی ایران در خلیج‌فارس تظاهر کرد، سپس مانور اخـیر نیروی دریائی اعضاء پیمان نظامی تجاوزکارانه سنتو در خلیج فارس و دریای عمان، که بنا به اظهار رسمی محافل سنتو بزرگترین مانور دریائی است که تا کنون در اقیانوس هندصورت گرفته و بدنبال آن ورود ناوگان امریکا به دریای‌عمان و خلیج فارس موجب نگرانی شدید و بحق همه خلقها و دولتهای ضد امپریالیستی این منطقه گردیده است.

اهمیت ایـن قدرت نمائی و مانور و نـگرانی ناشی از آن فقط در این نیست که هر اقدامی از این قبیل بخودی خود چیزی جز کوشش برای تأمین‌هدف های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیستهای‌امریکائی و انگلیسی و دستیارانـ آنها نمیتواند باشد، بلـکه زمانی که برای این قدرت نمائی و مانور انتخاب شده، نیروئی که در آن بکار رفته و هدفهای ویژه ای کـه برای آنـ تعیین گردیده ــ بر زمینه اوضاع و احوال کنونی جهانـ و منطقه ــ نیز به این مانور و قدرت نمائی جای خاص میدهد.

زمانی که به برکت مبارزه جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی جهانی و مهمترین و نیرومند تریـن بخش آن جامعه کشور های سوسیالیستی، که درمرکز آنـ اتحاد شوروی قرار دارد، گامهای جدی در راه کاهش وخامت، حفظ صلح و پیشبرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز برداشته شده است، هنـگامیکه مبارزه خلقها و دولتهای ضدامپریالیستی در منطقه خلیج‌فارس و اقیانوس هند علیه پایگـاه‌هـای نظامی امپریالیستی (بویژه پایگاه اتمی امریکا در جزیرهٔ «دیگو گارسیا» واقع در اقیانوس هند)، علیه مسابقه تسلیحاتی، علیه تحریك و تجاوز افزایش می یابد ــ که تظاهر آن در کنفرانس صلح دهلی نو مشاهده شد ــ وقتیکه مبارزه کشور های نفتخیز برای افـزایش بهای نفت و احـراز حق حاکمیت ملی بر منابع نفت، کشور های امپریا لیستی را در تنگنا قرار داده است ــ که تظاهر آن در مبارزه و موفقیتهای اوپك بچشم میخورد ــ در چنین زمانی قدرت نمائی شاه، ورود ناوگان امریکا بدریای عمانـ و خلیج فارس و بزرگترین مانور دریائی سنتو صورت میگـیرد کـه حتی بنا به اظهـار نظـر صریح محافل نظامی امریکا (اینترناشنال هرالد تریبون، مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷٤) «هدف آن نشان دادن قدرت‌دریائی پیمان در برخورد به خلیج فارس و غنی تریـن منابع نفت جـهـان است.» و اگر بیاد بیاوریم که چندی پیش محافل پنتاگون از امکان دخالت نظامی امریـکا علیه کشور های نفتخیز سخن گفتند، آنوقت مطلب باندازه کافی روشن میشود که:

امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و دستیاران آنها در منطقه میخواهـند با تهدید و تحریك و اعمال قدرت نظامی، مواضع اقتصادی ــ و قبل از همه نفت ــ سیاسی و نظامی خود را در منطقه حفظ کنند، روند کاهش وخامت را متوقف سازند، جنبشهای ضد امپریا لیستی را از گسترش و پیشروی باز دارند و در صورت امکان سرکوب کنند، در تکامل مترقی دولتهای ضد امپریالیستی اخلال کنند و در صورت امکان آنها را ساقط نمایند. قدرت نمائی امریکا و شاه و مانور دریائی سنتو مهره ای است در این بازی شیطانی علیه صلح و امنیت منطقه، علیه استقلال و حاکمیت ملی دولتهای ضد امپریالیستی منطقه، علیه منافع و مصالح ملی‌خلق های منطقه.

دنباله در صفحه ۲

سازمانـ امنیت با وجود درند گی قدر قدرت نیست

در این واقعیت که سازمان امنیت ایرانـ، بعنوان ابزار اصلی حکومت دیکتاتوری شاه، یکی از درنده ترین و مخوف ترین سازمانهای پلیسی جهان است، هیچ فرد آزاده و میهن پرست ایرانی کمترین تردیدی ندارد. این سازمان جهنمی مردم آزاده ومیهن پرست را تعقیب میکند، بزندان می اندازد، شکنجه میدهد، میکشد، بدونـ آنکه بهیچ قانونی پایبند باشد، بدون آنکه در برابر هیچ مقام قانونی وصلاحیت داری مسئول باشد، بدونـ آنکه هیچ مرزی برای جنایات خود بشناسد. چه زندگی ها که برباد رفته، چه شخصیت ها که خرد شده و چه جانها که نیست گردیده است، آنهم با رقم دهها و صد ها وهزار ها! سازمان امنیت میهن عزیز ما ایران را بیك زندان بزرگ مبدل کرده، که برسر آن یك میرغضب نشسته‌است. سازمان امنیت ننگ ابدی برای کسی و کسانی است که آنرا ابزار حکومت خود قرار داده اند.

ولی این واقعیت تلخ و سهمگین، که خشم و نفرت هر ایرانی آزاده و میهن پرست را برمیانگیزد، در عین حال موجب بروز دو واکنش اشتباه آمیز و نادرست در بین مخالفان رژیم شده است: برخی ها مبارزه را درچنین شرایطی بیفایده و بی سرانجام میبینند و برخی دیـگر به اشکال و شیوه های نادرستی ازمبارزه متوسل میشوند. در حالیکه بنظر ما سازمان امنیت، با وجود درندگی و جهنمی بودنش، قدر قدرت نیست، یعنی‌اگراصول معینی‌رعایت شود، نه فقط درهمین‌شرایط ترور و اختناق و در زیر چشم سازمان امنیت میتوانـ مبارزه کرد، بلـکه میتوان این مبارزه را هر روزگسترش داد. ما این اصول را بتفصیل در رادیوی ایران تشریح کرده ایم و نیز آنرا در جزوه ای تحت عنوان «یاد داشتهائی در باره کار سازمانی در شرایط ترور و اختناق کنونی» منتشر ساخته ایم، که میتواند مورد استفاده مبارزان انقلابی قرارگیرد. دراینجا فقط باختصار این اصول را یادآوری میکنیم:

۱) نخستین شرط هر مبارزه ای اعتماد به مردم و استفاده از احساسات انسانی و میهنی مـردم است. هرگز نباید فراموش کرد که طبقات حاکمه ایران و نو کران آنها ــ ازجمله آنها که در سازمان امنیت‌اند ــ در مقایسه با مردم ایرانـ گروه کوچکی را تشکیل میدهند. از این گروه کوچك غارتگر، ظالم، فاسد و مزدور که بـگذریم، آنـ اکثریت عظیم از مردم ایران که باقی میماند زحمتکش است، شریف است،

دنبالـه در صفحه ۲

کار گران‌ساختمانی برای‌اجرای خواستهای خود مبارزه میکنند

کارگران ساختمانی در ایران که هم اکـنون تعدادشانـ فزونـ از ۷۵۰ هزار نفر است در سخت ترین شرایط ممکن استثمار میشوند. این توده عظیم کارگر تاهمین امروز از استفاده از مزایای قانون کار و بیمه های اجتماعی، بهداشت وایمنی محیط کار، تأمین مسکن و بهره یابی از فعالیت آزاد سندیکائی و اتحـادیه ای محـروم نـگاه داشته شده اند، از کار کارگران ساختمانی بطور عمده بصورت کارگر موقت، روز مزد، پیمانی و از طریق واسطه های کار استفاده بعمل می‌آید که شرایط زندگی آنها را طاقت فرساتر می سازد. ضربات جذرومدهای اقتصادی، تورم وگرانی، بیکاری و محرومیت از شغل ومسکن ثابت نیز در نوبه اول متوجه کارگران ساختمانی است که وضع عمومی آنها را دشوارتر میکند.

کارگران ساختمانی برای رهائی ازاین‌وضع غیرقابل تحمل سالهاست مبارزه میکنند. آنها بحق خواسته‌اند که قانون کار و بیمه های اجتماعی تمام و کمال در موردشان به اجراء گذارده شود و کارفرمایان درکارگاه های ساختمانی برعایت مقررات حفاظت فنی وبهداشت و اجراء مصوبات و آئین نامه های کار موظف گردند. کارگران ساختمانی برای افزایش دستمزدها و پرداخت منظم آنـ به پول ونه باجنس و یا پته، برای تقلیل ساعات کار به هشت ساعت در روز، استفاده ازتعطیلات هفته و سالیانه، بیمه دائم و دریافت مستمری از کار افتادگی وباز نشستـگی وپایان دادن به فعالیت واسطه‌ها و دلالانـ در بازار کار مبارزه میکنند.

کارگران ساختمانی میخواهند قانون و مقررات بیمه بیکاری تصویب و به اجراء گذارده شود تا همه کارگرانـ بویژه خود آنان بهنـگام رکود و تعطیل کارهای‌ساختمانی بافقر ومرگ از گرسنگی‌مواجه‌نباشند. بالاخره‌خواست‌عمده کارگران ساختمانی آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای است. کارگران ساختمانی تنها از راه تشکل در سازمانهای مستقل و [illegible] صنفی خواهند توانست شرایـط کار وزندگـی [illegible] را بهبود بخشند ودولت و کارفرمایان را به رعایت حقوق قانونی خود وادار سازند.

سالهاست مقامات دولتی و وزارت کار به کار گران‌ساختمانی‌وعده اجرای خواستهای آنان را میدهند. لیـکن تا همین امروز توده عظیم کارگران ساختمانی‌از استفاده از مزایای قوانین موجود کار محروم نگاه‌داشته شده‌اند. مقامات دولتی حتی همان مصوبات کنفرانس های پنجم و ششم کار را که در سال گذشته و جاری تشکیل‌گردید و اجرای بیمه وتأمین فعالیت سندیکائی را به‌کارگران ساختمانی وعده‌داد به‌اجرا در نیاورده‌اند. استثمار کارگران ساختمانی هم اکنون در شرایط‌تسلط واسطه‌ها و دلالان در بازار کار و تعدی و اجحاف کار فرمایانـ آزمند و مقاطعه کاران خارجی و داخلی در محیط کار صورت میگیرد.

کارگران ساختمانی برای اجرای وعده های مقامات دولتی و وزارت کار باندازه کافی و بیش ازحد صبر و حوصله نشان داده‌اند. اما این صبر و حوصله جز تشدید استثمار و تضییع حقوق نتیجه دیـگری ببار نیاورده است. تجربه نشان داده است که تا زمانیکه مبارزات صنفی وسیع، مستقل و آزاد کارگران ضامن اجرای‌خواستهای آنان نباشدمقامات دولتی وکارفرمایان حتی به وعده‌ها وتعهدات‌قانونی خود نیز عمل‌نمیـکنند.

بزودی نزدیك به یك میلیونـ نفر باشتغال در امور ساختمانی‌جلب خواهند شد. ازجانب بخش‌عمومی و خصوصی بویژه در طرحهای بزرگ که مستلزم ایجاد

دنباله در صفحه ۲

افزایش بیسابقهٔ هزینه های نظامی

بر عمق خیانت رژیم شاه می افزاید

شاه بودجه سال ۱۳۵٤ را بوسیله چاپار خود هویدا برای تحسین (نه تصویب) به مجلس فرستاد. این بودجه ایست بیسابقه؛ هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ برخی خصوصیات آنـ. آنچه در این بودجه ۲٤٤۵ میلیاردریالی (۳۵ میلیارد دلاری) بیش‌از همه بچشم میخورد، هزینه های نظامی پیش بینی شده در آنست. هزینه‌های نظامی ۲۸ درصدبودجه عمومی‌کشور را خواهد بلعید. تازه، این هزینه ایست که مستقیماً بحساب وزارت جنگ گذارده شده است. هزینه های بسیار سنگین مربوط به صنایع نظامی، احداث بنادر وفرودگاهها وشبکه های ارتباطی ومخابراتی وساختمان های دولتی وحتی قسمت بزرگی از هزینه های مربوط به خانه سازی و آموزش که در بخشهای اقتصادی و اجتماعی بودجه دولت منظور شده، هزینه هائی هستند کاملا نظامی که‌اگر تمام آنها را بحساب آوریم، شاید بودجه نظامی رژیم از ۵۰ در صد بودجه کشور نیز تجاوز کند.

ولی همین هزینه های‌مستقیم نظامی نیز میتواند ماهیت ضد ملی و شدت خیانت این رژیم خونخوار حاکم بر سرنوشت مردم‌ایران را آشکار سازد. واقعیت های نهفته‌درپس این رقم ۲۸ درصد راا‌ندکی‌بشکافیم. ۲۸ در صدی که به هزینه های نظامی تخصیص یافته برابر ۵۲۵ میلیارد ریال یا در حدود ۸ میلیارد دلار است، این رقم درحدود دو برابر مجموع هزینه های نظامی دولت ایران طی ۵ سال برنامه چهارم کشور است. نه فقط حجم بودجه کل کشور بیسابقه است، بلـکه هزینه های نظامی آنـ نیز بیسابقه تر است.

رژیم شاه تا کنون بیش از کشور های عضو سازمان تجاوزگر ناتو از تولید ناخالص ملی‌میهن ما را صرف هزینه های نظامی میکرد. کشور های اروپائی عضو ناتو درحدود ٤٫۵ در صد تولید ناخالص ملی‌خود را صرف هزینه‌های‌نظامی میکردند، ولی دولت‌ایران ٦ در صد آنرا. ایرانـ از این لحاظ فقط با ایالات متحده امریکا که بزرگترین سهم رادر هزینه های‌نظامی ناتو بعهده‌دارد، کوس برابری میزد، زیراهر دوبیش از ٦ در صد تولید ملی کشور را در راه هزینه های‌نظامی بهدر میدادند. ولی دولت ایران در سال ۱۳۵٤

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

سازمان امنیت با وجود درندگی . . .

صادق است ، میهن پرست است ، نوع دوست است. به این مردم میتوان اعتماد کرد و باید اعتماد کرد . ازاین مردم میتوان برای فعالیت انقلابی استفاده کرد و باید استفاده کرد . سازمان امنیت باهمه قدرت مالی و اداری خـود هرگـز نخواهد توانست این میلیونهـا نفر مردم ایران را به عامل خود تبدیل کند .

۲) سازمان امنیت با همه نیروی مالی و اداری خود هرگز نخواهد توانست این میلیونها نفر مردم‌ایران را تك تك زیر نظر بگیرد و کنترل کند . نبایدبدام این تبلیغ‌بنفع‌خود سازمان‌امنیت افتاد که «چشم و گوش سازمان امنیت همه‌جا هست و ازهمه چیز اطلاع دارد».

۳) سازمان امنیت هم بدلیل اینکه ابزار حکومت دیکتاتوری شاه است و هم بر اثر شیوهٔ نفرت انگیز پلیسی و جـنایات ضد بشری خـود مورد نفرت عمومی است و در میان خلق منفرد است . از این نفرت ، از این انفراد میتوان و باید برای شناختن مأموران سازمان امنیت و خنثی کردن فعالیت آنان و در نتیجه کمك به فعالیت انقلابی استفاده کرد .

٤) شناسائی افراد از محیط خـود شرط اولـیه برای هرگونه فعالیت انقلابی است . اگر این شناسائی با دقت و عمق کافی انجام گـیرد ، میتوان عناصر مشکوك را از عناصر مطمئن ، عناصر فاسد را از عناصر شریف باز شناخت ، در برابر عناصـر مشکوك و فاسد هشیار بود و در نتیجه آنها را خنثی کرد .

۵) عدم تمرکز در سازمان انقلابی شرط اساسی برای حفظ سازمان انقلابی و گسترش فعالیت انقـلابی در شرایط ترور و اختناق است . هرقدر شناسائی‌مبارزان انقلابی از یکدیگر کمتر باشد ، بهمان اندازه تضمین موفقیت در حفظ سازمان انقلابی بیشتر است .

٦) ترجیح کیفیت بر کمیت در برگزینی‌افراد برای فعالیت انقلابی شرط مهم دیگـری بـرای حفظ سازمان انقلابی و گسترش فعالیت انقـلابی است . در شرایط ترور و اختناق بیش از شرایط عادی رعایت این اصل ضرورت دارد ، زیرا لازمه مبارزه در شرایط ترور و اختناق ، وجود آ گاهی ، هشیاری ، انضباط ، فعالیت و فداکاری بیشتری از جانب مبارزان انقلابی است .

۷) رازداری و کنجکاونبودن هم در مورد اشیاء و هم در مورد اشخاص لازمه کار مخفی در شرایط ترور و اختناق‌است . اصل درکار مخفی آنست که هیچکس نباید بیش از آنچه برای اتخاذ تصمیم در باره موضوع و یا شخص معینی لازم است ، بداند .

۸) مبارزه با نقاط ضعف فردی مـانند تظاهر ، دهن لقی ، کنجکاوی بیجا ، پرگوئی ، لاقیدی ، بی دقتی ، وقت نشناسی ، بی انضباطی و نظائر آن ، در واقع و ـــ عمل یکی از اشکال مبارزه با سـازمان امنیت است . متأسفانه بارها اتفاق افتاده است که بروز همین پدیده ها منجر به لو رفتن سازمان انقلابی شده است .

۹) و سرانجام شرکت وسیع درمبارزه گوناگون مردم ، بویژه مبارزات مطالباتی زحمتکشان ، استفاده از همه امکانات علنی و قانونی برای کمك به پیشرفت این مبارزات ، در عین اینکه میتواند این مبارزات را لااقل بطور نسبی بثمر برساند ، پوشش مناسب ولازمی است برای فعالیت مخفی انقلابی . نباید فراموش کرد که این مبارزات مکتب آموزشی پر ارزشی‌برای زحمت کشان‌است . زیرا در این مبارزات است که‌زحمتکشان با تجربهٔ شخصی خـود از یکـسو به ماهیت غارتگـر ، جابر و فاسد هیئت حاکمه و سازمانها و عمال آن آشنا میشوند و از سوی دیگـر به نیروی شگـرف خود پی میبرند و در نتیجه برای مبارزات جدی تر و جدی تر گام بگام آماده میگردند .

چنین است مهمترین اصولی که با رعایت آن میتوان بطور مؤثر با فعالیت پلیسی سازمان امنیت مبارزه کرد و حفظ سازمان انقلابی و امکان فعالیت انقلابی را تأمین نمود .

در اینجا چند نکته دیگر نیز شایان ذکراست:

اول آنکه مبارزه انقلابی درشرایط ترور واختناق در هر حال بی تلفات نیست . ولی اصل آنست که تلفات متناسب با قدرت سازمان انقلابی و اهمیت‌مبارزه باشد ، که این تلفات بحد اقل ممکن تقلیل داده‌شود، که این تلفات منجر به نابودی سازمان انقلابی نگردد.

دوم آنکه بکار بردن صحیح و مؤثر اصولی که بیان شد ، وابسته به اوضاع و احوال مشخص ، وابسته به مهارت و ابتکار و تجربه مبارزان انقلابی است . این اصول فقط راهنمای عمل است ، نه نسخه عمل برای هر وضع و هر لحظه .

و سرانجام اینکه ، وقتی ما میگوئیم سازمان امنیت قـدر قدرت نیست و میتوان در شرایط ترور و اختناق‌هم مبارزه کرد، حکم مجردی را بیان نمیکنیم. این حکمی است که تجربه عملی جنبش های انقلابی در سراسر جهان ، و از جمله در ایران ، صحت آنرا بارها بثبوت رسانده است . اگر زندانیان اردوگاههای اسیران هیتلری ، که با کوچکترین تخلف از اجرای ساده ترین اوامر جلادان خود با مرگ حتمی روبرو بودند ، توانستند سازمان ضد فاشیستی خود را بوجود آورند و گسترش دهند ، اگـر رژیمهـای فاشیستی در اسپانیا ، پرتقال ، یونان و نظائر آنها نتوانسته اند حزب کمونیست و سایر سازمانهای انقلابی را نابود کنند، اگر حزب توده‌ایران ، با اینکه از نظر هیئت حاکمه ایران «منحله» است و سازمان امنیت بارها «نابودی» آنرا اعلام کرده ، و با اینکه حزب بر اثر ترورپلیسی ضربات سنگینی هم خورده است ، ولی همچنان زنده است و به مبارزه خود ادامه میدهد ، همه اینها نشانه آنست که اگر سازمانهای انقلابی با خلق پیوند داشته باشند ، اگر اصول کار مخفی را رعایت کنند ، خواهند توانست در سخت تـرین شرایط ترور پلیسی هم زنده بمانند ، مبارزه کنند وحتی مبارزه را گسترش دهند .

مبارزان انقلابی ایران وهمه عناصر میهن‌پرست، ضد امپریالیست و دمکراتیك، همه آنهاکه به فضیلت انسانی و عدالت مبارزه برای خواستهای انسانی اعتقاد دارند ، میباید ماهیت جنایتکار و جهنمی سازمان‌امنیت را بیش از پیش افشا کنند . ولی آنها درعین حال‌باید بدانند که در زیر سایه شوم این سازمـان جنایتکار و جهنمی هم میتوان و باید مبارزه کرد .

گسترش مبارزه در ایران نشان میدهد که اعتقاد به این امکان و ضرورت روز افزون است .

م . اندیشه

دنباله از صفحه ۱

در راه تحکیم صلح

خود را در این جهت و طبق تصمیم شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بکار خواهند برد . این شکست مفتضحانه نیرو هائی بود که دست به اخلال و تجاوز در امور داخلی جمهوری قبرس زدند. رهبران‌شوروی وامریکا نگرانی خود را از وضع‌خطرناك خاور نزدیك نیز ابراز و اعلام داشتند که مساعی خود را برای استقرار صلح عادلانه و استوار در این منطقه بر اساس تصمیم شورای امنیت ، با در نظر گرفتن‌منافع قانونی کلیه خلقهای این منطقه و از جمله خلق‌فلسطین و احترام بموجودیت مستقل کلیه دولتهای منطقه بکار خواهند بست و بدین منظور کنفرانس ژنو باید هرچه زود تر فعالیت خود را از سر گیرد .

ملاقات و مذاکـرات رهبران شوروی و امریکا در منطقهٔ ولادی وستوك قـدم جدید و مهمی در زمینهٔ تحکیم صلح جهانی بود . رئیس جمهور امریکا به نقش مهم‌لئونید برژنف درحصول توافق اشاره نموده وتأ کید کرد که این توافق امکان خواهد داد مسابقه تسلیحاتی و نتایج حاصل از آن یعنی ترس و وحشت ، فقدان ثبات ، وخامت های موجد جنگ و غیره کاهش یابد .

موفقیت مذاکرات ولادی وستوك نتیجه تغییر تناسب نیرو ها در عـرصه جهـانی بسود سوسیالیسم ، صلح و ترقی اسـت . تعرض پیروزمندانه امر صلح قبل از هر چیز خدمت پر ارزش کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی‌است که برنامه صلح‌مصوب ۲٤ ـ مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را برمبنای سیاست لنینی همزیستی مسالمت‌آمیز باقاطعیت و پیگیری دنبال میکنند و مورد پشتیبانی همهٔ بشریت مترقی قرار دارد .

اجبار هر چه بیشتر نیرو های تجـاوز و جنـگ به عقب نشینی شرایط مساعد تری جهت بسط و پیروزی مبارزهٔ خلقها در راه استقلال و آزادی فراهم می آورد . خلقهای آسیا و از جمله مردم میهن ما ایران با الهام از قـدرت روز افـزون نیرو های صلحدوست و پیشروی امـر صلح مبارزهٔ خـود را علیه امپریالیسم و ارتجاع ، در راه تحکیم استقلال و تأمین ترقی وبویژه بخاطر تأمین امنیت جمعی در آسیا بسط خواهند داد .

ع . مبارز

دنباله از صفحه ۱

افزایش بیسابقه هزینه های نظامی . . .

ایالات متحده‌امریکا را نیز پشت سر خواهد گذاشت، چنانکه این غول نظامی جهان سرمایه داری به گرد پای رژیم شاه هم نخواهد رسید . اگرپیش بینی دولت ایران در باره میزان تولید نا خالص ملی کشور را در برنامه‌تجدید نظرشده برای سال ۱۳۵٤ پایه قرار دهیم، دولت ایران در این سال در حدود ۱٦ در صد تولید ملی کشور را صرف هزینه های نظامی خواهد کرد ، یعنی رقمی بیش از ۲٫۵برابر امریکا !

بـرای اینکـه تصـور باز هـم روشن تـری از سیاست سـراسـر خیـانت آمیـز رژیـم شاه داشته باشیـم به چـند مقایسه دیگـر مـی پردازیم . اگر در سال ۱۹۷۳ تمام هزینه های نظامی کشور های عضو ناتو را میان جمعیت این کشور ها تقسیم میکردیم ، هر یك از اهالی این کشورها بطور متوسط متحمل ۲۱٦ دلار هزینه‌نظامی در سال میشد . ولی‌اگر هزینه‌های نظامی شاه رادر سال ۱۳۵٤ درنظر گیریم، بهر یك از اهالی ایران بطور متوسط ۲۳۵ دلار بابت سیاست نظامیگری عنان گسیخته شاه تحمیل خواهد شد . تازه ، همانطور که گفتیم کشورهای‌اروپائی عضو ناتو سهم بمراتب کمتری از هزینه های نظامی ناتو را بعهده دارند . سهم سرانه کشورهای اروپائی عضو ناتو در سال ۱۹۷۳ برابر ۱۲۵ دلار بود . این رقم را با ۲۳۵دلاری که مردم ایران باید بپردازندمقایسه کنید ! زحمتکشان ایران که سطح زندگیشان ٤ ـ ۳ بار پائین تر از سطح زندگی مردم کشورهای‌اروپای غربی است ، باید ۲ برابرمردم این کشور هاصرف‌هزینه های نظامی کنند . آیا جنایتی آشکارتر و خیانتی بی‌پرواتر از این میتوان نسبت به مردم ایران مرتکب شد ؟ اگر این هزینه سرسام آور کمر شکن را میان تمام خانواده های ایرانی تقسیم میکردند ، بهر یك از آنان ماهانه‌درحدود ٦۵۰ تـومان پـول میرسید ، رقمی که دو برابر در آمد متوسط اکثریت مطلق خانواده‌های ایرانی است .

هویدا ، نخست وزیر و مجیدی ، رئیس سازمان برنامه و بودجه بمردم ایران منت میگذارند که چون بخش عظیمی از بودجه کشور و بخصوص بودجه نظامی بصورت ارز های خارجی در کشور های امپریالیستی مصرف خواهد شد ، بنا بر این باعث تورم در داخل کشور نخواهد گردید . نمایندگان «احزاب» اکثریت و اقلیت نیز یکدل ویکزبان دولت را تشویق میکنند که برای هزینه‌های نظامی‌محدودیتی قائل نشود وهرچه خواست دراین‌راه‌بمصرف برساند . آیا طراحان‌ومداحان این بودجه و شاهی که الهامگر آنان است ، گرفتار جنونند یادچار حماقت ؟ پاسخ این سؤال هر چه‌باشد، یك مسئله مسلم است و آن جنایت و خیانت رژیم‌شاه نسبت به مردم ایران است . رژیم شاه رژیمی است وابسته و متعهد در برابر بیگانگان . رژیمی است‌عامل امپریالیسم در داخل کشور و خارج از مرز های آن و بهمین جهت نام ژاندارم منطقه را بخود گرفته است ، رژیمی‌است‌وابسته به‌سیاست‌های نظامی واقتصادی بزرگ ترین کشورهای امپریالیستی ، رژیمی است متعهد در بازگرداندن درآمد نفتی کشور به انحصارهای خارجی . فقط در رابطه با این مشخصات رژیم کنونی است که میتوان سیاست آنرا در باره بودجه کشور بطوراعم و بودجه نظامی بطور اخص درك کرد .

مسعود .

دنباله از صفحه ۱

مردم ایران به تهدیدات و . . .

برای مـردم ایران قدرت نمائی شاه ، مانور دریائی سنتو و ورود ناوگـان امـریکا به خلیج فارس ، بویژه از آنجهت حائز اهمیت است که رژیم شاه در اجرای سیاست غارتگرانه، توسعه طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیستی ، در اجرای نقش ژاندارم خلیج فارس گام تازه ای برداشته است . حتی محافل نظامی امریکا و انگلیس (اینترناشنال هرالد تریبون ، مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷٤) از «اهمیت ویژه» مانوردریائی سنتو برای‌ایران سخن گفته اند .

با اجرای این نقش ضد ملی و ضد صلح و امنیت در عین حال چهره سالوسانه شاه بیش از پیش آشکار میشود . زیرادرست همزمان با سرو صدا درباره «تبدیل اقیانوس هند وخلیج فارس بمنطقه‌صلح‌وامنیت» شاه با نیروی دریائی امریکا و انگلیس به مانور مشترك میپردازد و بدینوسیله در تهدیدات‌و تحریکات وقدرت نمائی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی علیه خلقها و دولتهای ضد امپریالیستی منطقه شرکت مؤثر دارد وبا پشتیبانی آنها خود به‌تشدیدمسابقه تسلیحاتی، به‌توسعه پایگاههای نظامی ، به تحریك و تجاوز بر ضد خلقها و دولتهای ضد امپریالیستی منطقه دست میزند . زیرا درست همزمان با سرو صدا در باره اینکه « نیروی خارجی نباید در امور اقیانوس هند وخلیج فارس‌دخالت کند » ، به ورود ناوگان امریکا به دریای عمان وخلیج فارس ، که هدفی جزقدرت نمائی علیه‌نیروهای ضد امپریالیستی منطقه ندارد ، صحه میگذارد و حتی با آن همکاری میکند .

مردم ایران به تهدیدات و تحریکات نظامی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در خلیج فارس و اقیانوس هند بشدت اعتراض میکنند و قاطعانه قطع این سیاست امپریالیستی را خواستارند .

مردم ایران سیاست ضد ملی و ضد صلح و امنیت رژیم شاه را بشدت محکوم میکنند و قطع پیروی از سیاست توسعه‌طلبانه وتجاوزکارانه‌امپریالیستی وخروج ایران را از پیمان‌تجاوزکارانه‌سنتو خواستارند.

حزب توده ایران از همه عناصر میهن پرست ، از همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیك ایران دعوت میکندکه مبارزه خود راعلیه تجاوزات روزافزون امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در منطقه ، علیه سیاست رژیم شاه ، که عمیقاً با استقلال و حاکمیت ملی ما ، با منافع و مصالح ملی ما مباینت دارد ، گسترش دهند و تشدید کنند .

حزب توده ایران از همه عناصر میهن پرست ، از همه نیرو های ضد امپریالیستی و دمکراتیك دعوت میکندکه در این مبارزه‌حیاتی بخاطر آزادی ، استقلال و حاکمیت ملی متحد شوند، زیرا اتحاد نیروهای ملی‌و ضدرژیم شاه شرط اساسی‌هرگونه موفقیت‌درمبارزه‌است.

حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که در دوران کاهش وخامت وپیشرفت امر صلح ، در دوران رشد روز افزون نیرو های ضد امپریالیستی ، در دوران تغییرروزافزون تناسب قوابسود نیروهای‌ضدامپریالیستی، سیاست ضد ملی و ضد صلح و امنیت رژیم شاه با شکست قطعی رو برو خواهـد شد و مبارزه متحد نیروهای میهن پرست ، ضد امپریالیستی و دمکراتیك ایران به پیروزی قطعی و نهائی خواهد رسید .

۱۵ آذر ماه ۱۳۵۳

دنباله از صفحه ۱

کارگـران ساختمانی برای اجرای . . .

کارگاههای عمده وتمرکز کارگران ساختمانی است سرمایه گذاریهای مهمی صورت میگیرد . این مجموعه برای گسترش مبارزات‌صنفی کارگران ساختمانی‌امکانات مساعدی بهمراه آورده و میاورد . در این شرایط مبارزه به منظـور افـزایش دستمزد هـا و تقلیل ساعات کار ، وادار ساختن دولت به اجرای کامل قانون کار و بیمه های اجتماعی در مورد همه کارگران ساختمانی و موظف ساختن کلیه کارفرمایان به رعایت قوانین‌وآئین نامه های کار از امکان پیروزی بیشتری برخوردار است.

در شرایط کنونی بویژه میتوان و باید قدمهای جدی در راه تشکل صنفی کارگران ساختمانی برداشت. کارگران ساختمانی بدرستی تشکیل سریع سندیکاها و اتحادیه های کارگری در کلیه کارگاههای ساختمانی وجلب همه کارگران به این سازمانها را ازوظایف عمده خود میشمارند . برای‌سازماندهی مبارزات‌صنفی کارگران ساختمانی بوسیله سندیکاها و اتحادیه های مستقلی که از هرنوع دخالت و وابستگی به احزاب دولتی مصون نگاه داشته شوند ،از جـانب اقشار آ گاه کارگـران ساختمانی کـوشش وسیع و همه جـانبه و در خـور ملاحظه‌ای مشاهده میشود .

کـوشش کارگـران ساختمانـی بـرای تشکل سازمانی و تحقق خواستهای خود نوید بخش مرحله تازه ای از مبارزات صنفی کارگران در کشور ماست . این مبارزه‌از پشتیبانی‌همه مردم‌ایران ، بویژه ازپشتیبانی حزب ما ـ حزب طبقه کارگر ایران برخوردار میباشد.

م . کارگر

تـوجـه

در شماره ۱۲٤ « مردم » صفحـه ۲ ستون ٤ در مقاله « ریخت و پاش رژیم . . . » بجای ۱۸ میلیون خانوار روستائی خوانده‌شود ۱۸ میلیون روستائی .

مــردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

مــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ ششم | پانزدهم دی ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و بیست و ششم

آیا عمان به ویتنام جدیدی تبدیل میشود؟!

روزدهم اکتبر « قیس الزواوی » وزیر خارجه سلطان قابوس دریك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که نیروهای ایران مواضع خود را به ارتش عمان داده و بازگشت خود را از عمان آغاز کرده اند. مقارن همین احوال رادیو صلاله اعلام کرد که نیروهای سلطان اعم از هوائی، زمینی و دریائی به یك حمله وسیع که هدف آن تسلط بر تمام منطقه آزاد شده است دست زده‌اند. حوادث بعدی نشان داد که هدف از آن مصاحبه و این اعلامیه پوشاندن حمله جدید و وسیع نیروهای ایران درظفار است. ارتش ایران که بدستور شاه برای نابودی « چند صد نفر بیسواد وحشی » در مدت کوتاهی اعزام شده بود درحمله بزرگ خود بخط سرخ تلفات سنگینی داد ونتوانست به « شورش ظفار » پایان دهد. نتیجه آن فقط به ایجاد چند پایگاه بین صلاله ومسقط که دائماً درمعرض حمله و دستبرد ارتش آزادیبخش ظفار است، محدود گردید. ارتش اعزامی بتدریج دریافت که با چند « بیسواد وحشی » رو برو نیست بلکه با نیروی مقاومت خلقی روبروست که از زادگاه، استقلال و آزادی میهن، خانه و خانواده اش دلیرانه دفاع میکند. ناکامی « حمله بزرگ »، که با نوساخته ترین سلاحهای هوائی، دریائی و زمینی انجام گرفت، روحیه ارتش ایران را تضعیف کرد. سربازان ایران دریافتند که سخنرانیهای سپهبد اویسی هنگام حرکت گردانهای ارتش به عمان که میگفت « شما بجنگ عده‌ای از کفار واشرار میروید » جزدروغ وبیهوده گوئی چیزی نبوده است. اکنون ارتش ایران حس میکند که در محیط خصمانه بیسابقه ای قرار گرفته و حتی گردانهای محلی ارتش قابوس از آن نفرت دارند. برای بسیاری از افراد ارتش این سئوال مطرح است که برای چه میجنگند. عده زیادی از معلولین ومجروحین جنگ ظفار که به ایران بازگشته‌اند نمیدانند برای چه سلامت خود را از دست داده اند. گروهبان عطا اهل زنجان و فرامرز اخوان سیاهکلی ۴۳ ساله که اولی دست و پا و دومی یك پای خود را از دست داده میپرسند: برای چه ما دست و پای خود را

دنباله در صفحه ۲

تلاش برای کاهش قیمت نفت با شکست مواجه شد

اجلاسیه وزرای ۱۳ کشورعضو اوپك ـ سازمان کشورهای صادر کننده نفت ـ روزهای ۲۱ و۲۲ آذرماه در وین تشکیل گردید. وزرای نفت و دارائی دول عضو اوپك در پایان اجلاسیه خود اعلام داشتند که ۳۸ سنت به قیمت هر بشکه نفت خام صادره ازحوزه خلیج فارس افزوده‌اند. جمشید آموزگار نماینده ایران پس از پایان اجلاسیه اوپك به خبر نگاران گفت: « قیمت جدید همان قیمتی است که عربستان سعودی، قطر و ابو ظبی در کنفرانس ابو ظبی در ۱۸ آبان ماه اعلام کرده‌اند ».

قیمت هربشکه نفت خام صادره از خلیج فارس، با در نظر گرفتن افزایش بیسابقه تورم و قیمت کالاهای صنعتی در جهان سرمایه داری، باید بمبلغ بمراتب بیشتری افزایش داده می شد. در جریان مصاحبه روزنامه نگاران امریکائی که بمناسبت سفر کیسینجر به ایران آمده بودند، رسماً عنوان شد که « اجلاس آینده اوپك ممکن است بین سی تا چهل در صد به قیمت نفت خام صادراتی بیافزاید ». (خواندنیها شماره ۱۵ ـ ۱۴ تا ۱۸ آبانماه ۱۳۵۳ ـ صفحه ۳)
لیکن در همان مصاحبه شاه اطمینان داد که: « قیمت اعلان شده نفت کاهش خواهد یافت ». (همانجا صفحه ۲)

اگر دیپلوماسی « به نعل وبه میخ » دولتهای وابسته به امپریالیسم در مسئله بهای نفت را در نظر بگیریم و هم چنین توجه داشته باشیم که امپریالیسم امریکا قبل ازاجلاسیه اخیر اوپك به تهدید علنی وجدی کشورهای نفت خیز در حال رشد بمنظور کاهش بهای نفت مبادرت ورزید، در آنصورت خواهیم دید که تصمیم اجلاسیه اخیر اوپك پیروزی نسبی مهمی برای این سازمان بشمار میرود.

در لحظه کنونی تلاش امپریالیسم امریکا وهمه دولی که حافظ منافع کارتل بین المللی نفت هستند، متوجه نیل به کاهش بهای نفت و باز گردانیدن آنها به سطح غارتگرانه سابق است. برای نیل به این منظور امپریالیسم امریکا کشور های نفت خیز را به محرومیت از خرید و دریافت خواروبار، جلوگیری از فروش وسائل صنعت نفت به این کشورها و حتی دخالت مسلحانه تهدید می نماید.

قبل از اجلاسیه اخیر اوپك محافل امپریالیستی به انجام بزرگترین مانور نظامی دریائی سنتو با شرکت ناوگان امریکا و انگلیس در حوزه خلیج فارس اقدام نمودند. ناوگان نظامی ایران در این مانور فعالتر از همه شرکت داشت. ناوگان نظامی امریکا علاوه بر شرکت در مانور سنتو از تنگه هرمز گذشته وارد خلیج فارس شدند که تهدید علنی کشور های نفتخیز این حوزه که همه آنان عضو اوپك هستند بشمار میرود.

معذالك در چنین شرایطی دول عضو اوپك در اجلاسیه وین تسلیم تهدیدات علنی و شانتاژ نظامی امپریالیسم نشدند. آنها نه فقط به کاهش قیمت نفت تن در ندادند، بلکه چنانکه گفته شد مبلغی هم به قیمت نفت خام صادره افزودند. این تصمیم در مقایسه با امکاناتی که اوپك برای دفاع از منافع کشور های نفت خیز در اختیار دارد محتاطانه است. با این حال در پاسخ به تلاش و تحریکات امپریالیسم امریکا و متحدین آن برای پائین آوردن بهای نفت تصمیم اوپك تصمیمی است حائز اهمیت و پر معنی. پرمعنی است زیرا نشان میدهد که تلاش امپریالیسم امریکا و دیگر حامیان کارتل بین المللی نفت برای جلوگیری از پیروزی ملل و دول کشور های نفت خیز در مبارزه بخاطر استیفای کامل حقوق ملی در نفت، محکوم به شکست است.

م. جهان

شـاه شکنجه گر، شکنجه را انکار میکند

اخیراً خبر نگار رادیو بی‌بی‌سی باشاه مصاحبه‌ای کرده که در روزنامه های ایران انتشار یافته است. این مصاحبه وتوضیحات شاه در مورد استبدادفردی‌اش، شیوهٔ کشورداری‌اش، رویاها و مکاشفه‌هایش فی‌الواقع سند گویائی است بر وجود یك مغز بیمار وخودپسند و خرافه پرست که یاوه‌گوئی‌هایش هرچندگاه خوانندگان خارجی را از ته دل میخندانند. اما آنچه از این مصاحبه اکنون موردگفتگوی ماست، پاسخ شاه به سئوال خبر نگار بی بی سی در مورد وجود شکنجه در ایران است. مخبر بی بی سی انگلیسی مابانه میپرسد.

« بعقیده شما میتوان از نحوه اجرای وظایف ساواك بطرزی منصفانه انتقاد کرد؟ » و شاه که منظور خبر نگار را دریافته پاسخ میدهد:

« این امر بستگی به آن دارد که کدام نحوه اجرا مورد نظر باشد. فکر میکنم مقصود شما اتهاماتی باشد که در مورد شکنجه کردن مردم به این سازمان وارد آمده است. تصور نمیکنم این امر حقیقت داشته باشد. زیرا روش جدید سئوال کردن از مردم خود نوعی شکنجه است. »

این پاسخ آمیخته‌ای از بلاهت و خدعه‌گری است. بلاهت است زیرا شاه تصور میکند با انکار وجود شکنجه میتواند افکارعمومی جهان را فریب دهد، و خدعه گری است زیرا سراپای آن دروغ محض است. شاه وجود شکنجه را « اتهام » میخواند. در حالیکه این جرم مسلم آدمکشان ساواك، حتی در افکار عمومی جهان نیز راز پنهانی نیست. خبر نگاران خارجی که در سالهای پس از کودتا در دادگاههای نظامی امکان شرکت یافته‌اند، کراراً از زبان متهمان سیاسی شنیده‌اند که آنها را شکنجه داده‌اند. نمایندگانی که از سوی سازمانهای بین‌المللی برای بررسی وضع زندانیان

دنباله در صفحه ۲

کنفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح

سیاست توسعه طلبانه و تجاوزنظامی ایران را علیه عراق محکوم کرد

از روز ۶ تا ۹ دسامبر ۱۹۷۴ کنفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح ۱۰۰ کشور جهان در پراگ تشکیل شد کنفرانس حادترین مسائل روز را مورد تحلیل قرارداد واز جمله در باره خلیج فارس قطعنامه ذیل را صادر نمود:

« منطقه خلیج فارس که دارای بزرگترین ذخائر نفتی جهان، یکی از بزرگترین مناطق صادر کننده نفت و دارای موقعیت استراتژیکی مهمی است، هدف دائمی استراتژی امپریالیسم است.

این منطقه درجریان سالهای اخیر شاهد فعالیت شدیدی از جانب امپریالیسم و ارتجاع میباشد. توطئه مسلح کردن شدید رژیمهای ارتجاعی، ایجاد و توسعهٔ پایگاههای نظامی، فعال کردن پیمان نظامی سنتو و کوشش برای ایجاد یك پیمان جدید ارتجاعی، بهترین گواه این فعالیت است.

هدف نقشهٔ تهاجمی تازه امپریالیسم، فشار بر جنبشهای ملی در منطقه بویژه در عمان، حفظ منافع نفتی امپریالیستها و ساقط کردن رژیمهای مترقی عراق و جمهوری دموکراتیك یمن است.

شرکت کنندگان در کنفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح:

همبستگی خود را با خلقهای این منطقه که علیه استعمار و نو استعمار و برای استقلال سیاسی و اقتصادی و دموکراسی مبارزه میکنند ابراز میدارند؛

سیاست توسعه طلبانه در منطقه خلیج فارس و تجاوز نظامی ایران را علیه عراق بشدت محکوم میکنند؛

خواستار آزادی زندانیان سیاسی در بحرین، در ایران، در عربستان سعودی و عمان هستند و موج جدید بازداشتها را در عمان محکوم میکنند؛

از کنفرانس بین المللی همبستگی با خلق‌های یمن دموکراتیك وخلیج فارس که در ماه ژانویه ۱۹۷۵ زیر سرپرستی شورای جهانی صلح در عدن تشکیل خواهد شد، پشتیبانی می نمایند.

کارگـران ایران خواستـار

تکمیل واجرای قانون بیمه‌های اجتماعی هستند.

تعداد افرادی که در بخشهای صنعتی وخدمات به کارمزدی جلب شده‌اند بر رویهم شامل بیش از چهار میلیون نفر میشود. اگر تعداد افرادی راکه در کشاورزی به کارمزدی اشتغال دارند به این عده بیافزائیم، جمع شاغلان کارمزدی به پنج میلیون نفر و حتی بیش از آن بالغ میگردد.

این پنج میلیون نفر همه در وضعی قرار دارند که باید قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی شامل حال آنان گردد. با این همه طبق آمار دولتی تعداد بیمه‌شدگان در سراسر کشور ۱۱۲۵ هزار نفر است. (اطلاعات ـ ۳ خرداد ۱۳۵۳). کلیه کارگران کشاورزی، قریب یکمیلیون نفر کارگران ساختمانی، چند صدهزارنفر کارگر حمل و نقل و مؤسسات بازرگانی و بخش مهمی از کارگران صنعتی، بویژه در کارگاههای کار دستی و بسیاری دیگر از کارگران تا همین امروز از شمول قانون بیمه‌های اجتماعی برکنارنگاه داشته شده‌اند. بدینسان درصورتیکه آمار دولتی صحیح باشد در حال حاضر قانون بیمه های اجتماعی تنها شامل ۲۰ در صد کارگران کشور میشود. هشتاد درصد کارگران ایران از بیمه های اجتماعی کمترین بهره‌ای ندارند.

دنباله در صفحه ۲

ما بـه تراکتور و کمباین نیاز مندیم نه به تانك و جنگنده

اخیراً لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۳۵۳ ولایحه بودجه سال ۱۳۵۴ از سوی هویدا به مجلس تسلیم شد. گردانندگان امور از مدتها پیش با توجه به درآمد ۲۲ میلیارد دلاری نفت و وخامت وضع کشاورزی، وعده سرمایه گذاریهای هنگفت را در کشاورزی و دامپروری بمردم داده بودند. اکنون وقتی سهم بخشهای مختلف بودجه را در نظر بگیریم، میبینیم که بخش بزرگی از بودجه را هزینه‌های نظامی بلعیده‌اند وسرمایه گذاری در کشاورزی که مستقیماً با رفاه عمومی وبسط صنایع نوپای ما پیوند دارد، بهیچوجه متناسب با نیازمندیهای آن نیست. بموجب ارقام بودجه سهم بخش کشاورزی برای سال ۱۳۵۳ رقمی در حدود ۱۰٫۲ میلیارد تومان وبرای سال ۱۳۵۴ مبلغ ۱۲ میلیارد تومان است. شاید این دو رقم در نظر اول چشمگیر جلوه کند، ولی درقیاس با نیازمندیهای ۶۵۰۰۰ روستای فاقد همه چیز و نیزدر مقایسه با هزینه‌های نظامی که ۲۸ درصد بودجه یعنی بالغ بر ۵۲٫۵ میلیارد تومان است، اندك وحتی ناچیزاست. تسلط طولانی رژیم ارباب ـ رعیتی بر کشور، روستاهای ما و کشاورزی ما رادر وضع بسیار عقب مانده نگاهداشته است. درسالهای اخیر که میبایست سرمایه گذاریهای هنگفتی برای رفع این عقب ماندگی و تبدیل کشت و زرع ابتدائی به کشاورزی مدرن انجام میشد، رژیم « انقلاب سفید » در خواب ماند، تا آنجاکه تولیدات کشاورزی نه تنها بطور نسبی، بلکه در اکثر رشته‌ها حتی بطور مطلق از سالهای قبل از « انقلاب » عقب ماند و کمبود مواد غذائی مانند گندم و گوشت وحبوبات و کره و پنیر و تخم مرغ و قند و شکر و گرانی سرسام آور آن نارضایتی شدیدی را در میان طبقات مختلف مردم بوجود آورد. اگر درآمد ۲۲ میلیارد دلاری نفت در سال گذشته نبود، تا دولت ارز بدهد و گندم و پنیر و گوشت و تخم مرغ وارد کند، کشور دچار قحطی آشکار میشد. چنین وضع وخیمی در کشاورزی قاعدتاً باید هشدار باش باشد و تمام منابع مالی وانسانی را برای بحرکت درآوردن چرخ زنگ خورده کشاورزی بسیج کند، اما برای رژیم ضد ملی کنونی، توجه بمطالبات واقعی مردم وتامین رفاه عمومی مطرح نیست. ما به گفته خود گردانندگان رژیم استناد میکنیم، تا روشن شود که بودجه کنونی تا چه حد بی‌اعتنا به نیازمندیهای واقعی کشور تنظیم شده است.

منصور روحانی وزیر کشاورزی در شهریورامسال اعلام نمود که برای تهیه ۲۰۰ هزارتراکتورومکانیزاسیون

دنباله در صفحه ۲

دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرستی است

دورهٔ ششم | شمارهٔ ۱۲۶ ـ دسامبر ۱۹۷۴

دنباله از صفحه ۱

کارگران ایران خواستار . . .

این در کشوری است که زمامداران آن مدعی «ایجاد بهشت کارگری» هستند . اما نقص بیمه‌های اجتماعی درایران تنها درآن نیست که قانون موجود شامل همه کارگران و حتی نیمی از آنان نمی‌شود . قانون فعلی بیمه‌های اجتماعی بیست سال پیش و در دوران مبارزات ملی شدن نفت تصویب گردید که برای آنموقع پیروزی مهمی برای کارگران بود . ولی طی بیست سال گذشته متناسب با تغییرات اجتماعی ـ اقتصادی قانون بیمه های اجتماعی کارگران نه تنها بهبود نیافته بلکه به برکت رژیم کودتا بارها بزیان کارگران بدان دستبرد زده شده است .

قانون موجود بیمه های اجتماعی بهیچوجه با خواستهای کارگران ایران انطباق ندارد و همه کارگران ایران تا همین امروز از بیمه بیکاری بهره‌ای ندارند. معدود بیمه شدگان ازمزایای یکسانی برخوردار نیستند . قید و شرطهای مختلف باعث میشود که‌حقوق کارگران در استفاده از مزایای بیمه پایمال گردد.قانون بیمه‌های اجتماعی از نظر اجرا ضمانت کافی ندارد وبه کارفرمایان امکان میدهد از اجرای قانون شانه خالی کنند تقلب و تزویر در امور بیمه ، حقوق قانونی کارگران را تضییع‌نمایند .

با تمام‌آنچه گفته شد نابسامانی بیمه‌های‌اجتماعی کارگران ایران تنها ناشی ازعدم جامعیت ونقائص‌بیشمار قانون موجود نیست . موضوع در این است که همین قانون ناقص بیمه موجود نیز بدرستی اجرا نمی شود . با اینکه کارگران همه ساله میلیاردها ریال بابت حق بیمه میپردازند ، معذالك کمترین حقی در نظارت بر اجرای بیمه و فعالیت سازمان بیمه‌های اجتماعی ندارند. بودجه عظیم سازمان چنانکه بدفعات افشاء شده بوسیله نور چشمیهای دربار که به سازمان بیمه های اجتماعی کارگران تحمیل میشوند حیف ومیل میگردد . صندوق بیمه‌های اجتماعی کارگران یکی از محلهای دزدی‌آشکار و سوء استفاده های کلان درباریان و مقامهای دولتی ، منجمله سردمداران حزب دولتی « ایران نوین » است. در نتیجه این وضع کارگران خود از امکان دریافت کمك بهداشتی و درمانی و حقوق و مستمریهای قانونی محروم نگاه داشته‌میشوند ودر بهترین حالت نصیبشان چند قرص آسپرین و یا کمك بسیار نا چیز نقدی در ازاء از دست دادن اعضاء و قدرت کار است .

...زم بیمه های اجتماعی کارگران بدینصورت که قق... اره کلی بجهات آن شد بحق باعث عدم رضایت واعتراض شدید همه کارگران اعم از بیمه‌شده و کارگرانی است که از بیمه بر خوردار نیستند . در بین کارگران چه در بخشهای صنعتی وخدمات وچه حتی در میان کارگران کشاورزی انتقاد از وضع‌نابسامان بیمه‌های‌اجتماعی روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگیرد. مبارزه برای وادار ساختن دولت به تجدید نظر درقانون بیمه‌های اجتماعی و اجرای واقعی آن اشکال حادتری کسب مینماید .

کارگران‌ایران میخواهندقانون بیمه‌های‌اجتماعی‌عمومیت پیدا کند و شامل همه افرادی گردد که به کارمزدی اشتغال دارند . محدودیتهائی که باعث شده میلیونها کارگر در کارگاههای کار دستی و یا در خدمات و کشاورزی از شمول قانون بیمه‌های‌اجتماعی بر کناربمانند باید از بین برداشته شود . کارگران میخواهند گذشته از احیاء کلیه دست آوردهای آنان در زمینه بیمه های اجتماعی ، که در سالهای تسلط رژیم اختناق پلیسی از بین برده شده ، قانون بیمه‌های اجتماعی هم چنین‌از راه شناسائی بیمه بیکاری وحق استفاده کلیه کارگران وعائله آنها ازبیمه کامل بهداشتی ودرمانی ، بازنشستگی و از کار افتادگی وفوت ، در نظر گرفتن مقررات‌خاص برای بیمه زنان و اطفال و تأمین دیگر خواستهای کارگران تکمیل گردد .

بالاخره خواست کارگران‌درامر بیمه‌های‌اجتماعی اجرای سریع وبدون قید وشرط‌قانون بیمه های‌اجتماعی تحت نظارت مؤثر خود کارگران و سازمانهای مستقل آزاد صنفی آنان است طبیعی است که منظوراخیر هنگامی عملی میشود که کارگران از فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه ای برخوردار باشند . بهمین جهت تصادفی نیست که‌کارگران ایران ضمن طرح خواستهای قانونی خود در زمینه بهبود شرایط کار و بیمه ، درعین حال برای تشکل صنفی و تشکیل سندیکاها واتحادیه های مستقل کارگری و از میان برداشتن هرنوع دخالت پلیسی و احزاب دولتی در کار این سازمانها مبارزه میکنند .

مبارزه برای تحقق بیمه های اجتماعی به معنی واقعی و وسیع کلمه از جبهه های مهم مبارزات صنفی کارگران ایران در شرایط کنونی است . این مبارزه از پشتیبانی همه مردم ایران ، بویژه از حمایت حزب توده ایران ـ حزب طبقه کارگر کشو، ما بر خوردار است .

م کارگر

امروز نوبت هایلاسلاسی

فردا نوبت محمد رضا شاه

شورای نظامی که از مدتی پیش‌زمام امور حبشه را در دست دارد ، سرانجام هایلا سلاسی را مجبور کرد تا ۴۰ میلیارد دلار ثروت خود را که در نتیجه غارت و دزدی از اموال عمومی‌اندوخته بودبه ملت مسترد دارد. اگر درکشور فقیری چون حبشه، هایلاسلاسی توانسته است ۴۰ میلیارد دلار از کیسه‌مردم فقیر وگرسنه را به حساب شخصی خودسرازیر کند ، در کشور زرخیز ما ایران ، خاندان غارتگر پهلوی و در رأس آنان شاه چند میلیارد دلار از راه‌تسلیم کشور به‌امپریالیستها، حراج‌منابع نفت ، تشکیل بانکها ، شرکتها، بنیادها و جمعیتهای بظاهر خیریه بجیب زده است ؟ مسلماً غارت شاه و خاندانش چندین برابرپادشاه حبشه‌است . اما همچنانکه‌پولهای دزدی از گلوی هایلاسلاسی‌پائین نرفت ، شاه و خاندانش نیز ، مشکل بتوانند ثروتهای غارتی راببلعند .

دنباله از صفحه ۱

ما به تراکتور و کمباین نیازمندیم

کامل کشاورزی در ۱۰ سال آینده ۳۰ میلیارد دلار (در حدود ۲۱۰ میلیارد تومان) خرج خواهد شد ، یعنی هر سال باید ۲۱ میلیارد تومان فقط برای مکانیزه کردن کشاورزی سرمایه گذاری شود ـ در حالیکه کل بودجه کشاورزی درسال ۱۳۵۳ مبلغ ۱۰ میلیاردتومان و در سال آینده ۱۲ میلیارد تومان است ، که در واقع در این دوسال مبلغ ۲۰ میلیارد تومان حتی کمتر از نیازمندیهای مکانیزاسیون کشاورزی است تا چه‌رسد به دهها عرصه دیگرکه هر یك به اعتبارات هنگفت نیازمندند . مثال دیگر میزنیم : همین آقای وزیر کشاورزی در اسفند ماه سال گذشته اعلام کرد که « در ۹ سال آینده با توجه بازدیاد جمعیت باید ۱۷ میلیارد دلار (۱۱۹ میلیارد تومان) در کار کشاورزی سرمایه گذاری کنیم و در حدود ۷ تا ۸ میلیارد دلار (۴۹ تا ۵۶ میلیارد تومان)هم برای صنایع وابسته به‌کشاورزی اختصاص دهیم ، وگرنه تولیدمواد کشاورزی ما افزایش نخواهد یافت و ناچار خواهیم‌شد، برای تأمین مواد غذائی شرایط تحمیلی کشورهای خارجی‌را بپذیریم . » (کیهان ـ ۲۳ اسفند۱۳۵۲) حتی بگفته وزیر کشاورزی رژیم ، باید برای افزایش تولیدات کشاورزی در ۹ سال آینده مجموعاً ۱۷۵میلیارد تومان و سالانه در حدود ۲۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری شود ، در حالیکه رقم بودجه کشاورزی در این دو سال از این مبلغ نیز ۱۸ میلیارد تومان کمتر است و بروشنی پیداست که با این ترتیب کشاورزی کشور در سالهای آینده هم قادر به تأمین نیازمندیهای‌داخلی نخواهد بود . اما نیازمندی کشاورزی ایران منحصر بافزایش تولیدات کشاورزی نیست . در کنار این امر بسیار مهم باید برای میلیونها دهقان زحمتکش که با عرق جبین میکارند و میدروند ، زندگی در خورد انسان فراهم‌آورد . برای‌آنها راه‌ساخت ، آب‌آشامیدنی و ، برق‌وحمام و مدرسه و بیمارستان و پزشك و پرستار و قابله و دارو تهیه نمود . باید روستا های مخروبه و خانه‌های زاغه مانند را که روستا نشین زحمتکش با مرغ و خروس و گاو و گوسفندش یکجا در آن بسر میبرد ، بهسازی کرد و خانه‌های بهداشتی دارای نور و هوا و آفتاب برای دهقانان ساخت و اینهمه نیازمند سرمایه گذاریهای هنگفت است . در سفر «تبلیغاتی» فرح به « حاشیه کویر » فقر و بدبختی و مسکنت روستائیان چنان فوق العاده بود که با وجود سانسور شدید از قلم برخی از خبرنگاران جراید میخوانیم که: « در برخی از مناطق کشور مانند روستا های کویری باید کوشش فوق العاده‌ای مبذول شود » و یا « امروز برای روستاهای ما معلم و مدرسه از هر چیز ضروری تر است » ولی کجاست گوش شنوا ؟ شاه‌سرگرم‌خرید اسلحه است .او فقط طی ۱۲ ماه ۷ میلیارد دلار یعنی در حدود ۴۹ میلیارد تومان سفارش اسلحه داده‌است که‌بیش از ٤ برابر بودجه کشاورزی است که‌با زندگی ۳۳ میلیون جمعیت کشور بستگی دارد . او فقط برای خرید ۳۰ فروند جنگنده اف ۱۴ مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار (۶٫۳ میلیاردتومان) یعنی بیش از نیمی از کل بودجه کشاورزی در سال آینده پول پرداخته است . آیا کشور ما به انبار اسلحه نیاز دارد یا به سرمایه گذاری در کشاورزی و صنعت و بهبود زندگی مردم ؟ رژیمی که آشکارا در جهت عکس نیازمندیها و مطالبات واقعی زحمتکشان حرکت میکند ، روشن است که پایانی جز سقوط و ادبار ندارد .

مینو

دنباله از صفحه ۱

شاه شکنجه گر . . .

سیاسی بایران رفته‌اند وجود شکنجه را بارها تأیید کرده اند . در همین دادگاه گروه گلسرخی ـ دانشیان ، خبر نگاران خارجی بچشم دیدند که خسرو گلسرخی برای اثبات وجود شکنجه لباس خود را ازتن خارج نمود ودر همین هنگام ناگهان پخش‌فیلم‌دادگاه در تلویزیون قطع شد . بنا بر این سئوال مکرر خبر نگاران خارجی از شاه در مورد شکنجه باهدف کسب اطلاع نیست ، زیرا افکار عمومی جهان دربارهٔ جنایات ساواك کاملا روشن است . هدف خبر نگاران خارجی آنست که ببینند این جلاد مدرن ، این‌شکنجه گر قرن بیستم چگونه این روش غیر انسانی را توجیه میکند . اما شاه که جرأت توجیه ندارد ، از ترس افکار عمومی جرم خود را پنهان میکند. شاه وجلادان او زمانی کوشیدند تا از زبان برخی از مرتدان و تسلیم شدگان ، مأموران سازمان امنیت را فرشتگان عطوفت و رأفت معرفی کنند ، ولی این بازی مسخره نیز کسی را نفریفت در باره وحشیگریهای آدمکشان و شکنجه گران ساواك که خشونت و درندگی را از کارشناسان امریکائی و اسرائیلی آموخته‌اند احدی دچار تردید نیست . همه میدانند که تا کنون دهها مبارز مقاوم زیر شکنجه‌های بربر منشانه جان سپرده اند . از آنجمله‌اند قهرمانان شهید هوشنگ تیزابی و پرویز حکمت‌جو . درهمین ماههای اخیر مأموران ساواك درجه رذالت و وحشیگری را بجائی رسانده اند که دکتر سیمین صالحی زنی را که کودکی هفت ماهه در شکم داشته با شکنجه به قتل رسانیده اند . همهٔ مبارزان دلیری که در سالهای اخیر بدستور شاه تیرباران شده‌اند زخم شکنجه بر بدن داشته اند ، هزاران هزار مبارزی که در زندانهای تهران و شهرستانها اسیرند ، روزهای دردناك شکنجه راپشت سر گذارده و یا هم اکنون زیر شکنجه هستند . در حال حاضر عده ای از روشنفکران و نویسندگان مترقی ومبارز وسیله سازمان امنیت بازداشت وتحت‌فشار قرار گرفته‌اند که دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده مترقی و نامدار ایران نیز در میان آنهاست . جلادان شاه از چندی پیش او را شکنجه میدهند ، تا اورا به توبه وادارند . ولی پایداری او مشت محکم بردهان جلاد است .

شاه با جمله « تصور نمیکنم این امر حقیقت داشته باشد » میخواهد در عین انکار شکنجه ، خود را از اقدامات ساواك بی اطلاع‌نشان دهد،در حالیکه همه میدانند که سازمان امنیت زیر نظر مستقیم شاه اداره میشود و بویژه در مورد متهمان ویا گروههائی که‌شاه فعالیت شان را برای سلطنت خود خطرناکتر میداند ، سپهبد نصیری رئیس سازمان امنیت ، جریان‌شکنجه ها ، مقاومت‌ها و اقرارگرفتن ها را حتی ساعت بساعت بشاه‌گزارش‌میدهد . فرح یکبار اعتراف کرد که او وشاه تا ساعت سه بعد ازنیمه شب بیدار مانده‌اند ، تا یکی از متهمان حادثه کاخ مرمر (سال ۱۳۴٤) را برای « اقرار » نزد شاه آورده‌اند. اگرشکنجه گران مستقیماً زیر نظر شاه‌عمل نمیکردند ، ضرورتی داشت که‌متهمی را ساعت سه بعد از نیمه شب برای « اقرار » بدربار آورند ؟

حوادث پرتقال باید برای آدمکشان و شکنجه گران ساواك درس عبرت باشد . اعضاء « پیده » (سازمان امنیت پرتقال) که سالها میهن پرستان را شکنجه کردند، اکنون درپشت میله‌های زندان‌درانتظار کیفر جنایات خودهستند .همکاران ایرانی آنهانمیخواهند بفردای خود بیاندیشند ؟

آذرین .

دنباله از صفحه ۱

آیا عمان به ویتنام جدیدی تبدیل میشود ؟ !

از دست داده ایم ؟ یکی از افسران ارشد که از عمان باز گشته هنگام نمایش فیلمی از جنگ ظفار در یکی ازپادگانهای تهران ضمن توضیحاتی که در باره فیلم میداد گفت که « همه چیز برای مابیگانه است چه زمین وچه انسانها » افسر دیگری که اوهم در عمان بوده میگفت « مهمترین مشکل ما درظفار اینستکه پارتیزانها از شتر برای حمل اسلحه استفاده میکنند . غالباً اتفاق میافتد که مرکز اطلاعاتی بماخبر میدهد که قافله های شتر در حال عبور هستند ، هلیکوپترها به پرواز در میآیند و چیزی نمی یابند » یکی‌از افسران پرسید : آیا ظفار به ویتنام دومی‌تبدیل میشود ؟ او گفت « جنگ تاکنون پایان نیافته وچه بسا همینطور شود » !

تعداد کشته‌ها نیز روز افزون است سازمان امنیت بخانواده‌های مقتولین دستور داده که علت‌واقعی مرگ فرزندان را پنهان کنند . از جمله کشته شدگان افسری بنام محمد رضا زنوبی است که‌خانواده او را مجبور کرده‌اند بگوید او بسکته قلبی مرده‌است ! ساواك از افشای اخبار جنگ بشدت جلوگیری میکند. سکوت ، فریب دادن و درغگوئی یکی از اصول سیاست رژیم ایران است . با چنین سیاستی هزاران نفر سرباز و صدها افسر را به قربانگاه جنگ تجاوز کارانه عمان اعزام کرده اند ولی اینك پرده ها یکی پس از دیگری پاره میشود و واکنش آن در ارتش اعزامی سقوط روحیه و در بعضی از موارد تمرداز اجرای دستور است . برای جبران این ضعف و ننگ وناکامی است که شاه‌کوشش میکند با اعزام نیروهای تازه نفس و تجهیزات فراوان مرز شرقی ظفار را با جمهوری دموکراتیك یمن تصرف و ارتباط ظفار را با یمن دموکراتیك‌قطع نماید و از راه محاصره‌طولانی و بمباراتهای‌بیرحمانه دائمی‌مردم و دامها ، جنبش‌خلقی را در عمان سرکوب کند و جمهوری دموکراتیك یمن را نیز تهدید نماید . جنبش ظفار در برابر سه نیروی مجهز ایران ، انگلیس و قابوس قرار گرفته‌و قهرمانانه از خود دفاع‌میکند . نه کشتی جنگی‌دارد ، نه هواپیما ، نه توپخانه سنگین و نه تانك وزره پوش اما از لحاظ روحیه باارتشهای مهاجم قابل مقایسه‌نیست برتری این خلق مظلوم در روحیه عالی و هدف مشروع و انسانی اوست که تجاوزگران فاقد آن‌هستند. باید به این خلق نه تنها کمك اخلاقی بلکه‌بهرشکل ممکن کمك مادی کرد ، تا بتواند تجاوزکاران‌ایرانی ، انگلیسی و ارتجاع پلید محلی را مهار کند.

ا. گویا

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

« ما برای سرگرمی اسلحه نمی خریم »

« ما برای سرگرمی اسلحه نمیخریم » و « در امور سیاسی جزئیات را نمیتوان مطرح کرد . » این دوجمله پاسخی است که شاه بمخبر روزنامه مصری الاهرام در مورد خرید اسلحه داد و رادیو تهران آن را بنقل از « یونایتد پرس » روز ششم دیماه منتشر کرد . شاه در جواب این سئوال که اسلحه را برای چه میخرد ، همواره کوشش میکرد بنوعی هدف این خرید های شگفت انگیز اسلحه را توجیه کند .

اما این بار پاسخ او در یك جمله کوتاه طبق این عبارت معروف که میگوید « گاهی حقیقت خودبسخن میآید » واقع گویانه وباچگونگی استفاده از این سلاحها مطابقت دارد . مسلم است که شاه برای سرگرمی نیازی به اسلحه ندارد. او باندازه کافی انواع سرگرمیهای لذت بخش دارد. او اسلحه را برای بسیج یك ارتش دویست و پنجاه هزار نفری بمنظور اجرای سیاستی که « جزئیات

دنباله در صفحه ۲

تحریکات امپریالیسم امریکا

علیه کشور های نفتخیز محکوم به شکست است

واکنش دولت امریکا نسبت به تصمیمات اجلاسیهٔ اخیر اوپك ، بکار گرفتن کلیه وسائل اعمال فشار سیاسی و اقتصادی نسبت به کشور های نفتخیز درحال رشد و تکیه بیشتر روی دخالت مسلحانه نظامی دراین کشور ها بوده است . از آنجا که چنین واکنشی باز گشت بدوران معروف به «دیپلماسی لوله توپ» است ، اقدامات تحریك آمیز و تهدیدات نظامی امریکا باخشم افکار عمومی جهانیان ، بویژه با پاسخ دندان شکن همهٔ کشور های نفتخیز مواجه شده است . ملل جهان ، از آنجمله مردم ایران تهدیدات امپریالیسم امریکا [illegible] تقبیح میکنند و با تکیه به مبارزات وسیعتر و [illegible] نظور استیفای کامل حقوق ملی در نفت به این توطئه ها پاسخ میدهند .

در اجلاسیه اخیر اوپك کشور های نفتخیز در حال رشد از اقدام به افزایش قانونی بهای نفت بمیزان بیست تا سی در صد که از نظر تشدید تورم درکشور های سرمایه داری ضرور است خود داری کردند و فقط به تثبیت قیمتهای موجود اکتفا نمودند . امپریالیسم و حامیان کارتل که قبل از اجلاسیه اوپك کوشیده بودند با توسل به فشار سیاسی و تهدیدات اقتصادی بهای نفت را پائین بیاورند در توطئه خود با شکست مواجه شدند. اکنون امپریالیسم امریکا بجای آنکه ازشکست توطئهٔ اخیر و اصولا نا کامی اقدامات یکساله پس از تشکیل کنفرانس واشنگتن در فوریه ۱۹۷٤ نتیجه گیری کند و به شناسائی حقوق قانونی کشور های نفتخیز تن در دهد تهدیدات سیاسی و اقتصادی وحتی نظامی را پشتوانه مقاصدامپریالیستی خود قرار داده است.

در همین دو هفته اخیر دولت امریکا بیك رشته اقداماتی نظیر تشکیل «باشگاه بین المللی انرژی» ، پیشنهاد ایجاد «صندوق کمك متقابل» کشورهای مصرف کننده ، فروش طلا بااستفاده ازقیمت بازارآزاد وبالاخره محدودیت بازرگانی و گمرکی برای واردات نفت به داخل امریکا دست زده است ، که همهٔ آنها درجهات مختلف متوجه تضییع حقوق کشور های نفتخیز است . امپریالیسم امریکا با این اقدامات میخواهد مجموعهٔ کشورهای مصرف کننده نفت غرب را در پناه تحریکات خود بمبارزه علیه کشورهای نفتخیز وادار کند وباصطلاح جبهه مصرف کنندگان نفت را علیه تولید کنندگان سرهم بندی نماید . همچنین هدف تصمیمات اقتصادی و گمرکی اخیر دولت امریکا در فشار قرار دادن کشور های نفتخیز در حال رشد نظیر ونزوئلا در امریکای لاتین و کشور های عربی است که مصمم اند با ملی کردن کامل صنایع نفت از حقوق ملی خود در نفت دفاع نمایند.

همراه با بکار گرفتن همه اهرمهای فشار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای نفتخیز ، اکنون امپریالیسم امریکا دیگر علناً و در سطح سیاست دولتی به تهدید نظامی کشور های نفتخیز پرداخته است . وزیر خارجهٔ امریکا کیسینجر و سپس رئیس جمهور جرالد فورد در واقع آخرین مقامهای دولت امریکا هستند که علناً از دخالت مسلحانه در امور کشور های نفتخیز ، بویژه کشور های عربی حوزه خلیج فارس صحبت بمیان آورده اند . جالب اینکه اکنون دیگر تهدید دخالت نظامی امریکا با حرکت ناوگان هفتم در جهت اقیانوس هند ، منجمله حرکت ناو هواپیما بر « انترپرایز » در جهت نا معلوم همراه است که نمیتوان خطر آن را نادیده گرفت .

وضعی که امپریالیسم امریکا درمعارضه باخواست های قانونی کشور های نفتخیز بوجود آورده بیش از آن خطرناك است که بتوان در برابر آن سکوت نمود . نه فقطدر کشور های نفتخیز در حال رشد و در کشورهای سوسیالیستی که از منافع قانونی این کشور ها حمایت میکنند ، بلکه در کشور های غربی و حتی در خود

دنباله در صفحه ۲

مبارزهٔ متشکل زنان

شرط ضرور پیروزی آنهاست

روز ١٤ دی امسال در تهران جلسه ای بریاست اشرف پهلوی زیر عنوان « کنگرهٔ بزرگداشت چهلمین سال آزادی زن» باشرکت شاه و فرح وجمعی از زنان تشکیل شد. شاه درنطق افتتاحی خود از رضاشاه « کبیر» تجلیل کرد که گویا چهل سال پیش زنان را «آزاد» ساخته است. شاه فاصله سالهای ١٣١٤ـ١٣٤٢ یعنی ٢٨ سال مبارزه عنودانه زنان ایران را برای احراز حقوق برابر عمداً فراموش کرد و با یك خیز بزرگ خود را بسال ١٣٤٢ رساند که گویا «انقلاب سفید» او برابری زن و مرد را تأمین نمود. اما هنگامیکه نوبت به سخنرانان کنگره رسید ، دیگر چشم بستن بر روی همه تبعیضاتی که در مورد زنان وجود دارد ممکن نبود .

نماینده زنان کارگر اجرای قوانین کار را در باره زنان خواستار شد تا برابری دستمزد وتضمین شغلی آنان رعایت شود . او خواستار تأسیسات رفاهی برای زنان کارگر شد تا انجام مسئولیت مادری آنانرا تسهیل کند. او خواست کار نیمه وقت برای زنان در نظرگرفته شود تا فرصت انجام وظایف خانوادگی خود را داشته باشند . نماینده زنان شاغل صریحاً گفت که بما زنان ، مشاغل دست دوم و کم درآمد و یکنواخت واگذار میشود . او گفت با آنکه زن و مرد با تحصیلات برابر وارد خدمت میشوند ، ولی زنان باید از مشاغل پائین شروع بکار کنند و در راه ترقی و پیشرفت آنها موانع بسیار وجود دارد. او خواست که به اشکال سنتی تبعیض در تقسیم کار میان زن و مرد پایان داده شود . او خواست که زنان تأمین شغلی داشته باشند ودرنتیجه حاملگی ویا بچه دار شدن شغل خود را از دست ندهند. او یادآور شد که باید قبل از استخدام نیروی کار از خارج ، از نیروی کار زنان ایران استفاده شود . نمایندهٔ زنان خانه دار تغییر تمام قوانینی را خواستار شد که بنحوی با اصول اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر مغایرند ، او گفت تمام قوانین باید در جهت رفع تبعیض از زنان تکامل یابند .

با آنکه خواستهای مطروحه درکنگرهٔ فرمایشی تصویر کامل محرومیتهای اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی زنان ایران نیست ، ولی نیمرخی از این محرومیتها را نشان میدهد . واقعیت آنست که برخلاف دعاوی سران رژیم ، نه رضا شاه ناجی زنان ایران بود و نه محمد رضا شاه . فرمان چادر برداری در سال ١٣١٤ فقط و فقط ثمره فرعی و ناقص مبارزات زنان مبارز ایران بود که از دوران انقلاب مشروطیت حقوق برابر خود را طلب میکردند . رضا شاه با فرمان چادر برداری و ورود قشری از زنان و دختران به مدارس و دانشگاهها

دنباله در صفحه ۲

تظاهرات وسیع دانشجویان ایرانی و اتریشی علیه شاه

روز ١٤ ژانویه (٢٤ دی ١٣٥٣) ساعت ٥ بعد ازظهر گروهی از جوانان و دانشجویان کمونیست اتریش بنمایندگی از طرف همهٔ کمونیستها و ترقی خواهان اتریش در برابر هتل امپریال محل اقامت ٥ روزه شاه در وین علیه دیکتاتور ایران تظاهر کردند. تظاهر کنندگان تصویر بزرگ رفیق شهید پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران را با شعارهای زیر همراه داشتند :

— ایران کشور ترور ، اختناق و شکنجه است !
سازمان امنیت آزادیخواهان ایران را شکنجه میکند .
— زندانیان سیاسی را آزاد کنید !
— دست ارتجاع ایران از رزمندگان ظفار کوتاه !
— تظاهر کنندگان اعلامیه ای هم در پنجهزار نسخه بمضمون زیر پخش کردند :

جلاد ایران دوباره به وین آمده است ، ایران از طرف امریکا نقش ژاندارم منطقه را بعهده گرفته است ، رژیم ایران وظیفه دارد که نهضت ضد امپریالیستی مردم ایران و سایر خلقهای منطقه را سرکوب کند و هدفهای اقتصادی و استراتژیك امپریالیسم را تأمین نماید . ایران به زندان بزرگی تبدیل شده است. کارگران و زحمتکشان در وضع بدی بسر میبرند ، در اعلامیه از قتل رفیق شهید حکمت جو توسط سازمان امنیت یاد شده است . هتل امپریال از طرف پلیس اتریش حفاظت میشد ولی برخوردی روی نداد . مأموران سازمان امنیت ایران که در جلوی هتل بودند ، چون قدرت عمل نداشتند از خشم بخود می پیچیدند .

☆ ☆ ☆

روز چهار شنبه ١٥ ژانویه (٢٥ دی ١٣٥٣) ساعت ٥ بعد ازظهرمیتینگی باشرکت چندین دههزارنفر از دانشجویان ایرانی و اتریشی بمناسبت اقامت شاه در وین وبرای اعتراض به رژیم ضد ملی وضد دموکراتیك ایران در جلوی دانشگاه وین تشکیل شد . دانشجویان ایرانی شرکت کننده در میتینگ از تمام شهرهای اتریش آمده بودند . شعارهای شرکت کنندگان در میتینگ عبارت بود از : زنده باد همبستگی جهانی آزادی برای زندانیان سیاسی . ـ پیروز باد رزمندگان ظفار مرگ بر رژیم شاه . سخنران اتریشی از تسلط رژیم ترور واختناق در ایران وسیاست تسلیحاتی ونظامیگری رژیم ایران و نقش آن بعنوان ژاندارم خلیج فارس ، از کشتار سازمان امنیت از جمله قتل رفیق حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و از فقر زحمت

دنباله در صفحه ۲

آدمکشان ساواك

فشار بر زندانیان سیاسی را تشدید نموده اند

فشار بر زندانیان سیاسی مقاوم و پیکارجو در دوران اخیر باز هم شدت بیشتری یافته است . بدنبال قتل رفیق قهرمان ما پرویز حکمت جو در زیر شکنجه ، عده ای دیگر از زندانیان قدیمی را بزیر شکنجه کشیده اند . شاه دستور داده که شکراله پاك نژاد را بپای تلویزیون ببرند و او را مجبور به تسلیم نمایند. شکراله پاك نژاد که پنج سال پیش بدون هیچ جرمی بحبس ابد محکوم شد در دادگاه نظامی ، با شهامت یك انقلابی از جنایات ساواك پرده دری نمود . او در دادگاه گفت که از او خواسته اند اعتراف کند که کمونیست است و بکار جاسوسی اشتغال داشته و چون امتناع نموده او را ١٨ روز تمام شکنجه داده اند و حتی در دل شب برای ایجاد ترس ، او را بچوبهٔ تیر باران بسته اند . پاك نژاد اعلام نمود « من تنها کسی نیستم که شکنجه شده ام ، تمام متهمینی که دراینجا حضوردارند شکنجه شده اند . آیا انجام چنین شکنجه هائی درعصر فضا و قمر مصنوعی باعث خجالت نیست ؟ » شاه که همانموقع در مورد شکنجه پاك نژاد از سوی خبرنگاران خارجی مورد سئوال قرار گرفت در پاسخ گفت : «نیازی باین کار نبود . او که زندانی ماست مگر نمیتوان پس از محکومیت او را شکنجه داد؟» و اکنون شاه همین نیت رذیلانه را اجرا میکند . اکنون پاك نژاد ، حسن ظریفی و مسعود بطحائی را که چند سال از محکومیت شان میگذرد به « کمیته » برده اند و شدیداً آنها را شکنجه میدهند . طبق خبر دیگری که بما رسیده محمد رضا پرتوی که در یك درگیری با مأموران ساواك بپایش تیر خورده و اکنون در زندان بندر عباس اسیر است ، حالش وخیم و مرگ او تقریباً حتمی است . مأموران جنایتکار ساواك عمداً تیر را از پای او دیر درآورده اند .

هر چه مبارزه مردم علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك اوج میگیرد ، فشار سازمان جاسوسی و آدمکشی ساواك تشدید میشود ، تا شاید مردم را به تسلیم و سکوت مجبور سازند . ولی این امید عبثی است. مبارزه مردم تا سرنگونی رژیم مستبد وآدمکش شاه و پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت .

صلحهٔ کارگران

مبارزات وسیع صنفی ، سیاسی و طبقاتی است

جنبش کارگری در کشور ما در برابر اوج مجدد مبارزات وسیع اقتصادی ، سیاسی و طبقاتی قرار دارد . هم اکنون مبارزات وسیع صنفی بمنظوربهبود شرایط کار توده کارگران ضرورت حادی پیدا کرده است .

دستمزد کارگران که قبلا هیچ تناسبی باگرانی سالهای اخیر و افزایش هزینهٔ زندگی نداشت اکنون در نتیجه تورم ارزش خود را بکلی از دست داده است. حد اقل دستمزدها در سطح کشور به ١٠٠ ریال درروز نمیرسد . حال آنکه بنابه اعتراف خود مقامات دولتی قبل از گرانیهای اخیر حقوق ماهیانه ١٢٠٠ تومان نیز برای تأمین حد اقل احتیاجات یك خانوار کافی نبود .

روز کار که طبق قانون باید به هشت ساعت محدود گردد تحت عنوان اضافه کار حتی در واحدهای بزرگ تولید ماشینی به ١٢ ساعت و بیشتر بالغ میشود. در دهها هزار کارگاههائی که از شمول قانون بر کنار مانده اند اصولا از محدودیت ساعات کار روزانه حرفی در میان نیست . هنوز هم کارفرمایان استفاده از روز های جمعه و مرخصی سالیانه را برای کارگران توقع غیر قابل قبول تلقی میکنند . در کارخانه ها و کارگاهها تا همین امروز جرائم گوناگون و بسیاری مورد استفاده کارفرماست که از برداشتهای غیر قانونی از دستمزد کارگر گرفته تا تنبیهات بدنی را شامل میشود .

دو سوم از مجموعه کارگران شاغل در صنایع و خدمات تا همین امروز از بیمه های اجتماعی ومزایائی که طبق قوانین موجود شامل حال بیمه شدگان میشود محروم نگاهداشته شده اند. اجرای بیمه درمورد کارگران ساختمانی و کشاورزی با آنکه از یك دهه قبل رسماً مطرح گردیده همچنان در مرحله حرف باقی مانده است. بیمه شدگان از دریافت کمك بهداشتی و درمانی و استفاده ازمستمری از کارافتادگی وبازنشستگی محرومند وحق نظارت برسازمانی راکه قانوناً متعلق به آنهاست ندارند .

کارگران برای بهبود شرایط کار وزندگی ولااقل محدود ساختن استثمار در چهار چوب قوانین موجود به تشکل صنفی و فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه ای احتیاج مبرم دارند . لیکن سازمانهای پلیسی ، بویژه سازمان جهنمی امنیت درهمان چهار چوب قوانین مصوبه خود رژیم هم ، به کارگران حق فعالیت نمیدهد .

احزاب دولتی « ایران نوین » و « مردم » با نفی مبارزات کارگری ، حتی مبارزات صنفی ، کارگران را در وضع بسیار ناگواری قرار داده اند . نتیجه فعالیت این احزاب مدعی حمایت از منافع کارگران سلب قدرت سازمانی از کارگران و خلع سلاح استثمارشوندگان در برابر استثمار کنندگان و دولت حامی آنان بوده است . هم چنین از تبلیغ این ادعای باطل که گویا خود رژیم مطالبات کارگران را برمیاورد و «مراحم ملوکانه» شامل حال کارگران است جز تشدید استثمار ومحرومیت کامل از حقوق اجتماعی و سیاسی نتیجه دیگری عاید کارگران نشده است .

ویژه گی شرایط حاضر در آنست که سیاست

دنباله در صفحه ۲

یــادی از علی امید

روز ٤ دی ۱۳٥۲ شعلهٔ زندگـی سراسر پیکار علی امید خاموش شد . رفیق علی امید عضـو حـزب کمونیست ایران ' از فعالین شورای متحده مرکزی و عضو حزب توده ایران بود . او در اعتصاب ۲۰هزار نفری ١٤ اردیبهشت سال ۱۳۰۸ نفتگـران آبادان که مستقیماً زیر رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت ' نقش فعال و سازنده ایفاء کرد . پلیس رضا شاه در سال ۱۳۱۰ بعلت تعلق وی بحزب کمونیست او را بازداشت نمود . او ده سال در زندان گـذراند و پس از سقوط دیکـتاتوری رضا شاه در سال ۱۳۲۰ ' از زندان آزاد شد . رفیق امید بعد از آزادی از زندان بلا فاصله فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت . اودر ایجاد اتحادیه های کارگری در تهرانـ و خـوزستان در اعتصابهای آغاجاری و آبادانـ و بویژه در اعتصاب عمومی کارگری در تیر سال ۱۳۲٥ نقش رهبری کننده داشت . علی امید در دوران فعالیت خود در شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران بار ها مورد پیگرد مأموران شهربانی قرار گرفت و زندانی شد . او که از حیثیت و اعتبار فراوانی در میان طبقه کارگر ایرانـ بر خوردار بود ' در دورانـ حکومت مصدق هنگام انتخابات مجلس از طرف جمعیت مبارزه بااستعماربعنوان نامزد نمایندگی زحمتکشان آبادان معـرفی شد . پس از کودتای ۲۸ مرداد و تسلط ارتجاع سیاه بر میهنـ ما علی امید مجدداً دستگیر و زندانی شد و سالـهای زندان را با بردباری و استواری بپایان رساند .

یاد رفیق علی امید در خاطـره دوستانـ و همرزمان او پیوسته زنده و پایدار است .

دنبالـه ازصفحه ۱

مبارزه متشکل زنان

در واقع میخواست برای صنایع نوپای کشور نیروی کار ارزان تهیه کند . او با استقرار یك رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك نه تنها راه را برای تحقق شعار هـای جنبش مترقی زنان سد کـرد ' بلـکه عرصه را بر این مبارزه تنـگ ساخت . محمد رضا شاه نیز ۲۲ سال در برابر خواست حزب توده ایرانـ و سازمانهای واقعی زنانـ کـه از حمایت حـزب برخوردار بودند و برابری زنـ و مرد را طلب میکردند مقاومت نمود و سر انجـام کـه مجبور به عقب نشینی شد ' زنانـ توانستند حق انتخاب کردن و انتخاب شدنـ بدست آورند' آنهم درشرایطی که دیکتاتوری شاه عملا این حق را از زن و مرد بازستانده است . در قوانین مدنی تغییراتی بسود زنان داده شده ' ولی هنوز در این‌عرصه وعرصه‌های دیـگرقوانین کهنه وارتجاعی زنجیردست وپای زن است . اگر اکنون پس از ۱۱ سال از « انقلاب سفید » شاه ' و دعاوی مـکرر او در بارهٔ برابری کامل زن و مرد ' بار دیـگر مواردی از محرومیتهای زنان در کـنگره ای کـه بدستور اشرف تشکیل شده بازگـو میشود و در قطعنامه آنـ انعکاس مییابد ' بهیچوجه تصادفی نیست . مبارزه زنان مترقی در صحنه جهـانی بخاطر رفع تبعیض از زنانـ و در نتیجهٔ تخصیص سال ۱۹۷٥ به سال زن ازسوی سازمان ملل متحد' نارضایتی زنان ایران از تبعیضات و نارواثیهـا و مبارزه آنهـا در این راه از یـکسو و نیازمندی سرمایه داری رو به رشد ایران از سوی دیـگر ' رژیم شاه را مجبور کرد تا به برخی از این تبعیضات اعتراف کند و رفع آنان را به زنان وعده دهد . اما زنان آگـاه و مبارز ایران خوب میدانند که نباید باینـ وعده ها دل خوش کنند و دست روی دست بگذارند . آنها ضمن آنـکه میدانند برابری کامـل زن و مرد فقط با استقرار سوسیالیسم میسر است مطمئنـ اند که تأمینـ خـواست هـای زنانـ در چـارچـوب ناقص نیز کار یك رژیم ضد خلقی نیست و برای تحقق این هـدف باید یك رژیم ملی جانشین رژیم کـنونی شود . اما این امر نیز بدیهی است که تا آنزمان نباید بیکار نشست و با مبارزهٔ متشـکل میتوان رژیم را اینجا و آنجا بعقب‌نشینی مجبور کرد . بدینجهت است که باید نیروی زنانـ کارگر ودهقان وکارمند و خانه‌دار همه دراین راه بسیج شود . پیروزی زنان در هر عـرصه ای از این مبارزه ' مقدمه ای برای پیروزیهای بعدی خواهد بود .

مینو

نیروی مردم در زندانها را میگشاید
آریسمندی از زندان آزاد شد

رودنی آریسمندی ' دبیر اول حزب کمونیست اوروگوئه ' یـکـی از رهبرانـ برجسته جنبش کارگری امریکای لاتین و از تئوریسین های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری از زندان آزاد شد . آریسمندی در ماه مه سال ۱۹۷٤ از پی غیر قانونی کردنـ احزاب وسازمانهای مترقی ودموکراتیك توسط رژیم دیکتاتوری اوروگوئه بازداشت و زندانی شده بود .

بازداشت آریسمندی موج اعتراض در اوروگوئه و در سراسر جهان در میان نیرو های مترقی و دموکراتیك برانگیخت . مردم اوروگوئه و آزادیخواهان‌سراسر جهان بعلامت همبستگی با مبارزات عادلانه حزب کمونیست اوروگوئه ' با تشکیل میتینگ ها ' دمونستراسیونها و ارسال نامه ها و تلگرافها ' آزادی آریسمندی را خواستار شدند . سرانجـام موج همبستگـی ' رژیم دیکتاتوری را مجبور کرد تا آریسمندی را از زندانـ آزاد سازد . آزادی آریسمندی یکی از پیروزیهای مهم تمام ترقیخواهان و عناصر دموکرات در عرصهٔ مبارزه علیه رژیمهـای فاشیستی و استبدادی و پیروزی حـزب کمونیست اوروگوئه و مردم اوروگوئه در مبارزه عادلانه علیه رژیم ترور و اختناق است .

☆ ☆ ☆

روز ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷٤ (٦ دی ۱۳٥۳) عـده ای افـراد مسلح در پایتخت نیکاراگوئه ' بخانه ای که جمعی از دیپلماتها در آنجا به ضیافت دعوت شده بودند ' هجوم بردند و چند تن از آنان و از جمله وزیر امور خارجه نیکاراگوئه را بعنوان گروگان دستگیر نمودند . مهاجمان شرط آزادی گروگانها را آزادی ده تن از زندانیان سیاسی قرار دادند . سرانجام‌دولت نیکاراگوئه مجبورشد به‌خواست مهاجمان پاسخ دهـد و بدینسانـ ده نفر از زندانیانـ سیاسی آزاد شدند و با هـواپیما نیکاراگوئه را به مقصد کوبا ترك کردند . مقامات کوبا موافقت نمودند که هواپیما در فرودگاه هاوانا پایتخت کوبا فرود آیـد .

دنباله از صفحه ۱

«ما برای سرگرمی اسلحه نمی خریم»

آنرا « نمیتواند مطرح کند خریداری کرده وهم‌اکنون این ارتش را بکار انداخته است . اما این « جزئیات » که مجموعاً سیاست کلی شاه را تشکیل میدهدباستناد واقعیات چنین است :

۱ ـ تجاوز ومداخله نظامی درعمان هم اکنون بیش‌از یـکسال است که ارتش ایرانـ وارد خاك عمان شده و بـکشتار مردم بیـگناه و دامها و سوختن کشتزارهای این سامان بنام کمك بسلطان قرون وسطائی عمان ' مشغول است . هدف این لشـکر کشی سر کوب‌جنبش خلق عمانـ برهبری جبهه خلقی آزادی عمان ' اشغال عملی خاك این کشور ' آزمودن وآزموده کردن‌سلاح های مدرن ارتش ایران است کـه‌به بهـای خون مردم بیگناه عمان و سربازان ایرانـ و صـرف میلیـاردها ریال درآمد کشور تمام میشود. نتیجه این لشـگر کشی راپس‌از یـکسال وبعد از سه حمله « بزرگ» که سومین آن باشدیدترین مبارانهای وحشیانه' توپخانه سنـگین' تانـگ و زره پوش همراه ودر جریان است ' از مضمون اظهاریه و بیانیه کمیته اجرائی مرکزی جبهـه خلقی آزادی عمان که روزنامه پراودا در ۲۸ دسامبر ۱۹۷٤ زیر عنوان « اراده خلل ناپذیر میهنـ پرستان » بر اساس خبر خبر گـذاری تاس منتشر کـرده بخوانیم : « در اینـ اظهاریه شرکت نیرو های ایران درمبارزه علیه میهنـ پرستان عمان تقبیح گردیده است . در اظهاریه خاطر نشانـ میشود که علیرغم حمایت‌وسیع از خارج' رژیم ارتجاعی سلطان قابوس نتوانسته‌موفقیت قابل ملاحظه‌ای بدست آورد . شور انقلابی و میهنـ پرستی توده‌های خلق‌عمان دچار تزلزل نـگردیده است. در بیانیه نظامی جبهه' جمع بستی ازمبارزه میهن‌پرستان عمان از ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ تا دهم دسامبر ۱۹۷٤ داده شده که در صدو بیست مورد مختلف بعملیات نظامـی مبادرت کردند و در جریانـ این عملیات صـد نقطه مقاومت مداخله گرانـ را محو و مقادیر زیادی وسائل نظامی را از بین برده‌اند . چندین هلیـکوپتر سرنـگون شده و دشمن صدها کشته و زخمی داده است . . . »

۲ ـ تجاوز به جمهوری عراق . مدتهاست که تجاوز به عراق بصورت تجاوزات مستقیم وآشکار بمرزهای عراق' ارسال اسلحه و مهمات و کارشناس نظامی و جاسوسان ساواك به کردستان عراق برای کمك به ارتجاع کرد' خرابکاری و تحریکات گوناگون در داخل خاك اینـ خاك کشور درآمده است . بقول مجله « اکونومیست» لندنـ (١٤ دسامبر ۱۹۷٤)برروی سلاحهـای پیش مرگه‌ها که مین های پلاستیکی وسلاحهای ضدهوائی جزئی از آنهـاست ' نوشته شده : «ساخت‌ایـران » ! نیروی هوائی ایران پس ازانتقال اجباری مرکز بارزانی به « حاجی عمرانـ » در پانزده کیلومتری مرز ایران مواضع مقدم نیروی عراق را در جبهه کردستان عراق بمباران میـکند . هدف این تجاوز آشکار ساقط کردن حـکومت ضد امپریالیستی و مترقی عراق است .

۳ ـ ایـرانـ زرادخانه امپریالیسم . حـکومت ایـران سلاحهائی که خرید آنها را بمردم ایران تحمیل کرده' طبق حواله (!) ودستور امپریالیسم امریکا در اختیار حـکومتهای ارتجاعی مانند حـکومت تیو در ویتنام و ملك حسین در اردن و نظائر آنها کـه وابسته بامریکا هستند میـگذارد .

٤ ـ شرکت درتوطئه‌های امپریالیستی. همـکاری با امپریالیسم و شرکت در توطئه هـای آن در منطقه و قراردادهای نظامی مانند « سنتو » که در مانور دریائی آنـ چندی پیش نیروی دریائی ایـران نقش بارزی ایفا کرد ' نیز یـکی از « جزئیات سیاست » حـکومت ایران است .

٥ ـ نفوذ درسواحل خلیج. اعمال نفوذ سیاسی ' نظامی' مالی واقتصادی درمنطقه‌خلیج ومجاورآن بسود بورژوازی بزرگ ایران و سرمایه‌های فعال امپریالیستی در ایـران

٦ ـ حـکومت ایران دلال امپریالیسم . علاوه بر ایفای نقش ژاندارم در منطقه و سر کـوب جنبشهای مترقی ' حـکومت ایران بنمایندگی از جهان سرمایه داری برای کشاندنـ کشورهای بیطرف و ترقیخواه در خاورمیانه و نزدیك و حوزه اقیانوس هند بدایره اردوگاه شیطانی کشورهای بزرگ سرمایه‌داری ودور کردن آنها از مجتمع کشور های سوسیالیستی وحـکومتهای ضد امپریالیستی' با اتکاء بظرفیت مالی و نظامی خود و همچنینـ زیر نقاب ریاکارانه تبلیغـات دروغ صلحجـویانه و استقلا ل طلبانه ' نقش خطرناکی بازی میـکند .

۷ ـ بسود سازندگان سلاحهای مرگ‌زا . ریختن درآمد مردم ایران از نفت بجیب سازندگان سلاحهای‌مرگ‌زا .

اینهاست اجزائی ازسیاست کلی‌ایران' یعنی‌سیاست توسعه طلبی ' تجاوز کاری و همکاری با امپریالیسم در منطقه که همه آنها این سخن شاه را که « ما اسلحه را برای سرگرمی نمیخریم» تأیید میـکند. بدیهی است که این سیاست لجام گسیخته در هر زمینه با مقاومت شدید خلقهای منطقه رو برو شده وسر انجام با ناکامی رو برو خواهد شد .

ا . گویا

دهسال پیـکار

درنخستین روز سال۱۹۷٥ سازمان آزادی‌فلسطین «الفتح» دهمین سالـگرد پیکار خود را علیه اشغالـگران اسرائیلی برگزارکرد دهمین‌سال تشـکیل‌سازمان آزادی فلسطین در شرایطی‌برگزار میشود که این سازمـان به پیروزیهـای مهمی‌دست یافته است . مجمع عمومی سازمان ملل متحد اخیراًسازمان آزادی فلسطین‌را بعنوان یگانه نماینده‌خلق‌عرب فلسطین برسمیت شناخت و به رهبر این سازمان یاسر عرفات امکان‌داد مطالبات خلق عرب فلسطین را در مجمـع عمومـی سازمان ملل متـحد مطرح کنـد . مهم ترین پیروزی خلق عرب فلسطین شناسائی حـق تعیین سرنوشت' استقلال وحق حاکمیت ملی این خلق ازسوی سازمـان ملل متحد است . این پیروزی بزرگ مرحلهٔ مهمی از پیکار دشوار ۲٥ سالـه فلسطینی ها برای احراز حقوق حقه خود است ' در عینـ حال شکست‌سیاسی امپریالیستها و صهیونیست هاست که سالیان دراز حاضر نشدند حقوق ملی خلق عرب فلسطینـ را برسمیت بشناسند .

خلقهای ایران و در پیشا پیش آنها حزب تودهٔ ایران ' حزب طبقه کارگر ایران که پیوسته از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین علیه امپریالیسم وصهیونیسم پشتیبانی نموده اند ' در آینده نیـز در راه همبستگی با مبارزهٔ خلق عرب‌فلسطین از هیچـگونه کوششی دریغ نخواهندنمود .

دنباله از صفحه ۱

اسلحهٔ کارگران

ضد کارگری رژیم برای قشر وسیعی از کارگران افشا شده است . کارگران در برخورد با واقعیت دریافته‌اند که اندك بهبوددر شرایط کار و زندگی آنان ' حتی‌در چهار چوب قوانین موجود کار بدون بـرخور داری از تشـکل صنفی و فعالیت آزاد و مستقل اتحادیه ای‌میسر نیست . در لحظه کـنونی ما ناظـر تدارك و تـکـوین مبارزات وسیع صنفی کارگران هستیم که در عین‌حالیـکه از رخوت تبلیغات نفی کـننده جنبش کارگـری خارج میشود ' محتاج آنست که از گرایشهای چپ روانه با آگاهی تمام محفوظ نگاه داشته شود . حاملین چنین گرایشی یا به قوانین تکامل جنبش کارگـری آگاهی ندارند و یا اینکـه دانسته در جهت انحـراف جنبش بمنظور سرکوب آن در لحظه جنینی اقدام میکـنند .

تشدید استثمار در دهه « انقلاب سفید » کـه‌با فشار و ترور پلیسی همراه بوده به عدم رضـایت شدید در میان کارگران انجامیده است . در عین حال درهمین فاصله کارگران به نیروی عمده طبقاتی در جامعه ایران بدل شده‌اند . برای نیل به تغییرات جدی بسود رفاه و تأمین حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان در بطنـ جامعه ایران امکانات بالقوه و شرایـط مساعد غیر قابل انکاری بوجود آمده است . گره کار در تـکوین‌طبیعی مبارزات وسیع صنفی ' سیاسی وطبقاتی و حفظ اصالت جنبش کارگری در لحظه اعتلای مجدد آنست .

م . کارگر

دنباله از صفحه ۱

تحریکات امپریالیسم امریکا . . .

امریکا نیز تهدیدات اخیر کیسینجر و جـرالد فورد با اعتراض و مخالفت وسیع مواجه شده است . سناتور ج. اسپارکمن معاون صدر کمیسیون سنای امریکا در مسائل خارجی با اشاره به اظهارات اخیر کیسینجرچنین یادآور میشود : «حتی فکر دخالت مسلحانه برای‌دریافت نفت و یا هر چیز دیـگر برای من تنفر آور است » .

نـگرانی اسپارکمن ونظایر او در امریکا ازنتایج تحریکات امپریالیسم امریکا علیه کشور های نفت خیز تصادفی نیست . آن جنـاح از هیئت حاکـمه ایالات متحده که با چشم باز ناظر وقایع زمان است بدرستی تشخیص میدهد که توطئه هـای امپریالیسم امریکا نه فقط به نتیجه نمیرسد بلـکه تنها میتواند به مشـکلات بیشتری برای همهٔ جهان سرمایه داری منتهی شود .

امروز در جهان نیروئی وجود ندارد که بتواند از استیفای حقوق ملی کشور های نفتخیز جلو گیری‌بعمل آورد . « پراودا » ارگان حزب کمونیست اتحادشوروی در رابطه با تهدیدات اخیر امپریالیسم امریکا نسبت به کشور های نفتخیز در حال رشد مینویسد : « سیاست لولهٔ توپ و ارعاب موفقیت آمیز نیست . تحـریکات امپریالیستی قادر به ترساندن ملل نمی باشد » .

ملل کشور هـای نفتخیز در حال رشد با اتخاذ تصمیمات قاطع و اعـتلاء مبارزات ضد امپریالیستی به توطئه های جدید امپریالیسم امریکا و کارتل بین المللی نفت پاسخ میدهند . حزب توده ایران که [illegible] افکار عمومی مردم ایـران است شدیداً علیـ[illegible]ـریکات امپریالیسم امریکا اعتراض میکند . حزب ما :

از مردم ایران دعوت میـکند که با تمام نیرو در برابر تهدیدات و سیاست امپریالیستی بپا خیزند . حزب ما از دولت ایرانـ میخواهد کـه نه با پاسخ های زبانی بلـکه عملا برای مقابله با این تحریکات در اتحاد با دیـگر کشور های نفتخیز و با اتکاء بخواست و عزم جزم مردم ایران اقدام نماید .

ضروری‌ترین پاسخی که از جانب ایران باید به تحریکات امپریالیسم و کارتل بین المللی نفت داده‌شود لغو قرار داد تحمیلی فروش نفت به کنسرسیوم و طرد آن از کشور ماست .

م . جهان

دنباله تظاهرات وسیع دانشجویان . . .

کشان سخن گفت .

شرکت کنندگان در میتینگ برای تظاهر در برابر هتل امپریال محل اقامت شاه در وین حـرکت کردند در میان راه چندین هزار اعلامیه پخش شد . در میان راه پلیس اتریش از ادامه تظاهرات جلوگیری کرد. در این موقع نماینده دانشجویان ایرانی سخنرانی کرد وسیاست ضد ملی وضددموکراتیك رژیم شاه را علیه مردم ایران وتمام خلق های خاور میان[illegible] نمود ومحـکوم‌ساخت میتینـگ‌وتظاهر بدینسان پایانـ [illegible]رفت.

درود بی پایان بخاطرهٔ تابناک همهٔ شهیدان جنبش رهائی بخش ایران

دورهٔ ششم | پانزدهم بهمن ۱۳۵۳ | شمارهٔ صد و بیست و هشتم

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

اوپک مبارزات خود را به سطح بالاتری ارتقاء میدهد !

گرد هم آئی وزرای خارجه ، نفت و دارائی ۱۳ دولت عضو اوپک در الجزایر از رویداد های مهم در زندگی ۱٤ ساله این سازمان بشمار میرود . این گرد هم آئی بدعوت دولت الجزایر صورت گرفت و مدت سه روز از چهارم تا ششم بهمن ادامه داشت . وزرای خارجه دول عضو اوپک برای نخستین بار در اجلاسیه این سازمان شرکت نمودند و این امر بدون شك نشانه ارتقاء مبارزات اوپك به سطح بالاتری است.

امپریالیسم امریکا و حامیان کارتل بین المللی نفت، کشور های نفتخیز در حال رشد را در برابر فشار های اقتصادی ، مالی و سیاسی گوناگون قرار داده و آنها را به دخالت مسلحانه تهدید میکنند . در این شرایط تحکیم همبستگی اعضاء اوپك ضروری است . اجلاسیه اوپك در آذر ماه در وین با درك همین واقعیت از پیشنهاد الجزایر دائر بر گرد هم آئی اعضاء اوپك

دنباله در صفحه ۲

از ارانـــی بیـــاموزیم



روز ۱٤ بهمن سال ۱۳۱۸ قلب ارانی ـ اندیشمند انقلابی و مبارز سخت کوش ـ از تپش باز ایستاد . تازیانه هائی که در دفاع علمی و انقلابی اش در دادگاه ۵۳ نفر ، بر پیکر رژیم ارتجاعی و استبدادی رضا شاه فرو کوفته بود ، دیکتاتور ایران را چندان سراسیمه کرد که قتل او را خواست ، و این جنایت فجیع بدست مختاری و پزشك احمدی ، میرغضب های حکومت بانجام رسید . روزی که پیکر بیجان دکتر تقی ارانی به مادرش تحویل شد ، جز اعضاء خانواده و محفل کوچکی از یارانش کسی از این جنایت آگاهی نیافت ، اما دو سال بعد که تخت رضا شاه بخواری سرنگون شد ، صد ها هزار نفر از مردم تهران ، آرامگاه ارانی را با گل پوشاندند و سوگند یاد نمودند که راه او را ادامه دهند . راه او ادامه یافت . پرچمی که با شهادت ارانی بر زمین افتاد ، بر زمین نماند ، بدست یاران همرزمش در زندان باز افراشته شد ، پرچم پیکار حزب توده ایران گردید ، دست بدست و نسل به نسل گشت و تا پیروزی نهائی علیه امپریالیسم و ارتجاع ، پرچم مبارزه زحمتکشان ایران خواهد بود .

آغاز فعالیت سیاسی ارانی در ایران همزمان با پیشروی فاشیسم در قلب اروپا بود . جو سیاسی جهان چندان امید بخش نمینمود . رضا شاه بسه بند و بست پنهانی با فاشیستهای هیتلری سرگرم بود و شبح دیکتاتوری بر فضای کشور سنگینی میکرد . ارانی که آموخته و پربار به وطن بازگشته بود ، در کنار زندگی علمی خود بمثابه یك دانشمند ، زندگی فعال انقلابی را آغاز نهاد . او با آگاهی کامل بوظایف ملی و انترناسیونالیستی خویش ، با اعتماد بنفس بیمانند ، با ارادهٔ پولادین و ایمان بی خدشه ، با حزم و درایت یك انقلابی گام بمیدان مبارزه گذارد . هدف او رسوخ در اندیشه ها ، جذب آنها به آموزش علمی مارکسیسم ـ لنینیسم ، تشکیل هسته های مخفی مبارزه و بالاخره ایجاد جنبش واقعی کمونیستی در ایران بود . او چه در دوران تحصیل در اروپا و فعالیت سیاسی در میان دانشجویان، و چه پس از بازگشت به ایران در کلاس درس و تماسهای فردی با شاگردان، دوستان و آشنایان خود پیوسته همین هدف را دنبال میکرد : تماس با مردم ، روشنگری و جلب آنها بمبارزه . او هرگز نگفت از یك تن چه کاری ساخته است ؟ او نشان داد که از یك تن حتی در دشوار ترین شرایط بسی کارها ساخته است . او بانتظار نماند تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند ، بلکه خود همان دست غیبی شد که در ظلمات دیکتاتوری دیگران را بحرکت درآورد.

برای ارانی همه جا عرصه نبرد بود : حتی زندان حتی دادگاه . با آنکه از همان آغاز با دستبند به سراغش آمدند ، در حین بازپرسی به قتل تهدیدش کردند، او را به سلول انفرادی تاریك ولخت ومرطوب انداختند ، دریافت پول و غذا را بر وی حرام کردند، حق ملاقات را از او گرفتند و بهنگام اعتصاب غذا شلاقش زدند ، ولی یك لحظه خم نشد ، استوار و پولادین برجای ماند . در دادگاه بی آنکه ذره ای در در بند جان خود باشد ، وظیفهٔ عالی دفاع جمعی را بر عهده گرفت و رژیم ارتجاعی را به کرسی اتهام نشاند. او خطاب به قضات فرمایشی دادگاه گفت: «اگر چه اینجا ظاهراً محکمه جنائی است ، ولی باطناً علاوه بر جلسهٔ درس ، یك میدان مبارزه اجتماعی است . . . در یکطرف آن قاضی و مدعی دولتی با هم و در طرف دیگر آن ما . هر یك مدافع منافع یکدسته مخصوصی میباشیم . کدام ما حق داریم ؟ تاریخ نشان خواهد داد ! »

زندگی و مبارزه ارانی درس است . باید آنرا آموخت . باید آنرا بکار بست .

دخالت تازه امپریالیسم امریکا در عمان و خلیج فارس

امپریالیسم تجاوزکار امریکا پایگاههای نظامی خود را در اقیانوس هند . دریای عمان و خلیج فارس توسعه میدهد و بساختن پایگاههای تازه ای در عمان و بحرین یعنی بترتیب در گلوگاه و قلب خلیج فارس سرگرم است و هم اکنون در جزیره مصیره نزدیك کناره عمان مشغول ساختن پایگاه تازه ای است . یك هیئت کارشناس نظامی امریکائی بزودی وارد عمان میشود تا چگونگی بکار بردن افزار های جنگی امریکا را بارتش مزدور سلطان قابوس بیاموزد و چون سرپوشی بر دخالت امریکا در عمان و در واقع اشغال این کشور بکار برد . هنگامیکه انگلستان خلیج را «تخلیه کرد» و «خلائی» بوجود آمد ، قرار بین امریکا و انگلیس این بود که عمان را انگلستان نگهداری کند و امریکا مسئولیت حفظ منافع هر دو امپریالیسم را در خلیج بعهده گیرد . نقشه امریکا این بود که یك اتحاد نظامی از کشورهای ارتجاعی خلیج که استخوان بندی آنرا ایران ، عربستان سعودی و عمان تشکیل دهند ، بوجود آورد ، در عین حال بی سر وصدا پایگاه های متروك انگلستان را در اختیار گیرد و پایگاههای

دنباله در صفحه ۲

رفیق صمد حکیمی عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران درگذشت



با نهایت تأسف رفیق گرامی ما صمد حکیمی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران روز ۲٦ دیماه ۱۳۵۳ در سن هفتاد و نه سالگی پس از یکدوره طولانی بیماری درگذشت . رفیق صمد حکیمی یکی از فرزندان شایسته طبقه کارگر ایران بود که در راه دفاع از زحمتکشان ایران قدم بمیدان مبارزه گذاشت و در این راه زندان و تبعیدهای مکرر را با استواری و وفاداری به حزب و طبقه کارگر ایران تحمل نمود . در دوران حکومت رضا شاه دو سال زندانی شد و پس از آن تا شهریور ۱۳۲۰ در تبعید بسر برد . پس از تشکیل حزب توده ایران به صفوف حزب پیوست و بمقام پر مسئولیت و پر افتخار عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران نائل شد . رفیق حکیمی علاوه بر آنکه کراراً ماهها زندانی گردید ، بار دیگر در سال ۱۳۲۷ که حکومت ارتجاعی ایران حزب توده ایران را غیر قانونی اعلام نمود ، با گروهی از رهبران حزب زندانی گردید و در سال ۱۳۲۹ همراه با سایر اعضای کمیته مرکزی که زندانی بودند بوسیله حزب از زندان فرار داده شد و از آن پس مخفیانه بفعالیت خود در حزب ادامه داد ، تا سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد ناچار بمهاجرت گردید . رفیق حکیمی تا پایان عمر خود به

دنباله در صفحه ۲

توسعه اعتصابات کارگری پدیده‌ای قانونمند و اجتناب ناپذیر است

اواخر شهریور نماینده سندیکای رسمی کارگران چیت سازی ری خواستهای کارگران را در جلسه ماهانه کمیته صنایع نساجی استان مرکز وابسته به « حزب ایران نوین » مطرح نمود. «هم‌مسلك» قدیمی اطلاع داد که وعده هائی که به توصیه مقامات حزب بوسیله او بکارگران داده شده و گفته میشود بدون اعتصاب خواستهایشان برآورده خواهد شد دیگر کارگران را قانع نمیکند . قدیمی متذکر شد که کارگران از نظر کمی دستمزد ، شرایط سخت کار ، بیمه و مسکن در چنان وضعی قرار دارند که با هیچ وعده ای نمیتوان انجام این خواستها را به تأخیر انداخت .

مسئولین «حزب ایران نوین» که بنا حق و با تکیه به تسلط رژیم پلیسی خود را به سندیکاهای ثبت شده کارگری تحمیل کرده اند، حتی اخطار نمایندهٔ خود را در سندیکای کارگران چیت سازی ری مورد توجه قرار ندادند . آنها نه فقط کوچکترین اقدامی برای اجرای خواستهای کارگران بعمل نیاوردند ، بلکه علناً به تهدید کارگران پرداختند . این امر موجب شد اکثریت قاطع کارگران از خروج سندیکای خود از سازمان کارگران وابسته به «حزب ایران نوین» جانبداری کنند و برای اجرای خواستهایشان تدارك و برگزاری اعتصاب را مورد توجه قرار دهند .

بر اساس خواست کارگران به وزارت کار اطلاع داده شد که کارگران بیش از این قادر به تحمل وضع موجود نیستند و در صورت ادامه عدم توجه به وضع خویش غیر از اعتصاب راه دیگری ندارند . همچنین خروج سندیکای کارگران چیت سازی ری از سازمان کارگران وابسته به «حزب ایران نوین» رسماً اعلام شد.

اعلام خبر اخیر، حزب دیگر دولتی یعنی «حزب مردم» را بر آن داشت که سندیکای کارگران چیت سازی را وابسته به خود اعلام نماید . اما این خبر جعل حتی از جانب «حزب ایران نوین» تکذیب شد . ۲٤ آذر ماه روزنامه «ندای ایران نوین» اطلاع داد که

دنباله در صفحه ۲

بیست و نهمین سالگرد قیام خلق کرد

دوم بهمن ماه ، ۲۹ سال از قیام خلق کرد و تشکیل حکومت ملی کردستان میگذرد . در سال ۱۳۲٤ بر پایه قطعنامهٔ میتینگ ۲۰ هزار نفری که برهبری فرقهٔ دمکرات کردستان در مهاباد تشکیل شد هیئت ملی موقت کردستان انتخاب گردید . این هیئت مجلس مؤسسان را تشکیل داد و بنا به تصمیم مجلس مؤسسان ، حکومت ملی کردستان که در رأس آن قاضی محمد صدر فرقه دمکرات کردستان قرار داشت بوجود آمد . با این اقدام خلق کرد که طی سالهای دیکتاتوری رضا شاه در معرض ستمگریهای وحشیانه ارتجاع قرار گرفته بود امکان یافت زندگی نوینی را پی ریزی کند .

حکومت ملی کردستان در دوران کوتاه حیات خود برای تحقق خواستهای دمکراتیك خلق کرد گام های مهمی برداشت: فرهنگ خلق بوجود آمد، مدارس، کانونهای علمی ، خانه های فرهنگ تأسیس یافت . امکان تحصیل بزبان مادری برای فرزندان خلق کرد پدید آمد، ایستگاه رادیو، کارخانه های برق، خطوط تلگراف و تلفن دایر گردید .

برهبری فرقه دمکرات کردستان نفاق موجود بین طوایف مختلف کرد ، که بدست ارتجاع و امپریالیسم دامن زده میشد، از میان برخاست . روابط دوستی و برادری میان خلقهای کرد و آذربایجان و همه مردم ایران استوار شد .

رژیم ایران و در رأس آن شاه ، پایمال کنندهٔ حقوق دمکراتیك خلقهای ایران که اینك بمنظور تفتین و تفرقه اندازی در جنبش ضدامپریا

دنباله در صفحه ۲

دنبالهٔ درگذشت رفیق صمد حکیمی

اندیشه های حزب توده ایران و پرچم انترناسیونالیسم پرولتری وفادار ماند.

رفیق حکیمی از یك خانوادهٔ کارگری برخاست و در رشته راه آهن بدرجه تخصص لوکوموتیو رانی رسید و در راه آهن ایران تا روزی که به خدمت او خاتمه دادند به لوکوموتیو رانی و تعلیم آن مشغول بود. رفیق حکیمی علاوه بر عضویت دررهبری حزب توده ایران نقش مؤثری در سازمان دادن اتحادیه های کارگری در راه آهن ایران ایفا کرد. صفات بارز توده ای و خصائل خلقی حکیمی که خونسردی و فروتنی در عین استحکام و استواری از مظاهر آن بود، احترام و علاقه تمام دوستان و همرزمانش را بسوی او جلب مینمود. زندگی رفیق حکیمی نمونه پر ارزشی از پیگیری در مبارزه برای دفاع از منافع زحمتکشان، از استقلال و آزادی تمام خلقهای ایران و وفاداری به آرمانهای والای طبقه کارگر بود.

بی شك فقدان رفیق حکیمی برای همهٔ رفقای حزبی او، خانواده و آشنایانش ضایعهٔ بزرگی است. گرچه این رفیق عزیز دیگر در میان ما نیست، اما خاطره گرانبهای او برای همیشه درتاریخ مبارزات حزب توده ایران پایدار خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت رفیق صمد حکیمی را بتمام اعضای خانوادهٔ او واعضای حزب توده ایران از صمیم قلب تسلیت میگوید.

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

دنبالهٔ مبارزات اوپك

در سطح وزیران خارجه و نفت استقبال نمود.

اعضاء اوپك در الجزائر بجا و بموقع تهدید دخالت مسلحانهٔ ایالات متحدهٔ امریکا در کشور های نفتخیز عربی را تقبیح کردند. آنان ایراد فشاراقتصادی و سیاسی واشنگتن به ونزوئلا و اکوادور را مذموم شمردند. گرد هم آئی الجزائر بهانه جوئیهای دول امپریالیستی در انداختن گناه تورم به گردن کشورهای نفت خیز را افشا ساخت. درعین حال اوپك ازسیاست واقع بینانه‌ای جانبداری نمود که هدف آن مذاکرات برابر حقوق تولید و مصرف کنندگان نفت و حل‌عادلانهٔ خواستهای کشور های صادر کننده مواد خام باشد.

مبارزه ملل کشور های نفتخیز در مرحله ایست که لازم است تحکیم همبستگی دول عضو، سیاست هماهنگ و اتحاد عمل آنان پشتوانه استیفای کامل حقوق ملی در نفت قرار گیرد. گرد هم آئی الجزایر به این واقعیت توجه نمود و بدین منظور اجتماع‌سران دول عضو اوپك را ضروری تشخیص داد. بنا بدعوت دولت الجزایر قرار است این اجتماع در فاصله ۲ تا ۱۷ اسفند ماه درپایتخت جمهوری الجزایر برگزارشود. کار [illegible] کنفرانس سران کشور های عضو اوپك که وظیفه [illegible]رد مبارزه بخاطر استیفای حقوق ملی در نفت‌را به سطح مؤثر تر و قاطعتری ارتقاء دهد هم اکنون آغاز شده است.

اوپك و هر یك از اعضاء آن مبارزات دشواری در پیش دارند. طرد تسلط کارتل و اتحادیه های‌غارت گر نفتی آن نظیر کنسرسیوم در ایران و همچنین‌وادار ساختن دول امپریالیستی بقبول اصل برابری در بازرگانی جهانی نفت کاری است محتاج مبارزات قاطع و نیازمند همبستگی و اتحاد عمل صادقانه دول عضو اوپك. در این رهگذر نمیتوان این واقعیت را نادیده گرفت که دولت ایران، چنانکه مردم ایران انتظار داشتند از گرد هم‌آئی اعضاء اوپك در الجزایر استقبال بعمل‌نیاورد. سران رژیم از اعزام وزیر خارجه به الجزایرطفره رفتند. ریاست هیئت نمایندگی ایران را جمشید آموزگار بعهده داشت که گرچه بدستور کارتل و سیا (CIA) حل مسائل نفت ایران در «تیول» اوست، لیکن قانوناً در نفت مسئولیت مستقیم ندارد. سران رژیم با طفره رفتن از اعزام وزیر خارجه به الجزایر بار دیگر نشان دادند که آنها در شرایط کنونی نیز در موضع تز ضد ملی سابق خود باقیمانده اند که میگوید «نفت صرفاً یك مسئله اقتصادی است.»

جانبداری از این تز منحط در گذشته زیان جبران ناپذیر به منافع ایران و همه کشور های نفت خیز وارد ساخته است. در شرایط کنونی تهدید دخالت مسلحانه و فشار های شدید سیاسی و اقتصادی امپریالیسم امریکا و حامیان کارتل، ایستادگی درموضع گذشته نتایج بمراتب زیان بار تری خواهد داشت. بدون ارتقاء مبارزات اوپك به سطح همبستگی همه جانبه و اقدامات قاطع کلیه دول عضو، راه دیگری برای تثبیت پیروزیهای بدست آمده و نیل به استیفای کامل حقوق ملی در نفت وجود ندارد.

در تهران اعلام شده است که زمامداران‌ایران در اجتماع سران اوپك شرکت خواهند کرد. مردم ایران نمیخواهند این شرکت بمنظور کارشکنی ازداخل و بازداشتن اوپك از مبارزات قاطع علیه امپریالیسم و انحصارات غارتگر عمده نفت صورت گیرد. خواست مردم اینست که زمامداران ایران با قبول این واقعیت که مسئله نفت ـ مسئله رهائی از تسلط امپریالیسم و احیاء استقلال ملی است، در اجتماع الجزایر شرکت کنند. هر نوع عدول از این موضع از نظر مردم ایران محکوم است و با اعتراض همگانی مواجه خواهد بود.

م. جهان

دنبالهٔ توسعه اعتصابات کارگری

«خبر روزنامه «مردم» دائر به اینکه کارگران کارخانه چیت سازی به «حزب مردم» پیوسته‌اند درست نیست».

چنانکه دیده میشود احزاب دولتی بجای آنکه به اجرای خواستهای کارگران توجه نمایند بر سر پیوستن و عدم پیوستن سندیکای کارگران بین خود به جدال پرداختند. این واقعیت نیز بنوبه خود توده کارگران را بیدار تر ساخت و حفظ استقلال سندیکا و تکیه به نیروی مبارزات مستقل صنفی بیشتر مورد توجه کارگران قرار گرفت. حتی آن‌دسته از کارگران که قبلا اعتصاب را نمی پذیرفتند بدرستی معتقد شدند که جز اعتصاب راه دیگری برای اجرای خواستهای آنان وجود ندارد و «مراحم ملوکانه» و وعده های احزاب دولتی سرابی بیش نیست.

مقدمات اعتصاب کارگران کارخانه چیت سازی ری بدینشکل فراهم آمد. برگزاری این اعتصاب پس از طی کلیه مراحل قانونی به پیشنهاد عده ای از کارگران به روزهای برگزاری جشن «ششم بهمن» موکول گردید. برخی از کارگران معتقد بودند دولت بخاطر بزرگداشت «انقلاب شاه و مردم» اعتصاب را برسمیت خواهد شناخت و از اجرای خواستهای کارگران جانب داری خواهدنمود. لیکن متولیان «امامزاده دروغین» علم و کتلی را که خود برپا داشته‌اند از احترام انداختند.

دولت بمحض اطلاع ازاعتصاب با برخوردشدید پلیسی به استقبال کارگران رفت. در همان اولین روزهای اعتصاب نمایندگان کارگران در سندیکای قانوناً ثبت شده و تعدادی از کارگران بعنوان محرك‌اعتصاب دستگیر و توقیف شدند. دولت میخواست با این‌ضربه قبل از آنکه اعتصاب توسعه یابد آنرا پایان دهد. لیکن‌مقاومت جمعی کارگران مانع ازاجرای نقشه‌پلیسی گردید. در عین حال خبر آغاز اعتصاب در کارخانه بسته بندی مواد غذائی ارتش مانع از اجرای کامل‌توطئه دولت علیه کارگران کارخانه چیت سازی گردید.

در مقابله با اعتصاب کارگران کارخانه تهیه مواد غذائی ارتش، مقامات نظامی تخریب ماشینها را که بوسیله عوامل پلیس صورت گرفته بهانه قرار داده و به تیراندازی به اجتماع کارگران مبادرت کرده‌اند. در جریان این هجوم تعدادی از کارگران شدیداً زخمی شده‌اند. در برابر اعتراض ونگرانی مردم ازمقابله مسلحانه با اعتصاب مقامات دولتی مدعی هستند که گویا تقصیر با کارگران است که به تخریب ماشینها و اقدامات افراطی دست زده اند. لیکن این ادعا از پایه دروغ است. کارگران کارخانه های ارتش نیز مانند دیگر کارگران ایران میدانند که جنبش کارگری ایران مدتهاست دورانی از رشد را که کارگران بعلت عدم آگاهی به تخریب ماشینها و ابزار وآلات کار اقدام میکردند پشت سر گذاشته است. اعمال خشونت دولت در مورد کارگران این کارخانه دلیل دیگری دارد. این برخورد وحشیانه از ترس نفوذ افکار مترقی در میان کارگران و رسوخ اعتصاب به کارخانه های مربوط باموارتش ناشی میشود.

نکته مهمی که در خاتمه باید خاطر نشان شود اینست که از عدم شناسائی اعتصاب قانونی کارگران کارخانه چیت سازی ری و سرکوب مسلحانه اعتصاب کارگران کارخانه مواد غذائی نتیجه مورد نظر مقامات دولت بدست نیامده است. برخلاف گذشته، روش دولت در قبال اعتصابات اخیر موجب هیجان کارگران شده و نه ترس و تزلزل روحی درمیان آنها.

عللی که کارد را به استخوان کارگران رسانده و کار را به آغاز و توسعه اعتصابات پی در پی وزنجیری میکشاند اکنون بیش از آن‌قوی است که بتوان با توسل بزور و خدعه از مبارزات کارگران جلوگیری نمود. کارگران ایران با اعتماد به پیروزی بمنظور افزایش بدون تأخیر دستمزد ها، بهبود شرایط کار و بیمه و مسکن و شناسائی بدون قید و شرط آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای مبارزات خود را توسعه میدهند.

م. کارگر

دنبالهٔ دخالت تازهٔ امپریالیسم امریکا

تازه‌ای مستقلا یا با شرکت قدرتهای محلی و در درجه اول ایران بوجود آورد. اتحادیه نظامی بدلائلی که اینجا مجال ذکر آنها نیست تاکنون سر نگرفته، اما پادگانهای نظامی‌امریکا بسرعت درحال توسعه وافزایش است. انگلستان که «حفاظت» عمان را بعهده گرفته بود، بعلت بحران‌مالی واقتصادی، دیگر قادربه‌پرداخت هزینه‌های ارتشی در جنگ علیه خلق عمان نیست و قبول کرده است که جای خود را تسلیم امریکا کند. تحویل پایگاه «مصیره» بامریکا وآمدورفت جاسوسان «سیا» از جمله رئیس کنونی این سازمان «کلبی» و «هلمز» رئیس پیشین سیا و سفیر کنونی امریکادر ایران بعمان وهمچنین آمدن کارشناسان نظامی امریکا، گواه این تحویل و تحول است. اکنون جنبش خلق عمان با نیروهای مزدور قابوس، ارتش اعزامی ایران، نیروهای امریکا و انگلیس روبرواست و بخوبی میتوان بمبارزه قهرمانانه ودشوار جبهه آزادی عمان و باهمیت کمك بخلق عمان پی برد. امریکا در همانحال که در سرتاسر اقیانوس هند از افریقای جنوبی گرفته تا بحرین و از سوی دیگر تا استرالیا همه‌جا بتحکیم و توسعه موقعیت نظامی خود و دادن مانورهای دریائی مشغول است، کوشش دارد باین اقدامات نظامی که خلقهای منطقه را تهدید میکند، صورت علنی و «قانونی» بدهد. باین دلیل است که برای دخالت در عمان همان توجیهی را که شاه برای اعزام نیرو باین کشور بکاربرد، مورد استفاده قرار میدهد و بعنوان اجابت «دعوت» سلطان قابوس و «یاری به عمان در مقابل کمونیستها»، تجاوز و دخالت آشکار خودرا توجیه میکند.

در این باره روزنامه «دی ولت» مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۷۵ منتشره در آلمان فدرال از بیروت خبر داد که امریکا، بی‌سرو صدا مقدمات حضور علنی‌نظامی خود را در خلیج فارس فراهم میکند، واحتمالا ازآن برای دخالت یعنی دخالتی که «فورد» و «کیسینجر» اعلام کردند، علیه کشورهای نفت خیز منطقه، استفاده خواهد کرد. این روزنامه اضافه میکند که. «چند هفته پیش رئیس «سیا» کلبی و سلف او «هلمز» از سلطان نشین عمان دیدن کردند، با ارتش ایران سر و کله نخستین آموزندگان افزارهای جنگی‌امریکائی در عمان پدیدار شد و با تحویل مستقیم سلاحهای امریکائی بعمان‌شماره آنهابتدریج‌فزونی خواهد‌گرفت.»

هدف امپریالیسم از این اقدامات تهدید‌خلقهای تمام منطقه، تهدید کشورهای عربی صادر کننده نفت، همکاری باارتجاع محلی برای‌سرکوب‌جنبشهای‌استعماری و ضد ارتجاعی و سقوط رژیمهای مترقی و حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیستها در چهار چوب استراتژی جهانی آنهاست. در همه این توطئه ها شاه ایران بعنوان‌ژاندارم درجه‌یك‌منطقه باامپریالیسم‌همکاری کامل دارد. این معنا را شاه در اکتبر ۱۹۶۹ هنگام توقف در واشنگتن در ضیافت کاخ سفید خطاب‌برئیس جمهور امریکا چنین بیان کرد: «من بشما اطمینان میدهم که در کلیه امور از تفاهم و حمایت کشور من برخوردارهستید.» انصافاً بایدگفت در این مورد شاه بسخن خودوفادار مانده‌است! اما در برابر این توطئه‌ها وتهدید ها، خلقهای منطقه و رژیمهای مترقی با استفاده از تغییر تناسب قوا بسود صلح و سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم، بمبارزه ضد امپریالیستی خودادامه میدهند. تهدیدهای رئیس جمهور امریکا و وزیر خارجه‌اش‌باشغال کشورهای صادر کننده نفت حتی در کشور کوچکی چون کویت تاکنون مؤثر نیفتاده و خلقهای این‌منطقه متقابلا در برابر این تجاوز جدید امپریالیسم بحاکمیت وآزادی خود متحد و مجهز میشوند. ضربات کوبنده و سنگینی که در ماههای اخیر به‌ارتش ارتجاعی‌قابوس و نیروهای مداخله‌گر شاه از جانب رزمندگان ظفار وارد شده پاسخ دندان شکنی باین تهدیدات وتدابیر امپریالیستی و ارتجاعی است.

ا. گویا

دنبالهٔ قیام خلق کرد

لیستی در کشور همسایهٔ ما عراق و برای جلوگیری از نیل خلق کرد عراق به خود مختاری اشك تمساح می ریزد و سالوسانه از«کردهای آریائی نژاد و ایرانیان آنسوی مرز» دم میزند در ۲۸ سال پیش پیمان‌شکنانه و به پشتیبانی امپریالیست های امریکا و انگلیس به کردستان یورش برد و جنبش ملی و دمکراتیك خلق کرد را در خون غرق ساخت.

حزب توده ایران که با پیگیری علیه کلیه مظاهر ستم ملی و برای برابری کامل حقوق همهٔ خلق های ایران مبارزه میکندبر آنست که اتحاد زحمتکشان خلقهای ایران زیر درفش حزب واحد طبقه کارگر شرط ضرور کامیابی در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، برای سرنگونی رژیم سلطنتی ضد ملی و ضد دمکراتیك ایران و برای تحقق آرمانهای ملی و دمکراتیك خلق کرد و همهٔ خلقهای ایرانست.

ح. فروزدین

روزنامه اومانیته، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه رژیم شاه را افشاء میکند

روزنامه اومانیته در شماره ٤ ژانویه ۱۹۷۵ خود زیر عنوان «شاه مبالغ هنگفتی صرف خرید سلاحهای امریکائی میکند» چنین مینویسد:

بلند پروازی شاه ایران، عطش‌او (ببرکت پنتاگون) برای سلاحهای امریکائی چنان بالا گرفته است که حتی در ایالات متحدهٔ امریکا از آن ابراز نگرانی میکنند.

ژاندارم خلیج فارس (منبع عمده نفت ژاپن و اروپا) طی دو سال به ایالات متحده تسلیحاتی بمبلغ ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار (رقم صحیح ٦ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاراست) سفارش داده است.

برای استفاده از این سلاحهای مافوق مدرن ٦۱۰ کارشناس امریکائی در ایران بسر می برند. کلارنس لونگ نماینده پارلمان ایالات متحده ضمن نامه ای خطاب به جرالد فورد در باره فروش سلاحهائی که‌قرار است طبق یك قرارداد محرمانه میان نیکسون و شاه به ایران فروخته شود ابراز نگرانی کرده است.

وی مینویسد که تعهدات کاخ سفید «بزیان دفاع ملی امریکا است و خطر آنرا دارد که در منطقه مهمی که منبع نفت است تعادل نظامی را بضرر صلح از میان بردارد». شاه هم اکنون آزمایش سلاحهای مافوق مدرن امریکائی را علیه نیرو های رهائی بخش عمان آغاز کرده است.

توپهای دور زن و موشکهای زمین به هوا و هواپیما هائی که از امریکا خریداری نموده است به شورشیان کرد کمك میکند تا علیه رژیم عراق بجنگند و طبق اظهارات ملا بارزانی منابع ملی شده نفت را مجدداً در اختیار کمپانیهای نفت امریکا قرار دهند.

عبیداله بارزانی فرزند ملا مصطفی بارزانی که وزیر مشاور دولت بغداد است، روز پنجشنبه ضمن مصاحبه با خبرگزاری رویتر مداخله نظامی ایران را در اراضی عراق اقرار کرده و اظهار داشته است که «هر کس این منطقه را می شناسد میداند که ایران نمیخواهد که کرد های عراق یا ایران استقلال خودرا بدست آورند».

شاه که در این منطقه از رژیمهای ارتجاعی حمایت میکند برای صلح جهان نقش خطرناکی بازی میکند.

* * *

روزنامهٔ اومانیته در شماره ۹ ژانویه ۱۹۷۵ خود زیر عنوان «نویسندگان فرانسه آزادی روشنفکران زندانی ایران را می طلبند» مینویسد:

در اظهاریه ای که از طرف عدهٔ کثیری از نویسندگان فرانسه امضا شده است چنین گفته میشود: «ماههاست که اخبار دهشت زائی از ایران میرسد. پس از اعدام خسرو گلسرخی شاعر و کرامت اله دانشیان کارگردان سینما، فشار علیه روشنفکران در ایران افزایش یافته است. اخیراً فریدون تنکابنی‌شاعر و غلامحسین ساعدی نویسنده بترتیب به ۲ و ۱۳ سال زندان محکوم شده اند. نویسندگان دیگری ماههاست که درسلولهای زندان ساواك بسر میبرند. اکثر آنها بی آنکه علت گرفتاری خود را بدانند مورد شکنجه و خودسریهای زندانبانان قرار میگیرند. سانسور مطبوعات و منع دائمی انتشارات مستقل، یکی دیگر از وجوه سیاست پایمال کردن آزادیهاست که دولت ایران آنرا اجرا میکند.

نویسندگان فرانسه ـ امضاء کنندگان اظهاریه ـ همبستگی خود را با همکاران ایرانی خود اعلام داشته، اعمال فشار علیه آنها را محکوم میکنند و آزادی روشنفکران زندانی را میطلبند.»

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

مردم این جنایات را از یاد نخواهند برد

شاه هنگام اقامت اخیرش در «سن موریتس» برای تفریحات زمستانی، بار دیگر در مسئله شکنجه زندانیان سیاسی، مورد سئوال خبرنگاران خارجی قرار گرفت. خبرنگاری از او پرسید که نظرش در باره نوشته های هفته نامه «سندی تایمز» مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۷۵ که بطورعمده براساس مشاهدات واطلاعات دووکیل دادگستری فرانسه انتشار یافته و وجود شکنجه را در ایران تأیید میکند چیست؟ و شاه در جواب گفت: قضیه صحت ندارد و وجود شکنجه را انکار کرد. اما واقعیت چیست؟ سال ۱۹۷۲ انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات که یك سازمان غیر سیاسی است، دو وکیل فرانسوی بنامهای نوری البالا و هانری لیبرتالیس را برای بررسی وضع زندانیان سیاسی بایران اعزام داشت. این دو نفر در دادگاه نظامی که گروه مهندس مسعود احمد زاده را، باصطلاح محاکمه میکرد شرکت نمودند، با برخی از زندانیان سیاسی و یا با خانواده های آنان ارتباط گرفتند و سپس بر اساس مشاهدات و اطلاعات دقیق و دست اول خود برای آگاهی جهانیان از آنچه در ایران میگذرد مصاحبه هائی ترتیب دادند ومقالاتی منتشر نمودند. اکنون هفته نامه «سندی تایمز» بر اساس اطلاعات این دو ناظر فرانسوی و یك تحقیقات دو ساله از زندانیان، افراد و سازمانهای بین المللی مقاله ای در باره وجود شکنجه در ایران انتشار داده است. «سندی تایمز» نوشته است که شکنجه های رایج در شکنجه خانه های ایران عبارتست از شلاق سیمی، کشیدن ناخنها، شوك برقی، استعمال بطری شکسته و نیز شکنجه‌های روحی و از جمله رفتار وحشیانه با بستگان متهم وبویژه کودکان او در برابر چشمانش. در مورد اخیر یکی از زندانیان گفته است: «. . . این صحنه چنان غیرقابل تحمل بود که آرزو میکردم چاقوئی داشتم و پسرم را میکشتم تا آنقدر عذاب نکشد.» برخی از زندانیان سیاسی گفته‌اند که برای ترساندن آنان، تمام‌تشریفات اعدام را تا لحظهٔ قبل از «آتش» در باره شان اجرا کرده اند. تا اینجا مطالبی است که نه فقط «سندی تایمز» نوشته است، بلکه بسیاری از متهمان سیاسی در دادگاههای نظامی، شکنجه های وحشیانه ساواك را افشاء نموده و نمایندگان اعزامی سازمانهای مختلف جهانی و خبرنگاران خارجی که فشار افکار عمومی‌جهان آنانرا به دادگاههای نظامی تحمیل کرد، بارها بتفصیل درباره آنچه در زندانهای ایران میگذرد گفته اند و نوشته اند. حالا شاه با چه روئی این وحشیگریهای مأموران خود را تکذیب میکند؟ اگر افکار عمومی جهان فریب این دروغهای شاهانه را میخورد که یکبار پاسخ اعلیحضرت کافی بود. علت آنکه شاه در هر مسافرت و در هر مصاحبه از طرف خبر نگاران‌خارجی سئوال پیچ میشود، آنست که باین دروغها کسی‌باور نمیکند. در گزارش ناظران فرانسوی آلبالا و لیبرتالیس از اختراع جدید ساواك یاد شده است که مطمئناً «حق ثبتش» ازآن جاسوسان امریکائی واسرائیلی مشاوران ساواك است، و آن وجود یك نوع اجاق‌برقی است برای سوزاندن متهم و گرفتن اقرار از او. متهم را با تسمه بر روی صفحهٔ این اجاق که پوشیده ازسیم های برق است می بندند و سپس آنرا به برق وصل میکنند تا خوب سرخ و گداخته شود. آنوقت است که بوی گوشت کباب شدهٔ بدن متهم، فضا را پر میکند. بسیاری از زندانیان قدیمی شهادت داده اند

دنباله در ۲

دربارهٔ مناسبات ایران و عراق

حوادث ناگواری که در ماههای اخیر در مرز های ایران وعراق میگذرد، بحق مایه نگرانی خلقهای ایران و عراق و خطر تازه ای برای برقراری صلح و آرامش در منطقه خاور میانه گردیده است. وقایع دو سال اخیر نمودار این واقعیت است که اختلافات بین دو کشور همجوار نه تنها مرتفع نشده، بلکه دامنه برخورد های شدید مسلح در مرزهای زمینی بویژه در مجاورت مرزهای ایران با عراق در منطقه کردستان شدت یافته و روابط دو کشور بوخامت بیسابقه‌ای گرائیده است. نیروهای مسلح ایران در ماههای اخیر با توپخانه سنگین و دور زن مکرر مواضع مقدم نیرو های عراق را در جبهه کردستان عراق زیر آتش گرفته ودر روزهای ۱۴ و ۱۵ دسامبر اخیر با موشك‌های‌دوررو دوهواپیمای‌عراقی را درخاك عراق سرنگون ساخته‌اند. ارسال اسلحه ومهمات واعزام کارشناس نظامی‌ومأموران ساواك از مرزهای باز عراق در کردستان برای کمك بارتجاع کرد که در تنگنا افتاده چه از لحاظ کیفیت وچه از نظر کمیت فزونی بیسابقه‌ای یافته و فشار ارتش ایران درطول مرز های دوکشور بجمهوری عراق که در یك جنگ سخت داخلی درگیر است، تشدید شده است. بطوریکه منابع خارجی اطلاع میدهند ارتش ایران در پاره‌ای از نقاط چندین کیلومتر در خاك‌عراق پیشروی کرده و عملا قسمتی از خاك این کشور را اشغال نموده است.

حکومت ایران علیرغم اعلام آمادگی خود در حرف برای حل اختلافات از طریق مذاکره، در عمل برخلاف منشور ملل متحد، حقوق بین‌المللی و اصول همزیستی مسالمت آمیز، بتحریك و تجاوز ودخالت در امور داخلی جمهوری عراق ادامه میدهد. واقعاً هدف از این اقدامات خصمانه علیه جمهوری عراق چیست؟ چرا دولت ایران در زمان حکومت نوری سعید عامل سرشناس امپریالیسم انگلیس و در آن هنگام که ایران عضو پیمان نظامی بغداد میشد سخنی از اختلافات مرزی در میان نیاورد و روابط رژیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد با عراق تا سال ۱۹۵۸ که رژیم دست نشانده سلطنتی‌خانواده هاشمی بدست مردم‌عراق سرنگون وبه‌جمهوری تبدیل گردید، دوستانه‌وصمیمانه بود؟ چرا حکومت‌ایران درست هنگامیکه ارتش‌عراق علیه صهیونیسم و امپریالیسم امریکا در جبهه جنگ اسرائیل مستقر شده بود بفکر حل مسئله شط العرب از راه قهر آمیز افتاد و نیروهای خود را در مرزهای عراق مستقر و این دولت را ناچار کرد که قوای خود را از جبهه جنگ بداخل کشور باز خواند؟ چه شد که حکومت ایران که کمترین حق ملی برای میلیونها کرد درایران قائل نیست، یکباره به‌پشتیبانی کردهای عراق برخاست وهر روز به‌جنگ داخلی عراق دامن زد؟

پاسخ این پرسش ها را باید در سیاست‌ارتجاعی دولت ایران که بر همکاری با امپریالیسم مبتنی است جستجو نمود. شاه ایران ازسقوط رژیم سلطنتی درعراق، ازخروج عراق ازپیمان بغداد، ازسیاست ضدامپریالیستی حکومت فعلی عراق، از ملی کردن واقعی صنایع‌نفت در این کشور، از برقراری روابط دوستانه عراق‌باکشور های سوسیالیستی، از قرارداد دوستی بین اتحاد شوروی و عراق، از شناسائی خلق کرد و حقوق آن در عراق بعنوان یك ملت در واحد جغرافیائی عراق، ازتشکیل جبهه واحد با شرکت حزب کمونیست عراق، آوردن چند وزیر کمونیست در دولت و از روش اقتصادی حکومت عراق که سمتگیری غیر سرمایه داری دارد، بسیار عصبانی و نگران است. نه تنها شاه بلکه امپریالیست ها و بطور کلی ارتجاع منطقه از وضع‌عراق ناخشنود و خشمناك هستند. آنها دست بدست‌هم داده باتمام نیروکوشش میکنند تااین حکومت را براندازند و آب رفته را بجوی‌بازآرند. باین دلیل‌است که دولت ایران با وجود توصیه‌های شورای‌امنیت‌سازمان ملل‌متحد ووساطت کشورهای دیگر منطقه‌هیچوقت حاضر نشده است که بطور جدی از تحریکات و اقدامات تجاوز کارانه خود دست بردارد و مسائل مورد اختلاف را با حسن نیت از راه مذاکره حل کند.

☆ ☆ ☆

حزب توده ایران از همان آغاز بروز اختلافات و حوادث خصمانه ای که بین طرفین رخ داد، صرفنظر ازماهیت و عیار دعاوی طرفین جانب دار جدی حل مسالمت آمیز آنها بود واکنون نیز چنین راهی را تنها راه حلی میداند که بسود خلقهای ایران وعراق و برقراری صلح و آرامش در منطقه است.

حزب‌ماااقدامات‌تجاوز کارانه وتحریکات‌حکومت ایرانرا نسبت به جمهوری عراق بشدت محکوم میکند و خواستار آنست که باین اقدامات هرچه زودتر پایان داده شود.

حزب ما جانبدار روابطدوستی خلقهای دوکشور که دارای هدفهای‌مشترك ضدامپریالیستی وترقیخواهانه هستند، بوده وهمواره کامیابی مردم عراق را درساختمان یك جامعه پیشرو و مستقل آرزو کرده است.

یادی از دو شهادت

روز ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۲ جوانان انقلابی و و رزمجو خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان، بفرمان جلاد ایران تیرباران شدند. گناه آنها مردم دوستی، عشق به میهن، مخالفت با استعمار و نو استعمار، مبارزه با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك و پیکار در راه ایرانی آزاد و فارغ از استثمار بود. آنها تاآخرین لحظه برسرآرمان های خود وفادار ماندند و «عفو» شاه جلاد را نخواستند. حزب ما نخستین سازمانی بود که خسرو گلسرخی و نیز هوشنگ تیزابی قهرمان‌را بمثابه دو متفکر انقلابی که اندیشه و قلم خود را در خدمت مبارزات مردم قرار دادند شناساند و از آنان تجلیل درخورد نمود.

سالگرد شهادت گلسرخی و دانشیان‌فرصتی است تا مبارزه و پایداری جوانانی نظیر هوشنگ تیزابی، خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان سرمشق قرار گیرد و پیمانها استوار تر گردد.

در زیر قطعه شعری را که از ایران رسیده و هدیه به خسرو گلسرخی است درج میکنیم.

چراغ خانه روشن باد

همایون طلعتم!
رخشنده خورشیدم!
همایون «خسرو» پرآب ورنگ زنده‌ام هرگزنمی‌میرد
چراغ خانه روشن باد!
که «غول پست تاریکی»،
ز انوار عبیر آمیز آن چون بید لرزان است
تبسم های او را هر نفس «فریاد» می بینم
چه فریادی!
که در دهلیز پاك شهر ها و کوچه ها،
و اندر پهنهٔ این سرزمین زندگان جاریست.

مرا باور کن ای یاور!
ورا با «مرگ» کاری نیست
که تاج «سرخ گل» بر قله بنشانده است
و «خسرو» گشته در هر خانه ای «امید»
بهر کوچه، بهر منزل، . . .
. . . و یا در قلب هر «محکوم»،
که می جنگد برای آرمانی پاك.
و تو بیهوده می پنداری ای «دژخیم»،
که فریادش درون معبر تنگ قفس مرده است!

همایون «خسرو» پرآب ورنگ زنده‌ام هرگز نمی‌میرد
. . . چراغ خانه روشن باد . . .

نوا

چند خبر مهم از مطبوعات شوروی

مداخله گران تودهنی میخورند

روزنامه ایزوستیا مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۵ مینویسد:

اعلامیه جبهه ملی آزادی بخش عمان پیرامون تشدید عملیات رزمی واحد های نظامی ایران و ارتش مزدور سلطان در مناطق آزاد شدهٔ ظفار در عمان منتشر شده است. در اعلامیه اطلاع داده میشود این واحد های نظامی که محور اصلی عملیات خود را در نواحی مجاور بمرز های جمهوری توده ای دموکراتیك یمن قرار داده اند، با اجرای یك رشته عملیات پیاده کردن نیرو، شبکه ای از نقاط مقاومت و پایگاه ایجادنموده اند. طبق اطلاعات جبهه ملی آزادی بخش عمان در این مدت در این منطقه نزدیك به دو تیپ واحد های نظامی ایران مستقر شده است. پیاده کردن نیروهای مداخله‌گر با واحد های هوائی با خلبانان انگلیسی و رزم ناو های ایران پشتیبانی میشود. در اعلامیه گفته میشود هدف عملیات رزمی در ظفار برقراری کنترل بر مناطق مسکونی آزاد شده و امحاء سازمان نظامی و سیاسی جبهه ملی آزادی بخش عمان است.

ولی واحد های نظامی ایران و عمان [illegible]ت شدید میهن پرستان روبرو شدند. بطوریکه در اعلامیه

دنباله در صفحه ۲

مقالهٔ وارده از ایران

حقایقی چند در بارهٔ بیمه های اجتماعی کارگران

نقائص قانونی

استراحت سرپائی که از طرف پزشکان به بیماران کارگر داده میشود سه روز اول را، نه کارفرما و نه بیمه، پول نمی پردازند و تازه بعد از سه روز دو سوم آخرین حقوق پرداخت میگردد و در ضمن‌باید توجه داشت حقوق کارگر که در لیست بیمه ذکر شده است همیشه کمتر از حقوق واقعی کارگر میباشد. مثلا حقوق کارگر ۳۰ تومان است ولی در بیمه ۱۰ تومان اعلام میشود. کارگر برای اینکه بتواند از مزایای بیمه استفاده کند باید سابقه ۹۰ روز پرداخت حقوق بیمه داشته باشد؛ در غیر اینصورت از حق درمانی و مزایای دیگر محروم میباشد. برای دریافت وسائل طبی و اعضای مصنوعی، کارگر باید دوسال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد و خانواده کارگر از این وسائل طبی و اعضای مصنوعی بکلی محروم است. در صورت از کار افتادگی و یا بازنشسته شدن کارگر خود و خانواده اش از مزایای درمانی محروم میشوند. اخیراً وزیر رفاه اجتماعی در جلسه ای که پزشکان سازمان را دعوت کرده بود اظهار داشت از این ببعد کارگران بازنشسته و از کار افتاده و خانواده شان از

دنباله در صفحه ۲

پیرامون شرایط کار و زندگی زنان کارگر

درجامعه ایران رفته رفته زنان در تولید اجتماعی نقش فعالتری ایفا میکنند. تعداد زنان شاغل درفعالیت های اقتصادی و اجتماعی بنحو بارزی رو به افزایش است. دراین افزایش جنبهٔ عمده پیوستن بیش ازپیش زنان به جرگه عرضه کنندگان نیروی کار است.

در فاصله دو سر شماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ افزایش تعداد مردان در جمعیت فعال از نظر اقتصادی ۱۸ در صد بوده است. در همین سالها این افزایش برای زنان رشدی بیش از ۷۳ در صد نشان میدهد. قرائن‌زیادی‌حاکیست که در دهه جاری‌همان آهنگ‌رشد دهه قبل حفظ شده و در مورد زنان کمتر از ۲۵ سال حتی فزونی داشته باشد. وزیر کار در دیماه ۱۳۵۱ اعلام داشت که در دهه ۵۰ ـ ۱۳۴۰ تعداد زنان‌شاغل کمتر از ۲۵ سال، ۹۴ درصد افزایش نشان میدهد.

با در نظر گرفتن نتایج سرشماریهای قبلی، و تغییرات حاصل در جمعیت فعال از نظر اقتصادی، میتوان گفت که در حال حاضر تعداد زنان شاغل از مرز ۱٫۶ تا ۱٫۷ میلیون نفر درگذشته است. این‌رقم تا پایان برنامهٔ عمرانی پنجم در سال ۱۳۵۶ میتواند از ۲ میلیون نفر درگذرد. بدینسان نزدیك به ۱٫۵ میلیون نفر زن در شمار مزد بگیران قرار خواهند گرفت.

رژیم حامی استثمار، زنان زحمتکش ایران را در سخت ترین شرایط کار وزندگی قرار داده و آنان را از نیل به حقوق قانونی محروم نگاه داشته است. صد ها هزار زن زحمتکش درمزارع برنج و باغات‌چای، در کارگاههای قالی بافی و کارخانه های نساجی، در کار خدمات و مشاغل دیگر بسخت‌ترین وجهی استثمار میشوند و از هرنوع وسیله دفاع‌ازحقوق خودمحرومند.

با مخبر روزنامه «اطلاعات» از کارگاههای دوزندگی تهران بازدید بعمل آوریم. مخبر اطلاعات مینویسد: «در خیاطخانه های زنانه دوز تهران متجاوز از ۵ هزار کارگر زن بطور غیر ثابت مشغول کار هستند که کارهای اتوکاری، پس دوزی و دوزندگی را انجام میدهند. عده ای از این کارگران را کارفرمایان بعنوان کارآموز بخدمت میگیرند و بهمین جهت بآنها دستمزد نمیدهند. آنها که بیش ازشش ماه کارآموزی کرده اند روزانه بین ۳۰ تا ۶۰ ریال دستمزد میگیرند . . . ساعات کار کارگران کارگاهها و خیاطخانه های زنانه دوز تهران . . . از ۸ صبح شروع و تا ۸ شب ادامه دارد. («اطلاعات» ۶ خرداد ۱۳۵۱)

دنباله در صفحه ۲

چرخشهای رزم

پاسخ دشمنان به جنبش ماست
حلقهٔ دار ، جوخهٔ اعدام
گاه با خدعه های ابلیسی
نرم نرمك ، كشاندت سوی دام

رزم از بهر آرمان بزرگ
رزم سختی است ، بلكه صد چندان
بگذر از نام و كام و حاضر باش
از برای شكنجه و زندان

بنده خواهندت و مطیع و خموش
نیست جز این بمملكت آئین
تا دلار است بر وطن حاكم
تا كه شاه است بر سریر مكین

اندرین رزم ، كه مجاهد را
جز شكست و زوال حاصل نیست
او ندانست راه رزم و تلاش
آنكه از هر بلا گسست و گریست

ندبه بر رنجها نشاید و نیز
شكوه از دست جور دژخیمان
كی هراسان شود ز چرخش رزم
پیكار جوی با ایمان

رزم ما میرود بجانب اوج
افق رزم روشن است و فراخ
پس بمانیم استوار و متین !
پس بتازیم چابك و گستاخ !

ا. سپهر

دنباله حقایقی چند دربارهٔ بیمه های اجتماعی كارگران

حقوق و مزایای درمانی استفاده خواهند كرد و به خانواده ها نیز اعضای مصنوعی و وسائل طبی درصورت لزوم داده خواهد شد ، ولی تا این تاریخ كه این سطور نوشته میشود این ادعا عملی نشده است با توجه به اینكه خود وزیر گفته است (در همین جلسه) هر چه كه ما میگوئیم نوشته شد ، به عرض نخست وزیر میرسدواگراجرا نكنیم مورد مؤاخذه قرارخواهیم گرفت.

وضع امور درمانی

تعداد بیمارانی كه در درمانگاه پزشكان مورد معاینه قرار میگیرند بطور معمول در حدود ۱۰۰ نفر میباشد كه گاهی از ۱۵۰ نفر هم بیشتر میشود و خود معلوم است كه نمیشود به آن معاینه گفت ، بلكه مشاهدت است . بهمین دلیل اغلب بین پزشك و بیمار نزاع در میگیرد كه در واقع نه پزشكان گناهكارند و نه كارگران . در صورتیكه طبق مصوبه سازمان بهداشت جهانی یك پزشك حق ندارد در ۲۴ ساعت بیش از ۲۵ بیمار بپذیرد . اخیراً درمانگاهها را دوسره كرده اند ، یعنی از ساعت ۷٫۵ الی ۱۲٫۵ و از ۱۳٫۵ تا ۱۷٫۵ و تصویب شده است كه پزشكان صبح ۵۰ بیمار و بعد از ظهر ۳۰ بیمار بپذیرند . ولی این بخشنامه عملا اجراء نشده و همان وضع سابق ادامه دارد ، زیرا این كار متضمن توسعه كادر درمانی میباشد كه دراین مورد هیچگونه اقدامی انجام نگرفته است ، خاصه اینكه روز بروز تعداد بیمه شدگان زیاد میشود . در حال حاضر تعداد بیمه شدگان با خانواده شان بیش از ۴ میلیون نفر میباشد ، در صورتیكه تعداد پزشكان در حدود ۶۵۰ نفر است (دكتر دارو ساز ، پزشك و دندان پزشك) .

در شهر تهران فقط یك مركز آمبولانس وجود دارد كه در خانی آباد است و در این مركز فقط دو تا سه آمبولانس آمادهٔ كار كردن است و درمانگاهی كه احتیاج به آمبولانس داشته باشد باین مركز تلفن میكنند تا بیماری را كه احتیاج به مداوای فوری دارد به بیمارستان برساند . با توجه به دوری راه و وضع ترافیك تهران اغلب آمبولانس نمیرسد كه مجبور میشوند از تاكسی استفاده كنند و اغلب نیز تلفن میشود میگویند آمبولانس موجود نداریم . در صورتی كه لازم است هر درمانگاهی برای خود آمبولانس داشته باشد تا فوری بیمار را به بیمارستان برساند . و تازه در این آمبولانس ها هیچگونه وسائل كمكهای اولیه و وسائل درمانی وجود ندارد .

پزشكان متخصص بیمه های اجتماعی روزانه در حدود ۷۰ الی ۸۰ بیمار را ویزیت میكنند ، یعنی بیمارانی را كه پزشك عمومی نتوانسته معالجه كند و ناگزیر شده به پزشك متخصص معرفی نماید . بایدتوجه داشت بیمه های اجتماعی در تهران ۳ الی ۴ مركز تخصصی بیشتر ندارد . مركز تخصصی غدد ، اعصاب ، ریه یكی بیشتر نیست و تمام بیماران تهران و شهرستانهای اطراف (مثل كاشان ، كرج و قم وغیره) را باید معالجه كند . در این مراكز نیز یك یادوپزشك متخصص مشغول كارند و بعضی از این پزشكان یك روز در میان كار میكنند كه آنهم ۳ الی ۴ ساعت بیشتر نیست .

وضع بیمارستان بهتر از درمانگاهها نیست . تخت باندازهٔ كافی وجود ندارد و گاهی بیمارانی كه به كمك فوری پزشكی احتیاج دارند و یك دقیقه‌برای زنده ماندن آنها اهمیت دارد به چند بیمارستان مراجعه میكنند تا جائی پیدا شود . در بیمارستان به بیماران خوب رسیدگی نمیشود ، بطوریكه بیماران مجبور به ترك بیمارستان میشوند و اغلب در بیمارستان بیمارانی كه در حال اغما هستند و یا در حال شوك و بیهوشی ، اگر وسیلهٔ بیماران دیگر مواظبت نشوند تهدید بمرگ میشوند ، زیرا كادر پرستاری باندازهٔ كافی نیست و آنچنان كه باید تربیت نشده اند تا به بیماران بنحو احسن رسیدگی كنند . یكی از بیماران اظهار داشت كه من از غذای بیمارستان مسموم شدم بنحوی كه مجبور گردیدم از بیمارستان فرار كنم .

داروهای موجود در بیمه های اجتماعی اغلب از نامرغوب ترین دارو ها میباشد و گاهی اتفاق می افتد كه تاریخ مصرف آنها گذشته است .

وضع شهرستانها خیلی بد تر از تهران است . كارگران بیمار را كه برای معالجه لازم است بمراكز درمانی مجهزی در شهرستانهای بزرگ نظیر تهران اعزام كنند از اینكار طفره میروند واعزام نمیكنند . تشخیص بیماری بعلت نبودن وسائل كافی و كادر متخصص اغلب ماهها و سالها مقدور نیست . بدلیل نقص كار و نبودن امكانات كافی برای برآورده كردن خواستهای پزشك و بیمار ، نه به شكایت پزشك توجهی میشود و نه به شكایت كارگران .

برخی نكات دیگر

درآمد هنگفت سازمان بیمه های اجتماعی كه ماهیانه بیش از ۲۰۰ میلیون تومان میباشد بعناوین مختلف حیف و میل میشود ؛ نظیر ساختن بیمارستان جرجانی‌برای دانشگاه ملی‌تحت این عنوان كه ازبودجه سازمان بیمارستان ساخته شود در عوض بیمارستان جرجانی بیماران بیمه‌را بپذیرد تاهزینه ساختمان مستهلك شود و یا دادن وام به بانك عمران . سازمان بیمه های اجتماعی‌بجای اینكه خود بخریداری زمین برای ساختمان مبادرت ورزد ، زمین مالكین را با هزینه سازمان بنا میكند و بابت اجاره بها وساختمان ، هزینه را مستهلك مینماید . مقدار زیادی از بودجهٔ سازمان خرج جشنهای شهسابخته و دید و بازدید مقامهای بیمه های اجتماعی میشود . اكنون بیمه های اجتماعی مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان از شركت هائی نظیر شركت واحد اتوبوسرانی طلبكار است . علت اینكه بیمه های اجتماعی بصورت وزارتخانه درآمد این بود كه دولت از درآمد آن‌بتواند سوء استفاده كند و نه بخاطر رفاه كارگران .

دنبالهٔ پیرامون شرایط كار و زندگی زنان كارگر

چنانكه از همین مختصر اعتراف دیده میشود كارفرمایان تا به امروز حق كارگر ثابت بودن ، دریافت دستمزد برابر با مردان ، استفاده از قانون هشت ساعت كار و دیگر مزایائی را كه از همین قوانین موجودكار و بیمه های اجتماعی ناشی میشود برای كارگران زن قائل نیستند . آنان همچنین تحت عنوان «كارآموز» بدون پرداخت دستمزد از زنان و دختران كار میكشند كه نشانهٔ آشكاراجرای بدعت قرون وسطائی «شاگردی» در كارگاههاست . كارگران كارگاههای دوزندگی تهران كه مخبر «اطلاعات» به سخت و غیر قابل تحمل بودن شرایط كار آنها اعتراف میكند وضع استثنائی ندارند . كارگران زن در دهها هزار كارگاههای‌مرطوب و فاقد نور قالیبافی و یا سالنهای بزرگ پر از گرد و غبار و بخار كارخانه های نساجی ، در كارگاههای پسته خندان كنی كرمان ، پشم پاك كنی مشهد ، برنجزار های شمال و در امر خدمات همین وضع را دارند .

زنان زحمتكش ایرانی در سخت‌ترین و مرارتبار ترین شرایط استثمار میشوند . آنوقت ادعای زمامداران رژیم پلیسی آنست كه گویا زن در جامعهٔ ایرانی از حقوق و رفاه برخوردار است . معدودی زنان درباری و ندیمه های آنان در رژیم شاه حق فخرفروشی وتظاهرات متفرعنانه و تكیه بر كرسی وزارت و وكالت فرمایشی را به امتیازات سابق خود افزوده‌اند . لیكن زن‌ایرانی از محرومیت و مرارت نه فقط رهائی نیافته ، بلكه در نظام رو به توسعه سرمایه داری وابسته ، بهمراه‌گرفتاری در علائق قرون وسطائی به شتاب به زیر ماشین بیرحم استثمار شدید تر و كشنده تر كشانیده میشود .

رژیم شاه مدعی است آزادی و حقوق زن‌ایرانی را تأمین كرده است . اما همین رژیم پس از گذشت سی سال حقوقی را كه حزب ما در سال ۱۳۲۳ برای حمایت از زنان كارگر درخواست نموده برسمیت نشناخته است . حزب توده ایران سی سال پیش‌پیشنهاد كرد مرخصی زنان كارگر در مدت بارداری ۱۲ هفته و با استفاده از لااقل نصف دستمزد تعیین شود . (روز نامه «رهبر» شماره ۴۷۵ ـ ۶ بهمن ۱۳۲۳ ـ ماده ۲۸ طرح قانون كار پیشنهادی شورای مركزی اتحادیه‌های كارگران ایران) . در قانون كار رژیم حاكم برای زنان بار دار فقط ده هفته مرخصی ، آنهم بدون پرداخت هر نوع دستمزد در نظر گرفته شده است . (ماده ۱۸ قانون كار موجود)

گذشت سی سال زمان برای این نتیجه گیری كافی است كه رهائی زنان زحمتكش ایران از شرایط سخت و طاقت فرسای كنونی تنها با استقرار دولت ملی و دموكراتیك ممكن و میسر خواهد بود . با اینحال نمیتوان از یاد برد كه هم اكنون مبارزه بمنظور انجام تغییرات جدی در قوانین كار و بیمه های اجتماعی بسود حمایت از كار زنان ضرورت بسیارحادی دارد . همچنین تأمین آزادی فعالیت‌سندیكائی واتحادیه‌ای شرط مقدمی است كه بدون تحصیل آن بهبود وضع كارگران اعم از زن و مرد ، ولو در چهارچوب قوانین موجود كار میسر نخواهد بود . زنان كارگر ایران‌همراه با برادران كارگر خود بیش از پیش بوضع طبقاتی خویش آشنا میشوند و هم اكنون در مبارزه بخاطرتأمین حقوق صنفی و تحقق خواستهای سیاسی طبقه كارگر شركت فعال دارند .

م. كارگر

دنباله چند خبر مهم از مطبوعات شوروی

جبهه ملی آزادی بخش خاطرنشان شده است ، واحد های نظامی ارتش آزادیبخش و داوطلبان توده ای از از اول دسامبر سال گذشته تا نهم ژانویه سال جاری هشتاد و هشت عملیات رزمی انجام داده و تلفات شایان توجهی بر دشمن وارد ساخته اند . در جریان عملیات رزمی میهن پرستان ، پانصد و بیست و دو تن از افراد واحد های مداخله گر و ارتش مزدور كشته و زخمی شده اند . ۴۲ قبضه توپ ۱۸ دستگاه مركز رادیوئی و مقادیر زیادی مهمات بدست میهن پرستان افتاده و بیست مواضع آتش دشمن نابود شده است .

☆ ☆ ☆

بیروت ــ بطوریكه روزنامه الصفیر خبرمیدهد هنگام مسافرت اخیر سلطان عمان به واشنگتن‌موافقت نامهٔ محرمانه ای منعقد گردیده كه برابر آن بهایالات متحده امریكا حق داده میشود در جزیره مصیره درخلیج عمان پایگاه نظامی تأسیس كنند . در مقابل ایالات متحده امریكا متعهد شده است در آینده نزدیك تعداد زیادی جنگ افزار از جمله راكتهای ضد تانك در اختیار رژیم سلطان بگذارد . از این راكتها بوسیلهٔ ناوچه های جنگی از دریا مواضع جبهه ملی آزادیبخش عمان در ایالت ظفار زیر آتش گرفته خواهد شد . روزنامه خاطرنشان میكند ایالات متحده امریكا متعهد شده است مستشاران و كارشناسان نظامی خود را به عمان اعزام دارد .

بنا بعقیده ناظران محلی همزمانی انتشار خبر مربوط به معامله واشنگتن با عمان در مورد استفاده از پایگاههای نظامی در جزیره مصیره با تشدید عملیات رزمی علیه جبهه ملی آزادیبخش در ظفار گواه برتمایل و تلاش ایالات متحده امریكا برای بسط حضور نظامی خود در خاور نزدیك است .

روزنامه «پراودا» در باره فعالیت های خرابكارانه «سیا»

در جمهوری دموكراتیك خلق یمن شبكهٔوسیع جاسوسی كه بدست «سیا» سازمان جاسوسی امریكا بوجود آمده كشف شده است . بطوریكه آژانس فرانس پرس اطلاع میدهد اعضای گروه جاسوسی كه رسما كارمند شعبهٔ شركت امریكائی (آی. تی. تی.) بودند ، با سازمان جاسوسی اسرائیل همكاری میكردند. این خبر یكی دیگر از حلقه های زنجیر واقعیاتی‌است در تأیید این امر كه «سیا» فعالیت خرابكارانه خود را در كشور های خاور نزدیك و میانه تشدید میكند .

چندی پیش گروهی كه بدستور سازمان جاسوسی امریكا درعراق عمل میكردند ، بازداشت شدند ، اطلاعات واصله از این كشور حاكی از آن بود كه «سیا» در دامن زدن به اختلاف كرد ها با دولت عراق شركت دارد . طبق اطلاعات مطبوعات ، در افغانستان توطئه ضد حكومت كه از «سیا» الهام میگرفت كشف شد و در سال گذشته ده تن از عمال آن از افغانستان تبعید شدند . بطوریكه روزنامهٔ البعث سوریه مینویسد بمنظور رفع حوائج «سیا» در منطقه خاوری مدیترانه یك مركز ویژه مخابرات رادیو الكترونیكی در قبرس دایر میگردد .

علاقه خاص سازمان جاسوسی امریكا به كشور های خاور نزدیك و میانه از سیاست عمومی محافل‌امپریالیستی ایالات متحده امریكا ناشی میشود . این محافل كه میكوشند مواضع خود را در این منطقه استوار سازند ؛ از هر وسیله ای برای پشتیبانی از تجاوزكاران اسرائیل استفاده كرده تا رژیمهای مترقی و مدافع حاكمیت ملی را براندازند .

اكنون كه حملات جبهه ای به كشور های نواستقلال وفشار خشونت امیز برآنها بطور كلی ازبیرون بهدف نمیرسد ، كوشش جدی بعمل میاید تا نیروهای دموكراتیك ملی از درون تضعیف شوند تا راه ارتجاع هموار شود و روند تحولات ترقیخواهانه سد گردد .

رسوائی تازه ای كه سازمان مركزی جاسوسی امریكا بار آورده است توجه مطبوعات امریكا و جهان را بخود جلب كرده است . عملیات ماجراجویانه از قبیل سرنگون كردن حكومت مصدق در سال۱۹۵۳ ، اعزام هواپیماهای جاسوسی (یودو) كه درسال ۱۹۶۰ در فضای اتحاد شوروی ساقط شد ، دخالت ضدانقلابی در كوبا ، عملیات خرابكاری علیه بسیاری از كشور های اروپا و آسیا و امریكای لاتین اكنون برای همه معلوم است . اخیراً نقش «سیا» در سرنگونی حكومت آلینده در شیلی افشاء گردید .

پراودا ـ ۸ و ۱۳ ژانویه ۱۹۷۵

دنبالهٔ مردم این جنایات را از یاد نخواهند برد

كه برای گرفتن زهر چشم ازآنان ، پس از آنكه فریاد وحشتناك از اطاق شكنجه شنیده شده و بوی گوشت كباب شده فضا را پر كرده ، آنها را باطاق شكنجه برده اند ، تا مشاهده این صحنهٔ فجیع ، ارادهٔ آنانرا متزلزل كنند .

ناظران فرانسوی همراه با دو مترجم كه مأموران ساواك بوده اند ، در زندان اوین با ناصر صادق وعلی میهن دوست كه در انتظار محاكمه خود بوده اند ملاقات كرده اند . از آنان پرسیده اند كه آیا پس از دستگیری آنها را كتك زده اند . آنها در پاسخ گفته‌اند: «نه ! ما راكباب كرده‌اند . » وسپس ماجرای مهندس اصغر بدیع زادگان فاش شده است كه با بستن پاهای او به اجاق برقی پاهای او فلج شد و روز های قبل از شهادت را بجای راه رفتن بر روی زمین میخزید. و سرانجام هنگامی كه مترجمین ساواك برای احتراز از رسوائی بیشتر رژیم ، خواسته اند ناظران فرانسوی را با شتاب از زندان خارج كنند ، فریاد ناصر صادق را از پشت سر شنیده اند كه گفته است : «بگذار آنها بدانند كه بهروز دهقانی در اطاق شكنجه جلوی چشم من بقتل رسید . »

نمایندگان اعزامی انجمن‌جهانی حقوقدانان دمو ـ كرات در دادگاه مسعود احمد زاده شركت كرده اند و او بمحض آنكه متوجه وجود افراد خارجی در دادگاه شده ، پیراهن را از تن خارج نموده و زخمهای وحشتناك پشت و سینه اش را بناظران فرانسوی نشانداده است .

شاه جواب این جنایات را چه میدهد ؟ اواگر هزار بار دیگر هم وجود شكنجه را انكار كند كسی بدروغ او باور نخواهد كرد . همه میدانند كه شكنجه گران ساواك زیر نظر كودتاچی معروف سپهبد نصیری كار میكنند كه مستقیماً و بلاواسطه بدستور شاه عمل میكند وگزارش تبهكاریهای خود را روزانه بشاه‌میدهد. شاه خود امر این جنایات فاشیستی است و باید سر انجام جوابگوی آن باشد . مردم این جنایات را هرگز از یاد نخواهند برد .

مینو

با این آدرس با رادیو پیك ایران ، با روزنامهٔ مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی مكاتبه كنید !

P. B. 49034
10028 Stockholm Sweden 49

وحدت عمل نیروهای انقلابی و تشدید مبارزه شرط لازم برای سرنگونی رژیم موجود است

دورهٔ ششم — پانزدهم اسفند ۱۳۵۳ — شمارهٔ صد و سی ام

مــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

یک سالروز تاریخی بزرگ

(به استقبال سی امین سال پیروزی بر فاشیسم)

نهم ماه مه سی‌امین سالروز پیروزی مردم اتحاد شوروی در جنگ بزرگ میهنی در کشور شوراها برگزار میشود . این پیروزی عظیم اتحاد شوروی و تمام نیرو های ترقیخواه بر نیروهای سیاه فاشیسم آلمان هیتلری با گستره ای وسیع و شکوهمند جشن گرفته خواهد شد . مردم و ارتش شوروی به بهای جانبازی وقهرمانی بینظیر و کار برد منابع وذخائر مادی شگرف درتارومار ساختن آلمان هیتلری نقش قاطعی ایفاء کردند . پیکار علیه فاشیسم با منافع خلقهای سراسر جهان پیوند ناگسستنی داشت . پیروزی اتحاد شوروی در این پیکار توانائی و برتری نظام اجتماعی سوسیالیستی را بر نظام اجتماعی سرمایه داری به جهانیان نشان داد . در این پیروزی سترگ ، نیروهای دموکراتیک وترقیخواه جهان و طبقه کارگر بین المللی وبطور کلی تمام نیروهای انقلابی و آزادیخواه هر یک سهم خود را ادا کردند . نیروی ضربتی جهان امپریالیسم در نتیجه این پیروزی درهم شکست و خطر اسارت و بردگی فاشیستی که بسیاری ازملل را تهدید میکرد از میان رفت ، بهمین جهت سالروز پیروزی بر فاشیسم جشنی است متعلق به همه مبارزان راه آزادی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی.

پیروزی برفاشیسم در تاریخ جامعهٔ بشری صفحه نوی گشود و تناسب نیروهای جهان را بنفع سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم دگرگون ساخت و برای پیروزی انقلابهای دموکراتیک توده‌ای در یک سلسله از کشور های اروپای شرقی و ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم شرایط لازم فراهم آورد . شکست آلمان هیتلری که بمنزله ضربه درهم شکننده‌ای برشیوه های تروریستی مبارزه بورژوازی انحصاری علیه جنبش کارگری بود از کامیابیهای برجسته جبهه واحد کمونیستها و همه‌نیرو های دموکراتیک وآزادیخواه بشمار میرود نتایج‌پیروزی بر آلمان هیتلری در مناطق دیگر جهان تأثیرات ثمر بخشی داشت ، مؤثرترین عامل‌شکست قطعی‌میلیتاریسم ژاپن‌بود وراه رابرای پیروزی انقلابهای‌ملی ودموکراتیک در کره شمالی ، چین و ویتنام شمالی و پیشرفت‌جنبش های رهائی بخش ملی درسراسر قاره آسیا همواراساخت.

دنباله در صفحه ۲

پیروز باد مبارزهٔ زنان جهان و ایران

در پیکار برای حقوق‌صنفی ، سیاسی و اجتماعی خویش !

اظهاریه هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت هشتم مارس روز بین المللی زنان

زنان گرامی میهن ما !

مادران ودختران ایرانی !

امسال سالروز هشتم مارس جشن بین المللی زنان ، همزمان با سال جهانی زن است که بنا به تصویب‌سازمان‌ملل‌متحد زیرشعاربرابری - پیشرفت وصلح در سراسر جهان برگزار خواهد شد . اعلام سال۱۹۷۵ بعنوان سال جهانی زن از طرف سازمان ملل متحد نشانه آن نقش روز افزونی است که زنان در جامعهٔ معاصر ایفاء می کنند ودر کشورهای تحت ستم سرمایه بیش از پیش بر سنتها ، رسوم ، موازین وقوانین‌خرافی و ارتجاعی که زن را از حالت یک عضو تمام عیار و تام الحقوق جامعه بیرون می‌آورده و می‌آورد و علاوه بر ستمهای موجود در جوامع سرمایه داری محرومیتهای صنفی را بعنوان « زن » بر وی‌تحمیل میکنند ، بتدریج چیرگی می‌یابند تا مقام شایستهٔ خود را کسب کنند .

مبارزه زنان ایرانی برای رهائی خود درکشور ما از جهت تاریخی حتی از اواسط سدهٔ نوزدهم میلادی آغاز میگردد . در جنبش‌مشروطیت ، زنان‌ایرانی‌علی‌رغم وجود بند های سنگین فئودالی و پدرسالاری توانستند گاه شخصیت مدنی خویش را بروز دهند . در دوران پس از این جنبش بزرگ ، زنان ایرانی بمراتب فعالتر وارد عرصه مبارزه شدند ، مسئله رهائی از حجاب مسئله حاد روز بود و مترقی ترین بخش جامعه علی رغم فشارها و تکفیرها از آن حمایت میکرد . در این‌میان میتوان از مبارزهٔ شاعران بزرگ عصر: بهار ، ایرج ، عارف و عشقی سخن گفت . در اثر آن فشار نیرومندی که جنبش زنان ایرانی طی دهها سال بوجود آورده بود ، در زمان رضا شاه کشف حجاب (چادر برداری) بشکل خشن عملی شد . برای دولت و بورژوازی تازه به صحنه آمده این امر از جمله برای دسترس یافتن به کار ارزان زنان در کارخانه ها و ادارات بود .

در دوران پس ازجنگ دوم‌جهانی بهمت جنبش نیرومندی که حزب توده ایران پیشگام آن بود ، جنبش زنان ایرانی باوجی بیسابقه رسید . حزب‌توده ایران وتشکیلات دمکراتیک زنان مسئله حقوق زن را بشکل جامع و بنیادی مطرح ساختند ، یعنی برابری حقوق زنان‌ومردان از جهت سیاسی واقتصادی‌واجتماعی و از آنجمله خانوادگی . در یک کلمه آنها خواستند که زن ایرانی عضو تام الحقوق یک جامعه آزاد باشد.

رژیم کنونی که سالیان دراز کوشید نه فقط موازین ارتجاعی را حفظ کند بلکه حتی گام به عقب بردارد ، سرانجام در تحت فشار شرایط ایران و جهان، مجبور شد دست بیک سلسله رفورمهائی بزند که هدف آن ترمز کردن جنبش انقلابی جامعه و حفظ مواضع سیادت و غارتگری طبقات حاکمه و امپریالیسم است.

در مورد زنان نیز جنبش پر توانی که از دهها سال پیش خواستار برابری حقوق زن و مرد بود سران رژیم رامجبور کرد در این‌عرصه نیزگامهائی عقب‌نشینند ، حق‌انتخاب کردن وانتخاب شدن را برای‌زنان برسمیت بشناسند و در برخی از مواد قانون مدنی تجدید نظر کنند . . در مورد حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ، در شرایطی که بعلت فقدان کامل حقوق و آزادیهای دمکراتیک ، این حق برای مردان هم وجود ندارد ، باید گفت الفاظی است پوچ که منجربنشاندن چند زن درباری و ساواکی بر کرسیهای مجلس و سنا شده است .

در مورد اصلاحاتی که در قانون مدنی بعمل

دنباله در صفحه ۲

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران و لایحه جدید تأمین اجتماعی

وزیر رفاه اجتماعی۲۲ بهمن ماه لایحه بیمه‌های اجتماعی کارگران را که در مجلس در جریان‌رسیدگی بود پس گرفت و بجای آن لایحه جدید تأمین اجتماعی را به پارلمان داد . چه قبل و چه بعد از این اقدام دستگاههای تبلیغاتی و مطبوعات وابسته به‌دولت سروصدای زیادی براه انداخته‌اند که گویا « تغییرات وسیعی در مقررات بیمه های اجتماعی » بسود کارگران صورت خواهد گرفت و گویا « این تغییرات،موجبات زندگی بهتری را » برای کارگران فراهم میسازد . (« اطلاعات » ۲۰ بهمن ۱۳۵۳) .

در زمینه بهبود بیمه های اجتماعی ، صرفنظر از بسیاری از مسائل ، دو مسئله عمده در سالهای اخیرمورد توجه کارگران است . اول اینکه ، بعلت عمومیت نداشتن بیمه ، توده عظیمی از کارگران از شمول قانون بیمه‌های اجتماعی برکنار مانده‌اند . مثلا ، درحال‌حاضر تعداد شاغلان مزد بگیر پنج میلیون نفر است . تعداد بیمه‌شدگان،طبق« آخرین آمار» ۱۲۱۳۰۴۴ نفرمیباشد. (اطلاعات « ۱۹ بهمن ۱۳۵۳) ، چنانکه دیده میشود ۷۵ در صد مزد بگیران‌از بیمه محروم مانده‌اند.

این در شرایطی است که افزایش عرضه نیروی کار ، تشدید استثمار و استفاده بیشتر از تکنیک تولید و خدمات، درسالهای‌اخیرضرورت حادتری برای برخورداری قاطبه کارگران از بیمه بوجود آورده است .

مسئله عمده دیگر مورد توجه کارگران اینست که سازمان بیمه های اجتماعی ، که طبق قانون باید با نظارت نمایندگان کارگران اداره شود ، رفته‌رفته و بکلی از اختیار آنان خارج شده است . در سالهای تسلط رژیم ضد کارگری ، سازمان بیمه های اجتماعی‌به سازمانی تابع منویات دربار و احزاب دولتی بدل شده است ، بویژه درآمدهای هنگفت این سازمان از محل دریافت حق بیمه ، در راه باج دادن به نور چشمیهای دربار ، حزب دولتی « ایران نوین » و سازمانهای امنیتی حیف ومیل میگردد. خواست کارگران اینست، که دولت بااحیاء آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه‌ای به کارگران و نمایندگان منتخب آنان امکان دهد خود بر سازمانی که متعلق به آنهاست نظارت نمایند. طبیعی است که تجدید نظردرقانون‌بیمه‌های‌اجتماعی

دنباله در صفحه ۲

رژیم شــاه به نقش ژاندارمی خود در منطقه میبــالد

مدتها بود که دستگاه تبلیغاتی محمد رضاشاه در مورد مداخلات مسلحانه ایران در این منطقه مهر سکوت بر لب زده بود ودر داخل کشور کوشش‌میشد که اعزام واحدهای‌نظامی ایران به ظفار در پرده‌بماند. سر انجام در نتیجه توجه افکار عمومی به این جنایت رژیم واسناد ومدارک افشاگرانه ومحکوم کننده‌ای که‌از طرف حزب ماانتشار یافت و اقدام مشخص رژیم را در نقش ژاندارم منطقه بر ملا ساخت ، روزنامه های رسمی ایران ناگزیر شدند به این جنایت و آدمکشی رژیم اعتراف کنند و به انتشار اخبار و گزارشهائی از صحنه نبرد در ظفار آغاز کردند . (کیهان هوائی ۲۸ دیماه اطلاعات هوائی ۷ و ۱۰ بهمن) در یکی از این گزارشها نوشته شده است : « سرباز ایرانی توانسته بار دیگرتوجه دنیا را برشادت سپاهیان‌سرزمین ماکه از زمان اشکانیان وهخامنشیان به این صفت‌شهره بوده‌اند جلب کند . » این یاوه سرائی هدفش گمراه کردن خانواده‌های افسران و سربازان ایرانی است که مسئول مستقیم قتل فرزندان آنها محمد رضا شاه و رژیم متجاوز و مداخله‌گر اوست . طبق اطلاعاتی که بدست ما رسیده در یکی از عملیات جنگی علیه‌میهن پرستان ظفار ۲۱ نفر سرباز و چند افسر و درجه دار ایران کشته شده‌اند که سرگرد پیاده جواد حافظی افسر سازمان اطلاعات نیروی زمینی متولد سال ۱۳۰۹ دارای شناسنامه شماره ۵۲ ، و استوار دوم توپخانه صادق‌طالبیان‌متولدسال۱۳۲۵ دارای شناسنامه شماره۵۰ از جمله آنها هستند . سازمان امنیت کوشیده است علت اصلی قتل آنها را از بازماندگانشان پنهان کند. مثلا مأموران ساواک به خانواده اسمعیل ببری‌سربازی که در ظفار کشته شده است گفته‌اند که فرزندشان بعلت بی‌احتیاطی و بر خورد با مین در پایگاه‌مرزی کشته شده است . سربازان و افسران شرافتمند ایرانی باید به این مطلب توجه کنند که مداخله گری و در صف ارتجاع و دشمنان خلق و آزادی و ترقی قرار گرفتن سرانجامی سوای ننگ و رسوائی در بر ندارد ، و همواره حس تنفر و انزجار همه نیرو های ترقیخواه جهان را بر میانگیزد . این اقدام رژیم با سیاست داخلی ضد ملی و ضد دموکراتیک ، حبس وشکنجه و اعدام عناصر میهن پرست و ترقیخواه و سیاست تحریک‌آمیز وماجرا جویانه آن در منطقه ارتباط مستقیم دارد و هدف آن متلاشی کردن جنبش های ملی و ضد امپریالیستی در منطقه است .درگزارشی زیر عنوان « بازمندگان ایرانی در جبهه های ظفار » که در روزنامه های عصر انتشار یافته چنین میخوانیم : «عمان اولین کشور عربی بود که بخاطر موقع استراتژیکی‌اش در معرض تهاجم عناصر آشوب طلب مارکسیست قرار گرفت و نمیتوان انکار کرد که سرنوشت صلح وامنیت خلیج فارس و بویژه نفت آن که قسمت اعظم نیاز

دنباله در صفحه ۲

مردم پیکار جوی ایران تسلیم زور و شکنجه نخواهند شد

گرانی ، تورم ، کمی درآمدها ، کمبود کالا های مصرفی ، ریخت‌وپاش سرسام آور یک اقلیت‌مرفه، رواج روز افزون دزدی ورشوه خواری در میان افراد هیئت حاکمه ، حیف و میل ثروت کشور بدست شاه وریختن آن بجیب انحصارات اسلحه سازی ، اتخاذ سیاست نظامیگری ، دخالت در امور سایر کشورها و بکشتن دادن جوانان کشور بمنظور حفظ ارتجاع منطقه و سرکوب جنبشها و رژیمهای مترقی، تشدید تبهکاری های سازمان امنیت و تسلط جانیان این سازمان جهنمی بر جان و مال طبقات مختلف ، روز بروز نا رضایتی از رژیم را به قشرهای تازه‌تری از مردم سرایت میدهد . تظاهر این نارضایتی شدید را در دوران اخیر باید در تشدید مبارزات اعتصابی ونمایشی کارگران ودانشجویان و تظاهرات وسیع ایرانیان مقیم خارج از کشوربهنگام مسافرت زمستانی شاه به اطریش و سویس دید .

اعتصابات کارگری دامنه وسیعتری یافته است. کارگران برای بالا بردن دستمزدها ، بهبود شرایط کار، تکمیل و اجرای قانون کار ، تعمیم و اجرای بیمه‌های اجتماعی و آزادی فعالیت سیاسی وسندیکائی مبارزه میکنند . در دوران اخیر این مبارزات موجب برخورد های شدیدی میان مأموران انتظامی و کارگران شده وبه زخمی شدن و توقیف دهها کارگر انجامیده است.

دانشگاههای کشور نیز ازچند ماه‌پیش باینطرف مجددا صحنه تظاهرات و اعتصابات دانشجوئی بوده‌اند. پلیس که قبلا گارد خود را در دانشگاه تهران مستقر کرده بود ، اکنون در هر دانشکده ای لانه کرده است . در دانشگاه تهران ، دانشکده های پلی تکنیک ، علوم‌اجتماعی و تعاون و بسیار دیگر ، دانشجویان بعلامت اعتراض به بازداشتها و آدم‌دزدیهای رژیم به تظاهرات وسیع دست زده ، این تظاهرات در مواردی منجر به زدو خورد دانشجویان با افراد پلیس و مأموران ساواک شده و در نتیجه دهها دانشجومجروح و صدها نفر باز داشت شده اند . از تعداد باز داشت شدگان وسرنوشت آنان هیچگونه اطلاعی دردست نیست . بعنوان اعتراض به رفتار خشونت آمیزپلیس با دانشجویان ، هم اکنون در بسیاری ازدانشکده ها اعتصاب ادامه دارد . در برخی از دانشکده‌ها وازجمله دانشکده ادبیات و فنی دانشجویان از حاضر شدن در جلسات امتحان نیز خود داری کرده اند . نه تنها بر دانشجویان فشار شدید است ، بلکه ساواک‌استادان و استاد یارانی را نیز که نخواهند با تبهکاریهای‌ساواک موافقت نشان دهند تحت فشار قرار میدهد . استادیاری را که در قبال حمله پلیس ، چند دانشجو را در اطاق کار خود پناه داده بود ، بشدت مضروب نموده اند ، یکی از خوانندگان مردم بما مینویسد : « در شرایط فعلی تنها دانشجویانی که لااقل برای چند ماهی‌بزندان های ساواک نمی روند عمال ساواک‌اند که با چهره‌های دانشجونما نقش منفور خبر چینی و جاسوسی رابر عهده میگیرند . » این بدان معنی است که بازداشتهاهمگانی است و شاه که مدعی است فقط به کمونیستها اجازه فعالیت‌نمیدهد، ازهرجنبنده ای ترس دارد .رژیمی که‌دم‌از« ثبات »میزند حتی‌از دختران‌وپسران‌دبیرستانی هم میترسد . در یکسال اخیر حمله به روشنفکران

دنبالــه در صفحه ۲

دنباله پیروز باد مبارزه زنان

آمده . چنانکه خود محافل رسمی نیز گاه مجبورند اعتراف کنند ، و بسیاری از زنان هوادار رژیم نیز ابراز داشته‌اند، این اصلاحات‌جزئی زن را از چارچوب بردگی قرون وسطائی خارج نمی‌کند .

و اما در زمینه تأمین حقوق اقتصادی ، هیچ اقدامی صورت نگرفته است . زنان زحمتکش یعنی زنان کارگر و دهقان و نیز زنان روشنفکر در برابر کار مساوی با مردان مزد و حقوق مساوی ندارند .

بهمهٔ محرومیتهای زن ایرانی باید بهره‌کشی نواستعماری امپریالیسم وغارتگری طبقات حاکمه ، و انواع دیگرستمهای‌اجتماعی را که برای همه‌زحمتکشان ایران وجود دارد افزود .

رژیم کنونی همیشه کوشیده است که « سلسلهٔ پهلوی » را منجی زنان ایران جلوه گر سازد و عامداً نبرد طولانی زن ایرانی ومردم ایران را بکلی مسکوت گذارد و انکار کند . رژیم با استفاده ازسال بین‌المللی‌زن میخواهدبراین‌نوع‌تبلیغات‌بیا فزایدتا بتواند بیش‌ازپیش‌ازنیروی‌کارارزان‌زنان‌ایران‌برای‌تشدید گسترش مناسبات سرمایه‌داری در روستاها وشهر استفاده نماید .

زنان ایران و بهمراهی‌آنان‌همهٔ‌عناصرمترقی کشور باید از هرگونه امکانی که بمناسبت سال بین‌المللی‌زن و تشدید مبارزه در راه برابری حقوق پدید شده ، بادقت‌وتدبیراستفاده کنند وبامبارزه پی‌گیرخود رژیم را وادارسازند درزمینه برابری حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی‌زنان ایران‌درجامعه وخانواده گام‌های‌عملی‌بردارد.

[illegible]ن مبارز ایران میتوانند با حد اکثر استفاده از امکانات علنی و بکار بردن اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه و یافتن تجهیز کننده ترین شعارهادر محل کار ، محیط زندگی و فعالیت خود ، دامنه مبارزه راهرچه بیشتر بسط دهند . بی‌حقوقی زنان در خانواده و اجتماع ، یافتن تجهیز کننده ترین شعار ها را برای جلب قشرهای وسیع زنان آسان میکند. میتوان باطرح اینگونه شعارها ، توده‌های زنان زحمتکش شهر وده‌را به صحنه مبارزه کشاند . سازمانهای موجود زنان علیرغم رهبری درباری ـ پلیسی آن عرصه ای است قانونی برای طرح مطالبات زنان و مبارزه در راه تحقق آنها . میتوان با استفاده از امکاناتی که سال جهانی زن‌عرضه کرده است ، فعالیت سازمانهای موجود زنان را از چار چوب اقدامات تنگ مبارزه با بیسوادی‌وپرداختن به‌امور خیریه که خواست رهبری ارتجاعی این سازمانهاست فراتر برد و با تجهیز و تشکل توده های وسیع زنان زحمتکش ،این سازمانها را بسوی مبارزه عملی در راه برابری حقوق کشاند . در عین حال نباید از هیچ‌فرصتی برای ایجاد سازمانهای واقعی زنان غافل ماند .

زنان مبارز ایران به وعده های شاه و اشرف و قوانین توخالی دل خوش نخواهند کرد . سال زن‌سال تشدید مبارزه زنان در جبهه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی برای‌تعدیل هرچه بیشتر نابرابریها ، برای‌تأمین استقلال ملی و صلح است . رژیم شاه هم اکنون با اتخاذ سیاست ماجراجویانه در منطقه خلیج فارس ، سرپرست هزاران خانواده را به جبهه های جنگ عمان و مرزهای ایران و عراق اعزام داشته و صدها تن از آنان را به کشتن داده است . زنان مبارز ایرانی و خانواده‌هائی که قربانی این سیاست ضد ملی هستند باید مصراً بازگشت فرزندانشان را خواستار شوند .

شك نیست که رژیم ضد ملی وضد دموکراتیك شاه که بنیان آن بر استثمار زحمتکشان و تبعیض طبقاتی قرار دارد ، قادر نخواهد بود برابری واقعی زن و مرد را تأمین کند . زنان ایران در عین تشدیدمبارزه برای عقب نشاندن رژیم، درکنار برادران‌خود برای‌روی کار آوردن یك حکومت ملی و دموکراتیك و ایجاد تحول بنیادی در جامعه مبارزه میکنند .

حزب توده ایران مانند همیشه پشتیبان پیگیر و وفادار مبارزه زنان در راه احراز برابری حقوق ، استقلال ، دموکراسی و صلح است .

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۷ اسفند۱۳۵۳ ـ هشتم مارس ۱۹۷۵

دنباله یك سالروز تاریخی بزرگ

کامیابیهای مردم شوروی در جبهه‌های جنگ در همان سالهای‌نخست پیکار برعلیه فاشیسم ، پایگاههای فاشیسم را در دیگر کشورهای جهان متزلزل ساخت . در میهن ما ایران به دیکتاتوری بیست ساله رضا شاه پایان داده شد وامکانات وسیعی برای رشد دموکراتیك جامعه ایران پدید آمد . آزاد شدن زندانیان سیاسی و تأسیس‌حزب‌توده ایران ، حزب طبقه کارگر ،بزرگترین پیروزی طبقه کارگر ایران بود . حزب توده ایران که بر پایه جهان بینی مارکسیسم ـ لنینیسم و سنن انقلابی جنبش کمونیستی در ایران تشکیل یافت از ضرورتهای تاریخی جامعه ایران بود ودر مدتی کوتاه به ستاد رزمی طبقه کارگر و دهقان و همه زحمتکشان و نیروهای میهن دوست وترقیخواه ایران تبدیل‌گردید. مبارزات و کامیابیهای حزب ما در این دوره صفحات درخشانی را در تاریخ جنبش کارگری میهن ما تشکیل میدهد . طبقه کارگر ایران توانست اتحادیه‌های صنفی علنی خود را سازمان دهد ودر شورای متحده مرکزی متشکل سازد ، اوج جنبشهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان به گسترش جنبش آزادیبخش ملی و از جمله جنبش ملی شدن صنعت‌نفت در ایران‌انجامید. مجموعه این عوامل‌موجب رشد آگاهی سیاسی قشرهای مختلف جامعه گردید . روند جنبش دموکراتیك و ضد دیکتاتوری در کشور به خلقهای ایران امکان داد در راه بدست آوردن حق تعیین سر نوشت و تحقق بخشیدن به آرمانهای ملی و دموکراتیك خویش در چارچوب کشور واحد بمبارزه برخیزند . پیروزی‌جنبشهای دموکراتیك ملی در آذربایجان و کردستان یکی از دست آوردهای بزرگ جنبش دموکراتیك همهٔ خلقهای ایران بود . حزب توده ایران با مبارزات انقلابی و دموکراتیك خود در این دوران به بزرگترین و پیگیر ترین نیروی سیاسی واجتماعی جامعه میهن ما تبدیل‌شد؛ تاریخ گواهی میدهد که امروز هم باوجود فرازونشیب‌ها و ناکامیها ، توطئه‌ها و خدعه های ارتجاع داخلی و مداخلات مستقیم‌سازمانهای جاسوسی امپریالیستی برعلیه حزب ما نتوانسته‌اند ونخواهند توانست پیوند این‌حزب را با طبقه کارگر ومردم زحمتکش ایران قطع کنند و حزب ما را از مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیك که مبارزه در راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری ضد ملی شرط مقدم آنست بازدارند . امروز رژیم ضد ملی‌محمد رضا شاه برای سرکوب‌عناصر میهن پرست وآزادیخواه از شیوه‌های فاشیستی استفاده میکند و در منطقه‌خلیج فارس نقش ژاندارم را بعهده دارد . نمونه‌های پرتقال و و یونان وحبشه نشان داد که‌این رژیمها محکوم‌بزوالند. در شرایط کنونی جهان نیروهای‌میهن پرست وترقیخواه توانائی آنرا دارند که طومار رژیمهای دیکتاتوری ضد ملی را در هم بپیچند ودر برقراری اشکال دموکراتیك اداره کشور کامیاب شوند .

ح . پژواك .

دنباله قانون بیمه های اجتماعی

که آخرین بار درسال ۱۳۳۹ به‌تصویب مجلس رسیده از جهات بسیار دیگر نیز مورد علاقه کارگران میباشد. کارگران خواستار آن هستند که بهمراه تعمیم بیمه های اجتماعی بر کلیه اقشار کارگران و تأمین نظارت آنها بر سازمان خود ، در عین حال در جهت تکمیل بیمه‌های مختلف با در نظر گرفتن تغییرات اجتماعی و اقتصادی در قانون تجدید نظر بعمل آید .

بر پایه همین خواستهای کارگران بود که‌مجلس ناچار شد در بهمن ۱۳٤۷ ، در اجرای ماده الحاقی به قانون بیمه های اجتماعی ، تنظیم لایحه جدیدی را به دولت توصیه نماید . چنین لایحه ای پس از یك تأخیر چهار ساله طی ۱۱۲ ماده و ٦۹ تبصره تنظیم‌و بالاخره در ١٤ آذر ۱۳٥۱ تقدیم مجلس شد .

بدینسان دیده میشود که مدت شش سال تمام است کارگران در انتظار تصویب لایحه قانون جدید بیمه‌های اجتماعی هستند . تصویب لایحه جدید بویژه از آنجهت مورد توجه کارگران میباشد که در آن خاطر نشان شده است : « سازمان بیمه های اجتماعی کارگران . . . شخصیت حقوقی و استقلال مالی‌واداری دارد ، و طبق مقررات آن » افرادی که بهر عنوان بدستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار میکنند . . . و افراد بلا فصل خانواده آنان از مزایای بیمه . . . استفاده خواهند کرد » . (« اطلاعات » ٥ دیماه ۱۳٥۱) .

انتظار کارگران آن بود که در تصویب‌لایحه قانون بیمه‌های اجتماعی تسریع شود . لیکن دولت بجای برآوردن این انتظار با اقدام اخیر اصولا موضوع تصویب لایحه بیمه های اجتماعی کارگران را از دستور خارج نمود . پس گرفتن لایحه بیمه های اجتماعی کارگران از مجلس، قبل از هرچیز به معنی‌طفره رفتن از تأمین خواست کارگران در زمینه بهبود امر مهم بیمه‌است . این اقدام وهم چنین تصمیم ادغام سازمان بیمه‌های‌اجتماعی کارگران در وزارت‌خانه جدیدالتأسیس رفاه اجتماعی هدفهای دیگری را نیز تعقیب میکند .

قانون بیمه‌های‌اجتماعی کارگران یك‌پیروزی طبقه کارگر ایرانست . این پیروزی پس از مبارزات طولانی بدست آمده و چنانکه میدانیم قانون بیمه‌های اجتماعی در دوره ملی شدن نفت تحصیل شده است . دولت‌ضد کارگری شاه پیوسته کوشیده است قانون بیمه‌های اجتماعی را از کارگران باز ستاند و حتی‌المقدور آنرا بی اثر سازد . از آنجا که این تلاش تا بحال در نتیجه مبارزه کارگران بجائی نرسیده اکنون مقامات دولت‌در صدد برآمده اند از راه مستحیل‌ساختن قانون بیمه‌های‌اجتماعی کارگران در قانون تأمین‌اجتماعی بهدف خود نائل شوند .

کارگران ایران مایلند بیمه شامل همه طبقات، بخصوص طبقات زحمتکش شهر و روستا گردد وبرای نیل باین هدف سالهاست مبارزه میکنند . همین امر که امروزمسئله‌بیمه برای کلیه اقشار و طبقات اجتماع مطرح‌شده‌ازنتایج مبارزه‌کارگران‌است . اگر واقعاً قصد تعمیم‌بیمه‌در موردهمه قشرها وطبقات‌درمیان است اینکار میتواند از راه تکمیل و تثبیت حقوقی که کارگران‌تا بحال در این زمینه بدست آورده‌اند انجام گیرد و نه‌از راه منتفی ساختن قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران و یا ادغام سازمان‌بیمه‌های اجتماعی کارگران در وزارت رفاه اجتماعی و از بین بردن شخصیت‌حقوقی واستقلال مالی واداری این سازمان . پیداست که هدف اقدام اخیردولت آنست که سازمان متعلق به کارگران بکلی از حیطه اختیار آنان خارج شود و موضوع نظارت نمایندگان کارگران بر این سازمان که طبق قانون موجود برسمیت شناخته شده منتفی گردد .

دولت بااستفاده از تقدیم لایحه تأمین اجتماعی به مجلس در عین حال در صدد برآمده است پرداخت حق بیمه‌بیشتری را بکارگران تحمیل نماید . طبق‌لایحه تأمین اجتماعی ، سهم حق بیمه دریافتی از کارگران از ٥ در صد به ۷ در صد دستمزد ،یعنی به یکباره ٤۰ درصدافزایش داده میشود . این بار بسیار سنگینی است بدوش کارگران که هم اکنون از نظر مواجه بودن با سطح بسیار نازل دستمزدها وگرانی سرسام‌آور و بیسابقه هزینه زندگی دروضع سخت و طاقت‌فرسائی قرار دارند .

لایحه ۱۱۸ ماده ای تأمین اجتماعی چنانکه باید به‌نیازطبقات دیگردرزمینه بیمه‌پاسخ نمیدهد وحتی خواستهای مشخصی را که اجرای آنها مورد علاقه‌توده کارگران میباشد برنمی‌آورد . مثلا، در مورد بیمه‌درمانی کارگران ، لایحه ناظر به ایجاد چنان سازمانی نیست که متناسب با تعداد کارگران بیمه شده و حوائج بهداشتی عائله آنان باشد . سازمان کنونی بیمه‌های اجتماعی‌پاسخگوی‌یك چهارم احتیاجات‌درمانی وبهداشتی بیمه شدگان نیست . لایحه تأمین اجتماعی بجای آنکه لااقل برفع این نقائص‌بپردازد ، درب مطب های خصوصی را بکارگران بیمه شده نشان میدهد . جالب اینکه در این موارد علاوه بر حق بیمه ، کارگران باید ۲۰ در صد هزینه های درمانی را رأساً بپردازند .

کارگران ایران به مبارزه خود برای تأمین خواستهای خویش در زمینه بهبود بیمه های اجتماعی ادامه میدهند . قانون بیمه های اجتماعی کارگران باید از عامیت برخوردار باشد و خواستهای کارگران را در بهبودامر بیمه ، بویژه خواست آنانرا در تأمین نظارت مؤثر خردبرسازمان بیمه‌های اجتماعی ازراه آزادی فعالیت سندیکائی واتحادیه‌ای است برآورد .

م . کارگر

دنباله رژیم شاه به نقش . . . .

کشورهای جهان آزاد را تأمین میکند باین بستگی دارد که عمان بتواند امنیت خود را حفظ کند و در برابر دسایس‌نیروهای مارکسیستی وپشتیبانان کمونیست آنها ایستادگی کند » مسلم است که رژیم محمدرضا شاه که تاج و تخت خود را با دخالت مستقیم «سیا» و در قبال واگذاری منابع ثروت نفت میهن ما به‌اربابان امپریالیستی اش باز یافته نا گزیر است به تعهدات سرسپردگی خود در برابر اربابان خویش وفا کند و فرزندان زحمتکشان ایران را بخاطر حفظ منافع‌آنان قربانی نماید . در همین گزارش گفته شده است : « سلطان قابوس از کشور های عربی برای مقابله با شورشیان ظفار درخواست کمك کرد و بدنبال آن کسی باین تقاضا وقعی نگذاشت سرانجام بایران روی آورد . طبیعی است که خلقهای جهان عرب که خود سالهای متمادی است گرم مبارزه با امپریالیسم و عمال توسعه طلب و تجاوز کار اسرائیلی آن هستند حاضر نمیشوند درکشتار برادران آزادیخواه خودشرکت جویند . این محمد رضا شاه است که درآمدهای ثروت نفت ایران را بجیب سازندگان جنگ افزار سرا زیر میکند تا با این جنگ افزار ها برای نگهداری منافع آنها و سرکوب جنبشهای مترقی و آزادیخواه در منطقه ، نقش ژاندارم را ایفا کند وبیاری سلطان قابوس بشتابد . روند رویداد های سالهای اخیر نشان میدهد که رژیمهای ضد خلقی و ارتجاعی نظیر رژیم سلطان قابوس و یار و یاور او محمد رضا شاه محکوم بزوالند . در تاریخ مبارزات جنبش رهائی‌بخش ملی خلقها چنین نمونه‌های درخشانی وجود دارد. ماشین جنگی‌غول آسای بزرگترین کشور امپریالیستی جهان که بخاطر حفظ رژیم دست نشانده خود در ویتنام جنوبی سرزمین هندو چین را به کشتارگاهی‌تبدیل کرده بود، در برابر مبارزه سر سختانه و حماسه آمیز جبهه واحد رهائی بخش ویتنام جنوبی بزانو در آمد و مردم دلاور ویتنام پیروزی تاریخی بدست آوردند ودرس آموزنده‌ای به‌امپریالیسم جهانی ورژیمهای دست نشانده آن دادند. همانطوریکه در اعلامیه مشترك جبهه خلق برای‌آزادی عمان وحزب توده ایران خاطر نشان شده است : درنتیجه‌پیشرفت‌وتحکیم‌هرچه‌بیشتر کاهش‌وخامت‌اوضاع بین المللی که محصول مستقیم تغییر روز افزون‌تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و بزیان امپریالیسم است آنچنان شرایط مساعدی بوجود آمده است که در آن امکان تجاوزات امپریالیستی وارتجاعی هر روز محدودتر وراه رسیدن به آزادی خلقها مساعدتر میگردد . شرط اساسی برای استفاده از چنین امکانات جهانی وحدت عمل کلیه نیرو های مترقی و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در داخل هر کشور و در مجموع منطقه وسراسر جهان است .

ق . پیروز

دنباله مردم پیکار جوی ایران

نویسندگان ، شاعران ، هنرمندان و ناشران شدت گرفته است . گناه آنها اینست که بوظیفه خود در قبال مردم آگاهند ، نمیخواهند به مردم پشت نموده با دشمنان مردم بیعت کنند . دکتر غلامحسین ساعدی، نویسنده‌ایکه بحق ازاحترام وعلاقه مردم برخورداراست، پس از ماهها شکنجه و باصطلاح محاکمه ، بحبس طولانی محکوم شده است . فریدون‌تنکابنی و چندتن دیگر [illegible]ـاعران‌وهنرمندان‌نیزاخیراً محکومیت یافته‌اند .

چند ماه پیش مأموران ساواك به محل تمرین نمایشنامه « انگل » اثر ماکسیم گورکی در تهران حمله برده و عده زیادی از هنرمندان ، بازیگران و روشنفکران وابسته بانجمن تأتر ایران و نیز مترجم کتاب را دستگیر کرده‌اند . درجه خودسری وبیقانونی رژیم وقتی روشنتر میشود که یادآورشویم کتاب«انگل» هم برای چاپ وهم برای نمایش دارای اجازه نامه‌رسمی وزارت فرهنگ وهنر بوده ودستگیر شدگان وابستگی سیاسی نداشته‌اند . شایع است که ناصر رحمانی نژاد کارگردان و هنرمند جوان تأتر زیر شکنجه شدید قرار دارد. قبل از یورش بمحل تمرین نمایشنامه«انگل» عده دیگری از روشنفکران نیز بازداشت شده‌اند .

رژیم‌ضد ملی وضد دموکراتیك شاه که‌پایگاهی در میان مردم ندارد، بر سرنیزه وزندان تکیه زده‌است. مأموران ساواك را از میان منحط ترین و واخورده‌ترین افراد بر میگزینند ، آنها را برای فراگیری رذیلانه‌ترین متدهای شکنجه مبارزان ، به اسرائیل و امریکامیفرستند و سپس بآنان سفید مهر میسپارد ، تا فرزندان وفادار خلق را بهر وسیله ممکن به زانودرآورند.

اما خلقهای پیکارجوی ایران هرگز تسلیم زور وشکنجه نخواهند شد . آنروز بیشك فرا خواهد رسید که مردم ایران انتقام خونها و داغها را باز ستانند و ستمگران را برکرسی اتهام نشانند . وظیفه همه مبارزان ضدرژیم است که برای سرنگونی رژیم جنایتکار کنونی ونزدیك کردن آنروز، درصف واحد مبارزه‌خود را تشدید کنند

مینو

یگانه راه واقعی برای حل اختلافات میان ایران و عراق مذاکره و توافق اصولی بین دولتین است.
حزب تودهٔ ایران همواره هوادار چنین راه حلی است.

دورهٔ ششم | اول فروردین ۱۳۵۴ | شمارهٔ صد و سی و یکم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

گردهم آئی سران اوپك در الجزایر و تعهدات ناشی از آن

گردهم آئی سران اوپك در الجزایر در روزهای ۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ اولین اجلاسیه سازمان کشور های صادر کننده نفت در سطح سران در تاریخ ۱۵ سالهٔ تشکیل این سازمان بود. اهمیت این گردهم آئی در آن بود که علیرغم توطئه و کارشکنی محافل امپریالیستی نفت، اتحاد اوپك و اشتراك منافع کشور های نفتخیز درحال رشد در ادامه مبارزه بخاطر استیفای حقوق ملی در نفت و ارتقاء این مبارزه تا سطح مبارزات ضد امپریالیستی که منعکس کننده خواستهای همه کشور های در حال رشد باشد، بار دیگر به نمایش گذاشته شد. اهمیت اجلاسیه اوپك در الجزایر همچنین در آن بود که دول عضو را به اجرای تصمیماتی متعهدساخت که به تقویت عمومی جبهه تولید کنندگان نفت و اصولا فروشندگان مواد خام بیانجامد و موجب شود تا مبارزات سیاسی و اقتصادی که برای استقرار روابط برابر و عادلانه در بازرگانی بین المللی درجهان سرمایه داری صورت میگیرد، از هماهنگی و همبستگی بیشتر و کاملتر برخوردار باشد.

سران دول عضو اوپك در گردهم آئی الجزائر متعهد شدند با در نظر گرفتن پیوند عضوی مبارزات سیاسی و اقتصادی در مسئله نفت به این ماده حیاتی، نه از دید یك منبع کسب درآمد، بلکه بعنوان حربهٔ مؤثر بمنظور استیفای کامل حقوق ملی و پایان دادن به سلطه غارتگرانه انحصارات امپریالیستی نفت بنگرند. سران اوپك متعهد شدند بمنظور طرد انحصارات عمدهٔ نفتی از مواضع غارتگرانه با لغو قرار داد های امتیازی و ملی کردن صنایع نفت اقدامات هماهنگی را انجام

دنباله در صفحه ۲

دانشجویان و استادان دانشگاه

متحدا علیه رژیم پلیسی در دانشگاه مبارزه میکنند

تظاهرات امسال دانشجویان دانشگاهها ومدارس عالی، بویژه در تهران بمناسبت ۱۶ آذر، روز شهیدان دانشجو وقایعی را بدنبال داشته که حائز اهمیت خاصی است.

پلیس که برای پیشگیری، قبل از ۱۶ آذر دانشگاه تهران را اشغال کرد وعده ای از دانشجویان را توقیف نمود، نه فقطنتوانست از تظاهرات دانشجویان بمناسبت ۱۶ آذرجلوگیرد، بلکه بدنبال این تظاهرات، که منجر به زدو خورد بین پلیس ودانشجویان ومجروح شدن عده ای از دانشجویان، توقیف تعداد جدیدی از دانشجویان، اشغال وتعطیل برخی دیگر ازدانشکده ها و مدارس عالی شد، تظاهرات متعدد و جدیدی رخ داد که هدف آن اعتراض به رژیم دیکتاتوری در ایران بطور اعم و رژیم پلیسی در دانشگاه بطور اخص، اعتراض به اشغال وتعطیل دانشگاه وتوقیف دانشجویان بود.

پلیس خشمگین، درنده ودر عین حال ناتوان، در تلاش برای سرکوب تظاهرات دانشجویان، این بار اشکارا به حمله به استادان دانشگاه نیز ... ، زیرا اشغال و تعطیل دانشگاه، ورود پلیس به ...سهای درس، ضرب و جرح و توقیف بدون دلیل دانشجویان، نارضائی و خشم و اعتراض استادان دانشگاه را نیز برانگیخته بود. در نتیجه پلیس به استادان دانشگاه نیز بی‌احترامی وتوهین کرد، برخی از آنها رامضروب ومجروح ساخت واز قرار چند نفری را نیز توقیف کرد. و این جریان بنوبه خود نارضائی و خشم و اعتراض استادان دانشگاه را تشدید کرد.

مطبوعات دولتی که در آغاز طبق معمول درباره وقایع دانشگاه سکوت کرده بودند تا افکار عمومی را از تظاهرات اعتراضی دانشجویان و اعمال وحشیانه پلیس بیخبر نگاهدارند، وقتی با اعتراض استادان

در دنباله صفحه ۲

نامهٔ رودنی آریسمندی

دبیر اول حزب کمونیست اوروگوئه

به دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفیق ایرج اسکندری

رفیق گرامی!

سپاسگزاری عمیق خود را بشما و کمیته مرکزی حزب توده ایران در قبال پشتیبانی و همبستگی دائمی شما طی مدتی که من در زندان رژیم دیکتاتوری فاشیستی اوروگوئه بازداشت بودم تقدیم میدارم.

همبستگی انترناسیونالیستی برهبری اتحادشوروی با شرکت جامعه کشورهای سوسیالیستی وجنبش جهانی کمونیستی همراه بامبارزه فعال حزب کمونیست، طبقه کارگر و همه خلق اوروگوئه عامل اصلی آزادی من از زندان بود.

البته همبستگی احزاب کمونیست و کارگری

دنباله در صفحه ۲

لایحهٔ تأمین اجتماعی

منعکس کنندهٔ خواستهای زحمتکشان نیست

لایحه ۱۱۵ ماده ای تأمین اجتماعی که پس از استرداد لایحه بیمه های اجتماعی کارگران بمجلس داده شده و اینك در شور و بررسی کمیسیونهای مربوطه قرار دارد منعکس کننده خواستهای کارگر... یست. این لایحه مورد اعتراض کارگران است و علیرغم نام و عنوانی که به آن داده شده بیمه های اجتماعی دیگر طبقات و قشرهای زحمتکش را تأمین نمیکند. لایحه همچنین بخواستهائی که کارگران در مورد بیمه داشته و از سالها به اینطرف مطرح و برای قانونی کردن آن مبارزه میکنند پاسخ نمیدهد. لایحه تأمین اجتماعی در مقایسه با حقوقی که کارگران تا کنون در اثر مبارزات طولانی خود در زمینه بیمه بدست آورده اند قدمی است به عقب.

خواست کارگران در مورد بیمه های اجتماعی

دنباله در صفحه ۲

نویسندگان و کارکنان « مردم » نوروز کهن و جشن بهاری را به همه هموطنان عزیز، هواداران و رفقای حزبی که در شرایط دشوار کنونی پرچم مبارزه را بر دوش گرفته اند صمیمانه تبریك میگویند. سالی که گذشت از یکسو نمودار تشدید مبارزات مردم علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك و از سوی دیگر بیانگر نگرانیها و دشواریهای بیشمار زندگی میلیونها زحمتکش میهن ما بود. باشد که همبستگی مبارزان و بسط مبارزات مردم روزرهائی را نزدیك کند، عید را بهمه خانه ها باز آورد و شادی را در همه دلها بنشاند.

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بارهٔ توطئهٔ اخیر رژیم شاه علیه آزادیهای دموکراتیك

دیکتاتوری خون‌آشام محمدرضاشاه که علیرغم رژیم ترور واختناق وباوجوداعدامهای بیشمار، شکنجه‌ها وبازداشتهای خودسرانه وجنایات فجیع سازمان امنیت نتوانسته است برمقاومت دلیرانه میهن‌پرستان وآزادیخواهان ایران غلبه کند اخیراً نقشه‌ی جدیدی برای جلوگیری از توسعه مبارزات مردم واعتلاء جنبش رهائی بخش خلق مطرح ساخته است.

طرحی که شاه در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳ ضمن یك کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی دائر بایجاد سازمان سیاسی واحدی‌بجای احزاب درباری موجودعنوان نموده است، در عین اینکه از سوئی آشکارا شکست سیاست سیستم باصطلاح دوحزبی رژیم را نشان میدهد از سوی دیگر حاکی از نقشه‌ی ویژه‌ای برای تشدید رژیم اختناق و ترور و گام برداری در جهت فاشیستی ساختن کامل حیات سیاسی کشور است.

در واقع اگر در گذشته شرکت در احزاب درباری جنبه‌ی اختیاری داشت، اکنون رژیم در صدد برآمده است همه مردم ایران را با ترساندن از حبس و تبعید و دیگر عواقب اتهام توده‌ای بودن وبا تهدید بعدم دسترسی بمشاغل دولتی و بیکاری بزور سازمان امنیت و قدرت دولتی در سازمان واحدی جمع کند و از آن همچون وسیله‌ای برای تفتیش عقاید و سلب هر چه‌بیشتر آزادیهای سیاسی استفاده نماید.

اظهارات شاه درکنفرانس مطبوعاتی ۱۱ اسفند گویاترین دلیل بر وجود چنین نقشه‌ای است.

وی پس از آنکه پذیرش « نظام شاهنشاهی، اصول انقلاب ششم بهمن و قانون اساسی! » را بمثابه شرط لازم برای وارد شدن در سازمان واحد ضروری و اجباری میشمرد، صریحاً تأکید میکند که: « ماباید صفوف ایرانیان را بخوبی، روشن و تمیز از هم جدا بکنیم. همه هر شخص که به سن قانونی رأی دادن رسیده باشد باید از همین حالا، از فردا! حتماً وارد این تشکیلات سیاسی بشود. » و سپس میافزاید:

« کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود ومؤمن به این سه اصل که من گفتم نباشد دو راه برایش وجود دارد: یایك فردی است متعلق به‌یك تشکیلات غیر قانونی یعنی باصطلاح خودمان توده‌ای... که جایش در زندان ایران است، یا اگر بخواهد فردا با کمال میل بدون اخذ حتی عوارضی، گذر نامه را در دستش میگذاریم و بهر جائی که دلش میخواهد برود یك کسی که توده‌ای نباشد ولی بااین‌جریان هم‌عقیده‌ای نداشته باشد، بشرطی که علناً و رسماً و بدون پرده بگوید من با این جریان موافق نیستم ولی ضد وطن هم نیستم... او آزاد است در این مملکت اما توقعاتی دیگرنداشته باشد.... »

صرفنظر از تضاد صریحی که میان آزادیهای مصرحه در قانون اساسی ایران در مورد آزادی عقاید و اجتماعات از یکسو و این نقشه سرباز خانه ای کردن حیات سیاسی از سوی دیگر وجود دارد، اصولا ادعای تسلیم بی قید و شرط به نظام شاهنشاهی، یعنی‌همان نظامی که قانون اساسی ایران را پایمال ساخته وحتی سلطنت مشروطه را سالهاست بدست فراموشی سپرده است، خودبخود عقیده داشتن بقانون اساسی را ازشرایط ورود بچنین‌سازمانی نفی میکند. در واقع چگونه‌ممکن است کسی‌جداً معتقد باصول قانون اساسی ایران باشد ودرعین حال سلطنت مستبده کنونی‌را که براساس خود کامگی شخص شاه و ترور افکار و عقاید سیاسی مردم و نقض آشکار آزادیهای مصرحه در قانون اساسی استوار شده است تأیید نماید؟!

حقیقت اینست که ورود باین سازمان علاوه بر موافقت اجباری با سلطنت خود کامه شاه که « نظام شاهنشاهی » خوانده میشود و تأیید بی چون و چرای سیاست داخلی وخارجی حکومتی که‌متکی برسر نیزه وسازمان امنیت است و به « اصول انقلاب‌ششم بهمن » تعبیر میشود، مشروط به مخالفت واقعی با اصول و مصرحات قانون اساسی است نه به قبول ظاهری آن چنانکه شاه عوامفریبانه آنرا در زمرهٔ شرایط عضویت جا میزند.

اظهارات شاه و اقداماتی که متعاقب آن از جانب مراجع مختلفه هیئت حاکمه بعمل میآید نشان میدهد که سخن‌تنها بر سر یك تغییر صوری در سازمان دو حزب درباری نیست، بلکه رژیم شاه بدینوسیله گام تازه‌ای درراه تشدید اختناق و ترور ودر جهت فاشیستی کردن کامل حیات سیاسی کشور برمیدارد.

در واقع اجبار در پذیرش رهبری بی چون و چرای شخص شاه، اعمال خشن ترین ترور سیاسی علیه مخالفان رژیم، تفتیش عقاید عمومی و اجبار در تبعیت مطلق از سیاست شخص شاه، متشکل ساختن اجباری همهٔ قشرهای جامعه ایران بوسیله سازمان سیاسی واحد خلاصهٔ نقشه تازه ای است که شاه برای تشدید محیط خفقان و ترور طرح نموده است، نقشه ای که تحت هر پوشش و بهر شکل و عنوانی که متجلی شود در فرهنگ سیاسی جز بکار بردن اسلوب فاشیستی در سیستم حکومت داری نام دیگری نمیتواند داشته باشد.

بدیهی است که طرح چنین نقشهٔ ارتجاعی علیه مردم ایران آنهم در زمانی که بشریت مترقی سی سالگی پیروزی بر فاشیسم را جشن میگیرد و رژیمهای فاشیستی یکی پس از دیگری در برابر اراده و نیروی خلق فرو میریزند، یك امر تصادفی نیست. مدتهاست که سیاست ضد دموکراتیك و ضد ملی رژیم شاه با مخالفت و مقاومت پیگیر مردم ایران مواجه است. طی دو سه سال اخیر نارضائی عمومی در نتیجه وخامت شرایط زندگی مردم شدت بی سابقه ای یافته است. قشر های تازه ای از توده های مردم ایران هرچه بیشتر علیه سیاست ترور و اختناق و سلب ابتدائی ترین آزادیهای اجتماعی و سیاسی بمقاومت و مبارزه علیه رژیم برمیخیزند. تعقیب یك سیاست ضد ملی مبتنی بر هم پیمانی با امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، تشدید بی سابقه سیاست نظامیگری و خریدهای کلان اسلحه و بتاراج دادن درآمد نفت، اتخاذ روش توسعه طلبانه و ماجراجویانه نسبت به کشور های همسایه، مداخله نظامی در عمان و لشکر کشی علیه میهن پرستان ظفار بیش از پیش خشم و نفرت عمومی را نسبت بشاه ورژیم او برانگیخته است.

در مواجهه با موج تازهٔ مبارزات صنفی و سیاسی و ضعف در برابر افکار عمومی مردم ایران است که شاه و گردانندگان رژیم یکبار دیگر به چاره جوئیهای ضد خلقی برخاسته اند. بیهوده نیست که شاه در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود نه تنها حزب تودهٔ‌ایران را مورد حمله و هجوم قرار میدهد بلکه برای نخستین بار به تهدید مخالفان غیر توده ای رژیم پرداخته آنها را از عواقب مخالفت با رژیم برحذر میدارد.

دنباله در صفحه ۲

دورهٔ ششم
شمارهٔ ۱۳۱ ـ مارس ۱۹۷۵

اعلامیه شورای جهانی صلح

برای همبستگی با خلق عمان علیه گسترش دخالت نظامی ایران

دخالت نظامی ایران در ماههای اخیر در عمان و خلیج برای کمك برژیم ارتجاعی فئودالی در مسقط فزونی گرفته و هدف آن سرکوب جنبش انقلابی خلق عمان زیر رهبری جبهه خلقی آزادی عمان است .

هدف از تمرکز نیروهای ایران در عمان اقدام بیك حمله نظامی برای تصرف و پاك کردن منطقه غربی ظفار است .

مقامات حاکمه در عمان دست به توقیف ها و اعدامهائی علیه خلق عمان که در شرایط بسیار دشواری برای استقلال واقعی ملی ، دموکراسی ، آزادی وصلح مبارزه میکنند ، زده اند .

شورای جهانی صلح از نیرو های ترقیخواه و دوستداران صلح خواستار است که هر چه زود تر به پشتیبانی و یاری جنبش آزادی خلق عمان ، برای خروج فوری نیرو های ایران از عمان و برای متوقف کردن حمله تهدید آمیز و انتقامی نیرو های ایران بشتابند .

دبیرخانه شورای جهانی صلح
هلسینکی ـ ژانویه ۱۹۷۵

لایحهٔ تامین اجتماعی . . .

و شمول آن برهمه طبقات زحمتکش آن بود که اولا کارگران کشاورزی و کارگران کارگاههای خانوادگی جزو کارگران بشمار آیند و بیمه های اجتماعی کارگران شامل حال آنان گردد . ثانیاً قانون بیمه های اجتماعی روستائیان با در نظر گرفتن شرایط خاص کار و زندگی توده دهقانان زحمتکش تکمیل وبفوریت باجرا گذاشته شود ، ثالثاً بیمه‌های موجود در باره کارگران تکمیل شود و بویژه کارگران ایران از بیمه بیکاری و شرایط سهلتر و مساعد تر بیمه های درمانی و بهداشتی ، ازکار افتادگی و بازنشستگی و دیگر مزایائی که به بیمه شده تعلق میگیرد برخوردار گردند و حق نظارت مؤثر خود را بر سازمانی که متعلق به آنهاست بازیابند .

لایحه تأمین‌اجتماعی به هیچیك از این‌خواستها پاسخ نداده است . در حالیکه در مقدمه لایحه وعده داده شده است همهٔ طبقات و قشر های مزد بگیر و دریافت کنندگان حقوق و حتی صاحبان حرف ومشاغل آزاد از مزایای بیمه برخوردار خواهند شد ، در متن لایحه انجام توقعات طبقات و قشر هائی که تا بحال بیمه شامل حال آنان نبوده به تصویب قوانین ومقررات خاص دیگر موکول شده است . ظاهراً ، پوچ بودن وعده شمول بیمه برهمه طبقات و قشرها که بهانه تضییع حقوق کارگران قرارگرفته ، ازپیش بر خود مسئو لان تنظیم کنندگان لایحه معلوم بوده است . بهمین جهت انها ضمن آنکه ابتدای لایحه چنین وعده های بالا بلندی داده اند در متن لایحه یك یك این وعده ها را پس گرفته اند .

اما آنچه به کارگران مربوط میشود اینست که خواست آنان در شمول لایحه بیمه های اجتماعی بر کارگران کشاورزی و مزد بگیران کارگاههای دستی و خانوادگی مانند سابق نادیده گرفته شده است . بجا است یادآور شویم که خواست شمول قانون کار وبیمه های اجتماعی به کارگاههای خانوادگی از مطالباتی بود که در کنگرهٔ زنان که بمناسبت سال بین المللی زن در ۱٤ دیماه ۱۳۵۳ در تهران برگزار شد و شاه نیز در آن حضور داشت ، رسماً عنوان گردید . همچنین لازمست یادآوری شود که طلب برخور داری از بیمهٔ بیکاری سالهاست از جانب کارگران مطرح شده وبرای تحقق آن مبارزه میشود . بااینحال لایحه تأمین‌اجتماعی تحقق این خواست را به تصویب قانون جداگانه ای موکول نموده است . (تبصره ۲ از ماده ۳ لایحهٔ‌تأمین اجتماعی)

نقض حقوق کارگران در لایحه تأمین اجتماعی به موارد عام محدود نمیشود . در مسائلی که با جزئیات امر بیمهٔ کارگران نیز ارتباط دارد لایحه نه تنها نظر و خواست کارگران را تأمین نمیکند بلکه در مقایسه با قانون موجود و لایحه ای که از مجلس پس گرفته شد گامی است به عقب . تردید نیست که کارگران ایران مبارزهٔ خود را برای به کرسی نشاندن خواستهای خویش تا پایان ادامه خواهند داد .

م. کارگر

یك گروه «چپ» آفریدهٔ سازمان امنیت امریکا (اف. بی. آی.)

بنا بر خبری که یونایتد پرس و آژانس فرانس پرس داده‌اند ، شخصی بنام «جوزف بارتن» به روزنامهٔ نیویورك تایمز اطلاع داده است که علاوه بر مأموریت های جاسوسی که در کانادا انجام داده ، این مأموریت نیز به او محول شده است که یك گروه «چپ» تحت عنوان «کادر های مارکسیست ـ لنینیست ستارهٔ سرخ» تشکیل دهد و بوسیلهٔ آنها هم در سازمانهای چپ درون کشور و هم در مقیاس جهانی رخنه کند . «بارتن» این وظیفه را از ژانویه سال ۱۹۷۲ تا ژوئیهٔ سال ۱۹۷٤ انجام داده است . سازمان امنیت امریکا این نکته را تصدیق کرده است که «بارتن» یك خبر چین حقوق بگیر بوده است که طی این دوران داوطلبانه اطلاعاتی در اختیار آن میگذاشته است ، ولی از توضیح بیشتر در بارهٔ چگونگی فعالیت این شخص خود داری میورزد .

یك زن ۳٦ ساله ساکن نیو اورلئان نیز به «نیویورك تایمز» اطلاع داده است که در انجام چند مأموریت در خارج از امریکا با «بارتن» همکاری داشته است . این زن در سال ۱۹۷۱ قبل از سفر نیکسون رئیس جمهور پیشین امریکا به پکن بدستور سازمان امنیت امریکا بعنوان عضو یکی از هیئتهای نمایندگی عناصر «چپ» امریکا به چین رفت و مورد پذیرائی چوئن لای قرار گرفت .

دانشجویان و استادان دانشگاه . . .

دانشگاه نیز روبرو شدند ، بدستور ساواك سکوت را شکستند و ضمن حمله معمولی خود به دانشجویان «ماجراجو» ، «اخلالگر» و «تنبل» ، کارزار بیسابقه‌ای را علیه استادان دانشگاه براه انداختند . در این کارزار ننگین ، ساواك میکوشد مسئولیت‌اشغال و تعطیل دانشگاه ، نقض حرمت مراکز عالی آموزشی ، واکنش خشونت آمیز پلیس و ضرب و جرح و توقیف دانشجویان و استادان را نه فقط مانند همیشه بگردن دانشجویان بیندازد و بوسیله روزنامه هائی از قبیل کیهان آنها را متهم کند که «بلوا راه میاندازند تا نمره مفت بگیرند» ، بلکه ساواك این بار «مسئولان مراکز آموزشی» را نیز در این «آشوب» مسئول میداند که گویا باز هم بقول روزنامه کیهان «ترجیح دادند بجای پرداختن به وظایف ومسئولیتهایشان ، تنها در اندیشه حفظ موقعیت اجتماعی و سیاسی و مالی‌خود باشند .»

ولی این کارزار ساواك علیه دانشجویان‌واستادان دانشگاه بدون‌آنکه بتواند رژیم پلیسی را در دانشگاه توجیه کند ، اعتراف ناگزیری است به آنچه که واقعاً در دانشگاهها و مدارس عالی میگذرد . و این واقعیت چنین است :

ساواك رژیم پلیسی بیسابقه‌ای را در مراکزعالی آموزشی برقرارساخته است که منافی با استقلال‌وحرمت این مراکز و ناقض بدیهی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیك است .

علیرغم این رژیم پلیسی ، ساواك نه فقط نتوانسته است جنبش دانشجوئی را سرکوب کند ، بلکه دامنه این جنبش هرروز بیشتر گسترش می‌یابد .

ساواك که با تغییرمقررات استخدامی دانشگاه امید داشت که بتواند استادان «ناراحت» را از کار بر کنار کند وعناصر مطیع را بجای آنان بنشاندوحتی بوسیله این عناصر دانشجویان را «ساکت» کند ، در این زمینه هم با شکست رو برو شده است . استادان دانشگاه در دفاع از استقلال و حرمت مراکز عالی آموزشی ، در اعتراض به‌رژیم پلیسی دردانشگاهها و مدارس عالی بیش از پیش با دانشجویان همصدا و همقدم میشوند .

بسخن دیگر اگر واقعیت دانشگاه از یکسو نشانه تشدید رژیم پلیسی است ، از سوی دیگربیانگر ورشکست سیاست رژیم در بین محافل دانشگاهی ، اعم از دانشجو و استاد ، و بازتابی از گسترش مبارزه متحد دانشجویان واستادان علیه رژیم‌پلیسی در مراکز عالی آموزشی است . و این گسترش مبارزه متحد دانشجویان و استادان علیه رژیم پلیسی چراغ نورامید بخشی است که سرانجام برظلمت ارتجاع در دانشگاه غلبه خواهد کرد .

م. انوشه

اظهاریهٔ هیئت اجرائیهٔ کمیته مرکزی . . .

حزب توده ایران وظیفه خود میداند که این نقشه صد درصد ارتجاعی را دربرابر افکار عمومی مردم ایران و جهان فاش سازد و با تمام نیروی خود علیه آن مبارزه کند .

حزب تودهٔ ایران برآنست که شرایط کنونی مبارزه متحد کلیه نیرو های ملی و دموکراتیك ایران را برای مقابله با اقدامات ضد دموکراتیك رژیم بیش از پیش ایجاب میکند . حزب توده ایران یکباردیگر از همهٔ سازمانها و گروههای ملی و دموکراتیك دعوت میکند برای مبارزه و عمل مشترك علیه اقدامات فاشیستی رژیم با حزب توده ایران همکاری نمایند . باید توانست با شجاعت و شهامت انقلابی بر پیشداوریها غلبه کرد ، تفرقه افکنان و مخالفان اتحاد نیرو ها را منفرد نمود و راه وحدت عمل و اتحاد را برای سرنگون نمودن رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه هموار ساخت .

حزب توده ایران اطمینان دارد که نقشه اسارت بار جدید رژیم شاه در برخورد با مبارزات توده های مردم ایران سرانجام با شکست مواجه خواهد شد .

هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی
حزب تودهٔ ایران
۲۲ اسفند ۱۳۵۳

گرد هم آئی سران اوپك . . .

دهند و بویژه در طرد تسلط کارتل بین المللی «هفت خواهران» از تسلط بر ذخائر ، صنایع و بازرگانی جهانی نفت ، که شرط عمده رهائی همه کشور های نفتخیز از تسلط امپریالیسم و نو استعمار است ، کوشا باشند .

طبیعی است که اینگونه تصمیمات سران اوپك در گردهم آئی الجزایر از حمایت و پشتیبانی مالی کشور های نفت خیز درحال رشد برخوردار است . اکنون وقت آنست که تعهدات این اجلاسیه بدون خدشه و با پیگیری به اجرا درآید .

دولتهای مترقی و ملی در کشور های نفت‌خیز ، که قبل از گردهم آئی سران در الجزایر نیز ، در نفت سیاست قاطع و روشنی داشتند ، پس از پایان این اجلاسیه تصمیمات جدی را درجهت تسریع رهائی کشور های خود از تسلط انحصارات غارتگر نفتی به اجرا گذاشته اند . رئیس جمهوری ونزوئلا ، همانطور که در جریان اجلاسیه سران در الجزایر اعلام داشت ، قانون ملی شدن نفت ونزوئلا را تسلیم سنای آن کشور خواهد نمود . در اکوادر ـ کشور دیگر عضو اوپك ـ بمنظور رفع عقب ماندگی قانون مترقی اصلاحات ارضی باجرا درمیآید و در جریان آن همهٔ اراضی منجمله ثروتهای نفتی کشور ملی میشود . حتی آن جناح از دول عضو اوپك که از آنها بعنوان جناح معتدل‌نامبرده میشد ، پس از پایان اجلاسیه سران در الجزایر ، تصمیمات مهمی در جهت ملی کردن کامل صنایع‌نفت اتخاذ مینماید . دولت کویت اطلاع داد که اقدامات تازه ای را برای ملی کردن کامل صنایع نفت انجام خواهد داد .

مقامات دولت ایران در گرد هم آئی سران اوپك در الجزایر شرکت کرده و علناً و رسماً اجراء تصمیمات اجلاسیه عالی این سازمان را تعهد نموده‌اند . در رأس تصمیماتی که باید در جهت اجرای تعهدات دولت ایران در قبال اوپك صورت گیرد ، لغو قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم قرار دارد که انعقاد آن در ۹ مرداد ۱۳۵۳علیه منافع ملی کشور ما ایران وبرخلاف منافع همهٔ کشور های نفتخیز انجام یافت .

خواست لغو قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم با صراحت تمام از جانب مردم ایران و نیروهای‌مترقی و ملی مطرح شده است . امپریالیسم امریکا و دیگر حامیان کارتل بین المللی نفت کشور های نفتخیز را به تحریکات گوناگون ، منجمله مداخله مسلحانه تهدید مینمایند و تقویت اوپك و جبهه مبارزه در این شرایط مستلزم اتخاذ تصمیم فوری درلغو قرارداد و احیاء واقعی قانون ملی شدن نفت است که هم اکنون مردم ایران ۲٤ ـ مین سالگشت آن را برگزار میکنند .

این امر که پس از اجلاسیه سران اوپك نیز همان سیاست نفتی حفظ مواضع امپریالیسم و کارتل بین المللی درنفت ایران ادامه داده میشود بیانگر وابستگی رژیم و تبانی آن با انحصار های نفتی امپریالیستی است ـ امری که مانع حل مسئله نفت بسود استیفای کامل حقوق ملی کشور ماست .

م. جهانی

نامه رودنی آریسمندی . . .

مانند حزب شما که در شرایط بسیار دشوار علیه امپریا لیسم و ارتجاع جهانی و رژیمهای مرتجع و دیکتاتوری کشور خویش مبارزه میکنند ، در این همبستگی انترناسیونالیستی‌مقام ویژه‌ای دارد . همبستگی و پشتیبانی حزب شما و احزاب کمونیست کشور های عربی که در کسیر مبارزه علیه امپریالیسم و تجاوز کاری اسرائیل هستند برای حزب کمونیست اوروگوئه پر ارج و ارزشمند است .

مبارزه حزب کمونیست اوروگوئه که بخشی از مبارزات خلقهای امریکای لاتین است ادامه دارد و تا پیروزی نهائی بر امپریالیسم ، ارتجاع و فاشیسم ادامه خواهد یافت . این یك امر خطیر انترناسیونالیستی است و بدینجهت همبستگی انترناسیونالیستی میان احزاب ما و مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی از وظایف مشترك ماست . امروز که بیش از هر زمان‌جنبش همبستگی بین المللی نیرومند است باید کوشید تا میهن پرستانی را که در زندانها بسر میبرند از بند آزاد ساخت . قبل از همه لوئیز کوروالان در شیلی ، آنتونیو مدان در اوروگوئه وزندانیان سیاسی‌در کشور های دیگر .

در اوروگوئه که جنبش نیرومند کارگران ، و توده های وسیع خلق برهبری کمونیستها وجوددارد ، آزاد کردن صدها تن از زندانیان سیاسی و رهبران اتحادیه‌ها و نمایندگان جنبشهای دموکراتیك مانند رفقا ژم پرز ، ژرژ مازارویش ، ادواردوویرا و نیز ژنرال دموکرات لیبر سرگینی و سرهنگ دموکرات کاراوس ژوفریاتکی امکان پذیر است . پایه های سیاسی واجتماعی رژیم دیکتاتوری اوروگوئه بسیارضعیف ومتزلزل است ولی ازجانب امپریالیسم پشتیبانی‌میشود . سیاست این رژیم دیکتاتوری ، یعنی سیاست پیگرد و فشار و زندان و فریب از طرف تمام نیروهای مترقی و دموکراتیك جهان بسختی محکوم میشود .

در پایان کامیابیهای شما را در مبارزه دشوار در راه اجرای وظایفی که در برابر حزب توده ایران قرار گرفته و استحکام دوستی و همکاری نزدیك بین دو حزب‌برادرمان را از صمیم قلب آرزو میکنم .

موفقیت و بهروزی شخص شما وهمهٔ رفقای‌حزب را خواستارم

رودنی آریسمندی   مسکو ـ ۱۸ فوریه ۱۹۷۵

«مردم» را بخوانید و برای دوستان خود در داخل و خارج از کشور ارسال دارید .

رادیو پیك ایران را بشنوید !

رادیو پیك ایران همه روزه از ساعت ٦ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵ ، ۲٦ و ۳۱ متر بزبانهای کردی ، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند . عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ٤۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد .

رادیو پیك ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید !

چاپ دوم کتاب «چگونه فولاد آبدیده میشود» منتشر شد

وحدت عمل نیروهای انقلابی و تشدید مبارزه شرط لازم برای سرنگونی رژیم استبدادی شاه است

دورهٔ ششم | اردیبهشت ۱۳۵۵ | شمارهٔ صد و پنجاه و پنجم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

تشدید بحران در درون رهبری مائوئیستی

حوادث روز های اخیر در جمهوری توده ای چین بار دیگر بحران سیاسی عمیقی را که در نتیجه اندیشه های ضد مارکسیستی مائو، جامعه چین به آن دچار گشته، با برجستگی ویژه ای متجلی نمود و نشان داد که نتایج سیاست داخلی و خارجی رهبری مائوئیستی مردم چین را هر چه بیشتر بسوی بن بستهای سیاسی میکشاند.

معلوم شد که «انقلاب سفید» سالهای شصت که مظهری از نبرد برسر قدرت وبمنظور تصفیه حساب با مخالفین سیاسی و تحکیم مواضع گروه رهبری مائوئیستی بدستور مستقیم مائوتسه دون براه انداخته شد، نه تنها نتوانسته به نتایج مطلوب برای مبتکرین آن برسد، بلکه شکاف در میان جناحهای مختلف در رهبری چین و مبارزه بر سر قدرت میان این گروهها را تشدید نموده و این اختلافات در میان توده های

دنباله در صفحه ۲

درود پرشور به کارگران و زحمتکشان ایران!

(پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه)

کارگران و زحمتکشان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز اول ماه‌مه، روز همبستگی جهانی زحمتکشان، روز رژه نیروی شگرف کارگران جهان را بشما شاد باش میگوید. زحمتکشان میهن ما امسال نیزجشن اول ماه مه را درشرایط تشدید ترور و اختناق رژیم استبدادی محمد رضا شاهی، در شرایط تشدید بهره کشی سرمایه داران داخلی و خارجی، در شرایط دشوار وسخت زندگی و شرایطی که پاسخ خواستهای صنفی آنانرا با گلوله و زندان وبیرون راندن از کار میدهند، برگزار میکنند!

روز تاریخی اول ماه مه روز اعلام خواستهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر درکشور های سرمایه‌داری زیر پرچم مبارزه برای وصول بآنهاست. در گذشته طبقه کارگر ایران با مبارزه پیگیر خود زیر رهبری حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران وزحمتکشان ایران حکومت ایرانرا وادار کرد که این روز را بعنوان روز جشن کارگری برسمیت بشناسد. ولی حکومت ایران تاآنجا که‌توانست ازبرگزاری این‌جشن در عمل‌جلوگیری کرد، اما سر انجام در نتیجه مبارزه مداوم زحمتکشان بار دیگر بقبول آن بعنوان روز کارگر تن در داد، در عین حال کوشش کرد رژه نیروی کارگری وطرح خواستهای آنرا باجتماعات محدود در کارخانه‌ها و برای‌تبلیغ بسود رژیم تبدیل کند.

زحمتکشان ایران سیاست ضد کارگری رژیم را هر کس با پوست و گوشت خود لمس میکنند. سطح زندگی روزانه خانواده های کارگران و زحمتکشان بعلت افزایش روز افزون هزینه زندگی مرتباً پائین میآید، بهای کالا های روزمره ابتدائی آنان‌چند برابرمیشود، مزدهای ناچیز زحمتکشان‌یاثابت میماند ویا مبلغ بسیارکمی که با افزایش قیمتهامتناسب نیست بدان اضافه میگردد. قانون هشت ساعت کار در روزاجرا نمیشود، قانون کاروقوانین بیمه های‌اجتماعی محصول مبارزه پی گیر طبقه کارگر است که بدرستی اجرا نمیشود. هنوز دهها هزارکودك خرد سال‌برخلاف قانون کار بسختی استثمار میشوند، هنوز مزد زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان یکسان نیست.

کارگران وزحمتکشان‌ایران! شماازآزادی‌سندیکائی وهرگونه آزادی وحقوق دمکراتیك محرومید. دستگاه جهنمی ساواك سندیکا های دولتی را بر شما تحمیل و حق انتخاب‌نمایندگان‌واقعی‌را از شماسلب کرده‌است.

رژیم استبدادی ایران از یکسو ثروتهای‌طبیعی میهن ما و از جمله منابع گرانبهای نفت را بانحصار های امپریالیستی به بهای نازل میفروشد و درآمد آنرا بجای‌صرف درراه بهبودزندگی‌شما واکثریت‌مردم‌ایران بصندوق انحصار های اسلحه سازی، بجیب‌های‌پرنشدنی شاه و خانواده‌اش، بدرباریان کاسه لیس، بفرماندهان ارتش تجاوز کار، بجنایتکاران ساواك و دستگاههای گوناگون «امنیتی»، به بسیاری از کار شناسان جاسوس و رنگا رنگ امپریالیست ها و بطبقات ممتاز، میپردازد. این کاخهای بلند، این ماشینهای آخرین سیستم، این پولهائیکه در بانکهای خارجی روی هم

دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در بارهٔ درگذشت رفیق آذری



با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق آذری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان در ۲۴ اسفند سال ۱۳۵٤ در گذشت.

رفیق میرآقا آذری درسال ۱۲۸۲ هجری‌شمسی در دهکده «زاویه» از محال خلخال متولد شد. رفیق آذری از سنین جوانی در صفوف حزب کمونیست‌ایران ودرجنبش گیلان شرکت کرده و پس از سرکوب‌این جنبش مجبور بمهاجرت گردید.

وی در سال ۱۳۱٦ بایران بازگشت و بسال ۱۳۲۲ در تهران بعضویت حزب توده ایران درآمد و در اراك عضو کمیته ولایتی حزب بوده و ضمناً از مؤسسین اتحادیه کارگران راه آهن شهر اراك و سپس مسئول این اتحادیه بود.

رفیق آذری در سال ۱۳۲٤ در تبریز بعضویت «فرقه دمکرات آذربایجان» درآمده، در دوران‌حکومت ملی آذربایجان بریاست اداره راه آهن آذربایجان رسید و در عین حال بعضویت شعبه تشکیلات دوازدهمین حومه کمیته شهری تبریز و شورای اتحادیه های کار گری آذربایجان انتخاب شد. رفیق آذری در سال ۱۳۲۵ به اتحاد شوروی مهاجرت کرده و در این دوران نیز در امور حزبی شرکت فعال داشته است. رفیق آذری از سال ۱۳۳۹ عضو کمیته مرکزی فرقه دمو- کرات آذربایجان و حزب توده ایران است.

با مرگ رفیق آذری حزب ما یکی از مبارزان با سابقه و با ایمان خود را از دست داده است. ما این ضایعه را به همهٔ رفقای حزبی و بازماندگان رفیق فقید صمیمانه تسلیت میگوئیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مصاحبه هدیه عبد الناصر دختر جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر با روزنامه «الدستور» چاپ اردن

هدیه عبدالناصر اظهار داشت: حمله و افترا به پدر من بلافاصله پس از درگذشت وی آغاز شد. این تبلیغات ابتدا در محافل محدودی جریان داشت و سپس جنبه گسترده، آشکار و رسمی بخود گرفت. هدف این تبلیغات از بین بردن میراث ایدئولوژیك و سیاسی نخستین رئیس جمهور مصر و خصلت و نتایج انقلاب مصر است. هدیه عبدالناصر متذکر شد این تبلیغات محکوم به شکست است، زیرا مردم برای کارهائیکه ناصر برای خلق خود انجام داده، ارزش قائلند. علیرغم تبلیغات ضد ناصر، شماره طرفداران ناصر بویژه میان کارگران و دانشجویان روبفزونی‌است. ضمناً مسئله بر سر این نیست که چه کسی موافق یا مخالف ناصر است، اکثریت جمعیت ۳۷ میلیونی مصر از انقلاب مصر که سمتگیری سوسیالیستی دارد پشتیبانی میکنند.

هدیه عبدالناصرگفت تلاش رهبری کنونی مصر برای کاهش نقش رئیس جمهور فقید مصر ناصر، مبتنی بر پندارهای واهی است. خدمت پدر من در آنستکه برهبری وی انقلاب ضد استعماری و ضد امپریالیستی در مصر انجام گرفت و این انقلاب برای دیگر کشور های عربی راهگشا بود. باید متذکر شد که درست ناصر بود که در مقابل همه مانور ها و توطئه های‌دول امپریالیستی ایستادگی میکرد.

روزنامه «پراودا» ۲۲ آوریل ۱۹۷٦

در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۷٦ در روزنامه انگلیسی «تایمس» و نیز در روزنامه فرانسوی «لوموند» متن گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» در انگلستان نشر یافت. از آنجا که این گزارش ازطرف نمایندگان لیبریست حاکی از یك گواهی بین‌المللی دیگر بر فقدان کامل هرگونه قانونیتی در سیر رسیدگیها و محاکمات و تسلط بیرحمانه «ساواك» در ایران است، لذا ترجمه آنرا برای اطلاع بنظر خوانندگان ارجمند «مردم» میرسانیم.

حکومت ایران فرومایه ترین حکومت جهان است

(متن کامل گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی درایران» منتشره در«تایمس» لندن)
(۵ شنبه ۱۲ فوریه ۱۹۷٦)

ایران کشوری است که در آن زندانی سیاسی بحد وفور یافت میشود. شاه ورژیم او از دادن‌هرگونه اطلاعاتی درباره شماره آنها خود داری میورزند. شماره زندانیان‌سیاسی درایران از ۲۵۰۰۰ تا ٤۰۰۰۰ تخمین زده میشود. درهر حال، رقم حقیقی سرسام آوراست. سالهاست که محاکمات و رأی های دادگاهی نگرانی جهانیان رابرانگیخته‌است. اعدام‌چیزی است عادی، بار ها وجود شکنجه و دادگاه های صحرائی ادعا شده و در برخی موارد نیز بثبوت رسیده است. در سالهای پیش چندین گروه بین المللی بازرسی به ایران سفر کرده اند. همه آنها از عکس العملی یکسان خبر میدهند: سکوت رسمی! شاه خیلی علاقمند است که نقش میزبان کنفرانسهای بین المللی را پیرامون حقوق بشر بازی کند، مشوق قطعنامه های مترقی در باره حقوق بشر باشد و در گفتار های خود به‌هواداری ازاصول حقوق بشر بشتابد. اما، هنگامیکه مسئله تحقیق در باره رژیم خود او پیش آید، مقامات رسمی اواصولا از هرگونه همکاری خودداری می‌ورزند.

اعلام تیر باران نه نفر باصطلاح چریك در تاریخ ۲٤ ژانویه بر سیاهه افرادی که بموجب اطلاعات موجود سرنوشتی مشابه گریبانگیر شان شده است، افزود. هیچ کس حق ندارد از «مستند» اتهام اطلاع یابد و محاکمات دیگر علنی نیست. بخلاف دیگران، این افراد لا اقل میدانند که تیر باران آنها دستوری است. برخی دیگر، مثلا نه زندانی سیاسی در اوایل ۱۹۷۵ ظاهراً «بهنگام فرار از زندان» بضرب گلوله از پای در آمدند. به هیچ کس اجازه بازدید از جنازه آنها و رویت گزارش پزشك قانونی داده نشد.

ما در اوت ۱۹۷۵ «بنام «کمیته پارلمان بریتانیا برای‌دفاع از زندانیان‌سیاسی در ایران، رهسپار تهران شدیم. قصد ما آن بود که در باره شایعات و ادعاهای مبنی بر بدرفتاری با زندانیان سیاسی تحقیق کنیم و بکوشیم تا با چند زندانی که نامشان را در دست‌داشتیم مصاحبه‌ای بعمل آوریم. مانند هیئت‌های اعزامی دیگر، بچشم خود دیدیم که رژیم تا چه اندازه پنهانکار است.

با این همه امکان آن هست که بر پایه اطلاعات‌خود ودیگران و واقعیات منظره های احتمالی از جریان آخرین قربانیهای منتسب به گروه نه نفر را توصیف کنیم.

میتوان‌حدس زدکه آنها بوسیله ساواك، پلیس سیاسی آن کشور، دستگیر شده و مدت زمانی نیز در توقیف بسر برده اند. احتمال میرود که ساواك در طول‌این‌مدت از آنهابازپرسی‌بعمل آورده‌است. وکلای مدافع متهمان حق ملاقات از آنها را نداشته اند. از قرار معلوم زندانیان دوران بازپرسی را دریکی اززندان های کشور، احتمالا در زندان بد نام «کمیته»، واقع در مقر ساواك، بسر برده اند. بنا به تجربیات گذشته میتوان حدس زد که آنها نیز افتخار آشنائی باوسائل‌جالب دستگاههای‌الکتریکی‌رژیم را داشته‌اند! در ادعاهای مختلف از بسیاری ازچنین آلات، از جمله نوعی اجاق که بر اثر حرارت سرخ میگردد وهمچنین دادن شوك برقی به اعضای‌تناسلی، سخن گفته‌میشود. اگر این روش ها موثر واقع نگردد، امکان آن هست که بمنظور کسب اطلاعات، بستگان نزدیك متهمان دستگیر ودر برابر دیدگان آنها شکنجه شوند. ده روز پیش از آغاز داد رسی، متهمان اجازه می یابند که با وکلای مدافع خود ملاقات کنند. اینان معمولا از صلاحیت قضائی بی بهره اند و افسران باز نشسته و یا در حال خدمت هستند که با اجازه رژیم منصوب‌میشوند. داد رسان از میان افسران ارشد برگزیده میشوند. کیفر خواست کتباً و همراه با پرونده های ساواك ارائه میگردد. ظاهراً اظهارات متهمان تنها مستند شفاهی بوده است، زیرا که شهود وکلای مدافع پذیرفته نشده اند. تاکتیك وکیل مدافع را تا حدی مدارك اثباتی تعیین کرده است. احتمالا، مورد استناد ساواك اقرار متهمان بوده است که امری است قابل بحث و از طریق شکنجه تحمیل شده است. امکان دارد که متهمان درخواست عفو کرده باشند.

یاد آوری این نکته سودمند می‌نماید، که‌در گذشته برخی از وکلای مدافع، بعلت کوشش برای آزادی موکلان خود، موردغضب اولیاءامور واقع شده، تحت تعقیب قرار گرفته و محکومیت یافته‌اند.

محاکمات بدوی و تجدید نظر در خفا و سری انجام گرفته است. مطبوعات این کشور، که تحت سانسورشدید قرار دارند، تنها اطلاعاتی راچاپ‌میکنند که دولت در اختیار آنها گذاشته است.

نکته جالب دیگر آنست که ما در جریان

دنباله در صفحه ۲

تسلیت

چنانکه روزنامه های ایران خبر داده اند ، مهندس عباس وثوق حقیقی بعلت بیماری سرطان در تهران در گذشته است . مهندس وثوق عضو سابق شعبه تشکیلات کل کمیته مرکزی حزب توده ایران و دو بار ، یکبار از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ بمدت پنج سال وبار دیگر ازسال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸ باز هم بمدت پنجسال یعنی جمعاً ده سال زندانی بوده است . مهندس عباس وثوق حقیقی تا باز پسین دم زندگی به آرمان حزب توده ایران وفا دار و در محیط کار وزندگی بین دوستان و آشنایان خود از محبوبیت فراوانی برخوردار بوده است .

ما در گذشت نا بهنگام رفیق دیرین و مقاوم خود را به باز ماندگان ، رفقای حزبی و دوستان رفیق فقید تسلیت میگوئیم .

هیئت تحریریه « مردم »

تشدید بحران در درون . . .

وسیع زحمتکشان کشور نیز بازتاب یافته‌است . طی‌چند روز اول ماه آوریل در میدان مرکزی شهر پکن «تیان آن مین» تظاهرات انبوهی از اهالی پکن تشکیل گردید که آشکارا به اعتراض علیه رهبری مائوئیستی و سیاست آن تبدیل گردید . گر چه در صورت ظاهر انگیزه‌این تظاهرات برگزاری روزیاد بود درگذشتگان که از سنن ملی خلق چین است و نیز بزرگداشت یاد بود نخست وزیر فقید چوئن لای و نثار تاج گل بپای بنای یادگار قهرمانان انقلاب بود ، ولی از شعارهائیکه در این تظاهرات داده میشد و نوشته های روی نوارهای تاج گل معلوم شد ، این انگیزه تنها دستاویزی برای ابراز اعتراض متشکل اهالی پایتخت علیه رهبری مائوئیستی بود . درگذشت نخست وزیر چوئن لای عامل تازه‌ای برای تشدید مبارزات درون رهبری مائوئیستی برسر قدرت بود وموجب شد که این مبارزات از چهار چوب اختلافات میان گروههای مختلف در رهبری خارج شود و بشکل تظاهرات گسترده اهالی پایتخت چین علیه مجموعهٔ اندیشه ها و سیاست مائوئیستی بروز نماید .

روزنامه «زود دویچه تسای تونگ» چاپ آلمان باختری خاطر نشان میکند : «تظاهرات ضد مائوئیستی در میدان «تیان آن مین» نشان داد که اپوزیسیون درون چین که رشد سالم اقتصاد کشور را بر شعار های انتزاعی و بی محتوی مائوتسه دون ترجیح میدهد قوی تر از آنست که گروه رهبری مائوئیستی تصور میکند ».

در مورد این تظاهرات مطبوعات خود چین هم نتوانستند این بار با فرمولهای مبتذل مبارزه علیه «طرفداران راه سرمایه داری» ، «انحراف از اندیشه های مائو» وغیره انگیزه و محتوی اصلی این تظاهرات را بد نام کنند و ناگزیر به اعتراف این مطلب شدند که : «لبه تیز اعتراض شرکت کنندگان درتظاهرات علیه مائوتسه دون متوجه بود» . هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ضمن تصمیم در مورد برکناری «دن سیائوپین» از همه مقامهای حزبی ودولتی و انتصاب «هوآ گوفن» بمقام نخست وزیری و معاون اول صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ، تظاهرات میدان «تیان آن مین» را بعنوان یك اقدام ضد انقلابی محکوم نمود و دن سیائوپین و هوا داران وی را مسئول این اقدام شناخت . اما در حقیقت این تصمیمات رهبری مائوئیستی تنها تلاشی است برای گمراه ساختن افکار عمومی توده های وسیع خلق چین و استتار انگیزه های واقعی بحران درون رهبری چین، بطوریکه روزنامه «نیویورك تایمز» خاطر نشان میکند ، تصمیم در مورد برکناری دن سیائوپین را باید نه انجام بلکه آغاز مبارزات شدید تر و تعمیق بیشتر بحران درون رهبری مائوئیستی و همه جامعه چین دانست .

روزنامه «ژن مین ژیبائو» طی مقاله مبسوطی در مورد حوادث اخیر در پکن اعتراف میکند که در میان رهبری مائوئیستی مبارزات شدیدی بر سر قدرت در جریان است و نیز وجود نارضائی از سیاست رهبری کنونی را پنهان نمیکند . اما بشیوه معمولی مائوئیستی انگیزه این حوادث «قانونمندی مبارزه طبقاتی» در درون جامعه چین و «مبارزه دو خط مشی» در درون حزب کمونیست چین ارزیابی شده و با این فرمولها تلاش میشود علت عمده تشدید بحران در داخل رهبری مائوئیستی که به اشکال مختلف اعتراض و مقاومت میان قشرهای مختلف اهالی کشور علیه مجموعه سیاست خارجی و داخلی مائوتسه دون و گروه طرفدار وی در رهبری بازتاب می‌یابد ، استتار شود .

تظاهرات در میدان «تیان آن مین» ، نمودار تازه ای از آنستکه مبارزات سیاسی درون رهبری چین اشکال حادتری بخود میگیرد و بغرنج تر میشود و این حوادث قبل ازهمه بازتاب روشنی از مرزبندی مشخص‌تر میان قشرهای مختلف جامعه چین است که با آگاهی به پی آمدهای زیان بار مجموعه اندیشه ها و سیاست مائوتسه دون و گروه هوادار وی‌برای آینده خلق و کشور چین ، وارد صحنه پیکار میشوند .

ق. پیروز

درود پرشور به کارگران و . . .

گذاشته میشود و این زندگیهای افسانه وار که شما رنگ آنها را حتی در خواب نمی بینید ، جز از راه تاراج و غارت دسترنج شما و ثروتهای کشور از جای دیگری بدست نیامده است .

کارگران ، زحمتکشان !

شاه و عمال حکومت مطلقه اش در همانحال که گنجهای خود را از ثمره رنجهای شما پر میکنند برای گمراه کردن شما بیشرمانه وریاکارانه از یگانگی منافع کارگر و کارفرما دم میزنند . مدعی هستند که باوضع قوانین سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها ، با فروش سهام کارخانه ها به کارگران ، کارگر وکارفرما را برادر وار بهم پیوند داده ، اختلاف طبقاتی واستثمار را از بین برده و عدالت اجتماعی را برقرار کرده اند! اما باز هم شما بهتر از هر کس میدانید که مقصود از این ادعاهای پوچ جلوگیری ازمبارزات شما واستثمار هرچه بیشتر شماست . هدف رژیم استبدادی از این عوامفریبی ها تخدیر طبقه کارگر ، جلوگیری از رشد آگاهی و مبارزات مطالباتی وسیاسی او است . وابسته کردن سندیکاهای کارگری بحزب‌شاه فرموده «رستاخیز» نیز هدفی جز کشاندن طبقه کارگر بدنبال سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیك رژیم و برقراری کنترل هرچه دقیقتر همه زحمتکشان و انحراف جنبش کارگری از مبارزه واقعی صنفی وسیاسی ندارد . رژیم ضد کارگری ایران به نیروی طبقه کارگر واقف است ، زیرا ضرب شست این طبقه را در آن روزگاری که در آغاز رشد و گسترش خود بود ، چشیده و بخوبی میداند که‌اگر امروز که‌طبقه کارگربمراتب ازدورانهای گذشته نیرومندتر شده متحد شود و بمیدان مبارزه قدم گذارد ، خطر بزرگی برای بساط ستمگری شاه و غارتگری سرمایه داران وزمینداران بزرگ خواهد بود ، از این رو با تمام وسائل کوشش میکند که این طبقه را بفریبد و از گسترش پیکار طبقاتی آن جلوگیری کند .

اما با وجود کوششهای رژیم واقعیات نشان میدهد که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما گول حکومت کارگر کش را نمیخورند . در یك سال اخیر میهن ما شاهد جنبش گسترده مطالباتی و حق طلبانه رنجبران برای دفاع ازحقوق خود بوده‌است . اعتصابات خونین کارگران پارچه بافی شاهی ، کارگران ماشین سازی اراك ، کارگران کارخانه چیت سازی کرج ، کارخانه نساجی شهناز و کارخانه صنایع پشمبافی در اصفهان ، کارگران صنایع نفت جنوب ، کارگران کوره پز خانه ها و دهها اعتصاب دیگر گواه صادق بر این مدعا است که طبقه کارگر ما با وجود رژیم پلیسی ساواك و روبرو بودن با خطر مرگ ، زندان و اخراج از کار ، دلیرانه از حقوق خود دفاع میکند و کارفرمایان و رژیم پشتیبان آنها را وادار بقبول تمام یا بخشی از خواستهای خویش مینماید . گسترش جنبش اعتصابی در سالی که گذشت نشانه بالا رفتن سطح آگاهی زحمتکشان و نوید بخش تشکل و اتحاد هر چه بیشتر آنها در مبارزات آینده است . زحمتکشان ما در جریان مبارزات حق طلبانه خود پی میبرند که تنها از راه نبرد متحد وسازمان یافته میتوان و باید از منافع خود در برابر سرمایه‌داران بزرگ‌غارتگر وحکومت استبدادی متعلق بآنها دفاع کرد . کشتار بیرحمانه دهها کارگر ، باز داشت و اخراج صد ها نفر از زحمتکشان در جریان اعتصابهای گذشته چهره زشت و نفرت‌انگیز رژیم و حیله گریهای او را بیش از پیش رسوا وآشکار کرده وزحمتکشان را از این راه‌بااین‌حقیقت که مبارزه مطالباتی با مبارزه سیاسی علیه رژیم ضدکارگری پیوند ناگسستنی دارد ، آگاه میکند . هیئت حاکمه در مبارزه علیه کارگران وزحمتکشان برای ادامه غارتگری خود از کلیه وسایل ترور و اختناق و تبلیغات گمراه کننده استفاده میکند ، در مقابل این وسائل تنها سلاح برنده شما اتحاد ، تشکل و مبارزه است . گروههای چپ نما که کوشش دارند پاره ای از عناصر بی‌تجربه کارگری را از راه درست مبارزه منحرف کنند و به ماجراجوئی بکشانند عملا بطبقه کارگر خیانت میکنند .

خواهران و برادران زحمتکش !

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران دارای سنت های با ارزش مبارزه صنفی و سیاسی هستند و اگرامروز حکومت مطلقه محمد رضا شاهی این طبقه را برسمیت میشناسد و محیلانه خود را جانبدار او مینمایاند ، نتیجه مبارزات دشوار و پر فراز ونشیبی است که زیر رهبری شورای متحده مرکزی‌اتحادیه‌های کارگران وزحمتکشان ایران و رهبری سیاسی حزب توده ایران بعمل آورده است . برای اجرای درست و رفع نواقص قوانین کار گری موجود ، برای بالا بردن دستمزدهای خود بتناسب بالا رفتن هزینه زندگی ، برای گسترش آموزش‌حرفه‌ای و بالا بردن سطح مهارت زحمتکشان ، برای یکسان کردن مزد زنان در برابر کار مساوی با مردان ، برای آزادی سندیکائی وبرای رسیدن به حقوق صنفی وسیاسی خود آتش پیکار را تند تر و فروزان تر کنید ! همگام با دیگر نیرو های ملی برای جلوگیری از خرید های سرسام آور تسلیحاتی که در آمد کشور را بسود انحصارات اسلحه سازی امپریالیستی می بلعد ، برای خروج نیروهای متجاوز ایران از عمان که بنام کمك بسلطان‌قرون‌وسطائی‌قابوس‌وبرای سرکوب جنبش رهائی بخش‌خلق‌مظلوم ومحروم این کشوربدانجا اعزام شده‌اند ، برای‌جلوگیری‌از برباد دادن بزرگترین ثروت ملی‌نفت و اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و برای برچیدن بساط جهنمی ساواك که هرگونه آزادی و امنیت را از مردم سلب کرده و سایر هدفهای ملی و ضد امپریالیستی مبارزه کنید . مبارزه شما به دیگر نیرو های ملی و دمکراتیك که برای آزادی و استقلال کشور و ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم از میهن گرامی ما در شرایط بسیار دشواری نبرد میکنند ، نیرو می بخشد و بآنها الهام میدهد .

حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، با ایمان راسخ به نیروی رهائی بخش شما یقین داردکه دیر یا زود روزی خواهد رسید که شما روز اول ماه مه را در ایرانی آزاد و آباد جشن بگیرید .

زنده باد روز اول ماه مه ، روز همبستگی‌بین‌المللی زحمتکشان !

پیروز باد مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

حکومت ایران فرومایه ترین . . .

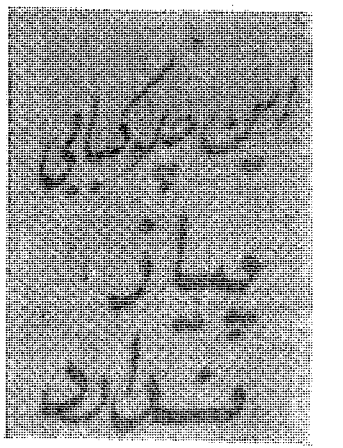
تحقیقات خود ، چه پیش ازسفر به‌تهران و چه پس از آن ، هیچگاه چیزی در باره تبرئه متهمان از جانب محاکم نظامی نشنیدیم . زمانی بود که مردم‌میتوانستند در جریان این داد رسیها شرکت کنند . برای نمونه ، در جریان محاکمه برخی از افراد منتسب به « گروه ۹ نفر » که در سال پیش به گلوله بسته شدند ، گروهی از ناظران‌خارجی امکان شرکت درآنرا یافتند. همین ناظران خارجی که جراحات وارده به متهمان را بچشم خود دیده اند ، وجود شکنجه راتأیید میکنند .

باپپای افزایش اهمیت ایران‌برای اقتصادجهانی و اظهارات علنی شاه در باره پشتیبانی از حقوق بشر ، اختناق داخلی رژیم او نیز فزونی می‌پذیرد . دیگر به ناظران اجازه شرکت در دادرسی های نظامی داده نمیشود. اکنون‌حتی‌ازسوی‌اپوزیسیون قانونی نیز دیگر تظاهری بعمل نمی آید و تنها حزب قانونی ، « حزب رستاخیز » است . ساواك به فعالیت‌های بی‌حد وحصر خود ادامه میدهد .

* * *

نبودن اطلاعات رسمی تنها میتواند حدسیات را را دامنه بخشد . نباید تردید داشت که این حدسیات بر واقعات استوار است . ما تأیید میکنیم که در ایران مردم‌به حدسیات نامبرده‌اعتقاد دارند . متأسفانه ، بخلاف کشور هائی مانند اسپانیا ، که از لحاظ اقتصادی اهمیت کمتری دارند ، اعدامهای پیاپی در ایران ، چنانکه‌می باید ، خشم‌وواکنش‌جهانیان را برنمی‌انگیزد. فعلا ، در ایران از حیث شدت‌تضاد میان رژیم وملت ، شاید فرومایه ترین حکومت جهان فرمانروائی میکند.

اشعار فکاهی رسیده از : آلاله



اعلان یك دکان چلو کبابی

گرانی پیاز

تازگیها گشته‌ای « خان » ، ای پیاز !
همسر اشراف و اعیان ، ای پیاز !
با توانگر یار و همبر گشته ای
می گریزی از فقیران ، ای پیاز !
دیزی آبگوشت را دادی طلاق
طالبی بر کبك بریان ، ای پیاز !
در هوای وصل تو با اشکنه
زیر پا کردیم تهران ، ای پیاز !
در فراوانی تو بودی بی نظیر
گاه بودی قاتق نان ، ای پیاز !
کشت سبزیکار را زینت بدی
پس چه شد آن روزگاران ، ای پیاز !
غیبت کبری نمودی از وطن
آمدی از هند و افغان ، ای پیاز !
پول کود تو بعنوان « کمك »
هدیه شد بر انگلستان ، ای پیاز !
گر تمدن این بود دروازه اش
ننگ بر دروازه بانان ، ای پیاز

☆ ☆ ☆

دلارفشانی اعلیحضرت

زهی افتخار و زهی افتخار !
که نظمی معظم شده برقرار !
جهان میسراید سرودی رزین
که فردوس گردیده ایران زمین
ز فرهنگ وبهداشت دیگر مگو
تو اصلا مریضی در ایران مجو
و گر بیسوادی در ایران بود
یقین دان ز نسل دلیران بود
نیامد از این در بکف پول نفت
از آن در بحکم شهنشاه رفت
چرا غرب باید شود ورشکست
عمو سام قلدر شود زیر دست
سهام کروپ را خریدیم بیش
عزیز است هرجابود قوم وخویش
مبادا بریتانیای کبیر
ز اسب بزرگی در افتد بزیر
وفا راه و رسم نیاکان ماست
کمك بر بریتانیا زان ماست
که آنها بما نیز یاری کنند
خر مرده را اسب گاری کنند
الا ای بزرگان دنیای غرب
در ایران بود لقمهٔ نفت چرب
اگر خوکهاتان کمی لاغرند
بهل در علف زار ما می چرند
چو کنسرسیوم هست از دوستان
ز سعدی شنو پندی از بوستان :
«تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی »

سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است
اتحاد عمل همهٔ نیرو های مخالف رژیم در یك جبهه ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است

دورهٔ ششم | اردیبهشت ۱۳۵۵ | شمارهٔ صد و پنجاه و ششم

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیرامون تشکیل
«سومین کنگرهٔ کارگران ایران»

از تاریخ سه شنبه‌هفتم تاپنجشنبه‌نهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ بمدت سه روز اجتماع بزرگی بنام «سومین کنگره کارگران ایران» در تهران بر گـزار شد. چنانکه مقامات دولتی اظهار داشتند در این اجتماع ۲۳۵۶ نفر بنمایندگـی از جانب ۷٦۷ سندیکا و ۱۸ اتحادیه کارگری موجود ، که در هر حال بنا به ارقام رسمی بیش از سه میلیون نفر از کارگران را در بر میگیرد ، شرکت داشتند . تصویب اساسنامه جدید سازمان کارگران ایران و بر رسی برخی مسائل کارگری در دستور کار کنگره قرار داشت .

چنانکه برنامه جدید حزب توده ایران تصریح مینماید در جامعه کشور ماایران تحول طبقاتی چشمگیری بسود کارگران صورت‌گرفته است . عامل کار مزدوری در کشور ما ایران بصورت عمده ترین عامل محرکه اقتصاد واجتماع در آمده . طبقه کارگر بعنوان پرشمار ترین طبقات جامعه در حال شکل گرفتن است و رفته رفته در مجموع سکنه کشور اهمیت و وزن مخصوص بیشتری کسب میکند . هم اکنون تعداد مزد بگیران کشور برقمی نزدیك به پنج میلیون نفـر بالغ میشود . این مجموعه کسانی را شامل میشود که نیروی کار ، تنها وسیله ارتزاق و کسب معاش آنهاست و بگفته مارکس «شاهین عریان» و کارگر بشمار میروند.

لیکن تنها افزایش مطلق تعداد کارگران‌نیست که در جامعه ایـران به آنهـا وزن و اعتبار مخصوص میدهد . نظـر بسوابق مبارزاتی و بویـژه تأثیری که حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی در بیداری طبقاتی و تربیت سیاسی طبقه کارگر ایـران داشته و دارندکارگران ایران از نظر روحیه تشکیلاتی از دیگر طبقات جامعه ایران‌ممتاز شده‌اند . این تمایل بدرجه‌ای قـوی و سابقـه دار است که حتی در شرایط فشار و تضییقات پلیسی اثر میبخشد .

افزایش تعداد سندیکا های دولتی (در شرایط کنونی رژیم دیکتاتوری در ایران امکان دیگری‌برای تجمع کارگـران وجود ندارد) از ٦۲ سندیکا در شش سال قبل به ۷٦۷ سندیکا در سال جاری و تجمع ولو صوری بیش از سه میلیون نفر از کارگران زیر چتر سندیکاهائی که زیر نظر دولت و سازمانهای آن قرار دارد بیانگر تأثیر ایـن پدیده است که دیگر هیـچ نیروئی نمیتوانـد طبقـه کارگـر ایـران را که بصورت کثیر العده ترین طبقه در جامعه ایران در آمـده و در میآید نا دیـده انگـارد . شم طبقاتی و آگـاهی سیاسی طبقه کارگـر ایران بدرستی تشخیص میدهد هنگامیکه ارتجاع هار امکان ایجاد سازمانهای اصیل سندیکائی و اتحادیه ای را از کارگران‌سلب مینماید، آنها میتوانند وموظفندامکانات دیگر مبارزه صنفی واجتماعی را برای نیل به‌خواستهای روز خود مورد استفاده قرار دهند .

تشکیل «سومین کنگره کارگـران ایران» در تهران را باید در این شرایط مورد بررسی و توجه قرار داد . کارگران و مسائل آنان اکـنون در جامعـه ایران در سطح وحجمی مطرح است که دیگر نمیتوان آنهـا را ندیـده گرفت و چنانکه در دوره دیکتاتوری

دنباله در صفحه ۲

۲۱ اردیبهشت
روز عمل مشترك برای رهائی زندانیـان سیاسی

نارضایتی فزاینده و گسترش مبارزات پنهان و آشکار و تنگتر شدن پایگاه اجتماعی رژیم ، واقعیتی است انکار ناپـذیـر . زندان هـا انباشته از مبارزانی است که آگاهانه و فعالانه علیه اقدامات ضد دموکراتیك وضد ملی رژیم شاه ، بر صحنه مبارزه گام گـ... و بجای پیروی از منافع محـدود و سود جویانه ، خود را وقف مصالح آتی میهن خویش ساخته اند . وظیفه هر میهن پرستی دفاع از چنین‌زنان ومردان رزمنده، غیور و سرشار از شور و ایمان انقلابی است .

رژیم شاه باتکیه برشیوه های ددمنشانه‌شکنجه و قتل ، به مصاف مخـالفان سیاسی خـود رفته است . قتل‌های پی در پی خیابانی (که دراین روز ها منجر به کشته شدن یازده تن در نقاط مختلف شد) کشتار زندانیان‌ببهانه فرار ، کشتار درزیر شکنجه ، شکنجه با هدف درهم‌شکستن پایداریها ، انواع فشار های روحی برزندانیان ، کتاب سوزی به سبك فاشیستهای هیتلری، حذف‌حق ملاقات ، حذف حق هوا خوری ، جلوگیری از زندگی جمعی ، کاهش جیره روزانه ، کمی و بدی غذا وضرب وجرح‌زندانیان از جمله شیوه‌های رذیلانه ای است که رژیم شاه از آن برای انتقام‌گرفتن ازمخالفان سیاسی خـود استفاده میکـند . این حقیقتی است که علیرغم فشار شدید ، مبارزه مردم نه تنها کاهش نیافته، بلکه باتشدید جهات ارتجاعی رژیم‌گسترش یافته‌است.

زندانهاانباشته است، اما تعداد زندانیان سیاسی روشن‌نیست. شاه با رد فرستادگان سازمانهای بین‌المللی وازجمله‌نمایندگان انجمن بین‌المللی‌حقوقدانان دمکرات، سازمان بین‌المللی‌عفوو کمیسیون‌حقوق بشر، برروی‌تعداد زندانیان و شرایط جهنمی زندانها سر پوش نهاده است . اما مطبوعات خارجی تعداد زندانیان سیاسی را ٤۰ تا ٤٥ هزار نفر و گاه ارقامی بیش از اینها ذکر کرده اند . آنچه مسلم است یورشهای دائمی نظامیان شاه به کارخـانه ها ، دانشگاهها و مراکـز مذهبی و سرکوب اعتصابهای کارگری و تظاهرات دانشگاهی

دنباله در صفحه ۲



رو روزبه قهرمان ملی ایران

اخیراً برخی نشریات منتشره در خارج از کشور (اروپای غـربی و آمریکا) مسئله ملی را در ایران تحت عنوان نادرست ترك و فارس و گاه با شیوه ای که نتیجه آن قهراً ایجاد تفرقه ملی در میان زحمتکشان ایران و ایراد اتهام به حزب ما و اتحاد شوروی است ، بمیان کشیده اند . خود طرح مسئله ناشی از آنست که چون مسکوت گذاشتن تضاد های ملی در جامعه ایران ممکن نیست ، عناصری میکوشند آنرا از مجرای سالم خود خارج سازند . فرقه دمکرات آذربایجان ، سازمان ایالتی حزب ما درآذربایجان نامـه زیرین را به رهبری حزب نگاشته و بدرستی خواستار کارزار ایدئولوژیك با ایـن نظریات شده است . ما در گذشته اسناد متعددی در اطراف مسئله ملی در مطبوعات ورادیو ، بزبانهای خلقهای ایران منتشر کرده ایم . در آینده نیز مطبوعات و رادیو حزب با این جریانات ناسالم و نادرست بشکل مشخص مقابله خواهند کرد . اینك نامه فرقه دمکرات آذربایجان :

نامه فـرقه دمکرات آذربایجـان
سـازمان حزب توده ایران در آذربایجان
به هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز !

موافق «نشریه» ای‌که اخیراً بدست مارسیده ونمونه آن به پیوست‌تقدیم میشود ، معلوم میگردد که عده ای در صددند از توجه توده ها به سوی شعار های حزب ما و کشش خلقهای ایران بجانب برنامه برابری و برادری خلقهای ایران و بویژه مبارزات قهرمانانه و پیگیر نهضت آزادیخواهی ایران و جنبش ۲۱ آذر خلق آذربایجان ، علیه وحدت درونی خلقهای ایران سوء استفاده کنند ، بدین معنی که با پیش کشیدن لفظ و اصطلاح «ترك» و اطلاق آن به خلق آذربایجان (که قرنهاست به صورت خلقی واحد واصیل تشکیل یافته) نغمه های کهنه مرتجعین پان ترکیستی را بار دیگر زنده کنند .

در این راه ناشران‌لایحه تا آنجا پیش تاخته‌اند که‌نهضت ۲۱ آذر خلق آذربایجان را در ردیف‌طغیان

دنباله در صفحه ۲

«دیداری زیبـا و با شکوه»

سرانجام زاغه نشینان جنوب تهران «صاحب» شهرکی برای خود شدند . از آنجـا که تأسیس این شهرك نتیجه اقدامات شبانه روزی «شهبانوی‌پرعطوفت» ایران بود ، لازم آمد که خود از این شهرك دیداری کنند تا ثمرات این دلسوزی و غمخـواری را بچشمان خویش ببینند . روز ۹ اردیبهشت شهبانو با هلیکوپتر بر فراز شهرك جدید به پرواز پرداختند و پس از این که بر بالای گود ها و شهرك گود نشینان چند دوری زدند و از آسمان با اوضاع آشنا شدند ، برای گفتگو با مردم بر زمین فرود آمدند .

داستان را از زبان گزارشگر «اطلاعات» بشنویم که گزارش خود را با ایـن کلمات دل انگیز آغاز میکند : «دیداری زیبا و با شکوه از مسکن آنهـائی که زمانی گود نشین بودند» .

گزارشگر اطلاعات تاریخچه ایجاد این شهرك را چنین بیان میکند : «عکسهائی از وضع زندگی‌این مردم در سه سال قبل به حضور شهبانو تقدیم شد» و مشاهده ایـن عکسها قلب رئوف و احساسات لطیف شهبانو راچنان بدرد آورد که برای آشنائی بیشتر و نزدیکتر با وضـع زندگـی این زاغه نشینان «دو سال قبل یکبار . . . درحالیکه شهردار پایتخت نیز همراه بود» با هلیکوپتر از تهران ، بخصوص مناطق جنوب شهر دیدن کردند» . این آشنائیهای «بسیار نزدیك» از وضع محروم ترین مردم تهران که از راه عکسهای زمینی و دیدبانی هوائی انجام گرفته بود ، چنان قلب نازك و ظریف و پرسوز بانوی اول مملکت را به لرزه و تپش انداخت کـه در همان «دو سال قبل دستور فرمودند که برنامه خاصی برای رفاه مردم جنوب شهر بمورد اجرا گذاشته شود» و در اجرای این فرمان شهبانو بلا فاصله «شورای عمران جنوب تهران» تشکیل شد و «کلیه سازمانها بکار گرفته شدند : وزارت نیرو تهیه آب مورد نیازرا عهده‌دار شد ، وزارت آبادانی و مسکن و وزارت بازرگانی برای آماده کردن خـانه ها دست بکار شدند ، وزارت تندرستی و رفاه و سازمان زنان ایران بهداشت و رفاه منطقه را متعهد شدند و بالاخره شهرداری پایتخت هم ۳۰ وسیله نقلیه و دویست کارگر برای پیشبرد برنامه ها دراختیار شورا گذاشت» و البته «آقای هویدا هم نظارت کلیه

دنباله در صفحه ۲

پیروزی نمایان حزب کمونیست پرتقـال در انتخابات پارلمانی

نتایج انتخابات پارلمـانی ۲٥ آوریل در پرتقال نشان دادکه مردم پرتقال عزم راسخ دارند از دستاورد های انقلابی خـود دفاع کـنند و به پیشروی در راه تحولات اجتماعی دمکراتیك در کشور خویش ادامـه دهند .

پیروزی نیرو های چپ در انتخـابات پارلمانی پاسخ دندان شکنی بـود به نیرو هـای امپریالیستی و ارتجاع جهـانی و نیرو هـای ضد دمکـراتیك و آنتی کمونیست که تلاش دارند با توطئه و تحریك علیه‌نیرو های چپ بویژه حزب کمونیست پرتقال از روندپیشرفت انقلابی دراین کشور جلوگیری نمایند . حزب کمونیست پرتقال با اینـکه عملا در نواحی پرجمعیت شمالی کشور مجبور شده است بصورت مخفی زندگی خود را ادامه دهد ، با اینـکه فعالیت انتخاباتی‌را در شرایط نامساعدی انجام میداد و در تمام دوران قبل از انتخابات آمـاج اتهامات و تبلیغات دامنه دار ضد کمونیستی از طرف رهبران احزاب بورژوازی و سوسیالیستهای راست و گروههای تفرقه افکن و خرابکار مائوئیستی وارتجاع و امپریالیسم جهانی بود ، با اینـکه امپریالیسم جهانی و سازمانهای جاسوسی‌آن از هیچ کار شکنی در پیشرفت انتخاباتی کمونیست‌ها مضایقه نـکردند ، با اینهمه موفق شد که در ایـن انتخابات مواضع خود را مانند یك نیروی اجتماعی و سیاسی وزین در جامعه کشور نه فقط تثبیت کـند ، بلـکـه بسط دهد . قریب ۱٥ در صد انتخاب کنندگان آراء خود را به نامزد های نمایندگی حزب کمونیست دادند کـه در نتیجه چهل کـرسی نمایندگی‌در پارلمان برای این حزب تأمین گردید .

در این انتخابات میان احزاب سیاسی شرکت کننده در دولت ، حزب کمونیست یـگـانه حزبی بود که توانست نسبت به انتخابات مجلس مؤسسان ده کرسی نمایندگـی بیشتر بدست آورد ، در حـالیکه دیـگر احزاب نسبت به انتخابات مجلس مؤسسان‌تعدادی ازآراء ودرنتیجه تعدادی کرسی نمایندگی درپارلمان‌را از دست دادند ، از آنجمله حزب سوسیالیست کـه ۱۰ کرسی نمایندگـی کمتر از انتخابات مجلس مؤسسان

دنباله در صفحه ۲

پیرامون تشکیل سومین کنگره . . .

رضا شاه معمول بود به کارگر « عمله » گفت و یامانند منوچهر اقبال از پشت تریبون مجلس گفت « من از این کلمه اعتصاب نفرت دارم » . حالا رژیم میکوشد بطرق گوناگون از بسط مبارزات اصیل کارگری و سیر این مبارزات درجهتی که سریعتر هدفهای سیاسی ـ اجتماعی وطبقاتی کارگر را بر آورده میسازد ، جلوگیری نماید. تشکیل کنگره‌های فرمایشی هدایت شده ازبالا ، سرگرم‌نگاه‌داشتن کارگران بادادن‌وعده‌های فریبنده ، تشکیل سندیکا واتحادیه های کارگری با سپردن‌مقامات حساس ورهبری آنها بدست عوامل شناخته شده‌وپلیسی ابزاری هستند که برای نیل به این هدف به خدمت گرفته میشوند . این اقدامات روی دیگر آن مدالی است که سیاست « تازیانه و خرما » نام دارد ورژیم در سیاست کارگری خود ، بویژه آن زمان که به تازیانه با خشم پاسخ داده میشود و نه با تسلیم ، بدان توسل میجوید .

از آنچه گفته شد معلوم است که در جامعه ایران‌دیگر بر سرضرورت‌فعالیت سندیکائی واتحادیه‌ای کارگران و تشکل و تمرکز آنان در سازمانهای صنفی نمیتواند صحبت باشد . نیروی بالقوه عظیم کارگران ایران ، که از خمیر مایه آگاهی سیاسی و طبقاتی که حزب توده ایران وشورای متحده مرکزی آن رابوجود آورده اند برخوردار است ، رژیم حاکم را به شناسائی حقوق صنفی کارگران وادار میکند . منتهـا در کار همین شناسائی و عقب نشینی است که رژیم ضد ملی وضد دمکراتیك برای خـود داری از عقب نشینی های بیشتر دست به مانور میزند و هنگامیکـه به شناسائی جنبش سندیکائی و اتحادیه ای کارگران ایران مجبور گردیده از تن دادن به استقلال و اصالت این جنبش امتناع میورزد . رژیم تمام کوشش خود را برای قراردادن جنبش سندیکائی واتحادیه ای کارگران زیر تسلط خود و نظارت سازمانهای امنیتی و احزاب خلق الساعه (که حزب رستاخیزنمونه جدیدآنست) بکار میبرد . تشکیل « سومین کنگـره کارگـران ایران » در چهار چوب چنین برداشتی از جانب رژیم تحقق یافته که طبیعی است با خواستهای کارگران و ماهیت جنبش اصیل سندیکائی و اتحادیه‌ای مغایرت آشکار دارد .

لیکن تنها از نظر محتوی نیست کـه تشکیل کنگره ای با کیفیت « سومین کنگره کارگـری » پاسخگوی جنبش واقعی سندیکائی و اتحادیه ای کار گران ایران نیست . هم از این نظر کـه ساده ترین حقوق کارگران در فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای‌زیر پا گذاشته شده : کارگران از انتخاب آزاد نمایندگان خود محروم بوده و در همان شرایط سندیکاها و اتحادیه های رسمی موجود نیز حق اظهار نظر آزاد درباره مسائل کار و زندگی خود را نداشته‌اند. کنگره‌ای که از بالا تشکیل‌گردیده‌واجد صلاحیت نبوده و نمیتواند باشد .

چگونه میتوان اجتماعی را که باشرکت صدها نفر افرادی که با مسائل کارگری کوچکترین ارتباطی ندارند تشکیل شده ، وبویژه همین افراد با زیر پا گذاشتن ساده تـرین حقوق سندیکائی و اتحـادیه ای کارگران به مقامهای رهبری تحمیل شده اند « کنگره واقعی کارگران» نامید؟آن تعدادکثیر کارگرانی که بنام نماینده کارگر در کنگره شرکت داده شدند یکبار دیگر بروشنی دیدند که هـدف از تشکیل کنگـره دولتی بنام کنگره کارگران تن دادن به قبول شناسائی فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه‌ای نبوده بلکه استقرار نظارت و کنترل همه جانبه تری ازجانب دولت وحزب شهساخته بر جنبش سندیکائی و اتحادیه ای کارگران است .

در نتیجه چنین وضعی بود که خواستهای کار گران درکنگره تحقق نیافت . کارگران میطلبند که مسائل عمده تشدید استثمار از طریق روز کار ۱۲ تا ۱٤ ساعته در کارخانه ها و کارگـاهها ، عقب مـاندن فاحش دستمزد ها از قیمت حد اقل هزینه زندگی وحد اقل دستمزد ، شرایط سخت کار و مسکن ، عدم‌رعایت بهداشت و حفاظت فنی ، فرار کارفرمایان از اجراء قوانین موجود کار و بیمه و نظائر این مسائل درکنگره مطرح شود . کارگران میخواهند سازمـان مستقل کار گری بوجود آید و آزادی و استقلال فعالیت سندیکائی و اتحـادیه ای محترم شناخته شودو به تضییق و فشار پلیسی و امنیتی بر سازمانهای کارگری پایان داده شود. کنگره کارگران محل طرح و بحث و تصمیم گیری در باره این مسائل بود .

لیکن شاه و نخست وزیر و دیگر مقامات دولتی وظایف دیگری برای کنگره کارگران تعیین نمودند . آنها بدون توجه به درجه وحشتناك استثمار و فقر کارگران ایران از آنها خواستند « درجه بهره‌وری کار خود را چه از نظر کمیت و چـه از نظر کیفیت بیشتر و باز هم بیشتر کنند » و توقع افزایش دستمزد نداشته باشند ، زیرا گویا « کارگران ایران هم اکنون بنسبت تولید ناخالص ملی یکی از بالا ترین دستمزدها رادرجهان» دارند. تصویب‌واجرای‌قوانین مترقی‌کارگری خواست کارگران ایران است . لیکن پاسخ زمامداران ان بود که گویا «در ۱۳ سال گذشته در ایران‌مترقی ترین ، انسانی ترین و عادلانه ترین قوانین و مقررات کار تصویب و اجـراء گـردیده است .» به خواست استقلال جنبش سندیکائی و اتحادیه ای نیز با این ادعا پاسخ رد داده شد که گویا « دولت خود پشتیبان و مدافع منافع حقه کارگران است ».

چنانکه می بینیم اجتماعی که بنام « کنگـرهٔ کارگران ایران» تشکیل گـردیده به خواستهای کار گران در هیچ زمینه ای پاسخ نداده است . از اینرو طبیعی است که تشکیل ایـن کنگره نمیتواند در برخورد کارگران ایران به ضرورت ادامه مبارزه بمنظور تأمین خواستهای صنفی و اجتماعی خـود تغییری وارد کند . تنها آنچه کنگره کارگری نشان داد این واقعیت بود که رژیم قادر نیست جنبش سندیکائی و اتحادیه‌ای کارگران ایران را نادیده گرفته و طبقه کارگر ایران را با وعده و فریب در بن بست محـرومیت از داشتن سازمانهای سندیکائی و اتحادیه ای نگاه دارد .

کارگـران ایران بـرای بسط مبارزات صنفی و اجتماعی محتاج سازمان های اصیل ، آزاد و مستقل سندیکائی و اتحادیه ای هستند که با تشکیلات‌متناسبی کلیه کارگران را در سراسر کشور فراگیرد و با تکیه به نیروی طبقاتی و تشکل کارگران قادر باشد ازمنافع کارگران در برابر سرمایه و دولت مدافع آن دفاع‌بعمل آورد . تا زمانیکه چنین پیروزی نصیب کارگران ایران نشده ، طبیعی است که یکی از طرق مبارزه استفاده از عقب نشینیهای رژیم و امکاناتی است که در چارچوب فعالیت ایجاد سندیکاها و اتحادیه های رسمی و دولتی برای پیش بردن نظریات و مقاصد کارگـران بوجـود میآید. به‌تشکیلات موجوددولتی سندیکائی واتحادیه‌ای و سازمانهائی که رژیم تحت عنوان سازمانهای کارگری بوجود میآورد کارگران مبارز ایران از این دیدگـاه مینگرند . کارگران ایران به این واقعیت وقوف کامل دارند که تنها با تکیه به مبارزه است که میتوانند خواستهـای واقعی صنفی ، اجتماعی و طبقاتی خـود را تحقق بخشند .

م . کارگر

۲۱ اردیبهشت روز عمل مشترك . . .

تعداد زندانیان را در سالهای اخیر بطور سرسام آوری افزایش داده است . در میان زندانیان سیاسی ، عده‌ای زنان ومردان وجود دارند که یابدلیل شرکت مستقیم‌در مبارزات مردم ویا بعلت تعلق خانوادگی شکنجه شده، محکومیت یافته و یا حتی بدون حکم محکومیت زندانی‌اند . مأموران بی‌آبروی‌سازمان امنیت شاه بازنان ودختران و مادران رفتاری رذیلانه دارند .

وظیفه همه مبارزان خارج از زندان است که برای رهائی همرزمان دلیر خـود از چنگال دژخیم در هرکجا که هستند نبرد خود را تشدید کنند . مبارزان خارج از کشور با استفاده از امکانات مساعدی که در اختیار دارند میتوانند به شیوه های گوناگون ، افکار عمومی جهان را بیش از پیش علیه جنایات رژیم نسبت بزندانیان سیاسی بسیج نمایند . هم اکنون کمیته‌های دفاع از زندانیان سیاسی ایران که در کشور های فرانسه و ایتالیا با شرکت رجال و شخصیتهای برجسته اجتماعی و سیاسی تشکیل شده اند ، برنامه دراز مدتی را برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در برابر رژیم خونخوار شاه در دست عمل دارند ، که اقدامات آنها بدون تـردید کـمك ارزنده ای در دفـاع از حقوق رزمندگان ایرانی خواهد بود . مبارزان داخل کشور میتوانند علاوه بر مبارزه بـرای رهائی زندانیان سیاسی با جمع آوری کمك ، زندانیان و خانواده های آنانـرا یاری رسانند .

* * *

حزب ما بمناسبت ۲۱ اردیبهشت ، روزشهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه ـ روز زندانیان‌سیاسی ـ بار دیگر از همه مبارزان ایـران ، از همه سازمانهـا و گروههای ضدرژیم طلب میکند که مشترکا و باوحدت عمل برای دفاع از زندانیان سیاسی اقدام کنند . نباید به جلاد امکان داد تا با استفاده از پراکندگی نیروها، جنایات خود را علیه جان زندانیان سیاسی بیش از این گسترش بخشد . رژیم شاه میان توده ای و مصدقی ، چریك و مجاهد فرقی نمیگذارد و همه مخالفان خود را در شرایط واحد میگیرد و می بندد و شکنجه میدهد و میکشد ، چـرا باید مواضع مختلف سیاسی ، بهانهٔ اقدامات پراکنده و بدون نقشه در مبارزه با رژیـم آدمکش شاه قرار گیرد . یگـانگـی برنامه عمل همهٔ نیرو های ضد رژیم ، از آنجمله در عرصه مبارزه برای رهائی زندانیان سیاسی ، میتواند به رزمندگان دلیری که اسیر دژخیم اند یاری رساند .

میتو

پیروزی نمایان حزب کمونیست پرتقال . . .

بدست آورد . علت عمده این عدم موفقیت را باید در ناپیگیری خط مشی‌سیاسی این حزب وگذشت دربرابر محافل دست راست و اقدامات ضد کمونیستی پاره‌ای از رهبران آن جستجو کرد .

بسیاری از عناصر ضد فاشیست و دمکرات نیز آراء خود را به نامزدهای نمایندگـی حزب کمونیست دادند، زیرا معتقد شده‌اندکه پیروزی حزب کمونیست در انتخابات میتواند وثیقه عمده ایجاد اکثریت‌پارلمانی از نیرو های چپ و تشکیل دولت نیروهای چپ باشد و تشکیل چنین دولتی خود یگانه وسیله برای تأمین ادامه راه انقلاب و تحولات اجتماعی با سمت گـیری سوسیالیستی در کشور خواهد بود .

پیروزی حزب‌کمونیست پرتقال در این‌انتخابات بویژه در نواحی صنعتی کشور و مناطقی که در آنها اصلاحات ارضی اجرا میشود بسیار چشمگیر بود و این امر نمودار بارز آنستکـه سیاست حـزب کمونیست با منافع و خواستهای حیاتی توده های زحمتکش مـردم پرتقال کامـلا مطابقت دارد . ولی برنامـه های ما قبل انتخاباتی احزاب و نیرو های راست نشان داد که‌آنها از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع میکنند و باملی کـردن صنـایع بزرگ ، بانـکـها ، شرکـتهای بیمه ، اصلاحات‌ارضی‌و نظارت کارگری برمؤسسات صنعتی که در قانون اساسی مصوب مجلس مؤسسان تصریح شده است مخالفند .

قانون اساسی‌جدید پرتقال‌که از روز ۲۵ آوریل روز آغاز انتخابات پارلمانی بمـرحله اجـرا در آمد به دستاوردهای انقلاب پرتقال اعتبار قانونی داد . تصویب این قانون اساسی که در نتیجه نزدیکی میان حزب کمونیست‌وحزب سوسیالیست‌وحزب جنبش دمکراتیك پرتقال در مجلس مؤسسان و آراء متفق آنان بیکرشته از مهمترین مسائل و اقدامات هم‌آهنگ آنها علیه‌جبهه متحد احزاب راست بورژوازی امکان پذیر گردیده نشان داد که تنها با همکاری وتشریك مساعی نیروهای چپ میتوان ثمرات انقلاب را حفظ نمود وراه پیشرفت آنرا تأمین ساخت .

اکنون که انتخابات پرتقال با پیروزی نیروهای چپ وکامیابی نمایان حزب‌کمونیست به انجام رسیده، بطوریکه رفیق آلوارو کونیال دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال طی مصاحبه مطبوعاتی خاطر نشان نموده ، برای تشکیل اکثریت از نیرو های‌چپ در پارلمان‌کشور امکان واقعی پدید آمده است وحزب کمونیست پرتقال تمام هم خود را در راه ایجاد چنین اکثریتی بکار خواهد برد .

نتایج انتخابات در پرتقال برای استحکام نظام دمکراتیك موجود ، تثبیت دستاورد های انقلابی خلق و برای آنکه جنبش نیرو های مسلح و ارگان نماینده آن یعنی شورای انقلاب مانند گذشته درزندگی سیاسی کشور شرکت فعال داشته باشد امکانات فراوانی پدید آورده است .

پیروزی نیرو های چپ در انتخابات نشان داد که اکثریت‌قاطع خلق‌پرتقال گرایش براست وانحراف از راه انقلاب را محکـوم میکنند و راه حل معضلاتی را که کشور با آنها روبروست در ادامه پیشروی در راه انقلاب می بینند . محافل دمکراتیك پرتقال وحدت تمام‌نیروهای ترقیخواه غیرنظامی وارتشی را برای‌پیشروی در این راه ضرور میشمرند و بر این عقیده اند که‌تنها چنین وحدتی میتواند پیشرفت آینده کشور را در سمت تعیین شده در قانون اساسی که اکثریت قاطع مردم پرتقال به آن رأی داده اند تأمین سازد .

ح . پژواك

نامه فرقه دمکرات آذر بایجان . . .

ارتجاعـی ایل قشقائی که در سال ۱۳۲۱ با نقشه و شرکت مستقیم عمال هیتلری بر پاگردید قرار داده‌اند.

تردیدی نیست که این قبیل اقدامات در زمینه وطن‌عزیز ایران وبویژه آذربایجان ودرمیان روشنفکران آن امکان جان گرفتن و رشد ندارد . با همهٔ این کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ـ سازمان حزب توده ایران‌در آذربایجان ـ لازم میداند نظررهبری حزب رابهاینگونه تمایلات وسوء استفاده از مسئله ملی در ایران و مسخ و تحریف آن جلب نماید . ما عقیده داریم توجه بیشتر به روشن ساختن‌مسئله ملی در ایران و حل واقعـی مارکسیستی ـ لنینیستی آن در شرایط میهن ما ایران بدون امکان دخالت عناصر امپریالیستی در شرایط کـنونی از وظایف ضـرور ایده‌ئولـوژیك و تبلیغاتی است . نظر رهبری حزب را به این توضیح جلب میکنیم تا با همه گونه وسایلی که در اختیار دارد در راه مقابله باخطرات احتمالی اینگونه تمایلات اقدام نماید ومبارزه با آنها را به هر نحوی که‌مقتضی بداند پیش ببرد وسازمان فرقه دموکرات آذربایجان را نیز در این مورد بنحو لازم یاری دهد .

صدر فـرقه دموکـرات آذربایجـان
سازمان حزب توده ایران در آذربایجان
غ . دانشیان

« دیدار زیبا و یا شکوه »

برنامه‌ها را عهده‌دار شد ».

دوسال‌ازآن زمان گذشت‌چون بانوی‌اول‌مملکت نگران وضع گود نشینان جنوب تهـران بودند ، روز ۹ اردیبهشت ، باز سوار بر هلیکوپتر «دیداری زیبا و باشکوه از مسکن آنهائی که زمانی گود نشین‌بودند» بعمل آوردند .

ولی باز کوه موش زائیده بود . برای ٦۰ هزار سکنه گود های جنوب چند ساختمان احداث شده‌بود که نام آنرا شهرك گذاشته بودند و البته با این‌وعده که تعداد خانه‌ها به « ده هزار خانه مسکونی خواهد رسید که شهرکی است با همه تأسیسات مورد نیاز یك شهرك ، پارك ، مدرسه ، درمانگاه ، فضای‌سبز . . . » .

ولی برای آنکه برای گود نشینها سوء تفاهمی ایجـاد نشود ، گـزارشگـر اطلاعات بلا فاصله اضافه میکند : « اما چند نکته هنوز وجـود دارد » و اصل مسئله نیز بر سر همین چند نکته است :

پیشنمازیکی از مساجدجنوب‌بعرض شهبانورساند که : « بچه‌های محل بدلیل نبودن مدرسه از [illegible]ل باز میمانند » ، « فرزندان گود نشینان بدلیل دور بودن از مدارس جنوب شهر اغلب دیرتر بمدرسه میروند و تحصیل آنان با اشکال همراه » است و خلاصه «تقاضا در مورد ایجاد مدرسه جدید و یا گسترش مدارسی که موجود است از شهبانو بسیار بود » ؛

« . . . فاضلاب تهران که از کنار این شهرك میگذرد ، مشکل بزرگی است که وزارت نیرو قول داده است آنرا حل کند و بوی تعفنی را که بمشام میخورد از میان بردارد » ؛

شهبانو پس ازدیدار هوائی وشنیدن « یك یك گزارش‌ها » کشف فرمودند که « یکی از مسائلی که مردم این منطقه دارند کمبود اتوبوس و وسائط نقلیه است » ؛

و البته « مسئله کمبود آب یکی از مسائلی بود که مردم با شهبانو در میان گذاشتند . بدلیل آنکه اغلب خانواده هائی که در جنوب شهر بخصوص خارج از محدوده خدمات شهری قرار دارند ، فاقد لوله کشی آب هستند » .

دراین میان گزارشگر اطلاعات از فقدان وسایل اولیه بهداشت و درمان ، فقدان کتابخانه و سینما و تأتر ، میزان درآمد و نـوع کار ساکنین این شهرك سخنی بمیان نمیاورد . شاید صلاح نبوده است بیش از این از « زیبائی » و « شکوه » این دیدار شهبانوی ایران کاسته شود .

الف

سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است

اتحاد عمل همهٔ نیروهای مخالف رژیم در یک جبههٔ ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است

دورهٔ ششم — اول تیر ۱۳۵۵ — شمارهٔ صد و پنجاه و نهم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

سیاست ایجاد گروه بندیهای نظامی

تحت هر عنوانی که باشد منافی با صلح و مصالح خلق کشور ماست!

(پیرامون مصاحبه شاه با نماینده روزنامه مصری «الاهرام»)

شاه در مصاحبه با سامی هاشم نماینده روزنامه مصری «الاهرام» (اطلاعات ۲۰ خرداد ۱۳۵۵) به مطالب زیادی اشاره کرده که بخش عمده آنرا مسائل مربوط به امنیت منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و برخورد رژیم به این مسئله در بر میگیرد.

شاه در پاسخ به این پرسش که: «آیا در صدد هستید کشور هائی مانند عربستان سعودی را به‌سازمان عمران منطقه‌ای (آر. سی. دی.) ملحق کنید» گفت:

«در کنفرانس ازمیر تصمیماتی گرفته شد. سازمان منطقه ای همواره فرصت پیوستن کشور های منطقه را به این سازمان داده است. من از اینهم فراتر رفتم، حدود یکسال ونیم پیش دیداری از کشور های جنوب شرقی آسیا، مالزی، اندونزی، سنگاپور، حتی استرالیا ونیوزیلند داشتم. در بازگشت درد هلی نو تشکیل یك بازار مشترك از کشور های ساحلی اقیانوس هند را مطرح کردم... ولی فکر میکنم در ظرف امروز و فردا عملی نمیشود.»

باید گفت از بدو تشکیل پیمان نظامی سنتو و سپس پیمان آر. سی. دی. برای مبتکرین امپریالیستی ایجاد این‌پیمانها، همیشه این مسئله مطرح بوده است که دیگر کشور های منطقه بنحوی از انحاء به این پیمانها کشانده شوند و شاه بیش از اعضای این پیمانها در این زمینه کوشش نموده است. ولی‌اکنون که خلقها و کشور های این منطقه به ماهیت امپریالیستی و نو استعماری اینگونه پیمانها آگاه شده اند، و روند حوادث در منطقه و بطور کلی در جهان وجود اینگونه پیمانهای نظامی و سیاسی را که از جانب محافل امپریالیستی سرهم بندی میشوند به پدیدهٔ منسوخ و وصلهٔ ناجور تبدیل ساخته است، اینك که تلاشهای شاه برای‌جان تازه دمیدن در کالبد این پیمانها ناموفق‌مانده، شاه ناگزیر به اعتراف شده است که هیچیك از کشور های منطقه برای شرکت در چنین پیمانهائی علاقمندی از خود نشان نداده اند.

پرسش نماینده «الاهرام» در مورد تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند بسیار جالب‌است و نمودار آنستکه نظر کشور های این منطقه در مورد مسئله امنیت با نیات شاه متفاوت است. نمایندهٔ «الاهرام» سئوال میکند: دیدگاه ایران در مورد مفهوم امنیت خلیج فارس چیست؟... سرنوشت نیرو های ایرانی مستقر در مسقط را چگونه می‌بینید؟

برقراری پیوند میان امنیت خلیج فارس و سر نوشت نیرو های ایرانی مستقر در مسقط که در سئوال نماینده الاهرام بچشم میخورد تصادفی نیست، زیرا کشور های منطقه دریافته اند که رژیم محمد رضا شاه «امنیت» منطقه خلیج فارس را در گرو تشکیل گروه بندیهای سیاسی ونظامی محدودی میداند که خوددرآن نقش سرکردگی و یا حداقل موقعیت برتر داشته‌باشد.

و اما شاه در پاسخ به این پرسش میگوید:

«دیدگاه اساسی ما اینستکه امنیت منطقه باید با خود

دنباله در صفحه ۲

پیرامون برخی جوانب جبههٔ ضد دیکتاتوری

جبهه ضد دیکتاتوری که حزب توده ایران تشکیل آنرا بعنوان یك اقدام اساسی برای مبارزه فعال و اثربخش در راه برانداختن رژیم استبداد، بهمهٔ نیرو های مخالف استبداد، اعم از داشتن هر عقیده ونظریه سیاسی و ایدئولوژیك، پیشنهاد کرده است در مرحله کنونی جنبش مردم ایران مبرمترین وظیفه ایست که در برابر این نیرو ها قرار دارد.

در اوضاع و احوالی که رژیم استبداد نه تنها هرگو[…]نبش انقلابی و دمکراتیك طبقات و قشرهای زحمت‌[…]جامعه، بلکه بی‌آزار ترین مظاهر ناخرسندی از قانونشکنی، غارتگری و قلدرمنشی خاندان عریض وطویل دربار را به وحشیانه ترین شیوه‌ها درهم میکوبد، در اوضاع و احوالی که راهزنان ساواکی ـ سگان زنجیری استبداد، میهن ما را برای اکثریت قریب بتمام جامعه به دوزخ واقعی بدل ساخته اند و حتی سرمایه داران و ثروتمندان بزرگ نیز از گزند آنان ایمن نیستند، برانداختن رژیم استبداد الزاماً به هدف عمده و مشترك همه مخالفان این رژیم بدل میگردد و مقدم بر هر هدف دیگر مبارزات آنان میشود.

در جامعه کنونی ایران کمتر قشر و گروه اجتماعی را میتوان سراغ کرد که از خود کامگی شاه و دار و دسته‌اش، از تشدید بیسابقه فشار واختناق بجان نیامده باشد. و نیز در جامعه کنونی ایران علیرغم منع اکید هرگونه فعالیت سیاسی، کمتر طبقه، قشر وگروه اجتماعی را میتوان سراغ کرد که‌به شکلی از اشکال، عیان یانهان، علیه رژیم منفور استبداد در مبارزه نباشد. خود سری، بیدادگری و غارتگری بی حساب مشت ناچیزی که بفرمان محمد رضا شاه بر پهنهٔ کشور میتازند، بیزاری وبرآشفتگی‌همگانی را از حدود طبقات و قشرهای زحمتکش فراتر برده است: نا خرسندی همگان[…]محیط ارتش نیز که قاطبه سربازان آن از میان مردم و اکثریت افسران و درجه داران آن از میان طبقات و قشر های متوسط و پایین تر از متوسط برخاسته اند، روز بروز بیشتر رسوخ میکند. قشرهای دمکراتیك و ترقیخواه درون ارتش نمیتوانند نفرت عمومی را نسبت به رژیم استبداداحساس نکنند وبرای مبارزه علیه آن گرایش از خود نشان ندهند. از آنجا که شاه و درباریان بخش بزرگی از درآمد ملی ایران را بتاراج میبرند، قشر هایی از محافل سرمایه دار و حتی عناصری از سرمایه داران کلان با غارتگران درباری وارد اصطکاك وتضاد میشوند وغارتگران درباری برای درهم کوبیدن این نوع رقیبان سرمایه‌دار، بیش‌از پیش‌به حربه «قدرت سلطنت‌مستبده» متوسل‌میگردند

بدینسان می‌بینیم که خود کامگی رژیم کنونی توده های انبوه مردم، قشر های روز بروز وسیعتری از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران، روحانیون وابسته به خلق، افسران و درجه داران‌میهن پرست و ترقیخواه، نویسندگان و هنرمندان مترقی و نیز قشرهای ناراضی سرمایه‌داران را به‌عرصه مبارزهٔ هر چه گسترده تر علیه رژیم دیکتاتوری شاه میکشاند.

ولی با وجود تنوع بیسابقه این نیرو ها، اثر بخشی مبارزات آنان بهیچوجه با امکانات بالقوه آنان قابل مقایسه نیست. علت آن نیز روشن است: این نیرو ها پراکنده عمل میکنند و ضربات پراکنده نیز طبعاً بر دشمنی که قدرت متمرکز ساواك و نیرو های مسلح را در اختیار خود دارد، نمیتواند کارگر باشد. ناهمگونی این نیرو ها، تنوع آماجهای مبارزه ومنافع نا همگون آنان (که امریست کاملا طبیعی)، توجه آنها را از دشمن عمده، اصلی و مشترك بسوی هدفهای غیر عمده، فرعی و محدود منحرف میسازد (که امریست نا درست). نظری به کار نامه مبارزات سازمانها و گروههای سیاسی گوناگون ضد رژیم و آماجهای مبارزه آنان نشان میدهد که اکثریت قریب بتمام آنان بسی بیش از آنکه به دشمن عمده، اصلی و مشترك یعنی به رژیم استبداد، بپردازند، به

دنباله در صفحه ۲

کوچ روستائیان به شهر ها ادامه دارد

وخامت وضع دهقانان

نتیجه نا گزیر سیاست ضد دهقانی رژیم است

اگر بخواهیم فهرست وار برشمریم، برخی عواملی که وضع دهقانان را در کشور ما بوخامت کشانده از اینقرار است: سیاست غلط دولت در کشاورزی و بی اعتنائی به سرنوشت میلیونها دهقان، رهاکردن آنان‌بدست رباخواران وسلف خران، تخصیص رقمهای درشت اعتبارات دراز مدت و وامهای‌بلاعوض به زمینداران و سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی، فقدان برنامه‌ریزی‌تولید کشاورزی‌وعدم حمایت ازتولیدات‌داخلی وفقدان‌سیاست قیمت گذاری همراه با ورود بی‌حدومرز مواد غذائی از خارج، گشودن راه برای تجدید تمرکز زمین در دست زمینداران بزرگ و بی پا کردن دهقانان کم زمین، گرانی هزینه زندگی و همچنین برخی‌عوامل دیگر. این عوامل دهقانان را مجبور نموده تا دسته دسته به شهرها کوچ کنند. مطبوعات کشور خبر از مهاجرت روز افزون دهقانان و خالی شدن روستا ها میدهند و در باره این پدیده اظهار نظر های مختلف میشود. عده ای آنرا نتیجه «طبیعی» رشد سرمایه داری، «ورود ماشین به روستا و آزاد شدن نیروی کار میدانند، عده ای دیگر «بالا رفتن سطح دستمزد ها در شهر و وسوسه گزینش زندگی شهری» را بعنوان علت عمده ذکر میکنند و نگرانند که «دهقانان در شهرها‌بسوی‌مصرف‌بیشتروحتی‌افراطی کشیده میشوند» !!

ولی برخی دیگر که واقع بین ترند از وضع غیرطبیعی روستا ها، عوامل منفی تشدید کننده مهاجرت‌روستائی، عدم آمادگی شهرها برای جذب نیروی‌کار غیرمتخصص روستا بحق ابراز نگرانی میکنند. واقعیت چیست؟

بدیهی است که فقر و خانه خرابی دهقانان و مهاجرت آنان به شهر ها نتیجه جبری رشد سرمایه داری در کشاورزی است. ولی در شرایط کنونی‌میهن ما سیاست ضد دهقانی رژیم در جهات مختلف خود و نیز وابستگی رژیم به امپریالیسم از عوامل تشدید کننده مهاجرتهای روستائی است. با آنکه اراضی مکانیزه بمثابه جزیره های جداگانه ای در کشاورزی کشور وجود دارند، ولی هنوز نمیتوان مکانیزاسیون کشاورزی را تنها علت و یا علت عمده مهاجرت روز افزون دهقانان دانست. این حقیقتی است که واحد های کشت و صنعت، شرکتهای بزرگ کشاورزی، دامپروری و نیز شرکتهای سهامی زراعی با استفادهٔ کم و بیش از ماشینهای کشاورزی انگیزهٔ قسمتی ازمهاجرت های دهقانی است، ولی شامل تمام حقیقت نیست. زیرا بگفته وزیر کشاورزی برای مکانیزاسیون به ۲۰۰ هزار دستگاه تراکتور نیاز است، درحالیکه در حال حاضر بیش از ۳۲ تا ۳۵ هزار دستگاه در روستا های ایران وجود ندارد. بنا بر این باید بعوامل منفی تشدید کننده مهاجرتهای روستائی نیز توجه‌داشت.

حزب توده ایران در شرایط مشخص میهن ما حل قطعی و رادیکال مسئله ارضی را موکول به روی کار آمدن یك حکومت ملی و دموکراتیك و انتخاب راه رشد غیرسرمایه داری میداند و این مطلب‌را کرارا یاد آور شده و در برنامه خود نیز تصریح کرده است.

دنباله در صفحه ۲

تلگراف شاد باش حزب توده ایران به حزب کمونیست ایتالیا

بمناسبت پیروزی در انتخابات

رفیق انریکو برلینگوئر!

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرمترین شادباشهای خود را بمناسبت‌پیروزی درخشان حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات اخیر اعلام میدارد.

انتخابات ژوئن ۱۹۷۶ بنحو بارزی تأیید سیاست حزب کمونیست ایتالیا بوسیله خلق زحمتکش ایتالیادائر برتغییربنیادی دمکراتیك جامعه‌ایتالیا وپایان وضع‌بحرانی وتأمین‌صلح‌و سعادت مجموعه‌خلق ایتالیا را باثبات میرساند.

پیروزی انتخاباتی‌شما همچنین صحت راه حل های حزب کمونیست ایتالیا را برای خاتمه دادن به حکومت ارتجاعی انحصارهای سرمایه داری، و علیه مانور های فاشیسم و امپریالیسم بر ضد دمکراسی، صلح و ترقی مدلل میسازد.

حزب توده ایران از موفقیت بزرگ حزب کمونیست ایتالیاابراز خرسندی‌میکندو کامیابی‌های عظیمتری رابرای حزب کمونیست برادر ایتالیا آرزو مینماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول

ایرج اسکندری

کشتار های بی مسئولیت و جمعی

برای ایجاد محیط رعب و تسلیم

بربریت رژیم مطلقه روز بروز تشدید میشود. کشتار های بی مسئولیت و جمعی مأموران آدمکش شاه بقصد ایجاد محیط رعب و تسلیم چنان گسترش یافته که دیگر حتی از مردم عابر و تماشاچی هم نمی گذرند وآنها را بی‌محابابه‌رگبار گلوله‌میبندند. مأموران ساواك به بهانه کشف شبکه «خرابکاران»، وقت و بیوقت کوئی را محاصره میکنند، یا خانه ای را زیر آتش مسلسل و نارنجك میگیرند، بی آنکه حتی هویت ساکنان خانه برایشان روشن باشد و یا جرم ساکنان خانه مسلم گردد، از اینهم فراتر رفته ساکنان بیدفاع خانه های اطراف خانه مورد سوء ظن را نیز تنها بر اساس کمترین بد گمانی آماج گلوله قرار میدهند. اینگونه صحنه های فجیع اخیراً چندین بار در تهران تکرار شده است.

یکی از این صحنه ها که هر انسانی را از نفرت و خشم میلرزاند، حادثه ای است که اخیراً در «خیابان بوعلی» واقع در «امیر آباد» رخ داد و مردم شاهد قتل بیرحمانه هشت کارگر شریف زحمتکش بدست مأموران ساواك بودند.

جریان چنین است: نیمه شب اول خرداد مأموران شهربانی و ساواك ببهانه جستجوی یك «خانه چریکی» خیابان بوعلی‌را محاصره کردند. عدهٔ زیادی از ساکنان این خیابان از سر و صدای مأموران از خواب بیدار شدند. در ساختمان نا تمامی در این خیابان، عده‌ای از کارگران ساختمانی خوابیده بودند. آنها نیز بر اثر سر و صدا از خواب پریدند و یکی‌از آنان از پنجره بخیابان سر کشید تا علت شلوغی‌ناگهانی را دریابد. مأموران ساواك با دیدن او دسته جمعی به طرفش شلیك کردند و در یك لحظه کارگر در خون خود درغلطید. سایر کارگران‌وحشت زده بربالین رفیق مقتول خود شتافتند و درحالیکه بشدت زاری‌میکردند از وحشت فریاد میکشیدند. دژخیمان ساواك بامسلسل بسوی آنان شتافتند و بخیال اینکه این جمع پریشان جمعی چریك اند که قصد فرار دارند، آتش مسلسل را از هر سو برویشان گشودند. در این یورش‌جنایت بار هشت کارگر زحمتکش شبانه کشته شدند، بی آنکه بدانند برای چه کشته شده اند و چهره های رنجدیده آنان و چشمهای وحشت زده و حیرانشان‌هنوز دچار گیجی و ناباوری بود. دژخیمان ساواك هنگامی باشتباه خود پی بردند که دیگر دیر بود. قصاب ها برای پوشاندن جنایت وحشتناك خود، اجساد قربانیان را در نهایت خونسردی همراه بردند. اما تلاش آدم

دنباله در صفحه ۲

درگذشت

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق یوسف لنکرانی در سن شصت و یکسالگی به بیماری سرطان در مسکو درگذشت. رفیق لنکرانی در دوران رضا شاه با گروهی از درجه داران ارتش زندانی شد و از همان زندان قصر با کمونیست های زندانی در مبارزهٔ مشترك همکاری کرد. پس از خروج از زندان در شهریور ۱۳۲۰ در تأسیس حزب توده ایران شرکت جست. در دوران فعالیت علنی حزب رفیق لنکرانی عضو کمیته ایالتی مازندران و مسئول مالی این کمیته بود. در مهاجرت رفیق فقید تحصیلات خود را در رشتهٔ تاریخ دنبال کرد و بمقام نامزدی علوم رسید. وی از جهت اجتماعی مسئول سازمان پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم مسکو بود. رفیق لنکرانی طی تمام زندگی آگاهانه خویش براه حزب، براه طبقه کارگر وفادار بود و خاطره اش از ضمیر دوستان و همرزمانش زدوده نخواهد شد.

ما این حادثه را به دوستان و بازماندگان رفیق فقید تسلیت میگوئیم. «مردم»

متأسفانه چاپ عکس رفیق فقید بعلل فنی در این شماره «مردم» میسر نگردید.

کشتار های بی مسئولیت . . .

کشان ساواك برای پرده پوشی جنایت فجیع خود بی نتیجه بود وتوفانی ازخشم وبیزاری در مردم برانگیخت. صحنهٔ دیگری از اینقبیل را جلادان درخانه‌ای آفریدند که اهالی بیدفاع آن بمحض ورود مأموران مسلح بعلامت تسلیم دستها را بالا بردند، اما جانیان درنگ نکرده و بلا فاصله اقدام به تیر اندازی نمودند. در نتیجه معلمی جوان وبیگناه را همراه همسرش بقتل رساندند. کار وقاحت رژیم بجائی رسیده که حتی از پیر زن سالخورده «چریك» میسازد! چندی پیش ساواکی ها خانه‌ای را در محله‌ای محاصره کردند. پیر زن مستخدم از خانه بیرون آمد تا ببیند چه میخواهند. اما پیرزن بیخبر از همه جا، جابجا هدف گلوله قرار گرفت و سپس آدمکشان ادعا کردند که گویا پیر زن بسوی آنان نارنجك پرتاب کرده است! جانیان سیاهکاررژیم حتی بر جان رهگذران نیز ابقا نمیکنند و در تعقیب فرد مورد سوء ظن، هر جنبنده ای را با گلوله مشبك میسازند وسپس بدروغ ادعامیکنند که بدست «خرابکار» مجروح ومقتول شده است. اینگونه حادثه سازیهای فجیع و بی مسئولیت را جز به توحش رژیمی که از مردم هراس دارد، سراسیمه است و احساس ضعف و انفراد میکند، بچه میتوان تعبیر کرد؟

امروز دیگر همه می بینند نه تنها کسانیکه نمیخواهند با «مغز» علیل اعلیحضرت بیندیشند، در معرض تهاجم وحشیانهٔ مأموران ساواك اند، بلکه خطر حملهٔ مسلحانهٔ جلادان شاه و قتل و نابودی مردم بیگناه همه را تهدید میکند. امروز جز دایرهٔ تنگی از وابستگان و سرسپردگان رژیم هیچکس بر جان خود ایمن نیست. فشار چنان اوج گرفته و ترور دولتی چنان تشدید شده که مردم خود کشی افرادی مانند سرلشکر شقاقی رئیس سازمان امنیت خوزستان و امیر تیمور سفیرایران در لندن‌رانیز بپای ساواك نوشته‌اند. رژیم شاه که ترور و آدمکشی را سرفصل کشورمداری قرار داده بدروغ مدعی است، که یکی از سه اصل حزب درباری رستاخیز وفاداری به قانون اساسی است. اما شاه بزرگترین دشمن قانون اساسی است. قانون اساسی حتی ورود بخانهٔ مردم را بدون حکم دادستان قدغن کرده است، تا چه رسد به کشتار مردم را بدون حکم دادگاه قانونی و فقط بر اساس «سوء ظن» یك مزدور مسلسل بدست و جنایت پیشه سازمان امنیت!

قانون اساسی تا قبل از اثبات جرم از طرف دادگاه، متهم را بری میداند، ولی جلادان ساواك مردم را بی آنکه جرم و حتی نامشان بر آنان فاش باشد، بشیوهٔ فاشیستهای هیتلری دسته جمعی به گلوله می بندند. رژیمی که تا این حد در میان مردم منفرد است که از هر جنبنده ای میترسد، سلطنت مطلقه‌ای که پایه های آن بر سرنیزه استوار است و از خون مردم تغذیه میکند، قابل دوام نیست. وحدت عمل همه نیرو های ضد استبداد در یك جبهه ضد دیکتاتوری میتواند و باید به حیات خونین این رژیم مستبد پایان بخشد.

مینو

کوچ روستائیان . . .

اما درعین حال برای دفاع از منافع دهقانان درچارچوب همین اصلاحات ارضی ناقص، پیوسته برحمایت دولت از دهقانان از طریق تجهیز شرکتهای تعاونی روستائی، ایجاد شبکه های تعاونی تولید، تجمع داوطلبانه دهقانان در این تعاونیها، یکپارچه کردن واحد های کوچك دهقانی و مکانیزاسیون آنها، رساندن کمك های اعتباری و فنی به این شرکتها، خرید محصولات دهقانان به بهای عادلانه وایجاد و بسط صنایع روستائی تأکید کرده است. ولی رژیم شاه بعکس، سیاست حمایت بیدریغ از زمینداران و سرمایه داران بزرگ را در پیش گرفته و کمکهای مادی و فنی خود را بطور عمده برای تقویت واحد های بزرگ کشاورزی سرمایه داران کلان داخلی و خارجی متمرکز نموده است.

ما در تمام این سالها تأکید کرده ایم که واحد های بزرگ کشاورزی باید از طریق یکپارچه کردن زمینهای دهقانان و بامشارکت آنان بوجود آید، ولی دولت با پشت کردن به دهقانان کوشید واحد های بزرگ را با حاتم بخشی‌های کلان به سرمایه‌داران بزرگ ایجاد کند. اکنون که سیاست کشاورزی رژیم با شکست کامل روبرو شده و مبتکران این سیاست ضد ملی و در رأس آنان شاه رسوا شده اند، حتی روزنامه های دولتی پنهان نمیکنند که در این سالها از یکسو وامهای ۲۰۰ میلیون تومانی به سرمایه داران و زمینداران بزرگ پرداخت شده و از سوی دیگر وام هائی کمتر از ۱۰۰۰ تومان از طرف سازمان تعاون کشاورزی که با ۹۰ درصد روستائیان کشور سر وکار دارد. باید بلا فاصله یادآور شد که متوسط وامهای پرداختی به دهقانان در ۱۴ ساله اجرای اصلاحات ارضی، طبق آمار های دولتی برای هر خانوار سالانه در حدود ۵۵۰ تومان بوده است و صدها هزار دهقان هنوز زیر پوشش تعاونیها نیستند. در نتیجه به نوشتهٔ روزنامه دولتی «رستاخیز» دهقانان مجبور میشوند حتی با بهره ۶۰ درصد ازنزول خواران وام بگیرند (رستاخیز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۵). دهقانی که باید قسط زمین بپردازد، آب و بذر و کود تهیه کند، بهرهٔ سرسام آور وامهای دولتی و غیر دولتی خود را بپردازد، خرج خانواده اش را تأمین کند، تازه بهنگام بهره برداری از حاصل دسترنج یکساله اش بعلل مختلف محصول روی دستش میماند و میپوسد: یا دولت بمنظور باز گرداندن دلار های نفتی به انحصارات امپریالیستی ارز پرداخته و کالای مشابه را وارد کرده و از محصول داخلی بی‌نیاز است، یا دهقان حتی راه مالرو دراختیار ندارد تا محصول را به بازار برساند و یا واسطه ها دسترنج دهقان را چنان ارزان میخرند که برداشت و حمل محصول صرف نمیکند. در نتیجه دهقان میماند با دست تهی و غم معاش خانواده در دل. چاره ای ندارد جز آنکه زمین را رها کند و بامید یافتن ممر معاشی، راهی شهر ها شود که تازه اگر بخشش یاری دهد، مشاغلی چون کار های ساده ساختمانی و فروش بلیط بخت آزمائی در انتظار اوست. عامل دیگری که مهاجرت روستائیان را تشدید کرده پروسه تجدید تمرکز زمین در دست زمینداران بزرگ بطرق گوناگون است. روزنامه آیندگان سال گذشته نوشت: «خطر در کمین زمینهای روستائی است و بورس بازان زمین دارند در روستاها ریشه میدوانند.» اما تنها از طریق بورس بازان نیست که زمینهای دهقانی در چنگ زمین داران و سرمایه داران متمرکز میشود، بلکه خود دولت با بیرون ریختن دهقانان از اراضی زیر سد ها و واگذاری رایگان زمینهای ۱۰ ـ ۲۰ هزار هکتاری دارای آب و برق و راه به «عاشقان کشاورزی»! و از جمله والاحضرتها، شاهپور ها، والاگهر ها و کار گزاران و وابستگانشان، واگذاری اراضی خالصه به همین قماش از «داوطلبان کشاورزی»، اجبار دهقانان کم زمین به فروش زمینهای خود در درون شرکتهای سهامی زراعی‌به خانه خرابی‌دهقانان وتشدید مهاجرتهای روستائی کمك میکند. اخیراً نماینده کرمان درمجلس شورا فاش کرد که در جیرفت زمینهای آباد دهقانان‌را از دستشان خارج کردند که میخواهیم واحد کشت و صنعت درست کنیم.» (اطلاعات ـ ۲۲ خرداد ۱۳۵۵)

در کشوری که بقول وزیر تعاونش هنوز ۷۷ در صد کل تولیدات کشاورزی و دامپروری‌وسیله صاحبان اراضی کمتر از ۵۰ هکتار و اکثراً میان ۵ تا ۱۰ هکتار تهیه میشود، نمیتوان مسئله کشاورزی را جدا ازمسئله دهقانی حل کرد، نمیتوان به سرنوشت میلیونها دهقان زحمتکش بی اعتنا بود و با کیسهٔ پر پول بدنبال مشتی انگل میلیونر و میلیاردر افتاد تالطف کرده، وامهای بلا عوض دولت را قبول کنند و بکار کشاورزی بپردازند!! اگر دولت میلیارد ها تومانی را که طی سالهای پس‌از اصلاحات ارضی بجیب اعضاء خاندان پهلوی، نراقی‌ها، مهدوی‌ها، عضد ها ریخته است و میلیارد ها دلاری را که در چند سال اخیر صرف خرید مواد غذائی از کشور های امپریالیستی نموده، بمصرف سر و سامان دادن‌دهقانان در تعاونیهای واقعی دهقانی میکرد، واحد های بزرگ مکانیزه با مشارکت خود دهقانان بوجود میآورد و با کمکهای مادی و فنی خود آنها را تقویت مینمود، مسلماً امروز وضع کشاورزی کشور اینگونه خراب و وضع دهقانان زحمتکش چنین وخیم نبود.

مبارزه در روستاها، افزایش مستمر کارگران کشاورزی وگسترش مبارزات، نوید آنرا میدهد که زحمتکشان ده بمثابه متحدان طبیعی طبقه کارگر دوش بدوش‌برادران کارگر خود برای بهبود شرایط زندگی و دفاع از منافع اقتصادی و سیاسی خویش آتش مبارزه را علیه رژیم فروزان تر سازند.

مینو

پیرامون برخی جوانب . . .

مبارزات «ایدئولوژیك» و «سیاسی» علیه یکدیگر پرداخته اند.

بجرأت میتوان گفت که در میان تمام سازمانها و نیرو های سیاسی ضد استبداد، حزب توده ایران یگانه حزبی است که آماج عمده مبارزه را بدرستی تشخیص داده و سمت عمده ضربت را علیه دشمن عمده و مشترك متوجه ساخته است. آماجهای فرعی مبارزه حزب هیچگاه نتوانسته است این آماج عمده را تحت الشعاع قرار دهد. از سوی دیگر حزب تودهٔ ایران به گواهی اسناد و مدارك موجود بیش از هر سازمان و نیروی سیاسی دیگر ضد رژیم و در موارد بسیار زیاد، حتی بیش از رژیم استبداد، آماج حملات نیرو های مخالف رژیم قرار گرفته است. چنین پدیده ای در محیط تسلط رژیم استبداد، بکلی غیر طبیعی است و آنرا با هیچ برهان و استناد به هیچ «تحلیلی از گذشته» نمیتوان توجیه کرد. بسیاری از جریانهایی که بویژه طی سالهای اخیر زود زود پدید میآیند، گاه برای آنکه «زود گل کنند»، بجای تمرکز نیروی عمده خود برای مبارزه علیه دشمن عمده، «ترجیح میدهند» «پیکار انقلابی» خود را با تهمت‌زنی و دشنام گویی به حزب توده ایران آغاز کنند و «هنر و خرد انقلابی» خود را در این کج راه بکار برند. و حال آنکه زندگی نشان داده و در آینده نیز بیش از پیش نشان خواهد داد که بدون حزب توده ایران و بطریق اولی در مخالفت با آن، مبارزه علیه رژیم اثر بخشی لازم را نخواهد داشت. دوری جستن ازاین حزب، زیان سنگینی به مبارزه وارد خواهدساخت.

در نتیجه کاربرد این مشی زیانبار و این پراکندگی و ناهماهنگی شوم در صفوف نیرو های سیاسی ضد رژیم، چه فرصت های گرانبها که طی سالهای‌پیشین برای اجراء یك‌مبارزه اثر بخش علیه‌رژیم استبداد، از دست نرفته است. و از این‌پراکندگی و ناهماهنگی‌شوم همیشه رژیم استبداد سود برده است.

البته شرکت در جبهه ضد دیکتاتوری بهیچ وجه بمعنی دست کشیدن شرکت کنندگان از جهان بینی و مشی سیاسی آنان نیست. ما هرگز ضرورت مبارزه سیاسی و ایدئولوژیك نیروهای ضد رژیم استبداد را علیه یکدیگر نفی نکرده و نمیکنیم. ولی تا زمانیکه دشمن عمده و مشترك یعنی استبداد را دربرابر خود داریم، برای این بخش از مبارزه هیچگاه اولویت قائل نیستیم و بطریق اولی آنرا مطلق نمیکنیم. هیچ انسان دارای عقل سلیم نمیتواند دعوی کند که باوجود رژیم استبداد، برانداختن فلان یا بهمان نیروی‌سیاسی ضد رژیم، شرط مقدم برانداختن رژیم استبداد است. هر کس چنین ادعایی داشته باشد، قطعاً یا تفرقه‌افکن است ویا مفسده‌جو واین هر دو عملا همسنگ دستیاری با استبداد است.

جبهه ضد استبداد، در محیط دیکتاتوری سیاه شاه، طبعاً دامنه ای گسترده تر از جبهه واحد خلق کسب میکند و به بیان دیگر این جبهه نیرو ها و جریانهایی را هم که بسبب وابستگی طبقاتی یاانگیزه های سیاسی مشخص، جبهه واحد خلق را نفی میکنند، دربر میگیرد.

هدف از تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری از یك سو تأمین وحدت عمل نیرو ها و جریان هایی است که گرچه اکنون نیز علیه رژیم استبداد در مبارزه‌اند ولی مبارزات آنان بعلت پراکندگی و ناهماهنگی، اثر بخشی لازم را ندارد. از سوی دیگر تشکیل این جبهه میتواند عناصر تازه‌ای را که از رژیم ناخرسندند، ولی هنوز به مبارزه علیه آن برنخاسته اند، به صحنه مبارزه بکشاند.

نیرو های مخالف استبداد با استقبال از دعوت حزب توده ایران به تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری، درجه رشد آگاهی اجتماعی و پختگی سیاسی خود را نشان‌خواهند داد. دراوضاع و احوال کنونی ایران برای جبهه‌ضد دیکتاتوری نعم البدل دیگری وجود ندارد.

بی اعتنایی به این دعوت نشانه فقدان احساس مسئولیت در قبال مبرم‌ترین و عاجل ترین وظیفه ای است که اکنون در برابر کلیه مبارزان ضد استبداد قرار دارد.

پ. هرمز

سیاست ایجاد گروهبندیهای . . .

کشور های منطقه باشد نه با بیگانگان» آیا در واقع چنین‌است؟ منظور شاه ازبیگانگان چیست؟ کشورها و خلقهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند وجود پایگاههای نظامی امپریالیستی در جزایر مرجانی دیگو گارسیا در اقیانوس هند و مصیره در عمان و پیمان نظامی سنتو با شرکت دول امپریالیستی را از عواملی میدانند که امنیت خلقهای این منطقه را تهدیدمیکند ولی شاه در اینمورد یا سکوت اختیار میکند و یا بنحوی از انحاء وجود این پایگاهها را تحت عنوان آنکه وقتی یك «ابر قدرت» هست ناچار «ابر قدرت» دوم هم باید باشد توجیه میکند وحال آنکه در ناحیه بجز پایگاههای امپریالیستهای امریکا و انگلیس از پایگاه دیگری نمیتوان سخن گفت.

امنیت این منطقه ازطرف دولی درمعرض‌تهدید و تجاوز است که ثروتهای نفت کشورهای این منطقه را بغارت میبرند وشاه ایران بارها تأکید کرده‌است که مأموریت حفاظت و تأمین امنیت آبراهه های خلیج فارس را برای کشتیهای نفت کش که ثروتهای نفتی کشور های منطقه را برای کارتلهای نفت جهان غرب حمل میکند بعهده دارد. چنین مأموریتی باهدف های تأمین امنیت واقعی در منطقه خلیج فارس هیچ گونه وجه مشترکی نمیتوانداشته باشد. در پاسخ شاه به پرسش نماینده الاهرام در باره سرنوشت [illegible]و های ایران در مسقط دو نکته شایان توجه است. نخست آنکه تنها رژیم دیکتاتوری و ضد ملی اوست که به یاری رژیم دست نشانده سلطان قابوس شتافته و با شرکت در این تبهکاری افسران و سربازان ایرانی را در راه منافع دول امپریالیستی قربانی میکند. و ضمناً شتاب در این یاری رساندن به سلطان قابوس نشانهٔ آنستکه محمد رضا شاه از گسترش جنبش در منطقه بیش از همه در وحشت است. نکته دیگر اعتراف ضمنی شاه به ریشه های جنبش ظفار است و حال‌آنکه خود او ادعا کرده بود که: «شورشیان ظفار صد نفر سر وپا برهنه اند» و دولت ایران نیز چند بار قلع و قمع کامل آنها را اعلام کرد. اما شاه در این مصاحبه میگوید: «اگر ما بسلطان قابوس کمك نمیکردیم برای ارتش ملی آزادیبخش خلیج فارس و ساحل آسان بود که بسوی شمال پیشروی کند و هرگز به حدود عمان اکتفا نمیکرد.»

بطور کلی از پاسخهای شاه به نماینده روزنامهٔ «الاهرام» بار دیگر آشکار میشود که تلقی محمدرضا شاه از تأمین امنیت منطقه درست برخلاف مصالح و تأمین امنیت واقعی خلقهای منطقه است.

دول ترقیخواه و خلقهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و بطور کلی کشور های آ[illegible]خواهان چنان امنیتی هستند که آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی آنان از سوء قصد ها و دستبرد های محافل امپریالیستی و رژیمهای ارتجاعی در امان باشد. چنین امنیتی تنها میتواند با پیمان امنیت جمعی آسیا بر مبنای سیاست همزیستی مسالمت آمیز، قطع مسابقهٔ تسلیحاتی و سیاست نظامیگری در منطقه و سراسر آسیا تأمین گردد.

ق. پیروز

«یك کنگرهٔ تاریخی»

حزب توده ایران جزوه ای تحت عنوان «یك کنگرهٔ تاریخی» حاوی تحلیلی ازاسناد مصوب بیست‌و پنجمین کنگره تاریخی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی وترجمه فارسی بخشهای مفصلی از سند عمده کنگره واحکام و اندیشه های دورانساز آن و نیز گزیده‌ای از ارزیابی‌های نمایندگان سه جریان عمده انقلاب جهانی دوران‌ما درباره شئون گوناگون زندگی وفعالیت حزب کمونیست و دولت و مردم اتحاد شوروی، منتشر ساخته است. مطالعه این جزوه را بتمام علاقمندان به آثار مارکسیستی ـ لنینیستی توصیه میکنیم.

سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است
اتحاد عمل همهٔ نیروهای مخالف رژیم در یك جبههٔ ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است

دورهٔ ششم | اول شهریور ۱۳۵۵ | شمارهٔ صد و شصت و سوم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

خیانت بزرگ به مردم ایران و به صلح و امنیت منطقه و جهان

(اظهاریهٔ هیئت اجرائیهٔ کمیته مرکزی حزب توده ایران)

در مرداد ماه سال جاری هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در کشور ما [illegible]ت داشت و درجریان اقامت وی پروتکلی بین امریکا وایران بامضاء کیسینجر و هوشنگ انصاری، وزیر امور اقتصادی و دارائی ایران رسید و موافق این پروتکل طی پنج سال آینده بازرگانی ایران و امریکا بدون احتساب اسلحه ٦٥ در صد افزایش خواهد یافت و به رقم نجومی چهل میلیارد دلار بالغ خواهد شد. در عین حال ایران و امریکا در جریان همین مذاکرات اعلام داشتند که تا سال ۱۹۸۰ کشور ما بمیزان ۱۰ تا ۱٥ میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه زمینی و هوائی و دریائی «غیر هسته ای» از امریکا خواهد خرید. طی چهار سال گذشته خرید ایران از غرب در زمینه اسلحه بهمین اندازه بوده است. به همانسان که در مطبوعات امریکائی نیز اعتراف شده است، ایران طی چهار سال اخیر باندازه ای هواپیما، موشك، تانك، هلیکوپتر و جنگ افزار های دیگر خریداری کرده که با آن میتواند ارتشی دو برابر ارتش بریتانیا در سال ۱۹۷۸ داشته باشد! کشور ما که قریب ۷۰ درصد مردم آن بکلی بیسوادند، برای استفاده از این اسلحه پیچیده و مدرن که بنا به تصریح مطبوعات امریکا، در استفاده از برخی از آنها، بعلت بغرنجی[illegible]، حتی وزارت دریا داری امریکا دچار مشکلا[illegible]ده است، هزاران تن رایزن فنی امریکائی استخدام کرده است. تعداد این رایزنان و وابستگان به آنها را هم اکنون تا ۳۸ هزار تخمین میزنند و در سال ۱۹۸۰ این تعداد تا ٦۰ هزار نفر بالغ میگردد. بنا به تصریح مطبوعات امریکا بدین ترتیب «اقلیت مسیحی امریکائی» در نفوس ایران جای دوم را پس از اقلیت مسیحی ارمنی میگیرد! معامله با امریکا با معاملات وسیع با انگلستان همراه است. در ماه مرداد ۳۰۰ تا ٥۰۰ میلیون لیره اسلحه بویژه موشکهای تیپ «راپیره» از انگلستان، بصورت پایاپای و درمقابل تحویل نفت خریداری شده. تحویل نفت در مقابل اسلحه موضوع مذاکره ایران باامریکا نیز هست. در این مورد شاه ایران در مصاحبه اخیر خود در نوشهر با خبر نگاران امریکائی که همراه هنری کیسینجر بایران آمده بودند گفت: «از نظر ایران نفت کالائی است که میتوان با آن تجارت کرد. ما نفت میفروشیم و کالاهای دیگر میخریم. زیرا نفت ما منبعی است بسیار اطمینان بخش و خریدار هرگز با وضع غیر منتظره ای روبرو نخواهد شد. اگر ما قول مقدار معینی نفت را در مدت پنج سال به خریدار بدهیم، این مقدار نفت قطعاً تحویل داده خواهد شد». در تفسیر معامله پایاپای نفت ـ اسلحه مطبوعات امپریالیستی نیز اعتراف دارند که این تدبیر برای آن اتخاذ شده است که جلوی اعتراض اوپك را حاکی ازاینکه ایران بهای نفت خودرا به بهائی پائین‌تر از دیگر اعضای اوپك تعیین کرده است، میگیرد. باین واقعیات باید افزود که ایران بیکی از مراکزرآکتوراتمی که انحصارهای امپریالیستی ایجاد آنها را در هشت نقطه جهان در نظر گرفته اند، تبدیل میگردد. در مصاحبه نوشهر شاه در این باره چنین گفت: «هشت یا ده دستگاه مولد اتمی مورد گفتگو است. برنامه کلی ما شامل ۲۳ رآکتور ۲۰ هزار مگاواتی مولد برق اتمی است». چنانکه ارگانهای صلاحیتدار بین‌المللی بارها اعلام داشته اند، بین ایجاد رآکتور های اتمی و تولید بمب اتم فاصله چندانی نیست.

با مجموعه این اقدامات که از جهت محتوی خود خیانتی بزرگ به‌منافع مردم ایران وتوطئه‌ای جدی علیه امنیت خلقهای خاورمیانه وجهان است دولتهای ایران وامریکا هدفهای متعددی را دنبال میکنند که‌مهمترین آن عبارتست از تبدیل ایران به یك پایگاه نظامی در منطقه، تا بتواند بهمراه اسرائیل وعربستان سعودی و دیگر دست نشاندگان امپریالیسم در منطقه، منافع امپریالیستی پادشاهان نفت و مقاصد استراتژیك تجاوز کارانه پنتاگن را تأمین نماید. هنری کیسینجر صریحاً در مصاحبه نوشهر گفت: «ایران با اتحاد شوروی هم مرز است ودر منطقه ای بالقوه خطرناك و در میان همسایگانی قرارگرفته است که مبالغی بیشتر ازایران صرف خرید تسلیحات کرده اند و احتمالا در آینده نیز چنین خواهند کرد. شورویها از عراق حمایت میکنند، امریکابرای‌جبران نفوذشوروی در خاور میانه و خلیج فارس باید ایران دوست خود و نفوذ آنرا پا برجا نگاه‌دارد». بیانات کیسینجر نشان میدهد که هدف تسلیح‌ایران بوسیله‌امریکا توطئه علیه‌همسایگان، علیه اتحاد شوروی، علیه جمهوری عراق‌و دیگر کشور های مترقی در منطقه است.

بعلاوه‌انحصارهای امپریالیستی، بافروش‌بدون کنترل اسلحه‌به بهای گران‌درمقابل ستاندن‌نفت خام‌به بهای‌نازل عملا مساعی اوپك را برای‌افزایش بهای نفت، بحداقل اثر بخشی آن میرسانند. در این میان شاه ایران‌برای حفظ سلطنت مستبده وتأمین حق دلالیهای کلان خود و خانواده وچاکران خویش، از هیچ خیانتی روگردان نیست و با اقدامات و سازش های تازه خود، در عین حال بیاری اقتصاد بحران زده امپریالیستی می شتابد و کسر موازنه مالی و بازرگانی امریکا را بحساب ثروت ملتی فقیر جبران میکند و برای سرکوب ملت ایران و خلقهای دیگر خاور میانه، تحت نظر دهها هزار امریکائی که در واقع ایران را اشغال کرده اند، وضعی بوجود می‌آورد که میتواند عواقب دور ودرازی هم برای کشور ما و هم برای صلح منطقه و جهان در بر داشته باشد.

حزب توده ایران این قرارداد را که وابستگی اقتصادی و سیاسی ایران‌را به امپریالیسم امریکابه‌مراتب تشدید میکند و مهمترین بخش درآمد ملی کشور ما را بسود انحصار های امریکائی و انگلیسی بهدر میدهد خیانت بزرگی به مصالح ملی کشور و مردم ایران میشمارد.

حزب توده ایران این قرارداد را که کشور ما را به پایگاه تجاوز امپریالیسم امریکا بدل میکند بمثابه توطئه ای ضد صلح و آرامش ایران و سراسر خاور میانه و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، علیه جنبش های رهائی بخش مردم ایران و منطقه، و بمثابه عملی خلاف گرایش مسلط عصر ما که در جهت تنش زدائی

دنباله در صفحه ۲

چه کسانی در زندانهای شاه میپوسند؟

روزنامه اطلاعات درشماره ١٦ مرداد خود خبری داشت که گرچه در نظر اول معما گونه و طنز آمیز جلوه میکند، ولی در پس آن واقعیتی عیان و بس تلخ نهفته است که ماهیت این رژیم پلید فساد پرور را بخوبی آشکار میسازد.

ابتدا عین خبر: «هویدا نخست وزیر در یك مجلس میهمانی با حمید کاشانی اخوان مدیر عامل فروشگاه بزرگ روبرو شد و به او گفت: «حالت چطوره؟... شنیده‌ام به طبس مسافرت کرده‌بودی»! و بدنبال این احوال پرسی زیرکانه که اشاره به‌اقامت اجباری مدیر فروشگاه ایران در طبس بود، هویدا به کاشانی گفت: «حالا که مردم طبس از تو پذیرائی کردند، تو هم یك کاری برای آنها بکن». کاشانی اخوان نیز با تقدیم یك چك سیصد هزار تومانی برای کمك به عمران و آبادی طبس دین خود را به طبسی ها ادا کرد...»

حمید کاشانی اخوان کیست، «اقامت اجباری» او در طبس و «احوالپرسی زیرکانه» هویدا به چه معنا است؟ برای پاسخ به این پرسش ها و پرده برداشتن از روی این معما ها به خبری که تقریباً یك سال پیش در شماره ۱۹ شهریور ۱۳٥٤ کیهان هوائی درج شده بود، مراجعه میکنیم: «حمید کاشانی اخوان که به جرم گرانفروشی باز داشت و به طبس فرستاده شده بود، با عنوان کردن بیماری اجازه گرفت که در نقطه دیگری به مداوای خود بپردازد. وی با استفاده از این فرصت بجای آنکه بمراکز درمانی برود و خود را معالجه کند، با خانواده خود به مشهد رفت و با گرفتن چند اطاق در «همایت هتل» (مجلل ترین هتل خراسان) و در اختیار گرفتن یك تلفن با شماره مستقیم فعالیت های بازرگانی و دیگر کار های خود را اداره کرد».

این حوادث زمانی انجام گرفت و میگیرد که شاه علیه باصطلاح گرانفروشی به جهاد اکبر برخاسته و این جهاد را یکی از اصول انقلاب خود قرار داده است. زمانیکه رژیم ببهانه مبارزه با گرانفروشی هزاران تن از کسبه و پیشه ور خرده پا را به زندانها میفرستاد، جریمه میکرد و ازکسب وکار بازمیداشت، حمید کاشانی ها در مجلل ترین هتل ها به زد و بند های بازرگانی خود ادامه میدادند. حمید کاشانی اکنون در ضیافت ها با نخست وزیر کشور هم پیاله میشود و

دنباله در صفحه ۲

افکار عمومی در اروپای غربی بفعالیت ساواك اعتراض میکند

روز ۹ شهریور ماه رادیو تهران اطلاع داد که معاون وزارت خارجه سویس از سفیر ایران در برن خواسته است که دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد «بعلت عملیات خلاف قوانین جاری سویس» در ظرف ٤۸ ساعت خاك این کشوررا ترك کند. رادیو تهران در رد این «اتهام» افزود که دبیر اول نمایندگی ایران در دفتر سازمان ملل متحد «مسئولیت امنیتی» داشته، «از ابتدای شروع بخدمت رسماً بمقامات امنیتی سویس معرفی شده» و «سالها با آن مقامها همکاری داشته است». رادیو تهران سپس ابراز حیرت کرد که «اکنون روشن نیست وتوضیحی نداده اند مأموری که مورد مراجعه و همکاری بامقامات امنیتی سویس بوده چگونه مرتکب اقداماتی علیه منافع سویس و قوانین جاری آن کشور شده است»!

پیش از هر چیز خبر رادیو تهران اعتراف آشکاری است باین که اولا دبیر اول نمایندگی‌دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد در سویس ـ که یك مقام سیاسی است ـ عضو ساواك بوده است. ثانیاً این مأمور ساواك با مقامات امنیتی سویس همکاری رسمی و طولانی داشته است.

و اما اینکه ساواك در اروپای غربی بر ضد ایرانیان و بویژه مبارزان ضد رژیم با سازمانهای امنیتی کشور های غربی همکاری نزدیك دارد و بسیاری از مأموران سیاسی ایران عضو ساواك اند، راز آشکاری است و تازگی‌ندارد. تازه این، فقط اعتراف‌رسمی بیك مورد آن از طرف رژیم است. لذا حیرت رژیم ازعمل دولت سویس بجاست. فقط گردانندگان دستگاه تبلیغاتی رژیم «فراموش کرده اند» به مردم ایران بگویند که تصمیم دولت سویس مبنی بر اخراج یك عضو ساواك در نتیجه فشار افکار عمومی مردم سویس بوده است که بویژه در دوران اخیر به فعالیت‌جنایت کارانه و مخرب ساواك در کشور خود شدیداً اعتراض کرده اند.

اعتراض به فعالیت‌جنایتکارانه و مخرب ساواك، منحصر به مردم سویس هم نیست. افکار عمومی در بسیاری از کشور های اروپای غربی بیش از پیش‌نسبت

دنباله در صفحه ۲

«سلطنت دیوانه میکند، سلطنت مطلقه مطلقاً دیوانه میکند.»

شاه و مخبر دانمارکی

«محصول آب وهوا و جغرافیا»

مخبر دانمارکی هم مانند خیلی‌ها روزی از روزها (۱٥ خرداد ۱۳٥٥) بکاخ نیاوران آمد تا با «شاهنشاه آریا مهر» مصاحبه کند واو هم فرصت را برای تحویل یکسلسله مطالب که فقط چنین شاهنشاه آریا مهری از عهده ابداع آنها برتواند آمد، غنیمت‌شمرد. شاه نه فقط دیکتاتور است، اعمال دیکتاتوری‌میکند، بلکه لذت میبرد از اختیارات بی حد و مرز خود دم بزند. در این باره شاه مطالب زیرین را گفت: «تمرکز قدرت در دست شاهنشاه بخواست مردم ایران است و اگر تمایلات عمومی ایجاب میکرد، اختیارات بیشتری به سازمانهای متعدد از سطح روستا تا سازمان های عالی سیاسی این کشور تفویض میشد.» یعنی اینکه امروز او سلطان مطلق کشور است و حتی‌نخست وزیر و وزیران و اعضاء مجلس شورا و سنایش چاکران حقیری بیش نیستند، خواست مردم ایران است! پس قانون اساسی را که نوشت و انقلاب مشروطیت چه بود؟ شاه گفت: «تأکید میکنم که از قدرت کنونی برای خواست های شخصی استفاده نمیشود.» پس این میلیارد ها ثروت خانواده پهلوی، این تجمل های خیره کننده، این عیش ها و نوش ها، جشنها و خروشها از کجا آمده است؟ معلوم میشود «کمو نیسم بین المللی» است که طفلکی اعلیحضرت را بیهوده متهم میکند! و نیز گفت: «ما ایمان داریم که ۳۳ میلیون مردم این کشور دوستان صمیمی ما هستند. باستثناء عده ای ناچیز، تمام مردم ایران دوستان من هستند... مفهوم پادشاه در کشور من با مفهوم پادشاه در دیگر کشورها بسیار متفاوت‌است. نقشی که من دارم باید هر کس که در مقام پادشاهی این کشور باشد ایفا کند، زیرا این خواست مردم و یا خواست طبیعت آنهاست (یعنی از بطن مادر شاه پرست بدنیا میآیند.)... این مسئله مربوط به سنن وآداب ملی میشود... مربوط به عادات است ... این مسئله جغرافی و محیطی و آب و هوا وسیاست جهانی است.» جملهٔ بسیار درهم ولی عجیب مرتجعانه است: سلطنت مستبدانه کنونی در ایران نه فقط نتیجه آداب و سنن ملی و عادات عمومی است (بقول معروف: اینکه هیچ!) بلکه یك مسئله «جغرافیائی و محیطی است» و آب و هوای ایران اقتضا میکند که یك قلدر بر گرده خلق بنشیند، و سیاست جهانی میطلبد که چنین کسی به وردار و ورمال ثروت جامعه و زجر و شکنجه و اعدام فرزندانش مشغول‌باشد. آب پاکی‌را اعلیحضرت روی دست ملت ایران‌من‌الحال

دنباله در صفحه ۲

شاه و مخبر دانمارکی

الی روز سی هزار سال محشر کبری ریخته اند. مخبر دانمارکی میپرسد: «اعلیحضرت! شما وظایف ومسئولیت های بسیار زیاد دارید، در مراسم متعدد شرکت میفرمائید. در چنین شرایطی اعلیحضرت فرصت کافی برای مطالعه گزارشهای رسیده دارند؟» شاه میگوید: «مسئله کار کردن مهم است. آنهم کار زیاد وعادت کردن بآن مسئله را حل میکند: لزومی ندارد من تمام صفحه را برای درك موضوع مطالعه کنم. پس از تجربیات ۳۵ ساله اینك با مطالعه چند جمله از اول یا وسط یا آخر گزارش به آسانی میتوان پی برد که مفهوم گزارش چیست..» و در جای دیگر: «من با تجربه هائی که طی ۳۵ سال سلطنت بدست آورده ام مطمئناً بهتر از مردم کوچه و بازار میدانم که مردم کشور چه فکر میکنند..» واقعاً ۳۵ سال سلطنت چه مختصات جالبی در یك غول بی شاخ ودم که محصول آب و هوا و جغرافیاست میتواند بوجود می آورد؟!

مزدور داریم تا مزدور!

مخبر دانمارکی می پرسد: «منابع زیادی از پول راشما برای تقویت بنیهٔنظامی صرف میکنید؟ شما از چه کسی میترسید؟» شاه میگوید: «... در شاهراه حیاتی که تنگه هرمز است، هیچگونه اخلالی را تحمل نخواهیم کرد. باید این شاهراه دریائی همیشه برای عبور و مرور کشتی ها باز باشد، زیرا زندگی ما باین امر بستگی دارد. ما هرگز اجازه نمیدهیم مزدوران جنگی بین المللی (؟) وارد آنسوی مرز های ما شده و در نزدیکی کشور من مشکلات ایجاد کنند. با جدیت تمام از وقوع چنین حوادثی جلوگیری خواهیم کرد. اجازه نخواهیم داد مشتی مزدور متعلقه ما را مورد تهدید قرار دهند!» خوب! روشن شد! اعلیحضرت هرگز اجازه نمیدهند، هرگز تحمل نمیکنند، که مشتی مزدور حتی آنسوی مرزهای کشور، حتی در نزدیکی ایران عرض اندام کنند. مخبر دانمارکی میپرسد: «بمنظور بر طرف کردن کمبود افراد ماهر در حال حاضر شما تعداد زیادی خارجی، بویژه امریکائی ها را بایران آورده اید. این موضوع شما را نگران نمیکند؟ زیرا اینکار با روش مستقل که شما برای توسعه ایران خواستارید مغایرت دارد.» شاه میگوید: «نه، ابداً، زیرا آنها استخدام شده اند و کارکنان ما هستند و در پایان هر ماه حقوق آنها را می پردازیم....» مخبر دوباره میپرسد: «از نظر اعلیحضرت وجود اینهمه خارجی نوعی اتکاء به بیگانگان را نشان نمیدهد؟» شاه میگوید: «نه! ابداً! هرگز! چنین نیست! موضوع اتکاء سیاسی مطرح نیست...»

کمی فکر کنید، «مشتی مزدور» در آنسوی مرز، در نزدیکی ایران، یعنی جنگجویان ظفار که شاه آنها را چند صد تن پا برهنه مینامد، دیگ غیرت ملوکانه را چنان جوشان میسازد که فریاد «ما هرگز اجازه نمیدهیم!»، «ما هرگز تحمل نمیکنیم!»، «باجدیت جلوگیری میکنیم»، او بآسمان میرود. ولی دهها هزار نفر نظامی امریکائی اینسوی مرز، در داخل ایران همه شئون زندگی ما، سیاست داخلی وخارجی، ارتش، نفت، صنایع، بانکها، بازرگانی، هتلداری و غیره و غیره را طبق دهها قرارداد رسمی و قرار غیر رسمی کنترل میکنند، ابداً ضرری ندارند و جناب اعلیحضرت با پاسخهای: «نه! ابداً! هرگز! چنین نیست!» میخواهد دهن مخبر دانمارکی را هر چه زودتر ببندد. واقعاً روکه نیست، سنگ پای قزوین است.

غمخوار تمدن غرب

مخبر دانمارکی میگوید: «اعلیحضرت! مشکلات و خطاهای اروپا را تشریح کنید.» شاه میگوید: «میخواهید بکجا بروید؟ خواست هایتان چیست؟ چرا در نابودی خود کوشا هستید؟ چرا میخواهید منهدم شوید؟ برای چه؟ تمدن کهنهٔ سفید پوستان و یا تمدن مسیحیت خود را میخواهید با کدام تمدن مبادله کنید؟ چه چیز را جانشین تمدن سفید خود خواهید کرد؟»

احساسات شاهنشاه آتشین است. قهر و غضب او بحد اعلا است. تأسف او پایان ندارد: این اروپای غربی بکجا میرود؟ چرا میخواهد «تمدن کهنه سفید پوستان»، «تمدن مسیحیت»، «تمدن سفید» خود را از دست بدهد؟ چه چیزرامیخواهد جانشین آن کند؟ چرا درکار انهدام خود میکوشد؟ ایوای! بداد برسید!

ولی این شاه بقدری در مطالبی که میبافد نقیض گو است که در جریان همین بحث «سرنوشت تمدن اروپای غربی»، یعنی سرنوشت تمدن کهن، سفید و مسیحی سفید پوستان که بنظر او با نهایت اندوه و اسف درخطر انهدام قرار گرفته، میگوید: «بدنبال جنگ دوم جهانی زندگی اروپائیان با وفور نعمت هموار شد. ورود ثروتهای بیکران از کشورهای در حال رشد جهان، بوالهوسی ها و وسوسه هائی ایجاد کرد. در حالیکهشما اروپائیان در پرتو ثروت های هنگفت و منابع ملل در حال رشد روز بروز ثروتمندتر و چاق تر میشدید (عین اصطلاح شیوای اعلیحضرت است) و حال آنکه میلیونها انسان در دیگر کشورها درمصائب وگرسنگی و پراکندگی خانوادگی، بیماری و بیسوادی بسر میبردند.» چطور شد آقا؟ تمدن سفید و بلورین و کهنه و عالی مسیحی که اشك اعلیحضرت از خطر انهدامش جاری میشد و در همین مصاحبه به مخبر دانمارکی توصیه کرد که باید طرز کار را از رژیم آلمان غربی یاد بگیرید (همین رفقای فاشیست اعلحضرت که باعناوین دمکرات وسوسیالیست قانون ممنوعیت شغلی کمونیست ها را اجرا میکنند) یك مرتبه مبدل به تمدنی شد که بر اساس ثروتهای غارتی از ملل در حال رشد، بر اساس گرسنگی وبیماری و بیسوادی میلیونها انسان در کشور های جهان، بر پایه بوالهوسی ها و وسوسه های ناپاك پدید شد! پس چرا این تمدن، یعنی تمدن منحط امپریالیستی و استعماری نباید منهدم شود؟ «سفید» و «کهنه» و «مسیحی» بودن این تمدن بدرد چه کسی میخورد؟ بقول شادروان کسروی «براستی در یاوه گوئی اندازه نمیشناسد..»

ا. س.

چه کسانی در زندانهای شاه میپوسند؟

در پاسخ احوالپرسی «زیرکانه» او سیصد هزار تومان از دهها و صد ها میلیون تومانی که با هزار دزدی و کلاشی از دسترنج زحمتکشان ربوده است، ناز شست میپردازد. حمید کاشانی مبتکر تأسیس «فروشگاههای زنجیره ای» در ایران بوده و هم اکنون صاحب سه فروشگاه عظیم در تهران است. او که در نتیجه گرانفروشی باصطلاح تبعید شده بود، اکنون نه فقط در ضیافت‌ها همنشین و هم پیماله نخست وزیر کشور میشود، بلکه بپاس «خدمات» خود مورد تشویق و مرحمت نیز قرار میگیرد. بدنباله خبر اطلاعات توجه کنید: «... نخست وزیر سپس حمید کاشانی را به تأسیس تعدادی فروشگاه بزرگ تشویق کرد و قرار شد در این باره بعداً مذاکراتی بعمل آورند و با حمایت دولت طرح تأسیس فروشگاههای جدید از طرف فروشگاه ایران بموقع اجرا گذارده شود». از رژیمی که در رأسش شاه دزدان قرار گرفته باشد، خواهر شاه ملکه قاچاقچیان باشد و نخست وزیرش حتی در دورانی که دبیر ناچیز سفارت شاهنشاهی در پاریس بود، بدزدی میپرداخت و مورد اعتراض مقامات رسمی فرانسه قرار میگرفت، بیش از این نیز انتظاری نمیتوان داشت. این شاه و دربار و چاکرانشان که تا فرق سر در منجلاب دزدی و فساد فرو رفته اند، جز پرورش دزد و فاسد، کاری نمیتوانند انجام دهند.

نماینده تلویزیون دانمارك در جریان مصاحبه‌ای که با شاه انجام داد، از او پرسید: «دیده ام که مبارزه ای علیه فساد آغاز کرده اید. آیا این راست نیست که بسبب جریان ناگهانی مبالغ هنگفت پول بسیاری از ثروتمندان خیلی ثروتمندتر شده اند و من میدانم که فقرا هم احتمالا فقیر تر شده اند و شکاف بین این دو طبقه وسیعتر میشود». شاه با بی پروائی خاص خود این واقعیت را منکر میشود و از برقراری عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی دم میزند. و این «عدالت» شاهانه زمانی است که فرزندان زحمتکشان در نتیجه بیماری و گرسنگی، فقدان پزشك و دارو چشم بجهان نگشوده راهی آن دنیا میشوند، ولی کاظم کورس و اکبر لاجوردیان برای جشن عروسی فرزندان خود که عنوان «عروسی سال» بخود گرفت، بیش از ۱۵۰۰ نفر از «مقامات عالي دولت و صاحبان صنایع و بازرگانان» را به هتل هیلتون دعوت میکنند و سالن های این هتل در مراسم جشن به نمایشگاهی از مد لباس و موزه ای از جواهر و زینت آلات مبدل میشود و نوردیدگان این نمایندگان عدالت اجتماعی برای گذراندن ماه عسل عازم یونان میگردند.

شاه باز در همین مصاحبه با بیشرمی ذاتی خود مدعی میشود که «در کشوری که با سرعت رشد میکند، همیشه مردمانی هستند که میخواهند خیلی زود ثروتمند شوند، اما ما نسبت به اینگونه افراد سخت خشن هستیم، اینهابیشترشان در زندانها میپوسند».

نه! شاه هرگز با دزدان و فاسدان «سخت خشن» نیست و نخواهد بود و غارتگران نیز در زندانهای شاه نپوسیده و نخواهند پوسید. فقط کسانی که با رژیم خود کامه و میهن فروش شاه بمبارزه برخاسته اند، خشم حیوانی او را برمیانگیزند و آنان هستند که اگر در میدانهای تیر و شکنجه گاههای شاه بشهادت نرسیده باشند، در سیاهچال های او میپوسند. ولی شاه باید اینرا هم بداند، که پایه های تختی که در کاخهای رؤیا انگیز بزور سرنیزه بر آن تکیه دارد، مدتها است موریانه خورده و روزی خشم توده ها این تخت پوسیده استبداد را واژگون خواهد کرد.

م. ا.

سوئتو

هنگامیکه دیکتاتور «کایتانو» در دهکده گالی پوش «ویریامو» (در موزامبیك استعمار زدهٔ دیروز) صدها نفر کودك، زن و سالخورده را زنده بگور میکرد، ابداً نمی پنداشت که بزودی در لیسبون قدرت تاریکش سرنگون میشود. ما، یاران مردم موزامبیك، آنرا دیدیم و گفتیم ولی او ندید و نشنید. اکنون مستر فوستر در پیرامون شهر ژهانسبرگ، در کویهای سیاه نشین «سوئتو»، در میان کلبه های حقیر و چاله های لجن، صد ها و هزار ها نفر را بگلوله می بندد؛ پلیس او روز ها و شبها مشغول جمع آوری نعش ها و زخمی هاست و او ابداً نمی پندارد که رژیم نژاد پرست «آپارتئید» ش در آستانه زوال است، و آرامش چمن های تنیس و استخر های کبود بهم خورده است. یاران او در واشنگتن و بن نیز فکر نمیکنند. متحد تاجدار او در کاخ نیاوران نیز در این اندیشه نیست. ولی بند بند این کاخ ظلمانی از هم میگسلد. دژ طلسمی استعمار و نژادگرائی در «نامی‌بی»، «ردزیا»، افریقای جنوبی بر پایه های سستی است. همهٔ رنگین پوستها: سیاهان، هندیها، نژاد های مخلوط، همراه سفید ها در سرتاسر جنوب افریقا بپا میخیزند. طبقه نیرومند پرلتاریا پشت راست میکند، تار های کهنسال فریب و اغوا از هم میگسلد. دیوار های جدائی بین گردان های خلق فرو میریزد، امواج پارتیزانها در جنگل ها هم سوگند میشوند، طوفان شگرفی در کار زایش است. آری، شلیك «سوئتو» زنان و کودکان فقیر و سیاه پوست را در کلبه های پوشالی شان غرق در خون میسازد. ولی پژواك این شلیك آسمانخراشهای «پرتوریا» و «کیپ تائون» حتی «کاخ سفید» واشنگتن را میلرزاند. آخر، افسانهٔ نیمه دوم قرن بیستم را که نمیتوان برده نگاهداشت.

آقای اسمیث! دوران مانور های موذیانه شما بسر آمده. آقای فوستر! نوبت فلسفه های توجیه گرانه شما گذشته است. آقای ژیسکار! اسلحهٔ شما نمیتواند مسئله را بزبان تاریخ حل کند. آقای کیسینجر! شعبده های مردم فریب شما بی اثر گردیده. آقای شمیدت! آقای کالاگان! «سوسیالیسم» شما بیش از این نمی تواند غازه ای بر چهره فاشیسم شود. آقایان نژادگرایان! فاشیست ها، پرستندگان گلوله و زور! جناب آریا مهر! که دلار های نفتی خود را اعجاز گر پنداشته ای! کار به ویت نام و آنگولا و موزامبیك ختم نخواهد شد. نبرد ادامه دارد و ادامه خواهد داشت: تا زمانی که اسارت باقی است، تا زمانی که اسارتگر باقی است.

*) مابین رژیم نژاد گرای افریقای جنوبی و خانواده پهلوی از زمان رضا شاه رابطه برقرار است. هم اکنون شاه برای حفظ این رژیم در تب و تاب است.

افکار عمومی در اروپای غربی ...

بفعالیت ساواك و همکاری سازمانهای امنیتی کشورهای غربی با ساواك علیه میهن‌پرستان ایرانی ابراز نگرانی و اعتراض میکند و انعکاس این نگرانی و اعتراض از جمله در فرانسه، ایتالیا، انگستان و آلمان غربی در مطبوعات و تلویزیون گسترش یافته است.

لازم به تذکر است که گسترش اعتراض افکار عمومی در اروپای‌غربی علیه فعالیت جنایتکارانه ومخرب ساواك بطور عمده نتیجه مبارزه افشاگرانه نیرو های‌ضد رژیم و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران است. جریان وقایع نشان میدهد که این مبارزه افشاگرانه میتواند در افشاء دستگاه جهنمی ساواك و منفرد کردن رژیم مؤثر باشد و مؤثر بوده است. لذا وظیفه همه نیرو های ضد دیکتاتوری است که نه فقط مبارزه افشا گرانه خود را در خارج از کشور تشدید کنند، بلکه با وحدت عمل خود بر اثر بخشی این مبارزه بیفزایند.

خیانت بزرگ به مردم ایران ...

است، محکوم میکند.

ما مردم ایران را فرا میخوانیم تا با کلیه وسائلی که میسر میشمرند با آن مبارزه کنند و جلوی این‌خطر جدی را بگیرند. سیاست ماجرا جویانه شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند. ادامه این سیاست تنها میتواند بیك فاجعه بیانجامد. زیرا خود خواهی شاه و خانواده پهلوی چنانست که ابائی ندارند نه تنها میهن ما بلکه سراسر منطقه را به تل خاکستری بدل کنند.

واقعیات اخیر یکبار دیگر صحت شعار حزب ما را نشان میدهد که در مقابل مردم ایران وظیفه ای مبرمتر از سرنگون کردن رژیم حاضر و برای اینکار افزاری مناسب تر از خاتمه دادن به تشتت و تفرقه نیروها و ایجاد وسیع ترین جبهه ضد دیکتاتوری، از کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم وجود ندارد. کم بها دادن به خطر و غفلت از آن بهیچوجه روا نیست. نیرو ها و افراد مخالف رژیم نباید در تنگ نظریهای گروهی مستغرق شوند و برای رهائی ایران از شر یکی از شوم ترین، ضد انسانی ترین و ماجراجوترین رژیم های فاشیست مآب جهان، باید وحدت عمل خود را بوجود آورند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
شهریور ۱۳۵۵

با این آدرس با رادیو پیك ایران، با روزنامهٔ مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49 Sweden

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فشـــار بر زندانیـــان سیاسی افزایش می یابد

مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی را تشدید کنیم

همراه با تشدید ترور واختناق بمنظورسرکوب هرگونه مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه ، فشار بر مبارزانی که در زندانها در اسارت رژیم دیکتاتوری شاه بسر میبرند نیز افزایش می‌یابد . بتازگی این فشار زندانیان سیاسی زن را هم در بر گرفته است . زنان و دختران مبارزی که به اسارت دژخیمان ساواك و شهربانی در آمده اند ، نه فقط در بدترین شرایط بسر میبرند ، بلکه هر روز با ناهنجاری‌ها و آزارهای تازه‌ای از جانب زندانبانان شاه روبرو میشوند . ازجمله‌درحدود پنج ماه پیش‌دژخیمان‌رژیم به‌زندان سیاسی‌زنان قصر – که‌درحدود ۱۲۰ زندانی‌سیاسی زن‌در‌آن‌نگهداری‌میشوند هجوم بردند وزندانیان را باباتون و مشت ولگد کتك جانانه‌ای زدند . این وحشیگری یکماه بعد با دغلکاری رذیلانه‌ای تکمیل شد ، به این ترتیب که به زندانیان سیاسی زن اطلاع دادند که کلیه نشریات و کتبی که در اختیار آنهاست باید باردیگر از طرف مأمورین ویژه زندان کنترل شود . بدنبال این اخطار کلیه کتب و مجلات و روزنامه هائی که در زندان بود ، وبارها از صافی سانسور چیان زندان گذشته بود ، جمع‌آوری شد . حتی کتب درسی ، از جمله کتب آموزش‌زبان انگلیسی و دستور زبان نیز از زندانیان گرفته شد . در خواستها و اعتراضهای مکرر زنان ودختران زندانی باین وحشیگریها واعمال غیرقانونی باسکوت‌وبی‌اعتنائی دژخیمان روبرو شده است . علاوه بر این زندانبانان شاه از اجتماع زنان ودختران زندانی بشدت جلوگیری میکنند . هرگونه بحث و حتی گفتگوی ساده بین چند نفر ممنوع است و کسانیکه این مقررات ظالمانه را زیر پا بگذارند ، با تنبیه بدنی و زندان انفرادی مجازات میشوند .

هدف رژیم از ایجاد شرایط توانفرسا برای زندانیان سیاسی و تشدید فشار بر آنها روشن است . رژیم میخواهد قدرت مقاومت مبارزانی را که به‌اسارت درآورده ، در هم شکند ، و اگر موفق نشد ، آنها را بتدریج نابود سازد .

زندانیان سیاسی تا کنون توانسته اند با تحمل

دنباله در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه حـزب توده ایران

در راه وحدت عمل همه نیرو های ضد رژیم برای سرنگون ساختن دیکتاتوری

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

بمناسبت سی و پنجمین سالـگذشت تأسیس حزب تودهٔ ایران

در مهر ماه سال‌جاری سی‌وپنج سال از تأسیس حزب توده ایران میگذرد . حزب توده ایران ادامه دهنده راه سازمانهای سوسیال دمکرات انقلابی وحزب کمونیست ایران است وبمثابهٔ حزب طبقه کارگرایران پیوسته درفش جهان بینی علمی و انقلابی این طبقه ، مارکسیسم – لنینیسم را سرفرازنگاهداشته ودرمواضع سیاسی [illegible] ماعی این طبقه استوار ایستاده است.حزب توده ایران همواره از منافع دور و نزدیك طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران پی گیرانه دفاع کرده ، با امپریالیسم بخاطر استقلال‌ملی مبارزه‌نموده ، باارتجاع وبخاطر دمکراسی‌سیاسی واقتصادی رزمیده وجنایتها و خیانتها و غارتگریهای این نیروهای دشمن میهن ما را بشکل مشخص‌ودر مراحل مختلف‌افشاء‌کرده ، از حقوق خلقهای‌سرزمین‌ایران ، از حقوق‌دهقانان ، زنان وجوانان زحمتکش ، پیشه وران و دیگر قشر های دمکراتیك و ضد امپریالیستی با تمام نیرو مدافعه کرده ، و در مسائل جهانی از دیدگاه صلح وترقی و انترناسیونالیسم پرولتری ، علیه سیاست جنگ وارتجاع و تنگ نظری ملـی موضـع گرفته است، وازکشور های سوسیالیستی جنبشهای‌انقلابی کارگری، جنبش‌های‌رهائی بخش ملی با دل و جان پشتیبانی نموده است . حزب توده ایران مروج اندیشه های رهاگر و گرهگشای مارکسیسم – لنینیسم است و با انحراف « چپ » و راست از این اندیشه‌ها ، پیوسته مقابله کرده و بر اساس این جهان بینی در راه تنظیم مشی استراتژیك و تاکتیکی حزب طبقه کارگر ایران ، بزرگترین و پر ثمرترین مساعی‌را بخرج داده‌است . حزب توده‌ایران منشأ خدمات‌عظیم درتش[illegible] حمتکشان‌ایران ، در تحول افکار عمومی ، در رهبری‌مبارزه‌مردم‌برای‌تحول‌بنیادی‌جامعه و کوفتن وهموار ساختن جاده مبارزات‌و پیروزیهای آینده است . هرگز در تاریخ کشور ما سازمانی با چنین ابعاد معنوی ومادی عظیم وجود نداشته است . این حزب کما کان بزرگ ترین سازمان اپوزیسیون انقلابی و سازمان پیشآهنگ قشرهاو طبقات مترقی و خلقهای کشور ماست .

دشمنان و مخالفان رنگا رنگ حزب ما کوهی کاغذبرای سیاه کردن سیمای تابناك حزب مصرف کرده اند و هم اکنون با شدتی روز افزون وبی‌سابقه سیاه میکنند ولی خورشید را بگل نمیتوان اندود . واقعیت‌های تاریخی سر سختند وعلی رغم هر منکری، وجود خود را خواه نا خواه نشان میدهند .

حزب ما اکنون نیز ، مانند همیشه در شرایط دشوار ، به پیروزی راه و آرمان خویش با اعتماد و اطمینان کامل نگریسته و مینگرد . انفراد روزافزون رژیم‌ماوراء ارتجاعی واستبدادی‌محمدرضا شاه که بعنوان ژاندارم‌امپریالیسم با نظامیگری افسارگسیخته‌وسیاست تجاوز کارانه امنیت، کشور ما و صلح منطقه را بخطر انداخته و با همدستی امپریالیستهای رنگارنگ‌ثروتهای ملی ایران رادستخوش چپاولی بی‌سابقه ساخته، بیداری روز افزون مردم ایران وبویژه تشکل وفعالیت سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر ، تغییر مستمر تناسب نیرو ها در عرصه جهانی بسود صلح ودمکراسی وترقی‌اجتماعی مبارزه بلا انقطاع حزب ما برای متشکل کردن ومتحد ساختن نیرو های ضد رژیم ، همه و همه روز رهائی از وضع نکبت بارکنونی را نزدیکتر و نزدیکتر میکند. هیچ نیروئی در جهان قادر نیست رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك کنونی را علی رغم ارادهٔ مردم ایران از سیر بجانب زوال حفظ نماید .

حزب ما در شرایط کنونی ، سر نگون کردن رژیم دیکتاتوری را شرط مقدم هرگونه حرکتی بجلو میداند . افزار اساسی نیل به این هدف مبرم ، عبارت است از تأمین وحدت عمل‌کلیه نیرو های ضد دیکتاتوری‌اعم‌از تعلق بهر عقیده‌ای وسازمانی. سخن ازوحدت عمل در میان است نه اتحاد سازمانی . تنها وحدت عمل نیرو ها و مشی سنجیده و عاقلانه آنها برای نبرد با دیو استبداد و نیروی دوزخی ساواك خواهدتوانست بروزگارتاریك کنونی میهن ماهرچه زودتر خاتمه‌بخشد. آنهائیکه انرژی های انقلابی را در ماجرا ها و حادثه جوئیهای بی سر انجام بهدر میدهند ، بهدفی که در برابر خود نهاده‌اند سودی نمیرسانند ، آنهائیکه سنگ تفرقه در میان نیرو های ضد رژیم می افکنند ، خواه بخواهند یا نه ، باعمل خود بطور عینی‌به رژیم خدمت می کنند .

حزب ما با سر سختی مشی وحدت عمل نیروها در راه سرنگونی رژیم محمد رضا شاه را، دنبال خواهد کرد ومطمئن است که مردم ایران بدرستی روش‌حزب ما معتقدند و آنرا مورد پشتیبانی همه جانبه قرار داده و خواهند داد ومشی تفرقه افکن حادثه‌جو درصورت لجاج در روش خود ، در جنبش و جامعه بیش از پیش دچار انفراد و شکست خواهند شد .

در این روز سی وپنج سالگی حزب توده‌ایران، ما بهمهٔ رفقای حزبی بـویژه برفقای عزیز زندانی درود آتشین میفرستیم . ما در قبال خاطره شهیدان حزب و نهضت سر تعظیم فرود می آوریم . ما سوگند خود را در وفا داری براه طبقه کارگر تجدید میکنیم و باعتاد انقلابی براه مقدس خود تا پیروزی نهائی ادامه خواهیم داد .

فرخنده باد سی وپنجمین سالگـرد حزب توده ایران !

کمیته مرکـزی حزب توده ایران

شهـریور ۱۳۵۵

شـــاد باش به رفیق لوئیس کور والان

دبیر کل حزب کمونیست شیلی بمناسبت شصت سالگی



رفیق‌عزیز کوروالان !

کمیته مرکزی حـزب توده ایران شصتمین زاد روز آن رفیق عزیز را باصمیمیت فراوان شاد باش میگـوید. پایداری دلیـرانه شمادر زندان فاشیسم احترام و محبت‌عمیق خلقها را متوجه شما ساخته وشمارا به مظهر ایستادگی رزمجویانه درقبال دشمنان دمکراسی و ترقی اجتماعی مبدل کرده است .

مردم‌کشور ماکه دهها سال است در شرایطـی دشوار با رژیـم استبـدادی و فاشیستی سلطـنتی در نبردند ، به‌ارزش‌بزرگ وتأثیر‌تاریخی مبارزه آن دوست و رفیـق بسیار عزیز نیك واقفند .

ما اطمینان داریم که مردم شیلی به آرمان شما رفیق عزیز و همـرزم فرامـوش نشدنی شما رئیس جمهورشهید آلینده سر انجام جامهٔ عمل خـواهند پوشید و نه فقط همه زندانیان و مهاجـران سیاسی شیلی روی‌آزادی خواهند دید ، بلکه‌خلق رها شده کشور شما خواهد توانست زندگی نو وعادلانه‌ای را بر پای‌سازد و رژیم ننگین پینوچت را در لجن زار تاریخ مـدفون نماید .

شما را بگرمی در آغوش میکشیم و درودهای آتشین رزم خود را به شما و همهٔ زندانیان سیاسی شیلی از جانب‌حزب خود ، زندانیان سیاسی ایران و همه خلقهای کشور مان عـرضه میداریم .

کمیته مرکزی حـزب توده ایران

کار گران نه مجذوب میشوند نـه مرعوب

بدنبال اعتصاب موفق کارگران نفت آبادان ، مأموران ساواك نیمه شب ۲۵ خـرداد ، پس از یورش به خانه های ۱٦ نفر از کارگران ، آنانرا چشم بسته به محل نا معلومی بردند . خانواده های این کارگران نه فقط نان آور خود را از دست داده اند ، بلکه تا کنون از سرنوشت سر پرستان خویش بی خبرند .

و این حادثه تقریباً یك ماه پس از باصطلاح « سومین کنگره کارگران » ، یکی دیگر از خیمه شب بازیهای شاهانه رخ داد . شاه در این کنگره مدعی بود که : « امروزه کارگر ایرانی جدا از دولت و یا احتمالا نیروئی در صف مقابل آن نیست ، زیرا در اجتماع امروزی ایران که بر اساس انقلاب شاه و مردم پی ریزی شده و تناقضات اجتماعی در آن حل شده است ، دولت خود پشتیبان سندیکا ها و مدافع منافع حقه آنها است ، در عین حال منافع حقه کارگرو کارفرما بهم پیوسته است » .

دنباله در صفحه ۲

تسلیت

به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

کمیته مرکزی حـزب توده ایران درگذشت صدر کمیته مرکزی‌حزب کمونیست چین مائوتسه دون را صمیمانه بآن رفقاتسلیت میگوید .

خواهشمندیم تسلیت ما را به خانواده و نزدیکان آن فقید ابلاغ نمائید .

حزب توده ایران و حزب کمونیست چین دریك‌دوران‌معین بر اساس مارکسیسم – لنینیسم وانترناسیونالیسم‌پرولتری بایکدیگر روابط و همکاری صمیمانه و موفقیت آمیز داشتند. متأسفانه این روابط بر اثـر بروزیك سلسله اختلافات اصولی قطع شد که حزب مادراین زمینه برای خود مسئولیتی قائل نیست و امیدوار است وضـعی بوجود آید که این روابط برپایهٔ مارکسیسم – لنینیسم وانترناسیو نالیسم پرولتری بحالت عادی خویش در آید.

با بهترین احترام

کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرار سرمایه وثروت از ایران

مجله اکونومیست چـاپ لنـدن در شماره ماه اوت خود مقاله ای تفصیلی بقلم « دیوید هاوس گو » در باره اوضـاع ایـران منتشر کـرده کـه مـا در اینجا یك نکته از آنرا مورد بر رسی قرار میدهیم . نویسنده ضمن بیان آشفتگی وضع اقتصادی ایران میتویسد که در سال ۱۹۷۵ بیش از دو میلیارد دلاراز ایران بخارج فرارکرده است. گر چه این رقم‌بخودی خود‌رقم‌بزرگی است ولی بیانگر بخشی از واقعیت‌است که گروههای گوناگونی با انگیزه های متفاوت وعلل جور واجور پولها را از ایران بیرون میبرند و بسیاری از آنها خود نیز راه دیار فرنگ یا امریکا را در پیش میگیرند . این گروهها را بطور کلی میتوان بشرح زیرین دسته بندی کرد :

اول – سرمایه‌دارانی که بدلائل‌مختلف از جمله بی اعتمادی به‌ثبات رژیم ، ناتوانی در رقابت با سرمایه دارانی که‌نفوذ انحصاری‌خود را دردستگاههای اقتصادی ومالی بر قرار کرده وشاهرگهای اقتصادی را در دست

دنباله در صفحه ۲

جنون تسلیحاتی رژیم تبه کار محمدرضاشاه

مسئله خرید و سفارشهای تسلیحاتی رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری ایران از مسائلی است که نظر مطبوعات و محافل گوناگون جهان را بیش‌از پیش بخود جلب میکند. انگیزه چنین توجهی روشن است. سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی که ایران در پیش گرفته، درست در جهت عکس روند وخامت زدائی و باز گشت نا پذیر کردن سیاست «جنگ سرد» و تکمیل تحقق بخشیدن به تنش‌زدائی سیاسی از راه تنش زدائی نظامی است. این احکام و نظریات در سند نهائی کنفرانس سران کشور های اروپائی در هلسینکی و در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری قاره اروپا در برلن و کنفرانس کشورهای غیر متعهد (که با شرکت ۸۵ کشور آسیا و افریقا وامریکای لاتین در کلمبو برگزارگردید) موردتأکید و تأیید قرار گرفته است.

بدین ترتیب همه کشور های اروپائی‌واکثریت کشور های آسیا و افریقا و امریکای لاتین سیاست «جنگ سرد» و مسابقه تسلیحاتی را محکوم کرده از سیاست وخامت زدائی و پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین دول پشتیبانی میکنند. ولی رژیم ایران با چنان مقیاسهای عظیمی مدرنترین جنگ افزارهای نیروی‌زمینی و هوائی‌ودریائی خریداری میکند که با مقتضیات دفاعی کشور وبا بنیه اقتصادی آن ابداً تناسبی ندارد. ایران در معرض تهدید یاخطر تجاوزی قرار ندارد که بوی حق دهد که بچنین تدارکات جنون آمیزی دست زند. حتی درکمیسیون فرعی سنای‌امریکا که‌خود عمده‌ترین فروشنده‌تسلیحات به ایران است به این مطلب اعتراف شده است که میزان خرید تسلیحات ایران طی ۳ - ٤ سال اخیر از هر اندازه و مقیاسی فراتر رفته است. در سال ۱۹۷٤ ایران بمبلغ ۸ میلیارد دلار از ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی اسلحه خریداری‌کرده یعنی مبلغی بیش از مجموعه هزینه های نظامی ایران طی سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹٦۰. در لایحه بودجه دولتی سالهای ۱۹۷٦ - ۱۹۷۷ ایران، مبلغ ۲ ر ۹ میلیارد دلار برای هزینه های نظامی منظورشده که با هزینه های غیر مستقیم نظامی به ده میلیارددلار میرسد، یعنی ۳٦ در صد مبلغ کل هزینه بودجه کشور به هزینه‌های نظامی تخصیص داده شده است.

در مرداد ماه سال‌جاری هنگام‌مسافرت هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به ایران اعلام شد که ایران تا سال ۱۹۸۰ بمیزان ۱۰ تا ۱۵میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه زمینی و هوائی و دریائی از امریکا خواهد خرید و بطوریکه مجله «اکونومیست» لندن مینویسد ایران تا سال ۱۹۸۰ بطور کلی ۲۲ میلیارد دلار اسلحه خواهد خرید. اخیراً ایران تعداد کثیری هواپیمای جت بمب افکن «اف - ٤» و جت‌جنگنده «اف - ۵» و «اف ۱٤» دستگاههای موشك «هوك» رزم ناو از نوع «اسپروان» چند فروند زیر دریائی، پانصد فروند هلیکوپتر، بمبهای لازر و بمبهای هدایت شونده خریداری کرده و برای خرید هواپیماهای‌جنگی «اف - ۱۵ و» اف - ۱٦» که هنوز در اختیار نیروی هوائی امریکا قرار نگرفته با کمپانی «جنرال دای نمیکس» معامله ای انجام داده است. طبیعی است که کادر افسری و درجه‌داران ایران با سطح نازل معلومات فنی قادر به استفاده از این نوع سلاحهای‌مدرن نیست وخریداین نوع‌تسلیحات با روانه شدن دهها هزار افسر و درجه دار امریکائی بعنوان مستشار و مربی و کارشناس به ایران همراهاست نشریه‌امریکائی «کریسچن سای‌نس مونیتور» و روزنامه «نیویورك تایمز» و دیگر مطبوعات کشور های‌غربی مینویسند که شماره نظامیان امریکا در ایران به ۲۵ تا ۲٦ هزار نفر رسیده است و در سال ۱۹۸۰ به ۵۰ تا ٦۰ هزار نفر خواهد رسید. مایکل کلار مؤلف امریکائی درکتابی که بنام «جنگ بی پایان! برنامه ریزی امریکا برای ویتنام بعدی» نوشته است، خاطر نشان میکند: پرسنل نظامی امریکا عملا خاور نزدیك را اشغال کرده و امروز کار شناسان نظامی امریکا بر نیروهای مسلح اکثریت کشورهای منطقه خلیج فارس کنترل خود را برقرار کرده اند.

شاه ایران در مصاحبه های خود تلاش داردلین سیاست نظامی گری جنون آمیز را با خطر مبهمی که گویا ایران راتهدید میکند توجیه کند ودر این مورد هنری کیسینجر با صراحت میگوید: «ایران با اتحاد شوروی هم مرز است و در منطقه ای بالقوه خطرناك و در میان همسایگانی قرار گرفته است که مبالغی بیشتر از ایران صرف خرید تسلیحات کرده اند» (از مصاحبه کیسینجر درنوشهر) این بیانات کیسینجر مؤید آنستکه برنامه‌تسلیحاتی ایران با دستور مستقیم امپریالیسم امریکا ودر زمینه اجرای هدفهای‌استراتژیك پنتاگون‌اجرا میشود، یعنی‌تبدیل ایران به پایگاه‌نظامی علیه اتحاد شوروی، کشور عراق و دیگر همسایگان ایران‌که دارای رژیمهای مترقی‌هستند. رژیم ضدخلقی محمد رضا شاه با اجرای چنین سیاست جنون آمیزی علاوه بر ایجاد وتشدید وخامت اوضاع منطقه و تهدید صلح و امنیت خلقهای منطقه خلیج فارس، سالیانه بیش از نیمی از درآمد ثروتهای نفتی مردم ایران راکه صاحبان واقعی این ثروتها هستند و برای رشد صنایع و کشاورزی و فرهنگ و بهداشت نیاز مبرم به آن دارند به کاو صندوقهای انحصارات کمپلکس صنعتی نظامی میریزد. محمدرضا شاه باجرای سیاست‌نظامیگری وتسلیحاتی‌دست اندر کار چنان خیانتی نسبت بمردم و استقلال میهن ماست که در تاریخ میهن و مردم ما بی سابقه است.

چنین سیاستی‌تنها میتواند‌محصول مغزی معیوب و وجودی سرا پا خیانت و تبه کاری نسبت به مردم ایران باشد. در اظهاریه‌هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران («مردم» شماره ۱٦۳ اول شهریور ۱۳۵۵) تأکید شده است: «سیاست ماجراجویانه شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند وادامه این سیاست تنها میتواند بیك فاجعه بیانجامد، زیرا خود خواهی شاه و خانواده پهلوی چنانست که ابائی ندارند نه‌تنها میهن مابلکه سراسر منطقه را به تل خاکستری بدل کنند.»

ح. پژواک

فشار بر زندانیان سیاسی . . .

فشار های روحی و جسمی توان فرسا، با مبارزه و مقاومت و چه بسا به بهای جان خود، این توطئه جنایتکارانه دژخیمان شاه را عقیم گذارند. بدون‌تردید این مبارزه و مقاومت که با فداکاریها و قربانیهای فراوان همراه بوده در آینده نیز ادامه خواهد یافت. زنان ومردانی که برای آزادی ایران عزیز ما از چنگال خونین رژیم دیکتاتوری شاه، آزادی خود را ازدست داده اند و آماده جانبازی هستند، نخواهند گذاشت که‌زندانبانان دژخیم آنها رابزانو درآورند. برخورداری آنها از احترام و ستایش مردم ایران از همینجاست.

تشدید فشار رژیم بر زندانیان سیاسی از یکسو و مبارزه و مقاومت زندانیان سیاسی در برابر این فشار روز افزون از سوی دیگر، بر اهمیت و حساسیت وظیفه ای که در دفاع از زندانیان سیاسی بر دوش‌همه میهن‌پرستان ومبارزان خارج از زندان است، میافزاید. میباید مبارزه‌برای‌دفاع از زندانیان‌سیاسی را - هم برای ایجادمحیط قابل تحمل درزندان وهم برای آزادی آنان - تشدید کرد تا بتوان با تشدید فشار رژیم بر زندانیان سیاسی مقابله نمود، بویژه میباید این مبارزات را متحد ساخت تا بتوان بر ثمر بخشی آن افزود. این واقعیت دیگر بر هر عقل سلیمی روشن است که ساواك هر میهن پرست مبارزی را، اعم از توده ای و غیر توده ای، مارکسیست و غیر مارکسیست، نه‌فقط به «جرم» مشترك مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه به زندان می اندازد، بلکه آنها را در زندان هم در کنار هم قرار میدهد. چه دلیلی قاطع‌تر و چه انگیزه‌ای موجه تر از این که این قربانیان‌مشترك نیز به مبارزه متحد برضد دژخیمان و زندانبانان دست‌زنند؟ حزب ما که با احساس مسئولیت در برابر مردم‌ایران، همه میهن پرستان مبارز، همه مخالفان رژیم دیکتاتوری شاه را، صرفنظر از عقایدسیاسی واجتماعی ومذهبی، به مبارزه متحد در یك جبهه ضد دیکتاتوری دعوت کرده است، امید وار است که مبارزه متحد همه این نیروها در دفاع از زندانیان سیاسی گامی جدی برای نیل به این هدف باشد.

م. انوشه

فرار سرمایه و ثروت از ایران

دارند، هرج ومرج اقتصادی وفساد دستگاههای‌دولتی فقدان نیروی کار ماهر و کارشناسان فنی که بعلت سیاست نظامیگری دولت بمؤسسات گوناگون ارتشی و «امنیتی» کشانده میشوند، سرمایه هائی راکه از بهره کشی بی بند و بار زحمتکشان بدست آورده‌اند ازکشور خارج و بجاهائی که از نظر آنها امن وبیشتر سود آور است منتقل میکنند.

دوم - آنهاکه‌ازراه‌غارتگری، دزدی‌و چپاول از خزانه دولت و از جیب مردم پولهای کلانی بدست آورده اند و برای دور کردن آنها از هرگونه خطری میلیونها ثروت کشور را ببانکهای اروپا و امریکاسرازیر میکنند تا بمحض احساس خطر فرار را بر قرار ترجیح داده و بدنبال اموال غارتی بروند. سران ارتش و دستگاههای دولتی، مقاطعه کاران و مختلسان درجزء این گروهند. یك پای آنها در ایران برای ادامه دزدی و غارتگری و پای دیگرشان در خارج برای عیاشی و استفاده از پولهای فراری است.

سوم - لایه‌هائی از خرده‌بورژوازی مرفه که‌بیشتر شامل کارمندان متوسط، و روشنفکرانی میشود که دارای خانه ومستغلاتی شده‌اند یا آنکه‌پولی جمع وجور کرده‌اند وچون اهل مبارزه علیه رژیم نیستند میخواهند از محیط خفقان آور ایران که در آن هیچگونه‌آزادی وجود ندارد و انسانها دارای شخصیت و حقوقی نیستند فرار کنند و از شر شاه و دستگاه آدمخوار ساواکش بگوشه ای از جهان پناه ببرند و از دست میهنی که در آن خواب راحت و آسایش ندارند آسوده شوند.

چهارم - شاه وخاندان پهلوی واطرافیانش که پولهای بیحسابی از خزانه دولت، از مؤسسات گوناگون سود آور کشاورزی و صنایع و بانکها، از رشوه های کلان هنگام بستن قرار داد های گوناگون اقتصادی، از قرار داد های خرید اسلحه، از معاملات نفت، از راه قاچاق هروئین و مواد مخدره و ازبسیاری راههای دیگر، میلیونها و میلیونها تومان بدست می‌آورند وبصورت‌ارزهای خارجی دربزرگترین‌بانکهای جهان سرمایه داری میگذارند. انگیزه دیگر انباشتن این پولها درخارج از کشورنیز بی‌اعتمادی‌به‌آینده است. شاه و اطرافیانش که از هر کس بکنه اقدامات ضد ملی خویش آگاه ترند از مردم میترسند، بآنها اعتماد ندارند و در همانحال که با زور سر نیزه و شکنجه گاههای ساواك بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند حساب روزمبادا راکه دیر یازود خواهدرسید میکنند.

اگر مجموع‌این‌پولهارا که چون سیلی از کشور بخارج روان است حساب کنیم، آنوقت این واقعیت بروشنی نمایان میشود که پولهای فراری از ایران خیلی بیش از دو میلیارد دلاری است که «آقای دیوید هائوس‌کو» در مجله اکونومیست لندن آورده است. اما این نکته را بایدگفت که نویسنده (اکونومیست) نخواسته علل واقعی فرار سرمایه ها را بیان کند. او ناجوانمردانه دردرجه اول گناه را بگردن‌زحمتکشان ایران انداخته و میگوید بالا رفتن مزد ها یعنی کم شدن مقدار بهره‌کشی که گویا «مورد حمایت دولت است»! و عجز سازمان ساواك در جلوگیری از جنبش کارگران عامل اصلی فرار سرمایه است! او حتی بی اعتمادی صاحبان سرمایه را نسبت به رژیم به ترس آنها از تبدیل رژیم ایران بیك رژیم گویا ضد سرمایه داری تعبیرمیکند! این‌آقای نویسنده که ازمندرجات مقاله‌اش پیداست که با وضع عمومی ایران آشناست خود را در این مورد چنان بنادانی و سفاهت زده که گوئی از کشتار بیرحمانه کارگران و زندانی کردن صدها تن از آنها در جریان مبارزات اعتصابی و حق طلبانه آنان چیزی بگوشش نخورده و از جنایتکاریهای ساواك که نه تنها در ایران بلکه در مقیاس جهانی گوی سبقت را از سازمانهای نظیر خود در آدمکشی و جنایتکاری ربوده، بیخبر است. در اینکه اوضاع اقتصادی ایران آشفته‌است‌تردیدی‌نیست زیرا ایران‌دزد بازاری است که دزدان خارجی و داخلی ثروت های طبیعی و درآمد ملی آنرا از راههای گوناگون غارت و از نیروی کار زحمتکشانش به کمترین بها حداکثر بهره کشی را میکنند. تمام این وضع محصول حکومت ضد ملی و ضد دمکراتیك محمد رضا شاه است که‌در دستگاههای دولتیش بجز قانون جنگل و فرمانهای دیکتاتور فاشیست چیزی حکمفرما نیست. باین دلیل است که سرنگونی این رژیم از راه جبهه ضد دیکتاتوری مقدم ترین شرط تغییر وضع نا بسامان ایران است.

ا. گـویا

کارگران نه مجذوب میشوند نه مرعوب

شاه هنگامی از پیوند کارگر و کارفرما ودولت دم میزند، که دژخیمان ساواك وشهربانی و ژاندارمری، کارخانه ها و کارگاههائی را که کارگران آنها برای دست یافتن به حداقل حقوق خود به‌اعتراض و نمایش واعتصاب می‌پردازند، در محاصره‌میگیرند، کارگران را از کارخانه اخراج میکنند، به بازداشتگاهها و تبعیدگاهها میفرستند، با باتون وقنداق تفنگ‌مضروب و مجروح میکنند، حتی به گلوله می بندند.

شاه وجار چیانش زمانی از بر افتادن «تناقضات اجتماعی» و بر پا شدن «عدالت اجتماعی» لاف میزنند که زندگی زحمتکشان روز بروز دشوارتر و شکاف میان فقر و ثروت دمبدم وسیعتر میگردد.

دستمزد ناچیز، کمیابی ونایابی کالاهای ضرور، افزایش سریع هزینه‌زندگی، کمبود و گرانی مسکن، فقدان وسایل بهداشت وآموزش، محرومیت عملی از بیمه های اجتماعی و ایمنی کار، اجرا نشدن حتی طرح ناقص طبقه بندی مشاغل، اخراج خود سرانه، عقب افتادن دستمزد ها، تبعیض میان کارگران ماهر داخلی و خارجی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر کننده کارفرمایان و کارگزاران آنها - همگی عواملی‌هستند، که دشوار ترین شرایط کار و زندگی را به کارگران ایران تحمیل میکنند. غارت ثروتهای ملی بوسیله انحصارات امپریالیستی و صرف هزینه های [illegible]ام آور نظامی، که رژیم کنونی عامل آن است، بر دشواری زندگی زحمتکشان بمراتب می افزاید.

همراه با تشدید دشواریهای زندگی و بالا رفتن سطح آگاهی کارگران، دامنه مبارزه آنان نیز وسیعتر و شیوه ها و اشکال مبارزه شان متنوع تر میگردد. واقعیت های زندگی نشان میدهد که نه عوامفریبی های رژیم در باره سهیم کردن کارگران در سود و مالکیت واحد های صنعتی و تبلیغات بی پایه در باره پیشرفت فرهنگ و بهداشت و تعمیم بیمه های اجتماعی و دعاوی پوچ در باره بر افتادن طبقات و تضاد های طبقاتی و وعده های تو خالی در باره «تمدن بزرگ» و نه توسل به‌ترور واختناق، زندان و شکنجه، کشتار و سر به نیست کردن - نتوانسته ونخواهد توانست زحمتکشان را از مبارزه در راه‌احقاق حقوق خود ودست یافتن به آرمانهای خویش بازدارند. مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان اوج و توان بیشتر مییابد و آرامش این «جزیره ثبات» را زیر ضربات امواج خود بیش‌ازپیش بر هم میزند.

م ۱۰

حزب توده ایران مبارزه میکند

(اظهار نظر روزنامه آلمان غربی)

روزنامه «فرانکفورتر اوند شائو» منتشره در آلمان غربی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷٦ تحت عنوان «شکار مخالفان شاه» بقلم ولفگانگ شتوك کلائوستر مقاله ای در باره فعالیت اپوزیسیون ضد رژیم نشر داده و از آنجمله به فعالیت حزب توده ایران اشاره کرده می‌نویسد:

«مارکسیستهای‌ایرانی بصورت‌حوزه‌ها متشکلند وبرای حفظ امنیت حوزه ها، آنها مستقل از یکدیگر فعالیت میکنند. حزب کمونیست (توده) علی‌رغم ممنوعیت خود در خارج و داخل کشور بصورت مخفی‌بفعالیت خود ادامه میدهد و بسیاری از هواداران این حزب از زمره دانشجویانند» صرف نظر از اینکه این روزنامه در توضیح فعالیت و نوع این نیروها، روشها وسیاست‌همه را یکسان میگیرد و اختلاف نیروها و اسلوب عمل آنها را نمی بیند، اعتراف این روزنامه بفعالیت متشکل حزب توده ایران در داخل کشور و هدف این مبارزه بهر صورت میتواند برای خوانندگان «مردم» جالب باشد.

دوست گرامی بیکار

مبلغ ۸۰۰ مارك غربی توسط رفیق ۲٥٤ رسید. صمیمانه سپاسگزاریم.

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نامه شادباش حزب تودهٔ ایران

به حزب سوسیالیست متحده آلمان

بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان

برفیق اریش هونکر
دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان !

رفیق عزیز !

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و همه اعضای حزب ما ۲۷ ـ مین سالگرد تأسیس جمهوری دمکراتیک آلمان را به شما و بوسیله شما به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و به همه زحمتکشان کشور شما صمیمانه تبریک میگوید .

تأسیس اولین دولت کارگری ـ دهقانی در سرزمین آلمان در ۲۷ سال پیش رویداد تاریخی بسیار بااهمیتی بود . این واقعه نه‌تنها موجب شد که دولتی هوادار صلح و امنیت در قلب اروپا بوجود آید وتأثیر مستقیم بر امر تنش زدائی و تقویت نیرو های صلح و مخالف جنگ در سراسر اروپا و جهان بخشد ، بلکه همچنین امکان داد که بخشی از مردم آلمان از مواهب رژیم سوسیالیستی و دست آورد های آن در زمینه نیل به ترقیات سریع اقتصادی و علمی و فرهنگی و رفاه روز افزون اجتماعی بهره مند گردد .

طی مدت کوتاهی که از تأسیس جمهوری دمکراتیک آلمان میگذرد کشور شما از لحاظ پیشرفت های سریع صنعتی در شمار معدودی کشورهای پیشرفته قرار گرفته و در آن اقتصاد شکوفان سوسیالیستی به ثمرنشسته است. اکنون زحمتکشان جمهوری دمکراتیک آلمان تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان سرگرم ساختمان سوسیالیسم پیشرفته و پایه گذاری پایه های کمونیسم در کشور خود هستند . در نهمین کنگره حزب شما خط مشی ای که مسلماً منتهی به نیل به نتایج درخشانی درسالهای آینده میگردد تعیین گردید .

در جامعه کشور های سوسیالیستی ، جمهوری دمکراتیک آلمان یکی از نزدیکترین دوستان اتحاد جماهیر شوروی است که بنوبه خود و بحق پایگاه

دنباله در صفحه ۲



رفیق اریش هونکر

انتخابات انجمن ها و «دمکراسی» شاهانه

۲۲ شهریور ماه اسامی نامزد های انتخابات انجمن های شهر و شهرستان و شورا های آموزش و پرورش منطقه ای از جانب « هیئت اجرائی حزب رستاخیز » اعلام گردید . متعاقب این اعلام دستور توزیع کارتهای انتخاباتی از ۲۳ شهریور ماه صادر شد. بدینسان انتخابات انجمنها و شورا ها که از اوایل‌سال پیرامون آن جنجال وسیعی براه انداخته شده ، وارد مرحله نهائی گردیده و بپایان خود نزدیك میشود .

روز اخذرأی برای انتخاب نمایندگان انجمنهای شهر وشهرستان وشورا های آموزش و پرورش منطقه‌ای ۲۲ مهر ماه تعیین شده ، محافل دولتی وحزب شه‌ساخته رستاخیز اکنون تلاش بعمل میآورند تا با صدور هر چه بیشتر کارتهای انتخاباتی ، آرایش محل های اخذ رأی و در روز رأی گیری ، آوردن منظم انتخاب کنندگان بپای صندوقها ، منظره قابل قبول تری از استقبال مردم و « شرکت » آنها در انتخاباتی که در شرایط ترور پلیسی و خفقان دیکتاتوری انجام میشود ، بافکار عمومی داخل و خارج کشور عرضه دارند . تمام نیروی رژیم تجهیز شده تا برای مدت چهار سال دیگر کرسیهای انجمنها و شورا ها تمام و کمال در اختیار کسانی بنام نماینده گذاشته شود که صلاحیتشان از هر جهت مورد تأیید سازمانهای دولتی و درباری ، بویژه سازمان امنیت قرار گرفته و طبیعی است که در میانشان عوامل وابسته به این سازمانها نیز کم نخواهند بود .

تحت عنوان انتخابات انجمنهای شهر وشهرستان و شوراهای آموزش و پرورش منطقه ای ماههاست از جانب رژیم کارزار تبلیغاتی وسیعی براه انداخته شده.

در ابتدای این کارزار خود شاه بود که رسماً دستور داد انتخابات انجمن ها و شورا ها انتخابات انجمنهای « دمکراتیك » نامیده شود . در پی « فرمان ملوکانه » کارگردانهای حزب خلق الساعه رستاخیز مزایای زیادی برای انتخابات این دوره انجمنها برشمردند . آنها مدعی شدند که گویا انتخابات رستاخیزی مظهر بیطرفی و بیغرضی دولت از یك جانب و نمونه شرکت آزاد و مؤثر مردم در اداره امور کشور از جانب دیگر است.

اکنون که کار انتخابات انجمنها بپایان خود نزدیك میشود ، مردم بار دیگر در عمل می بینند وبه تجربه در می‌یابند که در انتخابات رستاخیزی جز با یك کارزار سازمان داده شده پلیسی و تحمیلی با چیز دیگری سرو کار نداشته اند . وعده « واگذاری کار مردم بمردم » از راه «انتخابات آزاد » وایجاد «انجمن های واقعی » همچنان پا در هوا ماند . خود انتخابات جعلی و آنچه بنام انجمن ها سر هم بندی میشود تهی از هرگونه ماهیت ومضمون دمکراتیك است . انجمن هائی که انتخابات آن در شرایط ادامه و حتی تشدید بیش از پیش ترور پلیسی و آدمکشی علنی صورت میگیرد ، انجمن هائی که با محروم داشتن مردم از استفاده از همان حقوقی که در هفتاد سال پیش در قانون اساسی ایران به آنها داده شده سر هم بندی میگردد ، تنها و تنها میتواند ابزار کار خود رژیم ماوراء ارتجاعی و استبدادی باشد . چنین انجمنهائی تنها به نیت رژیم در ایجاد تسمه ها و حلقه هائی که بتواند استبداد سلطنتی را در پوشش « دمکراسی » بمردم تحمیل نماید ، تحقق میبخشد .

دنباله در صفحه ۲

شعار جبهه ضد دیکتاتوری و واکنش دشمن

گاه درستی یك شعار را نه فقط در بر خورد دوست [illegible] که در واکنش دشمن نیز میتوان سنجید . یعنی اگر شعاری ، مخالفت فوری ، آشکار وخشن‌دشمنی را بر انگیخت ، چنین واکنشی بنوبه خود میتواند ملاکی برای صحت آن شعار باشد . و این حکم در مورد شعار «جبهه‌ضددیکتاتوری» مصداق پیدا کرده است .

شعار « جبهه ضد دیکتاتوری » ، که بابتکار حزب توده ایران ، به نیرو های ضد رژیم استبدادی محمد رضا شاه عرضه شده ، نه فقط در جبهه نیروهای ضد رژیم بازتاب مثبت وسیعی یافته ، بلکه باواکنش فوری ، آشکار و خشن دشمنان رنگارنگ خلقهای ایران و جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران روبرو شده است . از یکسو ساواك تمام نیرو های آشکار و پنهان و همه عوامل مستقیم خود را برای بی‌اعتبار کردن مبتکر این شعار بحرکت در آورده و از سوی دیگر تفرقه اندازان خائن و مرتدی چون مائوئیستها و تروتسکیستها و آنارشیستها ، با همان هدف ساواك بمیدان آمده اند . کار بجائی رسیده‌است که ورق پاره خلق الساعه ای بنام « تا فرمان » که ظاهراً نشریه گروه خلق الساعه ای بنام «آنارشیستهای فارسی زبان » است ، اعلامیه جدا گانه ای « در باره جبهه ضد دیکتاتوری حزب‌توده » منتشر ساخته وطی آن ـ طبق معمول با ناسزا واتهام والبته بنام « سوسیا لیسم » ـ به حزب توده ایران و شعار « جبهه ضد دیکتاتوری » تاخته است ! نگرانی و اضطراب ، فریاد و فغان ، خشم و کینه ، تلاش تب آلود ومضرب ساواك وهمکاران تفرقه اندازش در برابر « شعار جبهه ضد دیکتاتوری » البته بجاست . در واقع هم اگر « جبهه ضد دیکتاتوری » تشکیل شود یعنی اگرهمه نیروهای ضد رژیم استبدادی محمد رضا شاه ، صرفنظر از عقاید سیاسی و مسلکی ، صرفنظر از وابستگی طبقاتی و حزبی و گروهی ، متحد شوند ، پایه‌اساسی و واقعی برای سر نگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه گذاشته شده است . واین همان تیری است که بقلب دشمن می‌نشیند .

واکنش ساواك و همکاران تفرقه اندازش ، میباید برای‌همه آن عناصر وگروههائی در اوپوزیسیون ضد رژیم ، که هنوز در صحت شعار « جبهه ضد

دنباله در صفحه ۲

با روستا و با شهر

(شعری رسیده از زندان)

وقتی که مفهومی بزرگ و سرخ
با جامهٔ شوریدگان خلق
در ازدحام شهر بی‌آواز میگردد ،
و می‌نشیند در میان قهوه خانه های دود آلود
با گل‌مراد و محسن و بقراط
و در مدرسه می‌دود با خسرو و بهروز
ودر خیابان عابران را با سلامی بر می‌انگیزد
و در اتوبوس از گرانیهای رنج روز میگوید
و با دلی غمناك می‌نشیند در کنار کارمندان
و سوگواری میکند بر مزار رتبه و قانون
و در جنوب شهر بر دیوارهای فقر میکوبد
و در کنار کار و زحمت می‌سراید شعر خونین
رهائی را
زندان چه بی‌مقدار می‌آید
این قلعه پوسیده ، این تدبیر !
این بند و این زنجیر !

کنفرانس جهانی خلع سلاح در هلسینکی

و کوشش تسلیحاتی در ایران

در همانحال که در نتیجه کوشش خستگی ناپذیر مجتمع کشور های سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی و نیز نیروهای صلحدوست جهان سیاست تنش زدائی در اروپا با تشکیل کنفرانس موفقیت آمیز امنیت و همکاری اروپائی در هلسینکی باشرکت ۳۵ کشور اروپائی دریکسال پیش راه خود را باز کرد و گرایش باین سیاست از قاره اروپا پا فراتر نهاد ، محافل معینی از کشورهای امپریالیستی بویژه انحصاراتی که با تولید و فروش سلاحهای مرگ زا میلیارد ها دلار بجیب های پرنشدنی خود سرازیر میکنند بدست و پا افتادند تا راه پیشرفت سیاست صلح آمیز تنش زدائی را ببندند و اگر ممکن شود آنرا بعقب رانده و جهان را بار دیگر بدوران جنگ سرد بازگردانند . در این میان سیاست جنگ جویانه پکن نیز بیاری اینگونه محافل شتافته و با تبلیغ «آمادگی برای جنگ» و لزوم تشدید تسلیحات در کشور های عضو « ناتو » تحت عنوان ساختگی و موهوم خطر اتحاد شوروی آب به آسیاب دشمنان بشریت میریزند . در نتیجه این اقدامات تخریبی است که بودجه های جنگی و نظامی کشور های امپریالیستی وکشور هائی از «جهان‌سوم» که زیر نفوذ آنها هستند ، هر ساله افزایش یافته و اکنون به بیش ازسیصد میلیارد دلار یعنی مبلغی که میتوان با آن فقر و گرسنگی را از جامعه بشری ریشه کن کرد ، رسیده است . خیلی دور نرویم در کشور ما ایران که با طنابهای محکمی به امپریالیسم و در درجه اول امپریا لیسم امریکا وابسته است هزینه های ارتشی سرانه از هر کشور دیگر جهان بیشتر شده و اژدهای تسلیحات گرانبهاترین ثروت طبیعی ما نفت را در کام خود فرو میبرد ، درحالیکه اکثریت مردم ایران دچار تنگدستی و محرومیت هستند .

با توجه بچنین وضعی است که نیروهای صلح دوست جهان مبارزه علیه مسابقهٔ تسلیحاتی ، منع سلاح های هسته ای و امحاء دستجمعی و خلع سلاح را برای پیشرفت سیاست تنش زدائی و دهنه زدن به نیرو های اهریمنی سود جو و جنگ طلب وجهه همت خود قرار داده و تمام کوشش خود را بکار میبرند تا به آرزوی جامعه بشری یعنی آرزوی صلحی پایدار و جهانی آسوده از خطر جنگ و عواقب آن ، جامه عمل بپوشانند .

در چارچوب چنین مبارزه ایست که بابتکار «شورای ادامه و ارتباط» کنگره جهانی نیروهای صلح کنفرانس جهانی برای پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی ، خلع سلاح و تنش زدائی در هلسینکی تشکیل گردید .

کنفرانس جهانی خلع سلاح

این کنفرانس روز ۲۳ سپتامبر با شرکت نمایندگان جنبشهای ملی صلح نود کشور از تمام قاره های جهان و پنجاه و دو سازمان بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و بسیاری از شخصیتهای‌سیاسی و مذهبی ، اجتماعی و فرهنگی در هلسینکی پایتخت کشور صلحدوست فنلاند از طرف نخست وزیر این کشور با حضور رئیس جمهور فنلاند گشایش یافت و روز ۲٦ سپتامبر در تالار بزرگ تاریخی «فنلاند» ، جائی که یکسال پیش کنفرانس امنیت اروپائی با موفقیت پایان پذیرفت ، با صدور یك اعلامیه ، یك پیام به سی و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد و بمناسبت گذشت یکسال بر کنفرانس امنیت اروپائی

دنباله در صفحه ۲

رزمناو های ماوراء مدرن امریکائی در خلیج فارس

پنتاگون تایید کرده است که‌ایران بزودی اسلحه ای دریافت خواهد کرد که‌از سلاحهای خود امریکا مدرن تر است . روز پنجشنبه پنجم اکتبر ۱۹۷٦ یك سخنگوی نیروی مسلح امریکائی اعلام داشته است که اظهارات جیمی کارتر کاندید حزب دمکرات امریکا درمذاکره تلویزیونی بارقیب انتخاباتی خود کاملا دقیق است . موافق اظهارات کارتر در آتیه ای بسیار نزدیك رزمناوهائی ازنوع « اسپروئنس » که بمراتب کاملتر از رزمناو هائی است که وزارت دریا داری امریکا دریافت داشته بدولت ایران تحویل خواهد شد .

روزنامه اومانیته ۹ اکتبر ۱۹۷٦

بازهم یك معامله کثیف دیگر

روزنامه « پراودا » ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۶ خود از زبان مخبر خبر گزاری‌شوروی از نیویورك چنین اطلاع میدهد :

افشاء جریانات رشوه دهی از طرف‌شرکت انحصاری ساختمان‌هواپیماوسوم به « گرومن کورپوریشن » برجال کشور های دیگر بقصد فروش محصولات خود بیش از پیش بصورت یك رسوائی مالی در میآید . کمیسیون فرعی مجلس سنای امریکا که بامور شرکتهای چند ملیتی مشغول است ، در جلسات بازرسی‌خود عده ای از نمایندگان شرکت نامبرده را که مستقیماً گواه فعالیت غیر قانونی آن بودند ، مورد باز جوئی قرار داد . تند نویس بازجوئی که خود آن محرمانه و در پشت درهای بسته انجام گرفت ، باطلاع روزنامه « نیوزدی » چاپ نیویورك‌رسید . یکی از نمایندگان‌عمده شرکت گرومن بنام « آلبرت فیوج » ، در جریان باز جوئی اعتراف کرده است که بوسیله او ونماینده دیگری بنام لاوی برجال رسمی دولت ایران مبالغ هنگفتی بنام رشوه پرداخت شده است. از جمله در سال ۱۹۷۴ شرکت نامبرده در مورد فروش ۸۰ فروند هواپیمای ف ۱۴ با ایران به توافق رسیده است . در ژوئن ۱۹۷۵موافق اظهارات «آلبرت فیوج » دیداری ما بین وی وسپهبد طوفانیان معاون وزارت جنگ که بر رأس اداره خرید تسلیحات دراین وزارت قراردارد انجام‌گرفت. در این دیدار رئیس « گرومن اینتر نشنل » که شرکت وابسته به شرکت اصلی گرومن است بنام « پیتر اورم » نیز حضور داشت . این شخص محصولات شرکت را در کشور های‌خارجی بفروش میرساند . « آلبرت‌فیوج» میگوید که در این دیدار طوفانیان صاف و ساده اظهار کرد که همه کار ها رو براه خواهد شد اگر او هرچه سریعتر پول موعود را دریافت‌دارد . فوراً درهمانجا « پیتر اورم » در حضور اوسندی امضا کرد حاکی ازاینکه شرکت « گرومن‌اینتر نشنل » متعهد میگردد که‌مبلغ ۲۴ میلیون دلار به‌طوفانیان بپردازد. « آلبرت فیوج » اطلاع داد که هم او وهم شریکش لاوی‌مجبور شدند به‌نمایندگان‌دیگر ایرانی نیز پرداختهائی بکنند . او گفت که یکی از آنها خواهرزاده شاه بود .

کنفرانس جهانی خلع سلاح درهلسینکی . . .

یك تأیید نامه باتفاق آراء تصویب شد و کنفرانس پایان پذیرفت . شرکت کنندگان ، که شماره آنها فزونتر از پانصد نفر بود در چهار روز فعالیت مداوم‌خود در چهار کمیسیون و هفت میز گرد با بررسی نتایج زیانبار حاصل از مسابقه تسلیحاتی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور ها و بویژه در کشور های در حال رشد و آثار نیکوئی که ازپایان‌دادن بمسابقه تسلیحاتی ، تقلیل تسلیحات و سرانجام خلع سلاح و تحکیم و گسترش تنش زدائی و عدم اعمال قهر در حل اختلافات بین‌المللی و اختلافات محلی ، بلکه حل آنها از راه مذاکرات مسالمت آمیز ، پدید میآید لزوم مبارزه در راه خلع سلاح را که بدون آن تنش زدائی همواره در خطر است تأیید نمودند. در پیامی که بسازمان ملل متحد فرستاده شد ، کنفرانس تشکیل یك کنفرانس خلع سلاح با شرکت همه کشور ها و همچنین نمایندگان سازمانهای غیر دولتی را زیر سرپرستی سازمان ملل متحد خواستار شد . بطور کلی این کنفرانس مظهر اراده میلیونها نفر از مردم جهان با طرز تفکر و عقاید سیاسی و مذهبی گوناگون بود که برای نجات جامعه بشری از وحشت سلاحهای هسته‌ای و بروز جنگ جهانی و مسابقه تسلیحاتی که علاوه بر افزایش خطر جنگ درآمد ملتهای جهان بویژه کشور های در حال رشد را با وجود نیاز فراوان آنها به بهبود زندگی‌میبلعد ، نمایندگان خود را به هلسینکی گسیل کرده بودند تا در جبهه واحدی برای مقابله با دشمنان تنش زدائی و علیه نیرو های سیاه ضد صلح و بخاطر بقا و رفاه و آسایش جامعه بشری متحداً کوشش نمایند .

شادباش حزب توده ایران . . .

عمده و اساسی حفظ صلح ، پیشرفت سوسیالیسم و انقلابهای ملی و دمکراتیك در جهان و یار و یاور ملل در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است . پیوند های انترناسیونالیستی و برادرانه حزب سوسیالیست متحده آلمان با کلیه احزاب برادر و کمونیستی منجمله با حزب توده ایران ، و بر خورداری ما از همبستگی برادرانه شما در مبارزه بخاطر استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مردم ایران ، الهام بخش ومورد سپاسگزاری ماست .

کمیته‌مرکزی حزب توده ایران در ۲۷ ـ مین سالگرد تأسیس جمهوری دمکراتیك آلمان نیل به پیروزیهای باز هم شگرف‌تری را برای مردم جمهوری ، برای دولت شما و حزب سوسیالیست متحده آلمان و کمیته مرکزی آن که بر رأس آن شما قرار دارید آرزو مینماید .

پیروز باد سالگرد جمهوری دمکراتیك آلمان !
زنده و جاوید باد پیوند های دوستی برادرانه بین حزب توده ایران و حزب سوسیالیست متحده آلمان !

با درود های کمونیستی
دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران
ایرج اسکندری

نمایندگان کمیته صلح ایران در کنفرانس

هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس بطور فعال شرکت نمود و در سه کمیسیون و سه میز گرد علاوه براظهار نظر درمسائل کلی مربوط بخلع‌سلاح‌وتنش زدائی ، سیاست نظامیگری‌حکومت دیکتاتوری ایران ، خرید میلیارد ها دلار اسلحه ، تأسیس پایگاههای بزرگ نظامی ، گذاشتن ارتش ایران در اختیار ۲۴ هزار کارشناس نظامی امریکائی که شماره آنها تا ۱۹۸۰ به ۵۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت ، نتایج زیانبار این سیاست که نه تنها گریبانگیر مردم ایران‌واستقلال و آزادی کشور شده بلکه موجب نگرانی کشور های مجاور ایران و ایجاد تشنج در منطقه خلیج فارس ، دریای عمان و اقیاس هند نیز گردیده برملا کرد . نمایندگان کمیته صلح ایران نقش حکومت خود کامگی ایران را در اجرای نقشه های امپریالیستی بویژه در خلیج فارس و پیمان تجاوزکار (سنتو) و کشاندن دیگر کشور های منطقه بمسابقه تسلیحاتی ، ایجاد هیستری جنگ در داخل کشور که بازتاب آن در پرورش جوانان و وسائل ارتباط جمعی همه جا پدیدار است ، افشا و آشکار نمود . نمایندگی ایران با تکیه باسناد و ارقام غیر قابل انکار در نشریه ای بچهار زبان شرکت کنندگان در کنفرانس را با سیاست نظامیگری و تشنج زائی حکومت استبدادی ایران آشنا کرد . علاوه بر افشاگری نمایندگان کمیته صلح ایران ، نمایندگان چند کشور دیگر نیز سیاست تسلیحاتی ، نظامیگری و تجاوز کارانه ایران را افشا کردند . در گزارش کمیسیون سوم این کنفرانس‌که باتفاق آراء تصویب شد چنین میخوانیم : «پاره ای از کشور های در حال رشد که دارای ثروتهای عظیمی هستند مانند ایران ، عربستان سعودی و غیره بجای آنکه این ثروتها را برای رشد کشور های خود وبرای بهبود زندگی خلقهای کشور های فقیر بکار برند ، مبالغ بسیاری صرف خرید سلاحهائی میکنند که از نیازمندی دفاعی آنها بسیار بدور است . این کشور ها گاهی خود سلاحها را بکشور هائی ارتجاعی برای سرکوب خلقهای آنها صادر میکنند یا از این سلاحها برای مداخله جوئی علیه خلقهائی که برای حقوق حقه خود مبارزه میکنند ، استفاده مینمایند . »

سیاست نظامیگری حکومت استبدادی ایران و حکومتهای ارتجاعی درجنوب مرزهای اتحاد شوروی چنان ماجراجویانه است که عواقب آنرا باید از دهان رفیق آندره گرومیکو وزیر خارجه شوروی در سی و یکمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد هنگام پیشنهاد مشروح و مستدل خود روز ۲۸ سپتامبر مبنی‌بر لزوم تشکیل کنفرانس خلع سلاح‌شنید . رفیق‌گرومیکو چنین گفت : «در کنار گرایش به بهبود وضع درآسیا واقعیت های دیگری هم وجود دارد . در این بخش از جهان هم آن محافلی بسیار فعال هستند که آمادگیهای نظامی‌را بویژه در منطقه واقع درجنوب مرزهای شوروی تشدیدمیکنند . تاریخ نظیر این کوششها و پایان‌آنها را میشناسد . این امر را نباید فراموش کرد .»

کنفرانس جهانی خلع سلاح در هلسینکی با موفقیت کامل پایان یافت و سنگ بنای مبارزهٔ صلح دوستان را برای خلع سلاح و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی گذاشت . اینك وظیفه صلحدوستان تمام‌جهان مبارزه برای رسیدن بهدفهای انسانی این کنفرانس‌است. مردم ایران با مبارزه متحد خود علیه حکومتی که بوسیله تسلیحات هرگونه آزادی را از ما سلب کرده و میهن ما را بمیدان غارتگری و ماجراجوئی امپریالیستها تبدیل نموده ، میتوانند و باید با واژگون کردن رژیم استبدادی محمد رضا شاه خود و میهن خود را آزاد و در عین حال بصلح جهانی نیز کمك نمایند .

ا . گویا

انتخابات انجمن ها . . .

تشکیل انجمنها و انتخابات آن آنطور که در قانون اساسی ایران و متمم آن پیش بینی شده واجد اهمیت فوق العاده است . متمم قانون اساسی ایران در اصول نودو یکم ، نودو دوم‌و نودو سوم حاکیست که : « انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند . . . » ، «صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی‌طبع و نشر میشود » و « اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند . . . » . اینها حقوقی هستند که در هفتاد سال پیش در زمینه تشکیل‌انجمنها بمثابه ارگان عالی حاکمیت در محل بمردم ایران تفویض شده اند .

در مقایسه با انجمن هائی که قانون اساسی و متمم آن متضمن تشکیل آنهاست ، آنچه اکنون رژیم بنام انجمنهای شهر و شهرستان تشکیل میدهد تنها کاریکاتوری بیش نیست . طی پنجاه سال عمر رژیم مستبده و ننگین سلسله پهلوی به همه حقوق اساسی که مردم طبق قانون اساسی و متمم آن به بهای‌دادن قربانیهای بیشمار در انقلاب مشروطه بدست آورده‌اند ، منجمله به حقوق و اختیارات انجمنها دستبرد زده‌شده. حقوق‌واختیارات انجمنها که میبایدمظهرومجری‌حاکمیت در ایالات و ولایات بوده و بنمایندگی مردم بر امور کلیه دستگاههای دولتی در محل نظارت داشته باشند به سطح شوراهای مسلوب‌الاختیار در جنب شهرداریها تنزل یافت . از این گذشته دخالت آشکار و پنهانی دولت وسازمانهای پلیسی آن درکار انتخابات انجمنها ، زیر پا گذاشتن حق مردم در انتخاب « بلا واسطه » نمایندگان خود ، کار انتخابات را به خیمه شب بازی بدل‌نموده‌وهر نوع‌اعتباری راازانجمنها سلب کرده‌است .

بجای آنکه انتخابات را مردم و معتمدین آنها اداره کنند ، بجای آنکه سرنوشت نامزدها در رأی گیری عمومی بر اساس انتخابات آزاد معین شود ، اداره انتخابات بدست دولت و احزاب تحمیلی و خلق الساعه آن افتاده و سرنوشت نامزد های انتخاباتی را سلسله مراتب کمسیونهای امنیتی و پلیسی معین میکند . جالب اینست که مبلغین رژیم میخواهند به چنین رسوائی ، انتخابات آزاد نام بدهند و شاه نیز گستاخانه از «انتخابات انجمنهای‌دمکراتیك» دم‌میزند.

لیکن نا باوری نسبت به چنین دروغ بزرگ و ادعای بی پایه حتی بر روحیه خود شاه مستولی است. تصادفی نیست که او ، که ابتدای کارزار انتخابات تحمیلی کنونی دستورداده بود این انتخابات «انتخابات انجمن‌های دمکراتیك » نامیده شود اکنون گفته‌خود را پس میگیرد وبه انتخابات جعلی‌نام دیگری میدهد. شاه در مصاحبه اول مهر ماه در دانشگاه تهران ، یعنی هنگامیکه فقط دوهفته به‌پایان انتخابات انجمنها باقی مانده ، چنانکه روزنامه ها نوشته اند ، اینطور دستور داده است : « از این پس انتخابات انجمن های « دمکراتیك » بنام‌انجمنهای « ملی » خوانده شود.» (« اطلاعات » ، اول مهر ماه ۱۳۵۰ .)

چنانکه‌می‌بینیم‌ادعای دمکراتیك بودن‌انتخابات انجمنها را خود شاه پس گرفته و بدینسان اعتراف میکند که در رژیم او نه از انتخابات « باصطلاح دمکراتیك » ، بلکه از انتخابات جعلی و تحمیلی میتواند صحبت در میان باشد . لیکن آنچه مربوط به ادعای تازه او در مورد « ملی بودن » انجمنهاست باید گفت که این ادعا نیز بهمان اندازه پوچ و میان‌تهی است که ادعای قبلی او دائر به « دمکراتیك بودن» انتخابات انجمنها . انجمنهائیکه بتصدیق خود شاه ، انتخابات آن آنقدر مخدوش است که نمی تواند « دمکراتیك » نامیده شود ، بطریق اولی نمیتواند « ملی » معرفی گردد .

سئوال میشود : کدام یك از خلقهای ساکن ایران در استفاده از حقوق ملی آزادی عمل دارند که شاه اعلام میکند که انجمنها ـ انجمنهای ملی نامیده شوند ؟ در جامعه ایکه شاه و دارو دسته کودتائیش آن را خود سرانه « بدون طبقات » اعلام داشته و یك قلم روی منافع طبقات زحمتکش قلم بطلان کشیده‌اند ، در جامعه ای که حق اظهار نظر پیرامون مصالح ملی ، حق اعتراض به تسلط وغارت امپریالیسم بویژه تسلط مرگبار نظامی و سیاسی امپریالیسم امریکا و غارت ثروت کشور بوسیله آن‌از همه مردم سلب گردیده ، چگونه میتواند از انتخابات وایجاد «انجمن های ملی » صحبت در میان باشد ؟ اکنون نه تنها در جدی بودن اظهارات و سخنان شاه ، بلکه باید در عقلائی بودن آن تردید بخود راه داد .

در شرایط تسلط رژیم پلیسی و خفقان سیاه استبدادی و دیکتاتوری تنها و تنها میتواند انتخابات تحمیلی صورت گیرد و انجمنهای فرمایشی بوجود آید. هدف تشکیل این نوع سازمانها ، که مستلزم تظاهر به انتخابات ورعایت موازین دمکراسی در ظاهراست ، بزك کردن چهره زشت ومنفور رژیم استبدادی وارتجاعی متکی به امپریالیسم‌است . تظاهر به‌انتخابات‌انجمن‌ها و شوراها و یا هر سازمان انتخابی دیگر از جانب‌رژیم ضد ملی وضد خلقی شاه تنها به منظور منحرف‌ساختن افکار عمومی از ضرورت مبارزه قاطع خلق و همه نیرو های ملی و استقلال طلب و آزادی بخاطر طرد این رژیم صورت میگیرد . رژیم قصد دارد از این راه از اتحاد نیروهای ضد استبدادی علیه خود وتشدید مبارزه آنها جلوگیری کند که این نیز کوششی عبث و بیهوده است . نیرنگهای انتخاباتی قادر نیست‌مردم را از مبارزه برای طرد رژیم استبدادی و ضد خلقی باز دارد .

تا زمانیکه ترور پلیسی و خفقان استبدادی از میان برداشته نشده اقدام به مانور هلی انتخاباتی و ایجاد مجامعی که تشکیل آنها مستلزم تظاهرات انتخاباتی است نه در ماهیت رژیم تغییر میدهد و نه برای آن کسب اعتبار مینماید . تظاهرات انتخاباتی رژیم در چنین شرایطی تنها میتواند ، علی رغم رژیم به ایجاد آنچنان امکاناتی بیانجامد که از نظر تلفیق کار پنهانی وعلنی ازجانب سازمانهای مبارز حائزاهمیت است . طبیعی است که استفاده از این امکانات از دید مبارزین دور نمی ماند .

م . جهان

شعار جبهه ضد دیکتاتوری . . .

دیکتاتوری » تردید دارند ، که هنوز به اهمیت همه نیرو های ضد رژیم عمیقاً پی نبرده اند ، که هنوزاسیر پیشداوری ، بویژه در باره حزب توده ایران هستند ، هشدار و زنهاری باشد که بخود آیند و در راه تحقق « جبهه ضد دیکتاتوری » ، که نیاز مبرم جنبش ضد دیکتاتوری در میهن ما و خواست قلبی مردم آزاده و میهن پرست ماست گام بردارند .

حزب توده ایران همانطور که با احساس مسئولیت ملی و میهنی خود ، مبتکر شعار « جبهه ضد دیکتاتوری » بوده ، با همین احساس از هیچ کوششی برای تحقق « جبهه ضد دیکتاتوری » دریغ نخواهد کرد .

م . انوشه

خوانندگان عزیز !

باین نشانی با ما مکاتبه کنید :

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فرخنده باد روز هشتم مارس - روز بین المللی زنان

هشتم‌مارس امسال در شرایطی بر گزار میگردد که شعار ها وتصمیمات کنگره جهانی زنان یعنی‌مبارزه در راه « برابری - پیشرفت - صلح » در مرکز توجه جنبش جهانی ومترقی زنان قرار دارد . اهمیت این‌شعار مرکزی دراینجاست که ازطرفی مسئلهٔ برابری حقوق اجتماعی واقتصادی زن ومرد را در جامعه برجسته میکند واز طرف‌دیگر آنرا بامسئله پیشرفت اجتماعی و نبرد در راه صلح جهانی‌پیوند میدهد. بسخن‌دیگر دومبارزه نا گسستنی در برابر زنان جهان واز آنجمله زنان‌میهن ما قرار میگیرد : مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی زن و مبارزه در راه تحول مترقی جامعه یا بعبارت دیگر مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی .

در مورد مبارزه صنفی باید گفت که علی رغم دعاوی دور و دراز رژیم ایران در باره رهائی زن ایرانی این مسئاه هنوز در کشور ما حل نشده و محرومیت‌های مختلف زن در جامعه ، خانواده و حیات اقتصادی ادامه دارد . باید توانست با استفاده از کلیه امکانات موجود، با استفاده از تمام تعهداتی که سخنگویان رژیم بر گردن گرفته اند ، مبارزه صنفی زنان را بسط داد وتا آنجا که ممکن است هیئت‌حاکمه را به عقب نشینی های بیشتر و بیشتری وادار ساخت . سازمان ملل متحد دهه ای را که اکنون ما در جریان آن هستیم بعنوان دهه دفاع از برابری اجتماعی زن اعلام داشته و این‌امر بنوبه‌خود مورد حمایت فدراسیون‌دمکراتیک‌بین‌المللی‌زنان قرار گرفته است . دولت ایران در جریان کنفرانس مکزیکو به خواستهای مربوط به حقوق زن در حرف صحه گذاشته است . زنان کشور ما باید بطلبند که که این وعده ها و حرفهای بدون پشتوانه و امضاء کردن عوامفریبانه اسناد مختلف به عمل ، به موازین و مقررات و قوانین ، به اقدامات زنده و محسوس بدل گردد .

مبارزه‌صنفی در راه برابری‌حقوق چنانکه گفتیم با مبارزه سیاسی زنان ایران همپای مردان مترقی برای تحول مترقی در کشور ما ارتباط منطقی و سرشتی دارد. در این شصتمین سال انقلاب کبیر اکتبر بجاست سخنی از لنین پیشوای این انقلاب که در مارس سال ۱۹۲۱

دنباله در صفحه ۲

توطئه امپریالیستی را علیه نیروهای انقلابی و مترقی جهان برملا کنیم !

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

محتوی عمیق تاریخ معاصر پیشرفت درنگ ناپذیر کاروان ترقی اجتماعی در سراسر جهان‌است : سوسیالیسم ، جنبش رهائی بخش ملی ، جنبش انقلابی کارگری که اجزاء سه گانه روند واحد انقلابی عصر ماست ، در عرصه های مختلف ، هر روز و هر هفته به کامیابی تازه بتازه ای دست می یابند . علیرغم پیش بینی و اسمار وتقلای طبقات حاکمه ارتجاعی ومحافظه کار کشور های سرمایه داری ، آنها نتوانستند بکمك افزار های جنگ سرد ، شانتاژ اتمی ، مسابقه تسلیحاتی، محاصره و فشار اقتصادی و غیره این روند را متوقف کنند و هر بار مجبور شده اند به عقب نشینی هائی در مقابل کامیابیهای همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیرو های مترقی جهان امروز تن در دهند .

سابقاً امپریالیستها در مقابل پیشرفت جلو گیری ناپذیر جنبش مترقی و انقلابی وسائل مختلفی داشتند . از جمله به جنگ جهانی یا محلی و استقرار حکومت های تروریستی فاشیستی ومداخلات نظامی متوسل‌میشدند. امپریالیستها این امکانات را نیز بتدریج و بیش ازپیش از دست داده و میدهند . برافروختن نائرهٔ جنگ‌جهانی بعلت تغییر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و ترقی و صلح فاقد شانس موفقیت برای امپریالیستهاست . اشکال مختلف صدور ضد انقلاب نیز که یکی از نمونه های آنرا درشیلی دیدیم، دمبدم دشوار تر میشود . برعکس رژیمهائی از قبیل رژیم فرانکو ، وان تیو ، کایتانو ، رژیم سرهنگهای سیاه یونان ، رژیم استبدادی امپراطور حبشه و امثال آن دچار شکست و انفراد تاریخی‌میشوند و در کشورهای مستعمره سابق مانند آنگولا و موزامبیك و غیره حکومت های مترقی و ضد امپریالیستی قدرت را در دست میگیرند .

در این شرایط جهانی ، امپریالیستها برای‌متوقف ساختن روند انقلاب و ترقی ، بیش از پیش به تبلیغات سفسطه آمیز و دروغگوئی بی پروا بمنظور بی اعتبار کردن کشور های سوسیالیستی و آرمانهای مترقی ، بمنظور ایجاد تفرقه در جنبش انقلابی جهانی ، بمنظور پنهان داشتن چهره و مقاصد اصلی خویش ، دست زده‌اند و میزنند تا شاید از این راه بتوانند چرخ ترقی‌اجتماعی را متوقف سازند و اگر بتوانند به عقب بر گردانند .

یکی از موضوعات مورد علاقه جارچیان امپریالیستی از مدتها پیش موضوع «حقوق بشر» است که گویا بویژه کشورهای سوسیالیستی آنرا نقض‌میکنند! ناچار طرح این دعوی بدانمعنی است که امپریالیستهای کهنه کار و دغل ایالات متحده امریکا و انگلیس و آلمان غربی و فرانسه و ژاپن و غیره ، خود «مدافعان» و «حافظان» حقوق بشر هستند و در کشور های آنها و نظام مورد علاقه آنها گویا حقوق انسانی حفظ میشود ولی در آن کشور هائی که در آنها تحول بنیادی و از لحاظ تاریخی بی سابقه اقتصادی و اجتماعی بخاطر خاتمه دادن به اسارت و ستم و غارت قرنها روی داده و دولتهای خلقی با مترقی ترین شعارها و آرمانها سر کار آمده اند ، آری ، درست در این کشور ها گویا «حقوق بشر» نقض میشود ! امپریالیستها برای «اثبات» این ادعای لغو و سراپا افتراء آمیز خود از جمله عدهٔ انگشت شماری از روشنفکران ناراضی در کشور های سوسیالیستی را وسیله قرار داده اند و با بزرگ کردن مصنوعی اظهارات این افراد بکمك دستگاههای عظیم رسانه های گروهی خود ، میخواهند دروغ و جعل‌خویش را بصورت واقعیت جلوه گر سازند .

الحق که امپریالیستها در دعوی خود که گویا آنها حامیان حقوق بشر و سوسیالیسم ناقض حقوق بشر است کار دعاوی گستاخانه را از هر حد و نصابی گذرانده اند . به برخی واقعیت‌های عیان نظر افکنیم:

۱) در کشور های سرمایه داری سیستم کار مزدوری حکمرواست . کارگران و دهقانانی که نیروی عمدهٔ ایجاد ثروت هستند حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری قرنهاست برای دستمزد کافی مبارزه میکنند و دائماً دستمزد آنها از هزینه زندگی عقب میماند . ازراه‌بهره کشی خشن وبیرحمانه ازکارکارگران و معدنچیان و کشاورزان ، بهره کشان که خود گاه یکصدم جامعه را تشکیل میدهند ، بخش عمده یعنی گاه بیش از هشتاد در صد ثروت جامعه را بخود اختصاص میدهند و در نتیجه از امتیازات و زندگی افسانه آمیزی بهره مند ند . این کشور های بزرگ سرمایه داری نهال شوم بهره کشی سرمایه داری را در هرجا که توانسته اند کاشته اند و میکارند و از آن جمله در کشور ما نیز نظامی دلخواه خود و وابسته به خویش بوجود آورده اند . در کشور ما نیز درهٔ عظیمی بین فقر و ثروت وجود دارد . موافق محاسبه یك خبر نگار آلمان غربی ، در حالیکه قشری از سرمایه داران ایران روزی پنجاه هزار دلار درآمد ویژه دارند ، مزد رسمی کارگر ایرانی در بهترین حالت در حدود پنج دلار است . آیا بهره کشی انسان از انسان ، فقرتولید کنندگان ثروت ، و ثروت غارت کنندگان مردم ، مراعات «حقوق بشر» است ؟ آیا اصولا بهره کشان بی وجدان و چپاولگر حق دارند دم از « حق بشر » بزنند ، آنهم در مورد کشور های سوسیالیستی که در آنجا نظام بهره کشی انسان از انسان وآقائی ونوکری از بیخ و بن دگرگون شده و برافتاده است ؟

۲) امپریالیستها قرنهاست کشور های آسیا و افریقا و امریکای لاتین را بیرحمانه غارت میکنند و در سایهٔ این غارت بیرحمانه برای صنایع و کشاورزی و بازرگانی‌خود شرایط مساعد رشدسریع‌را فراهم آورده‌اند. این غارت موافق شعار «ارزان بخر و گران بفروش» انجام میگیرد . از آنجمله نفت ایران را سالیان دراز به بهای بسیار ارزان خریدند و تا ۲۵ برابر این بها در بازار جهان فروختند . هم اکنون نیز نفت ما را چند برابر خرید میفروشند و در حالیکه با افزایش ده در صد بهای نفت ایران مخالفت میکنند ، بهای کالاهای فروشی‌خود را بایران تاچهارصد درصد افزایش داده‌اند. این مطالب را ما نمیگوئیم ، اینها را حتی سخنگویان رژیمی که خود دوستان جانسوخته غرب امپریالیستی هستند میگویند . این سئوال پیش میآید : غارت بی رحمانه و بی شرمانه صدها میلیون‌مردم سه قاره جهان، محکوم کردن آنها به فقر و عقب ماندگی ، مراعات «حقوق بشر» است ؟ آیا واشنگتن ، لندن ، پاریس ، بن ، توکیو ، رم و دیگر مراکز عمده تاراجگران بین المللی‌حق دارند از «حقوق بشر» دم بزنند ، آنهم علیه کشور های سوسیالیستی که از روز پیدایش خود با غارت استعماری مخالفت صریح کردند و در عمل از هیچگونه کمکی به جنبشهای رهائی بخش خلقهای «جهان سوم» برای‌تأمین حقوق‌خود دریغ نورزیده‌اند و نمیورزند وهم اکنون آنچه که این «جهان سوم»در راه استقلال سیاسی و اقتصادی بدست آورده ببرکت پشتیبانی آنهاست .

دنباله در صفحه ۲

یورش تازهٔ رژیم علیه کارگران

(در باره آئین نامهٔ انضباطی)

گرانی و کمیابی روز افزون مواد مصرفی ، بخصوص مایحتاج روزانه زحمتکشان ، معضل مسکن ، فقدان وسایل آموزش و بهداشت و بیمه های واقعی درمانی واجتماعی، وضع ناهنجار ترافیك، شرایط دشوار کار، نبودن وسایل ایمنی ، رفتار غیر انسانی و نا شایست کار فرمایان و مسئولان با کارگران و ده ها و صد ها عامل دیگر ، نا خشنودی میان کارگران را روز بروز بیشتر میکند وآنان را وا میدارد تا برای تأمین حداقل شرایط کار و زندگی به مبارزات نسبتاً وسیعی متوسل شوند . اعتصاب ها و نمایشهای جمعی که خبر هیچیك از آنها در مطبوعات منتشر نمیشود ، نشانه ای بر این واقعیت است . کار بجائی کشیده که حتی مطبوعات مجاز نیز ناگزیرند ، گه گاه ، بابراه انداختن مصاحبه و تشکیل میز گرد ، بمنظور ایجاد دریچه اطمینان ، بانمایندگان کارگران بگفتگو بنشینند . و با اینکه این نمایندگان غالباً از صافی « ساواك » گذشته‌اند ، باز هم حقایقی را از شرایط کار و زندگی زحمتکشان باز گو میکنند ، که بنوبه خود محکوم کننده‌است.

رژیم شاه که هرگز از بکار بردن شیوه های ترور و اعمال زور علیه کارگران و سایر مبارزان ابا نداشته و ندارد ، تا مدتی فکر میکرد با « نان‌قندی» شریك کردن کارگران در سود وسهام واحد های‌تولیدی وتبلیغ درباره عدالت اجتماعی میتواند خاك برچشمان‌باز زحمتکشان‌بپاشاند وآنانرا فریب دهد . ولی نه شلاق جلادان‌ساواك ونه «نان‌قندی» عوامفریبان رژیم نتوانست نتیجه مورد نظر را برای هیئت حاکمه بوجود آورد . نه‌تنهااز نارضائی کارگران کاسته نشد ، بلکه ناخشنودی آنان گسترش یافت . بموازات این گسترش ناخشنودی، که قشر های وسیعی از زحمتکشان را بمیدان مبارزه کشانده است ، فشار واختناق ساواکی نیز افزایش‌یافته است . و نمونه آن تهدید هائی است که از سوی‌شاه و عمالش نسبت به کارگران انجام میگیرد و مظهر آن، تغییراتی است که در قانون نا رسای کارمیخواهند بسود کار فرمایان بوجود آورند و یا چماقی است که بنام « آئین نامه انضباطی » میخواهند علیه کارگران بکار برند .

رژیم مدعی است ، که این اقدامات برای جلو گیری از « بی انضباطی » و « کم کاری » کارگران در واحد های تولیدی انجام میگیرد ، که گویا با افزایش بی رویه دستمزدها باعث پائین آمدن میزان بازده کار شده وصنایع کشور را به خطر انداخته است . و این ادعا در زمانی انجام میگیرد که باعتراف خود رژیم ارزش افزوده صنایع ، حتی گاه بیش از ۱۹ در صد در سال بالا رفته ، صاحبان واحد های تولیدی حتی بسود های ۲۵ در صد قانع نیستند و طبق ارقام رسمی سهم مزد و حقوق در ارزش افزوده داخلی از ۲۸ درصد درسال ۱۳۵۱ به ۱۸٫۴ درصد درسال۵۳ کاهش یافته است. « بی انضباطی » و« کم کاری » درقاموس رژیم همان‌مبارزات اعتراضی واعتصابی است که کارگران برای مقابله باتشدید استثماروستم سرمایه انجام میدهند. دولت میخواهد با تغییر قانون کار ، ایجاد « آئین‌نامه انضباطی » و تنظیم « طرح جامع طبقه بندی مشاغل» راه هر گونه مبارزه رابرای کار گران سد کنند . نکته دیگر آنکه ، علیرغم پیشرفت نسبی

دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه

در دیداری که بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران ، مرکب از رفقا : اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی ، کیانوری عضو هیئت اجرائیه و دبیر کمیته مرکزی‌وبهزادی‌عضو کمیته‌ مرکزی‌وهیئت‌نمایندگی‌حزب چپ کمونیستهای سوئد مرکب از رفقا : لارسن ورنر صدر هیئت رهبری و بوهامار عضو هیئت رهبری صورت گرفت ، موافقت شد که همکاری بین حزب توده ایران و حزب چپ کمونیستهای سوئد بیش از پیش توسعه یابد .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران رفقای‌سوئدی را بتفصیل از اوضاع سیاسی ایران و مبارزه کمونیستهای ایرانی علیه رژیم دیکتاتوری مطلع ساخت . هیئت نمایندگی حزب چپ کمونیستهای سوئد درباره وضع تازه‌ای که بعد از انتخابات پائیز (۱۹۷٦) در سوئد بوجود آمده و وظائف کمونیستهای سوئدی ، اطلاعاتی در اختیار هیئت نمایندگی حزب توده ایران گذاشت .

حزب چپ کمونیستهای سوئد با ابتکارات گوناگون ، همبستگی با جنبش دمکراتیك مردم ایران و حزب برادر خود ، حزب توده ایران را گسترش خواهد داد .

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

تلگراف فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا در پاسخ شادباش حزب ما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار روزنامه «گرانما»

رفیق ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران !

از سلامهای برادرانه شما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار « گرانما» متشکرم . از این فرصت استفاده کرده به کمونیستهای ایران و خلق ایران سلامهای خلق و حزبمان را تقدیم میدارم .

فیدل کاسترو روز
دبیر اول حزب کمونیست کوبا

توطئه امپریالیستی را علیه . . .

۳) امپریالیستها بر افروزنده جنگ هستند و با شعله های جانسوزش خود را گرم میسازند. جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی دو نمونه از این جریان است. دهها میلیون تن جوان معصوم و ناکام در جهنم جنگ هائیکه امپریالیستها برانگیخته اند، خاکستر شده‌اند. آخرین نمونه درندگی آنها را ما چندی پیش در ویتنام دیدیم: کشتار جمعی نفوس و حتی کودکان شیرخوار در «دهکده سونگ می» بدست سربازان امریکائی چهرهٔ درنده این آدمخواران را یکبار دیگر نشان داده است قصابان پست دهکده «سونگ می» از هر گونه پیگردی از طرف دادگاههای امریکا تا کنون مصون مانده اند. اگر امروز ما پس از ۳۲ سال که از جنگ جهانی دوم گذشته، با مذاکراتی در بارهٔ صلح و امنیت عمومی و خلع سلاح روبرو هستیم، فقط و فقط ببرکت مساعی پیگیرو پر حوصله اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی است. می پرسیم: آیا ایمنی از خطر جهانسوز جنگ حق اساسی هر انسان زنده نیست؟ آیا امپریالیستها، که لکه های خون چندین جنگ بر دامن ناپاك آنهاست و دژخیم جمعی نوع انسانند حق دارند از «حقوق بشر» صحبت کنند و آنهم کشور های سوسیالیستی را که درفشدار صلح و امنیت وخلع سلاحند به نقض حق بشر متهم سازند؟

۴) امپریالیستها از مروجان، حامیان و پاسداران نظام ضد بشری نژاد گرائی هستند. در امریکا بیش از بیست میلیون سیاه پوست و میلیونها افراد دیگر باصطلاح رنگین مورد انواع تبعیضات نژادی قرار دارند. رژیمهای نژاد پرست رودزیا وبره توریا در افریقای جنوبی پرورده دست امپریالیسم است و هم اکنون از جانب آنها آشکار و نهان در مقابل اکثریت سیاه پوست کشور که موافق قانون جانورانه «آپارتئید» از حقوق اولیه انسانی خود محرومند مورد تقویت قرار میگیرند. سازمان ملل متفق صهیونیسم را که آن نیز پرورش یافته دامن امپریالیسم است یك جریان نژاد گرایانه دانسته که نابودی خلق عرب فلسطین را مدتهاست وجههٔ همت خود ساخته است. آنوقت این پرده داران نژاد گرا، این تحقیر کنندگان فضیلت انسانیت جرأت میکنند از حقوق بشر دم بزنند. کشور های سوسیالیستی پیوسته نژاد گرائی و رژیمهای نژاد گرا را افشاء کرده و با آنها بسود خلقهائی که مورد تبعیض قرار گرفته اند، مبارزه نموده اند.

۵) امپریالیستها فاشیسم را ایجاد کرده و آنرا وسیله سر کوب جنبش خلقها قرار داده اند. تاریخ اسناد و مدارك فراوانی در مورد نقش امپریالیسم برای ایجاد فاشیسم در آلمان و ایتالیا ارائه میدهد، توطئه‌ای که منجر به جنگ دوم جهانی شد. رژیمهای ارتجاعی و فاشیست مآب کنونی از نوع رژیم ایران، شیلی، برزیل، تایلند، پاراگوئه، اندونزی، کره جنوبی و امثال آن باحمایت مستقیم امپریالیستها در این کشورها سرکار آمده اند. سازمانهای فاشیستی جهان دارای نزدیکترین ارتباط با محافل سرمایه داری بزرگ امپریالیستی هستند، جنایات فاشیسم در تاریخ معاصر انسانی از حد و اندازه بیرون است. آنوقت این مخترعان آموزش ضد انسانی فاشیسم و نئوفاشیسم و حامی رژیم های شوم ارتجاعی بخود اجازه میدهند، چون گرگانی که پوست میش در بر کنند، سیمای معصوم حامی «حقوق بشر» بخود گیرند. کشور های سوسیالیستی دشمن فاشیسم و برحسب ماهیت اجتماعی خود مخالف سرسخت نظامات فاشیستی و ارتجاعی هستند و در رهائی انسان ازخطر فاشیسم هیتلری، اتحاد شوروی نقش قاطع ایفاء کرده است.

این پنج نمونه باندازه کافی گویاست تا نشان دهد دعوی هیئت حاکمه و مطبوعات جهان سرمایه داری علیه سوسیالیسم در باره «حقوق بشر» چه سفسطه و چه مضحکه رسوائی است. ما دیگر از سواد و فرهنگ و بهداشت، فقدان برابری حقوق بین زن و مرد، دامنه وسیع فساد و جنایت و انواع بلایای دیگر اجتماعی که شخصیت انسانی را خورد و پامال میکنند سخن نمیگوئیم. «آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است.»

جارچیان امپریالیستی «حقوق بشر» میخواهند دمکراسی بورژوائی برخی کشور های سرمایه داری را نمونه و مظهر کامل دمکراسی جا بزنند. البته در کشور های سوسیالیستی دمکراسی بورژوائی یعنی آزادی بهره کشی، آزادی غارت خلقها، آزادی تبلیغ جنگ و نژاد پرستی وجود ندارد. دمکراسی سوسیالیستی که محتوی آن حاکمیت واقعی خلق است حاضر نیست تحت عنوان قبول تئوری بورژوائی «پلورالیسم» برای بازگشت نظام بهره کشان جاده را هموار کند. والا در دمکراسی سوسیالیستی همهٔ آزادیهای واقعی برای همهٔ افراد جامعه نه فقط اعلام بلکه تضمین شده است. در این کشور ها حتی حقوقی تضمین شده است که در کشور های سرمایه داری سخنی هم از آنها نمیتواند در میان باشد. مانند حق کار، حق تحصیل، حق استراحت، حق تأمین پیری و غیره. این عالی ترین شکل دمکراسی است که تا کنون درتاریخ بشر بوجود آمده و اولین بار است که افراد ساده و زحمتکش جامعه در سرنوشت خود شرکت مؤثر دارند و از ثمرهٔ رنج خود بانحاء مختلف برخوردار میشوند. البته دمکراسی سوسیالیستی در مراحل اولیه رشد خود است و هنوز باوج کامل نرسیده ولی هم اکنون از جهت ماهیت خود بسی از بالاترین دمکراسی های پلورالیستی بورژوائی انسانی تر و خلقی تر و دمکراتیك تر است.

هدف تبلیغات گلو دران و وقیحانه امپریالیستی در بارهٔ حقوق بشر آنست که افکار را از بحران عمیق ساختاری نظام سرمایه داری منحرف کنند، از اعتبار فزاینده سوسیالیسم بکاهند، برخی ساده لوحان را حتی در میان جریانات وعناصر مترقی دچار سر گیجه وقضاوت سطحی و خطا کنند. ولی تجربه بهمه نشان داده‌است که موجودات، مطرودی مانند سولژنیتسین که در آرزوی احیاء رژیم تزاری هستند، یا مانند ساخارف که بخاطر خیانتهای خود از امپریالیست ها جایزه نوبل دریافت میکنند. در جوامع سوسیالیستی کاملا منفرد میمانند. سوسیالیسم میتواند و باید از خود و موجودیت و دستاورد های عالی خود دفاع کند زیرا این دفاع از منافع انسان، دفاع از حقوق بشر بمعنای وسیع و واقعی این کلمه است.

برای مردم ایران که حمایت دائمی امپریالیستها را از رژیم خونخوار دیکتاتوری پلیسی کشور ما غارت ثروت ملی نفت ایران، تحمیل دهها میلیارد‌اسلحه و کالا های غیر ضرور بر اقتصاد ایران و اعزام هزاران تن بنام مستشار نظامی و کارشناس فنی و غیره و غیره می بینند. عیار ادعای مضحك غرب دائر به دلسوزی برای «حقوق بشر» روشن است.

کدام ایرانی عاقل و واردی است که به این ادعاها پوزخند نزند؟

با اینحال حزب ما ضرور میشمرد همهٔ اعضاء و دوستان و هواداران خود و عناصر مترقی را متوجه این بازی تازه امپریالیستی بکند. باید با تمام قوا از کشور های سوسیالیستی و مترقی، از وحدت جنبش انقلابی و ترقیخواهانه دفاع کرد؛ افترائات جعلی را مردود ساخت؛ جنایات بی پایان امپریالیسم و سرمایه داری را از آنجمله در ایران برملا نمود و برای دفاع ازحقوق اصلی و عمده انسانی: حق رهائی از بهره کشی و استعمار، حق کار، حق تحصیل، حق استراحت، حق ایمنی و صلح با تمام قوا کوشید و رزمید.

ما اطمینان داریم که این موج سیاه تازه تعرض امپریالیستی در برخورد باادراك روشن وارادهٔ خارائین نیرو های انقلابی مترقی جهان طی زمان خورد خواهد شد و امپریالیستها بنا گزیر پی خواهند برد که تنها راهی که در تاریخ باز است تن در دادن به خواستهای مبرم مردم جهان است نه دست زدن به مانور و عوامفریبی وسفسطه که دربهترین حالات، رونقش یك دو روزی بیش نیست و باشکست حتمی روبرو خواهدشد. اگر امپریالیستها تصور کردند که با اسلوبهای ماکیاولیستی، چنانکه در گذشته کردند، در آینده نیز خواهند توانست نظام استثمار و استعمار، نظام آقائی اقلیت ممتاز و بردگی اکثریت محروم، نظام تحریکات جنگی و مسابقه تسلیحاتی را در جهان کنونی تا دیری حفظ کنند، باید به آنها گفت: زهی تصور باطل، زهی خیال محال! از مبداء اکتبر ۱۹۱۷ که ما اینك در شصتمین سال آن هستیم تاریخ وارد مجرای تازه ای شده و قوانین نوینی دمبدم بر آن حاکمتر و حاکمتر میشود و این قوانین نو و انسانی و مترقی، جائی برای دسایس پلید شیطانی غارتگران و ستمگران باقی نخواهد گذاشت.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۵۵

یورش تازه رژیم . . .

اقتصاد کشور، که درسایه درآمد نفت ودرنتیجه‌تشدید استثمار زحمتکشان تأمین میشود، سیاست های ضدملی و ضد مردمی رژیم در تمام عرصه ها، نا بسامانی ها و ناهماهنگی‌های عظیمی که نام آنرا «تنگنا» گذارده اند، دراقتصاد ایران پدیدآورده ورژیم اکنون‌میخواهد برخی از این تنگنا ها و نا بسامانی ها را بحساب زحمتکشان برطرف سازد. رژیم شاه در حالیکه دست کار فرمایان را در مجازات و اخراج کارگران آزاد میگذارد، کارگران را بنام جلو گیری از «کارگرربائی» حتی از حق تغییر محل‌کار محروم میکند ومانع‌افزایش محدود و نسبی دستمزد ها میگردد. وزیر کار و امور اجتماعی با اشاره باینکه در کارخانه های مختلف طبقه بندی مشاغل متفاوت وجود دارد، میگوید: «دستمزد های ناشی از طرح های متفاوت عامل عمده جا بجائی کارگران از یك کارگاه به کارگاه دیگر میشود» و بنا بر این برای جلو گیری از این وضع باید برای‌تمام این کارگاهها طرح واحدی بنام «طرح جامع طبقه بندی مشاغل» تنظیم شود تا دیگر کارگران نتوانند محل کار خود را بامید دریافت مزد بیشتر ترك کنند. دولت با این اقدام خود میخواهد بر شدت کار بیافزاید وبه بهانه جلو گیری از «کارگر ربائی» کارگران را مانند دهقانان سرف وابسته کارخانه و کارفرما سازد و از این راه به حل تنگنای نیروی کار بسود کارفرمایان کمك کند و از طرف دیگر با جلو گیری از افزایش دستمزد ها، از میزان مصرف ناچیز زحمتکشان باز هم بیشتر بکاهد و از این راه میان عرضه و تقاضای مواد مصرفی «تعادل» بوجود آورد و با تورم مبارزه کند. رژیم همچنین با ایجاد شرایط برای تشدید کار و استثمار میخواهد قدرت رقابت واحد هائی را که در نتیجه نابسامانی های اقتصادی کشور، گرانی ماشین آلات و مواد خام وارداتی و مدیریت بد، قادر به مقابله با کشورهای دیگر در بازار های داخلی وخارجی نیستند، بالا ببرد و نیز با تأمین سود بیشتر به انباشت سرمایه در مؤسسات خصوصی، که نابسامانی‌های مالی دولت، امکانات آنرا برای دادن اعتبار به این مؤسسات محدود میسازد، یاری رساند.

بعلت همین جنبه های ضد کارگری است که سرمایه داران پشتیبانی و خرسندی خود را از اقدامات اخیر رژیم ابراز میدارند. وزیر کار میگوید: «وزارت کار فقط وزارت کارگر نیست واز این پس این وزارت خانه، وزارت کارگر و کارفرما» خواهد بود. دراینجا وزیر کار علاوه بر اینکه به کار فرمایان، که همیشه وزارت کار را، وزارت کار فرما میدانستند، دلگرمی تازه میدهد، در عین حال‌بطور ضمنی چنین مدعی میشود که گویا تا کنون این وزارتخانه فقط در خدمت کارگران بوده است. برای پی بردن به عیار واقعی‌این ادعای مزورانه وزیرکار کافی‌است بگوئیم که تا کنون ۳۰ هزار پرونده از کارگاههائی که کار فرمایان آنها، نه تنها سهم خود را بابت بیمه کارگران نپرداخته‌اند، بلکه سهم پرداختی خودکارگران رانیز بالا کشیده‌اند، روی دست «صندوق تأمین اجتماعی» باقی مانده است. حتی سازمانهای دولتی رژیمی که مدعی است بزودی تمام مردم ایران را زیر پوشش بیمه های اجتماعی و درمانی قرار خواهد داد، ۳۰ میلیارد ریال حق بیمه‌خود را به این صندوق نپرداخته اند! این وضع مربوط به زمانی است که گویا وزارت کار فقط از کارگران حمایت میکرد، حالا که این وزارتخانه‌مدافع کارفرمایان شده باید دید چه گل تازه ای بسر کارگران خواهدزد.

مدافعان رژیم‌نه تنها کارگران‌را به «بی‌انضباطی» و «کم کاری» متهم میکنند، بلکه بانهایت بیشرمی «تبلیغات محرمانه، زیرکانه و خرابکارانه دشمنان ایران» را عامل این «بی انضباطی» و «کم کاری» جلوه میدهند. تهران اکونومیست در شماره ۹ بهمن ۱۳۵۵ خود مینویسد: «باید باکمال تأسف قبول کرد که روحیه کار و کار آیی در کشور ما در سالهای‌اخیر پائین آمده است و . . . یکی از مهمترین عوامل‌ایجاد کننده این وضع، همان تبلیغات محرمانه، زیرکانه و خرابکارانه دشمنان ایران است». این افسانه ایست رنگ باخته. ولی باین مدافعان رژیم وسرمایه های کلان باید گفت که این تبلیغات باصطلاح دشمنان ایران نیست که کارگران را به مبارزه و یا بقول شما به «بی انضباطی» و «کم کاری» میکشاند، بلکه این واقعیت جهنمی است که بیش ازهر تبلیغ دیگری چشم و گوش کارگران را باز میکند و آنان را برای احقاق حقوق پایمال شده خود به مبارزه سوق میدهد. بیشرمانه‌تر از این اتهام، راه حلی‌است که این جیره خواران رژیم و صاحبان ثروت مطرح میسازند: «. . . مطلبی که باید حتماً مورد بحث قرار گیرد، خنثی کردن اقدامات آن دسته ازدشمنان‌داخلی وخارجی است که از راه خراب کردن روحیه کار در نیروی انسانی اقدام میکنند و جبران آن نیز باید با برنامه آموزشی انجام‌شود، لیکن درعین‌حال جنبه‌های انضباطی نیز ضروری است و تنها نمیتوان بامید مدرسه (یعنی آموزش، آنهم آموزش سیاسی بشیوه آریا مهری که منوچهر آزمون به آزمایش آن پرداخته است - م) محکمه و زندان را تعطیل کرد». زهی بیشرمی!

این دشمنان کارگر و این جارچیان رژیم باید بدانند که هیچگونه محکمه وزندان نتوانسته ونخواهد توانست، زحمتکشان بخصوص کارگران را از مبارزه باز دارد. تا زمانیکه کارگران استثمار میشوند، زجر میکشند، ستم می بینند، تا زمانیکه این دستگاه آدمکش بر سر کار است، مبارزات طبقه کار گرادامه خواهد داشت، گرچه از فراز و نشیب ها بگذرد. م.

فرخنده باد روز هشتم مارس . . .

روز بین المللی زنان گفته است نقل کنیم: «نمیتوان توده ها را به زندگی سیاسی کشاند، بدون آنکه زنان نیز باین‌کار جلب شوند.». این رهنمودی است که خصلت خود را برای زنان کشورماحفظ کرده‌است.

در شرایط امروزی کشور ما مردم در یك نبرد بزرگ درگیر شده اند، نبرد برای زندگی، برای آزادی وبرای استقلال وهرروز دامنه این نبرد گسترده‌تر میشود، عده‌نسبتاً قابل‌توجهی‌اززنان با از خود گذشتگی زیاد همپای مردان پای به میدان گذاشته اند اما این نیرو تنها تعداد کمی از میلیونها زن ایرانی است و قشر های وسیع زن را در بر نمیگیرد.

نیروی اساسی و پایه ای هر انقلاب و هر مبارزه واقعی، توده زحمتکشان، یعنی کارگران و دهقانانند و تعداد زنانی‌که وابسته به این طبقات هستند درایران زیاد اما شرکتشان در مبارزه بعللی که روشن است‌هنوز محدود است ومیتوان گفت که نیروی انقلاب ما هنوز بر روی دو پای خود نایستاده یا بگفته دیگر بر روی دوش مرد و زن استوار نشده است.

در ایران‌برای استثمار هرچه بیشتر زن یعنی‌برای بدست آوردن نیروی کار ارزان، کوشش میشود که‌او را به کارخانه‌ها بکشانند. زنان دهقان بی‌چیز هم برای بدست‌آوردن تکه نانی‌نه تنها بار زندگی طاقت‌فرسای خانواده خود را بر دوش دارند، بلکه تعداد زیادی از آنها در کارهای فصلی در روی مزارع دیگر حرکت مینمایند و یا پای کارگاههای قالی زندگی پر از محنتی را میگذرانند وبراستی میتوان گفت بردگی‌زن باابسط مناسبات سرمایه داری دوبرابر شده است: هم ازنقطه نظراجتماعی، یعنی‌بمثابه زحمتکش درمؤسسات‌تولیدی‌وهم بعنوان‌زن‌درخانواده‌درروابط‌بامردان. درشرایط‌اجتماعی‌ایران مردان میدان گسترده تری برای خود داشته ودارند راه زندگی‌برای آنهابطور نسبی بازتر بوده است و ازاین رو در قیاس بازنان و بطور متوسط واردتر وروشن ترهستند. اکنون بر مردان است که عمیقاً بپذیرند که زن‌میان آنها است و عمیقاً باید درك نمایند که باید بحقوق انسانی و اجتماعی زن بمعنای واقعی ونه بمعنای‌تشریفاتی احترام گذاشت و به او نشان داد که کمکش در مبارزه تا چه اندازه با ارزش است و تا او پا به میدان مبارزه نگذارد بد بختی و ستمی‌که ملت ایران با آنها دست به گریبان است از میان برداشته نخواهد شد.

و بر زنان بیدار وآگاه است در ده و شهر به زنان وطن خود توضیح دهند که شرایط اجتماعی زندگیشان نتیجه‌سرنوشت وتقدیر نیست بلکه‌محصول‌نظام ظالمانه اجتماعی است و انواع ستم هائی که بر آنها میشود بر ایشان آشکار نمایند و توضیح دهند. اما به تجربه دیده شده است که زنان خیلی زود بر پایه‌نیروی فداکاری و گذشتی که در آنها هست و [illegible] که به خانوادهٔ خود دارند اینگونه مسائل مربوط به زندگی اجتماعی خود را زود درك مینمایند و آنگاه است که هیچ نیروئی نمیتواند آنها را از مبارزه برای دفاع از زندگی، نه خود، بلکه همزنجیرانش باز دارد و آنگاه است که زن همرزم نیرومند واز خود گذشته‌ای درمیدان پیکاراجتماعی است. لنین میگوید: «. . . موضوع زن بخشی از مسئله اجتماعی و کارگری است و میتوان بین این امر و مبارزه طبقاتی پرولتاریائی و انقلابی‌پیوند محکمی ایجاد کرد.»

تنها باپیداری و آگاهی توده عظیم زن درایران و با متشکل شدن هزارها زن میتوان در مبارزات‌دشوار کنونی مردم ایران پیروزی را بدست آورد.

ع . م

سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است

اتحاد عمل همهٔ نیرو های مخالف رژیم در یك جبههٔ ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است

دورهٔ ششم | پانزدهم دی ۱۳۵۵ | شمارهٔ صد و هفتاد و دوم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

کدام «منافع» ؟

ریچارد هلمس ، رئیس سابق سیا ، رئیس اسبق بخش « بازیهای کثیف » در این مؤسسه جنایت پیشه ویکی از طراحان کودتای ۲۸ مرداد که بنا بدعوت و تمایل شاه در سالهای اخیر سفیر امریکا در ایران بود، اخیراً از بیم برکنار شدن بوسیله دولت جدید ایالات متحده، استعفا داد وبعنوان «وداع» نطق‌فتنه‌انگیزانه‌ای در رادیو و تلویزیون تهران ادا کرد . او در این نطق مدعی شده است که امریکا بعلت هم مرزی ایران با شو[illegible] وجود آبراههٔ خلیج فارس « منافعی » دارد و بدینسان خواسته است سیطره غارتگرانه امپریالیسم امریکا را در کشور ما توجیه و در عمل آنرا ابدی سازد و در عین حال شاه را هم از دغدغه های احتمالی نجات دهد و او را مطمئن کند که دست امپریالیسم از پشت او برداشته نخواهد شد .

آنچه که یك تبه کار در جامهٔ دیپلومات امریکائی ، یعنی ریچارد هلمس آنرا علناً در رسانه های گروهی ایران اعلام داشته است « سر » افشاء شده ایست. همه‌میدانند که امریکا نه‌بخاطرمنافع «مشروع» ، بلکه بخاطر غارتگریهای بناحق و تدارك تجاوز علیه سوسیالیسم ، مدتهاست کشور ما را، که در دست رژیم ستم پیشه محمد رضا شاه اسیر است ، بآلت دست خویش بدل کرده است و از آنجمله (همانطور که رویتر در دوم ژانویه ۱۹۷۷ خبر داد) این کشور را به محل تحمیل یك سلسله فروشهای پر سود ولی از جهت اثربخشی مشکوك مبدل ساخته است. در توضیح این مطلب رویتر میگوید : مثلا در فروش دستگاه جاسوسی آیبکس به بهای نجومی پانصد میلیون دلار شخص ریچارد هلمز دست داشته و این دستگاه که هدفش جاسوسی و نظارت مرز های شوروی است مجهز بآنچنان وسایل « ماوراء بغرنجی » است که « نه تنها در ساعات شب و در ایام ابری نمیتواند کاری کند ، بلکه تنها مشتری خرپولی‌مانند شاه ایران میتوانست خریدار چنین تجهیزاتی باشد که در عین فتنه‌انگیزانه و پر خرج بودن ، سربار و تقلبی نیز هست . ریچارد هلمس در تهران در قبال ایرادی که در این زمینه به‌او شده است گفت : « من از این انتسابات خود را بری میکنم وتمام تقصیرها بگردن « سیا » ست . ، زیرا آنها هر چه که می‌خواستند ، میتوانستند بکنند. . . »

عذر بد تر از گناه که میگویند همین است .

اینست نمونه ای از آن « منافعی » که این راهزن ـ دیپلومات در ساعات خدا حافظی « رمانتیك» خود از آن دم میزند و چنین است وضع دوستان‌شاهی که خود وی با نهایت گستاخی درهر فرصتی که بیابد از « میهن پرستی » خود و بی وطن بودن مخالفان خویش سخن میگوید !

ا . س .

« لایحهٔ قانون روابط موجر و مستأجر »

در اواخر آذر ماه سال جاری لایحه ای بنام « لایحه مالك و مستأجر » یا « لایحه قانون روابط موجر و مستأجر » در جلسه علنی مجلس مورد بحث و بر رسی قرار گرفت . این لایحه در دیماه سال ۱۳۵۱ از جانب دولت تهیه وبرای بر رسی وتصویب به‌مجلس داده شده بود و طی این مدت اصلاحات و تغییراتی در آن بعمل آمده است .

این لایحه با اصلاحاتی که در آن داده شده به تصویب کمیسیون دادگستری رسید و از جانب کمیسیون مسکن و شهر سازی مجلس مورد تأیید قرار گرفت . ولی کمیسیون شهرسازی ومسکن‌مجلس درمورد تبصره های ٤ و ٥ ماده ١٤ با نظر کمیسیون دادگستری مخالفت نمود .

با وجود اینکه امروز مسئله مسکن در کشور ما یکی از حاد ترین مسائلی است که میلیونها خانوادهٔ ایرانی با آن روبرو هستند و نزدیك به ٥٠ درصد گاه بیشتر درآمد این خانواده ها برای اجاره بها مصرف‌میشود، دولت علاوه براینکه هیچگونه برنامه و تدبیر بنیادی برای رفع این مشکل تدوین نکرده ، در این لایحه هم که مربوط به روابط مالك و مستأجر است مواد و تبصره هائی گنجانده شده که بزیان میلیونها خانواده های بی مسکن است که ناگزیر به اجاره نشینی‌هستند .

دراینجاسخن بر سرتبصره های٤و٥ ماده ١٤این لایحه است که حتی‌اکثریت نمایندگان مجلس‌درجریان بر رسی این لایحه درجلسه علنی مجلس در بیانات خود به این مورد اشاره کردند و آنرا بزیان مستأجران ارزیابی نمودند .

تبصره های ٤ و ٥ ماده ١٤ این لایحه بمالك حق میدهد پس از خاتمه مدت قرار داد اجاره برحسب شرایط مشخص با دادن مهلت یك یا دو ساله بمستأجر افزایش اجاره بهارا تحمیل کند ودرغیر اینصورت‌اورا وادار بتخلیه محل سکنی‌نماید. همچنین‌بندهای ۳، ٤، ٥ و ٧ همین ماده به موجر حق میدهد که به بهانه های گوناگون ، مثلا طبق بند ٤ و ٥ « اگر احتیاج به مورد اجاره برای سکونت خود یا بستگان خویش‌داشته باشد » و یا اگر « مورد اجاره محل سکنی در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد» ، مستأجر را مجبور به تخلیه محل سکنی کند .

بدین ترتیب این بند ها از ماده ١٤ نیز مانند تبصره های ٤ و٥یك مستمسك قانونی در دست‌مالکین است که‌میتوانندهمیشه مستأجران را زیر فشار قرار دهند .

در جریان بحث پیرامون این لایحه در مجلس اکثر نمایندگان نیز در سخنان خود بویژه روی این‌دو تبصره تکیه کردند .

داریوش شیروانی نماینده مجلس گفت تبصره های ٤ و ٥ ماده ١٤ این لایحه برای مردم گرفتاری های بسیاری بوجود خواهد آورد . نگذارید عده ای سودجو با حالتی تقلب آمیز مسکن مردم این مملکت را باین روز بیاندازند . در مورد لایحه ، وی افزود : به هر حال این لایحه بمثابه مسکن برای بیمار است که در مداوای بیماری هیچگونه تأثیری ندارد »

اخلاقی پور نماینده دیگر مجلس اظهار داشت : « تجربه نشان داده و عملا ثابت شده است که این قوانین آنطوریکه باید و شاید در جهت بهبود روابط مالك و مستأجر و ایجاد تفاهم بین آنها چه از لحاظ

دنباله در صفحه ۲

نامه رسیده از ایران

شکوهٔ مادر

طبق نوشته روزنامه ها بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی جنایت بار خاندان پهلوی به همسر رضا شاه دیکتاتور اسبق و مادر محمد رضا شاه دیکتاتور کنونی لقب «مادر والا» داده شده و بدینمناسبت یك لوحه زرین سپاس نیز تقدیم وی گردیده است . نمونه‌ای از سرنوشت تلخ مادران ایرانی‌در زیرنشان میدهد که زندگی خود و فرزندانشان در پنجه های مهیب مستبدی که در دامان این «مادر والا» پرورده شده است چگونه میگذرد .

در یکی از زیباترین و سرسبز ترین نقاط شمالی تهران ، در حاشیه جاده معروف پارك وی ، در کنار ده قدیمی اوین ، مخوفترین و بزرگترین زندان سیاسی ایران ساخته شده است . از چند کیلومتر مانده باین زندان تابلوی زرد رنگی که روی آن نوشته شده است «منطقه نظامی» و بعد دژبانهای فراوانی که در اطراف پراکنده هستند ، هر نوع رفت و آمد به این منطقه‌را محدود و مشروط میکند . اما باوجود محدودیت شدیدی که برای عبور از کنار این تابلو و رسیدن به در آهنی بزرگی که میان درختان انبوه احاطه شده است وجود دارد . در اکثر روز های هفته ، بویژه در روز های پنجشنبه این منطقه ممنوعه نظامی یا بعبارت درست تر این اسارتگاه و شکنجه گاه نجیب ترین و شریفترین فرزندان خلقهای رنجدیده ما انباشته از زنان، مردان و کودکانی میشود که پدران ، فرزندان‌ومادران آنها در سلولهای مرموزو وحشتناك اوین زندانی اند . علیرغم کوششی که جلادان اوین برای جلوگیری از هجوم خانواده ها باین منطقه بعمل میآورند ، صف‌طویل خانواده زندانیان در برابر در بزرگ و آهنین اوین هر پنجشنبه طویل تر میشود ، صفی از پیر مردان در هم شکسته ، پیر زنان و نو عروسانی که اشك ، چهره های با شکوهشان را خیس کرده و کودکانی که در نخستین سالهای حیات فقدان غم انگیز پدر و مادر را احساس میکنند و برای دیدار چند لحظه ای با آنها کیلو متر ها راه آمده اند و بارها و بارها بی نتیجه بر گشته‌اند و دوباره باز آمده اند و ساعتها درانتظارند . این جمع بظاهر ناهمگون را درد مشترکی بهم پیوند میدهد و از آنها فامیل یگانه ای میسازد که بهم‌اعتماد دارند ، پیش هم درد دل میکنند ، سفره دلشان را باز میگشایند و بهم تسلی و نیرو میدهند . من امروز از میان این فامیل بزرگ میآیم و باآنکه قلبم پر ازاندوه و حسرت است ، در برابر این انبوه سوگواران ، غم خودم را فراموش کرده‌ام . نمیدانم دهمین بار ، بیستمین بار ، یا سی امین بار بود که برای دیدار تنها پسر و نان آورم به اوین میرفتم . هر بار پس از چهار پنج ساعت انتظار و تحمل تحقیر و بد و بیراه نگهبانان و دژخیمان ، که با اتومبیلهای رنگارنگ خود میآمدند و از برابر ما میگذشتند و چاك دهانشان را باز میکردند و متلك بارانمان میکردند، بدون آنکه پسرم را ببینم یعنی اجازه یك دیدار چند ثانیه ای او را بدهند ، باز میگشتم . پسرم پس از ٥ سال تحمل زندان در حدود یکسال پیش آزاد شد . شادی دیدار دوبارهٔ او برای مادری که گمان نمیکرد بتواند پیش از مرگ یکبار دیگر جگر گوشه اش را ببیند و در آغوش بکشد، قابل توصیف نیست . من دو روز و دو شب از کنار او تکان نخوردم . نگذاشتم که حتی پایش را از خانه بیرون بگذارد . نشستم و به چهره او ، به این چهره زرد وتکیده و پر چین‌وچروك و زجر کشیده زل‌زدم ، او خوابید و من بالای سرش نشستم و به این رؤیای زیبا که دربرابرم بود و من واقعیتش را بسختی‌میتوانستم باور کنم ، خیره ماندم و گریستم . توی خواب‌موهای او را نوازش کردم و صد ها و صد ها بار گونه هایش را بوسیدم ، اما این رؤیا در نیمه شب دومین روزی که از بازگشت او میگذشت ، مبدل به کابوس شد . نیمه شب در خانه ما را زدند . پسرم در خواب بود . برای آنکه بیدار نشود بسرعت خودم را به در رساندم و آنرا گشودم . چند تا فاتشن بد اخم و بی تربیت و نخراشیده بودند که با ضربه لگد در را چهار تاق

دنباله در صفحه ۲

نامه شادباش کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

سازمان ایالتی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران !

رفقای عزیز !

بمناسبت سی ویکمین سالگرد نهضت ۲۱ آذر (۱۳۲٤ ـ ۱۳۲٥) بشما از صمیم قلب شاد باش میگوئیم. نهضت ۲۱ آذر که منجر به پیروزی‌وتشکیل حکومت ملی در آذربایجان گردید ، در تاریخ میهن‌ما ایران مقام‌ارجمندی دارد . در نتیجه پیروزی این‌نهضت، آذربایجان به دژ جنبش دموکراتیك و ضد امپریالیستی ایران مبدل شد و خلق آذربایجان در اداره امور داخلی خود واجد حق اظهار عقیده و ابراز اراده شد . جنبش ۲۱ آذر موجب شد که نفوذ امپریالیسم از آذربایجان بر افتاد و به ارکان آن در سراسر ایران ، تزلزل بارز راه یافت . همهٔ خلقهای ایران و توده های زحمتکش کشور که در رأس آنها حزب با شهامت توده ایران قرار داشت از خلق آذربایجان و کردستان در مبارزه علیه نیرو های ارتجاع وامپریالیسم به پشتیبانی برادرانه بر خاستند . پس از هجوم نیرو های متحد ارتجاع و امپریالیسم به آذربایجان رشتهٔ برادری و دوستی خلقهای ایران و کمك های بیدریغ حزب توده ایران مایه نجات بسیاری از کادر های فعال نهضت ۲۱ آذر گردید . خلق آذربایجان این پشتیبانی و یاری برادرانه را همیشه با حس سپاسگزاری عمیق یاد میکند و در راه تحکیم پیوند های برادرانه و همرزمی با سایر خلقهای ایران در مبارزه علیه رژیم استبداد سلطنتی و تسلط سرمایه های انحصاری امپریالیستی به میهن عزیز ما ایران کوشاست.

رفقای ارجمند ! خلق آذربایجان بخوبی درك میکند که تأمین حقوق ملی و نیل به آزادی و دموکراسی‌در عین حفظ استقلال‌وتمامیت ارضی میهن‌عزیز ما ایران تحت رهبری طبقه کارگر وحزب پر افتخار آن ـ حزب توده ایران ـ امکان پذیر است و اتحاد تمام نیرو های ملی و دموکراتیك و کلیه مخالفین مترقی رژیم موجود برای تحقق آرمانهای خلقهای ایران : سر نگونی رژیم استبدادی محمد رضا شاه ، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ضروری است . از اینجهت تشکیل جبهه واحد مبارزه علیه استبداد مطلقه کنونی و علیه امپریالیستهای آمریکا و انگلیس از همه نیرو های وطنپرست و ترقیخواه و کلیه عناصر پیشتاز جامعه ایران و عموم خلقهای کشور ، ضامن و عامل عمدهٔ پیروزی بر استبداد محمد رضا شاهی و طرد خائنین و عمال بیگانه از ساحت پاك میهن ما ایران است .

بابر گزاری مراسم سی ویکمین سالگرد نهضت ۲۱ آذر ، برای حزب محبوب‌خود ـ حزب توده ایران که پرچمدار مبارزه در راه استقلال و تمامیت ارضی کشور ، تأمین حقوق ملی خلقهای آن و برقراری رژیم ملی ودمکراتیك در ایران‌است آرزوی کامیابی‌میکنیم . برای ستاد رهبری‌مبارزات مردم ایران ـ کمیته مرکزی حزب توده ایران ـ در غلبه بر همه دشواریها و نیل به پیروزی آرزوی موفقیت داریم . ما کمیته مرکزی‌حزب را مطمئن میسازیم که سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ـ فرقه دمکرات آذربایجان ـ تحت رهبری حزب طبقه کارگر همیشه در صفوف مقدم مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم قرار داشته و از این پس نیز قرار خواهد داشت .

زنده باد سی و یکمین سالگرد نهضت ۲۱ آذر !

زنده باد حزب واحد طبقه کارگر ایران ـ حزب‌توده ایران وسازمان ایالتی آن درآذربایجان ـ فرقه دمکرات آذربایجان !

زنده باد وحدت نیرو های پیشروی زمانهٔ ما : جبههٔ سوسیالیستی جهانی ، طبقه کارگر بین المللی وملل آزاد شده از استعمار ودر رأس‌این‌نیروهااتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در مبارزه علیه نیرو های سیاه ارتجاع و امپریالیسم جهانی !

کمیته مرکزی‌فرقه دمکرات آذربایجان ـ سازمان حزب توده در آذربایجان .

مردم ایران ! بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دژخیمان شاه مبارزه کنید !

چند خبر کوتاه

دیدار رفیق برلینگوئر دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا از تندیس «بیاد خسرو روزبه»

رفیق برلینگوئر دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا ، از تندیس « بیاد خسرو روزبه » کار هنرمند ایرانی رضا اولیاء که روز اول آبان ۱۳۵۵ طی مراسم با شکوهی در میدان شهر «فیانورومانو» پرده برداری شد ، دیدن نمود . در این دیدار که طی مراسم مهیج و پرشکوهی انجام‌شد ، نماینده حزب‌توده ایران نیز دعوت شده بود . بسیاری از شخصیتهای برجسته اجتماعی و سیاسی ایتالیا ، اعضاء شورای شهر « فیانورومانو » و هزاران نفر از اهالی شهر در این مراسم حضور یافتند . رفیق برلینگوئر و نماینده حزب‌توده ایران در این مراسم ، سخنان پرشوری ایراد کردند .

طبق تصمیم شورای شهر «فیانورومانو» قرار است درکلیه مراسم رسمی ، پای تندیس «بیاد خسرو روزبه» گل گذاری شود .

باز هم چهار میلیارد دلار خرید تازه اسلحه

روزنامه نیویورك تایمز درتاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۶ تحت عنوان «یك نهیب تازه در فروش اسلحه» مینویسد :

«تنها چند روز پس از انتخابات ماه نوامبر کاشف بعمل آمد که وزارت دریاداری امریکا موافقت خود را با یك طرح تازه اعلام داشته است . این طرح حاکی از فروش چهار میلیارد دلار اسلحه ازجانب‌شرکت «نورثروپ» طبق مدل سلاح مستقر بر روی خشکی برای جت‌های نیروی دریائی است که باید بایران تحویل داده شود .»

تخت طاووس ومیله های زندان

صفر قهرمانی از ۳۰ سال پیش در زندان است

روزنامه « زمان ما » ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان فدوال در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۶ مقاله‌ای تحت عنوان فوق‌انتشار داده است . در این مقاله گفته شده است ، « قربانیان رژیم تنها کسانی نیستند که بگونه ای دیگر می اندیشند ، بلکه تمام افراد و سازمان هائی که از منافع صنفی یا اقتصادی خود بخواهند دفاع کنند زیر فشار رژیم قرار میگیرند زیرا هر مخالفتی باید در نطفه خفه شود .

حزب کمونیست ایران - حزب توده ایران-اعلام کرده است که رژیم شاه در دوران اخیر اقدامات بربرمنشانه خود را علیه زندانیان سیاسی تشدید کرده است . ساواك مسئول فجایع ضد بشری مانند آدم ربائی ، شکنجه و قتل است .

صفر قهرمانی عضو حزب توده ایران بیش از سی سال است که در زندانهای فاشیستی دیکتاتور بسر میبرد .

درگذشت مترجم «چه باید کرد» چرنیشفسکی

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که مترجم کتاب معروف چرنیشفسکی «چه باید کرد» آقای آذرخشی اخیراً در تهران در گذشته است . ترجمه کتاب چرنیشفسکی برای بار دوم در ماههای اخیر از طرف نشریات حزب توده ایران تجدید چاپ شده بود .

شکوه مادر

کردند و با هفت تیر و مسلسل بدرون خانه ریختند . در یك لحظه در برابر چشمهای حیرت زده من او را از رختخواب بیرون کشیدند و بدون آنکه فرصت لباس پوشیدن به او بدهند ، کشان کشان روی زمین کشیدندش و بطرف در خانه بردند . عده دیگری شروع به وارسی تمام سوراخ سنبه های خانه و سوراخ کردن و پاره کردن بالشها ، لحافها ، شکستن کاشی های در و دیوار و موزائیك های کف زمین ، واژگون ساختن یخچال و اوراق نمودن رادیو ، سرازیر کردن کیسه شکر و نخود و لوبیا و وارسی لباسها و جیبهای من کردند . من وحشت زده و حیران فریاد زدم : «از جان من چه میخواهید ؟» گفتند : «بتو کاری نداریم، دنبال پسرت آمده ایم .» گفتم : ولی او کاری نکرده است ، چهل و هشت ساعت بیشتر نیست که آزادش کرده اید و او در اینمدت پایش را از خانه بیرون نگذاشته . یکی از آن غولهای بی شاخ و دم که قیافه اش از آن مجسمه های بی آبروئی که در تمام میدانهای شهر ماست ، بی آبرو تر و کریه تر بود ، بسرم داد کشید که : زن ! این حرفها بما مربوط نیست، بما گفته اند که او را بازداشت کنیم . دلیلش را برو از رؤسای ما بپرس . التماس کردم ، زاری کردم ، اما فایده‌ای نداشت . دست آخر پسرمرا در آغوش کشیدم، ضجه کشیدم که تا وقتی من زنده ام نمیگذارم او را از اینجا ببرید . اما با لگدی به گوشه ای پرتابم کردند و پسرم را که از خشم لب بدندان میگزید با خود بردند . از آن ببعد کار من شد در بدر دنبال زندان پسرم گشتن ، به کمیته ، زندان قصر ، دادرسی ارتش ، اداره ساواك تهران در خیابان میکده توی‌خیابان بولوار سر زدن ، به اداره مرکزی ساواك در ضرابخانه رفتن و از آنجا بی نتیجه و سر خورده به زندان اوین آمدن . اما اشکهای من مثل جستجوی من فایده ای نداشت . من استغاثه میکردم که فقط دو کلام نوشته از پسرم بمن بدهید که مطمئن شوم هنوز زنده است . التماس کردم که جای او را بمن نشان بدهید ، ولی جز سکوت و گاه تمسخر و حتی دشنام جوابی بمن ندادند . تا وقتی سرانجام به اوین رانده شدم . درآنجا خیل عظیمی چون خودم یافتم . پس از چند دیدار با آنها مأنوس شدم . بزودی دریافتم که بسیاری از اینان از من تیره روز ترند ، اما با همه شوربختی خود ، «جز و التماس نمیکنند ، گریه نمیکنند ، میخندند و در این خنده که میدانم با خون جگرشان آمیخته است غرور و سر افرازی عجیبی وجود دارد .

نخستین کسیکه در میان این فامیل دردمند جلب توجه ام را کرد مرد چاقی بود با موهای سپید. همه به او احترام میگذاشتند . در رفتارش متانت و حشمت غریبی بود . از یك خانم چادری که سه پسرش در زندان بودند و طی چند هفته رفت و آمد به اوین بااودوست‌شده‌بودم پرسیدم: این آقا کیست ؟ گفت : چطور ایشان را نمیشناسی ، ایشان آقای رضائی هستند که چهار پسر و یك دخترش بدست دژخیمان شهید شده اند و همسر و یك پسر و یك دختر و خواهرزنش هم زندانی هستند . آقای رضائی کمتر حرف میزد ، صدایش گرم و محکم بود و وقتی شروع به صحبت میکرد ، آنقدر جدی و مهربان سخن میگفت که همه دردهایشان را فراموش میکردند . او میگفت : نیمی از خانواده من در اوین و نیم دیگرشان در زندان قصر هستند . هر هفته باید هم قیافه کریه دژخیمان‌شهربانی را و هم میرغضب های ساواك را تحمل کنم . آقای رضائی میگفت : چرا مرا نمیگیرند ، اینطوری تمام خانواده در زندان جمع میشوند .

زن جوانی با چشمان درشت سیاه و جذاب در حالیکه دست دختر کوچکش را در دست دارد ، به ملاقات شوهرش آمده است که بزندان ابد محکوم شده است . هنگامیکه شوهر در شکنجه گاه شاه بود ، همسر طفل او را در شکم داشت، ووقتی این نوزاد متولد شد با توجه به سرنوشت پدرش او را آزاده نام گذاشتند . همسر جوان در حالیکه دست دخترك کوچولویش را دردست دارد به‌دیگران دلداری‌میدهد. میگوید : محال است فرزندان و شوهران و پدران ما در زندانها بپوسند . من به ملتم بیشتر از اینها ایمان دارم .

مادری که چادر سیاه بلندی بر سر داشت ، از مأموران خواهش میکرد که باو اجازه دهند فقط از دور پسرش‌راببیند . مخاطب او رسولی شکنجه‌چی‌معروف و سفاکی بود که شهرتش مثل شهرت ابلیس است . او در بیشرفی ورذالت وسنگدلی‌مخلوق استثنائی خداست . پیر زن به رسولی میگوید : برای خدا حافظی با پسرم آمده‌ام . میخواهم بروم کربلا پا بوس سید الشهداء ، شما را هم دعا میکنم . اجازه بدهید پسرم را ببینم ، فقط یك نگاه . رسولی با پوزخند‌تمسخر جواب‌میدهد: از دست امام حسین کاری ساخته نیست . برو پی کارت. پیر زن استغاثه میکند . جلاد با خشم او را میراند : برو پیرزن ، وگر نه تورا هم میفرستم وردست پسرت. برو از امام حسین ملاقات بخواه .

ناظران این صحنه از خشم و بیزاری لبریزند . اما چکار میشود کرد ؟ فعلا دور ، دوررذلها وبیشرفهاست.

پیرزن درحالیکه اشك‌پهنای صورتش را مرطوب کرده بود از آنجا دور شد . پیکر شکسته و چهره غم انگیزش دل همه را ریش کرده بود . گاه در میان هق هق آرامش ، زار میزد و بعضی از حاضران همراه او بآرامی اشك میریختند .

مادر مبارز دیگری که به حبس ابد محکوم شده است میگوید : از جلاد غیر از این چه انتظاری است ؟ مادر دیگری که یك پسرش تیر باران شده و پسر دیگرش به زندان ابد محکوم شده لبخند میزند. این زن مثل کوه میماند . هیچ مصیبتی نمیتواند او را از پای در آورد . خنده هیچوقت‌از لبهایش دور نمیشود. نشاط او ، سرزندگی و روشنی پر تلالؤ چشمهایش ، از امیدی قطعی ، از ایمان به‌آزادی فرزندش از بند وهمه فرزندان در بنداین سرزمین، حکایت میکند . دژخیمان با هیچ ضربه‌ای نتوانسته اند روان پاك این مادرقهرمان را تیره کنند . او میگوید : اینها دارند باد میکارند ، فردا طوفان درو خواهند کرد .

زن یك مبارز زندانی باهمه حرف میزند وخوش و بش میکند . بیشتر حرفهایش راجع به مسائل‌سیاسی و مملکتی و زندانیان سیاسی است . بقول او جلوی زندان اوین تریبون آزاد است و میتوان در باره همه مسائل ممنوع حرف زد . با اعتماد صمیمانه خود به همهٔ خانواده‌ها ، تخم اعتماد را در دلها میکارد .

از دو سال پیش دیگر زندانیان سیاسی آزاد نمی شوند، یعنی آنهائیکه بحکم داد گاههای فرمایشی وسفاك مدت اسارت طولانی وظالمانه‌ای که برای آنها رقم زده اند ، سپری گردیده ، همچنان در زندان نگهداشته میشوند ، انبوه جمعیت‌در برابر زندان اوین بیشتر شده . . اما این انبوهی علت اساسی تر دیگری هم دارد و آن اوج گیری نهضت و جذب قشر ها و افراد و طبقات جدید به مبارزه با این بد ترین و دد منشانه ترین رژیم تاریخ است .

بدنبال کشتن ۹ نفر زندانی گروه جزنی - ظریفی در زندان بوسیله جلادان شاه، از کلیه شهرستانها وبویژه ازشیراز ومشهد زندانیانی راکه مدت‌محکومیت آنها از دهسال بیشتر است به اوین منتقل کرده اند . دردناکتر اینجا است که این افراد بجای اینکه آزاد شوند ، ممنوع الملاقات میشوند و هیچیك از بستگان و فامیل و خانواده آنها امکان نمییابند با آنها ملاقات کنند . برای اکثر این افراد بار دیگر پرونده جدید تشکیل میشود و اتهام جدید آنها نقص پرونده است. بابن ترتیب ظاهراً برای تکمیل پرونده بازجوئی ، مدت نامعلومی در زندان نگهداشته میشوند . گویادنیا از این همه رذالت و وحشیگری و ظلم اطلاع ندارد . گویا مردم جهان فراموش کرده اند که در روی گنج نفت و مس و اورانیوم ، بد بخت ترین و محروم‌ترین ملت جهان هر روز تعدادی قربانی به ضحاك زمانه پیشکش میکنند و زندانهای روز افزون او را باعزیزان دلبند خود پرمیسازند . بله ، از دوسال پیش بولدوزر ها بطور شبانه روزی مشغول کارند . زندانهای چند طبقه بتونی مثل قارچ از گوشه و کنار این دهکده لعنتی در حال روئیدن است . بعضی از خانواده ها که بطور اتفاقی توانسته‌اند نظری بداخل‌محوطه زندان بیاندازند، تعریف میکنند که در زیر زمین تونلهای عمیق برای بر پا نگهداشتن سلولهای جدید زندان حفر میشود . تعداد سلولها زیاد میشود ، زندانیها بیشتر میشوند و ملاقاتیها از این هر دو بیشتر . اشکها ، ضجه ها ، التماس ها ، و در کنار اینها جلادان بیشتر ، زندانبانان بیشتر و وسائل شکنجه بیشتر .

زندان اوین سر سبز و وسیع و خرم است . پدر پیر یکی از زندانیها میگوید :

اینجا پارك خلق است .

و من میدانم او راست میگوید . قلبم بمن اطمینان میدهد که این پیشگوئی درستی‌است . بچه های ۱۳ و ۱۴ ساله‌ای که اخیراً از مدارس و پشت نیمکتهای دبستان و دبیرستان به زندانهای شاه منتقل میشوند و برتعدادشان هم هر روزافزوده میشود ، اثبات حقانیت این حکم‌اند ، من یکسال است که هر هفته به اوین می‌آیم . در اینجا در این مدت دوستان زیادی یافته ام . مردان و زنان بزرگی که فرزندان و دلبندان خود را به پیشگاه ملت تقدیم کرده اند و باغرور و افتخار میگویندسه پسرم ، دو پسر و یك دخترم ، ۵ تن از اعضای‌خانواده‌ام ، ۷ تن از پسرهای فامیلم در زندان اند ، من در برابر مصائب آنها و درعین حال خونسردی و اعتقاد و ایمانشان ، درد خودم و فقدان پسرم را فراموش کرده‌ام . حالا فامیل بزرگتری یافته‌ام پسرهای من بشمار تمام جوانانی است که در زندانند ، حتی بیشتر ازاین - همه آنهائی که جانشان‌را بر کف گرفته‌اند و با این زندگی سگی وبانیان و پاسداران جنایت پیشه آن در پیکارند ، پسران ودختران منند . حالا دیگر آرزویم این‌نیست که پیش از مرگم که شاید زیاد دورنبا شد، باردیگر پسرم را ببینم. تنها آرزویم اینست که واژگون شدن این بساط جهنمی و آزادی ملتم را ببینم . مرگ در آن لحظه زیاد سخت نیست .

امضاء محفوظ

اقتصاد بی در و پیکر

صادرات

در حال حاضر ، صادرات غیر نفتی ایران در حدود ۶۰۰ میلیون دلار در سال برآورد میشود، که کمتر از صادرات غیرنفتی امارت دوبی با جمعیتی در حدود صد هزار تن است .

کیهان - ۹ دی ۱۳۵۵

* * *

واردات

پیش بینی میشود که حجم واردات درسال جاری از مرز ۱۵ میلیارد دلار بگذرد .

اطلاعات هوائی - ۱۴ دی ۱۳۵۵

« لایحه قانون روابط موجر و مستأجر »

میزان مال الاجاره و چه از لحاظ تخلیه مؤثر نبوده ، بلکه روز بروز دامنه اختلاف بین‌مالك و مستأجرشدیدتر میشود . وی گفت : امروز اجاره بها بطور سرسام‌آوری بالا رفته و مقدار زیادی از درآمد مردم بدون مسکن را می بلعد و مرتب بر قیمت آپارتمانها و خا[illegible] بدون ضابطه و قاعده افزوده میشود و مسئولین بجای اینکه بفکر مسکن برای افراد فاقد مسکن و تقلیل هزینه زندگی از جمله اجاره بها باشند این لایحه را بمجلس میآورند. درمطالب دیگری که درمجلس وجراید از زبان قشرهای مختلف مردم نشر یافت بطور عمده تکیه بر روی این مطلب است که اکثریت قریب به اتفاق خانواده های زحمتکش کشور فاقد مسکن هستند و اجاره بها با درآمد آنها هیچگونه تناسبی ندارد ، از آنجمله کارگران ، فرهنگیان و کارمندان دولت که اکثریت آنها اجاره نشینند و بیش از ۵۰ درصد دستمزد و حقوق ماهیانه خود را برای اجاره بها میپردازند .

امروز جامعه کشور ما در زمینه های گوناگون زندگی با مشکلات فراوانی دست بگریبان است . علیرغم تبلیغات بلند گوبان رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه و برخلاف ادعا های دروغ و فریب گرانه وی که میکوشد وانمود سازند ایران از راه « ویژه ای » مبری از پدیده های بیمارگون جامعه سرمایه داری رشد میکند ، واقعیت های زندگی بر این ادعا ها خط بطلان میکشند و مشکلات اجتماعی جامعه هر روز بصورتی حادتر مطرح میشود .

مسلم است که رژیم دیکتاتوری و [illegible] خلقی حاکم بر میهن‌ما قادر به حل این مشکلات [illegible] جامعه مانیست . این مشکلات را فقط با اجرای سیاستی ملی و در متن تحولات دمکراتیك عمیق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بنفع گسترده ترین توده‌های زحمتکش جامعه ایران میتوان حل کرد .

ق . پیروز

درود به صفر قهرمانی کهن ترین زندانی سیاسی جهان !

دورهٔ ششم | پانزدهم بهمن ۱۳۵۵ | شمارهٔ صد و هفتاد و چهارم

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

رژیم دیکتـاتوری ایران در جامهٔمدافع حقوق بشر !

روزنامه های ایران اطلاع دادند که علاوه بر «لژیون خدمتگزاران بشر» که شاه سناتور رسول‌پرویزی را متصدی آن کرده بود ، از کثرت «علاقه» ی رژیم دیکتاتوری به «حقوق بشر» ، اخیراً باز سازمان دیگری تحت ریاست سناتور عماد تربتی و با عنوان « کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر» ، بشرکت سناتور ها و وکلاء مجلس ، در ۲۹ دیماه سال جاری ، تشکیل گردیده است . در نطق درباری و چاکرانه ای که عماد تربتی رئیس کمیته نامبرده در جلسه سنا ایراد داشت، ازجمله این بیانات جالب توجه است : «مناسب میدانم یادآور شوم که دو هزار و پانصد سال است اعلامیه حقوق بشر (!) بوسیله کورش کبیر صادر شده و این بزرگترین افتخاری است که فقط نصیب ملت ایران شده و در جهان هیچ ملتی دارای چنین افتخاری نیست .» پس از این کشف مشعشع تاریخی که کورش در ۲۵۰۰ سال پیش «اعلامیه حقوق بشر» صادر کرده ، جناب سناتور افزود : «ما در عصری زندگی میکنیم که شاهنشاهمان بزرگترین خادم عالم بشریت بشمار میروند و تمام فرامین و دستورات معظم له مؤید این امر است .» یعنی اگر ۲۵۰۰ سال پیش کورش تنها یك دفعه اعلامیه حقوق بشر صادر کرده ، در عصر ما «شاهنشاهمان» یك بند اعلامیه‌حقوق بشر صادر میکنند و تمام فرامین و «دستورات معظم له» خود برهان و دلیلی بر همین مدعاست . پس از این جملات «مقنع» در بارهٔ شاهی که خود یکی از خون آشامترین دیکتاتورهای جهان امروزی است ، جناب سناتور (و بیشود هم که مردم سناتور نمیشوند) مطالب مهمتری میفرمایند: «برای اولین بار در جهان مبارزه با بیسوادی بوسیله

دنباله در صفحه ۲

افتـــخار بر شهیدان !

۱٤ بهمن سال ۱۳۱۸ ، دکتر تقی ارانی ، انقلابی پیکارجوومارکسیست اندیشمند ، در پی‌توطئه‌ی که جلادان شهربانی رضا شاه ، بمنظور قتل او ترتیب داده بودند ، به بیماری تیفوس در زندان در گذشت . ارثیه معنوی ارانی ، ایمان بی تزلزل او به جهان بینی علمی مارکسیسم ـ لنینیسم و یقین قطعی اش به‌رسالت طبقه کارگر در ایجاد جامعهٔ نوین فارغ از ستم وبهر[illegible] بود، که به یاران ، همرزمان وشاگردانش واگذارد . ارانی هنگامی به ترویج مارکسیسم درایران آغاز نمود ، که فاشیسم در قلب اروپا بحکومت‌رسیده بود ، و در میهن ما ایران ، تمام روزنه های تنفس آزاد برروی مردم مسدود بود . نه تنها دفاع از منافع طبقه کارگر جرم نا بخشودنی بشمار میآمد ، بلکه رضاشاه مستبد از لفظ « کارگر » و همه مقوله های اجتماعی ـ



سیاسی همپیوند با آن وحشت مرگ داشت . ارانی از اینکه درچنین شرایط دهشت باری پرچم دفاع از منافع طبقه کارگررا برافرازد ، کمترین هراسی بدل راه نداد. هر چند ارانی در این راه گرامی ترین عطیه طبیعت یعنی جان خود را باخت ، اما بردتاریخی با او بود . زیرا طی کمتر از دو سال بنای پوشالی دیکتاتوری رضا شاه فروریخت وسخنان اودر دادگاه ۵۳ نفر، در محکومیت دیکتاتوری و در دفاع از حقوق زحمتکشان که لای پرونده های شهربانی رضا شاه خاك میخورد به یکباره نیروی حیاتی یافت ، سینه بسینه گشت وبرپرچم‌مبارزه خلقهای ایران نقش بست . با سقوط رضا شاه حماسه تا تمام مبارزه ارانی را صد ها هزار نفر از زحمتکشان میهنش با پیگیری ادامه دادند ودر تاریخ مبارزات‌مردم ایران نمونه‌های درخشان پیکار جوئی وپایداری وقهرمانی آفریدند .

ما در روز شهادت ارانی از همه شهیدان حزب توده ایران یاد میکنیم که سیمای شجاعشان یاد آور نبرد های خونین در دورانهای مختلف حیات میهن ما میان انقلاب و ضد انقلاب ، میان مردم از یکسو و ارتجاع وامپریالیسم ازسوی دیگر بوده است: ازشهیدان فاجعهٔ مازندران، آبادان، اصفهان درسالهای۱۳۲٤و۱۳۲۵، شهیدان قیام خراسان در سال ۱۳۲٤ ، شهیدان جنبش آذربایجان‌وکردستان، آن زنان ومردان دلیری که بگناه دفاع از حقوق خلقهای ایران در سال ۱۳۲۵ بدست جلادان شاه قتل عام شدند ، شهیدان کشتار ۲۳ تیر ۱۳۳۰ ، شهیدان تظاهرات خونین بابل و لنگرود در درسال ۱۳۳۱ ، کشتار ۳۰ تیر۱۳۳۱ تهران ، شهیدان ۱٦ آذر دانشگاه تهران ، شهیدان دلیر سازمان افسری حزب توده ایران در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳٤ ، مبارزان شهیدی چون وارطان سالاخیان و کوچك شوشتری که در شکنجه گاهها لب بستند و جان باختند ، شهید قهرمان خسرو روزبه که با نصب مجسمه یاد بودش در ایتالیا، بیش از پیش درجهان به مظهر پایداری خلقهای ایران در برابر رژیم دیکتاتوری شاه بدل گشته است، شهیدان دلاوری چون حسن رزمی و محمد حسین‌معصوم

دنباله در صفحه ۲

تندیس بیاد خسرو روزبه
کار هنرمند ایرانی رضا اولیا



روز اول آبان ۱۳۵۵ (۲۳ اکتبر ۱۹۷٦) بپاس قهرمانی خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران ، از تندیس بیاد خسرو روزبه ، طی مراسم پر شکوهی با شرکت بسیاری از شخصیتهای برجسته سیاسی و اجتماعی ایتالیا و از جمله رفیق لوئیجی لونگو رئیس حزب کمونیست ایتالیا در میدان شهر فیانو رومانو پرده برداری شد .

این تندیس اخیراً طی مراسم مهیجی مورد بازدید رفیق برلینگوئر دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا قرار گرفت .

زندگی و کارمعدنچیان ذغال در کرمان

(نامه ای از ایران)

دوستان عزیز !

این گزارشی است از معادن استخراج ذغال سنگ کرمان . استخراج را شرکتی بنام « شرکت سهامی خاص ذغال سنگ کرمان » انجام میدهد و تمام محصول استخراجی را به ذوب آهن اصفهان میفروشد وهمچنین تمام کارمندان و کارگران مشغول بکار در استخدام ذوب آهن هستند . این معادن در حدود یك ساعت راه ماشین رو اطراف شهرستان «زرند» کرمان قرار دارند و نامهای آنها عبارت است از : «باب نیزو » ، « پابدانا » ، « هجدك » ، « اشکاله » .

در این معادن در حدود ۱۵ هزار نفر کارگر در سه شیفت کار میکنند (رقم تقریبی است) ، که عده‌ای از آنها در شهر زرند زندگی میکنند ولی اکثر آنها از دهات اطراف این معادن تا شعاع ۵۰ کیلومتری هستند که بیشتر بوسیله موتورسیکلت به سرکار خود میآیند و مجبورند دو ساعت قبل از شروع کار از منازل خود حرکت کنند . می گوییم « منازل » ولی بهتر است بگوییم بیغوله هایشان ، یعنی اتاقك هائی که در دل کوه درست کرده‌اند . این کارگران از نظر مدرك تحصیلی و پایه شغلی چند دسته هستند . یکی کارگران دهات اطراف که احتمالا دوسه کلاس درس خوانده‌اند و در خود کارگاهها (کارگاه جائی درسی چهل متری زیر زمین داخل یك سوراخ) کار میکنند و سخت‌ترین کار را اینان دارند و حقوقشان برحسب تعداد کلاس‌ها و سابقه کار (برای هشت ساعت تمام بدون وقت غذا خوردن و ٤ تا ۵ ساعت زمان رفت و آمد) از روزی ۳۰ تا ٦۰ تومان در نوسان است . (٦۰ تومان برای کسی که حدود ده سال سابقه کار دارد !).

دسته دوم کسانی که تا کلاس سوم دبیرستان خوانده اند و در آموزشگاه معدن ذوب آهن یك دوره ۹ ماهه دیده اند . اینها معمولا سر کارگر هستند و حقوقشان با چهار تا پنج سال سابقه کار حدود۲۵۰۰ تومان در ماه است . برخی از همین ها مدتی درشوروی دوره دیده اند و در مقایسه با وضع کنونی خود از آنجا خاطره های مثبتی دارند . این گروه دوم آگاه ترین کارگران هستند و باوجود حقوق نسبتاً خوبی‌که میگیرند ، ناراضی هستند . به حقوق کارگران چیزی باسم سود ویژه یا سود ذغال اضافه میشود که به هر تن ذغال که کارگاه بیشتر از ۷۰ تن در روز استخراج کند تعلق میگیرد . البته مبلغ آن زیاد است ، ولی کارگران میگفتند که به آنها در حدود سالی ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان میرسد . بطور کلی حقوق پایه ای کارگران را بسیار پائین نگهمیدارند . مثلا حقوق کارگری که روزی ۵۰ تومان مزد میگیرد روزی ۲۵تومان است و بقیه را بعنوان اضافه کار و شب کاری و غیره به آن اضافه میکنند تا هر وقت خواستند بتوانند آن را کسر کنند و یا اگر قرار شد رسمی شوند (تاحالا هیچکس رسمی نشده) پایه حقوق آنها کم باشد . گروه بعدی دیپلمه ها و فوق دیپلمه ها هستند که

دنباله در صفحه ۲

لنـــیـــن

لنین ! خاموش شد شمع نگاهش
ولی قلبش طپد در پیکر خلق
به پیش ساحت آرامگاهش
بیا بنگر : صفا صف لشکر خلق

☆

لنین برخاست از غوغای تاریخ
چو نیرومند و بی همتا دلاور
درخت ظلم را تا برکند ازبیخ
بت زرینه را تا بفکند سر

☆

همای بخت انسان پر شکسته
لنین آن را نشاط و خرمی داد
در گنج سعادت بود بسته
کلیدش وی بدست آدمی داد

☆

شنید از پیش این وخشور بینا
دم جان بخش اکتبر میهن را
وزین طوفان معظم ساخت طالع
یکی خورشید کارایدزمین را

☆

چو نقش بیستون بر قلب ایران
بود نام لنین جاودان ، حك
تلاش خلق ایران ضد دشمن
نباشد لحظه ای زین نام منفك

☆

بتابد بر سر اورنگ تاریخ
بتابد در درون رنـج این نام
بتابـد بر سر امـواج جنبش
ز گوهر هاست پر چون گنج این نام .

س .

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام به پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

از پیام شاد باش آن رفقا به چهارمین کنگره حزب کمونیست ویت نام صمیمانه سپاسگزاریم . ما این پیام را مظهر همبستگی رزمجویانه وتشویقی بزرگ برای حزب وخلق خود میشمریم که در راه اجراء قطعنامه های کنگره وایجاد کامیابانه یك ویتنام صلحجو ، مستقل ، متحد و سوسیالیستی کوشاست . درود های کمونیستی ما را بپذیرید .

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویت نام

سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است
اتحاد عمل همهٔ نیروهای مخالف رژیم در یك جبههٔ ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است
دورهٔ ششم — شمارهٔ ۱۷۴ - فوریه ۱۹۷۷ — صفحه ۲

زندگی و کار معدنچیان ...

فقط بر کارگران نظارت میکنند . مهندسان و زمین شناسان هم که پشت میز می نشینند و امضا میکنندو ماهی یکی دو بار به کارگاه ها سر میزنند . بطور کلی امور اینجا را کارشناس های شوروی میگردانند . تعداد آنها در منطقه «باب‌نیرو» حدود سی‌نفر است ، شدیداً کار میکنند و بکارشان سخت علاقه نشان میدهند و بهمین سبب هم روابطشان با مهندسان پشت میز نشین ایرانی زیاد خوب نیست ولی در عوض با کارگران روابط آنها خوب است . شعار آنها اینست : اول‌ایمنی برای کارگر بعد کار . کارگران میگفتند : « اگر اینها نباشند ، ما روزی صد تا کشته میدهیم». ساواك تماس گرفتن با آنها را در غیر از امور مربوط به کار برای ایرانیها قدغن کرده است . کارگران همیشه با مرگ روبرو هستند و هر آن ممکنست کارگاه ریزش کند ، یا آتش سوزی ایجاد شود یا در چاه بیافتد ، یا خطرات بسیار دیگر . معمولا ماهی یکی دو کشته و زخمی میدهند . وضع بهداشت بسیار خراب است و فقط یك درمانگاه جنب اداره هست که غالباً نه دوا دارد و نه دکتر و بیماران را از سر باز میکنند . کارگری زمستان بچه بیمارش را از ده ، که از آن پیاده تا درمانگاه راه زیادی است ، در میان برف و بوران ، لای پتو پیچیده و آورد ولی دکتر بدون آنکه حتی به بچه نگاه کند از روی پتو باو نسخه داد . غالباً به بیماران ، هر مرضی که داشته باشند ، یکی دو تاقرص آسپیرین میدهند و ردشان میکنند . کارگران میگفتند ما شنیده ایم در معادن شوروی ماهی یکبار تمام کارگران را اجباراً معاینه میکنند ولی بسیاری از کارگران دو سال بود که ریه هایشان مریض بود ، کسی به دادشان نمیرسید . بطور کلی اکثر کارگران این معادن ریه هایشان خراب است ، زیرا در تمام طول کار با گرد و غبار ذغال و خاك سر و کار دارند و فقط یك لوله از بیرون به کارگاه هوا میرساند . زندگی این کارگران در دهات رنگ و بوی تازه ای به ده داده است و چیزهائی در این دهات هست که در جاهای دیگر کمتر پیدا میشود . مثلا تلویزیون در خانه ها ، بدون آنکه از رفاه متناسب با آن برخوردار باشند ، کنـرو ، موتورسیکلت و غیره . بعضی از خانواده های کارگری هنوز قطعه زمین کوچکی دارند که زن و بچه های خانواده در آن کار میکنند . یا خانواده هائی که چند تائی گاو و گوسفند و یا باغ کوچکی در جنب خانه دارند . ولی رفتار این کارگران که تا چند سال قبل دهقان بوده اند ، کاملا از یك دهقان متمایز است . در رفتارشان عنصر آگاهی و زرنگی بخصوصی دیده میشود . آنها دیگر بکلی ناپخته از نظر زندگی شهری نیستند . بطور کلی بسوی تبدیل شدن به آن کسی که پرولتر - بمعنای اخص آن - نامیده میشود پیش میروند .

درمنطقه «پابدانا» تابحال چندبار اعتصاب شده است . در منطقه «باب‌نیرو» نیز دراسفند۱۳۵٤ اعتصاب سه روزه ای انجام شد که خواست مشخص کارگران در آن درخواست حقوق عقب افتاده شان بود ، چون سه ماه حقوق آنها را پرداخت نکرده بودند . علاوه بر آن ، کارگران خواستار عوض کردن مهندسی که مسئول تعدادی از معادن است بودند . کارگران ازاین مهندس نفرت داشتند ، چون برای خوش خدمتی و دزدی بیشترخودش ، آنها را بیشتر استثمار میکند . مثلا کامیونی که بار آن تیر آهن بوده و همین شخص مسئول خرید آن برای معادن بوده است ، در راه کرمان تا معادن گم شده . در طی این سه روز کارگران بسر کار نه روند و تعدادی از عوامل وابسته رژیم را کتك میزنند . طبق معمول ژاندارم ها دخالت میکنند . اما پس از سه روز ذوب آهن حاضر میشود حقوق آنها را فوراً بپردازد و اعتصاب خاتمه میپذیرد ، پس از اعتصاب عده زیادی را ساواك از خانه هایشان میرباید . حقوق ماههای اردیبهشت و خرداد و تیر کارمندان در اواخر مرداد ماه هنوز پرداخت نشده بود.

این کانونهای حزب « رستاخیز » هم قوز بالاقوز شده است و کارگران را هر چند روز یکبار مجبور میکنند ساعت ٦ صبح جلوی معادن جمع شوند و باصطلاح جلسه حزبی تشکیل بدهند و بجان شاهنشاه «آریا مهر» دعا کنند .

افتخار بر شهیدان

زاده که برای مبارزه حزبی باران اعزام شدند و بدست مأموران ساواك سر به نیست گردیدند ، شهیدان نامدار حکمت جو و تیزابی و صد ها شهید بی نام و نشانی که طی ۳۵ سال حیات پر ماجرای حزب توده ایران خونشان سنگفرش خیابانهای میهن ما را رنگین ساخته است .

طومارشهیدان بنام و گمنام حزب ما ، دلالت گر آن نبرد خونینی است که ۳۵ سال است میان حزب ما بمثابه حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ، علیه رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك شاه و امپریالیسم پشتیبان آن ادامه دارد و تا پیروزی قطعی زحمتکشان ایران ادامه خواهد یافت . بر تارك شهیدان حزب توده ایران این افتخار ابدی میدرخشد که در راه صحیح مبارزه بشهادت رسیدند ، جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم راپاکیزه‌نگاه داشتند ، چراغ راه مبارزه‌ساختند ، و تا پایان بدان وفادار ماندند . باید راه آنان را ادامه داد ، باید برای پیروزی آرمانهاشان مبارزه کرد .

مرگ شکوهمند شهیدان حزب توده ایران که سیراب از سرچشمه ایمانشان به مردم وبه نظام عادلانه سوسیالیسم بود ، به چنان نیروی پر جاذبه معنوی بدل شد که با وجود ترور و اختناق حاکم ، در جلب نسل جوان میهن ما به مبارزه علیه سیاهکاریهای رژیم شاه و برای ایجاد دگرسانی عمیق در جامعه ، نقش ارزنده‌ای ایفا کرده است .

در روز شهیدان ، از همهٔ شهیدان جنبش ضد ارتجاعی و ضد استعماری میهن مان یاد میکنیم : زنان و مردانی که بگناه مبارزه علیه رژیم جنایت پیشه شاه و امپریالیسم غارتگر یا در قتلگاههای ساواك کشته ویا تسلیم چوبه تیر باران شدند . اینها صرفنظر از شیوه مبارزاتشان نیزنمونه‌های تحسین انگیز رشادت وپایداری ارائه کردند . از مبارزان دلاوری مانند خسرو گلسرخی و امثال او یاد میکنیم که حماسه تسلیم ناپذیری شان در برابر دژخیم ، آنانرا به نمونه های پایداری نسل‌جوان بدل کرده است .

پنجاه سال سلطنت خود کامه خاندان پهلوی ، خونهای پاك بسیار برخاك ریخته است . روا نیست که این خونها با ادامه پراکندگی نیروهای ضد رژیم هدر رود . گام نخست برای به سلطنت رساندن آرمانهای والائی که شایسته ترین فرزندان میهن ما در راه آن شهید شدند ، یگانگی نیرو هاست . یگانگی همهٔ نیرو های ضد رژیم جابر موجود ، برای سرنگونی دیکتاتوری شاه .

میثو

روزنامه ایزوستیا در بارهٔ ایران

ایزوستیا میگوید :
ایران و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه‌خلیج فارس تحت عنوان واهی خطر کمونیسم ارتشهای‌این‌منطقه‌رابامپریالیسم وابسته کرده‌اند.

روزنامه ایزوستیا زیر عنوان « جنون بلوك‌سازی » درتاریخ ۹ فوریه ۱۹۷۷ تفسیری منتشر ساخته که خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان میرسانیم : در این تفسیر ضمن بررسی‌سیاست نظامیگری ونفتی ایالات‌متحده امریکا در منطقه خلیج فارس و ناحیه‌اقیانوس هند خاطر نشان شده است از آغاز سالهای هفتاد ایالات متحده امریکا برنامه وسیع‌صدور تسلیحات به‌منطقه خلیج فارس رابمرحله اجراء گذارد . طی چهار سال اخیر ایران متجاوز از **۱۵ میلیارد دلار** اسلحه و تجهیزات نظامی‌خریداری کرده است. بعقیده کارشناسان نظامی عالی رتبه امریکائی فروش تسلیحات مدرن امریکائی بااین مقیاس گسترده به کشور های این منطقه از یکسو اضافه هزینه هائیرا که امریکا درقبال بالارفتن بهای‌نفت میپردازد جبران میکند و از سوی دیگر با اعزام دهها هزار مستشار و کارشناس نظامی که همراه تسلیحات به کشور های منطقه خلیج فارس اعزام میشوند ، ارتشهای کشور های نفت‌خیز را عملا به ایالات متحده امریکا وابسته‌میسازد.

بنا به اظهار نظر « واشنگتن پست » هدف سیاست امریکا در این منطقه آنستکه « رژیمهای دوست » مانند ایران ، عربستان سعودی و عمان را با تمام تجهیزات نظامی لازم مجهز کند « تا آنها بتوانند‌دفاع و امنیت خود را بدون بمیان کشیدن مستقیم پای ایالات‌متحده امریکا به این امور ، تأمین سازند». در تفسیر گفته میشود محافل ورژیمهای ارتجاعی پاره ای از کشور های منطقه خلیج فارس برای‌توجیه مداخله خارجی در اموردا‌خلی این کشور ها و پرده پوشی خصلت واقعی پیوندهای خود بادول امپریالیستی شمار مبتذل و کهنه شده خطر واهی کمونیسم را بمیان میکشند .

رفیق ۱۴۳

۳۰۰۰ مارك آلمان فدرال کمك شما بحزب رسید، بسیار متشکریم .

☆ ☆ ☆

رفیق ۸۹٤٦

۱۲۰ دلار کمك شما بحزب رسید ، بسیار متشکریم .

☆ ☆ ☆

رفیق رامسری

مبلغ ۱۰۰ لیره کمك شما بحزب رسید ، بسیار متشکریم .

☆ ☆ ☆

رفیق ۱۳۹۵

۱۱۰۰ مارك‌آلمان‌فدرال کمك شما بحزب‌رسید، بسیار متشکریم .

☆ ☆ ☆

رفیق ٤۹۸

۲۳۰ دلار کمك شما بحزب رسید بسیار متشکریم .

* * *

کمکهای رسیده

از رفقا :

شماره ۲۷	۱۰۰	مارك آلمان غربی
شماره ٦٥	۲۸	»
شماره ٦۰	۲۸	»
پدر	٥٥	»
هلال	۱٥۰	»
ح . بستگان	۳٥٤	»

از همه رفقا صمیمانه سپاسگزاریم .

آگهی

برای اطلاع خواستاران جلد دوم کتاب « سرمایه »

جزوه اول جلد دوم «سرمایه» (کاپیتال) منتشر شد .

جزوه دوم جلد دوم این کتاب بزودی منتشر خواهد شد .

دقت !

ترجمه فارسی کتاب «لنین در مقابله با ترتسکیسم» از چاپ خارج شد .

این کتاب که جزو سلسله انتشارات «از گنجینه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم» است ، مجموعه ای از خلاصه مقالات ، نامه ها و سخنرانیهای لنین را در پیوند با مبارزه علیه نظریات و اندیشه های انحرافی‌ضد مارکسیستی ، ضد انقلابی و ماجراجویانهٔ ترتسکی طی دوران طولانی سالهای ۱۹۰۳ - ۱۹۲۳ در بر دارد . ما مطالعه این اثر گرانبها را به همه رزمندگان جنبش انقلابی توده ای توصیه میکنیم .

رژیم دیکتاتوری ایران ...

شاهنشاه رئوف ما اعلام شده» و نیز « منع استعمال‌سلاح اتمی در خاور میانه از اقدامات درخشان شاهانه است!» که البته ما از وقوع حادثه اخیر که در خاور میانه بر اثر «اقدامات درخشان» شاه ایران استعمال سلاح اتمی منع شده خبر نداشتیم ولی از تلاش حریصانه شاه برای ایجاد وابستگی تازه ای از جهت انرژی اتمی به جهان سرمایه داری بویژه پس از بیانات اخیر اکبر اعتماد اطلاعاتی کسب کرده بودیم .

اما هدف این « کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر» چیست ؟ به بیان جناب سناتور آنست که : «به بدبختیهای عالم‌بشریت وعقب ماندگیهای‌ملل‌ضعیف رسیدگی کنیم .» و کمی مشخصتر : «متأسفانه بعضیها بخودشان حق این جسارت را داده بودند که راجع به اموری که اطلاع ندارند درباره آن اظهار نظر کنند ...»

از تملق های تهوع آور که بگذریم ، از این جمله آقای رئیس کمیته نوبنیاد روشن میشود که سازمان تازه ، حلقه ای از آن اقداماتی است که رژیم در هفته های اخیر برای مقابله با جلسه ای که قرار است در شهر لاهه در زمینه دفاع از حقوق بشر انجام گیرد ، بدانها دست زده است . اظهارات کتبی و شفاهی در رادیو و تلویزیون علیه «سازمان عفو بین‌المللی» و دیگر سازمانهای بین المللی ، انتشار مطالبی در باره سازمانهای اپوزیسیون درشماره‌های متعدد جراید« کیهان» و «اطلاعات» ، اعتراض به دولت هلند در مورد تشکیل جلسه مورد بحث ، اعلام در جراید که درایران «دیگر» شکنجه اعمال نمیشود (چیزیکه خود اعترافی است بر وجود شکنجه) ، مانور آزاد کردن عده ای زندانیان باصطلاح «نادم» ، اظهارات اخیر شاه و وزیر خارجه اش خلعت بری در باره این مسائل ، همه و همه اشکال مختلف واکنش مضطربانه رژیم در برابر تشکیل یك جلسه افشائی است .

طبق سرشت «موذی» و پر از عقده‌ای که رژیم بکرات از خود نشان داده و میدهد ، یکی از این واکنشها باین صورت در آمده است : آقا ، این چه حرفی است که ما حقوق بشر را مراعات نمیکنیم ؟ ما از ۲۵۰۰ سال پیش خودمان مبتکرش بودیم . حالا هم ساعتی نمیگذرد که در باره حقوق بشر امریه ای صادر نشود . بعلاوه «شاهنشاهمان» اولا رئوف است ، ثانیاً برای اولین بار در جهان با بیسوادی مبارزه کرده است بعلاوه اصلاشما چه‌میفرمائید؟ خودتان مگرحقوق بشر را نقض نمیکنید ؟ اصلا ما باید بکار شما رسیدگی کنیم و شما را بخاطر جسارتی که کرده اید گوشمالی بدهیم ...».

این اسلوب دائمی رژیم است که دائماً با پر روئی و شارلاتانیزم و شعبده بازی میخواهد بدیهیات را منکر شود و چیزی هم طلبکار گردد. زمانی خود شاه گفته بود که ما سند « اعلامیه حقوق بشر » را فقط امضاء کرده ایم و بقیه امور را طبق قوانین و شرایط کشور خودمان انجام میدهیم (یعنی کماکان به نقض آن اعلامیه مشغولیم) . آیا در کشوری که در آن بهره کشی وحشیانه امپریالیستها و عمال داخلی آن ، سیطره ساواك ودادگاههای دربسته نظامی، سایهٔ وحشت آور شکنجه گاهها و زندانهای گوناگون ، سیاست نظامیگری و تسلیحاتی عنان گسسته ، کیش فاشیست مآبانه پرستش و خدا سازی از شاه ، سیستم حزب واحد دستوری و مطبوعات و تبلیغات دستوری تحت سانسور و غیره و غیره حکمرواست ، میتواند حقوق انسانهای‌عادی و ساده مراعات گردد ؟ پنهان کردن واقعیت پلید و مهیب نقض حقوق بشری و پامال کردن روح و جسم انسانها در زیر چکمه های خشن قلدری در ایران کار عبثی است . این طشتی است که دیگر مدتهاست از بام افتاده است . سناتور عماد تربتی هر «رسیدگی» که میخواهند بفرمایند ، اما این قسمت را مدتهاست مردم ایران و افکار عمومی جهان مورد رسیدگی دقیق قرار داده و داوری قطعی و نهائی خود را نیز صادر کرده‌اند .

ا . س .

دورهٔ ششم — پانزدهم شهریور ۱۳۵۶ — شمارهٔ صد و هشتاد و هشتم

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فزایندگی تنگناها و نابسامانیهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان دورنمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرارداده که امضاء کنندگان زیربنا بروظیفه ملی و دینی ، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی راکه صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و ماموریتی غیراز پیروی از«منویات ملوکانه» داشته باشد نمیشناسیم و در حالیکه تمام امورمملکت

حکومت استبدادی باید ترك شود!

(نامه دکتر سنجابی و شاپور بختیار و داریوش فروهر بشاه)

از طریق صدور فرمانها انجام میشودوانتخاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلیحضرت قراردارد که همه اختیارات و افتخارها وسپاسها وبنابراین مسئولیتها رامنحصر ومتوجه به خود فرموده‌اند ، این مشروحه را علیرغم خطرات سنگین تقدیم حضور مینمائیم .

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هرطرف در لبه‌های پرتگاه قرارگرفته ، همه جریانها به بن بست کشیده ، نیازمندیهای عمومی بخصوص خواربار و مسکن باقیمتهای تصاعدی بی‌نظیر دچارنایابی گشته ، کشاورزی و دامداری روبه نیستی گذارده ، صنایع نوپای ملی ونیروهای انسانی دربحران وتزلزل افتاده ، ترازبازرگانی کشور و نا برابری صادرات وواردات وحشت آور گردیده ، نفت این میراث گرانبهای خدادادی بشدت تبذیرشده ، برنامه‌های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونتهای پلیسی به حداکثررسیده و رواج فساد و فحشاء و تملق فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است .

حاصل تمام این اوضاع ، توام با وعده‌های پایان ناپذیر و گزافه گوئیها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات ، نارضائی و نومیدی عمومی و ترك وطن وخروج سرمایه‌ها و عصیان نسل جوان شده که عاشقانه داوطلب زندان وشکنجه ومرگ میگردند ودست بکارهائی میزنند که دستگاه حاکمه آنرا خرابکاری وخیانت و خودآنها فداکاری وشرافت مینامند .

این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید مربوط به طرز مدیریت مملکت دانست ، مدیریتی که بر خلاف نص صریح قانون اساسی واعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است .

در حالیکه « نظام شاهنشاهی » خود برداشتی کای از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران میباشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن حدود « حقوق سلطنت » بدون کوچکترین ابهامی تعیین و « قوای

دنباله در صفحه ۲

در ارتش ایران چه می گذرد ؟

سیل ناخشنودی جامعه ایران که مدتهاست از چهار چوب طبقات زحمتکش بیرون آمده و وسیعترین قشر های متوسط جامعه را فرا گرفته است ، بالاخره به آخرین سنگر رژیم استبدادی شاه ، یعنی کادر فرماندهی ارتش نیز ، راه یافته است .

اخبار رسیده از ایران حاکی است که در چند هفته پیش ، بگیر و به بند دامنه داری درکادرفرمانده‌ـ هی ارتش رخ داده و بیش از ۱۰ نفر از فرماندهان عالی واحد های ارتش در شهرستانها باز داشت و بدون سرو صدا به زندان دژبان در تهران انتقال داده شده‌اند . این افراد متهم هستند که گویا اندیشه لزوم تغییراتی را در وضع کنونی کشور در میان خود مطرح ساخته بودند . ازاخبار رسیده اینطور بر میاید که در پیوند با این جریان دو نفر از افسران بالا رتبه تا کنون اعدام شده‌اند .

واقعیت این رویداد هر چه باشد ، اهمیت فراوان آن از این جهت است که علیرغم همه کوششهای رژیم در ایجاد یك ارتش گوش بفرمان شاه و کار گزار امپریالیسم امریکا ، علیرغم اینکه همه افسران برای رسیدن به مقامات بالائی صد بار دستچین میشوند و از دهها غربال و صافی «امنیتی» میگذرند و در مدارس نظامی امریکا باروح ضد دمکراتیك و ضد ملی « آبدیده » میشوند ، علیرغم اینکه رژیم میکوشد با دادن امتیازات فراوان ، ارتش را از خلق جدا سازد و در این راه بویژه دست دزدی و غارتگری بی‌بند و بار افسران بالائی ارتش را باز گذاشته است ، در این پایگاه اصلی «جزیره ثبات» نیزترك پیدا شده است .

تاریخ ارتشها در بسیاری از کشورهای جهان از آنجمله در کشورما نشانداده است که علیرغم همهٔ این تلاشهای ارتجاعی همواره در ارتش وحتی در کادربالائی آن عناصر میهن پرست پیدا میشوند و همین عناصرند که میتوانند در لحظات حساس تاریخ جنبش انقلابی کمکهای گرانبهائی به آن برسانند .

ارتش ایران با رشته‌های گوناگون باخلق پیوند دارد . افراد آن تقریبا همگی از فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا میباشند و اکثریت سنگین کادر افسری آن از اقشار متوسط و پائین جامعه بر خاسته‌اند . درست است که امتیازات گوناگون و سطح پائین رشد آگاهی عده‌ای از این

دنباله در صفحه ۲

سانسور ساواك در قالب جديد

بارفتن هویدا و آمدن آموزگار ، که خود بعلت نارضائی مردم وتحت فشارافکار عمومی انجام گرفت ، دولت جدید برای مقابله با این نارضائی و فشار ، به مانورهای گوناگونی در زمینه‌های مختلف دست زده‌است تابتواند اساس رژیم استبدادی شاه ، رژیم ترورواختناق ساواك را ، که در خطر قرار گرفته است ، حفظ کند . از جمله در مورد «آزادی‌بیان وقلم» ، که خواست مبرم و بدیهی مردم ایران است ، آموزگار ، هنگام معرفی دولت خود به مجلس گفت :

« دولت به آزادی بیان وقلم و تحکیم وتقویت نیروهای [illegible]نده ناشی از آن در جامعه ایران ارج وحرمت می‌نهد و بنوبه خود از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی انتظار دارد که ضمن انعکاس مسائل و نظرات مردم ، حقایق مربوط به پیشرفتهای جامعه و اقتصاد ایران رانیز بازگو نمایند و حرمت و حیثیت افراد و ارزشهای اخلاقی بنیادهای نظام اجتماعی را رعایت کنند . »

هنوز طنین این صدای عوامفریبانه پایان نیافته‌بود که وزارت اطلاعات طی «بخشنامه محرمانه» ای به مطبوعات کشور ، تعیین وظیفه نمود که مطبوعات چه باید بنویسند و چه نباید بنویسند . و با این ترتیب آشکارشد که سخنان نخست وزیر نه فقط عوامفریبانه است ، بلکه از هر گونه برخورد جدی ، با مسئولیت و دمکراتیك به مسئله «آزادی بیان وقلم» تهی‌است ، و نه فقط تهی است ، بلکه تلاش میشود که سانسور ساواك برمطبوعات کشور در قالب جدیدی همچنان حفظ شود . برای اثبات این مدعا کافیست به مواد « بخشنامه محرمانه » رجوع کنیم :

— «هر گونه خبری مربوط به شاه ، شهبانو ، ولیعهد ، نخست وزیر وخاندان سلطنتی باید ازمراجع رسمی گرفته‌شود .
— در کاریکاتورها ، برنامه‌هائی که شاه و شهبانو اعلام میکنند ، نباید مورد مسخره قرار گیرند .
— اقز[illegible]ئول درجه یك و مقاماتی که شاه خود آنها رامنصوب کرده نباید مورد حمله واتهام قرار گیرند .
— باید در همه جا و درهر خبر از اصول فکری حزب رستاخیز ، نظام شاهنشاهی ، قانون اساسی واصول ۱۷ گانه انقلاب شاه وملت و خوداین انقلاب بااحترام یاد شود و هرگز به این اصول انتقادی نشود . اما میتوان به نحوه اجراء آنها انتقاد ملایمی کرد .
— خبرهای وزارت خارجه و انتصابات باید ازمراجع رسمی گرفته شود .
— تنها مراجع رسمی حق دارند که خبرهای مربوط به ارتش و نیروهای مسلح را در اختیار مطبوعات بگذارند .
— اخبار دربار و سازمانهای امنیتی و خبرهای مربوط به اعمال تروریستی باید از مراجع رسمی گرفته شود . افکار و اسامی تروریستهارا نباید مورد ستایش وتایید قرار داد و نباید تروریستهارا بعنوان قهرمان معرفی کرد .
— اخبار اضافه حقوق ، مزایا وترفیعات کارمندان باید از مراجع رسمی گرفته شود .
— هر گونه خبری ازوضع اقتصادی و مالی کشور و سازمانهای صنعتی وامور مربوط به بهداشت و بیماریهای واگیر و مواد خوراکی بااحتیاط نقل‌شود ، زیرا سلب اعتماد عمومی میشود و نگرانی ایجاد مینماید . باید پیش از انتشار با مقامات مربوطه مشورت شود واصلا نباید زیاد در باره این اخبار نوشته شود .
— سوءاستفاده های بزرگ و پرونده های اختلاس و رشوه خواری نباید در روزنامه ها منعکس شوند ، مگر اینکه قبلا با مقامات مسئول مشورت شده باشد وهرگز نبایدبصورت برجسته منعکس بشوند .
— به نویسندگان و شعرائی که قصد شان مبارزه با رژیم است نباید در ستونهای مطبوعات جائی به آنها داد .
— باخبرهای اعتصابات کارگران وتظاهرات دانشجویان باید با احتیاط روبرو شد .
— انتقاد ها باید جنبه سازنده داشته باشد و بیجهت موضوعی را بزرگ نکنند ، همچنین نباید جنبه شخصی داشته باشد ، باید بیشتر به سیاستها و روشها توجه بشود ، حق جواب را محترم بدارند و این جوابهارا در جای معین چاپ کنند .
— مطبوعات باید کوشش کنند که پشت سرهم از موضوعی که افکار عمومی را بهیجان آورد ، ننویسند و انتظار و یا اضطراب بوجود نیاورند .
— نباید در مردم انتظار بیجا و زیادی بوجود آورد (مثلا درباره خانه ارزانتر وخدمات فراوانتر وارزانتر وحقوق بیشتر) .

دنباله در صفحه ۲

مبارزه در راه صلح ، مبارزه ایست دشوار ولـی ضرورو ثمر بخش

امپریالیسم جهانی و بررأس آن امپریالیسم امریکا در دوران ریاست جمهوری جیمس کارتر موج نیرومند جدیدی از مسابقهٔ تسلیحاتی در مقیاس کشورهای «ناتو» براه انداخته است . از آنجمله و بعنوان مثال از ساختن بمب نوترون (که انسان ها را میکشد ولی اشیاء راباقی میگذارد !) ، زیر دریائی های اتمی «ترایدنت» ، «موشکهای پرنده» (که میتواند از دیوارهای رادار نامشهود بگذرد) ، هواپیماهای استراتژیك «ب ۱» در امریکا و از ساختن «مافوق بمب» (زوپر بمبه) که همه چیز را میتواند نابود کند وتانك جدید «لئوپارد» و موشکهای تاکتیکی «میلان» و «رلاند» وموشکهای جهان پیمای «آریانه» در جمهوری فدرال آلمان ، میتوان سخن گفت . در جمهوری فدرال آلمان شرکت کذائی «مسرشمیت» (که اکنون «مسر شمیت بلکوف بلوهم» نام دارد) اسلحه تعرضی نامبرده را ساخته و علاوه بر خود ارتش آلمانی غربی ، ارتشهای امریکا و ایتالیا و فرانسه نیز از این تسلیحات استفاده خواهند کرد .

البته فهرستی که یاد کردیم بسیار ناقص است . زیرانه فقط در کشور های ذکر شده انواع سلاحهای نـو دیگر نیز ساخته میشود ، بلکه در دیگر کشور های پیمان تجاوزی اتلانتیك شمالی ، کنسرنهای اسلحه سازی ومؤسسات پژوهشی وابسته بـ آنها سخت مشغول کارند و نقشه ایجاد مراکز قدرت جدیدی در جهان و از آنجمله در آسیا دنبال میشود چنانکه مجله انگلیسی « میدل ایست » خبر میدهد حتی میخواهند تا چندسال آینده ایران را به ارتشی دارای قدرت نظامی ارتش آلمان فدرال (که ارتش دوم جهان سرمایه داری است) بدل کنند !

بهمین جهت در سال مالی ۱۹۷۷ بنابنوشتهٔ « نیویورك تایمس » ۶۰ درصد اسلحهٔ صادراتی امریکارا ایران خریده است ! نطق اخیر شاه در « پدافند ملی » راجع به ضرورت « جنگ میهنی » تدارك روحی همین اقدامات خائنانه‌است . در عین حال امپریالیسم امریکا و متحد ینش در کار پیشرفت مذاکرات نتیجه بخش در مورد تقلیل ارتش و تسلیحات در اروپای مرکزی (یعنی مذاکرات وین) و محدود کردن اسلحه استراتژیك هسته‌ای (یعنی مذاکرات ژنو موسوم به سالت) اشکال تراشی می کنند و آشکارافضای بین‌ـ

دنباله در صفحه ۲

طرح قانـون جدید کار در دشمنی با طبقه کارگر است

قبل از تغییر دولت ، طرح قانون جدید کار در ۱۸ فصل و ۱۳۰ ماده تنظیم و برای تصویب به مجلس داده شد . تجدید نظر در قانون کار و هماهنگ‌ساختن آن با نیازمندیهای واقعی طبقه کارگر چند میلیونی کشور ، یکی از خواستهای اساسی کارگران در سال های اخیر بوده است ، بنحوی که در سومین کنگره کارگران (اردیبهشت ۱۳۵۵) علیرغم فرمایشی بودن آن کارگران موفق شدندضرورت تجدید نظر درقانون کاررا بمنظور «ایجاد روابط عادلانه تر بین نیروی کار وسرمایه و همچنین ایجاد تأمین شغلی بیشتر برای کارگران» بصورت نخستین ماده در قطعنامه کنگره بگنجانند . استدلال کارگران آن بود که با توجه برشد کمی و کیفی کارگران ، قانون کار کنونی قادر به تنظیم روابط عادلانه و منطقی میان کارگر و کارفرما نیست و از اینجهت باید قانون جدیدی متناسب با وضع‌جدید بتصویب برسد ، که‌پاسخگوی نیازمندیهای طبقه کارگر بالندهٔ کشور باشد . اما طرح جدید قانون کار که مواد اساسی آن در روزنامه ها انتشار یافته ، نه تنها به «ایجاد روابط عادلانه و منطقی میان نیروی کار و سرمایه» و «ایجاد تأمین شغلی بیشتر برای کارگران» کمك نمیکند ، بلکه قانونی است ضد کارگری و ارتجاعی که به تشدید استثمار کارگران و تزلزل‌شغلی آنها کمك میکند ، قانونی است که در صورت تصویب حقوق کارگران را بسود سرمایه داران بهره کش لگد مال میکند . صفحات محدود «مردم» امکان تحلیل تمام مواد این قانون ضد کارگری را

دنباله در صفحه ۲

طرح قانون جدید کار در . . .

نمیدهد ، از اینجهت در اینجا فقط بر مهمترین مواد آن تکیه میکنیم و جنبه های ارتجاعی این قانون را نشان میدهیم :

از جمله مواردی که بموجب طرح جدید ، کار فرما حق دارد قرارداد کار را فسخ و کار گر را اخراج کند ، موردی است که «کار گر از روی عمد به تولید کار گاه خسارت وارد نماید» و یا «نحوه کار کار گر موجب نقصان قابل توجه کیفی و یا کمی محصول و خدمات کار گاه شود» . این هر دو مورد عکس العمل رژیم ارتجاعی در برابر مبارزات اعتصابی طبقه کارگر در سالهای اخیر است . همه میدانند که علیرغم رژیم ترور و اختناق ، مبارزه اعتصابی کار گران دامنه یافته و علاوه بر آن کارگران ، اعتصاب کم کاری را بعنوان شکلی از مبارزه علیه کارفرمایان استثمار گر بر گزیده اند . در صورت تصویب این طرح ، کارفرمایان خواهند توانست این دو ماده را چون شمشیر داموکلس بالای سر کارگران نگاه دارند و کار گران اعتصابی و یا سر کرد گان اعتصاب را از کار اخراج کنند ، خواهند توانست هر کار گر حق طلبی را بعنوان «مسبب نقصان تولید» از کارخانه بیرون بیندازند . کارگران ایران

۳۱ سال پیش تحت رهبری حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی موفق شدند اولین قانون کار را بدولت بقبولانند و حق اعتصاب را برای خود قانونی سازند ، در سالهای پس از کودتا این حربهٔ قانونی ، غیر قانونی شناخته شد ، و اکنون بجز حبس و شکنجه ، اخراج از کار هم به کیفر کارگران افزوده شده است . همین ماده در عین حال به کارفرما حق میدهد که بعناوین گوناگون دیگر و از جمله «سه روز غیبت بدون عذر موجه» ، «مختل ساختن نظم و انضباط کار گاه» ، «افشاء اسرار مربوط به تولید» ، «توهین به کارفرما و خانواده او» و غیره کار گر را اخراج کند . مضحک اینجاست که در اینگونه موارد حتی اگر کارفرما نتواند صحت دلایل خود را در مورد اخراج کار گر باثبات برساند ، باز هم مجبور به پذیرش مجدد کار گر و رفع خسارت از او نیست ، بلکه بموجب قانون فقط باید بازاء هر یکسال کار ۱۵ روز حقوق باو بپردازد و کار گر زحمتکشی را که باب طبع برده پسند او نیست بخیابان بیندازد . بدینسان مشاهده میشود که طرح جدید قانون کار برخلاف خواست اولیه کارگران نه تنها به تأمین شغلی آنان کمك نکرده است ، بلکه موارد تزلزل شغلی آنانرا بدرجات افزایش داده است تا کارفرما بآسانی بتواند خود را از شر کارگران ناراحت آسوده سازد .

درطرح جدید قانون کار آمده است که «اگر کارفرما بدلایل اقتصادی مجبور به تعطیل تمام یاقسمتی از کار گاه شود و وزارت کار محل تأیید کند ، میتواند قرار داد کار کارگران را با پرداخت مبلغی معادل ۱۵ روزمزد و حقوق برای یکسال سابقه کار گر ، یعنی در واقع با پرداخت چند صد تا چند هزار تومان فسخ و کا گران را اخراج کند . هم اکنون به نوشته روزنامه ها ، در اثر نبودن برق فقط در تهران ۱۸۰ کار خانه تعطیل شده و کار خیاطی‌ها ، آرایشگاهها و برخی دیگر از صنوف بحال نیمه تعطیل درآمده است. وقتی کارفرما در مورد تعطیل کارخانه بعلل اقتصادی مربوط به خود ، فقط موظف به پرد اخت ۱۵ روز حقوق برای یکسال پیشینه کار باشد ، روشن است که در مورد تعطیل تحمیلی از جانب دولت (مثلا قطع برق کارخانه) کوچکترین مسئولیتی برای خود نمیشناسد و باسانی کار گران بیکار میشوند ، بی آنکه هیچ مرجعی بفردای آنان اندیشیده باشد . هم اکنون سرنوشت دهها هزار کار گری که در اثر فقدان برق و تعطیل و یا نیمه تعطیل شدن کارخانه ها از کاربیکار شده‌اند ، نا معلوم و خود و خانواده هاشان محکوم به گرسنگی اند.

در طرح جدید قانون کار بزرگترین تعدی بحقوق زنان کارگر وارد آمده است . تحت عنوان دهان پر کن برابری حقوق زنان کار گر با مردان ، ماده مربوط به ممنوعیت کار شب برای زنان که حتی در قانون کار ارتجاعی سال ۱۳۳۷ وجود داشت حذف شده و تصریح کرده اند که زنان باید شبها نیز در مشاغل مختلف کار کنند ، بدون آنکه مقرراتی برای مراعات وضع زنانی که در شب کار میکنند تعیین و تصریح گردد . ارجاع کار های سخت و زیان آور مانند کار در معادن ، گنداب روها ، کشتار گاه ها ، حفر قنوات و کار هائی که باعث مسمومیت و بیماریهای ریوی ، پوستی و سوختگی میگردد بزنان و کودکان ، طبق قوانین پیشین کار ممنوع بود . اما طرح جدید با سکوت خود در این مورد ، ارجاع این نوع مشاغل را بزنان و کودکان مجاز دانسته است . چندی پیش روزنامه های دولتی باعنوان پر طمطراق «رفع تبعیض از زنان» ، نوشتند که کار زنان در معادن از طرف وزارت کار مجاز شناخته شد . طرح جدید تصریح میکند که محدودیت ساعات کار کارگران زن بر طرف گردید ، یعنی زنان همسان مردان مجبور به فروش نیروی کار خود حد اقل بمدت هشت ساعت در روز هستند . تمام موارد بالا که قانون بعلت خاص شرایط جسمی و انجام وظایف مادری مثلا حفاظتی را در مورد زنان کار گر ملحوظ داشته بود ، اکنون زیر عنوان رفع تبعیض از زنان حذف شده ، ولی تبعیضهای واقعی بر جای خود باقی مانده است . مثلا در مورد استخدام ، باز نشستگی و غیره حل آنرا به طرح جدیدی حواله نموده‌اند که مضمون آن هنوز انتشار نیافته و نامعلوم است . باید تأکید نمود در نظامی که پایه های آن بر بهره کشی انسان از انسان استوار است ، حق ، قانون و آئین نامه هم کاری از پیش نمیبرند ، چنانکه دستمزد برابر زن ومرد کار گر چندین دفعه است که در قوانین کار گنجانده شده و با این وجود زنان در برابر کار مساوی کمتر از نصف و یکسوم مردان مزد میگیرند .

مورد دیگر که در طرح جدید حق زنان کار گر پایمال شده ، مربوط به مرخصی دوران زایمان است . زنان کار گر حق دارند شش هفته قبل و شش هفته پس از زایمان مرخصی داشته باشند . در طرح جدید فقط تصریح شده کارفرما حق اخراج آنها را ندارد . اما تکلیف پرد اخت حقوق این دوران را روشن نکرده است . باید یاد آور شد که قانون کار ناقص سال ۱۳۲۵ تکلیف این دوران را روشن کرده و ضمن تبصره ای تا کید میکرد که : «نصف دستمزد این مدت از طرف کارفرما و نصف دیگر از طرف صندوق تعاون کار گاه باید پرد اخت شود» . اما اکنون پس از ۳۱ سال و رشد قابل توجه میزان اشتغال زنان ، بجای آنکه قانون بسود کار گران زن تکمیل شود ، چند گامی هم به عقب بر داشته و کارفرما و وزارت کاررا از پرد اخت دستمزد دوران زایمان معاف داشته است .

طرح جدید قانون کار که آشکارا چشم بر تشدید استثمار کار گران و حفظ منافع نا مشروع کار فرمایان دارد ، با مخالفت شدید کارگران روبر شده و باید بزباله دان انداخته شود . قانون کار باید هم آهنگ باخواستهای صنفی وسیاسی طبقه کار گر : شناخت حق اعتصاب ، حقوق دائمی سندیکائی ، برابری حقوق زنان و مردان کارگر تدوین شود . در شرایط کنونی ایران و جهان نمیتوان یك طبقه کار گر چند میلیونی را با شلاق و سرنیزه به برد گی و بهره دهی واداشت . در این زمینه تشکل و مبارزه متحد کار گران میتواند رژیم را بشناسائی حقوق آنان نا گزیر سازد .

مینو

حکومت استبدادای باید . . .

مملکت ناشی از ملت » و « شخص پادشاه از مسئولیت مبری » شناخته شده است .

در روز گار کنونی و موقعیت جغرافیائی حساس کشور ما ادارهٔ امورچنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استمداد از همکاری صمیمانهٔ تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام بشخصیت انسانها امکان پذیر میشود .

این مشروحه سر گشاده به مقامی تقدیم میگردد که چند سال پیش در دانشگاه ها وارد فرموده‌اند : « نتیجه تجاوز به آزادیهای فردی وعدم توجه به احتیاجات روحی انسانها ایجاد سرخورد گی است و افراد سرخورده راه منفی پیش میگیرند تا ارتباط خود را با همه مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیلهٔ رفع این سرخورد گیها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان باین حقیقت است که انسانها برده دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزار افراد مملکت است » و نیز به تاز گی درمشهد مقدس اعلام فرموده‌اند : « رفع عیب به وسیله هفت تیر نمیشود و بلکه بوسیله جهاد اجتماعی میتوان علیه فساد مبارزه کرد » .

بنابراین تنها راه باز گشت و رشد ایمان و شخصیت فردی و همکاری ملی و خلاصی از تنگناها و دشواریهائی که آینده ایران را تهدید میکند ترك حکومت استبدادی ، تمکین مطلق به اصول مشروطیت ، احیاء حقوق ملت ، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ، انصراف از حزب واحد ، آزادی مطبوعات و اجتماعات ، آزادی زندانیان و تبعید شد گان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی براکثریت نمایند گان منتخب از طرف ملت باشد و خود را برطبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند .

۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۶

مبارزه در راه صلح . . .

المللی را مسموم میسازند. فقط به برکت سیاست پر نرمش و مجدانه اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی و ابتکارات مکرر آنهاست که امید میرود مذاکرات ژنو به برخی نتایج فرعی بیانجامد .

سیاست صلح و تشنج زدائی ، از جهت اقتصادی واز جهت اجتماعی با مزاج امپریالیسم سازگار نیست و بهمین جهت تلاش سرمایه داری آنست که کماکان «سیاست از موضع قدرت» را بسود خود نگاه دارد تا بتواند قدرت جهانی خویش را از سیرنزولی نجات دهد . اما این روش بزیان منافع اکثریت مطلق بشریت است که خواستار صلح و امنیت جمعی و برابری حقوق است و لذا نمی‌تواند آینده داشته باشد .

امپریالیسم از مسابقه تسلیحاتی حد اقل سه سود می‌برد : اولا بازار گرمی را برای سود اگران مرگ (کمپلکس نظامی - صنعتی و محافل ناتو) نگاه میدارد. کمپلکس نظامی صنعتی -- از این بازار (که اکنون ۲۵۰ میلیارد دلار ظرفیت دارد) قصد ندارد صرف نظر کند ؛ ثانیا هدف آنست که کشور های سوسیالیستی بمنظور دفاع از خود مجبور شوند بخشی از وجوهی را که باید صرف نشان دادن مزایای زند گی اجتماعی و دمکراسی سوسیالیستی بکنند در جهت دفاع از دستاورد های انقلاب در مقابل دشمنان نیرومند و جانور صفت مصرف نمایند ، کارتر بر آنست که درست در این شرایط عوامفریبیهای او دربارهٔ « حقوق بشر » بهتر میتواند باصطلاح آنها به « پوك سازی » جوامع سوسیالیستی منجر شود و هسته ضد انقلاب را در این جوامع تقویت نماید ؛ ثالثاً امپریالیسم تصور میکند در جهان سرمایه و در « جهان سوم » باتکاء قدرت نظامی بهتر میتواند وضع را بسود سیاست ضد بشری استثمار واستعمار حفظ کند ومانع موفقیت جنبشهای رهائی بخش و انقلابی شود . این عوامل در دست کمپلکس نظامی - صنعتی ورقهای برندایست که سیاست کشورهای سرمایه داری‌را تحت تأثیر قرار دهند .

پس این سئوال پیش می آید : آیا میتوان علی رغم منافعی که امپریالیسم در تسلیحات دارد او را به امضاء قراردادهائی که‌جلوی مسابقه تسلیحاتیرا سد کند وادار کرد ؟ بنظر ما این کار در اثر تغییر فزاینده تناسب نیروهای اقتصادی ، نظامی و اجتماعی بسود سوسیالیسم و علیه امپریالیسم امری شدنی است . تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی ، اکنون پیروزیهای چشم گیر و درخشانی در اروپا ، هند و چین ، افریقا و در عرصه های مختلف حیات دوران ما بدست اورده است و این در حالتی بود که کشورهای سوسیالیستی دوران بسیار دشوار پس از جنگ را در پشت سرداشتند.

امروز پایه اقتصادی -- اجتماعی این کشور ها در مجموع بسی نیرومند تراست . لذا دلیل نیست که تعرض صلح در آینده نتواند به پیروزیهای مهمترو تازه تری برسد . ما جنگ را قابل احتراز و نیل به خلع سلاح را واو بشکل گام بگام قابل حصول میدانیم .

البته راه استقرار صلح پایدار راه درازی است ، رفیق برژنف گفت ما در قرن بیست ویکم وارد دوران یك صلح پایدار خواهیم شد زیرا برای یك صلح پایدار باید شرایط اجتماعی و سیاسی ضرور آن پدید آید . در این دوران شکیب وسر سختی در مشی درست و از جاده اصولیت انقلابی منحرف نشدن ، خصلتی است که سیاست کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی و صلحد وست جهان باید بآن آراسته باشد . این امر بویژه در جهانی ضرور است که در آن مواد قابل انفجارباندازه ای متراکم شده که با آن میتوان چند بار همه موجودات زنده روی زمین را نابود کرد . در این شرایط نبرد در راه صلح جهانی به شاهراه عمده ترقی تاریخی انسانیت بدل میگردد یعنی انقلاب جهانی و صلح جهانی با هم تلازمی انفکاك نا پذید می یابند .

ا . س .

سانسور ساواك . . ،

— باید حقوق و شئون مردم را رعایت کرد .

— در ترجمه مقالات خارجی احتیاط بیشتر بشود که جنبه حمله به ایران و رژیم آن و سیاستش ، حتی غیر مستقیم در آنها نباشد .

— از کشورهائی که با ایران را بطه دشمنانه دارند تعریف نشود و اخباری که بسود آنهاست منتشر نشود. هنگامیکه خبری‌ازخارج نقل میشود ، آنجائی که نام شاه میاید و منظور نویسنده کشور و یا حکومت ایران است ، بجای شاه میتوان نام ایران را گذاشت .

— هنگام بحث ونقل درباره مسائل خارجی حتی المقدور رعایت دوستان بشود . بخصوص کشورهائیکه حساسیت دارند مانند افغانستان ، حتی اگر از مطبوعات خارجی هم نقل بشود این کشورها نباید مورد حمله قرارگیرند . »

خوانند گان گرامی حتماتصدیق دارند که بر این « بخشنامه محرمانه » ، که از قرار اجراء عملی «آزادی بیان وقلم» ادعائی آقای آموز گار است ، لازم نیست تفسیر زیادی نوشته شود . فقط میتوان گفت که چنین بر خوردی به مسئله « آزادی بیان و قلم » ، یعنی یکی ازمهمترین ومبرم ترین خواستهای مردم ایران ، یکی از اساسی ترین حقوق مندرج در قانون اساسی واعلامیه جهانی حقوق بشر ، نفرت انگیز است ، فاجعه آمیز است ، و در جای خود حتی مضحك است . آخر چگونه میتوان انتقاد از شاه و خاندان سلطنتی و گماشتگان آنها و سیاست آنها [illegible] زارهای حکومت آنها و اربابان خارجی آنها ، و در یك کلمه رژیم استبدادی شاه را که در زمینه اقتصادی مردم ما را به فقرو محرومیت ، در زمینه سیاسی به خفقان و اسارت ، در زمینه خارجی به وابستگی به امپریالیسم محکوم کرده است ، ممنوع کرد و بعد از « ارج و حرمت » به « آزادی بیان وقلم » سخن گفت و دستور داد که « باید حقوق وشئون مردم رعایت شود » !

واما در « بخشنامه محرمانه » ضمن آنکه کوشش شده است سانسور مستقیم ساواك ، در قالب جدید ، یعنی بصورت سانسور خود ناشران مطبوعات در آید ، والبته ضمانت اجرای آنهم ذکرشده است که « مراجع رسمی » یعنی ساواك تصمیم گیرنده واقعی ونهائی است ، ترس ونگرانی رژیم هم از مردم منعکس شده است . و این البته ترس و نگرانی بجائی است. مردم ناراضی‌اند . مردم خشمگین اند . مردم نارضائی وخشم خود را بصورت تظاهرات واعتصابات واعتراضات بروزمید هند . مردم در کار آنند که مبارزه خود را برای تحقق خواستهای صنفی ، اقتصادی و سیاسی ، علیه رژیم استبدادی شاهو برای استقرار آزادیهای دمکراتیك تشدید کنند ، گسترش دهند و متحد کنند ، و این جنبش را حتی ترور و اختناق ساواکی نتوانسته استو نمیتوانسد متوقف سازد ، چه رسد به عوا[illegible] های آموز گارها و تلاشهای گردانند گان رژیم برای حفظ رژیم ساواکی باشکال جدید .

م . انوشه

در ارتش ایران . . .

افرادرا فاسد میکنند و آنان را بصورت کار گزاران بی فکر هیئت حاکمه در میاورد ، ولی این عوامل هرگز نمیتوانند رشته‌های پیوند ارتش را با خلق پاره کنند ، بویژه اینکه دو عامل بسیار مهم دیگر بطور دائم در جهت نگهداری این پیوند ، اثر میگذارد . یکی فساد بی بندوبار دستگاه حاکمه وبویژه خانوادشاه ودیگری حاکمیت نفرت انگیزاربابان‌امریکائی که بنام «مستشار» و «کارشناس» در ارتش ایران فرمانروائی دارند .افسران پاکدامن و میهن پرست می‌بینند که عمده ترین ملاك برای ارتقاء درجه و رسیدن به مقامات ارتشی سه چیز است : اول اینکه برده وار فرمان بردار و هر دستور جنایت‌باری راکور کورانه اجراکن ، دوم اینکه ازچپ و راست دزدی کن و سهم بالاترها را بدون کم و کاست برسان‌وسوم اینکه بهر گروهبان نالایق امریکائی کرنش کن و تملق بگو .

ما اطمینان داریم که آتش میهن پرستی و خدمت به خلق که با دست کلنل محمد تقی خانها ، سیامك‌ها ، روزبه‌ها روشن شده هر گز خاموش نخواهد شد ، هر اندازه هم که رژیم سیاه استبداد محمد رضا شاه بخواهد روی آنرا با خاکستر وگل و لای بپوشاند . این آتش بالا خره همراه بامجموعه جنبش میهن پرستانه و آزادیخواهانه مردم ایران شعله خواهد کشید و باآن بجای ارتش کنونی پایه‌های ارتش ملی و دمکراتیك ایران گذاشته خواهد شد .

روشن

ضمیمهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت روز شهیدان

درود به خاطرهٔ تابناك شهیدان حزب و جنبش



روز ۱٤ بهمن ، روز شهادت دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران «روز شهیدان» اعلام شده است . در این روز همهٔ ما از مردان قهرمانی یاد میکنیم که طی تاریخ معاصر کشور ما بسبب مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران ، رهائی و رفاه زحمتکشان ، دفاع از صلح و دوستی خلقها ، بدست دژخیمان رژیم و شاهان مستبد شربت شهادت نوشیدند .

یاد کرد شهیدان برای ما اجراء یك مراسم نیست بلکه یاد آوری آن وظیفهٔ مقدسی است که هرایرانی میهن‌پرست درقبال خاطرهٔ آنها، هرتوده‌ای درقبال حزب‌خود، در قبال جنبش رهائی بخش و مردم ایران دارد ، یعنی ادامهٔ مبارزه تا سرحد پیروزی .

ما از این فرصت استفاده می کنیم و بهمهٔ خانواده های شهیدان درود میفرستیم و از همه مردم خواستاریم که با تمام قوا از خانواده های شهیدان ، از کلیه زندانیان سیاسی و از همهٔ کسانی که بسبب عقاید اجتماعی مورد پیگرد وحشیانه ساواك قرار دارند و طعمهٔ خود سری و بی قانونی هستند حمایت کنند .

«مردم»

ضمیمهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیهٔ هیئت اجرائیه

کمیته مرکزی حزب توده ایران در بارهٔ

اخراج ایرانیان از عراق

اکنون بیش از دو ماه است یکی از نکات عمده در روابط دولتی ایران و عراق مسئله اخراج ایرانیان از عراق است. جراید خارجی تعداد رانده شدگان را تا ۶۰ هزار نفر تخمین میزنند. گفته میشود که بقریب ۲۵۰ هزار نفر ایرانی ساکن عراق اخطار شده است که باید این کشور را ترك گویند. موافق آماری که اخیراً استاندار کرمانشاه داده است از هفتم مهر ماه سال ۱۳۵۰ تا ۱۲ دیماه قریب ۲۷ هزار نفر از طریق مرز خسروی و بیش از هزار و صد نفر از نقطه مرزی دیگر بایران رانده شده اند. از این عده اکنون ۶ هزار نفر در اردوگاهها بسر میبرند و قریب ۲۱ هزار نفر به شهرستانها گسیل شده اند.

حزب ما پیوسته از جنبش رهائی بخش مترقی و ضد امپریالیستی عرب و نیز ازمواضع مترقی دولت عراق در نبرد علیه امپریالیسم و بخاطر ترقی اجتماعی دفاع کرده است ولی روشن است که حزب ما با رفتار دولت عراق در مورد ایرانیانی که برخی طی دو سه نسل ساکن عراقند و در اکثریت مطلق در عراق زائیده شده و پرورش یافته اند نمیتواند کوچکترین موافقتی داشته باشد. این رفتار، یعنی راندن اجباری و خشن افراد و خانواده ها از زادبوم و خانه وکاشانه خود مغایر اصول انسانی است. بعلاوه این روش ازجهت آنکه وسائل تبلیغی قوی بدست مخالفین جنبش‌رهائی بخش ضد امپریالیستی اعراب میدهد مدبرانه نیز نیست و تنها موجب وخیم شدن روابط برادرانه و سنتی خلقهای ایران و عرب است و بهانه فتنه انگیزی بدست محافل امپریالیستی و ارتجاعی میدهد و با سیاست همه کشور های صلحدوست که خواستار دوستی و همکاری خلها هستند تباین صریح وآشکار دارد. هم اکنون در اطراف این جریان دولت ایران پر سر و صدا ترین تبلیغات را براه انداخته است که اوج آن اجتماع اخیر مسجد حاج سید عزیز الله بود. دولت ایران این تبلیغات را با برانگیختن احساسات شدید مذهبی همراه ساخته، و نظیر این تبلیغات با روح افراطی و نا سالم ناسیونالیستی از طرف دولت عراق نیز با شدت تمام براه انداخته شده است. بدینسان روابط بسیار وخیمی بین دو کشورهمسایه ایران و عراق بوجود آمده است که هرگز سابقه نداشته و مایه تأسف عمیق همه کسانی است که خواستار دوستی خلق های ایران و عراقند.

حزب ما نسبت بسرنوشت هزاران خانواده ایرنی که نه تنها از محل زندگی خود رانده شده‌اند بلکه اکنون در اردوگاههای تحت کنترل ساواك با وضع دشوار و گاه حقارت آمیزی بسر میبرند سخت نگران است. سرنوشت این هموطنان هر ایرانی را اندوهگین و آزرده خاطر میکند. ما خواستاریم که دولتهای ایران و عراق بجای براه انداختن تبلیغات فتنه انگیزانه مذهبی و ملی و نژادی به اقدامات مجدانه برای حل مسالمت آمیز مسئله در روح انساندوستی و برادری خلقهای ایران و عراق دست زنند. ما خواستاریم که برای تأمین محل زندگی و کار راندگان برای واگذاری امور رانده شدگان به مؤسساتی غیر از ساواك اقدام شود.

ما از همه هموطنان عزیز متوقعیم بیاری آوارگان ایرانی برخیزند و ضمناً با مبارزه و مقاومت خود مقامات دولتی را از اقداماتی که تنها میتواند وضع را وخیم تر کند و بین ایران و عراق روابط را بیشتر تیره و تار سازد بازدارند و خود بجریانات ناسالم کشیده نشوند.

منافع خلقهای ایران و عراق، منافع صلح خاور میانه موازین انسانیت میطلبد که دولتهای ایران و عراق جریان ناسالم کنونی را متوقف کنند و بمذاکرات سیاسی، با مراعات روح حسن همجواری در چار چوب مقررات حقوق بین الملل برای فیصله‌صلح آمیز این مسئله دست زنند و بویژه احترام به سرنوشت کسانی را که قربانی این روشهای ناسالم و غیر مدبرانه شده‌اند در مد نظر قرار دهند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب‌توده‌ایران
۱۶ دیماه ۱۳۵۰

ضمیمهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیهٔ

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت درگذشت رفیق عبدالصمد کامبخش دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرائیهٔ کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز حزبی !

هموطنان ارجمند !

رفیق عبدالصمد کامبخش ، دبیر کمیته مرکزی، عضو هیئت اجرائیه حزب توده ایران یکی [illegible] مبارزان پرسابقه و از پیش کسوتان جنبش کمونیستی در ایران ، در سن ٦٨ سالگی روز چهارشنبه ١٩ آبانماه ١٣٥٠ (برابر با ١٠ نوامبر ١٩٧١) در اثر سکته قلبی درگذشت و ما را برای همیشه ترك گفت. درگذشت رفیق فقید عبدالصمد کامبخش ضایعه بسیار سنگین برای حزب ما و جنبش انقلابی ایران است . حزب در وجود او یکی از رهبران با تجربه ، یکی از مبارزان مؤمن ، یکی از رفقای مشفق و مهربان و یکی از اعضاء شریف و فداکار خود را از دست داد. در این واقعه بحق همه رفقای ما ، همه دوستان و آشنایان کامبخش در اندوه و تأثری عمیق فرورفته اند .

رفیق کامبخش از اوان جوانی وارد جنبش انقلابی شد و در سال ١٣٠٢ شمسی به حزب کمونیست ایران پیوست . وی نخست تحص[illegible] خود را در رشته خلبانی و مکانیك هواپیما در اتحاد شوروی گذراند و مدتی در جامهٔ افسری رئیس آموزشگاه فنی هواپیمائی ارتش ایران بود . سپس در اثر فعالیت انقلابی باز داشت و از ارتش اخراج گردید . رفیق کامبخش از سال ١٣١٣ بهمراه رفیق شهید دکتر تقی ارانی و رفیق شهید سیامك حزب کمونیست را که در اثر ضربات ارتجاع متلاشی شده بود تجدید سازمان کرد . در سال ١٣١٦ بار دیگر زندانی شد . درجریان بازداشت اخیر به زندانهای بد آب و هوای جنوب فرستاده شد . فقط پس از سقوط دیکتاتوری رضا شاه رفیق کامبخش امکان یافت به تهران باز گردد و بحزب توده ایران که در آنهنگام فعالیت میکرد بپیوندد . در کنگرهٔ اول حزب رفیق کامبخش به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و تا آخر عمر در این سمت باقی ماند . در مجلس چهاردهم رفیق کامبخش بنمایندگی قزوین بوکالت انتخاب گردید و در فراکسیون توده فعالیت کرد . وی یکی از بنیادگزاران سازمان نظامی حزب توده ایران بود و در پرورش افسران انقلابی فعالیت فراوانی کرد . در سال ١٣٢٦ مجبور به مهاجرت گردید . در مهاجرت از کار سیاسی و سازمانی حتی لحظه ای باز نایستاد.



از پلنوم چهارم یعنی از سال ١٣٣٦ بعضویت هیئت اجرائیه و دبیری حزب برگزیده شد و تا واپسین دم زندگی در این سمت باقی بود و با هیجان تمام و با وجود بیماری سخت بدون اندك توجه به تندرستی خود وظائف سازمانی و تبلیغاتی را انجام میداد .

در ایام مهاجرت رفیق کامبخش آکادمی علوم اجتماعی را در شهر مسکو بپایان رساند و بدریافت درجه نامزد علوم تاریخ نائل گردید. وی در رشته تاریخ جنبش کارگری در ایران مقالات متعددی در مطبوعات حزبی منتشر کرد و در تدارك و تدوین مجموعه‌ای از این مقالات بود که مرگ رشته عمرش را گسست. حزب مجموعه این مقالات را در نخستین فرصت منتشر خواهد کرد .

در دهساله اخیر رفیق کامبخش سخت بیمار بود . علیرغم توصیه پزشکان و رفقا ، وی که عشقی خاموش نشدنی به کار سیاسی و مبارزه حزبی داشت تا آخرین لحظه زندگی در سنگر مبارزه باقی ماند و حتی از میزان فعالیت خود نیز نکاست زیرا از زندگی بدون محتوی و عبث نفرت داشت و با اراده ای محکم ، علیرغم رنجهای بیماری ، وظائف خویش را انجام میداد .

رفیق فقید کامبخش دارای صفات برجسته ای بود . وی یك کمونیست و انترناسیونالیست ، یك میهن پرست پرشور و یك حزبی با انضباط ، یك انسان نازنین ، فروتن ، دلسوز ، یك دوست مشفق و وفادار بود . صفات عالی اجتماعی و انسانی کامبخش او را در محیط حزبی و اجتماعی فوق العاده محبوب کرده بود . بهمین جهت همه کسانی که با او آشنا بودند درگذشتش را با تأثری عمیق تلقی کردند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه را بهمهٔ رفقای حزبی ، بهمه دوستان و بازماندگان رفیق فقید ، بویژه به همسر وفا دارش رفیق دکتر اختر کامبخش تسلیت میگوید .

درود بخاطرهٔ تابناك رفیق و دوست عزیز ما عبدالصمد کامبخش !

کمیته مرکزی حزب توده ایران
٢٠ آبانماه ١٣٥٠
(برابر با ١١ نوامبر ١٩٧١)